



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



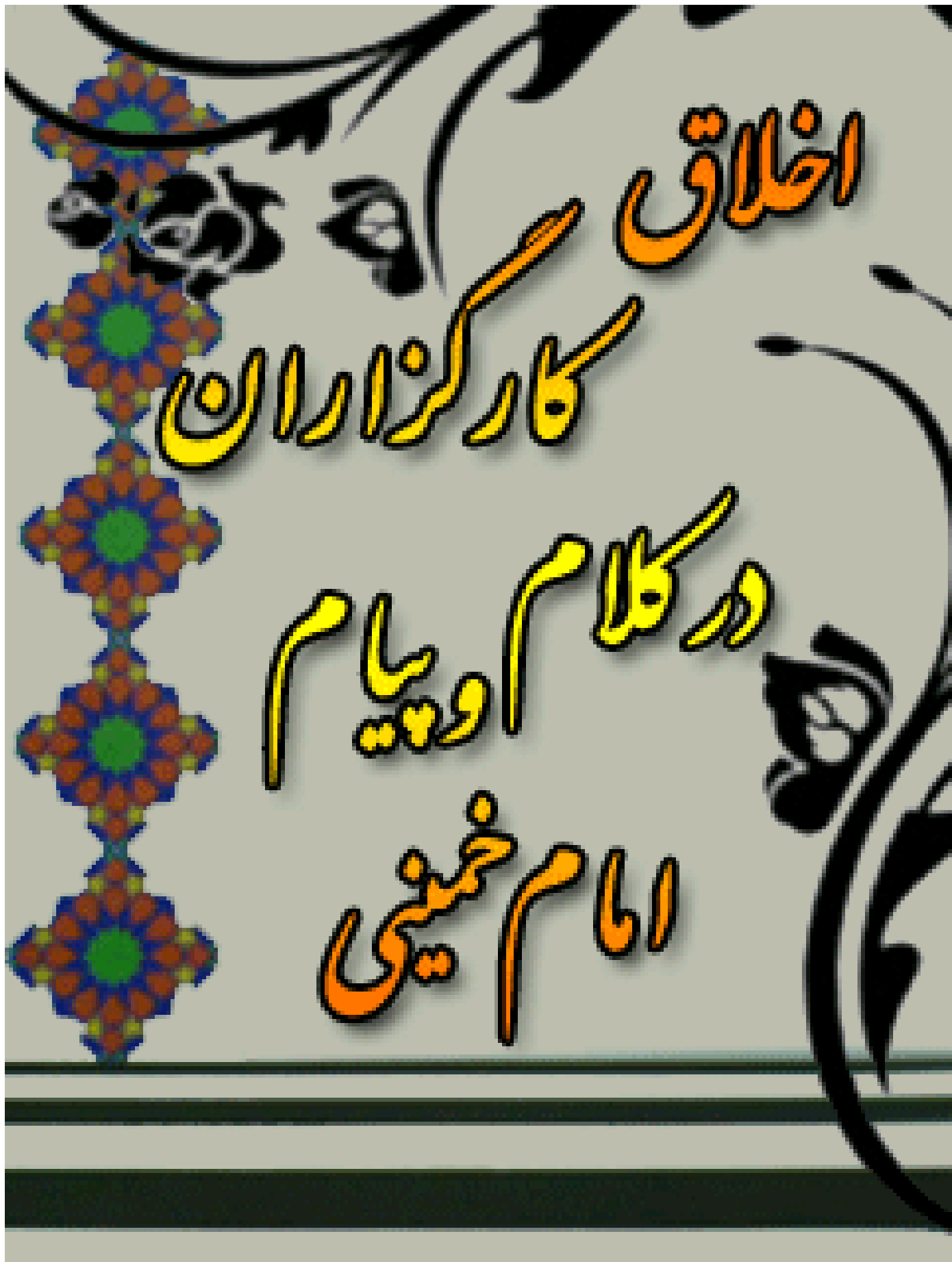
رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اخلاق
کارکنان

در کلام او پیام

امام خمینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی قدس سره الشریف

نویسنده:

بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی استان تهران (قم)

ناشر چاپی:

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۳۱ اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی قدس سره الشریف
۳۱ مشخصات کتاب
۳۱ مقدمه ناشر
۳۱ مقدمه : هدف از حکومت و مسئولیت در اسلام
۳۱ تحقق عدالت و معنویت در اسلام
۳۱ حکومت جنبه عملی فقه است
۳۲ حکومت اسلامی ، نظامی سعادت آفرین
۳۲ اسلام دین حکومت و معنویت
۳۴ نمونه ای از حکومت اسلامی
۳۴ حکومت امیر مؤمنان ، درس عبرتی برای اسلام و مسلمین
۳۴ حکومت مولا علی (ع) ، جشن بسط عدالت
۳۵ حکومت عقل ، حکومت عدل و ایمان است
۳۵ انبیاء بزرگ ، پایه گذاران عدالت و آزادی
۳۶ زندگی حاکم اسلامی از همه ساده تر است
۳۶ شخصیت حضرت امیر (ع) ، نمونه ای کامل برای حاکم اسلامی
۳۷ عمده در حکومت اسلامی ، خدمت به اسلام و مردم است
۳۷ همه در خدمت به منزله اعضای یک انسان باشید
۳۸ مسؤ ولین نظام اسلامی در مقابل خدا و مردم مسؤ ول هستید
۳۹ فعالیت مسؤ ولین در نظام اسلامی ، عبادت است
۳۹ بعد معنوی کار مسؤ ولین متعهد و دلسوز را فقط خدا می داند
۴۰ جنت لقاءالله بالاترین پاداش خادمین اسلام است
۴۰ برادری و رحمت

- ۴۰ اشاره
- ۴۱ دلسوزی و همدردی حضرت امیر (ع) برای مردم
- ۴۲ در مملکت اسلامی رعب نیست
- ۴۲ خدمت به مردم مایه آرامش قلبی و راحتی وجدان
- ۴۳ ایران را یک محیط محبت کنید
- ۴۳ سعادت ما در دوستی و برادری است
- ۴۴ پیاده کردن محتوای اسلام
- ۴۴ جمهوری اسلامی باید با محتوی باشد
- ۴۴ دشمنان از محتوای اسلام می ترسند
- ۴۵ صورت بدون محتوی
- ۴۶ حکومت باید محتوی داشته باشد
- ۴۶ در مملکت اسلامی باید قوانین اسلامی تحقق پیدا کند
- ۴۷ اگر محتوا اسلامی نباشد ، حکومت اسلامی نیست
- ۴۷ باید عملا حق را پیاده کنیم
- ۴۸ اگر محتوای اسلام پیاده شود ، حکومت اسلامی یک مکتب نمونه خواهد بود
- ۴۸ فصل اول : صفات مسئولین در نظام اسلامی
- ۴۸ ۱ - تزکیه ، ایمان و تقوی
- ۴۸ تزکیه عامل طاغوت زدایی
- ۴۹ تزکیه نفس ضرورت زمامداری است
- ۵۰ مقام برای افراد تزکیه نشده خطرناک است
- ۵۰ تا تزکیه در رده های بالا حاصل نشود مملکت اصلاح نخواهد شد
- ۵۰ اصلاح و تهذیب نفس ، مسؤ ولیتی خطیر برای تحقق احکام اسلام
- ۵۱ فداکاری ریشه در ایمان دارد
- ۵۱ مملکت ما احتیاج به انسان مؤ من دارد

- ۵۲ تطمیع و تهدید در مؤ منین اثر ندارد
- ۵۲ مبداء همه خیرات و ترقیات ایمان است
- ۵۲ همیشه توجه به خدا داشته باشید
- ۵۳ کسی که کارش را با خدا درست نکند نمی تواند مردم را اداره کند
- ۵۳ کسی که خودش آدم نیست نمی تواند برای آدم ها کار بکند
- ۵۴ شرط دلسوزی برای مردم معنویت و عقیده به توحید است
- ۵۴ کسانی که ایمان ندارند نمی توانند به مردم خدمت کنند
- ۵۴ کسی که مبادی معنوی ندارد نمی تواند برای مردم کوشش کند
- ۵۵ ایمان انسان را قدرتمند می کند
- ۵۵ مدرس قدرتمند بود برای اینکه الهی بود
- ۵۵ تقوی برای مسؤ ولین ضروری تر است
- ۵۶ با تقوی می توان به اسلام خدمت کرد
- ۵۶ اگر تقوی داشته باشیم هیچ آسیبی به مملکت ما وارد نمی شود
- ۵۷ باید برای مسؤ ولیت پذیری خود را مهذب نمود
- ۵۷ تا اصلاح نکنیم خودمان را نمی توانیم کشورمان را اصلاح کنیم
- ۵۷ ۲ - جلب رضای خدا
- ۵۸ خودی را کنار بگذارید و خدا را توجه کنید تا مسائل دیگر حل شود
- ۵۸ حق را ملاحظه کنید و آنکه مرضی خداست
- ۵۹ خود را وقف خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان بنمائید
- ۵۹ خدمت برای خدا عبادت است
- ۶۰ خدمت به اسلام از بزرگترین عبادات است
- ۶۰ توجه کنید کارها خدمت برای خدا باشد
- ۶۰ باید تمام هم خود را برای جلب رضای خدا به کار گرفت
- ۶۲ عمده این است که ما آن دنیا آبرو داشته باشیم

- هر قدمی که برای کشور اسلامی برمی دارید پیش خدا محفوظ است ۶۲
- برای خدا به بندگان خدا خدمت کنید ۶۲
- اگر خلوص برود ، دست خدا هم برداشته می شود ۶۳
- وعده نصرت خدا در قبال خدمت خالصانه ماست ۶۳
- نصرت خدا ، نصرت بندگان خداست ۶۴
- سعید این است که همه چیز را برای (او) بخواهد ۶۵
- جنت لقاءالله بالاترین پاداش خادمین اسلام است ۶۶
- علائم خدمت برای خدا ۶۶
- ۳ - ساده زیستی ۶۸
- روش حکومت انبیاء و اولیاء ۶۸
- نمونه هایی از ساده زیستی حضرت امیر (علیه السلام) ۷۰
- ۱- زندگی ساده ۷۰
- ۲- کار کردن مثل دیگران ۷۰
- ۳- غذای ساده ۷۱
- ۴- رفتار حضرت امیر (علیه السلام) ۷۱
- ۵- پوشاک ساده ۷۱
- ۶- پایین ترین سطح زندگی ۷۲
- ۷- نحوه معاشرت با دیگران ۷۴
- ۸- رفتار با بیت المال ۷۵
- عواقب خروج مسؤ ولین از زندگی ساده ۷۵
- ۱- شکست اسلام ۷۶
- ۲- مطرود شدن از طرف مردم ۷۶
- ۳- دور شدن از ارزشهای معنوی ۷۷
- ۴ - آفت دنیا و آخرت ۷۷

- ۵- سقوط از حیثیت در جامعه ۷۸
- ۶- تن به ذلت دادن ۷۸
- ۷- بی محتوا شدن کارها ۷۹
- ۴ - اعتماد به نفس ۷۹
- ۵ - صبر و استقامت ۸۱
- راه حق و تحمل مشکلات ۸۱
- هر راه حقی مشکلات دارد ۸۱
- حفظ ارزشهای انسانی زحمت دارد ۸۲
- هر کس برای اقامه عدل قیام کرده سیلی خورده ۸۲
- استقامت در کارها در راس امور است ۸۳
- ثمرات استقامت ۸۴
- فریاد مؤ من بر همه چیز غلبه می کند ۸۴
- مسئله کناره گیری ۸۵
- ۶ - تعهد به موازین و معیارهای اسلامی ۸۶
- ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور ۸۶
- کارها باید بر اساس اسلام باشد ۸۶
- باید بر اساس اسلام حرکت کنیم ۸۷
- مهم این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم ۸۷
- مبادا از حرفهای خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم ۸۸
- محکم باشید و به چیزی به جز اسلام و قرآن فکر نکنید ۸۸
- مردم ما به حفظ اسلام و اصول انقلاب فکر می کنند ۸۸
- باید تمام امیال خویش را فدای میل اسلام کنیم ۸۹
- هدف از انقلاب تحقق اسلام بود ۸۹
- باید همه فکر این معنا را بکنیم که رژیممان را اسلامی کنیم ۹۰

- ۹۰ باید تلاش کرد که واقعیت اسلام تحقق پیدا کند
- ۹۱ همه موظفند وظایف الهی خود را انجام بدهند
- ۹۱ ما موظفیم خودمان عمل کنیم و دیگران را هم وادار کنیم
- ۹۲ همه روی وظیفه شان عمل کنند
- ۹۲ باید محتوی را اسلامی کرد
- ۹۳ در مقابل احکام خداوند خاضع باشید
- ۹۳ از هیچ کس و هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسید
- ۹۴ در عمل به حق از ملامت بدخواهان نباید هراس داشت
- ۹۵ نباید از اسلام تخطی نمود
- ۹۵ باید مجریان امور در هر جا که هستند متعهد به اسلام باشند
- ۹۵ باید معتقد به تمام اصول اسلام بود
- ۹۶ باید مراکز ما آثار و علائم اسلامی داشته باشد
- ۹۷ جمهوری اسلامی باید محتوایش اسلامی باشد
- ۹۷ خودتان را مقید و متعهد به اسلام بدانید
- ۹۷ باید حدود و ثغور اسلامی را حفظ کنیم
- ۹۸ جمهوری اسلامی باید محتوایش تحقق پیدا کند
- ۹۹ ملتی که برای خدا و اسلام قیام کرده است سرد نمی شود
- ۹۹ - ۷ - اشاعه معنویت و اقامه عدالت
- ۹۹ انبیاء برای خدمت های معنوی و اقامه عدل مبعوث شده اند
- ۹۹ باید تلاش کرد که فتنه از عالم برداشته شود
- ۱۰۰ جنگ ها ، صلح ها و عدالت اجتماعی در نظر انبیاء برای توسعه معرفت است
- ۱۰۰ دعوت خداوند از مردم برای جنگ جهت توسعه رحمت است
- ۱۰۱ انبیاء برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را شکوفا کنند
- ۱۰۱ حکومت اسلام در عین حالی که معنویت را تصحیح می کند باید اقامه عدل کند

- ۱۰۲ همه باید در تقویت معنویات و اقامه عدل ، مشارکت کنند
- ۱۰۲ انقلاب ما متکی به معنویات و خداست
- ۱۰۲ طبع کاخ نشینی با تربیت صحیح منافات دارد
- ۱۰۳ ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدااییم
- ۱۰۳ اکثر این خوی های فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است
- ۱۰۴ تا معنویات محفوظ است ، جمهوری اسلامی محفوظ است
- ۱۰۴ اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیت سالم ، کشور شما سالم می ماند
- ۱۰۴ حکومت اسلامی است که انسان را رو به معنویات می برد
- ۱۰۵ انبیا می خواهند که انسان درست کنند
- ۱۰۶ باید عملا و واقعا حکومت حضرت امیر (ع) را الگو قرار داد
- ۱۰۶ آن وقت جمهوری ما اسلامی می شود که همه جای آن حکومت الهی باشد
- ۱۰۷ روح ایمان و اسلامیت را در پرسنل زنده نگه دارید
- ۱۰۷ به عدالت با مردم رفتار کنید
- ۱۰۸ عدالت در قضاوت
- ۱۰۸ ۸ - رعایت عدالت و امانت
- ۱۱۰ ۹ - انجام تکلیف
- ۱۱۱ همه ما مأمور به ادای تکلیف هستیم
- ۱۱۱ ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم
- ۱۱۱ باید هر فردی خودش را مکلف به خدمت بداند
- ۱۱۲ امروز ، روز خدمت و انجام مسؤ ولیت الهی است
- ۱۱۳ مهم این است که افراد هر یک خودشان را مسؤ ول بدانند
- ۱۱۳ ملاک شکست یا پیروزی انجام تکلیف الهی است
- ۱۱۳ ما می خواهیم تکلیفمان ادا بشود
- ۱۱۴ قرآن همه ما را مکلف کرده که کار کنیم

- آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد ۱۱۴
- تکلیف را باید با درایت و دقت انجام داد ۱۱۵
- ۱۰ - حکومت بر قلوب ۱۱۵
- سلامت کشور در تفاهم ملت و دولت است ۱۱۵
- نمونه هایی از رفتار حضرت امیر (ع) در جلب رضایت مردم ۱۱۵
- حکومت بر قلوب ، حکومتی شیرین است ۱۱۷
- کوشش کنید که قلوب مردم را بدست آورید ۱۱۷
- کاری بکنید که مردم به شما محبت کنند ۱۱۸
- اگر مردم پشتیبان حکومتی باشند ، این حکومت سقوط ندارد ۱۱۸
- این مردم خوب را با خودتان همراه کنید ۱۱۸
- حالی کنید به مردم که خدمتگزارید ۱۱۹
- جلب نظر مردم از اموری است که لازم است ۱۱۹
- فتح قلوب بالاتر از فتح کشورهاست ۱۱۹
- باید جوری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند ۱۲۰
- پایگاه مردمی اساس استحکام نظام است ۱۲۰
- با تواضع دل مردم را بدست آورید ۱۲۱
- رضای ملت ، رضای خدا ۱۲۱
- خائن ها چون می ترسند از مردم ، محیط رعب ایجاد می کنند ۱۲۱
- باید کاری کنید که محبت مردم را جلب کنید ۱۲۲
- عقل اقتضا می کند که با مردم رفتار اسلامی داشته باشیم ۱۲۲
- جدیت کنید با مردم رفتارتان خوب باشد ۱۲۳
- راههای جلب رضایت مردم ۱۲۳
- ۱۱ - خدمت گزاری و مردمی بودن ۱۲۶
- شرط عدم جدایی ملت از مسؤ ولین ، خدمتگزاری به مردم است ۱۲۶

- ۱۲۶ باید لفظاً و عملاً به مردم حالی نمود که ما خدمتگزاریم
- ۱۲۷ حکومت اسلامی حکومت خدمت است
- ۱۲۸ اذیت مردم جرم نابخشودنی است
- ۱۲۸ باید به مردم خدمت کرد
- ۱۲۹ حاکم باید مردمی باشد
- ۱۳۰ اسلام حکومتها را موظف به خدمت کرده است
- ۱۳۰ علت سقوط شاه عدم خدمت به مردم است
- ۱۳۱ در نظام اسلامی خدمتگزاری مطرح است
- ۱۳۲ دولت‌ها باید خدمتگزار ملت‌ها باشند
- ۱۳۲ اگر مردم سادگی و خدمتگزاری از مسؤ ولین ببینند، فطرتاً علاقه مند به آنها می‌شوند
- ۱۳۳ محبت به مردم، محبت متقابل می‌آورد
- ۱۳۳ خدمت به بندگان خدا، خدمت به خداست
- ۱۳۴ خودتان را خدمتگزار بندگان خدا بدانید و به آنان بزرگی نفرشید
- ۱۳۴ مسؤ ولین باید با مردم هماهنگ باشند
- ۱۳۵ انبیاء خودشان را خدمتگزار می‌دانستند، نه حاکم
- ۱۳۶ تفاهم بین ملت و دولت باید در راس برنامه‌های دولت باشد
- ۱۳۶ باید همه خدمتگزار باشیم برای ملت
- ۱۳۷ باید به مردم ارزش بدهیم
- ۱۳۸ نحوه ارزش نهادن رهبران اسلام و کفر به مردم
- ۱۳۹ مردم را از خودتان بدانید
- ۱۳۹ برخورد تحقیرآمیز با مردم از خصوصیات طاغوتیان است
- ۱۴۰ رضای خدا، در رضایت مردم است
- ۱۴۰ علت پشتیبانی مردم، مردمی بودن دولت است
- ۱۴۱ وجود واسطه با مردم، خلاف ادب اسلام است

- ۱۴۱ باید با تمام قدرت برای محرومین دلسوزی کرد
- ۱۴۱ با محرومین بهتر از دیگران رفتار کنید
- ۱۴۲ مسؤلین موظفند با فقرا و مستمندان بیشتر حشر و نشر داشته باشند
- ۱۴۳ گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد
- ۱۴۳ هر چه به این ملت خدمت بکنیم کم است
- ۱۴۳ با ملت خوب رفتار کنید خداوند با شما رحمت خواهد کرد
- ۱۴۴ خودتان را حاکم مردم ندانید ، خدمتگزار بدانید
- ۱۴۴ همتان را صرف خدمت به ملت کنید تا پیش خدا آبرومند باشید
- ۱۴۵ ارزش هر خدمتی موافق ارزش آن کسی است که برایش خدمت می‌کنیم
- ۱۴۵ خدمتگزاری به جمهوری اسلامی همان مجاهده در راه خداست
- ۱۴۶ خدمت به مردم ، آرامش قلبی می‌آورد
- ۱۴۶ آرامش روحی ، در خدمت به مردم است
- ۱۴۷ به مملکت رسول خدا و صاحب الزمان خدمت کنید
- ۱۴۷ به کشور خودتان خدمت بکنید
- ۱۴۷ یکی از بزرگترین جهات معنوی خدمت به خلق الله است
- ۱۴۸ ۱۲ - تواضع در مقابل مردم
- ۱۴۸ وقتی قدرت دستتان آمد بیشتر مواظب باشید که (متواضع) باشید
- ۱۴۸ با محرومین با کمال تواضع رفتار کنید
- ۱۴۸ محرومین لایق این هستند که ما با تواضع به خدمت آنها برویم
- ۱۴۹ ۱۳ - خوش برخوردی
- ۱۴۹ برخورد های حکیمانه بزرگان اسلام با مردم
- ۱۵۰ درشتی با مردم خدمت های ارزنده شما را محو می‌کند
- ۱۵۰ کارها با ملایمت و راءفت بهتر انجام می‌گیرد
- ۱۵۱ با ملت خودتان رحیم باشید

- ۱۵۱ با خوشروئی و احترام کار مردم را انجام بدهید
- ۱۴ - ۱۵۲ خضوع در مقابل قانون
- ۱۵۲ در اسلام فقط قانون خدا حکومت می کند
- ۱۵۲ عمل نکردن به قانون خدا ، خلاف تعهد اسلامی است
- ۱۵۳ در زمان پیامبر (ص) هم قانون حکم می کرد
- ۱۵۳ همه در مقابل قانون مساوی هستند
- ۱۵۴ شرافت انسانها به تبعیت از قانون خداست
- ۱۵۴ قانون نسبت به همه افراد یک طور جریان دارد
- ۱۵۵ حکومت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر (علیه السلام) ، مصداقی برای حکومت قانون
- ۱۵۵ هیچ جای دنیا مثل حکومت حضرت امیر (ع) اقامه قانون نشده
- ۱۵۶ تخلف از قانون جرم است
- ۱۵۶ حکومت اسلام ، حکومت قانون است
- ۱۵۷ شخص اول حکومت اسلامی اگر خلاف بکند معزول خواهد بود
- ۱۵۷ هیچکس حق تخلف از قانون را ندارد
- ۱۵۸ ولی فقیه مسؤ ول اجرای قانون است
- ۱۵۸ همه باید در مقابل قانون خاضع باشیم
- ۱۵ - ۱۵۹ انجام وظیفه و عدم تداخل در کارهای دیگر
- ۱۵۹ قوام نظام اسلامی بر اتحاد در روش است
- ۱۵۹ بهترین مأمور کسی است که مأموریت خودش را خوب عمل بکند
- ۱۵۹ اگر هماهنگ باشیم ما برده ایم
- ۱۶۰ همه مکلفند شرعا به وظایف قانونی خود عمل کنند
- ۱۶۰ تخلف از قانون برای هیچ کس جایز نیست
- ۱۶۱ کار هر کس ، محل آزمایش اوست
- ۱۶۱ هر کس در هر کاری مشغول است آن را خوب انجام بدهد

- ۱۶۱ آنهایی که خدمت می کنند توجه کنند که خداوند و ملائکه مواظب آنها هستند
- ۱۶۲ هر کس در هر جا هست آنجا را درست کند
- ۱۶۲ اگر هر کس محل کار خود را اصلاح کند ، جامعه اصلاح می شود
- ۱۶۳ همه باید مراعات کنیم و همه مسؤول هستیم از کاری که می کنیم
- ۱۶۳ اگر کسی خلاف کرد برادرانه به او بگوئید
- ۱۶۴ اگر هر کس محل کار خود را اصلاح کند همه جا اصلاح می شود
- ۱۶۴ هر کس در هر جا هست خوب کار بکند
- ۱۶۴ کار بد دیگران را شما سرمشق قرار ندهید
- ۱۶۵ باید کارها را با هم مخلوط نکنیم
- ۱۶۵ اگر هر کس در هر کاری دخالت کند هیچ کدامش را نمی تواند انجام دهد
- ۱۶۶ همه تان روی مرز قانون عمل کنید
- ۱۶۷ کارشکنی و تضعیف یکدیگر موجب انحطاط و سقوط می شود
- ۱۶۷ تضعیف یکدیگر جرم بسیار بزرگی است
- ۱۶۸ همه روی قانون عمل بکنند
- ۱۶۸ هر نهادی موظف است وظائف خود را انجام دهد
- ۱۶۸ پایداری به این است که هر کس در هر شغلی هست آنجا را خوب عمل کند
- ۱۶۹ هر کس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام دهد
- ۱۷۰ - ۱۶ اهمیت به بیت المال و پرهیز از کم کاری
- ۱۷۰ رفتار حضرت امیر (علیه السلام) با بیت المال
- ۱۷۰ بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید
- ۱۷۱ دقت در اموال بیت المال
- ۱۷۱ امروز روز کار است
- ۱۷۲ اجرت کسانی که کم کاری می کنند حرام است
- ۱۷۲ کم کاری عملی است نامشروع

- ۱۷۳ - اهمیت به محتوی و عمل ۱۷۳
- ۱۷۳ - شکر نعمت این است که عمل بکنیم ۱۷۳
- ۱۷۳ - مشکل کنونی مسلمین این است که اهل عمل نیستند ۱۷۳
- ۱۷۴ - انقلاب ایران ثمره ای از اهل عمل بودن ۱۷۴
- ۱۷۵ - باید در تحقق ظواهر و محتوای اسلامی جدیت کرد ۱۷۵
- ۱۷۵ - استعمار با ظاهر کاری ندارد تلاش می کند ما محتوی نداشته باشیم ۱۷۵
- ۱۸ - عبرت پذیری ۱۷۶
- ۱۷۶ - عاقبت فشار بر مردم و ارباب آنان ۱۷۶
- ۱۷۶ - رفتار خوب دول پایگاه آنها را محکم می کند ۱۷۶
- ۱۷۸ - حکومت حضرت امیر (ع) درس عبرتی برای همه ۱۷۸
- ۱۷۸ - دول سابق به دلیل کیفیت عملشان به آن روزها افتادند ۱۷۸
- ۱۷۹ - باید لفظا و عملا به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم ۱۷۹
- ۱۷۹ - تنبه از عاقبت فساد ۱۷۹
- ۱۹ - انتقاد و انتقادپذیری ۱۸۰
- ۱۸۰ - انسان باید به دنبال یافتن عیوب خود باشد ۱۸۰
- ۱۸۰ - انتقاد برای اصلاح امور لازم است ۱۸۰
- ۱۸۰ - حق هر جا که هست باید دنبالش رفت ۱۸۰
- ۱۸۱ - انتقاد نباید از قوه عاقله خارج باشد ۱۸۱
- ۱۸۱ - جامعه بدون انتقاد اصلاح نمی شود ۱۸۱
- ۱۸۲ - با موعظه حسنه خطاکاران را تربیت کنید ۱۸۲
- ۱۸۲ - انتقاد باید انتقاد برادری و مصلحت گویی باشد ۱۸۲
- ۱۸۳ - انتقاد غیر انتقامجویی است ۱۸۳
- ۱۸۳ - کمال بزرگ انسان این است که حق را برای حق بخواهد ۱۸۳
- ۱۸۴ - لسان باید ، لسان نصیحت باشد ۱۸۴

- ۱۸۴ اثرات نفسانیت و حب و بغض در انتقادات
- ۱۸۵ بالاترین آزادی ها ، آزادی از خود است
- ۱۸۶ انسان دنبال این نباشد که فقط ضعف پیدا کند و بنویسد
- ۱۸۷ حبّ و بغض در دل شما آنجور نباشد که به خلاف واقع حکم کنید
- ۱۸۷ نقاط ضعف را برای موعظه و بیدار کردن بگوئید
- ۱۸۸ با قول سالم مردم را اصلاح کنیم و دوستان خودمان را زیاد کنیم
- ۱۸۸ طیب جامعه باید با حسن نیتی که دارد جامعه را اصلاح کند
- ۱۸۹ انسان اگر خودش را ساخته باشد از انتقاد بدش نمی آید
- ۱۹۰ در برخورد با مسائل باید جهات مثبت را نگاه کرد نه جهات منفی را
- ۱۹۱ قلمی که بر اساس حب و بغض باشد قلم شیطانی است
- ۱۹۲ ۲۰ - اعتراف به اشتباه
- ۱۹۲ تحکم در مسؤ ولیت و عدم اعتراف به اشتباه از دیکتاتوری انسان است
- ۱۹۲ اعتراف به اشتباه ، مسؤ ولین را در نظر مردم بزرگ می کند
- ۱۹۳ در صورت اشتباه از برگشت حکم خجالت نکشید
- ۱۹۳ اگر در مسأله ای اشتباه کردید صریحا بگوئید اشتباه کردیم
- ۱۹۳ به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید
- ۱۹۴ ۲۱ - دقت عمل در رفتار خود و افراد تحت امر و رسیدگی به امر متخلفین
- ۱۹۴ اشاره
- ۱۹۴ از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود
- ۱۹۴ لزوم مراقبت از خود و دیگران
- ۱۹۵ تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته اند
- ۱۹۵ خطر انحراف و نفوذ منحرفین
- ۱۹۶ در فکر اصلاح مراکز کاری خود باشید
- ۱۹۶ برای رسیدگی به شکایات برنامه داشته باشید

- ۱۹۷-----مسأله پاکسازی و بازسازی یک امر ضروری است
- ۱۹۷-----افراد ناصالح را باید کنار زد
- ۱۹۸-----رسیدگی به امور متصدیان امور با بیطرفی و بدون مسامحه انجام شود
- ۱۹۸-----رسیدگی به امور متخلفین باید با کمال جدیت و قاطعیت عمل شود
- ۱۹۹-----در رسیدگی به امر متخلفین نه مسامحه جایز است نه زیاده روی
- ۱۹۹-----در رسیدگی به امر دیگران باید دقت عمل داشت
- ۲۰۰-----همه باید خلافکار را مؤاخذه کنید
- ۲۰۰-----هوشیاری در مقابل خلافتکاری های عوامل نفوذی و جلوگیری از آنان
- ۲۰۱-----به شکایات مردم رسیدگی کنید
- ۲۰۲-----همیشه با بصیرت و چشمانی باز به دشمنان خیره شوید
- ۲۰۲-----۲۲ - ارائه کارها به مردم
- ۲۰۲-----خدمت تان را به مردم بگویید
- ۲۰۳-----مقید باشید که کارهایتان را به مردم بگویید
- ۲۰۳-----هر کاری که می کنید در مطبوعات عرضه کنید
- ۲۰۴-----آنچه عمل کرده اید به مردم بگوئید
- ۲۰۴-----۲۳ - پرهیز از قدرت طلبی و حب مال
- ۲۰۴-----اسلام در مقابل دیکتاتوریه‌ها ایستاده
- ۲۰۵-----عدم استفاده از اسامی فرماندار و سلطان
- ۲۰۵-----در سیره انبیاء و اولیا ، اصلا قدرت طلبی در کار نبوده
- ۲۰۶-----مسندها همه در نظر انبیا پوچ است و قدرت ها همه پوچ
- ۲۰۶-----قدرت طلبی انسان را در دنیا و آخرت به تباهی می کشاند
- ۲۰۷-----اساس سلطه قدرت های بزرگ ، همیشه افراد مرفه و قدرت طلب بوده اند
- ۲۰۷-----قدرتمندی و حب مال حدی ندارد
- ۲۰۸-----هر چه مال و قدرت اضافه شود ، حرص انسان بیشتر می شود

- ۲۰۸ مادامی که (در مسؤ ولین) این حد متوسط حفظ شود ، این جمهوری حفظ می شود
- ۲۰۹ قدرت ها در صدد این هستند که فرد قدرت طلبی را یافته و به وسیله او طرح های خود را پیاده کنند
- ۲۰۹ پیدا شدن قدرت طلبی و مال طلبی در مسؤ ولین علامت شکست نهضت است
- ۲۱۰ قدرت طلبها در مقابل قدرت های بالاتر خاضعند و در مقابل ضعفا جابر و ستمگر
- ۲۱۰ قدرت طلبها به منافع مردم اصلا توجهی ندارند
- ۲۱۱ قدرتمندان به دلیل علاقه به قدرت خود ، تسلیم قدرت خارجی می شوند
- ۲۱۱ در جمهوری اسلامی ، ارزش مقامات در خدمتگزاری است نه حکومت
- ۲۱۲ اگر از مردمی بودن خارج شوید ، خارجی ها به شما طمع می کنند
- ۲۱۲ دشمن می داند که باید از داخل ، کشوری را به تباهی بکشانند
- ۲۱۳ با جدایی از مردم بدانید که رو به تباهی می روید
- ۲۱۳ رابطه مردمی با مردم ، سبب حفظ نظام می شود
- ۲۱۴ ارزش انسان به مقام نیست
- ۲۱۴ فروتنی در برابر مردم و ایستادگی در مقابل طاغوت سیره انبیاست
- ۲۱۶ قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است
- ۲۱۶ با قدرت طلبی مملکت اسلامی را به طاغوت نکشید
- ۲۱۷ دعوا کردن بر سر مسند بر خلاف انصاف است
- ۲۱۷ دعوا کردن بر سر مسند و غافل شدن از مردم ، خواست قدرتهای بزرگ است
- ۲۱۸ قدرت طلبی ریشه در خودخواهی دارد
- ۲۱۸ هر چه قدرت زیادتر شود ، نگرانیها بیشتر می شود
- ۲۱۹ مقام را برای امت خرج کنیم
- ۲۱۹ قدرت اگر دست اشخاص غیر مهذب برسد خطر دارد
- ۲۲۰ قدرت در دست عاقل ، کمال است
- ۲۲۰ تحت تاءثیر مقام واقع شدن از ضعف نفسانی است
- ۲۲۱ دنبال مقام رفتن بسیار ضرر دارد

- ۲۲۱ نخوت قدرتمندی به دلیل ضعف قدرت روحی و مفلوکی انسان است
- ۲۲۱ قدرت در روح انسانهای بزرگ تاءثیر نمی کند
- ۲۲۲ نظر انسان اگر محدود باشد مقام و ریاست ، انسان را از خود بیخود می کند
- ۲۲۲ ما اگر بندگی خدا را بپذیریم این مقام ها نباید در ما تاءثیر کند
- ۲۲۲ اگر تحت تاءثیر مقام واقع شوید ، در دنیا و آخرت تباه خواهید شد
- ۲۲۳ باید بنا را بر این بگذارید که دیروز شما و امروزتان با هم فرقی نداشته باشد
- ۲۲۴ از تنگی چشم و قلب انسان است که خیال می کند ریاست یک چیزی است
- ۲۲۵ راگر انسان مقام را مهار کند و در اختیار خود بگیرد ، به سعادت می رسد
- ۲۲۵ قدرت را در جای خودش اعمال کنید
- ۲۲۵ قدرتمندها وقتی شکست می خورند بسیار ضعیف می شوند
- ۲۲۶ آنها که ایمان دارند ، در مقابل قدرت ضعیف نیستند
- ۲۲۶ این ریاست ها می گذرد
- ۲۲۶ هر بلائی جامعه از دست قدرتمندان می بیند در اثر خودخواهی است
- ۲۲۷ در نظر حضرت امیر (علیه السلام) ریاست مطرح نبود مگر اینکه بتواند یک عدلی را اقامه کند
- ۲۲۷ ما باید ببینیم این ملتی که ما را به این مقام رسانده اند از ما چه می خواهند
- ۲۲۷ این ریاست ها رفتنی است
- ۲۲۸ هر مقامی که برای بشر حاصل شود روزی گرفته خواهد شد
- ۲۲۸ اگر کارها با خودخواهی و غرور همراه شد ، مبداء شکست انسان است
- ۲۲۸ کوشش کنید به این کلمه فرماندار مغرور نشوید
- ۲۲۹ رهبری فی نفسه وظیفه سنگین و خطرناکی است
- ۲۲۹ دولتمردان را خدا امتحان می کند
- ۲۳۰ چه بسا افرادی که نمی توانند از امتحان بیرون بیایند
- ۲۳۰ دولتمردان بدانند که رسیدن به مقام ، امتحان الهی است و سخت امتحانی است
- ۲۳۱ دولتمردان بیدار باشند ، ما دعوی شیعه گری را می کنیم

- ۲۳۱ بیدار باشید در محضر خدا ، برای مقام با هم دعا نکنید
- ۲۳۲ هر کس هر مسؤ ولیتی دارد همان مسؤ ولیت امتحان اوست
- ۲۳۲ هر کس در هر محل که هست آن محل آزمایش است
- ۲۳۳ باید توجه کنید که مسؤ ولیت بزرگ است
- ۲۳۴ انسان چون حبّ نفس دارد همه چیز را برای خودش می خواهد
- ۲۳۴ اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقل باشد از خودتان باید شروع کنید
- ۲۳۵ شما که می خواهید آدم بشوید ، زحمت دارد آدم شدن
- ۲۳۶ یک قدری هوای نفس و اشتها را کنار بگذارید
- ۲۳۶ مقام برای خدمت به مردم است
- ۲۳۶ خدمتگزاران مقام برایشان ارزشی ندارد
- ۲۳۷ به دنبال مقام بالاتر بودن یک کار شیطانی است
- ۲۳۸ میزان ، خدمت کردن به یک کشوری است که در طول تاریخ مظلوم بوده است
- ۲۳۸ این مقامات ارزشی ندارد مگر آنکه خدمت به خدا و خلق خدا باشد
- ۲۳۹ باید این معنا را ادراک کنیم که ما هیچ هستیم
- ۲۳۹ شما باید خودمان را فانی کنیم تا مکتبمان پیش برود
- ۲۴۰ در صورت احساس ضعف ، استعفا بدهید
- ۲۴۰ در جمهوری اسلامی ، جایی برای سوء استفاده زمامداران نیست
- ۲۴۰ - ۲۴ حفظ آبروی نظام و جمهوری اسلامی
- ۲۴۰ انتساب به اسلام مسؤ ولیت بزرگی است
- ۲۴۱ در حکومت اسلامی کار ، کار خدایی است
- ۲۴۱ خلاف و اشتباه منتسبین به نظام اسلامی ، مسؤ ولیت سنگینی دارد
- ۲۴۲ همه باید بر اساس موازین و حدود اسلامی رفتار کنند
- ۲۴۲ خلاف مسؤ ولین سبب دفن مکتب بزرگ ما می شود
- ۲۴۳ اگر وظیفه خودمان را انجام ندهیم مکتبمان را متهم می کنند

- ۲۴۳ همه ما باید با خلاف دیگران مقابله کنیم
- ۲۴۴ دشمنان از لغزشهای ما حداکثر استفاده را می کنند
- ۲۴۴ مخالفان ما ، اشتباهات را به حساب اسلام می گذارند
- ۲۴۵ خلاف ما سبب شکست مکتب می شود
- ۲۴۵ بازی با اساس اسلام گناهی است نابخشودنی
- ۲۴۵ تکلیف علما در این زمان از همه زمانها بیشتر است
- ۲۴۶ لغزش علما ، اسلام را در خطر می اندازد
- ۲۴۷ کاری کنید که اسلام عزیز و نورانی به دست ماها مشوه نشود
- ۲۴۷ شکست امروز نهضت به واسطه کجروی ماها ، شکست برای همیشه است
- ۲۴۷ کاری کنید که اسلام از ما گله مند نباشد
- ۲۴۸ امروز مسند و مسؤ ولیت ما خیلی خطرناک است
- ۲۴۸ باید از حالت شیطانی به حالت رحمانی متحول شویم
- ۲۴۹ کاری کنید که ایران سربلند باشد
- ۲۴۹ حفظ حیثیت نظام به شماها بسته است
- ۲۵۰ امروز آبروی نهضت بسته به کسانی است که در خدمت انقلابند
- ۲۵۰ امروز همه مسؤ ولند که آبروی اسلام را حفظ کنند
- ۲۵۱ به راه اسلام و در خدمت اسلام باشید
- ۲۵۲ لازمه انتساب به جمهوری اسلامی این است که افعال و رفتارمان اسلامی باشد
- ۲۵۲ دشمنان در صدد سوء استفاده از اشتباهات ما هستند
- ۲۵۳ وظیفه ما در حفظ نهضت اسلامی سنگین است ولی باید عمل کرد
- ۲۵۳ ما در مقابل همه کارهایمان مسؤ ول هستیم
- ۲۵۴ طبق موازین اسلامی خدمت کنید
- ۲۵۴ رفتار غیر انسانی خدمتگزاران ، به آبروی اسلام صدمه می زند
- ۲۵۵ امروز همه مراقب ما هستند که ببینند چه می کنیم

- ۲۵۶ امروز گناه شخص را به حساب مکتب می گذارند
- ۲۵۷ اساس این است که مکتب شکست نخورد
- ۲۵۷ کاری نکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده شود
- ۲۵۸ متاع بزرگمان اسلام را آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم
- ۲۵۸ این اسلام در دست ما امانت است
- ۲۵۹ رفتارهای ما به حساب اسلام گذاشته می شود
- ۲۶۰ همه باید مراقبت کنیم که این مملکت محفوظ باشد
- ۲۶۰ حفظ جمهوری اسلامی از نماز اهمیتش بیشتر است
- ۲۶۱ حفظ جمهوری اسلامی بر همه کس واجب عینی است
- ۲۶۱ همه باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم نه مصالح شخصی خودمان را
- ۲۶۲ فصل دوم : وظایف مسئولین در مقابل یکدیگر
- ۲۶۲ ۱ - نظم و سلسله مراتب در نظام توحیدی
- ۲۶۲ اساس عالم بر حفظ مراتب است
- ۲۶۲ در جامعه توحیدی هدف مشترک است
- ۲۶۳ لازمه تمدن این است که درجات باشد
- ۲۶۴ جامعه ای که از یکدیگر حرف شنوی نداشته باشند ، محتاج به قیم هستند
- ۲۶۴ طرح عدم سلسله مراتب نقشه دشمنان است
- ۲۶۵ دشمن از هرج و مرج در کشور ، سوء استفاده می کند
- ۲۶۶ نظام توحیدی یعنی همه دنبال حکم خدا باشند
- ۲۶۶ جامعه توحیدی یعنی همه به خدا فکر کنند
- ۲۶۷ برادری یعنی انسجام و همصدایی
- ۲۶۸ اگر نظم از دست برود جامعه از توحیدیت بیرون می رود
- ۲۶۸ خودسری و بی نظمی منافی با جامعه توحیدی است
- ۲۶۹ حفظ نظم از واجبات است

- کارها باید روی نظم و قاعده صورت گیرد ۲۶۹
- اگر بخواهند مملکت محفوظ بماند باید روی نظم رفتار کنند ۲۶۹
- بی نظمی منجر به هرج و مرج می شود ۲۷۰
- باید سلسله مراتب محفوظ باشد ۲۷۱
- حفظ سلسله مراتب و برخورد اسلامی با زیردستان ۲۷۱
- امروز اطاعت از بالادست ها یک امر شرعی است ۲۷۲
- باید در ظاهر و باطن اطاعت کرد ۲۷۳
- امروز امر خداست که باید نظم و سلسله مراتب را حفظ کنید ۲۷۳
- باید برای خدا مراتب و سلسله مراتب را حفظ کنید ۲۷۴
- ۲ - رفتار اسلامی با زیردستان ۲۷۴
- نظام اسلامی ، مولودی ناشناخته برای دنیا ۲۷۴
- اطاعت باید اطاعت فرزند از پدر باشد ۲۷۵
- تعدی به زیردست ، استکبار است ۲۷۵
- عذاب تعدی به زیردستان بسیار سخت است ۲۷۶
- با زیردستان خود عادلانه رفتار کنید ۲۷۶
- رحمت و راءفت با تمامی طبقات و شدت و حدت با توطئه گران مشی اسلام است ۲۷۷
- با زیردستان برادرانه و دوستانه رفتار کنید ۲۷۷
- ۳ - هشدارهایی در بکارگیری افراد ۲۷۸
- افرادی که سابقه خوبی نداشته اند در کارهای مهم بکار نگیرید ۲۷۸
- در تقدم ملاک ها هیچ ارزشی مهم تر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست ۲۷۹
- بکارگیری منحرفین بی درد ، خطری برای انقلاب ۲۸۰
- قاعدین کوتاه نظر و ناهلان دوباره به صحنه برنگردند ۲۸۰
- کسانی باید مملکت را اداره کنند که صالح باشند ۲۸۱
- متخصص منحرف از همه خطرناکتر است ۲۸۱

- ۲۸۱ مملکت اسلامی به سربرار احتیاج ندارد
- ۲۸۲ افراد منحرف سبب بدنامی نظام و ادارات می شوند
- ۲۸۳ منحرفین با چهره سازی وارد می شوند
- ۲۸۳ به افراد بی ایمان نباید اعتماد کرد
- ۲۸۴ از چاپلوسان دغلباز و زبان بازان حيله گر باید برحذر بود
- ۲۸۴ - ۴ حفظ وحدت و سازگاری با یکدیگر
- ۲۸۴ اختلاف سلیقه خوب است ولی دشمنی نباید باشد
- ۲۸۵ منشاء اختلاف از هوای نفس است
- ۲۸۵ ریشه اختلافات طغیان نفس است
- ۲۸۵ اختلافات به دلیل عدم تزکیه است
- ۲۸۶ نزاع مربوط به خودخواهی است
- ۲۸۶ اختلاف از زبان شیطان است
- ۲۸۷ با هم دوست و به یکدیگر محبت داشته باشید
- ۲۸۷ با چشم برادری به هم بنگرید
- ۲۸۷ بین دولتی ها برادری باشد
- ۲۸۸ برای حفظ این امانت الهی برادرانه رفتار کنید
- ۲۸۸ برادر باشید که مخاصمه کار اهل جهنم است
- ۲۸۹ اسلام ، اخوت است
- ۲۸۹ اگر سران کشور برای خدا کار کنند ، اختلاف پیدا نخواهد شد
- ۲۸۹ اگر هدف خدمتگزاری باشد ، اختلاف پیش نمی آید
- ۲۹۰ دشمنی ، اخلاق جهنمی هاست
- ۲۹۰ اگر دشمنی داشته باشیم اهل جهنم هستیم
- ۲۹۱ مسائل را با برادری و حسن نیت مطرح کنید نه تنازع و خصومت
- ۲۹۱ اختلافات را برادرانه حل کنید نه خصمانه

- ۲۹۲ اگر همه یک هدف داشته باشند تخصصی در کار نخواهد بود
- ۲۹۲ اختلافات را با تفاهم حل کنید
- ۲۹۲ با وحدت ، دست رحمت الهی را بر سر خود حفظ کنیم
- ۲۹۳ با اختلاف ، دست رحمت الهی برداشته می شود
- ۲۹۳ باید همه یکصدا باشیم
- ۲۹۳ مسلمین به دستور خداوند ، همه شان مثل دست واحد می مانند
- ۲۹۴ استقلال و آزادی را نمی توانید بدون تفاهم حفظ کنید
- ۲۹۴ صلاح دین و مملکت این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم
- ۲۹۵ امروز تکلیف الهی است که مخالفتها را اظهار نکنیم
- ۲۹۵ امروز مخالفت با هم ، روسیاهی ابدی را در پی خواهد داشت
- ۲۹۵ صدمه زدن به وحدت معصیت است
- ۲۹۶ برای خدا ، با هم باشید
- ۲۹۶ باید انسان به توحید کلمه و کلمه توحید برسد
- ۲۹۷ فصل سوم : وظایف مردم و مسؤ ولین در مقابل یکدیگر
- ۲۹۷ ۱ - محبت و تفاهم بین دولت و ملت
- ۲۹۷ ما رهین منت این توده های بزرگوار و ایثارگر هستیم
- ۲۹۷ ملت بر همه دست اندرکاران محبت و منت دارند
- ۲۹۸ اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند ، این حکومت سکوت ندارد
- ۲۹۸ شکست ناپذیری کشورها در سایه تفاهم میان ملت و دولت
- ۲۹۹ بپرهیزید از اینکه بین دولت و ملت جدایی بیفتد
- ۲۹۹ امیدوارم ملت ایران باهم باشند و عزت خودشان را حفظ کنند
- ۳۰۰ کشور مال خودمان است و خودمان باید اداره اش کنیم
- ۳۰۰ پشتیبانی مسؤ ولین جمهوری اسلامی ، پشتیبانی اسلام است
- ۳۰۱ تضعیف دولت ، تضعیف اسلام است

- اسلام در رابطه بین دولت و ملت ، ضوابط و حدودی معین کرده است ۳۰۱
- قیام ، بر خلاف حکومت اسلامی قیام بر خلاف حق است ۳۰۱
- رژیمهای خیانتکار از مردم می ترسند ۳۰۱
- باید اساس تشویق مردم باشد ۳۰۲
- نمونه ای از تشویق در نظام اسلامی ۳۰۳
- ۲ - امر به معروف و نهی از منکر ۳۰۳
- قدرت طلبی یا ثروت طلبی مسؤ ولین زمینه ساز انحراف ۳۰۳
- مردم باید مواظب وضع زندگی و روحیه مسؤ ولین باشند ۳۰۴
- مادامی که این حد متوسط محفوظ است ، این جمهوری محفوظ است ۳۰۵
- مردم باید جلوی قدرت طلبی یا ثروت طلبی مسؤ ولان را بگیرند ۳۰۵
- همه ملت مسؤ ولند در حفظ اسلام که امانت الهی است ۳۰۶
- در جمهوری اسلامی همه افراد باید امر به معروف و نهی از منکر باشند ۳۰۷
- همه موظفیم در مسائل اجرائی امر به معروف کنیم ۳۰۷
- در مقابل انحراف فرهنگی همه موظف و مسؤ ول هستند ۳۰۸
- امت باید امر به معروف و نهی از منکر بکند ۳۰۹
- اصل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه است ۳۰۹
- به هر مقدار که می توانید باید اصلاح کنید ۳۰۹
- همه مسؤ ول اعمال دیگران هم هستند ۳۱۰
- مقابله مردم در برابر زورگویی نعمت بزرگی است ۳۱۰
- همه مسؤ ولند جلوی خلاف دیگران را بگیرند ۳۱۰
- امروز مسامحه در امر مسلمین گناه نابخشودنی است ۳۱۰
- تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا هیچ ملاحظه از کسی نکند ۳۱۱
- اگر اسلام آسیبی ببیند همه ما مسؤ ول هستیم ۳۱۱
- باید کاری بکنیم که ظلم نباشد ۳۱۲

- ۳۱۲ سکوت در مقابل جرم دیگران ، جرم است
- ۳۱۲ درصدد این باشید که منحرفین را اصلاح کنید نه راضی کنید
- ۳۱۳ انحرافات را با نور هدایت خدا اصلاح کنید
- ۳۱۳ با محبت می شود منحرفها را مستقیم کرد
- ۳۱۴ در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از خشونت تاءثیر می کند
- ۳۱۴ فصل چهارم : رسالت سفرا و سفارتخانه ها
- ۳۱۴ محیط سفارتخانه ها باید اسلامی باشد
- ۳۱۴ در سفارتخانه ها نسبت به سابق باید تغییر اساسی داده شود
- ۳۱۵ در خارج که هستید وضعیتان را جوری قرار بدهید که تحت تاءثیر آنها واقعنشوید
- ۳۱۶ روشهای گذشته در سفارتخانه ها ، باید تغییر کند
- ۳۱۶ جوری رفتار کنید که طاغوت در شما طمع نکند
- ۳۱۷ داشتن نشریه برای سفارتخانه ها ضروری است
- ۳۱۸ به جای مهمانی های طاغوت مخارج را صرف تبلیغات کنید
- ۳۱۸ با عملتان بناها و بنیادهای طاغوتی را تحقیر کنید
- ۳۱۸ موظفید که عقلا و شرعا به اینکه سفارتخانه هاتان هر چه ساده تر باشد
- ۳۱۹ ما بوسیله عمل می توانیم انقلاب را صادر کنیم نه زور و سرنیزه
- ۳۱۹ وظیفه شما در معرفی اسلام بیشتر از ماست که در داخلیم
- ۳۲۰ وزارت خارجه می تواند با اسلامی شدنش موجودیت اسلامی ما را به خارج نشاندهد
- ۳۲۱ سعی شود در سفارتخانه ها تصرف و سلطه بیگانگان نباشد
- ۳۲۱ مسؤ ولیت وزارت خارجه به مناسبت سر و کار داشتن با خارج بسیار سنگین است
- ۳۲۱ سفارتخانه ها آبروی کشور اسلامی ما هستند
- ۳۲۲ امیدوارم بتوانید چهره اسلام را آنگونه که هست نشان دهید
- ۳۲۲ باید وضع شما جوری باشد که هر کس وارد اینجا می شود یک محیط اسلامیبیند
- ۳۲۲ یکی از مراکز صدور انقلاب وزارت خارجه است

- ۳۲۳ قطع رابطه با دولتها بر خلاف عقل و بر خلاف شرع است و ما باید با همه روابطداشته باشیم
- ۳۲۳ ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد ، بلکه روابط خاص اسلامی داریم
- ۳۲۴ سفارتخانه‌ها باید اسلامی بوده و ممتاز باشند .
- ۳۲۴ انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است
- ۳۲۵ شستشوی مغزی ملت ایران در جهت بی‌محتوایی و گرایش به غرب
- ۳۲۶ توصیه به سفرای ایران در حفظ استقلال و عدم خودباختگی در برابر محافل غربی
- ۳۲۷ سفارتخانه را رنگ اسلامی بدهید و از تبلیغات غرب نترسید
- ۳۲۷ تاءکید فراوان بر شروع مطالب با بسم الله الرحمن الرحيم
- ۳۲۸ لزوم پرهیز از مجالس طاغوتی و برپائیمحافل ساده اسلامی
- ۳۲۸ از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است
- ۳۲۸ خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است
- ۳۲۹ ما نباید تحت نظارت یک کشور و یا تحت بیرق کفر باشیم
- ۳۲۹ پی‌نوشت‌ها
- ۳۲۹ ۱ تا ۱۵۹
- ۳۳۱ ۱۶۰ تا ۲۹۵
- ۳۳۲ ۲۹۶ تا ۴۵۴
- ۳۳۴ ۴۵۵ تا ۵۹۰
- ۳۳۵ ۵۹۱ تا ۶۹۳
- ۳۳۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی قدس سره الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی روح‌الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. عنوان و نام پدیدآور: اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی قدس سره الشریف تهیه و تنظیم بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی استان تهران (قم)؛ تصحیح و مقابله دفتر انتشارات اسلامی مشخصات نشر: قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۷۳. مشخصات ظاهری: [۷۸۴] ص فروست: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۶۹۵. شابک: ۴۸۰۰ ریال (چاپ اول)؛ ۷۴۰۰ ریال؛ ۱۳۷۰۰ ریال (چاپ چهارم)؛ ۴۲۰۰۰ ریال چاپ هفتم ۹۶۴-۴۷۰-۰۲۰-۱: یادداشت: چاپ اول ۱۳۷۲. یادداشت: چاپ چهارم: بهار ۱۳۷۵. یادداشت: چاپ هفتم ۱۳۸۲. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها موضوع: اسلام و دولت موضوع: کارمندان -- اخلاق حرفه‌ای شناسه افزوده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی شناسه افزوده: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی رده بندی کنگره: DSR۱۵۷۴/۵ الف ۲۵ الف ۳۲ ۱۳۷۳ رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۳۲۵۴

مقدمه ناشر

بسمه تعالی مرجع تقلید جهان تشیع و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - قدس سره - در طول سالهای نهضت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ جهت هدایت و ارشاد امت اسلامی و مسؤلین و کارگزاران نظام، کلامها و پیامهای فراوانی داشته است که از دو ویژگی (مرجعیت عظمای شیعه، ولایت امری) برخوردار می باشد. برادران محترم در بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی استان تهران (قم) جهت استفاده بیشتر از بیانات و رهنمودهای معظم له، اخیراً تمام ۲۱ جلد صحیفه نور، چاپ وزارت ارشاد اسلامی را مورد مطالعه قرار داده و اقدام به تنظیم و تبویب آن به شکل موضوعی نموده اند که بسی ارزنده است و این کتاب اخلاق کارگزاران بخشی از مجموعه دو بخش کلی معارف و اخلاق آن می باشد که بر یک مقدمه و چهار فصل مشتمل است. این دفتر پس از تصحیح و تدقیق و مقابله، اقدام به طبع و نشر آن نمود امید است که برادران عزیز به تهیه و تنظیم بقیه مجلدات آن موفق شوند. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مقدمه: هدف از حکومت و مسئولیت در اسلام

تحقق عدالت و معنویت در اسلام

حکومت جنبه عملی فقه است

اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسأله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسایل

زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسایل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خورشان مجتهد است واقعا مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد. ۱

حکومت اسلامی، نظامی سعادت آفرین

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تاءمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. اینکه که به توفیق و تایید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در راس تمام واجبات است، که انبیاء عظام از آدم - علیه السلام - تا خاتم النبیین - صلی الله علیه و آله و سلم - در راه آن کوشش و فداکاری جانفرسا نموده اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام - علیهم صلوات الله - با کوشش‌های توانفرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده اند و امروز بر ملت ایران خصوصا و بر جمیع مسلمانان عموما واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرت‌های عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند ۲

اسلام دین حکومت و معنویت

از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصا در دهه‌های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آن

که اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه و شیطنت آمیز، به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می کند و حکومت و سیاست و سررشته داری بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیاء عظام است و مع الاسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی خبر از اسلام تاءثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود. گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی اطلاعی می زنند زیرا اجراء قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کجروی ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آن که اسلام با نوآوریها مخالف است، همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می گفت (که اینان می خواهند با چارپایان در این عصر سفر کنند) یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد، بلکه علم و صنعت مورد تاکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه ای می گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشاء حتی هم جنس بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند، گرچه غرب و شرق زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می کنند و اما طایفه دوم که نقشه موزیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می دانند، باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه و آله - آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند، بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی، و خلفاء اول اسلامی حکومت های وسیع داشته اند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام - نیز با همان انگیزه به طور وسیعتر و گسترده تر از واضحات تاریخ است و پس از آن به تدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - بسیارند. اینجانب در این وصیتنامه با اشاره می گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه شناسان و تاریخ نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند و آنچه گفته شده و می شود که انبیاء - علیهم السلام - به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تاسف آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است. زیرا آنچه مردود است حکومت های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه جویی و انگیزه های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده اند جمع آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام - صلی الله علیه و آله - و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می

کردند از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است: چنانچه سیاست سالم که در این حکومت ها بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه گر را قطع نمایند. ۳

نمونه ای از حکومت اسلامی

از اول مسلمین و اسلام گرفتار هواهای نفسانیه ای بوده اند و این گرفتاری ها که ما الان داریم سرچشمه اش همان هواهای نفسانی بود که بعد از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به واسطه آن هواها نگذاشتند که حکومت حق تشکیل بشود اگر گذاشته بودند که حکومتی که اسلام می خواهد، حاکمی را که خدای تبارک و تعالی امر به تعیینش فرموده است، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) تعیین فرمود، اگر گذاشته بودند که آن تشکیلات پیش بیاید، حکومت، حکومت اسلامی باشد، حاکم، حاکم منتخب منصوب من قبل الله تعالی باشد، آن وقت مردم می فهمیدند که اسلام چیست و معنی حکومت اسلامی چیست مع الاسف بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله) منحرف کردند مردم را از آن چیزی که پیغمبر امر فرموده بود و اتکاء به انحراف در زمان خود هم نبود بلکه زمینه فراهم کردند از برای این که تا آخر نشود یک حکومت اسلامی تشکیل بشود. ۴

حکومت امیر مؤمنان، درس عبرتی برای اسلام و مسلمین

قضیه معاویه از چیزهایی بود که با دست سابقین، آن مشایخ سابق این زحمت برای مسلمین و اسلام پیش آمد و از این اختلاف داخلی که بدتر از هر نحو اختلافی بود پیش آمد و حضرت امیر (ع) مبتلا شد به این اساسی که آنها درست کرده بودند و بعد از ایشان هم حکومت از صورت اسلامی به کلی خارج شد و به صورت ملک الملوک یا شاهنشاهی بیرون آمد و تا آخر هم، تا حالا هم، اسلام به خودش یک حکومت اسلامی مگر یک چند صباحی که حضرت امیر سلام الله علیه بعد از رسول الله و بعد از آن حرف ها متصدی امر شدند، ندید، آن هم با آن همه گرفتاریهایی که پیدا کرد، گرفتاری جنگ جمل، گرفتاری صفین، گرفتاری جنگ خوارج، آن همه گرفتاریها که بود معدلک این چند صباحی که حضرت امیر سلام الله علیه حکومت کردند و برنامه حکومتی خودشان را تعیین کردند، همین چند صباح هم برای مسلمین و برای اسلام یک درس عبرتی شد، یک مطلبی شد که فهمیدند که اسلام یعنی چه، تا اندازه ای، همین چند صباح اگر گذاشته بودند که در پناه حکومت اسلامی و در پناه اسلام حکومت تشکیل بشود و مردم در پناه حکومت اسلامی باشند، این همه گرفتاری هائی که از برای ماها الان هم پیش آمده، اینها هم شاید پیش نمی آمد حاکمی که از طرف خدای تبارک و تعالی تعیین شد از برای امت، آن شخصی بود که وقتی که به حکومت رسید، وقتی که با او جمع شدند و بیعت کردند بعد از آن خرابکاری هائی که شده بود تا آن روز و بعد از آن مصیبت هائی که برای اسلام پیش آوردند و تا حالا هم فساد آن باقی مانده است، آن شخصی بود که وقتی که به حکومت رسید در حال حکومتش زندگیش از جمیع زندگی امثال ماها و شماها طلاب علوم دینی یا امثال این بقال ها و این کاسب ها، زندگی او پست تر بود، یک تکه نان جو بود که در آخر عمر مبارکشان (از قراری که گفته شده است) از بس خشک بود حضرت با دستشان نمی توانستند بشکنند، با زانو می شکستند آن نان را و با آب تناول می کردند، این حکومت اسلام بود. می فرمود که (به طوری که نقل شده است) من می ترسم که در یکی از حوالی مملکت من یک وقت یک گرسنه ای باشد، یک وقت باشد که گرسنه در کار باشد، چطور من بخوابم سیر و رعیت من یک نفرشان ولو در بعضی از اجزاء مملکت، اینها گرسنه باشد. ۵

حکومت مولا علی (ع)، جشن بسط عدالت

بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد، همین مصیبت سلب حکومت از حضرت امیر سلام الله علیه بود و عزای او از عزای کربلا بالاتر بود. مصیبت وارده بر امیر المومنین و بر اسلام بالاتر است از آن مصیبتی که بر سیدالشهدا سلام الله علیه وارد شد. اعظم مصیبت‌ها این مصیبت است که نگذاشتند بفهمند مردم اسلام یعنی چه؟ اسلام حالا هم به حال ابهام دارد زندگی می‌کند، الان هم مبهم است، الان هم نمی‌دانند مردم که معنی اسلام چیست؟ حکومت اسلامی چیست؟ اسلام چه می‌خواسته بکند؟ چه برنامه‌ای اسلام داشته است در حکومتش؟ این ۵ سال حکومت یا، ۶۵ سال حکومت حضرت امیر، این با همه گرفتاری‌هایی که بوده است و با همه زحمت‌هایی که از برای حضرت امیر فراهم شد، سلبش عزای بزرگ است و همین ۵ ساله و ۶ ساله، مسلمین تا به آخر باید برایش جشن بگیرند، جشن برای عدالت، جشن برای بسط عدالت، جشن برای حکومتی که اگر چنانچه در یک طرف از مملکتش، در یک جایی از مملکتش، برای یک معاهد، یک زن معاهد، یک زحمت کش بیاید یک خلخال از او، از پای او درآورد، حضرت، این حاکم، این رئیس ملت آرزوی مرگ میکند که مرگ برای من مثلاً بالاتر از این است که در مملکت من یک نفر زنی که معاهد هست خلخال را از پایش در آورند. این حکومت، حکومتی است که در رفتنش مردم باید به عزا و سوگواری بنشینند و برای همین ۵ سال و ۵ روز حکومتش باید جشن بگیرند، جشن برای عدالت، جشن برای خدا، جشن برای این که این حاکم حاکمی است که با ملت یکرنگ است، بلکه سطحش پایین تر است در زندگی و سطح روحیش بالاتر از همه آفاق است و سطح زندگی‌اش پایین تر است از همه ملت. ۶

حکومت عقل، حکومت عدل و ایمان است

والذین کفروا یتمتعون و یاء کلون کما تاء کل الانعام و النار مثنوی لهم این میزان است، هر کس که ملاحظه کرد که در تمتع‌اش، در اکل و استفاده‌ها و لذت‌هایش به افق حیوانی نزدیک است یعنی می‌خورد و لذت می‌برد بدون اینکه تفکر کند که از چه راهی باید باشد، حیوان دیگر فکر این نیست که حلال است یا حرام است، فکر این نیست که امت در گرفتاری هستند یا نیستند، آنهایی که بدون این تفکر، بدون یک قانونی بدون قانون اسلامی تمتع می‌کنند و می‌خورند، اینها اکلشان اکل حیوانی است و النار مثنوی لهم در روایتی است که از برای کافر هفت تا معاء است و از برای مؤمن معاء واحد است. مؤمن یک معاء بیشتر ندارد و آن معاء قانون است، شکمش را، سایر لذت‌هایش را تطبیق می‌کند با قانون اسلام، تخلف از قانون اسلام نمی‌کند اما آن کسی که مؤمن نیست، از راه شهوت می‌خورد بدون این که تطبیق با قانون بکند، این یک معاء، از راه غضب می‌خورد بدون اینکه تطبیق بکند با قانون، این هم یک معاء، از روی هوای نفس می‌خورد، این هم یک معاء، مزدوج است بین هوای نفس و لذت و شهوت، بین هوای نفس و غضب، بین غضب و هوای نفس، این هم سه تا، این شش تا، مزدوج است از هر سه هوای نفس و غضب و شهوت، مزدوج شد و از راه اینها اکل کرد، این هفت تا، هفت معاء دارد. مؤمن بیش از یک معاء ندارد و آن معائنش از راه قانون است، اسلام هر چه فرموده است همان یک راه است، این جور نیست که به غضب خودش، به شهوت. همه اینها به دست مؤمن ایمان آوردند، همه قوا تابع قوه عقل شدند و عقل هم تابع شرع است. برای یک همچنین حکومتی که حکومت عقل است حکومت عدل است، حکومت ایمان است، حکومت الهی است، در رفتنش عزا لازم است و در برقرایش برای همان چند سال حکومت حضرت امیر، مسلمین باید جشن بگیرند. ۷

انبیاء بزرگ، پایه گذاران عدالت و آزادی

سرلوحه هدف‌تان اسلام و احکام عدالت پرور آن باشد و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالت خواه، رسیدن به این هدف محال است. تولی و تبری دو اصل اساسی اسلام است؛ باید با حکومت عدل موافق و به حاکم عادل دل ببندید و از رژیم غیر اسلام و غیر

اسلامی که در راءس آن رژیم منحط پهلوی است تبری کنید و با کمال صراحت مخالفت خود را اظهار و در سرنگون کردن آن کوشا باشید و در غیر این صورت روی استقلال و آزادی را نمی بینید . باید قشرهای غیر اسلامی را که عقیده و عملشان بر خلاف اسلام است و دارای گرایش به مکتب های دیگرند ، هر نوع مکتب باشد به مکتب مترقی عدالت پرور اسلام دعوت کنید و در صورت نپذیرفتن ، از آنها هر نوع که باشد و هر شخصیت که هست تبری یا لاقبل احتراز کنید و باید جوانان ما بدانند تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد محال است از خود بگذرد و در فکر امت باشد و باید بدانند که تبلیغات دامنه دار کمونیسیم بین المللی همانند تبلیغات پر سروصدای امپریالیسم جهانی جز برای اغفال و استثمار توده های مستضعف نیست باید این بوق های استثمار شکرسته شود . باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در راس آن توحید و عدل و شناخت انبیاء بزرگ ، پایه گذاران عدالت و آزادی است ، از ابراهیم خلیل تا رسول خاتم (صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین) و در شناخت طرز تفکر آنها از نقطه اقصای معنویت و توحید تا تنظیم جامعه و نوع حکومت و شرایط امام و اولی الامر و طبقات دیگر ، از امراء و ولات و قضات و فرهنگیان که علما هستند و متصدیان مالیات اسلامی و شرایط آنها تا برسد به شرطه و کارمندان شهربانی و بینند اسلام چه کسانی را برای حکومت و کارمندان آن به رسمیت شناخته و چه کسانی از شغل حکومت و شاخه های آن مطرود است . ۸

زندگی حاکم اسلامی از همه ساده تر است

انشاء الله پیروز خواهید شد و انشاء الله با تدریج یک حکومت عدل اسلامی که مردم و عالم بفهمد معنای اسلام چه است و معنای حکومت چه است آیا حکومت این بوده است که تا حالا- بوده است که حالا- که حاکم جائز رفته است حالا- می فهمیم که چه گنجینه ها برده است ؟ - در بانک ها- چه چیزها اینها به سرقت بردند و در بانکها سپردند ، این مال ملت را چطور غارت کردند و فرار کردند ، این حکومت ، حکومت است ؟ یا آن حکومت که وقتی که می خواهد چیز بخورد ، یک نان خشکی با نمک ، وقتی که می گوید ، شبی که صبح آن شب شهادت می رسد ، مولا امیرالمومنین وقتی که (به حسب نقل) برایشان غذا می آورند می بیند که شیر آورده و نمک آورده و نان ، نان جوین می خورند ، نه نانی که ، سنگکی که شما می خوردید ، آن نانی که او می خورد می فرماید که (به طوری که نقل شده است) چه وقت دیدی که من دو تا خورش داشته باشم که حالا آوردی ، رفت نمک را بردارد در نقل است که قسمش داد به جان خودش که شیر را بردارد ، شیر را برداشت دو لقمه - نمک - با نمک میل فرمود و صبح آن روز هم به شهادت رسید و هیچ هم نداشت ، هیچ هم نداشت یعنی چیزهایی تهیه کرده بود با دست خودش لکن همه رفت ، همه را بعد از آنکه آن نهر بزرگ را با فعالیت خودش با دست خودش حضرت امیر حفر کرد و چیز کرد ، وقتی که آب بیرون آمد فرمود بشر الورثه لکن برای ورثه هم نگذاشت ، وقف کرد . آیا آن طرز حکومت بهتر است ، آن حکومتی که رسول الله کرد بهتر است که وقتی که تو مجلس ، توی مسجد نشسته بود و مردم و اصحاب هم نشسته بودند ، می آمدند می گفتند کدام یکی از شما پیغمبر است ، کدامتان هستید ؟ یا آنکه وقتی تشریفات طوری است که همه می فهمند که این ، این دارای این تشریفات عبارت از حاکم است . حکومت اسلام این است البته ما نمی توانیم یک همچو حکومتی درست کنیم ، ماها قادر نیستیم لکن می توانیم یک مقداری نزدیک بشویم به آن حکومت ، می توانیم دست دزدها را قطع بکنیم و تا حالا بحمدالله عمده شان قطع شد دستشان . عمده آنهاست که سران قوم بودند و ذخایر ما را بردند و در بانک ها گذاشتند ، عمده آنها دستشان دیگر از بردن زیادی قطع شد و امید است که دست ما برسد و ما بگیریم از آنها آنچه را که دزدیده اند و برده اند ، بگیریم از آنها . ۹

روز عید غدیر روزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وظیفه حکومت را معین فرمود و الگوی حکومت اسلامی را تا آخر تعیین فرمود و حکومت اسلام نمونه اش عبارت است از یک همچو شخصیتی که در همه جهات مهذب، بر همه جهات معجزه است و البته پیغمبر اکرم این را می دانستند که به تمام معنا کسی مثل حضرت امیر سلام الله علیه نمی تواند باشد لکن نمونه را که باید نزدیک به یک همچو وضعی باشد از حکومت ها تا آخر تعیین فرمودند، چنانچه حضرت امیر خودش هم برنامه اش را در آن عهدنامه مالک اشتر بیان فرموده است که حکومت و آن اشخاصی که از طرف ایشان حاکم بر بلاد بودند تکلیفشان در این جهات چه هست. به حسب آن تعیین رسول اکرم الگوی خلافت را و برنامه حضرت، کیفیت ولایت ولایت بر افراد را آنطور که بیان فرموده اند، تمام این حکومت ها که سرکار آمده اند تا حالا، از بعد از حضرت امیر و یک چند روزی هم امام حسن سلام الله علیه، تمام حکومتهایی که تا حالا سرکار آمده اند چه حکومت هایی باشد که تا حدودی - مثلا اگر هم که چیزی پیدا بشود - تا حدودی مؤدب به آداب حکومتها بوده است و آن الگوی رسول الله بوده است و چه اینهایی که اصلا نبوده اند، هیچ کدام این حکومت ها لیاقت حکومت نداشته اند و خود حضرت امیر سلام الله علیه قیام کردند بر ضد معاویه، در صورتی که معاویه هم تشرف به اسلام داشت و کارهای اسلامی را می کرد و شاید اعتقادات اسلامی هم داشته است، شاید، شاید هم نه. معذالک حتی آنهایی که حضرت امیر را به خیال خودشان نصیحت می کردند که شما یک مدتی معاویه را بگذارید در حکومت شما باشد و بعد که پایه حکومت شما قوی شد، آنوقت او را رد می کنید به هیچ یک از آن حرف ها اعتنا نکردند و حجتشان هم این بود که یک نفر آدمی که برخلاف موازین الهی رفتار می کند و ظلم را در بلاد راه می اندازد، من حتی برای یک آن هم نمی توانم که او را حاکمش قرار بدهم، بلکه اگر حاکمش قرار می دادند این حجت می شد بر اینکه می شود یک فاسقی هم از طرف ولی امر حاکم باشد و حضرت امیر مضایقه کردند از اینکه حتی اگر مصالحی هم آنوقت مثلا بود که اگر پایشان محکم می شد ممکن بود مثلا معاویه را کنار بزنند، معذکک برای خودشان اجازه نمی دیدند که معاویه را حتی یک روز در سلطنت خودش باقی بگذارند و این حجتی است بر ماها که اگر بتوانیم، باید این حکومت هایی که حکومت جور است کنار بزنیم و اگر چنانچه خدای نخواستند نتوانیم، رضایت بر حکومت آنها ولو یک روز، ولو یک ساعت این رضایت بر ظلم است، رضایت بر تعدی است، رضایت بر غارتگری مال مردم است و هیچ مسلمی حق ندارد که رضایت بدهد به حکومت ظالمی ولو یک ساعت و همه ما مکلفیم که این حکومت هایی که روی کار آمده اند و برخلاف موازین الهی و موازین قانونی (حتی قانونی خودشان) هستند، همه ما مکلفیم که با آنها مبارزه بکنیم، هر کس به هر مقدار که می تواند باید با اینها معارضه و مبارزه بکند و هیچ عذری پذیرفته نیست. ۱۰

عمده در حکومت اسلامی، خدمت به اسلام و مردم است

عمده این است که ما به اسلام خدمت کنیم. خدمت به ملت، خدمت به اسلام است خدمت به دولت، خدمت به اسلام است و امروز هر خدمتی که انجام دهیم، خدمت به اسلام است. هر خدمتی که مردم به آن احتیاج داشته باشند، خدمت به اسلام است. وقتی قرار گذاشتیم که به اسلام خدمت کنیم خدای تبارک و تعالی هم ما را تنها نمی گذارد و نمی گذارد گرفتار شویم برای اینکه گرفتاری از خود انسان است، از خارج نیست. تا در داخل ملت یک کرم زدگی پیدا نشود خارجی ها نمی توانند کاری انجام دهند و بحمدالله امروز ما از داخل اطمینان داریم و با این اطمینان باید به مردم خدمت کنیم و دیگر نباید بگوئیم حال انقلاب است. نه، دیگر حال آرامش است، حال خدمت به مردم و جامعه است، حال خدمت به اسلام است. ۱۱

همه در خدمت به منزله اعضای یک انسان باشید

شما آنطوری که اسلام مقرر فرموده است عمل بکنید، اگر هر کس هم هر چه به شما بگوید اعتنا به او نکنید. اسلام مد نظر شما

باشد و این را بدانید که آنهایی که با این مجلس مخالفند و آنهایی که با این انقلاب مخالفند و آنهایی که با اسلام مخالفند هر کاری بکنید آنها به مخالفت خودشان ادامه می دهند منتها یک وقتی با یک بهانه است بعد یک بهانه دیگر پیدا می کنند. شما توجه داشته باشید که - اسلام - به اسلام خدمت کنید و به کشور خودتان خدمت کنید. شما وکیل مردمی هستید که همه اسلام را می خواهند و همه کشور خودشان را می خواهند و شما باید برای این ملت خدمت بکنید، به آن چیزی که شما را وکیل کرده است خدمت بکنید، اگر انحراف پیدا کنید برخلاف ملت، خیانت کرده اید به وکالتی که دارید. و من امیدوارم که انشاء الله شما با کمال قدرت، با کمال عزت و عظمت این نهضت را به پیش ببرید و مجلس، یک مجلس اسلامی اخلاقی همه چیز تمام باشد و شما معلم اخلاق جامعه باشید و همه جامعه هم پشتیبان شما باشد و همه تان یک هویت بین دولت و ملت و ارتش و مردم همه یک هویت باشید، همه اعضای یک انسان باشید، همه در خدمت انسان کامل که رسول اکرم (ص) است باشید و همه به منزله اعضای او باشید برای خدمت و اگر اینطور شد، پیروزی نصیبمان هست و اگر خدای نخواستہ انحرافات پیدا شد و اغراض شخصیه پیش بیاید و نمی دانم مسندها بحث بشود و مقام ها طرح بشود و امثال اینها، این اولاً انحطاط اخلاقی زیاد است و انحطاط در پیشگاه خداست و ثانیاً خوف این است که نتوانید این بار را به منزل برسانید. ۱۲

مسئولین نظام اسلامی در مقابل خدا و مردم مسؤول هستید

باید شما توجه کنید که مسؤولیت شما از باب اینکه آرائتان خیلی زیاد است مسؤولیت تان خیلی زیاد است. همچو نیست که آن آقایان دیگر نداشته باشند، آنها هم مسؤولیت دارند، همه مادر مقابل اسلام مسؤولیم. این اسلامی که با خون اولیا و بزرگان به دست ما سپرده شده است و الان ما مسؤول او هستیم، این اسلام را ما باید به نسل آتیه برسانیم. یک روزی بود که ما بعضی مان عذر داشتیم یا همه مان، که نمی گذارند که ما عمل کنیم به اسلام. در رژیم سابق، خوب، خیلی ها می گفتند که از ما نمی آید، اگر می آمد، می کردیم. امروز اینطور نیست، امروز دست همه باز است. مجلس دستش باز است و هیچ کس آقا بالا سر او نیست. دولت هم دستش باز است و مجلس هم تاییدش می کند. رئیس جمهور هم دستش باز است و ملت تاییدش کرده اند. هیچ عذری برای ما نیست امروز. اگر چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحش نرویم، عذری نداریم. همه ما، چه آنهایی که لشکری هستند و اینجا هستند و نیستند و چه آنهایی که در کشور خدمت می کنند و چه مردم دیگر، همه ما مسؤول هستیم کلکم راع و کلکم مسؤول وقتی همه ما مسؤول هستیم و همه ما در مقابل خدا جواب باید بدهیم، باید فکر این کشور باشیم، فکر این اسلام که در کشور ما تشریف آورده اند و قدمشان روی چشم، باشیم. نرویم سراغ اینکه حالا که من شدم رئیس جمهور باید چه بشود و چه بشود و من هم باید مقامم چه باشد. خیر، این از ضعف نفس انسان است، از تنگی چشم و قلب انسان است که خیال میکند این یک چیزی است. این یک چیز اعتباری است که امروز دادند فردا هم تمام می گیرندش می رود سراغ کارش. شما برای این ملتی که در این چند سال آنقدر در طول تاریخ زحمت دیده هیچ، به مرئی و منظر ما اینهمه جدیت کرده و جوان داده و مال داده و جان داده است تا اینکه آن رژیم را کنار گذاشته است و شما را روی کار آورده است، شما برای این ملت باید کار بکنید. این مملکتی که به دست شما افتاده است باید ارتش برای این کشور کار بکند، - برای - سپاه پاسداران، ژاندارمری، همه قوای مسلح باید برای این مملکت خدمت بکنند، این امانتی است دست شما. مسأله، مسأله اینجا نیست تنها، اینجا هم اگر خدای نخواستہ ارتش یک سستی بکند و خدای نخواستہ یک غلبه ای واقع بشود از غیر (که نخواهد شد) آن هم در همین دنیا ننگش بر پیشانی همه است. و مسأله، مسأله اینجا نیست، مسأله جای دیگری است که ما از آن غافل هستیم. تمام اعمال شما، تمام جدیت های شما ثبت است و همه عالم این چیزها را ثبت میکند در خودش و ما باید جواب بدهیم، ارتشی باید جواب بدهد، اگر خدای نخواستہ کوتاهی بکند، و آنهایی هم که متکفل امور کشور هستند، آنها هم باید جواب بدهند. شما باید

برای این پابره‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و اینها را به حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند، شما باید توجهتان به این توده‌های مستضعفی که با زحمت خودشان و رنج خودشان الان در جبهه‌ها مشغول فداکاری هستند که خداوند تاییدشان کند و در پشت جبهه هم مشغول فداکاری هستند و مستضعفند، آن بالاها اینها را ضعیف می‌شمارند و می‌شمرند و اینها به حساب نمی‌آمدند و در رژیم سابق برای اینها کاری نشده بود، برای اینها کار کنید. قانع نشوید به اینکه بعضی جاها کار شده است، می‌دانم شده است، خیلی هم شده است اما نباید قانع شد، باید همه دست به دست هم بدهید که انشاء الله برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود. ۱۳.

فعالیت مسؤلین در نظام اسلامی، عبادت است

امروز شمائید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید. فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است. شما امروز همه تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید، چه در کارخانه‌ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید و چه در کشاورزی هر کس هست و چه در سایر کارخانه‌ها که هست. وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند و برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند، عقب‌نگه داشته شدند، نگذاشتند رشد معنوی بکنند، رشد مادی بکنند، وقتی با این ایده شما خدمت بکنید شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه‌ها. همانطوری که مجاهدین ما در جبهه‌ها مجاهدت می‌کنند و عبادت خدا را در آنجا می‌کنند. شما هم در پشت جبهه‌ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام می‌دهید. و من امیدوارم که با فعالیت شما عزیزان، با فعالیت همه جوان‌های ایران، همه قشرهای ملت، زن و مرد ملت این کشور دیگر از آسیب دهر مصون باشد و دست همه ابرقدرت‌ها تا ابد از آن کوتاه باشد. ۱۴.

بعد معنوی کار مسؤلین متعهد و دلسوز را فقط خدا می‌داند

قوه محترمه مجریه که مسوولیت آن بسیار زیاد و حجم عملش عظیم می‌باشد و در صورت صحت و شایستگی عمل و خلوص نیت و دلسوختگی برای کشور و ملت تحت رنج و ستم در طول تاریخ و خدمت به همه ملت بویژه طبقات محروم و ضعیف که در حقیقت سنگینی بار انقلاب از زمان ستمشاهی تا زمان پیروزی و تا امروز به عهده آنان است و همه مرهون آنان هستیم، کار ارزشمندی است که بعد معنوی آن را جز خداوند تبارک و تعالی کسی نمی‌تواند به سنجش درآورد و در صورت تصدی برای آرمان‌های شیطان‌ی و اطاعت از نفس اماره بالسوء و عمل برای سود خود ولو به زبان کشور اسلامی و ملت مظلوم، عواقب دنیا و آخرت آن را کسی جز ذات باری تعالی نمی‌تواند پیش‌بینی کند و هان‌ای متصدیان و دولتمردان از رده به اصطلاح بالا تا پائین! بهوش باشید که در دو راهی سعادت و شقاوت قرار دارید. طریق اعوجاجی، شیطان است و طریق مستقیم، الله تبارک و تعالی. توجه کنید و بسیار توجه کنید که همه و همه در محضر مبارک حق هستید و اعمال قلبیه و قالبیه و خاطرات روحیه و لغزش‌های عملیه همه در حضور اوست. اگر به واسطه سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل شما، به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید، مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده‌اید که عذاب بزرگ الهی دامنگیرتان خواهد شد. هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می‌کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی و بدون جوسازی، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحان از مقام خود استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است و هر کس خود را مدیر و مدبر و خدمتگزار برای خلق خدا می‌داند، کناره‌گیری او در این زمان پشت به خلق و خدای خلق است، مگر آنکه

خدمتگزاری بهتر یا هم‌تراز او جایگزین او معرفی شود. دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت رو سفید باشند و در امور موفق باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی تفکر و تامل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست اندرکاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان موثر باشد و در خدمت ملت باشد نه در خدمت آنان، هر که و هر چه خواهد بود. دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند. دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است و خدای نخواستہ در سیاست بازی های گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می شوند. ۱۵

جنت لقاء الله بالاترین پاداش خادمین اسلام است

من نمی دانم با چه بیانی از این جوان هائی که در طول این مدت فداکاری کردند تشکر کنم. آنقدری که می توانم عرض کنم این است که این مطلب برای خداست و ما هم از خدا هستیم (انا لله) و به سوی او هم می رویم، دیر و زود خواهیم رفت و چه بهتر که در این راهی که داریم قهرا به آن طرف می رویم با یک توشه باشد و آن توشه، توشه توحید است، توشه خدمت به اسلام است. من نمیتوانم برای - خدمتگزاری - جوانی که برای خدمتگزاری به اسلام شب تا صبح، شب زنده داری می کند، در حال خطر واقع می شود، مجاهده می کند، ارزش برای این ما نمیتوانیم حساب بکنیم که - چه - ارزش این چقدر است، اجرت این چقدر است. مگر غیر از خدا می تواند کسی به این اعمال پاداش بدهد؟ مگر طبیعت و زینتهای طبیعت پاداش یک موجودی است که برای خدا قیام کرده است و برای خدا خودش را به خطر انداخته است؟ آن چیزی که دل ما را خوش می کند این است که برای شما پیش خدای تبارک و تعالی یک حسابی باز است و الا ما نمی توانیم از شماها تشکر کنیم یا خدای نخواستہ به شما اجر بدهیم. ما همچو قدرتی نداریم، آنچه هست این است شما از خدا هستید، برای خدا هم خواهید بود و خدا هم اجر شما را می دهد. اجری که خدا می دهد، آن ارزش دارد، ارزش عمل شما آن است که خدا به شما می دهد، ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة جنت، آن جنته که لقاء خداست، جنتی که لقاء دوستان خداست، آن برای شما کافی است و از آن که گذشت، دیگر در عالم طبیعت نمی شود برای اعمالی که برای خداست یک چیزی قرار داد - او - هر چه مربوط به عالم طبیعت است مادون آن چیزی است که برای خداست. ۱۶

برادری و رحمت

اشاره

در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست، برادری مطرح است دانشجویان عزیزی که پیشروان انقلاب بودند و انشاء الله کسانی هستند که مقدرات کشور بعد از این در دست آنهاست، دانشجویان عزیزی که در این انقلاب همدوش تمام برادران، در راه اسلام قدم برداشتند، خوش آمدند. عزیزان من! در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست، برادری مطرح است. خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم ما را برادر خوانده است انما المؤمنون اخوه بزرگان اسلام ما هم در همین حالی که رهبرانی معذور بودند، در عین حال این موضوع نزد آنان به این معنا مطرح نبوده است. امیدوارم این چند روزی که در میان شما هستم در خدمت شما باشم. ما همه در صف واحد، در صف برادران دینی، برادران اسلامی، برادران ایمانی برای آرمان های بزرگ اسلام باید کوشش کنیم و

به پیش برویم . اگر ما برادری خودمان را حفظ کنیم و با حفظ برادری و اتکال به خدای تبارک و تعالی در صف واحد پیش برویم ، پیروزی نصیب ما خواهد بود . خدای تبارک و تعالی به مستضعفان وعده پیروزی داده است و نمونه های پیروزی نصیب مستضعفان یکی بعد از دیگری پیدا می شود . من امیدوارم این نقطه عطفی از ایران به کلیه ممالک اسلامی و به همه مستضعفان جهان پرتو افکن شود و شما جوانان و عزیزان ببینید که دولت اسلامی مبنایش بر اساس برادری و محبت ، اخوت و اینکه فردی بالا و پایین و یا طبقه ای فوق طبقه ای نباشد و نه بر اساس حاکم و محکوم را ادراک کنید . امید است با این تحول و وضع روحی که در جوان های عزیز ما ایجاد شده است و این وحدت و توجهی که قشرهای ما به اسلام و احکام اسلام پیدا کرده اند ما به زودی پیروزی را ببینیم . ۱۷ دو خاصیت بارز مؤمنین عبارت است از رحمت در میان خودشان و شدت در مقابل اجانب چقدر موجب افتخار است که جوان های پرومندی در مملکت ما ، در خدمت اسلامند . چقدر من شاد هستم از اینکه ما با هم در یک مجلس مجتمع هستیم و یک محیط محبت است . دیروز هم من با یک دسته از آقایان که آمده بودند (از ارتشی ها) این مطلب را گفتم و حالا هم باید عرض کنم - یک فرق بین - یکی از فرق های بین دولت های غیر اسلامی ، دولت های طاغوتی و دولت اسلامی این است و باید هم این باشد که در دولت های اسلامی ، محیط محیط محبت است ، محیط برادری است ، نه ارتش با مردم جدا هست و نه مردم با ارتش ، جدا نیستند و نه یک محیط رعب در کار هست . خدای تبارک و تعالی برای مومنین که در خدمت اسلام هستند دو خاصیت نقل می فرماید یکی اینکه بین خودشان محیط محبت است رحماء بینهم با هم دوست هستند ، رحیم هستند ، همه به دیگری محبت دارند ، در مقابل غیر ، اشداء ، در مقابل کفار و در مقابل اجانب شدید هستند ، محکم ، بین خودشان دوست و رفیق هستند . شما ملاحظه کنید ، بزرگتر مرد عالم که بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله) حضرت امیر (علیه السلام) در حالی که مملکت چندین مقابل مملکت ایران بوده است ، آنوقتی که ایشان خلافت داشتند ، از مصر و تمام عربستان و عراق و ایران و مقداری از اروپا زیر سلطه ایشان بوده است ، وقتی که ما ملاحظه می کنیم رفتار یک همچون سردار بزرگ ، یک همچو رئیس دولت با مردم خودش ، با اشخاصی که بین خودشان هستند ، ملاحظه می کنیم که چه جور ایشان رفتار می کرده است ، زندگیش پائینتر می خواسته باشد از همه افرادی که در مملکتش زندگی می کنند ، می فرماید شاید در یمامه در سرحدات ، یک کسی باشد که گرسنه باشد . آنوقت ایشان به خودشان اینطور سختی می دهند به طوری که خانواده ایشان نگران بودند از اینطور زندگی که ایشان می کنند و ایشان ، همین رئیس دولت ، یک چیز غذای زبری که داشته است ، توی یک ظرفی می کرده است ، سر آن را مهر می کرده است مبادا سر این را باز بکنند و داخلش یک روغنی بکنند ، یک چیزی بکنند ، با مردم چه جوری بود ؟ ۱۸

دلسوزی و همدردی حضرت امیر (ع) برای مردم

شب ها به طوری که نقل شده است ، دور می گردیدند تنها و بر دوش مبارکشان غذا حمل می کردند دور خانه ها به اشخاصی که یتیم بودند ، فقیر بودند - چه بودند - تقسیم می کردند و این معلوم نبود ، الا بعد از اینکه فوت شدند - شهادتشان - شهید شدند آنوقت معلوم شد . و در - طوری که نقل کردند ، در یکی از منازل که رفتند ، چند تا بچه کوچک در آن منزل بود ، بعد از اینکه گریه می کردند ، بچه ها گرسنه بودند ، بعد از اینکه رفتند و خودشان غذا دادند به آنها ، بعد چه کردند ، بعد حضرت شروع کرد برای آنها یک یک کاری کرد که اینها را بخنداند ، حتی مثل اینکه مثلا صدای شتر کرد ، گفت من آمدم اینجا ، اینها گریه می کردند ، دلم می خواهد حالا که می روم ، اینها خندان باشند . در زندگی روزمره اش با مردم همچو بود که شنیده بود که در یک لشگری که از معاویه ظاهرا آمده بود ، در یک جائی ، یک خلخال را از پای یک زن یهودی در قلمرو امارت ایشان و خلافت ایشان - یک خلخال را از پای یک زن یهودی - بیرون آوردند ، همچو ناراحت می شود که می فرماید که اگر انسان (قریب به این معنا) بمیرد ، این کارش عیبی نیست ، نباید اشکال گیری کنند . بین خودشان رحیم ، دوست و رفیق به طوری که هیچ رعبی در

آن محیط نبوده است، اگر یک کسی وارد می شد بر آن همچو نبود که حشمتی داشته باشد بترسد، ترس توی کار نبوده است، عدل بوده است. در حکومت عدل، هر کسی باید از خودش - باید - بترسد اینکه نباید تخلف کند و الا از سرباز مملکت عدل، از ارتش مملکت عدل، از شهربانی مملکت عدل هیچ ترس نیست برای اینکه همه با محبت با مردم رفتار می کنند. همین حضرت امیر سلام الله علیه که رفتارش با داخله اینطور بود و مثل یک نفر عمله گاهی کار می کرد، خودش همان وقتی که بیعت کردند با آن، آن اسباب کارش را برداشت و رفت یک قناتی را داشت خودش می کند، بعد هم که آب داد، وقفش کرد. این آدم که وضعش اینطور بود، وقتی در مقابل دشمن می ایستاد، فریاد که می کرد، دل ها را چه می کرد، شمشیر را که می کشید از - اینور - وقتی (می گویند که ضربات علی یکی بوده)، از اینور که می زد دو نیم پاره می شد، از اینور هم می زد دو تا می شدند، شدت داشتند در مقابل آنها. ۱۹

در مملکت اسلامی رعب نیست

این حال سرباز اسلامی است که بین خودشان محبت، محیط، محیط محبت، همین طور که الان ما، این محیطی که الان ما نشستیم، یک محیط محبتی است دیگر، قبل از این نه آقای سرتیپ در یک همچون مجالس، اینطور اجتماع با ما گاهی در پاریس می آمدند - اما - نه ایشان در یک همچون مجالس و نه شما در این مجالس بودید، نه شما با اینها مجتمع، همه را جوری کرده بودند که همه را از هم جدا کرده بودند و بدین کرده بودند، اگر یک نفر وارد بازار می شد مردم می ترسیدند، مردم را ترسانده بودند، چرا؟ - این چرا، در محیط اسلام، مملکت اسلامی، رعب نیست و در محیط طاغوت رعب است برای اینکه محیط اسلامی نه شخص اولش و نه سردارهایش، با مردم جوری نکردند که از مردم بترسند، با مردم محبت کردند، مردم همه برادر او هستند، خدمتگزارش هستند، همان طوری که اینها خدمت به مردم می کنند، مردم همه خدمت به آنها می کنند. در یک همچون محیطی کسی ترس ندارد، لازم نیست که ایجاد رعب بکنند اما در محیط طاغوتی از باب اینکه با مردم بد رفتاری می کردند، مال مردم را خوردند، اذیت کردند به مردم، از مردم می ترسیدند، چطور بکنند که از این ترس نجات پیدا بکنند. و مبادا چه بکنند، ایجاد یک محیط رعب می کنند، محیط را یک محیط وحشت آور درست می کنند که مبادا یک کسی ... ۲۰

خدمت به مردم مایه آرامش قلبی و راحتی وجدان

دو گل وقتی آمده بود اینجا، ظاهرا دو گل بود که با شاه با هم رفته بودند توی بازار، خوب، شاه خیلی جرات نمی کرد بیرون بیاید، این بیرون آمده بود رفته بود توی جمعیت ولی خوب، نمی ترسید از آنها مردم به او کاری نداشتند اما خود او می ترسید که، چرا می ترسید؟ برای اینکه به مردم بد کرده، وقتی آدم به کسی بد بکند، از آنها می ترسد بد بکنند به آن. این یک مطلب کلی است، یک سرمشق کلی است برای همه ما که باید با اهلی، با رعیت مملکت با افراد مملکت رفتارمان رفتار برادرانه و رحمت آمیز باشد، رحماء بینهم ۲۱ اینها هم تبادل رحمت می کنند، این رحمت به او، رحمت به این، این محبت به او و او محبت به او و همین جمعیت اگر در مقابل دیگران بایستند، خصم بایستند محکم و شدید هستند اشداء علی الکفار ۲۲ این یک دستور کلی است که اگر بخواهید وقتی منزل می روید با حال آرام بی دغدغه شب به روز بیاورید، با مردم خوبی کنید، وقتی با مردم خوبی کردید، محبت کردید، خدمتگزار مردم بودید، وقتی که بروید شب منزل آرامش برای قلبتان هست، وجدانتان ناراحت نیست. اینهایی که مردم را اذیت می کنند وجدانشان ناراحت است، اینطور نیست که بروند راحت، یک نفر را کشتند و راحت بروند، نخیر ناراحتند منتها البته بعضی ها وقتی کم کم زیاد شد، عادت می کنند، این دیگر یک درنده می شود، این دیگر آدم نیست. بخواهید که زندگی مرفه، مرفه بودن زندگی به این نیست که پارک چند طبقه آدم داشته باشد، چه بسا اشخاصی پارک های چند طبقه دارند

لکن زندگیشان جهنم است. الان شما زندگی محمد رضا را چه جور می بینید؟ همه وسایل آسایش هست لکن آسایش دارد؟ یک آن آسایش دارد؟ ندارد. آسایش انسان به این است که روح انسان راحت باشد. روح انسان وقتی که راحت شد اگر یک نهار، هر جوری باشد، این با آن می سازد و اصلا ناراحتی را ادراک نمی کند. راحتی انسان به این است که انسان وضع روحیش را جوری بکند که با این وضع روحی آسایش برایش پیدا بشود و این به اسلامی شدن است. ۲۳

ایران را یک محیط محبت کنید

اگر انسان اسلامی بشود، تربیت کند خودش را به تربیتهای اسلامی، ارتش تربیت کند خودش را به اینکه برای مردم خدمتگزار باشد، نه ایجاد رعب بکند، ایجاد رحمت بکند به طوری که همین طور که حالا ما همه با هم هیچ کدام از هم نمی ترسیم، نه من از ایشان نه ایشان از من، هیچ کدام از هم ترسی نداریم، این محیط محبت است، این محیط محبت را حفظ کنید. ایران را یک محیط محبت کنید، به دست شما پاسدارها، شما ارتش، آن ژاندارمری، آن پاسبان، همه و همه، اگر همه با هم یک وضع اسلامی - انسانی پیدا بکند، محیط یک محیط محبت می شود، همه به هم خدمتگزار می شوند. در این نهضت شاید آنوقتی که مردم مشغول بودند به مخالفت، خوب، دیدید که یک وضع انسانی پیدا شده، یک تحول پیدا شده بود، یک تحول پیدا شده که سرباز وقتی که می آمد توی کوچه ها، مردم گل به او می ریختند، آن گریه می کرد و به آنها اظهار محبت می کرد. این تحول روحی است که خدای تبارک و تعالی این تحول را مرحمت فرموده بود، این تحول روحی را حفظش بکنید، این محبت را بین خودتان و اقشار ملت حفظ بکنید ولی در مقابل مخالفین، در مقابل اعداء، در مقابل مفسدین شدید باشید، محکم، مثل یک سدی در مقابل آنها، نرم در مقابل هموطن های خودتان، در مقابل برادرهای خودتان، همین که دستور اسلام است، قرآن این را می فرماید و همانطور که رؤسای اسلام اینطور بودند. خود رسول الله (ص) ایشان خودشان در جنگها، خودشان وارد میدان نمی شدند که آدم بکشند، وضع اینطور بوده است که نبی رحمت بودند، حتی یک نفر را می گویند کشته نشده است به دست ایشان لکن حضرت امیر با آن وضعی که در جنگ داشته است، از آنها نقل کرده اند که ما در شدائد پناه میبریم به ایشان، یک همچو - که - آن سردار بزرگ که در دنیا نظیر ندارد به حسب نقل - کرده اند - که از ایشان می شد، می فرماید که شدائد وقتی جنگ شدید می شد ما پناه می بردیم به رسول الله. یک همچو قوه ای بوده است، قدرت الهی بوده. قدرت الهی بوده این یک دستور کلی است که آن زمان، آنها کرده اند و به سعادت رسیدند و به سعادت رسانده اند. ۲۴

سعادت ما در دوستی و برادری است

در این زمان ما بخواهیم سعید باشیم، بخواهیم به سعادت برسیم باید عمل بکنیم همه با هم دوست و رفیق، سرباز با درجه دار، درجه دار با افسر، با ارشد، رفیق باشد لکن اطاعت بکنند، اطاعت مسأله ای، رفاقت مسأله ای دیگر، بالائی ها پائینی را به چشم رحمت نگاه کنند، پائینی ها به بالائی ها اطاعت بکنند. اگر بخواهند یک مملکتی محفوظ بماند باید ارتش روی دیسیلینی که دارد، محفوظ بماند، روی آن نظمی که دارد روی نظم رفتار کند اگر بخواهد به هم بریزد (حتی حالا من آزاد شده ام، نخیر زیر بار کسی نمی روم) نه، این خلاف آن آزادی است که خدا می خواهد. آزادی در حدود ضوابط است. (من آزادم حالا، من آزادم سیلی بزنم به ایشان) نه آزاد نیستی. (من آزادم اطاعت از مثلا، از فرماندارم نکنم) نه این آزادی نیست. در حدود قواعد و قوانین آزادی هست یعنی شما دیگر از کسی الان اینجا که نشسته اید، دیگر نمی ترسید، اگر قبل از این بود، شما خوف این را داشته اید که از اینجا پایتان... جمع نمی توانستید بشوید اینجا، حالا اگر هم آمدید، خوف این را داشتید که از اینجا رفتید بیرون، این ساواکی ها، این بیرون نباشند، شما را بگیرند و ببرند و بودند و می گرفتند و می بردند. این به این معنا الحمدلله ما

الان آزادییم الان لکن معنای آزادی این نیست که من هر کاری دلم بخواهد، بکنم. این را باز هم گفته ام که خدای تبارک و تعالی ما را به این آزادی امتحان می کند، به این نعمتی که به ما داده است که از همه نعمت ها بالاتر است، الان ما را امتحان می کند که ببیند با این آزادی، ما چه می کنیم، با آزادی رفتار می کنیم خداپسند؟ یا سوء استفاده از آزادی می کنیم؟ اگر سوء استفاده از آزادی کردیم، از امتحان درست در نیامدیم و اگر استفاده صحیح کردیم از آزادی، مرضی خداست و انشاء الله خداوند نعمتش را حفظ می کند به ما. برادرهای من! برادرهای من! توجه داشته باشید، این نعمتی را که خدا به شما داده حفظش کنید یک نعمتی به شما داده، آن نعمت آزادی، نعمت استقلال، این نعمت را حفظش کنید و آن به این است که همه با هم دوست و رفیق و همه با هم بین خودتان رحیم و بر دیگران شدید. آنهایی را که می خواهند چپاولتان کنند، مشت تو دهنشان می زنی، آنهایی که با شما رفیقند، دست برادری می دهید و صورت هم را می بوسید. ۲۵

پیاده کردن محتوای اسلام

جمهوری اسلامی باید با محتوی باشد

حالا ما ببینیم وظیفه مان چیست. تا حالا انجام دادید وظایف اسلامی تان را خداوند به همه شما اجر عنایت کند. تا حالا همه با هم دست به هم دادید، جناح روحانی، جناح دانشگاهی، جناح بازاری، جناح اداری، جناح ارتشی (یک قشرشان البته) همه دست به هم دادند و این دیوار بلندی که واقع شده بود بین ملت و آن چیزی که باید به آن برسد - و اسلام - آن را شکستید. خداوند به شما اجر عنایت کند. اما حالا تمام شده دیگر قضیه؟! ما حالا دیگر آسوده هستیم و هر کدام باید برویم سراغ کارهایمان؟ یا خیر آسوده نیستیم باز هم؟ باز هم بین راه هستیم. الان ما باز محتوای اسلام را، واقعیت اسلام را در ایران پیاده نکردیم. همه ما رای دادیم به جمهوری اسلامی، صحیح، با رای تنها اسلام نمی آید. به حسب رسمیت، رسمیت مملکت ایران الان جمهوری اسلامی است به حسب رای همه مردم، اما محتوای اسلام باید در این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند. فقط ما بگوئیم جمهوری اسلامی و همه جهاتش غیر اسلامی باشد این اسلام نمی شود که. آن هم سابق می گفت اسلام، معاویه هم داد می کرد اسلام، نماز جماعت هم می رفت می خواند، امام جماعت هم بود. خلفاء بنی العباس هم بعضی شان از فضلا و علما بودند و بعضی شان یا همه شان هم نماز جماعت می خواندند و آداب صوری را عمل می کردند لکن محتوای اسلام را اینها، محتوای قرآن را اینها می خواستند تهی کنند. اینها با اعمالشان می خواستند که یک اسلام منهای محتوا (مثل حالا اسلام منهای روحانیت، اسلام منهای محتواست. محتوای اسلام را اینها دارند درست می کنند) باشد. اینها می خواستند که یک اسلامی، (اسلام را قبول داریم، بله اسلام)، اما الفاظ فقط، دیگر از حد لفظ نرود به محتوا. ۲۶

دشمنان از محتوای اسلام می ترسند

محمد رضا خان هم اسلام را می گفت قبول داریم، هیچ هم مضایقه نداشت از اینکه شما بروید در مساجد نمازتان را بخوانید ولو اینکه این مضایقه این هم داشت از ترس یک چیز دیگر. انگلیس ها که آمده بودند عراق را گرفته بودند شنیدم که آن سردارشان دیده بود که یک کسی دارد بالای مازنه یک چیزی می گوید، اذان می گفتند. گفته بود این چیست؟ گفته بودند اذان می گوید. گفته بود که به امپراطوری انگلستان هم ضرر دارد این؟ گفته بودند نه گفت بگوید، هر چه می خواهد بگوید. نماز و روزه ما به امپراطوری انگلستان ضرری نداشت، هیچ هم کاری نداشتند به تو، هر چه می خواهید نماز بخوانید، هر چه می خواهید روزه بگیرید، آنی که به امپراطوری همه ضرر داشت آن اسلام و محتوای واقعی اسلام بود که مع الاسف بسیاری منسی واقع شده است

. سیاست اسلام همچو منسی شده است که اصلا سیاست یک ننگی بود در اینجا، می گفتند فلان آخوند سیاسی است و ساسه العباد که در زیارت جامعه می خوانیم، اگر به یک مقدس مآبی هم گفتند، تعبیرش لابد می کرد اگر جرات نمی کرد بگوید که آن هم سیاسی است، این یک چیز بود که یک کسی در حکومت دخالت بکند که این حکومت باید صحیح باشد جریان صحیح باید باشد. این از تبلیغات همان شیاطین بود که می خواستند قشر اسلام را صورتش را نگه دارند و ماها مشغول به همین صورت ها باشیم و محتوا نباشد در کار کارهایشان را انجام بدهند. محتوای اسلام که مهمش اسلام قیام الله، نهضت الله، جلوگیری از ظلم ظالمین، از ستم ستمکاران، اجرای عدالت اسلامی، اینها منسی باشد، برویم هر چه دلمان می خواهد مساءله بگوئیم، هر چه می خواهیم نماز بخوانیم. مساءله گفته نشود که باید جلوگیری از طاغوت کرد. این را نگوئید مساءله، هر چه دیگر می خواهید بگوئید اما این نباید گفته بشود. سینه بزیند لکن هیچ صحبت از سیاست نکنید همان سینه بزیند بی محتوا. باید سینه زدن هم محتوا داشته باشد امسال باید چراغان بکنید با محتوا، نه صرف چراغان، صرف چراغان خوب است اما آن فایده ای که برای اسلام باید داشته باشد خصوصا چراغان برای کسی که قیام می کند، چراغان برای قیام الله، یک پرتوی باشد این چراغان از قیام الله، از جلوگیری از مفساد، از ریشه کندن این ریشه های مفسادی که الان بین مردم منتشر هستند باز، این ریشه هائی که می خواهند نگذارند این نهضت پیش برود با هر صورت، چراغان در کمال خوبی، در کمال عظمت با محتوا، باید امسال فرق کند با همه سال ها، شما امسال باید جبران کنید آن جهات سابق را. یک وقت به وقوف است، یک وقت به حمله. آن جهاد بود که آن روز کردید این هم جهاد است که امروز می کنید اما متوجه باشید که ان تقومو الله، انما اعظکم بواحد ان تقوموا الله ۲۷ اینکه نهضت، قیام برای خدا باشد، هر کاری می کنید برای خدا باشد نمایش نباشد برای خدا باشد، پر نمایش (اما نه برای نمایش، برای خدا) محتوایش را حفظ کنید. گویند گانی بیابند در مجالس شما که مسائل را درست بگویند برایتان. ۲۸

صورت بدون محتوی

ما الان به آخر نرسیدیم ما تا حالا جز یک الفاظی بیشتر نبوده، البته کارهائی کرده اند اما آنی که ما می خواهیم تا حالا نشده است آنها، یک رایی دادیم به جمهوری اسلامی و آن رژیم رفت و یک رژیم دیگری است لکن باید همه چیز اسلامی بشود. آن روزی ما به آخر مقصد رسیدیم که همه چیزمان اسلامی باشد، بازار یک بازار اسلامی باشد. بازاری که یک متاعی را یک تومان می خرد و سی تومان به این فقرا و ضعفا می دهد این بازار اسلامی نیست بازاری که قاچاق وارد می کند و به قیمت های گزاف می دهد و اقتصاد اسلام را می خواهد به هم بزند این اسلامی نیست، این بازار اسلامی نیست اینها باید اسلامی بشود، خودشان اسلامیش کنند بازاری که به فکر ضعفا و فقرا نباشد، بازاری که پهلویش ضعیف باشد و به فکر نباشد، این بازار اسلامی نیست. ملتی که اینجا قصرهای روی هم روی هم درست کنند و آنجا زاغه نشین ها باشند (شما همه زاغه نشین را دیدید چطورند لابد شماها دیدید من هم صورتش را دیدم) یک مملکتی که زاغه نشین ها آنطور باشند و مردم به فکر اینها نباشند این مملکت، مملکت اسلامی نیست صورت است محتوا ندارد این. حضرت امیر می فرماید (به حسب نقل) که شاید در سر حد یک کسی گرسنه باشد، به خودش رنج می دهد که مبادا یک کسی از او گرسنه تر باشد. آن امیر ماست، او آقای ماست، امام ماست. ما، هی بگوئیم امام و اقتدا نکنیم به او، در کارها هیچ اقتدا نباشد. امام معنایش این است، شیعه معنایش این است که مشایعت کند همانطوری که تابوت را که می برند اگر همه از این طرف دنبال تابوت رفتند تشییع کردند، اگر تابوت را از این طرف می برند یکی از این طرف برود این را تشییع نکردند. شیعه باید اینطوری باشد مشایعت کن علی را. البته قدرت نداریم ما مثل او، هیچ کس قدرت ندارد، اما به زهد، به تقوا، به رسیدگی به مظلوم ها، به رسیدگی به فقرا مشایعت کنیم از او نمی توانیم مثل او زندگی بکنیم، نمی توانیم که مشی او را داشته باشیم، قادر بر این نیستیم. او یک موجودی بوده، معجزه ای، جمع ما بین تضاد،

جمع بین همه ضدها را کرده بود. یک آدم در قدرت آنطور که به حسب نقل از این طرف می زد دو تا می کرد، در جنگ می زد می کشت تمام کسانی که بر ضد اسلام بودند از آن طرف یک آدم زاهد، یک آدم عابد تا صبح بنشیند نماز بخواند. آدم زاهد و عابد اهل جنگ نیست، آدم جنگجو هم بیشترش اهل زهد و تقوا و امثال ذلک نیست، جمع می کرده او بین همه. ماها نمی توانیم اما می توانیم که اقتدا کنیم به او تا حدودی، می توانیم رسیدگی کنیم به فقرای مملکتمان، به ضعفایمان. ۲۹

حکومت باید محتوی داشته باشد

اگر ما بخواهیم اسلام را حفظ کنیم و اینطوری که بخواهیم یک نمونه در عالم نشان بدهیم، ایران را بگوئیم یک نمونه است، یک الگو هست، با رفتن شاه درست نمی شود، با رفتن ظالم ها درست نمی شود. اگر بنا شد که ظالم ها رفتند و ما یک دسته دیگر جایشان نشستیم همان کارها را به اندازه ای که قدرت داریم بکنیم، ما همه مان هستیم، ما همه مان رژیم هستیم، ما همه مان ظالم هستیم این یک مطلبی است که باید همه بدانند و همه ملت باید بدانند و در راس آنها این است که روحانیون و کسانی که مرجع امورند در همه جاها، دولت اسلامی - عرض بکنم که - ارتش اسلامی، همه قوای انتظامیه ای که حالا همه می گویند ما اسلامی هستیم و از طاغوت بیرون آمدیم و به اسلام گرایش پیدا کردیم، مجرد لفظ فایده ندارد، باید محتوا داشته باشد، باید شهربانی حالا وضعش با آنوقت تغییر بکند، نه لفظش تغییر بکند و وضعش همان باشد، باید شهرداری ها همین طور باشند، ارتشی ها همین طور باشند، وزارتخانه ها همین طور باشند، ادارات همین طور باشند، بازار همین طور باشد، بازار باید بازار اسلامی باشد، نه بازار چپاولگری، نه بازار قاچاق، بازار اسلامی باشد به حال مردم رسیدگی بکنند، این مردم دارند از بی بضاعتی چه می شوند، آنهایی که فرصت طلبند حالا اجناس را چند مقابل بالا می برند، اینها با وضع اسلام موافق نیست، مخالف است - عرض بکنم که - بنابراین الان بر عهده ما همه، همه افراد ملت از صدر تا ذیل، چه در دستگاه های حکومتی باشند، چه نباشند، چه در دستگاه هایی باشد که تمشیت امور را می کنند چه نباشند، الان به عهده همه ما این است که ما کارهایمان را موافق اسلام قرار بدهیم و اسلام را حالا که می گوئیم جمهوری اسلامی هست و حالا که می گوئیم مملکت اسلامی است و حالا که می خواهیم عرضه کنیم به خارج که این ایران الگو باشد از برای سایر جاها، یک وقت جوری نباشد که یک الگویی باشد الگوی شیطانی باشد و ما غفلت از آن بکنیم. باید یک الگوی اسلامی باشد و این وظیفه بر عهده همه ماهاست. ۳۰

در مملکت اسلامی باید قوانین اسلامی تحقق پیدا کند

اسلام تاکنون (مگر یک چندی که در صدر اسلام بوده است) تاکنون وجود خارجی به آن معنایی که باید پیدا بکند، پیدا نکرده. الان هم که ما جمهوری اسلامی را می خواهیم، تاکنون کاری که ما کردیم مانع را به طور عمده رفع کردیم. آنطوری که ملت تاکنون عملکرده است، موانع برقراری جمهوری اسلامی را رفع کرده است که آن رژیم سلطنتی بود. رای هم به جمهوری اسلامی همه دادید و الان مملکت ما رژیمش، رژیم جمهوری است لکن با رای به جمهوری اسلامی آرمانهای اسلام تحقق پیدا نمی کند. دنبال این رای عمل باید باشد، باید یک یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا بکند، باید دادگستری، دادگستری اسلامی باشد، باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد، باید بازار، بازار اسلامی باشد، مدارس، مدارس اسلامی باشند، باید همه قشرها اسلامی بشوند و همه قوانین اسلام انشاء الله تحقق پیدا بکند. اگر چنانچه به این آرمانی که همه داریم انشاء الله برسیم، یک مملکت نمونه خواهید پیدا کرد. شما گمان نکنید که غربی ها پیشرفت کرده اند، غربی ها در جهات مادی پیشرفت کرده اند لکن معنویات ندارند. اسلام و همین طور مکتب های توحیدی، اینها انسان می خواهند درست کنند و غرب از این معنی بکلی برکنار است، غرب مواد طبیعت را کشف کرده است و قوای طبیعت را کشف کرده است و آنها بر ضد انسان این قوا را به کار می برد، برای

هدم انسانیت، برای هدم شهرهای ممالک. چنانچه که می بینید که هر یک از این کشورها که به اصطلاح پیشرفته تر هستند بیشتر انسان ها را در فشار قرار می دهند. ما یک مملکت پیشرفته به اصطلاح خودشان که عبارت از آمریکاست، گرفتار آن بودیم و الان هم ممالک بسیار گرفتار همین مملکت پیشرفته هستند. آن چیزهایی که آنها پیشبرد کردند، بر ضد مقصد انسانیت به کار می برند و آدمخواری را در عالم ترویج می کنند، جنگ و جدال را در عالم ترویج می کنند، پیشرفت ها برای پیشرفت جنگ و پیشرفت آدمکشی است. لکن ممالکی که اگر پیدا بشود، مملکتی است اسلامی که هر چه بکند در خدمت معنویات است، در خدمت انسان است، برای انسان سازی است. اگر ما موفق بشویم به اینکه فرهنگمان، یک فرهنگ اسلامی بشود، مدارسمان، یک مدارس اسلامی بشود و آنوقت افرادی که از آن تحقق پیدا می کند و افرادی که تربیت می شود در آن فرهنگ و در آن مدارس، انسان هستند. انسان امین است، انسان رحیم است، انسان رفتارش با برادرها و خواهرهای خودش رفتار رحیمانه است، با عطف است. ۳۱.

اگر محتوا اسلامی نباشد، حکومت اسلامی نیست

الان ما همه مان مکلفیم حالائی که جمهوری اسلامی شد ما هم اسلامی باشیم. اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم، حکومت اسلام نیست، این جمهوری اسلامی نمی شود. اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان هایش اسلامی نباشند خدای نخواسته، دادگاه هایش اسلامی نباشد، وزارتخانه هایش اسلامی نباشد، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام، همان طاغوت است منتها اسمش را ما عوض کردیم. ما نمی خواهیم اسم عوض بشود می خواهیم محتوا درست بشود. باید کوشش کنید محتوا درست بشود امروز اسلام بسته به اعمال شما است، حکومت اسلامی اگر شما خوب رفتار کردید، همه قشرهای ایران خوب رفتار کردند یک حکومت اسلامی و یک رژیم اسلامی است، حکومتش اسلامی، ملتش اسلامی. اگر همه وزارتخانه ها اسلامی شد و همه ادارات اسلامی شد، ارتش اسلامی شد و شهربانی اسلامی شد و ژاندارمری اسلامی شد، آنوقت حکومت ما یک حکومت اسلامی است و اگر ماها هم که یک اشخاصی هستیم که هر کدام وارد یک کسبی هستیم، یک شغلی هستیم ماها هم روی دستور اسلام عمل کردیم یک ملت اسلامی هستیم و الا الفاظ است و معنا ندارد، هی من بگویم اسلام و لکن عملم برخلاف او باشد، هی حاکم بگوید اسلامی و لکن عمل برخلاف او باشد، این، نه رژیم آنوقت اسلامی می شود، نه ملت، ملت اسلامی می شود. کوشش کنید که ملت اسلامی باشد و دولت اسلامی و از خدای تبارک و تعالی من می خواهم این اتحاد شماها و این روحیه قوی شما محفوظ باشد تا این مراتب سیر بشود، تا این مراحل بگذرد. خداوند همه تان را حفظ کند. ۳۲.

باید عملاق را پیاده کنیم

ما باید کوشش کنیم که مفاد این آیه شریفه را متحقق کنیم و همه ملت های اسلامی باید کوشش کنند که حق را در جامعه خودشان پیاده کنند که مصداق (جاء الحق) ۳۳ متحقق بشود و اگر چنانچه حق آمد، باطل خود به خود ذاهق خواهد شد. ما باید کوشش کنیم که از خودمان گرفته تا برادرهای اسلامی و برادرهای دینی خودمان در همه کشورهای اسلامی، به حق توجه کنیم و حق را پیاده کنیم. مجرد حرف نباشد که ما فقط یک شعاری بدهیم که حق آمد و باطل رفت. آمدن حق شعار نیست، آمدن حق عمل است. آمدن حق نشان دادن به حسب اعتقادات و اخلاق و اعمال است، پیاده کردن همه احکام الهی است و اگر چنانکه احکام الهی در یک ملت پیاده بشود باطل از آن ملت کوچ می کند و اگر در همه ملت های اسلامی، احکام الهی، اخلاقی که سفارش شده است، اخلاق انسانی، عقاید ایمانی پیاده بشود خود به خود باطل ذاهق می شود. شما برادرانی که در هند هستید و حالا تشریف آورده اید اینجا و سایر برادرهایی که در ممالک دیگر هستند، چه ایرانی و چه غیر ایرانی که همه برادر هستند، باید

توجه داشته باشند که مفاد این آیه شریفه (جاء الحق) را متحقق کنند تا باطل خود به خود از بین برود . ۳۴

اگر محتوای اسلام پیاده شود ، حکومت اسلامی یک مکتب نمونه خواهد بود

امیدوارم که این راه را همه با هم طی کنیم و آن حکومتی را که اسلام می خواهد (حالا باز نشده است ، اول مطلب است ، یک نسیمی از اسلام آمده و الا الان باز نشده است) آن حکومتی را که اسلام می خواهد و آن رژیم را که اسلام می خواهد متحقق باشد ، انشاء الله متحقق بشود به طوری که شما هر جا بروید ، بازار بروید ببینید بازار اسلامی است ، دیگر اجحاف نمی شود ، زیاد فروشی بیجا نمی شود ، کم فروشی نمی شود ، ربا نمی شود ، مفتخوری نیست ، در ارتش بروید ببینید که اسلامی هست ، همه شان توجه به اسلام دارند ، نماز می خوانند ، روزه می گیرند ماه رمضان و هکذا در مسجد بروید می بینید که همه چیز درست است ، در ارتش بروید می بینید که مثل این است که توی مسجد رفته اید و همه جای مملکت ، وزارتخانه هایش ، اداراتش همه اسلامی بشود . اگر انشاء الله آئی که خدای تبارک و تعالی فرموده است بشود ، که تحقق پیدا بکند ، آنوقت یک نمونه ای است که در عالم عرضه بشود به اینکه آنکه ما می خواستیم این است و الان هم که تا اینجا رسیدید ، کاری انجام گرفته است که دنیا باورش نمی آید ، این کار را اسلام کرد . ۳۵

فصل اول : صفات مسئولین در نظام اسلامی

۱- تزکیه ، ایمان و تقوی

تزکیه عامل طاغوت زدایی

اول آیه ای که به رسول اکرم به حسب روایات و تواریخ وارد شده است آیه اقرا باسم ربك ۳۶ است و این آیه اولین آیه ای که به حسب نقل ، جبرئیل بر رسول اکرم خوانده است و از اول به قرائت و به تعلم دعوت شده است . اقرا باسم ربك الذی خلق و در همین سوره است که ان الانسان لیطغی ان راه استغنی ۳۷ این سوره برای اولین مورد وحی و در اولین نزول وحی این آیه در این سوره وارد شده است که کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی معلوم می شود که طغیان و طاغوت بودن از اموری است که در راس امور است و برای طاغوت زدائی باید تعلیم کتاب و حکمت و تعلم کتاب و حکمت کرد و تزکیه کرد . انسان اینطوری است ، وضع روحی همه انسان ها اینطور است که تا یک استغنائی پیدا می کند طغیان پیدا می کند . استغنای مالی پیدا می کند . به حسب همان مقدار طغیان پیدا می کند ، استغنای علمی پیدا می کند به همان مقدار طغیان پیدا می کند ، مقام پیدا می کند به مقداری که مقام پیدا کرده است طغیان می کند . فرعون را خدای تبارک و تعالی طاغی می گوید هست برای همین است که مقام پیدا کرده بود و انگیزه الهی در او نبود و این مقام او را به طغیان کشیده بود . کسانی که چیزهائی که مربوط به دنیاست آنها را بدون تزکیه نفس پیدا می کنند ، اینها هر چه پیدا بکنند طغیانشان زیادتر خواهد شد و وبال این مال و این منال و این مقام و این جاه و این مسند از چیزهائی است که موجب گرفتاری های انسان است در اینجا و بیشتر در آنجا . انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیان ها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را ، نفوس خودمان را مصفا کنیم و نفوس خودمان را از این ظلمات نجات بدهیم . اگر این توفیق برای همگان حاصل شد دنیا یک نوری می شود نظیر نور قرآن و جلوه نور حق . تمام اختلافاتی که بین بشر هست ، اختلافاتی که بین سلاطین هست ، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست ریشه اش همان طغیانی است که در نفس هست . ریشه این است که انسان دیده است که خودش یک مقام دارد طغیان کرده است و چون قانع نمی شود به آن مقام ، این طغیان اسباب تجاوز می شود ، تجاوز که شد اختلاف حاصل می شود و این فرق نمی کند ، از آن مرتبه نازلش طغیان است تا آن مرتبه عالی آن . از

مرتبۀ نازلی که در یک روستا بین افراد اختلاف حاصل می‌شود ریشه آن همین طغیان است تا مرتبۀ بالا-تر و هر چه بالاتر برود طغیان زیادتر می‌شود. اینهایی که، فرعونی که طغیان کرد و انا ربکم الاعلی گفت، این انگیزه در همه است فقط در فرعون نیست. اگر انسان را سر خود بگذارند انا ربکم الاعلی ۳۸ خواهد گفت. انگیزه بعثت این است که این نفوس سرکش را و این نفوس طاغی را و یاغی را از آن سرکشی و از آن طغیان و از آن یاغیگری کنترل کند و تزکیه کند نفوس را. همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است. غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه، هم تعلم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب و اگر چنانچه تزکیه بشوند طغیان پیش نمی‌آید. کسی که تزکیه کرد خود را هیچ‌گاه خودش را مستغنی نمی‌داند ان‌الانسان لیطغی ان راه استغنی ۳۹ وقتی که خودش را می‌بیند و برای خودش مقام قائل است و برای خودش عظمت قائل است این خودبینی اسباب طغیان است. اختلافاتی که بین همه بشر هست، اختلافاتی که سر دنیا بین همه بشر هست این اختلافات ریشه اش این طغیانی است که در نفس هاست و این گرفتاری است که انسان دارد و گرفتاری به خود دارد و به هواهای نفسانیه. اگر انسان تزکیه بشود و نفس انسان تربیت بشود این اختلافات برداشته می‌شود. ۴۰

تزکیه نفس ضرورت زمامداری است

اگر تمام انبیاء عظام جمع بشوند در یک شهری و در یک کشوری، هیچ‌گاه با هم اختلاف نمی‌کنند برای اینکه آنها تزکیه شده‌اند، علم و حکمت را بعد از تزکیه در نفس دارند. گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده‌ایم، تربیت نشدیم، عالم شدند، تربیت نشدند، دانشمند شده‌اند، تربیت نشده‌اند، تفکراتشان عمیق است، لکن تربیت نشده‌اند و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است و تزکیه نشده است بر بشر وارد می‌شود آن خطر از خطر مغول بالا-تر است غایت بعثت این تزکیه است، غایت آمدن انبیاء این تزکیه است و دنبالش آن تعلیم. اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقاہت، در صحنه سیاست، در هر صحنه‌ای که وارد بشود اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطان باطن رها نشدند، خطر اینها بر بشر خطرهای بزرگ است و باید کسانی که می‌خواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را، باید قبلاً خودشان تزکیه شده باشند، تربیت شده باشند و کسانی که در بشر می‌خواهند زمامداری کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند باید تزکیه کنند خودشان را و بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند و این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهوری، برای دولت‌ها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا بکنند، یک طغیان بسیار محدود است. یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند یک نقطه محدودی را به فساد ممکن است بکشد، لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند، در عالمی شد که مردم آن عالم را پذیرفته‌اند، در سلطانی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته‌اند، در رؤسایی شد که مردم آنها را پذیرفته‌اند، این گاهی یک کشور را به فساد می‌کشد. و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد این طغیان‌ها که موجب این شد که کشورهایی به تباهی کشیده بشود برای این است که تزکیه نشده است کسی که زمام امور به دستش است. شما مقایسه کنید صدام را با یک نفر آدم عادی، یک نفر آدم عادی هر چه طغیان بکند و هر چه فرعونیت داشته باشد جز اینکه یک نفر آدم عادی را به تباهی بکشد یا خانواده خودش را به تباهی بکشد کار دیگری از او نمی‌آید اما صدام را ببینید که طغیان کرده است و طاغی است و این طغیان موجب به فساد کشیدن یک مملکت، دو مملکت بلکه یک منطقه ممکن است بشود و اگر این طغیان در رئیس‌های جمهور بزرگ دنیا باشد، اگر رئیس جمهور امریکا طغیان بکند، طغیان او یک کشورها را بسیار با فساد می‌کشد. جنگ‌های بزرگی که در دنیا واقع شد مثل جنگ اول و جنگ دوم برای همین بود که طغیان در آن طبقه بالا بود و آن طبقه بالا که مهذب نبودند، طغیان کردند و کشورهای بزرگ را به فساد کشاندند. اگر رئیس حزب جمهوری سوسیالیستی

شوروی طغیان کند طغیان او محدود نیست به این حدود معین ، طغیان او کشورهائی را به فساد می کشد . ۴۱

مقام برای افراد تزکیه نشده خطرناک است

کسانی که در یک مقامی هستند ، چه مقام های پائین و چه مقام های بالا ، باید اگر بخواهند مملکت اصلاح بشود ، اگر بخواهند این کشور آرامش پیدا کند ، آنها باید آرامش را از بالا شروع کنند . از پائین آرامش نمی شود حاصل بشود . باید اشخاصی که زمامدار امور هستند ، هر نحو زمامداری ، باید از آنجا آرامش را شروع کنند . آرامش آنها کشور را به آرامش می کشد و اگر خدای نخواستہ آنها طغیان کنند ، طغیان آنها کشور را به هلاکت می کشاند . آنهایی که برای این کشور دلسوزند ، آنهایی که برای اسلام دلسوزند ، آنهایی که اسلام را نجات ده همه بشر می دانند ، باید به تعلیمات اسلام ، لااقل به یکی از تعلیمات اسلام توجه کنند و آن اینکه ان الانسان لیطغی ان راه استغنی آنهایی که بعثت را یک بعثت الهی می دانند و انگیزه بعثت را هدایت همه خلق می دانند باید به غایت بعثت توجه کنند که خود خدا انگیزه بعثت را فرموده است ، فرموده است : یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه . تزکیه برای این است که نور هدایت در انسان واقع بشود . تا تزکیه نشدید طغیان برای شما حاصل خواهد شد ، تا تزکیه نشده اید علم برای شما خطرناک است خطرناکتر از هر چیزی ، تا تزکیه نشده اید مقام برای شما خطرناک است و شما را به هلاکت دنیائی و اخروی می کشاند . کوشش کنید که از این روزی که بعثت شروع شده است ، از آنوقتی که بعثت شروع شده است و امروز سالروز این بعثت بزرگ است و این نعمت عظیم الهی است توجه کنید که بعثت برای چه بوده است ، انگیزه بعثت چه بوده است و اگر کسی تخلف کند از انگیزه بعثت چه خواهد شد . انگیزه بعثت تزکیه نفوس بوده است و تزکیه نفوس به این است که خودخواهی ها برود از بین ، خودبینی ها برود از بین ، ریاست طلبی ها برود از بین ، دنیا طلبی ها برود از بین و به جای همه خدای تبارک و تعالی و هوای برای خدا بنشینند . انگیزه بعثت این است که حکومت خدا در دل های بشر حکومت کند . تا اینکه در جامعه های بشر هم حکومت کند . ۴۲

تا تزکیه در رده های بالا حاصل نشود مملکت اصلاح نخواهد شد

تا تزکیه در رده های بالا- حاصل نشود و تصفیه در رده های بالا- حاصل نشود این مملکت و همه ممالکی که هستند ، اصلاح نخواهند شد . آنهایی که این انقلاب را مفید می دانند و این انقلاب را پشتیبانی می کنند و این انقلاب را از ملت می دانند و این انقلاب را می خواهند به نتیجه برسد ، آنها باید آرامش را به هر نحو که هست در کشور ایجاد کنند و این آرامش از رده بالا باید شروع بشود . مادامی که در رده بالا آرامش نیست ، پائین ها آرامش پیدا نمی کنند . مادامی که تزکیه در رده بالا نباشد و تصفیه در رده بالا- نباشد و خدا خواهی در رده بالا- نباشد و فرار از خود در رده بالا- واقع نشود ، تزکیه نباشد و خودبینی ها به جای این تزکیه ها باشند و خودخواهی ها به جای تصفیه ها باشند ، در رده بالا آرامش حاصل نخواهد شد و هر چه فریاد بزنید که آتش بس ، نخواهد شد . همه ما مکلفیم به اینکه تزکیه بشویم . بعثت برای تزکیه آمده است . اگر تزکیه نباشد هر چه در نفس واقع بشود ، هر چیزی که در نفس بیاید حجاب انسان است . همه مکلفیم که تزکیه بشویم تا بتوانیم از نور الهی و نور قرآن استفاده کنیم ، لکن این تزکیه برای دولتمردان و رده های بالا ، لازمتر است تا برای امثال ماها . ما اگر تزکیه نشویم یک حد محدود را به فساد می کشیم یا خود را به فساد می کشیم و آنها اگر تزکیه نشوند و خودخواهی ها را کنار نگذارند ، یک کشور را ، بلکه کشورها را ممکن است به فساد بکشند . ۴۳

الان وظیفه ما این است که هر کدام مان در هر جا که هستیم و در هر سرحدی که هستیم جدیت کنیم که قوانین اسلام را از خودمان شروع کنیم اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح نکنیم و قوانین اسلام را نسبت به خودمان اجرا نکنیم، نمی توانیم یک حکومت اسلامی تشکیل بدهیم. اگر آن کسی که در راس حکومت است مثلا- رئیس جمهور و نخست وزیر خودش را اصلاح نکند و خودش تابع قوانین اسلام نباشد و قوانین اسلام را در مملکت اجرا نکند، چنین شخصی نمی تواند در راس حکومت اسلامی و حاکم اسلام باشد. هر یک از این صاحب قدرت ها و کسانی که در راس قدرت هستند مثل رئیس ستاد یا رئیس کل ژاندارمری و سایر رؤسا تا قوانین اسلام را در وجود خودشان اجرا نکنند، نمی توانند ریاست اسلامی داشته باشند. اسلام یک رئیسی را که برخلاف قوانین اسلام عمل نکند نمی پذیرد. لشکر اسلام کسی را که در راس آن باشد و عمل به اسلام نکند نمی پذیرد، یک اداره ای که احکام اسلام در آن جاری نباشد نمی پذیرد و ما الان نواقصی داریم، مملکت ما الان اسلامی نیست، شما هر جا که دست بگذارید باز می بینید که آثاری از طاغوت هست، یک عده افراد توطئه گر هستند و ما نمی توانیم بپذیریم که در وزارتخانه ها، در ادارات افراد توطئه گر باشند. باید اصلاح بشود، مملکت باید اسلامی بشود و شما هم که پاسدار هستید، اول باید خودتان را اصلاح کنید، خیال نکنید که ما حالا آزاد هستیم، تفنگ هم که داریم باید مردم را اذیت کنیم. شما الان وظیفه سنگینی دارید، شما الان تحت نظر خدا و تحت نظر امام زمان (سلام الله علی) هستید، ملائکه، شما را مراقبت می کنند، نامه اعمال شما را به امام زمان (علیه السلام) عرضه می دارند. باید متوجه باشید مبادا از این اختیاراتی که حالا پیدا کرده اید و از این قدرتی که الان پیدا کردید و زیر بار آن قدرت ظالم بیرون رفتید، خودتان یک قدرت ظالمه باشید و به برادران خودتان تعدی کنید، مبادا یک کسی را بیجا بگیرید یا به واسطه اغراض شخصی یک کسی را بیجا محاکمه کنید، یک کسی را بیجا محکوم کنید، چون شما تحت مراقبت هستید، خدای تبارک و تعالی از ما سوال خواهد کرد. ۴۴

فداکاری ریشه در ایمان دارد

بدانند آن که آنها را به این قدرت رسانده است که قدرت های بزرگ دنیا حساب برای آنها باز کرده اند و همین مخالفت هائی که هر روز می کنند و توطئه هائی که هر روز این قدرت های بزرگ می کنند، دلیل بر قدرتمندی شماست. اگر شما قدرتمند نبودید که آنها با شما مقابله نمی کردند، چون می بینند که یک قدرتی اینجا هست، شما باید بدانید که این قدرت، قدرت بازوی شما و من و سایر افراد نیست، این یک قدرت الهی است، یک قدرت اسلامی است، یک قدرت ایمان است که این کار را انجام داده. ایمان است که شما را وادار می کند بروید و برای اسلام فداکاری کنید و ایمان است که در جبهه ها این عزیزان ما در جنگ تا حد شهادت حاضر هستند و تا این ایمان را حفظ کردید و تا این تعهد به اسلام را حفظ کردید، هرگز نخواهید آسیب دید. ۴۵

مملکت ما احتیاج به انسان مؤمن دارد

اگر بنا باشد که همان تربیت علمی باشد، شما یک طبیب می خواهید درست بکنید نظر به اینکه این طبیب چه جور باشد نیست، این طبیب فردا می شود یک کاسب، یک کاسبی که، اینطور کسب که یک مریض را معطل می کند برای اینکه ویزیت را زیاد بکند. خیلی طبیب خوبی درست شد از حیث طب، بسیار متخصص بود اما چون اخلاق، اخلاق صحیح نبود، مهذب نشده بود، متقی نبود، خداشناس نبود، این طبیب مریض را معطل می کند، امروز یک نسخه ای می دهد، با دواخانه هم می سازد که نسخه را هر چه گرانتر بدهد، این بیچاره را مبتلا می کند، این نسخه فایده نکرد فردا یک نسخه دیگر باز همین، باز همین. طبیبی بود یعنی من حیث طبابت. یک مهندس درست می کنید، مهندس در علم خودش خیلی خوب بود اما وقتی که میخواهد فرض کنید که یک نقشه ای بدهد، یک چیزی بدهد، با آن استادی هائی که دارد جوری می دهد که مفید و صحیح نباشد و منفعت طلبی

باشد و هکذا همه چیز. در قشر ما هم اگر بنا باشد که همین ملایی باشد، این ملا بسیار ملای خوبی است، بسیار آدم فهمیده‌ای است، کتاب و سنت را بسیار خوب می‌فهمد اما اگر چنانچه تقوا در کار نباشد، همین فهم کتاب و سنت موجب اعوجاج مردم می‌شود در سنت، یک جور سنت را بیان می‌کند که منحرف بکند. در کتاب، یک جور کتاب را بیان می‌کند که منحرف بکند. بسیاری از این آدم‌هایی که منحرف کردند و می‌کنند جوان‌های ما را، از اینها هست که در قشر شما و در قشر ما بودند و متقی نبودند، الهی نبودند، خدایی نبودند، فقط توجه به این بوده است که مقام چه باشد، توجه به این بوده است که حقوق چقدر باشد.

۴۶.

تطمیع و تهدید در مؤمنین اثر ندارد

فرقی مابین قشر شما و قشر ما در این مسأله نیست، ما هر دو طایفه باید تربیت کنیم قشر جامعه را. ما احتیاج به آدم داریم مملکت ما احتیاج دارد به اینکه انسان درست بشود در آن، مومن باشد. این آدمی که از زیر دستگاه شما یا از دستگاه ما بیرون می‌آید، اگر مومن باشد، دیگر نمی‌شود که زیر بار ظلم اجانب برود و یا تطمیع بتوانند بکنند او را. این تطمیع‌ها و تهدیدها را همه، آنی که تطمیع می‌شود و تهدیدش آنها اثر می‌کند آنهایی است که ایمان ندارند. آنی که تقوا و ایمان دارد نه تطمیع در او تاءثیر می‌کند که خیانت کند برای اینکه ببرد یک چیزی و نه تهدید در او اثر می‌کند برای اینکه تهدیدها را با خلاف تکلیف کردن موازنه می‌کند، می‌گوید نباید بکنم. اگر شما و ما دست به هم بدهیم و یک جامعه توحیدی به معنای اینکه همه معتقد به خدا، همه معتقد به اینکه یک وقتی جزا دارد کارها، همه معتقد و مومن به همه جهات، اگر ما و شما دست به هم بدهیم و جوان‌ها را مومن، متقی بار بیاوریم مملکتمان تا آخر احیاء می‌شود و اگر چنانچه ما کوتاهی بکنیم، این مسؤ‌ولیت بزرگ را ما به دوش خودمان بکشیم و کوتاهی بکنیم در حق فرزندان این مملکت، فرض کنید چند روزی هم یک چیزی بشود و یک صورتی پیدا بکند، فردا بدتر از این است، به دست این اشخاصی که اعتقاد ندارند، ایمان ندارند، توجه به مصالح کشور ندارند، فقط برای مصلحت خودش می‌خواهد کار بکند. ۴۷.

مبداء همه خیرات و ترقیات ایمان است

همه اینهایی که این بساط را، این فضاحت‌ها را در ایران درست کردند و این گرفتاری‌ها را برای ملت ما درست کردند برای این بود که ایمان در کار نبود. اگر ایمان در کار بود ممکن نبود که یک آدم یک قراردادهائی درست کند که حالا دولت ما گرفتارش هستند که ما هر طرف قضیه را بگیریم ضرر دارد قراردادهای جوری درست شده است که هر طرف قضیه را می‌گویند می‌گیریم ضرر برایمان دارد، ماندند چه بکنند. اگر اینها ایمان داشتند، همه چیز یک مملکت را به باد نمی‌دادند برای اینکه چند تا قصر در خارج داشته باشند، چند تا بانک را در خارج پر بکنند. ایمان نبوده است که این کارها را کردند. مبداء همه خیرات و مبداء همه ترقیاتی که برای یک مملکت هست چه در جهت مادیت و چه در جهت معنویت این است که ایمان در کار باشد. باید شما و ما دست به هم بدهیم برای قشر آتیه که اینها مقدرات مملکت دستشان است ایمان ایجاد کنیم، شما از دانشگاه مومن بیرون بدهید، ما از مدرسه‌ها مومن بیرون بدهیم نه عالم، عالم تنها فایده ندارد البته مومن تنها هم مؤثر خیلی نیست، خوب قشرهای دیگر هم مومن هستند اما عالم وقتی مومن شد، عالم وقتی متقی شد آن است که منشاء خیرات و برکات است و حفظ یک کشور یا خدای نخواست از آن طرف به باد دادن یک کشور است. ۴۸.

همیشه توجه به خدا داشته باشید

فرهنگی را یک جوری بار بیاورید که برای ملت شما مفید باشد و این نمی شود جز که ایمان باشد. اگر یک نفر، دو نفر در یک جامعه پیدا شد که ایمان هم نداشت لکن کارش خوب بود، میزان یکی دو تا نیست، میزان جامعه است. اینطور نیست که اگر یکی پیدا شد شما حالا بگوئید فلان آدم هم پیدا شد و هیچ اعتقادی نداشت لکن آدم صحیحی بود، خلاف نمی کرد چطور و یکی، دو تا یک نوبری است اگر صحیح باشد. میزان جامعه است که یک جامعه آیا همین طور ما علم به آن تزریق کنیم و با حربه علم او به جان مردم بیفتد یا در دانشگاه همچو تهذیبش کنیم که علمش را برای نفع جامعه به کار ببرد. ۴۹ توجه خودتان را به خدا همیشه داشته باشید و خدا در خلوت و جلوت همراه شماست و ناظر. علاوه بر اینکه ملائکه الله ناظر شما هستند، من ورائهم خدای تبارک و تعالی است که آن چیزهایی که بر ملائکه الله هم مخفی است - بر - اسرار غیبی شما پیش اوست و همه چیز در نظر اوست و همه چیز پیش اوست و شما فردا باید حساب پس بدهید از همه چیز و من امیدوارم که در این حساب، خوش حساب باشید و نامه اعمال همه ما یک نامه اعمالی باشد که بدست راست ما بندند. ۵۰

کسی که کارش را با خدا درست نکند نمی تواند مردم را اداره کند

ما شما جوان ها را لازم داریم در صورتی که اصلاح کنید خودتان را. کوشش کنید برای اینکه خودتان را اصلاح کنید، کوشش کنید برای اینکه خائن بار نیاید آن کسی که می رود توی مثلا بازار اینها، توی فروشگاه های اینها، خدای نخواسته (کس معوجی است) یک چیزی بر می دارد به منطقی اینکه اینها از ما خورده اند، این خائن است این به درد مملکت ما نمی خورد خودتان را اصلاح کنید. آن کسی که کارش را با خدا درست نکند نمی تواند در خلق، مردم را اداره کند. باید کارتان را با خدا درست بکنید تا بتوانید. ما جوان های مان را لازم داریم که تربیت بشوند به تربیت انسانی یعنی تربیت اسلامی، انسان بار بیایند، نه یک کسی که هر چه شد، شد، دیگر هر چه، هر چه بار آمد، شهوت و نمی داند هر چه. ما یک مملکتی میخواهیم که مملکت انسانی اسلامی، اسلامی یعنی انسانی، قرآن کتاب انسان سازی است. اسلام مکتب انسان سازی است، انسان را به همه ابعادی که دارد، اگر یک کسی مکتب اسلام را آنطوری که هست در خودش پیاده کرد محال است که خطا بکند، محال است که کار غلط بکند (عمدا البته) محال است که خیانت به برادرش بکند. ۵۱

کسی که خودش آدم نیست نمی تواند برای آدم ها کار بکند

کمونیستی یک مخدري است برای مردم، نه این است که یک چیزی، یک حل عقده ای می کند، مگر می شود کسی که خودش آدم نیست برای آدم ها کار بکند مگر می شود که یک مسلح غیر صالح برای مردم ضعیف کار بکند؟ من خودم شاهد این قضیه بودم که وقتی که در همین جنگ عمومی که بنا بود سران لشکرها، سران دول در ایران با هم ملاقات بکنند، استالین آن وقت رئیس شوروی بود، این استالینی که حالا هم عکس هایش را می اندازند و چه میکنند، گرچه اخیرا دیگر آبرویی ندارد لکن ایشان رئیس شوروی بود، آن دو تایی دیگری که یکی از آن آمریکا بود و یکی دیگر از انگلستان بود، اینها با امر عادی آمدند و رفتند (آنطور که نقل می کردند آنوقت) به سفارتخانه های خودشان و بنا بود در تهران یک جلسه ای داشته باشند لکن استالین که همه به او برادر می گفتند و همه می گفتند ما همه با هم مثل هم هستیم و برای مردم دلسوزی میکرد و قارداش به او می گفتند، ایشان، می گفتند حتی گاوی که از آن شیر می خواهد بخورد آورده اند همراهش که مبادا از گاوهای ایران شیر بخورد، گاو را با طیاره ای که حامل خودش بوده، حامل یک گاو هم بوده، هم گاو اسلحه دار بی عقل و هم خودش اسلحه دار بیعقل، بلکه خدا میدانند که او بدتر از آن رفیقش (گاو) بود، خدا می داند که اینطور بود. ایشان که این آدم با حتی گاو شیرده آمد و وارد شد و این را دیگر خودم با چشمم دیدم که در بین راه خراسان از شاهرود یا یک قدر جلوتر این دیگر منطقه آنها بود، منطقه شوروی بود

ایران را به چند منطقه قسمت کرده بودند، آن منطقه شوروی بود، من خودم دیدم که ما در اتوبوس می رفتیم برای زیارت، این سربازهای آنها می آمدند گدایی میکردند جلوی اتومبیل و یک دانه سیگار وقتی که به یکی می دادند آن قدر خوشحال میشد که دس.....را پشتش میگذاشت و شروع میکرد به سوت زدن. کمونیستی برای این است که مردم را بازی بدهند مگر می شود کسی به مبادی غیبی اعتقاد نداشته باشد و در فکر مردم باشد و در فکر اصلاحات؟ بازی است همه اش. همه این اسلحه دارها گاهی با کتک و گاهی با تبلیغات و گاهی با کتک و تبلیغات تواءم با هم کار خود را از پیش می برند. ۵۲

شرط دلسوزی برای مردم معنویت و عقیده به توحید است

باید قشرهای غیر اسلامی را که عقیده و عملشان بر خلاف اسلام است و دارای گرایش به مکتب های دیگرند، هر نوع مکتب باشد به مکتب مترقی عدالت پرور اسلام دعوت کنید و در صورت پذیرفتن، از آنها هر نوع که باشد و هر شخصیت که هست تبری یا لااقل احتراز کنید و باید جوانان ما بدانند تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد محال است از خود بگذرد و در فکر امت باشد و باید بدانند که تبلیغات دامنه دار کمونیسم بین المللی همانند تبلیغات پروسو صدای امپریالیسم جهانی جز برای اغفال و استثمار توده های مستضعف نیست. باید این بوق های استثماری شکسته شود. ۵۳

کسانی که ایمان ندارند نمی توانند به مردم خدمت کنند.

گمان نشود که کسانی که ایمان ندارند اینها هم خدمت به کشور می کنند و فرق ما بین آنها و آن کسانی که ایمان دارند نیست. والذین كفروا يمتعون و ياءكلون كما تاءكل الانعام و النار مثنوی لهم ۵۴ کسی که ایمان ندارد نظیر حیوانات خوراکش هست یعنی در آخور الاغ، نبی اکرم کاه بریزد یا ابوجهل کاه بریزد هیچ فرقی به حال او نمی کند، او می خواهد بخورد، حیوان می خواهد کسی، میل دارد کسی تیمارش کند، این تیمارکننده علی بن ابیطالب باشد یا ابن ملجم، این فرقی به حالش نمی کند، اگر ابن ملجم بهتر تیمار کرد با او بیشتر رفیق است. این آیه شریفه که این مطلب را می فرماید، دستور کلی است برای شناخت منحرف از غیر منحرف که ما چطور منحرف ها را بشناسیم و چطور غیر منحرف ها را. منحرف ها آنها هستند که فرقی به حالشان نمی کند که این پارک، این اتومبیل که به دستشان آمده از راه صحیح آمده یا از راه دزدی، خیانت شده است و این به دستش رسیده است یا اینکه نه روی امانت و روی یک کسب صحیح آمده است هیچ فرقی به حال او نمی کند، او اتومبیل را می خواهد، او خوبی اتومبیل را می بیند، از کجا آمده، این را اصلا پیش او مطرح نیست، چنانچه پیش انعام مطرح نیست که از کجا آمد و آن اشخاص انحرافی نظیر همان حیوانات که از کجا آمده مطرح نیست، چه هست مطرح هست. شما می توانید که جوان ها را تربیت کنید به یک تربیتی که تقوا در آن باشد، نظر این باشد که این از کجا آمده است، این شغل را کی به او داده است، این شغل چه شغلی هست و چه کاری باید اینجا انجام بدهد. ۵۵

کسی که مبادی معنوی ندارد نمی تواند برای مردم کوشش کند

اگر انسان برای شهوات نفسانیه قیام نکند و برای خدا نباشد این به جایی نمی رسد کارش، این بالاخره فشل می شود کارش. چیزی که برای خدا نیست دوام نمی تواند داشته باشد. کوشش کنید که قیام شما، این نهضتی که دارید نهضت الهی باشد، لله باشد من نمی توانم باور کنم که کسی مبادی معنوی نداشته باشد و برای مردم کوشش کند. من اصلا باورم نمی آید اینهایی که مبادی معنوی دارند، اینهایی که خدا قائلند، آنهایی که جزا قائلند، آنهایی که عطا قائلند، اینها تعقل دارد که یک کسی جان خودش را بدهد یک جان بالاتر بگیرد، همه چیزش را بدهد و از خدا زیاده تر، آنقدری که هیچ چشمی نمی تواند ببیند و هیچ

گوشی نمی تواند بشنود بگیرد . این معقول است که ما یکی بدهیم صد تا بگیریم . یک جانی که توی این کالبد محبوس است بدهیم ، آزاد بشویم به جانی که الهی است ، آزاد است ، محیط است ، همه چیز است ، اراده اش فعال است ، می گوید بشو ، می شود ، هر چه و هر که بخواهد می شود ، یک همچو چیزی بگیرد ، این معقول است که انسان در اینجا فداکاری کند و جانش را بدهد اما آن کسی که این مبادی را ندارد ، یا بسیار احمق است یا دروغ است مطلب . من می گویم دروغ است مطلب ، تعمیه است ۵۶ .

ایمان انسان را قدرتمند می کند

آن چیزی که از شما پاسدارها و سایر رفقای خودتان و همه پاسدارهای ایران من توقع دارم این است که آن جهات لطیف اسلامی را حفظ کنید ، انسان اگر چنانچه آن جهت روحانیت اسلام را ، آن جهت معنویت اسلام را حفظ نکند ، یک آدم می شود صدتا ، یک آدم می شود هزار تا . مالک اشتر یک نفر نبود ، مالک اشتر یک آدمی بود که یک لشکر بود و بیشتر . حضرت امیر سلام الله علیه یک نفر نبود همه عالم بود ، همه چیز بود روی آن جهات معنویت و واقعیتی که داشت . انسان مادامی که توجهش به همین مادیات دنیا و جهات پائین است یک نفر است ، آن هم یک نفر حیوان . ما با حیوانات در این معنا شرکت داریم که همه می خوریم و می خوابیم ، این کارهای حیوانی را می کنیم ، آنی که امتیاز می دهد شما را و همه ما را از حیوانات ، آن معانی است که در انسان موجود است بالقوه موجود است و باید بالفعل بشود ، آن حظ الهی و روحانی است که در انسان موجود است و باید رشد بدهد . اگر چنانچه آن حظ معنوی را رشد دادید یکی تان یک فوج می شوید ، یک نفر دیگر نیستید ، یکی می شود ، یک موجود می شود موجودات ، یک قطره می شود دریا . ۵۷

مدرس قدرتمند بود برای اینکه الهی بود

این عکسی که ملاحظه می کنید ، شخصی است که ملک الشعرا گفته است که از زمان مغول تا حالا مثل این شخص در عالم نیامده ، یعنی مرحوم مدرس . این حرف اوست . آنی که ما خودمان دیدیم تنها آدمی که در مقابل رضاخان قلدر ایستاد این است ، این شخص است ، یک روحانی که لباسش از سایر اشخاص کمتر بود و کرباس به تن می کرد ، آنوقت وقتی که شعر گفته بودند ، برای تنبان کرباس مدرس ، آن فاسد شعر گفته بود ، او در مقابل قدرت بزرگ رضاخان ایستاد و آن که هجوم کرده بود به مجلس که مجلس را چه بکند و زنده باد زنده باد رضاخان می گفتند ایستاد و گفت که مرده باد او و زنده باد من . یک چنین مرد قدرتمندی بود برای اینکه الهی بود برای خدا می خواست کار بکند ، نمی ترسید . ۵۸

تقوی برای مسؤ ولین ضروری تر است

عمده این است که همانطور که اول عرض کردم ، تقوا داشته باشید تقوا برای همه لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند ، لازمتر است . آنهایی که متصدی امور نیستند ، تقوا یک امری است که برای شخص خودشان و احیانا هم برای یک عده ای که با او تماس دارند مؤ ثر است و خلاف تقوا برای شخص خود آن آدم و برای اشخاصی که با او معاشر هستند ، گاهی سرایت می کند و مؤ ثر می شود . اما متصدیان امور به حسب تصدی که دارند ، اگر خدای نخواستہ تقوا نداشته باشند ، یک وقت می بینید که اینهایی که در راس امورند اگر تقوا نداشته باشند ، این به همه کشور سرایت می کند ، همه کشور را یک وقت خدای نخواستہ به باد می دهد و لهذا برای آنها اهمیت تقوا بسیار بیشتر است تا برای اشخاص . آنها ، هم برای خودشان خوب است ، هم برای دوستانشان خوب است و هم برای کشورشان خوب است ، برای تمام کشور اگر با بی نظری و حسن نظر و تقوا در همه جا عمل

بشود، اختلافاتی پیش نمی آید. همه این اختلافات که می بینید گاهی پیش می آید، همانطوری که اختلافاتی که در دولت های بزرگ پیش می آید، برای اینکه تقوا ندارند، تقوای سیاسی ندارند، تقوای اجتماعی ندارند، تقوای شخصی و اخلاقی ندارند. این اسباب این می شود که این می خواهد او را بچاپد، او هم می خواهد این را بچاپد، این موجب این می شود که دعوا بشود اما اگر تقوا در کار بود و اگر چنانچه هر کسی روی مرز خودش عمل می کرد، اینهمه جنگ و جدال پیش نمی آمد. ۵۹

با تقوی می توان به اسلام خدمت کرد

حالا ما در کشور خودمان که بحمدالله مردمش رو به تقوا و رو به اسلام و رو به احکام قرآن و اسلام هستند و دارند از آن راه می روند و آن سیر را می کنند، برای ما، برای خود ما، این مسأله لازم است که آنهایی که متصدی امور این کشور هستند، چه دولت، چه قوه قضائیه و چه مجلس، اینهایی که متصدی راه انداختن کار این ملت هستند و آنهایی که در جبهه ها هستند و مشغول جنگ یا تهیه جنگ هستند، همه مردم و خصوصا اینها، اینها اگر چنانچه بخواهند این کشور پیش برود، اختلافاتی که همه می دانیم که اگر خدای نخواستہ پیش بیاید و ملت را به تباهی خواهد کشید، اگر اختلافات در سران قوم پیش بیاید سرایت خواهد کرد و یک وقت می بینیم که دسته دسته شدند و هر کسی یک طبل می زند، اگر بخواهید شما به اسلام خدمت کرده باشید، بخواهید به قرآن مجید خدمت کرده باشید، بخواهید که در پیشگاه خدا رو سفید باشید، بخواهید که فردا که از اینجا به آن در می روید رو سفید بروید، باید اینطور باشد که کارهایی را که انجام می دهید، بی غرض و بی مرض و با تقوا و با حسن نیت باشد. اشکال خیلی خوب است، در مجلس مثلا، خوب، باید یک مطلب رد و بدل بشود، اشکال بشود، لکن اشکال طلبگی. دو تا طلبه وقتی که با هم می نشینند و - عرض می کنم که - صحبت می کنند، گاهی می رسد به فریاد، این فریاد می زند سر او، او فریاد می زند سر او برای مطلب، اما همه دنبال اینند که حق را پیدا کنند، بعد هم که مباحثه تمام شد دو تا رفیق هستند، می روند باهم می نشینند و چای می خورند اینجور اشکال، اشکال سازنده است اشکال مدرسه ای، اشکال طلبگی، اشکال سازنده است طلبه ها آزاد در پای درس مراجع خودشان می نشینند، آزاد صحبت می کنند، اینطور نیست که حق صحبت دادن به این ندهند، به آن ندهند، به همه هم مساوی حق میدهند، یک بچه ای هم برود، بچه طلبه ای هم برود وقتی اشکال بکند گوش به او می دهند، جوابش را می دهند این اشکال سازنده است هر دو می خواهند حق را پیدا بکنند شما هم همین طور است، ملت ما هم باید همه همین جور باشند اگر بخواهند تربیت اسلامی داشته باشند باید توجه کنند، گوششان به این باشد که اسلام چه فرموده، ما هم دنبال آن باشیم. اگر آرای خودشان را، اغراض خودشان را خدای نخواستہ در پیش بیاورند، هم خودشان تباه می شوند و هم دیگران را تباه می کنند. برنامه ریزی اش همین طور است و وزارتخانه هایش همینطور است و مجلسش همین طور است، ارتش و قوای مسلحش همینطور است، سایر ملتش هم همینطور است، قوه قضائیه اش هم همینطور است و خصوصا در قوه قضائیه از جاهای دیگر اهمیتش بیشتر است، برای اینکه قوه قضائیه سر و کار با همه چیز مردم دارد، اینها باید با توجه به خدای تبارک و تعالی و حسن نیت و توجه به مسائل اسلام (چنانچه دارند) با اینطور مشی کنند و همین طور سایر برادرهایی که در این کشور هستند. ۶۰

اگر تقوی داشته باشیم هیچ آسیبی به مملکت ما وارد نمی شود

اگر ما مشی مان را اینطور قرار بدهیم مطمئن باشید که آسیبی به ماها نمی رسد آن روز آسیب به ما می رسد که از باطن بگندیم، افراد باطن شان بگندد و این گند هم سرایت کند و یک دسته ای را از بین ببرد و متعفن کند آن دسته، دسته دیگر را، آن دسته، دسته دیگر را آنوقت است که کودتا می شود و از بین می روید، آنوقت است که ممالک بزرگ به شما طمع می کنند و با دست

خودتان شما را از بین می برند . غالب آن جاهائی که این دولت های بزرگ و این قدرت های فاسد غلبه کرده اند بر مردم ، با دست خود مردم به مردم غلبه کرده اند کم اتفاق می افتد که یک دولتی بیاید بریزد و خودش بخواهد کاری را انجام بدهد . همیشه نشسته اند آنجا توطئه می کنند ، آدم تراشی می کنند در خود ملت . اگر توانستند از خود ملت یک بساطی درست می کنند و ملت را از بین می برند ، کشورها را از بین می برند باید ما که یک کشوری هستیم توجه به خدا می خواهیم داشته باشیم ، می خواهیم خودمان مستقل باشیم ، می خواهیم خودمان همین کار فقیرانه ای که داریم ، مال خودمان باشد ما نمی خواهیم که همه چیزهای بزرگ را داشته باشیم و اسیر باشیم ما البته اگر الان هم تسلیم هر کدام از قدرت ها بشویم ، هر چه بخواهیم به ما می دهند الان هم اگر شما دولت تان ، ملت تان تسلیم بشوید به آمریکا ، سرشار همه چیز به شما می دهند ، اما چی ، همان چیزی را می دهند که به حیواناتشان می دهند ، همان چیزی را می دهند که به اسب های شان می دهند ، همان چیزی را می دهند که به نوکرهایشان می دهند اما اگر ما بایستیم و بگوئیم نه ، ما نه شرقی هستیم و نه غربی ، نه این را می خواهیم ، نه آن را می خواهیم و با هیچ کس هم دعوا نداریم ، هر کس با ما مصالحه دارد و حاضر است که ما با استقلال خودمان زندگی کنیم ، ما با او هم روابط داریم و هر کس این معنا را ندارد ، ما نمی خواهیم روابط داشته باشیم . بالاخره اساس یک کشوری با اتحاد مردمش می شود . استقلال یک کشوری اگر بخواهد حفظ بشود باید مردم احساس کنند که ما استقلال می خواهیم . ۶۱

باید برای مسؤ ولت پذیری خود را مهذب نمود

انشاءالله خداوند شما همه را توفیق بدهد ، موید باشید همه تان ، برای ایران ، برای اسلام یک افراد شایسته بشوید . جدیت کنید که خدمتگزار بشوید به این جمعیتی که در راه شما ، در راه مصالح کشور شما دارند الان خون می دهند و توی حبس ها هستند از همه طبقات ، شما کمک کنید به آنها و دعا هم به آنها بکنید و خودتان را هم ارزش دار بکنید که مثل این هیئت حاکم و اینها فردا نیاید که آنجا شما هم همین جوری وقتی یک پستی دستتان بیاید همانطور بشوید - آنها - غالباً ماها وقتی که چیزی دستمان نیست بله ، خوب - و چیز - است ، وقتی دستمان آمد دیگر این طورها نیست . نه ، جدیت باید بکنید ، خودتان را مهذب بکنید و تمسک به اسلام بکنید و اعمال خودتان را تطبیق کنید با احکام اسلام ، افراد شایسته ای بشوید که بعدها انشاء الله امید است زود باشد آنوقت که مقدرات مملکت دست خود اهل مملکت بیفتد و شماها هم وارد بشوید در مملکت خودتان و اداره کنید مملکت خودتان را . ۶۲

تا اصلاح نکنیم خودمان را نمی توانیم کشورمان را اصلاح کنیم

ما تا اصلاح نکنیم خودمان را ، نمی توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم . من نمی گویم که اینطور باشید که خیر ، از همه هواهای نفس بیرون بروید ، این نه برای من و نه برای شما و نه برای الا من عصمه الله میسور نیست ، لکن ما قدرت داریم که جلوی زبانمان را بگیریم ، نمی توانیم بگوئیم زبانمان اختیار ندارد ، ما قدرت داریم که جلوی قلم مان را بگیریم ، نمی توانیم بگوئیم قلم مان اختیار ندارد . ما جلوی زبانمان را ، جلوی بیانمان را ، جلوی قلم مان را ، جلوی عملمان را همه را می توانیم بگیریم ، قدرت داریم . این معنائی که می توانیم و قدرت داریم و به واسطه او همه مواخذه ها و همه گرفتاری ها هست هر چه هم انسان حب به یک کسی داشته باشد ، یا بغض به یک کسی داشته باشد ، قلمش را نگه دارد ، لااقل اینقدر قدرت داشته باشد که در نوشته هایش دنبال این نباشد که بد از هر جا هست پیدا بشود و او بنویسد ، ضعف از هر جا هست پیدا شود و او بنویسد . ۶۳

خودی را کنار بگذارید و خدا را توجه کنید تا مسائل دیگر حل شود

در همه امور، در تمشیت همه امور باید انسان آنچه را که مصلحت اسلام است، کسانی که متصدی امور هستند آن چیزهایی که مصلحت اسلام است، آن چیزهایی که مصلحت ملت اسلام است، در نظر بگیرند. از هواهای نفسانی که سرچشمه همه فسادها هست، جلو بگیرند. گمان نکنند که ما حالا این جا را می خواهیم کافی است، خیر! هیچ چیز برای انسان کافی نیست. قلب انسان قدرت مطلق طلب است، یعنی قدرت خدا می خواهد فانی در او بشود و این حد ندارد، لاحد است. لکن چون ما مطلع نیستیم، نمی فهمیم از این جهت گمان می کنیم این چیزها را می خواهیم و همه عذاب های انسان برای همین است که نمی داند چی می خواهد. این چند روز دنیا رفتنی است، این ریاست ها رفتنی است، آنچه که به جا می ماند این است که ما چه کردیم و در محضر مقدس حق تعالی چکاره هستیم. این اگر اصلاح بشود، همه چیز اصلاح می شود. و من امیدوارم که برای همه و خصوصا آنهایی که کارهای کلیدی در دست شان است، این مسأله حل بشود و اگر حل شد، مسائل دیگر هم حل می شود. در این حکومتی که الان در پیش دارید و در این دوره تازه توجه کنید که کارهایی را که می خواهید انجام بدهید، کارهایی باشد که همه اش صلاح کشور و صلاح اسلام باشد. دانشگاه ها را در مدنظر بگیرید که اسلامی بشود و اگر دانشگاه ها اسلامی بشود، مسائل ما در آتیه هم حل است. در نظر بگیرید که افرادی که برای اسلام مفید است، انتخاب کنید، خودی را کنار بگذارید و خدا را توجه کنید. اگر این مسأله در هر انسانی حل بشود، همه مسائلی حل شدنی است. خداوند به همه توفیق بدهد که راه مستقیم الهی را به پیش بگیرند و بگیریم و به این راه مستقیم پیش برویم. صراط که در روایات هست که ادق ۶۴ از مو، مثلا تاریکتر است از شب، چه و چه و در بعض روایات هست که صراط از متن جهنم می گذرد، یعنی توی آتش عبور می کند، آتش محیط است، نه رو. ملاحظه کنید آن جا باید عبور کرد و در این دنیا از همین جا صراط است تا غیرمتناهی و این صورت در آن عالم به آن نحو نمایش پیدا می کند. در این راه که دارید، توجه کنید که مستقیم باشد، صراط مستقیم باشد، شرقی و غربی نباشد. جوان ها را تربیت کنید به این که مستقیم باشند، خداخواه باشند. ادارات را اصلاح کنید و همه چیز را. برای این مردم ستمدیده خدمت کنید، این مردم که شما را به این جا رسانده اند و اگر اینها نبودند حالا یا در حبس ها بودید یا در قبرستان ها. برای اینها باید خدمت بکنید، همه مان خدمت بکنیم، هر کس به هر اندازه ای که می تواند. بزرگترین چیز تقواست که قرآن و حدیث در آن، آن قدر پافشاری کردند که انسان متقی باشد، مواظب خودش باشد، که مبادا بزبانش، با چشمش، با گوشش به مردم ظلم کند. عدالت را اجرا کنید، عدالت را برای دیگران نخواهید، خودتان هم بخواهید. در رفتار عدالت داشته باشید، در گفتار عدالت داشته باشید، تشریفات را کم کنید و این ملت را خدمتگزار باشید. ۶۵

حق را ملاحظه کنید و آنکه مرضی خداست

و من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی به شما آقایان که برگزیده این ملت هستید برای این مسأله ای که در قانون اساسی است و برای تعیین رهبر - و شورای رهبری - یا شورای رهبری توجه به این معنا بسیار داشته باشید که آیا تعیین فلان آدم که در ذهن من است، برای خدا من می خواهیم تعیین کنم یا چون دوست من است، چون رفیق من است؟ و آن که می گوید این صلاحیت ندارد، برای خدا دارد این حرف را می زند یا برای اینکه مثلا رقابتی با او دارد؟ شک نکنید که - مسأله - ما نباید پیش خودمان به خودمان تعمیم کنیم. شک نکنید که اینها ریشه اش - اصل - اصل ریشه اش در نفس انسان است و انسان تا آن دم آخر، آنوقتی هم که می خواهد بمیرد این ریشه هست، آنوقت بیشتر هم شاید ظاهر بشود. یکی از علمای قزوین رحمه الله گفتند که من رفتم بالای سر یک کسی که محتضر بود گفت به من که آن ظلمی را که خدا به من کرده است هیچ کس به هیچ کس نکرده، برای اینکه من این بچه ها را با ناز و نعمت بزرگ کرده، حالا دارد من را می برد و این مسأله خطرناک است برای انسان، خطر جدی

دارد برای انسان که انسان گمان کند شیطان از او دست بر می دارد در آخر عمر . از حالا ، حالا که فرصت هست - وقتی پیرمرد شدید مثل من دیگر نمی توانید کاری بکنید - از حالا که جوان هستید و قوای جوانی محفوظ است جدیت کنید به اینکه هوای نفس را از نفس خودتان خارج کنید . همه گرفتاری ها روی همین هوای نفس است . در تعیین رهبر ، در تعیین رهبری ، نه دسته بندی باشد که خیر ، ما می خواهیم آن کسی که با ما دوست است باشد ، و نه اشکال باشد به اینکه این چون با من خیلی دوست نیست ، نباشد . حق را ملاحظه کنید . آنکه مرضی خداست ، نه آنکه مرضی نفس شیطانی ماست مسأله مهم است ، اهمیت حیاتی دارد مسأله ، این مسأله مهم الان در عهده شما آمده است . شما قبول کرده اید این را و این مسأله مهم را باید با توجه به خدا ، استغاثه به خدای تبارک و تعالی که مبادا خدای نخواستہ لغزشی در انسان پیدا بشود و خودش هم توجه به آن نکند از باب اینکه ستاره هایی بین انسان و نفس اماره اش هست . با اخلاص به خدای تبارک و تعالی و خالی کردن ذهن از همه امور ، در این امر ، در این امر خطیر که اگر لغزش در آن پیدا بشود ممکن است لغزش در جمهوری اسلامی پیدا بشود و می شود و آنوقت به عهده شما آقایان است . این یک تکلیف الهی است به عهده تان آمده و قبول کردید . وقتی قبول کردید ، باید از عهده اش برای خدا برآئید و هرچه فکر می کنید راجع به این مسأله برای خدا باشد . شایسته تر را ، نه آن که با من دوست تر است . آن که برای اسلام بهتر است ، آنهایی که برای اسلام بهترند و البته ما حسن ظنی که به آقایان داریم و بسیاری از آقایان را از نزدیک هم می شناسیم ، همین معانی را امیدواریم که آقایان به وجه شایسته عمل کنند و موفق باشند و انشاءالله خدای تبارک و تعالی همراهی کند با شما و شما را هدایت کند به یک راهی که رضای اوست . ۶۶

خود را وقف خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان بنمائید

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرت ها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان نمایند که رهبری فی نفسه برای آنان تحفه ای است و مقام والایی ، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواستہ با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد . از خداوند منان با تضرع و ابتهاج می خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف تر برای رؤساء جمهور حال و آینده و دولت ها و دست اندرکاران به حسب درجات در مسؤلیت ها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند . خداوند متعال راهگشای آنان باشد . ۶۷

خدمت برای خدا عبادت است

از شما برادرها و جوان های عزیزی که در جبهه اسلام در مقابل کفر مشغول خدمت هستید تشکر می کنم . رمز پیروزی شما برادران و جوانان عزیز اتکال به خدای تبارک و تعالی و اعتماد به رحمت اوست که این در راس همه امور است و دیگری پیروی از دستورات خدای تبارک و تعالی در اینکه همه با هم یکی باشید و در روایت حضرت رسول هم آمده است که مومنین یک دست هستند و حتی تعبیر دو دست نفرمودند و باید شما اجتماع و وحدتتان را به جایی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یکدیگر برادر باشید و این وحدت و برادری اسباب این می شود که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود و تا این توکل و توجه به خدا هست هر قدرتی در مقابل شما هیچ و نابود است . شما بحمدالله با دلی روشن و چشمی باز برای خدا و برای اسلام و برای کشوری که از خود شماست فداکاری می کنید و این فداکاری پیش خدای تبارک و تعالی و ملائکه الله و انبیا ثبت

است. هرگز از دشمن هراسی نداشته باشید. کسی که خدا با اوست از هیچ قدرتی جز قدرت او هراسی ندارد و از آنجا که ما همه چیزمان از اوست و باید در راه او باشیم، خودمان، جانمان، مالمان، اولاد و فرزندانمان همه و همه از اوست. شما این را می‌دانید که هر چه بشود، پیروزی با ماست و مادامی که شما این ایده را دارید که برای خدا خدمت کنید، در عبادت هستید و پیروز و دشمن شما انشاء الله شکست خورده است و نابود خواهد شد. امیدوارم که خداوند قدرت روحی و بازویی به شما عنایت کند که در راه او جهاد کنید و شما اجر شهدا را دارید، چه شهید بشوید و چه شهید نشوید. بروید به طرف نبرد با دشمن، با دلی محکم و قلب هائی مملو از محبت خدا، قلب هائی که از هیچ قدرتی ترس ندارد و خداوند همه شما را حفظ کند. موفق باشید. ۶۸

خدمت به اسلام از بزرگترین عبادات است

من از خدای تبارک و تعالی مسئلت میکنم که تمام کشور ایران، هر جایی که شما دوستان هستید و در هر شغلی که عزیزان ما اشتغال دارند، محلشان مهبط الهی باشد یعنی کارها برای خدا، برای خدمت به بندگان خدا، برای خدمت به اسلام باشد که این از بزرگترین عبادات است، خدمت به خلق خدا و خدمت به اسلام. امید است که در هر جا شما هستید، اداره شما و پست های شما مبدل بشوند به یک عبادتگاه و خدمت های شما همه عبادت باشد و من امیدوارم که در مقابل آن رژیم سابق، جاهائی که مأمورین بودند، مرکز معصیت بود، امروز شما با تعهد به اسلام و با تعهد به احکام اسلام و با تعهد به جمهوری اسلامی، در خدمت بندگان خدا و مستضعفین باشید و بیشتر از همه طبقات ضعیف را ملاحظه کنید و این خود یک عبادت بزرگ است برای شما و من امیدوارم که شما به این عبادت موفق باشید و غنیمت بدانید اینکه در یک رژیمی واقع شدید، در یک حکومتی واقع شدید که آن شغلی که سابق معصیت بود، امروز عبادت است و آن اتاقی که سابق در آن معصیت واقع می شد، امروز با خدمت به خلق خدا عبادتگاه است. و خداوند این عبادتگاه را برای شما حفظ کند و شما را موفق کند که به این عبادت بزرگ که خدمت به جمهوری اسلامی و خدمت به مردم است بیشتر موفق بشوید. ۶۹

توجه کنید کارها خدمت برای خدا باشد

و من امیدوارم که همه ما خدمتگزار به اسلام و مسلمین باشیم و همه شما آقایان با تعهد به اسلام، با اینکه حاضر بدانید خدا را در کارهای خودتان، آن روزی را که میخواهید یک کسی را کنار بگذارید، آن روزی که می خواهید به یک کسی فرض کنید که یک (انگ) غیر اسلامی بزنید، توجه کنید که خدا حاضر است. اگر خدای نخواستہ بر خلاف بکنید عمدا و اگر سهوی باشد، اشتباهی باشد که مقدماتش دست شماست، بدانید که این خدای حاضر و ناظر بر شما ممکن است نبخشد. توجه بکنید که کارها همه اسلامی باشد، برای خدا باشد، خدمت برای خدا باشد. ۷۰

باید تمام هم خود را برای جلب رضای خدا به کار گرفت

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهايي هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند، آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا خواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند، و تنها آنهايي تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و برپادارانگان واقعی انقلاب ها هستند. ما

باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسؤلین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی‌خبر برای از بین بردن انقلاب، هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید، باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمت‌ی نترسید. آمریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام، اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند، اینها با قیافه‌های حق به جانب و طرفدار دین و ولایت، همه را بی‌دین معرفی می‌کنند، باید از شر اینها به خدا پناه ببریم و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام آمریکایی معرفی می‌نمایند، راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد، امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است، و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند، و چه شیرینی بالاتر از این که ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است! چه شیرینی بالاتر از این که ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات آمریکا را در این کشور شکسته است و چه شیرینی بالاتر از این که مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملی‌گرایی و التقاط را خشکانیده‌اند! و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند، از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام! اذنب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسأله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود، مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد، تمامی اینها خیالات باطل ملی‌گراهاست و ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است، ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم، ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قله رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام! و ای نیروهای مردمی! هرگز از دست دادن موضعی را با تاءثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند، پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد امروز روز هدایت نسل‌های آینده است، کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است و دیروز خدا آن گونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود، ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسایل مربوط به خودمان را

به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم . ۷۱

عمده این است که ما آن دنیا آبرو داشته باشیم

و شما هم انشاء الله خدمتگزار همه هستید و همه ما خدمتگزار ملت هستیم . و خدا را در همه امور شما حاضر بدانید ، مهم آن معناست ، ما از این جا خواهیم رفت ، هیچ شکی نیست ، من زودتر و شما هم بعدا می آید ، این مسأله ای نیست ، بلا اشکال است مسأله . باید فکر این را بکنیم که حالا که رفتیم ، آن جا از ما پرسیدند که شمایی که رئیس جمهور بودید برای مردم چه کردید ؟ شمایی که نخست وزیر بودید چه کردید ؟ شمایی که وزیر بودید چه کردید ؟ شمایی که وکیل بودید چه کردید ؟ ملت را از شان می پرسند که شما برای اسلام چه کردید ؟ عمده این است که ما آن جا آبرو داشته باشیم . اگر این مطلب را درست بکنیم ، هم این جا درست می شود و هم آن جا درست می شود . و اگر خدای نخواستہ بخوایم یک تخلفی بکنیم ، نه این جا خیرش را می بینیم ، نه آن جا خیرش را می بینیم . من از خدای تبارک و تعالی توفیق و سعادت و سلامت همه شما را خواستار هستم و از همه تان تشکر می کنم که در یک همچو موقعی همه با حسن تفاهم ، با خوبی و با صفا مشغول خدمت هستید . ۷۲

هر قدمی که برای کشور اسلامی برمی دارید پیش خدا محفوظ است

خداوند انشاء الله شماها را حفظ کند ، شما جوان ها را حفظ کند که همچو همت والائی دارید که می روید در جهاد سازندگی و زحمت می دهید به خودتان ، لکن برای خداست این . شما هر قدمی که الان بردارید برای کشور اسلامی پیش خدا محفوظ است ، خیال نکنید که این قوه های شما هدر می رود . قوای انسانی وقتی هدر می رود که برای خدا نباشد وقتی که قوا برای خدا کار بکند هدر نمی رود ، پیش خداست و این سازندگی شما انشاء الله خودتان ساخته می شوید به آنطوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و انبیا را برای او فرستاده که هم این جهاد ، جهاد نفسی باشد و هم سازندگی برای ملت . خداوند همه شما را موفق و موید بدارد و من دعاگوی همه تان ، خدمتگزار همه هستم . سلامت باشید انشاء الله . ۷۳

برای خدا به بندگان خدا خدمت کنید

من تشکر می کنم از خدای تبارک و تعالی که در این روز با شما عزیزانی که برای این کشور زحمت می کشید و برای سازندگی محرومان رنج می برید مواجه هستیم و از چهره های نورانی عزیز شما بهره می بریم . خدای تبارک و تعالی این زحمت های طاقت فرسای شما عزیزان ، را هرگز فراموشی راه نمی داده است شما عزیزان ، چه قشر روحانی و چه قشرهای عزیز دیگر در این مدت طولانی چه رنج ها بردید و چه خدمت های شایسته در سرتاسر کشور ، در جبهه و پشت جبهه تقدیم خدای تبارک و تعالی کردید . آنهایی که برای یک مستمند و یک مومن خدمت بکنند آنهمه اجر پیش خدا دارند و شما که برای میلیون ها مستمند و میلیون ها مستضعف خدمت می کنید جز خدای تبارک و تعالی کسی نمی تواند احصاء کند اجر شما را و من امیدوارم که با همین عزم راسخ و با همین قدم الهی به کار خودتان ادامه بدهید و توجه به اینکه مردم درباره شما چه می گویند ، مخالفین درباره شما چه می گویند ، نداشته باشید . شما اخلاص داشته باشید و برای خدا به بندگان خدا خدمت کنید و ثنا و اجر را از او طلب کنید که او جزای شما را و اجر شما را عطا می فرماید . و همین طور از فرماندهان محترم ژاندارمری که در اینجا حضور دارند تشکر میکنم ، تشکر میکنم که آنها هم در حد توان خودشان دارند به این کشور خدمت می کنند . کشور امروز از خود شماهاست و دست شرق و غرب از کشور کوتاه شده است و شما خودتان هستید که باید کشور خودتان را اداره کنید و حفظ کنید . از اول که این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید همه قشرهای امت چه قوای نظامی و انتظامی و چه پاسداران عزیز و چه جهاد سازندگی و چه

کمیته ها ، همه قشرهای ملت با هم دست برادری دادند و به پیش رفتند چقدر شهید دادند و چقدر مجروح و چه خانواده هایی جوان های خودشان را در راه اسلام از دست دادند ، لکن نباید ما بگوییم که از دست دادند . آنکه محفوظ است ، آنکه برای همه محفوظ است ، آن خدمتی است که در راه اسلام و آن خونی است که در راه اسلام ریخته شود . اسلام از اول برای همین امر قیام کرده است که به این مستمندان عالم در مقابل ستمگران خدمت کند و این ستمگران را به جای خود بنشانند و شما اشخاصی هستید که پیرو یک همچو اسلام عزیز هستید و به این پیروی باید ادامه بدهید . ۷۴

اگر خلوص برود ، دست خدا هم برداشته می شود

و خاصیت یک نهضت اسلامی که از خود توده ها و خود ملت برخاسته همین هائی است که در ایران واقع شد . یکدفعه سرتاسر ایران بعد از اینکه انقلاب به پیروزی تا حدودی رسید سرتاسر کشور بدون اینکه یک نظمی در کار باشد و یک اشخاصی بخواهند مردم را آگاه کنند ، خودشان برداشتند و سازمان هائی درست کردند و گروه هایی درست کردند . سرتاسر ایران خود ملت دادگاه درست کرد و در هر شهری ، در هر ناحیه ای یک ملائی قاضی شد و چند نفری هم دادستان و امثال ذلک بدون اینکه از مرکز یک تعیین شده باشد و سرتاسر کشور نهادهای مختلف پیدا شد ، جوشید . یکی از نهادهایی که از خود ملت جوشید و متکفل آن خود ملت بود ، همین جهاد سازندگی بود . کمیته ها و پاسداران و همه این نهادهای تازه و جدید بدون اینکه یک سازمانی در کار باشد خود همان مردم درست کردند و مادامی که این معنا باشد که مردم خودشان موظف می دانند خودشان را برای ساختن ، آسیب نخواهند دید . آن روز آسیب خدای نخواست به کشور ما و به ملت ما می رسد که این معنائی که در اول نهضت پیدا شد و سبب پیروزی شد ، این معنا از بین مردم برود یعنی به واسطه اختلافات و تشتتات و هواهای نفسانی طوری بشود که از آن معنای الهی که در بین ملت بود و موجب پیروزی شد تهی بشود و در آنوقت دست رحمت الهی از سر این کشور خدای نخواست برداشته بشود . کاری بکنید که این کلمه ید الله مع الجماعه از دستتان نرود . اگر جماعت ها همه با هم باشند و ایده اسلامی باشد دست خدا همراه شماست . نهادهائی که در ایران از خود ملت پیدا شد اولش با یک قصد خالصی ، الهی پیدا شد و ظاهر شد . اگر این قصد خالص از پیش شما کوچ بکند دست خدا هم برداشته میشود . کوشش کنید که این نهادی که شما در آن خدمت می کنید و خدمت ارزنده ای است ، بسیار کوشش کنید که این خدمت در راه خدا باشد . خدمت به بندگان خدا ، خدمت به بندگان مستضعف خدا که مورد عنایت حق تعالی هستند . کوشش کنید خدمت برای مستضعف باشد ، نه برای هواهای نفسانی و کوشش کنید که این خدمت آلوده نشود به بعضی از کارهائی که ناپسند است . شیاطین در صددند که هر یک از این نهادهای اسلامی را لکه دار کنند . دست های خائنین در کار است ، توطئه ها در کار است که این نهادهای اسلامی را به دنیا بر خلاف آنچه که هست معرفی کنند . اگر خدای نخواست در این نهادها یک کارهای بر خلاف موازین انجام بگیرد فرصت دست بدخواهان می افتد و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می کنند و شما که برای خدا مشغول کار هستید شما را بدنام می کنند . دادگاه های سرتاسر کشور توجه داشته باشند که در دادگاهی ، خدای تبارک و تعالی را در نظر بگیرند و از اشتباهات و خطاها و انحرافات پرهیز کنند و در اموال و نفوس مردم با احتیاط رفتار کنند که اگر خدای نخواست یک بیگناهی به دست اشخاص ، مجرم حساب بشود یا برای او جزائی تعیین بشود ، این در دستگاه الهی بسیار بزرگ است جواب ندارند بدهند . ۷۵

وعده نصرت خدا در قبال خدمت خالصانه ماست

تمام این پیروزی ها و عدم پیروزی ها و سلطنت ها و ابرقدرتی ها و همه گذراست . ما این جا نشستیم ، بلا اشکال در صد سال دیگر از ما خبری نیست ، گذشته است ، رفته است ، پیروز بشویم رفته است ، شکست بخوریم رفته است ، قدرت داشته باشیم رفته

است، نداشته باشیم گذشته است. آن که باقی است، آن است که در پیش خودمان است. آنچه باقی می ماند، ما و چیزهایی که حمل می کنیم به عالم دیگر است. ما باید فکر این معنا باشیم که خدمت بکنیم / به / خدمتی که برای ما سرمایه باشد برای آن جهان. زدن و پیروز شدن و فتح کردن و همه اینها اگر آن بعد معنوی اش نباشد، همه اش شکست است، بلکه آنهایی که بیشتر در نظر مردم پیروزند، شکسته ترند. این قدرت های بزرگی که در عالم بوده است و هست و خواهد بود، اینها اگر آن بعدی که آنها را به سعادت می رساند نداشته باشند، تمامش شکست است. چند روز خورد و خواب و جنایت و خیانت و بعدش تمام / در این جا/ این جا بسته می شود و در آن عالم باز می شود، صحیفه ما باز می شود. همه این عالم شهادت می دهند برای ما، همه حاضرند. ما باید که فکری بکنیم که نصرت کنیم خدا را؛ ان تنصروا الله ینصرکم جنگ نیست، انزوا هم نیست پیشرفت نیست، شکست هم نیست. نصرت یک معنایی است که در خود انسان باید متحقق بشود ما اگر چنانچه در همه جبهه ها پیروز بشویم، لکن به عنوان نصرت خدا نباشد، برای نصرت خودمان باشد، بخواهیم که خودمان یک جایی را بگیریم، ما نصرت خدا را نکرديم و خدا هم آن وعده ای را که داده اند، عمل نمی کنند، اگر عمل کنند یک عنایت خاصی است، ربطی به ما ندارد. آنی که وعده کرده است که ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم، آن این است که شما جبهه نصرت را باز کنید، خدا هم باز می کند. شما برای خدا کار کنید، برای خدا پیش بروید، برای خدا زحمت بکشید، برای خدا همه کارها را انجام بدهید. آن که در جبهه هست برای خدا باید جبهه باشد، آن که پشت جبهه است برای نصرت خدا باشد، این کسی که متصدی امور لشکر است برای خدا متصدی باشد، آن که متصدی امور کشور است برای نصرت خدا باشد، آن که در مجلس است برای خدا در مجلس باشد، برای نصرت خدا باشد و بالاخره اگر همه با نصرت خدا باشیم، خدا به وعده خودش بی اشکال عمل می کند. اگر نقصی باشد در ماست اگر / در نصرت / ما به خیال خودمان پیروزی داریم پیدا می کنیم، لکن نصرت خدا نباشد، یعنی برای او نباشد برای پیشرفت مقاصد الهی نباشد، مقاصد الهی مقصود این است که برای مظلومان، برای مستمندان، برای پیشرفت احکام اسلام، برای دفع ظلم از مظلومان، برای قطع ید ستمگران، همه اینها برای خدا، خدا فرموده است، ما عمل می کنیم. اگر فرموده بود که بروید در منزل های تان / منزلتان بنشینید، آن وقت ما برای خدا می رفتیم منزل می نشستیم وقتی میفرماید که قتال کنید، قاتلوهم / ما/ برای خدا، برای اطاعت اوست. وقتی برای اطاعت اوست، نصرت و شکستن هیچ فرقی با هم ندارد، برای این که این وجهه الهی اش همه اش نصرت است. آن چیزی که مربوط به معنویات است و مربوط به یک جهان دیگر است و برای ما، مایه دست است، برای ما سرمایه است، / آن / وقتی در دست ما باشد، چه شکست بخوریم و چه پیروز بشویم، هیچ فرقی با هم ندارد و اگر این معنا نباشد باز هم فرقی ندارد، بلکه پیروزی ها شکستش بیشتر است. ۷۶

نصرت خدا، نصرت بندگان خداست

باید ما جدیت کنیم که این معنا را درست بکنیم. دنبال این باشیم که اگر چنانچه متصدی امر دولتیم، دولتی باشیم که برای خدا کار بکنیم و برای خدا کار کردن، این است که ببینیم خدا چی فرموده است، چی گفته است، ما باید بکنیم. فرموده است که به مستمندان باید برسید، به ضعفا باید برسید، به مردم فقیر باید برسید برای همه باید تهیه کنید. وقتی که بنا شد ما برای این جهت خدمت کردیم، این نصرت خداست. نصرت خدا، نصرت بندگان خداست نصرت دین خداست. وقتی ما نصرت کردیم بندگان خدا را برای خدا، برای این که اینها عیال الله هستند، ما اگر چنانچه در جبهه ها هم پیروز نشویم، این جا پیروز، و اگر این طور نشد، شکست خوردیم از همین حالا، در اوج پیروزی در شکست هستیم / این جا در اوج / و در حضيض شکست، پیروز هستیم. میزان، این است و ما باید این را در نظر بگیریم. در هیچ پیروزی ای به مقدار خارج از متعارف که مربوط به خدا نباشد، غرور و خوشحالی پیدا نکنیم و در هیچ شکستی سرشکستگی نداریم، برای این که ما نمی خواستیم خودمان یک چیزی بشویم که

سرشکستگی پیدا کنیم، ما می‌خواستیم اطاعت امر خدا را بکنیم. خدا فرموده است: بروید دست ظالم را قطع کنید. ما می‌رویم، آن قدری که قدرت داریم، دست ظالم را، بتوانیم قطع میکنیم، نتوانستیم، کار خودمان را انجام داده ایم. به ما فرموده است که قاتلوه‌م ۷۷، خداوند تعزیرشان می‌کند به دست شما. ما مقاتله می‌کنیم، اطاعت است، یعنی سربسته و دربسته در اختیار او باید باشیم، اطاعت بکنیم، دنبال هر چی می‌رویم اطاعت بکنیم. اگر موعظه می‌کنیم برای اطاعت خدا باشد و اگر موعظه می‌شنویم هم برای اطاعت خدا باشد. اگر جنگ می‌کنیم برای خدا باشد، اطاعت خدا باشد و اگر صلح می‌کنیم، اطاعت خدا. هر جا فرموده آن کار را بکنید، آن کار را می‌کنیم، هر جا فرموده این کار را بکنید، این کار را می‌کنیم. اگر این طور شدیم که از خودمان یک چیزی را مایه نگذاشتیم، هر چه هست از اوست، چیزی هم نداریم که مایه بگذاریم، خیال می‌کنیم چیزی داریم، هر چه هست از اوست. هر چه ما خیال می‌کنیم داریم، نه! از اوست پیش ما، امانت است این امانت هم یک وقتی رد می‌شود به خودش اگر هم داشته باشیم به خیال خودمان، از ما نیست، اشتباه می‌کنیم. ۷۸

سعید این است که همه چیز را برای (او) بخواهد

همه عذابهایی که در آن عالم هست برای نفهمی آدم است. خیال می‌کند خودش چیزی است، چون خیال می‌کند خودش چیزی است، می‌خواهد به همه تفوق پیدا کند. چون برای خودش هست، می‌خواهد همه چیز را برای خودش تحصیل بکند، و این است که انسان را به شقاوت می‌رساند. و سعید این است که همه چیز را برای (او) بخواهد و برای او خواستن، یعنی برای بندگان خدا، برای احکام خدا. ما اگر چنانچه در این جنگی که برمان تحمیل شده است، دفاع می‌کنیم و دفاع کردیم و بیرون کردیم این اشخاص جنگجوی مفسد را، برای این است که خدا فرموده است: دفاع باید بکنید. دفاع هست، ما دفاع می‌کنیم. اگر هم فرموده بود که نه، بروید جنگ بکنید، می‌رفتیم جنگ می‌کردیم. حالا- چون فرموده دفاع است، ما دفاع می‌کنیم. مادامی که آنها مشغول این کارهای مفسده جویی هستند، ما هم باید دفاع کنیم، یعنی ما اطاعت امر خدا می‌کنیم، هر کس هم هر چی می‌خواهد بگوید. اگر برای خدا شد، از حرف‌های مردم هیچ ناراحت نمی‌شویم. حرف را همه می‌زنند - اگر نه، همه نمی‌گویند - حرف زده می‌شود. شما بایستید شب و روز را اطاعت خدا بکنید، برایتان یک چیزی می‌گویند، بروید برای جنگ و همه کار بکنید برای خدا، برایتان یک چیزی می‌گویند. مأمون نیستید از زبان مردم، همان طوری که پیغمبر اکرم مأمون نبود، برای او آن همه می‌گفتند، برای امیرالمومنین هم آن همه می‌گفتند، لکن آنها برای این که کارشان برای خدا بود از این که بگویند فرض کنید که، مگر امیرالمومنین نماز هم می‌خواند؟ مگر علی نماز هم می‌خواند که توی مسجد کشتندش؟ او از این ناراحت نمی‌شود. اگر ناراحت بشود، برای این که چرا یک آدمی این طور است، نه چرا / من / برای من می‌گوید. انبیا، ناراحت اگر می‌شدند برای این بود که چرا باید بندگان (این مردمی که آمدند در این جا و بنده هستند) خودشان را مستقل بدانند و برای خودشان کار بکنند و فساد بکنند، برای این دلسوزی می‌کردند. و احتمال من می‌دهم که ما اوذی نبی مثل ما اوذیت هم، این معنا باشد، من احتمال می‌دهم که آن معرفتی که رسول خدا داشت، دیگران نداشتند، مقاماتشان هر چه بود، به اندازه ایشان نبود. و هر چه مقامات بیشتر است راجع به معصیت‌هایی که در عالم می‌شود، بیشتر اذیت می‌شود. اگر بشنود که در آن سر دنیا یک کسی یک کسی را اذیت کرده / این / این ناراحت بشود، نه از باب این که شهر خودم است، نه از باب این که مملکت خودم است، اقربابی خودم است؛ از باب این که یک مظلوم در دنیا واقع شده. و لهذا می‌بینید که حضرت امیر آن طور می‌فرماید که وقتی که آن چیز را از پای یک ذمی بیرون آوردند، می‌فرماید مرگ برای انسان چطور است، از ظلم، بما انه ظلم بدش می‌آید، نه از ظلم به خودم. از خوبی به آن طوری که خوب است خوشش می‌آید، هر کس هم به هر کس خوبی کند، از باب این که خوبی است خوشش می‌آید، هر کس هم به هر کس ظلم کند، از باب این که ظلم است ناراحت می‌شود. این معنی، این است که یک

انسانی بداند که چی هست و کجا هست و کجا می رود . همه این بساط برچیده می شود لکن صحف ما برچیده نمی شود ، هست ، آن طرف است . پرده را الان هم اگر بردارند ، ما خودمان می بینیم که چه کردیم ، چی هست ، دیگران هم می بینند ، اگر ستاریت خدا نباشد . ۷۹

جنت لقاءالله بالاترین پاداش خادمین اسلام است

من نمی دانم با چه بیانی از این جوان هائی که در طول این مدت فداکاری کردند تشکر کنم . آنقدری که می توانم عرض کنم این است که این مطلب برای خداست و ما هم از خدا هستیم (انالله) ۸۰ و به سوی او هم می رویم ، دیر و زود خواهیم رفت و چه بهتر که در این راهی که داریم قهرا به آن طرف می رویم با یک توشه باشد و آن توشه ، توشه توحید است ، توشه خدمت به اسلام است . من نمیتوانم برای - خدمتگزاری - جوانی که برای خدمتگزاری به اسلام شب تا صبح ، شب زنده داری می کند ، در حال خطر واقع می شود ، مجاهده می کند ، ارزش برای این ما نمیتوانیم حساب بکنیم که ارزش این چقدر است ، اجرت این چقدر راست . مگر غیر از خدا می تواند کسی به این اعمال پاداش بدهد ؟ مگر طبیعت و زینتهای طبیعت پاداش یک موجودی است که برای خدا قیام کرده است و برای خدا خودش را به خطر انداخته است ؟ آن چیزی که دل ما را خوش می کند این است که برای شما پیش خدای تبارک و تعالی یک حسابی باز است و الا ما نمی توانیم از شماها تشکر کنیم یا خدای نخواستہ به شما اجر بدهیم . ما همچو قدرتی نداریم ، آنچه هست این است که شما از خدا هستید ، برای خدا هم خواهید بود و خدا هم اجر شما را می دهد . اجری که خدا می دهد ، آن ارزش دارد ، ارزش عمل شما آن است که خدا به شما می دهد ، ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اءموالهم بان لهم الجنة جنت ، آن جنتی که لقاء خداست ، جنتی که لقاء دوستان خداست ، آن برای شما کافی است و از آن که گذشت ، دیگر در عالم طبیعت نمی شود برای اعمالی که برای خداست یک چیزی قرار داد - او - هر چه مربوط به عالم طبیعت است مادون آن چیزی است که برای خداست . ۸۱

علائم خدمت برای خدا

۱- مطرح نکردن خود آنهایی که در هر جا خدمت می کنند توجه کنند که خدای تبارک و تعالی و ملائکه ای که از طرف خدا موکل هستند مواظب هستند . همین موج هایی که در دنیا از حرف شما ، از عمل شما منعکس می شود ، همین ها فردا پیش شما شهادت می دهند . باید توجه بکنید به اینکه مسؤ ولیت بزرگ است مثلا - در - کسانی که در جبهه هستند و جبهه خدمت می کنند اینها گروه های مختلف هستند ، ارتشی هست ، ژاندارمری هست ، پاسدار هست ، بسیجی هست ، عشایری هست ، شهربانی هست از همه قشرها در آنجا خدمت می کنند ، مردم عادی هم میروند خدمت میکنند ، اینها مواظب باشند که همین جا محل امتحان آنهاست که آیا اینهایی که دارند فعالیت می کنند و می خواهند کشور خودشان را نجات بدهند و دفاع کنند از کشور خودشان ، آیا اینها باهم هماهنگ هستند یا هر که می خواهد برای خودش کار بکند ؟ آیا برای خدا کار می کنند یا برای خودشان ؟ اگر ملاحظه کردند که میل دارند که این گروه خودشان قدرت داشته باشد قدرت در دست بگیرد نه گروه دیگر ، بدانند که عمل شان شیطانی است ، شهادت شان هم اجر ندارد . و اگر دیدند که برای خدا دارند کار می کنند؛ برای خدا کار کردن اینجا معلوم می شود که آن کسی که سپاهی است نکشد طرف سپاه همه چیز را و آن کسی که ارتشی است نکشد طرف ارتش همه چیز را هکذا دیگران . همه با هم برای خدا و برای نجات ملت و برای نجات کشور به پیش بروند فرق نکند که این طایفه باشد یا آن طایفه باشد . مقصد عمده است . انبیا اینطور بودند . اولیای خدا اینطور بودند . کار برای خداست به دست شما انجام بگیرد ، گرفته است ، به دست من انجام بگیرد ، گرفته است ، در دست دیگری ، گرفته است . ۸۲ - عدم توقع از دیگران انسان که یک قدم

اصلاحی و زندگی ساز بر می دارد نباید توقع داشته باشد که مورد پذیرش همه قرار گیرد، این نخواهد شد. امیرالمومنین را هم تا آخر عمر عده ای قبول نداشتند. اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند. کسی که میخواهد برای خدا کار کند باید پیه حبس، تبعید، بدنامی و سایر چیزها را به خود بمالد. اگر به شما فحشی می دهند، شما برای خاطر خدا بپذیرید و ثواب کنید. این را نباید فراموش کنیم که ما همه یک چنین کار بزرگی را انجام داده ایم، حالا از شرق و غرب فحاشی نشویم یا در داخل با فساد کسانی مواجه نگردیم؟! ۳۸۳- عدم انتظار اجر دنیوی آن حالتان را یاد بیاورید. آن حال - حال - حالی است که ولی شما خدا بود یعنی همه چیزتان الهی بود، همه حرکت، حرکت الهی بود، شماها یدالله بودید در آنوقت و این جماعت، این جماعت هائی که با هم یکصدا فعالیت می کردند اینها یدالله بودند یدالله مع الجماعة آن حال را یادتان باشد، همان حال را حفظش کنید، نگوئید حالا تمام شد قضیه و حالا بیائیم سر تقسیم، تقسیمی توی کار نیست، تقسیمی که نیست، تقسیم مال آنهائی است که برای آمال دنیایی کار کردند، شما رفتید جانتان را در طبق اخلاص گذاشتید و هدیه کردید، برای شکم رفتید این کارها را کردید که حالا می خواهید تقسیم کنید؟! تقسیمی توی کار نیست، از خدا بخواهید، از خدا اجر بخواهید. آن چیزهائی که در دنیاست اجر این نیست که شما جانتان را فدا کردید و در طبق اخلاص گذاشتید حالا بعوض اینکه جانتان را فدا کردید یک خانه می خواهید، یک دکان می خواهید، یک پست می خواهید، اصلا می شود این عوض او باشد؟! کسی که همه چیزش را، خودش را، جوانش را، همه چیزش را فدا کرده است این حالا- بیاید بگوید که یک خانه ای بدهید عوض این، این عوض دارد اصلش؟! این فداکاری جز خدا کسی نمی تواند عوض بدهد، اگر همه این دنیا را به شما بدهند، عوض او نیست. آن حال را حفظ کنید، برگردید به آن حال، دوباره شما تحت رهبری شیطان نباشید، ولی شما طاغوت نباشد. آن حال اگر حفظ بشود، الان هم شما، همان ولایت خدا در شما حکومت می کند و هیچ چیز هم عوض این نمی شود. شمائی که می روید در کردستان و فداکاری می کنید، این فداکاری در دنیا عوض ندارد که شما عوض بگیرید. اگر توی ذهن تان آمد برویم یک عوضی بگیریم، معلوم می شود برای خدا نبوده، برای دنیا بوده اگر قضیه تقسیم اموال است این معلوم شد مال دنیا بوده که حالا می خواهند تقسیم اموال بکنند. در جنگ حنین که مسلمین پیش بردند و غنائمی به دست آوردند، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام این غنائم را داد به همین اهالی مکه و ابوسفیان و امثال اینها، همه غنائم را به آن کسانی که مخالفش بودند داد بعضی ها گله کردند که آخر مثلا چه، ما هم بودیم فرمود که شما حاضر نیستید که آنها شترها را ببرند و شما پیغمبر همراهتان باشد آنها شتر بردند، قسمت شما پیغمبر است. حیف است انسان فداکاری بکند آنوقت شتر بخواهد. شمائی که الان بعضی تان در شاید خودتان هم بودید در کردستان و آن وقایع کردستان و آن فداکاری ها، حالا که برگردید شتر می خواهید؟! برای خودتان یک چیزی می خواهید؟! چیزی می تواند مقابل این فداکاری باشد؟! بگذرید از این علائق، اینها، این علائق همه اش ظلمت است، همان ظلماتی است که خدا می فرماید والذین كفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات. ۸۴ فطرت همه بر نورانیت است. فطرت شما فطرت نورانی است، فطرت توحید است، به دست خود ما این فطرت به جهالت ها، به ظلمات کشیده می شود و ما باید خودمان را مواظبت کنیم، باید مجاهده بکنیم خودمان را، باید حساب خودمان را بکشیم قبل از اینکه آنجا حساب از ما بکشند. خودتان حسابتان را بکشید قبل از اینکه حسابگرها حساب شما را بکشند. همه لحظات چشم های شما، همه خاطرات ذهن شما، تمام تفکرات باطن شما در حضور خداست و در نامه ها هم در پرونده ها ثبت است. هر لحظه ای که در لحظات چشم شما بر خلاف آن چیزی که دستور است واقع بود، در حضور خداست و ثبت است و در روایات همه است که اینها هفته ای دو مرتبه اعمال عرضه می شود بر ولی امر، بر امام زمان سلام الله علیه. توجه داشته باشید که در کارهایتان جوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان سلام الله علیه خدای نخواستہ آزرده بشود و پیش ملائکه الله یک قدری سرافکنده بشود که اینها شیعه های من هستند، اینها دوستان من هستند و بر خلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن

رئیس منفعل می‌شود. ای پاسدارهای عزیز و ای سربازهای اسلام! در هر جا هستید از خودتان هم پاسداری کنید تا به پیروزی بر نفس خودتان و پیروزی بر همه شیاطین نائل شوید. من امیدوارم که شماهایی که در این نهضت با آن جوش و با آن خروش و با آن فداکاری شرکت کردید، در این بین راه، یک کسی نباشید که نارفاقتی بکنید و بین راه رها کنید. این قافله راه افتاده است و دارد طرف خدا می‌رود، همه با هم باشید در این راه، وقتی همه با هم شدید در این راه، خداوند با شماست، تفرقه نکنید، با هم برادرند همه انما المومنون اخوه ۸۵ برادرید. - باید - باز این یک محکی است که ما بینیم که به دیگران به چشم برادری نگاه می‌کنیم و برادروار با همه هستیم یا نه خدای نخواستہ یک خصوصیتی توی کار هست و یک گرفتاری هائی هست. مومن آن است که با مومن دیگر برادر باشد، این عقد برادری را خدا در اصل برای شما ایجاد کرده. برادرها! ما بین راه هستیم و دشمن در کمین. یک راهی است که شخصی ما داریم می‌رویم که این صراط الهی است دشمن ابلیس است و می‌خواهد نگذارد شما این راه را طی کنید، مراقبت از خودتان بکنید که این راه را با سلامت طی کنید و در آنجا که می‌روید با سلامت وارد بشوید. یک راهی هم، راهی است که اجتماعی باید برویم و بروید و او پیشبرد اهداف اسلامی است که بحمدالله تا اینجا که آمدید، خوب آمدید و از اینجا به بعد هم با سلامت و خوبی پیش بروید. اگر چنانچه همان حالی که در زمان انقلاب و آنوقتی که همه تان در خیابان‌ها و در میدان‌ها وارد می‌شدید آن حال را به نظر بیاورید، حالا هم همان حال را در خودتان احیاء کنید، ایجاد کنید آن حال را اگر چنانچه در خودتان ایجاد کنید، همه با هم برادر خواهید بود و این آمالی که در همه ممکن است خدای نخواستہ باشد اینها از بین می‌رود و به جای او صفا، برادری می‌نشیند. ۴۸۶- عدم باخت و دلسردی شما در این کارهایی که انجام می‌دهید، چه در جهاد سازندگی، چه در پاسداری و چه در دادگاه‌ها و هر جا هستید، ادارات، توجه تان به خدا باشد. کی کمک به من می‌کند کی نمی‌کند خیلی مطرح نباشد پشتیبان. شما دارید یک عمل انسانی - اسلامی برای خدا انجام می‌دهید، توانستید انجام بدهید که به آن نتیجه هم رسیدید، اگر نتوانستید هم انجام بدهید باز شما برد دارید، برای اینکه پیش خداست، مطلب الهی است. کسانی که برای خدا کار می‌کنند هیچ وقت باخت در آن نیست آنهایی که برای دنیا کار می‌کنند باخت دارند که اگر نرسیدند خوب، باختند و عمرشان هم هدر دادند، اگر برسند هم باخت دارند لکن آنهایی که برای خدا قیام می‌کنند، اطاعت امر خدا را می‌خواهند بکنند، نهضت برای خدا، قیام برای خدا، عمل برای خدا، این هیچ وقت شکست ندارد. در ظاهر هم اگر خیال بشود که ما نتوانستیم عمل بدهیم پس شکست خورده ایم، به حسب واقعش شکستی نخوردیم، برای اینکه ما برای خدا کار کردیم و کسی که برای خدا کار بکند همین دنیا نیست قضیه، جاهای دیگر ما داریم، برد آنجا است. ۵۸۷- عدم یأس و شکست خودتان باید حالا از اول بسازید خودتان را برای اینکه کشور خودتان را خودتان اداره بکنید خیلی هم دنبال این نباشید که حالائی که دارید کار می‌کنید خیر باید حتما همه ادارات هم با شما همراهی کنند، شما برای خدا کار بکنید البته آنها باید این کار را بکنند لکن اگر یک وقتی یک لنگی پیدا شد هیچ ابدا خوف به خودتان راه ندهید و یأس به خودتان راه ندهید. خودتان قدرتمندید، خودتان می‌توانید عمل بکنید. من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد و همه ما را توفیق بدهد که برای خدا کار بکنیم تا شکست در آن نباشد این از همه توفیق‌ها بالاتر است که ما خودمان طوری بکنیم که کارهایمان برای او باشد. خدمت به ملت خدمت به او است. خدمت به مملکت خود شما خدمت به خداست. مملکت، مملکت خداست خدمت کردن برای اینکه ما محتاج به اجانب نباشیم، این خدمت بزرگی است، خدمت الهی است، برای خداست این. کوشش کنید که کارتان برای خدا باشد وقتی برای خدا باشد از هیچ چیز باک نداشته باشید، خدا همراه شماست و کسی که خدا همراهش است از هیچ نباید باک داشته باشد. ۸۸

راه انبیا الگوی راه ما و انشاء الله با قدرت شما و با قدرت ایمان شما، با قدرت اسلام این نهضت به آخر می رسد و بوی اسلام را آنوقت می شنوید که چه معطر است اسلام. چه نظامی است این اسلام که آن که در راس واقع شده است مثل خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آنهایی که در پائین به اصطلاح شما یا مردم، واقع شده اند، اینها در یکجا با هم مجتمع می شوند و می نشینند و صحبت می کنند و - عرض می کنم - قصه و صحبت تجییش جیوش می کنند اینها، این بنای پیغمبر اینطور بود. پیغمبر که خلیفه الله بود، همه او را قبول داشتند، وقتی که توی مسجد می نشست نمی شناختندش، کسی که از خارج می آمد، نمی شناخت برای اینکه بالا- و پائینی در کار نبوده، آنوقت حتی یک همچو چیزی هم نبوده است که بیندازد زیرش، آن روی یک حصیر اگر خوب، بود حصیر، والا- روی زمین می نشست، اسلام این است. ما دلمان می خواهد یک همچو، البته قدرت ما نداریم که این که هست عرضه کنیم اما هر چه، هر چه آدم بخواهد به مبداء خیر نزدیک بشود، باید خودش را نزدیک کند، حالا من نتوانستم مثل مالک اشتر عمل کنم خوب، هر چه بتوانم خودم را نزدیک کنم به آنها، باز خوب است و من امیدوارم که مملکت ما یک مملکت اسلامی بشود، جوانهای ما، یک جوان های مسلم، معتقد به اسلام بشود و اگر این ایمانی که ما را پیش برد، باقی باشد، احدی دیگر نمی تواند به شما تعدی کند و انشاء الله نخواهد توانست. ۸۹ شیوه سرداران اسلام وحدت کلمه و اسلامی بودن یک مملکت این است که از آن رئیس جمهورش که آن بالا هست به حسب اعتبار تا آن کسی که آن پائین هاست اینها یک جور باشند، نه این از او بترسد نه او توقع داشته باشد که این از او بترسد. اسلام اینطوری است. حضرت امیر سلام الله علیه که خلیفه مسلمین بود، خلیفه یک مملکتی که شاید ده مقابل مملکت ایران بود از حجاز تا مصر، آفریقا، کذا، کذا، یک مقدار هم از اروپا، این خلیفه الهی وقتی توی جمعیت بود مثل همه ما که نشسته ایم با هم، این هم زیر پایش نبود، همین بود که یک پوست داشتند به حسب نقل. یک پوست داشتند که شب خودش و حضرت فاطمه رویش می خوابیدند و روز روی همین پوست علوفه شترش را می ریخت، پیغمبر هم همین شیوه را داشت. اسلام این است، آن که ما می خواهیم این است. البته هیچ کسی قدرت ندارد مثل او باشد اما ما می خواهیم یک خرده نزدیک، یک بوئی از اسلام بیاید در ایران، ما می خواهیم اینطور بشود که وقتی رئیس یک مملکتی، فرض کنید رئیس جمهور، نخست وزیرش توی جمعیت می آید همچو امتیازی نباشد که مردم کنار بروند، آی آه واه بشود. زمان رژیم سابق اگر می خواست این شخص از یک خیابانی عبور کند، سازمان امنیت و مامورها قبل از اینکه بیاید، دو روز، سه روز قبل این جاها را همه را تحت نظر می گرفتند، خانه ها را این خانه ها را خالی می کردند از مردم تحت نظر می گرفتند که ایشان می خواهد یک عبوری از اینجا بکند. چرا؟ برای اینکه خودش خائن بود و خائن می ترسد. خیانت به مملکت کرده بود و خائن خائف است، از خودش می ترسد، می ترسد بکشندش. اما مالک اشتر هم اینطور بود؟ توی مردم بودند، حضرت امیر تو مردم بود، با مردم بود پیغمبر اکرم توی مسجد به حسب نقل وقتی نشسته بودند با اصحابشان یک عربی که از خارج می آمد نمی شناخت اینها کدام یکی پیغمبرند، کدام یکی دیگران هستند. می پرسید که: کدام یکی تان هستید؟ پیغمبر کدام ها هستید؟ وضع اینطور بود که دور می نشستند، یک صدری یک ذیلی نبود دور هم می نشستند، وقتی کسی می آمد، خوب اینها که دور هم نشسته اند کدام یکی شان هستند. وضع حکومت اسلام این است. ۹۰ کیفیت زندگی حاکمان اسلامی اسلام آن اسلامی است که در نیم قرن فتح کرد تمام این ممالک را برای اینکه آدمشان کند، نه فتح اسلام مثل فتح سلطنتهای سلطان های دیگر، مثل فتح نادرشاه است، خیر. آن طرز حکومت اسلام، طرز حکومت آدمسازی است. شما خود رؤسای اسلام را باید ملاحظه کنید، مثل پیغمبر اکرم که رئیس اسلام است، امیرالمومنین که بعد از او رئیس اسلام بود. شما خود آنها را ببینید که وضع شان چه جور بوده است، دیکتاتوری بوده است؟ پیغمبری که با مردم دیگر وقتی می نشست معلوم نبود آقا کدام است و نوکر کدام است و عرض بکنم که اصحاب کدام است و خود پیغمبر کدام است پیغمبری که با مردم همانجور می نشست و با همه همانطور جلسه میکردند و همانطور جلسه شان، جلسه بنده ها و فقرا بود و زندگیش، زندگی فقرا بود و بیت المال

مال مردم بود و هیچ تصرفی نمی کرد، مثل یکی از فقرا زندگی می کرد و با مردم وقتی که معاشرت می کرد، اعلام کرد به اینکه هر کس حقی دارد به من بگوید، یکی پیدا نشد (غیر یک نفر آدمی که اشتباها گفت برای غرضی) که بگوید تو ده شاهی از ما برداشتی، که بگوید یک ظلمی تو به من کردی این آخر عمر می فرمود هر که حرفی دارد به من بگوید، هیچ کس پیدا نشد که بگوید تو به ما یک ظلمی کردی، یک بدی گفתי - عرض میکنم که - به این ملت یک (نعوذ بالله) خیانتی کردی، فقط یکی در بین اینها پا شد گفت که شما یک شلاق به من زده اید. گفت به او بیا عوض آن را بزن گفت به اینجای من. گفت بیا عوض آن را بزن. گفت نه اینجوری نبود برهنه بودم برهنه شد بعد رفت بوسید آنجا را، گفت که من این را گفتم که اینجا را ببوسم یعنی دروغ گفتم، نه نکرده اید. شما در حکومت های دنیا یک همچین حاکمی پیدا کنید، ما یک همچین حاکم، دنبال یک همچین حاکم می گردیم، البته نمی توانیم پیدا کنیم اینجور اما دنبال این می گردیم که لااقل به بعضی احکام اینها خوب عمل بکند، خیانت نکند به این ملت، نخورد مال این ملت را، بر ندارد مال این ملت را ببرد به آمریکا و به سایر ممالک و ویلا برای خودش و بچه هایش و طایفه اش درست بکند. ۹۱

نمونه هایی از ساده زیستی حضرت امیر (علیه السلام)

۱- زندگی ساده

پیغمبر وقتی که از دنیا رفت هیچ چیز نداشت. این هم آن حاکم دوم که دیگر توسعه حکومتش سرتاسر شرق را گرفته بود و تا اروپا هم رفته بود تقریباً، آن هم آن حاکم که زندگیش یک پوست داشت، آنجا شب ها روی آن دوتایی زن و شوهر می خوابیدند که حضرت امیر باشد و فاطمه زهرا سلام الله علیها و روزها علف شتر را روی آن می ریختند که علف بخورد آن. این بارگاه، تخت و بارگاه اعلیحضرت سلطان بود. کار می کرد، مثل سایر عمله ها کار می کرد، نداشت این جایی را، آدم و دستگاه نداشت نه اینکه کار می کرد که جمع بکند، کار می کرد و وقف می کرد. همان روزی که با او بیعت کردند بیل و کلنگش را برداشت و رفت سراغ کاری که انجام می داد آنجا یک چشمه ای را می خواست حفر کند، خودش با دست خودش حفر کرد، وقتی درآمد، تبریکش کو؟ گفت که این تبریک را برای ورثه بگو، بیاور قلم و کاغذ، و قلم و کاغذ آوردند، همان وقت وقف کرد برای یک جهتی. آن هم زندگی و خوراکش که از نان و جو نگذشت، بالاتر نبود، آن هم چند تا لقمه بود. ما یک همچین حاکمی، دنبال این می گردیم پیدا نمی کنیم البته، خود ایشان هم فرموده که (خوب شما طاقت ندارید اینقدر، لکن تقوا داشته باشید). ۹۲

۲- کار کردن مثل دیگران

اسلام اگر خدا بخواهد انشاءالله با خواست خدا در خارج تحقق پیدا کند ولو به یک وجود کوچکی نازلی، غیر از این مسائل است که اینها خیال می کنند، غیر از این مطالبی است که مردم خیال می کنند و اینهایی که خیال می کنند که ما اسلام را می فهمیم، غیر از این مسائل است. اگر اسلام پیدا بشود، اسلام آن است که همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر سلام الله علیه، همان روز (در تاریخ هست) که بیعت کردند، بیعتی که طول و عرض مملکتش آنقدر بود که عرض کردم، بیعت تمام شد بیل و کلنگش را برداشت رفت یک چشمه ای بود که مشغول بود برای کندنش، رفت آنجا برای سر کارش، کارگر بود. حالا چشمه درآمد می گویند که چشمه هم وقتی که کلنگ آخر را زدند مثل گردن شتر آب بیرون آمد. یک کسی گفت خوب است، گفت که این ورثه را چیز بده. بعد آن را وقفش کرد. یک همچو سردارهایی اسلام داشته است. یک همچو لشگری اسلام داشته که

جنگ وقتی که می کردند (تاریخ هست این) گرسنه بودند ، این جهازات جنگی در کار نبود ، هر چند نفرشان یک دانه شمشیر و هر چند نفرشان یک دانه شتر داشتند این حرف ها نبود که خیال کنید که حالا ساز و برگ چیز . یک دانه خرما گیر این می آمد می گذارد دهانش ، همان شیرینی اش که به دهانش می رسید در می آورد می داد به رفیقش آن بگذاردهانش ، می داد رفیقش آن می داد رفیقش تا آن آخر . اینطور اسلام را اینها نگه داشتند و حالا ما باید نگه داریم این اسلام را اسلام خیلی عزیز است . ۹۳

۳- غذای ساده

ما البته نمی توانیم یک حاکمی مثل حضرت امیر پیدا کنیم که حکومت کند ، که وضع زندگیش آنطور باشد اما خوب ما توقع نداریم که برسیم به یک حاکمی که زندگیش آنطور باشد که وقتی شب آخری که شبی است که (خوب سلطنت دارد بر ، حالا من جسارت میکنم بگویم سلطنت ، خلافت دارد بر یک همچو ممالک طویل و عریض) می خواهد که شهید بشود حضرت ، یعنی ضربت خورد ، مهمان بود به منزل یکی از دخترها ، دخترهای خودشان ، وقتی که برایش به حسب تاریخ نمک آوردند و شیر آوردند رو کرد که تو چه وقت دیده بودی که من دو تا چیز داشته باشم ، می آید نمک را بردارد ، می فرماید که نه شیر را بردار ، من همان نمک را می خورم . البته ما نمی توانیم یک همچنین حکومتی پیدا بکنیم اما می توانیم که یک حکومتی که دزد نباشد پیدا کنیم ، یک حکومتی که مال مردم را اینقدر نخورد ، اینقدر نچاپد ، اینقدر ندهد به مردم . ما دنبال این هستیم که حالا یک حکومتی پیدا کنیم که اینطور نباشد که اموال مسلمین را خرج خودش و عائله اش بکند و یک مقداریش را ، زیادترش را هم بدهد به آمریکا ، بدهد به شوروی و بدهد به سایر ممالک دیگر تا آنکه تخت و تاجش محفوظ بماند . ۹۴ اینها با هفت معام می خورند با هفت معام ، اصلا اعتنا به این که یک ملتی است که این ملت باید زندگی بکند ، ندارند ، هر روز ، هر روز نه البته ، بسیاری از اوقات به ما می نویسند که اجازه بدهید فلان جا حمام درست کنیم پس چه شد این حرف های شما که می گوئید همه ایران در رفاه هستند ؟ همه ایران در رفاه هستند و بچه هایشان را می فروشند ؟! برای گرسنگی در رفاهند همه ایران ؟ چه رفاهی الان برای ایران هست ؟ بازار ایران را دارند الان چپاول می کنند که یک مقداریش را خرج این جشن مفتضحانه بکنند ، باقیش هم خودشان مصرف کنند یا مامورین مصرف کنند . سرمایه های مردم و مسلمین بیچاره را صرف این می کنند واز بودجه خود مملکت چقدرها ، چقدر میلیون ها ، ده ها میلیون خرج یک همچنین ملعبه ای ، یک همچنین مضحکه ای می کنند ، برای چه ؟ برای هوای نفس ، همین که گفته بشود که ما آنیم که جشن گرفتیم و ما مفاخرمان این است که آقا محمد قجر داشتیم ، مفاخرمان این است که نادر قلی داشتیم یک آدم مزخرف سفاک این آدم بود که خدا می داند چه ها کرد . اینها جشن دارند ؟! مسلمین باید عزا بگیرند برای این طور حکومتها . ۹۵

۴- رفتار حضرت امیر (علیه السلام)

جشن برای آنی باید بگیرند که وقتی که احتمال این را می دهد که در آخر مملکت یک گرسنه ای باشد ، به خودش گرسنگی می دهد . کسی که کنار مسجد ، دارالاماره اش و دکه القضاة . او ، همین مسجد کوفه یک گوشه ای از مسجد کوفه دکه القضاة او در آن هست و روی زمین می نشیند و یاء کل یاء کل العیید و یمشی کما یمشی العیید وقتی هم پیراهن گیرش می آید پیراهن نو را به قنبر می دهد ، پیراهن کهنه را خودش بر می دارد و آستینش هم که بلند است پاره میکند همان طور می پوشد و می رود خطبه می خواند ، یک مملکتی هم دارد که ده مقابل مملکت ایران است ، این جشن دارد . ۹۶

۵- پوشاک ساده

ما در تولد حضرت امیر جهات معنویش / را از / دست ما ازش کوتاه است ما نمی توانیم از این جهات معنوی ای که در ایشان بوده است حتی یک جمله موافق با واقع نمی توانیم عرض کنیم ، لکن بعضی از جهات که مربوط به خود جهت مادی است و جهات اجتماعی است ، آن را می شود گفت . شما ملاحظه کنید که یک نفر که خلیفه مسلمین است ، زمامدار امور است ، خلیفه است ، این چه وضعی داشته است ، در حالی که خلیفه است می خواهد نماز جمعه بخواند ، لباس زیادی ندارد ، می رود بالای منبر ، آن لباسی که دارد حرکت می دهد - به حسب نقل - تا خشک بشود ، دو تا لباس ندارد . یک کفشی را که خودش وصله می کرده است ، کفاشی می کرده است ، ازش می پرسند / می گوید / ، حضرت می فرماید که این کفش به نظر شما چقدر ارزش دارد ، می گویند هیچ می گوید که : (امارت بر شما هم ، خلافت هم ، در نظر من مثل این کفش و پایین تر از این کفش است ، مگر این که اقامه عدالت کنم) . شما کجا سراغ دارید که یک نفر خلیفه باشد و وضعش این طور باشد ؟ حضرت امیر سلام الله علیه حقیقتا مظلوم است و مظلوم بوده است ، حتی در بین شیعیان هم مظلوم است . وقتی می خواهند تعریف کنند از حضرت امیر ، تعریف می کنند به چیزهایی که بر خلاف واقع است و توهین به حضرت است ، مثلا می گویند که انگشترش را که می خواسته هدیه بدهد به فقیر ، قیمتش خراج شامات بوده است ! آن کسی که لباسش آن است ، انگشتر می پوشد که قیمتش خراج باشد ؟ ! این یک دروغی است که اگر روایت هم داشته باشد ، دروغ است - در صورتی که ندارد - وقتی میخواهند معرفی کنند حضرت امیر را ، به این جهات معرفی می کنند ، به همین جهات چیز یا آنهایی که عارف لفظی هستند - عرفان حقیقی که کم است در دنیا - آنها هم وقتی که می خواهند از حضرت نقل کنند ، یک حرف های درویشی نقل می کنند . آنی که هست واقعیتش را که نمی دانند ، و این جهات ظاهری هم که حضرت داشته است برای جهالت هائی که بوده است ، منحرف کردند از واقعیتش ، خیال کردند تعریف حضرت امیر به این است که انگشترش چقدر قیمت داشته باشد و مثلا چه باشد . یک زندگی عجیب و غریبی برای حضرت امیر . شما خلافت در آن وقت یک وضع خاصی داشته است ، خصوصا آن خلفای از معاویه به پایین ، یک سلطنتی بوده است و در / همین عصر که / در همان عصر که معاویه آن بساط سلطنتی را راه انداخته بود ، حضرت امیر مثل یک فعله می رفت کار می کرد ، مثل یک عمله می رفت کار می کرد و آب راه می انداخت و بعد همان جا می گفت این آب صدقه است . آب راه نمی انداخت برای خودش ، وضع زندگی این بوده است . ما اگر بخواهیم از ایشان تقلید کنیم نمی توانیم تقلید کنیم ، قدرت این معنا را ما نداریم . اما خود ایشان هم فرمودند که شما نمی توانید ، اما تقوا می توانید داشته باشید . می توانید که تقوا داشته باشید ، می توانید که با خدا باشید ، توجه به خدای تبارک و تعالی داشته باشید . ۹۷

۶- پایین ترین سطح زندگی

ما تا این راه مستقیمی که راه انسانیت است ، راه اسلام است و از حکومت هایش ما فرق را می فهمیم ، آنوقتی که اسلام به دست ماها نیفتاده بود که مثل یک پوستین این طرف ، آن طرف باشد آن وقتی که اسلام صریح بود ، زمان خود پیغمبر (ص) و زمان علی ابن ابیطالب (سلام الله علیه) شما وقتی آنوقت را ملاحظه کنید و سران قوم را در آنوقت ، سردارهای اسلام را در آنوقت ، آن که در راس واقع شده بود به حسب نظم مملکتی ، وقتی که ملاحظه بکنید چه جور زندگی می کردند ، وضع خودشان چه جور بود ، آن که پیغمبر اسلام بود در یک مسجدی که نه مثل این مسجد ماها ، مساجدی که حالا هست ، یک مسجدی که شاید حصیر هم نداشتند ، یک دیوار یک متری آنقدری تقریبا بوده است و با این چیزهای ، چوب های خرما یک جایش را سقف زده بودند . مسجد ، آن مسجد و اطاق ها ، یک دانه اطاق برای یک عده بود وقتی که نشسته بودند (در مسجد می نشستند با اصحابشان) کسی که از خارج می آمد نمی فهمید اینها کدام یکی پیغمبرند و کدام یکی دیگرانند ، می پرسید کدام یکی شما او هستید .

اینطور می نشستند، مثل، مثل سایرین حتی یک همچو پتوئی نبوده است که زیرشان بیندازند که یک امتیازی در کار باشد و آن که حضرت امیر (سلام الله علیه) است و تاریخش را همه می دانیم، همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر و رای دادند به ایشان، همان روز وقتی فارغ شد از این قضیه بیل و کلنگش را برداشت رفت پی کار. کار می کرد، یک جا رفت آنجا سراغ کارش. یک همچو حکومتی، خودش کار می کرد. این حکومت یک حکومتی است که اگر بگویند ما برادر هستیم، راست می گویند یعنی یک برادری است که از برادر دیگرش، از سایر برادرهای دیگرش در زندگی پائین تر است. - حضرت امیر سر آن - آنطور که در تاریخ است آن چیزی که تویش آرد جو درست کرده بود برای اینکه از آرد جو میل می فرمود سرش را مهر زده بود که مبادا دخترهایش به واسطه عطوفتی که به او دارند یک روغنی، یک چیزی داخلش بکنند، مثلاً چیزی که تغییر مزه داشته باشد. زندگی این زندگی بود و می فرمود که من می ترسم که در آن طرف مملکت نمی دانم کجا، یک کسی باشد که گرسنه باشد، نان نداشته باشد و من می خواهم همانطور باشم این حکومت یک حکومتی است که می تواند حاکم بگویند که ما با دیگران برادر هستیم، ما همه هستیم، همه باهمیم، با اینکه وضعش کمتر از دیگران است. یک پوستی داشتند که شب زیر خودش و عیالش حضرت زهرا می انداختند می خوابیدند روی آن، روز همین پوست را یک قدری علف می ریختند برای شترشان. این زندگی بود. ۹۸ آن حکومتی که ما می خواهیم مصداقش یکی خود پیغمبر اکرم است که حاکم بود. ما بناست که رؤسا را بگیریم، رؤسا را نظر بکنیم، سیره رؤسا را نظر بکنیم، یکی از آنها هم حضرت امیر بود، یکی هم عمر بود، ما بینیم اینها مثل عمر هم هستند؟ خود پیغمبر را هر کس که سیره نوشته است از رسول اکرم نوشته، وضعیت در زندگی کمتر بوده است از این مردم عادی که آن وقت در مدینه زندگی می کردند. اطاق گلی اینها داشتند توی مسجد یک اطاق گلی داشتند، سوار الاغ می شده است یک کسی هم دنبالش، پشت سرش می نشسته و می رفته، آنوقت هم برای او مسأله می گفته، او را تربیت می کرده. شما بیاورید یک حاکمی، یک رئیس - عرض می کنم - کلانتری، یک کدخدای یک شهری، یک دهی بیاورید که اینطوری باشد، سلوکش با ملت این باشد که وقتی توی مسجد - مسجد محل اداره حکومت، می آمدند آنجا - وقتی که پیغمبر توی مسجد نشستند - و عرض می کنم که - چند نفر هم همراهشان هستند، با هم نشسته اند و دارند صحبت میکنند، اشخاصی که نمی شناختند، از خارج می آمدند، نقل شده است که نمیشناختند اینها کدام یکی عرض می کنم که حاکم است و کدام یکی محکوم، کدام یکی پیغمبر است، کدام یکی مردم دیگر. یک زندگی اشرافی و یک زندگی عرض می کنم چیزی نداشته در عین حال که خودش اینطور بوده، آنقدر به این فقرا رسیدگی می کرده و به این ضعیفا رسیدگی می کرده است که مردم همه از ذکرش (فرض کنید) عاجز بودند. آن هم حضرت امیر با سلطنت (جسارت است که من سلطنت به ایشان بگویم) با خلافت چندین مملکتی که ایران یکی از آنها، حجاز یکی از آنها، نمی دانم عراق یکی از آنها، اردن یکی از آنها، مصر یکی از آنها، این یک همچو دامنه ای آنوقت داشته سلطنت ایشان، با این دامنه سلطنت، زندگی خودش را بینیم که آیا این غمخوار ملت است یا آنهایی که اینها می گویند؟ مقایسه بکنید و زندگی شان را در تاریخ ببینید آن چیزی که نقل میکنند، یک پوستی ایشان داشته است، یک پوست گوسفندی داشته شب ها خودش و عیالش رویش می خوابیدند، روز هم این را می گذاشتند آنجا برای شترشان علف می ریختند. این زندگی حضرت امیر. در عمرش شاید یک دفعه یک نان سیری نخورده باشد. این وضع خوراک حضرت امیر که در آن چیز را (برحسب نقد) مهر میکرده، آنجایی که توی آن نان جو بوده است مهر می کرده است، که مبادا اینها باز کنند یک چیز دیگر توی آن بریزند (یک چربی، یک چیزی که مثلاً به حسب ترحمی که فرزندان می خواستند به پدر بکنند و زینب مثلاً می خواسته به پدر بکند، چیزی داخل این بکند) مهر می کرده که دست نخورده باشد. این خوراک حضرت امیر سلام الله علیه بود. آن شبی که شب فوت ایشان است شب ضربت خوردن ایشان هست، آن شب مهمان ام کلثوم می گویند بوده است، وقتی که برایش غذا می آوردند، ایشان غذا برای افطار می آورد، می بیند که نمک آورده و شیر، می گویند تو چه وقت دیدی من دو تا خورش داشته باشم

؟ یکیش را بردار ، می گویند که رفته است نمک را بردارد ، گفته است به جان من شیر را بردار ، دو لقمه نمک دست برد و خورد . این حکومت ماست ، حکومت اسلام است ، حاکم اسلام است ، آن هم حاکم کمونیست و مارکسیسم و اینها . ۹۹

۷- نحوه معاشرت با دیگران

خدای تبارک و تعالی هیچ احتیاجی به اعمال ما و خود ما ندارد ، انبیاء هم احتیاج به من و شما و به اعمال ما ندارند . تمام زحماتی که انبیا کشیدند ، وقتی که ما کیفیت زندگی آنها را مطالعه کنیم ، زندگی حضرت موسی ، حضرت عیسی سلام الله علیهما را و خصوصا زندگی حضرت رسول اکرم پیغمبر خودمان را اگر ملاحظه کنید و به تاریخ اسلام و به تواریخی که حکایت از اینها کردند و از زندگیشان کردند ملاحظه کنید و می فهمید که اینها تشکیل حکومت بعضی شان دادند حکومت بعضی شان دادند ، احکام حکومتی دارند لکن خودشان وقتی به زندگیشان مراجعه کنید می بینید که اصلا مثل رؤسای جمهوری یا سلاطین این عالم اصلا نبودند ، یک شکل دیگر ، یک وضع دیگر داشتند . در ممالک دیگر ، هم در زمانشان تحت لوای ایشان بوده است در عین حال وقتی زندگیشان را ، کیفیت معاشرتهان را ملاحظه می کنیم می بینیم که اصلا این طور مسایلی که رئیس کلانتری یک ناحیه داشته ، ایشان ندارد چون که با وجودی که الان سلطان حجاز است و فرمانفرمای حجاز است وقتی که توی مسجد نشسته است و رفقای خودش ، اصحاب خودش نشسته اند ، آدم هائی که از خارج می آیند نمی توانند بفهمند که کدام یکی از اینها آن پیغمبری است که رئیس اینهاست و کدام سایرین هستند . معاشرتش این طور بوده است . خیال نکنید یک همچو مسندی که حالا من پیرمرد را شما نشانده اید ، او هم روی مسند نشسته باشد ، او روی همانجایی که شما نشسته اید ، همانجوری نشسته بوده است که وقتی از خارج می آمدند نمی فهمیدند که این پیغمبر است یا آن یکی . وضعش اینطور بوده است ، این طور نبوده که مثل رئیس جمهورهای حالا اگر کسی بخواهد خدمتشان برسد باید مدتها زحمت بکشد ، آن هم چه شخصی باشد ، همه مردم که نمی توانند بروند پیش او در مسجدش باز بود و همه می آمدند ، غنی و فقیر و درویش و مسکین و همه می آمدند پیش ایشان حرف هایشان را می زدند و جواب هایشان را می شنیدند و مسائل شان را گوش می کردند و اینها ، وقتی هم منزل داشتند یک مسجدی اینها داشتند ، خیال می کنید مثل مسجد حالای مدینه بوده ، یک تکه زمین بوده و دورش را با چوبهایی از درخت و شاخه هائی از درخت محفظه ای گرفته بودند که حیوانات نروند آنجا . آن مسجدشان بوده است و یک دوسه تا هم ، چند تا هم خانه ، اطاق گلی درست کردند در آن و در آن هم ابدا هیچ از این تجهیزات که حتی منزل تو و من دارد نداشته . این پیغمبر اکرم وقتی می آیم سراغ حضرت امیر سلام الله علیه که وصی به حق اوست آنوقتی که حضرت امیر سلطنت ، حالا من جسارت می کنم بگویم سلطنت ، امام یک ممالک بزرگ بوده است و تمام حجاز و تمام عراق و تمام سوریه و لبنان و مصر و ایران و همه اینها تحت لوای او و تحت حکومت او بوده است ، خودش زندگیش چه جور بوده است ؟ باز مثل امیرالامرا بوده است ؟ یک پوستی داشتند ، پوست گوسفندی داشتند که شب ها (آن طور که نقل می کنند و تاریخ دارد) می انداختند و خودشان و همسرشان روی آن میخوابیدند ، روزها همین پوست گوسفند را علف می ریختند توی آن برای آن شترشان که علف بخورد . این حکومت اسلام . حضرت امیر سلام الله علیه با دست خودشان ، با کلنگ خودشان قنات درست میکردند . در تاریخ هست همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر به خلافت آن هم خلافتی که دامنه اش این قدر زیاد بود همان روز بعد از این که بیعت تمام شد ، ایشان بیل و کلنگش را برداشت رفت سراغ آن کاری که می کرد ، کار می کرد ، آن وقت کار که میکرد نه این که کار می کرد برای استفاده خودش که قنات داشته باشد ، وقتی که آب زد بیرون آن وقت قلم و کاغذ را گرفت وقفش کرد برای فقرا - و برای مثلا چیز وقف کرد - ما یک چنین حاکمی می خواهیم . ۱۰۰

۸- رفتار با بیت المال

ما که اینقدر زحمت می کشیم و فریاد می زنیم و ملت اسلام را دعوت می کنیم، دعوت می کنیم که ما یک حاکمی می خواهیم، یک سلطانی می خواهیم که خیانتکار نباشد. داشت حساب بیت المال را می کرد، حساب زکات و چیزهایی که، مالیات هائی که به بیت المال باید مردم بدهند، چراغ روغنی اش (آن وقت چراغ مثل اینکه با روغن روشن می شده) پیه سوز به اصطلاح ما، این چراغ روشن بود و حضرت مشغول نوشتن حساب بود، یک کسی آمد (به حسب آن چیزی که نقل شده است) کسی آمد با حضرت صحبت بکند حضرت آن چراغ را خاموش کرد گفت آن وقت که این روشن بود برای حساب بیت المال مسلمان ها بود حالا که می خواهید با من صحبت کنید مربوط به این نیست من چراغ را خاموش کردم، مال مردم، مال بیت المال است، من حق ندارم. حالا شما ملاحظه کنید که این رئیس جمهورها چه میکنند، این سلاطین چه میکنند، چون از آنها اطلاع نداریم برگردید ایران را نگاه کنید، برگردید ببینید که این آقا که حالا این همه فساد کرده چه می کند، با بیت المال مردم چه می کند، با بیت المال مسلمین ما یک چنان حاکمهایی رامی گوئیم که، هی می پرسند اسلام چیست، اسلام چیست؟ اسلام یک چیزی نیست که بخواهد همه چیز را به هم بزند. اسلام تمام نظام طبیعت را حفظ میکند، فسادهایش را جلوگیری می کند. حکومت باشد اما حکومت چپاولگر نباشد، حکومت خائن نباشد، نه این که می خواهد حکومت را به هم بزند، خوب آنها خودشان حکومت داشتند. سلطنت به معنای حکومت (نه به این معنای خلافتکاری و اینها) به معنای حکومت اسلامی هست، حاکم اسلامی است، نظام اسلامی هست لکن این چپاول ها و این دزدی ها و این خیانت ها نیست، منهای اینهاست. فریاد ما که می گوئیم ما حکومت اسلامی می خواهیم و مرگ بر این سلطنت کثافت کاری، برای این است که ما می بینیم که (خودمان میدانیم و هم یک وقت تاریخ می خوانیم) سلاطین سابق هر چه بودند، جبار بودند لکن خیانت در آنها کم بوده جبار بودند، تبهکار بودند، تعدی می کردند به مردم اما مملکتشان شان را به یک مملکت دیگری، منافع مملکتشان را به مملکت دیگری نمی دادند. من ندیدم که یکی از سلاطین سابق مملکتش را فروخته باشد به یک کسی، منافع مملکتش را تقدیم دیگری کرده باشد، این اخیرا شده و خصوصا در زمان این آقا، در زمان این سلطان مفسد این مسائل پیدا شده است که هر چیزی که ما داریم اینها از بین برده اند. زندگی خودشان این زندگی است، زندگی شما این است که می بینید، توی اینجا بنشینید، توی این جاهای نم. این زندگی اینهاست. من این را دو سه دفعه گفته ام تا حالا (که نوشته بود کسی برای من و یا در مجله ای خواندم، الان یادم نیست) که یکی از خواهرهای این آقا یک ویلایی در کجا تهیه کرده که پول آن ویلا را من الان یادم نیست، خیلی قلم درشت محیر العقولی بود، آنی که یادم هست این کلمه اش است که پنج میلیون دلار خرج گلکاری و تزئینات گلکاریش شده یعنی ۳۵ میلیون تومان. ما یک همچنین سلطانی دیده ایم که چراغ را خاموش می کند که آن چراغ به قدر دو دقیقه که با این شخص می خواهد صحبت عادی بکند، صحبت رفاقتی مثلا بکند این دیگر روشن نباشد، خودش هم دستگاه بارگاهش این مسجد است، توی این مسجد می آید می نشیند، همه می آیند حرف هایشان را به او می زنند، از مسجد هم لشکر درست میکند میفرستد به این طرف آن طرف برای - عرض می کنم - پیشرفت اسلام لکن زندگی همین است که عرض کردم که یک پوست هست و وقتی که شب مردنش، شب شهادت حضرت، وقتی که مهمان بود منزل دخترش نمک آوردند و شیر، گفت تو چه وقت دیده بودی که من (بر حسب نقل) دو تا چیز همراه بخورم، رفت نمک را برداشت فرمود که به جای نمک شیر را بردار، نان با نمک را خورد آن سلطان حجاز، ایران، سوریه، لبنان، عراق، ماورای اینها، اردن و امثال ذلک. این شب آخر زندگی ایشان در حال آن قدرتمندی. ۱۰۱

۱- شکست اسلام

من قبلا عرض می‌کنم که من از اینکه اینجا نشسته‌ام و آقایان در آنجا هستند (نه شما آقایان، شما که تاج سرمان هستید، دیگران هم همین‌طور) من از این شرمنده هستم و امید عفو از محضر آقایان دارم و از آقایان تشکر می‌کنم که تشریف آوردند و از نزدیک ما خدمت‌شان می‌رسیم و بعضی مسائلی که مناسب با این جلسه است عرض می‌کنم. من به سهم خودم هیچ نگرانی ندارم راجع به انقلاب. انقلاب راه خودش را پیدا کرده و به پیش می‌رود و بستگی به وجود هیچ کس هم ندارد این انقلاب انشاءالله محفوظ می‌ماند و آسیبی از خارج به او نخواهد رسید لکن آن چیزی که انسان را یک قدری نگران می‌کند، دو تا مطلب است که این مربوط به عموم روحانیت است. یک مطلب اینکه من خوف این را دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود و آنچه که شده است به هدایت آقایان بوده است، مبادا خدای نخواست به واسطه بعضی از اعمالی که از بعضی از این روحانیون و معممین صادر می‌شود، این موجب این بشود که یک وقتی یک سستی در روحانیت پیدا بشود. یکی قضیه اینکه از آن‌زی روحانیت و زی‌طلبگی بوده است، اگر ما خارج بشویم، اگر روحانیون از آن‌زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته‌اند و ائمه هدی سلام‌الله‌علیهم داشته‌اند، ما اگر خارج بشویم خوف این است که یک شکستی به روحانیت بخورد و شکست به روحانیت شکست به اسلام است. اسلام با استثناء روحانیت محال است که به حرکت خودش ادامه بدهد. اینها ایند که اسلام را معرفی می‌کنند و به پیش می‌برند و از اول هم همین‌طور بوده. اگر چنانچه ما از زی‌متعارف روحانیت خارج بشویم و خدای نخواست توجّه به مادیات نکنیم، در صورتی که خودمان را با اسم روحانی معرفی می‌کنیم، این منتهی ممکن است بشود به اینکه روحانیت شکست بخورد. من این نگرانی که همیشه‌هی در دلم هست این است که من خوف این را دارم که مردم به واسطه امثال من به بهشت بروند. آنها برای خدا توجّه به آقایان دارند و ما هم و شما هم دعوت می‌کنید مردم را به خیر و صلاح. من خوف این را دارم که آنها برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند و ما برای خاطر اینکه خودمان مهذب نبودیم به جهنم. و آن خوف زیادی که من دارم این است که ما روبرو بشویم با آنها، ما در جهنم باشیم، آنها در بهشت باشند. ۱۰۲

۲- مطرود شدن از طرف مردم

البته آقایان باید بنده را موعظه کنند، لیکن از آنجا که حق برادری موعظه است، مسائلی را عرض می‌کنم. تحقیقا احیای نماز جمعه در ایران از مسائل بسیار مهم است. نماز جمعه موجب می‌شود تا مسائل فراموش شده در اسلام به بهترین وجه برای مردم گفته شود. در قدیم اگر یک روحانی راجع به امور سیاسی مردم صحبت می‌کرد می‌گفتند رهاش کنید او سیاسی است، که این نوع فکر بلا اشکال از شیاطین داخل و خارج بوده است. آنها به ما باورانده بودند که روحانی باید عبايش را سر بکشد و فقط برود مسجد نماز معمولی اش را بخواند. روحانی حق دخالت در هیچ امری را نداشت. ولی واقعیت این است که ما تابع حضرت رسول و ائمه علیهم‌السلام هستیم که همه امور دست آنها بود، حکومت تشکیل دادند و مردم را هدایت نمودند. بحمدالله امروز وارد مسائل سیاسی شدن دیگر عیبی ندارد، ولی باید توجّه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی‌اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پائین تر بود و یا مثل آنها بود امروز سعی کنید زندگی‌تان از زی‌آخوندی تغییر نکند اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید. برای اینکه مردم می‌گویند بینید آنوقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دست‌شان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم. ۱۰۳

۳- دور شدن از ارزشهای معنوی

و یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشا آثار بزرگ بودند، در زندگی / ساده زندگی کردند. اینهایی که در بین مردم موجه بودند که حرف آنها را می شنیدند، اینها ساده زندگی کردند. شاید آقایان کمی شان یادشان باشد، در آن وقتی که ما اوایلی که آمدیم قم، که در آن جا چه اشخاصی بودند، شخص اول قم در جهت زهد و تقوا و اینها مرحوم آشیخ ابوالقاسم قمی، مرحوم آشیخ مهدی و عده دیگری، و شخص نافذ آن جا و متقی، مرحوم آ میرزا سید محمد برقی و مرحوم آ میرزا محمد ارباب. همه اینها را من منزل هایشان رفتم. این که ریاست صوری مردم را داشت و ریاست معنوی هم داشت، با آن که زاهد بود، در زندگی مشابه بودند. مرحوم آشیخ ابوالقاسم، من گمان ندارم هیچ طلبه ای مثل او بود، زندگی اش یک زندگی ای بود که مثل سایر طلبه ها، اگر کمتر نبود، بهتر نبود، کمتر هم بود. مرحوم آ میرزا محمد ارباب که من رفتم مکرر منزلشان، یک منزلی داشت دو سه تا اتاق داشت خیلی ساده، بسیار ساده. مرحوم آشیخ مهدی همین طور، سایرین هم همین طور، عده هم زیاد بودند آن وقت. وقتی انسان در آن محیط واقع می شد که اینها را می دید، همین دیدن اینها برای انسان یک درسی بود، وضع زندگی آنها برای انسان یک، وضعی بود، درس بود برای انسان عبرت بود. هرچه بروید سراغ این که یک قدم بردارید برای این که خانه تان بهتر باشد، از معنویت تان به همین مقدار، از ارزش تان به همین مقدار کاسته می شود. ارزش انسان به خانه نیست، به اتومبیل نیست. اگر ارزش انسان به اینها بود، انبیا باید همین کار را بکنند. انبیا سیره شان را دیدید چه جور بوده. ارزش انسان به این نیست که انسان یک هیاهو داشته باشد، یک اتومبیل کذا داشته باشد، یک رفت و آمد زیاد داشته باشد. ارزش روحانیت به این نیست که یک بساطی داشته باشد و یک دفتری و یک دستکی داشته باشد. فکر کنید ارزش انسان را به دست بیاورید، ارزش روحانیت را از دست ندهید. در کیفیت تحصیل آن علوم هم هر چه بروید سراغ تجملات - و انشاء الله نمی روید - از علوم تان کاسته می شود. آنهایی که این کتاب های قطور را نوشتند و پر ارزش را، زندگی شان یک زندگی طلبگی بوده مثل شیخ انصاری و مثل امثال اینها. یک زندگی طلبگی بوده. آنها توانستند اسلام را در همه جهات حفظ کنند و فقه را به پیش ببرند و مسائل دینی را افزایش بدهند (یعنی فروع را) و آن کتاب های ارزشمند را عرضه کنند به مردم. برای این که آنها ارزش را به این نمی دانستند که من خانه ام باید چه جور باشد، حالا سه تا اتاق داریم کم است، چهارتا! شما خیال می کنید که اگر ده تا اتاق هم باشد کافی برای شما هست؟ خیر اگر همه این دنیا را به یک کسی بدهند، کافی نیست، می گوید: باید برویم جای دیگر. این فطرت انسان است، فطرت خدا خواهی است، این یکی از فطرت هائی است که هر کس هرچه بیابد، آن گم شده خودش را نیافته، آن گم شده یک چیز دیگری است و لهذا آن که دنبال قدرت می رود، قدرت مطلق می خواهد، قدرت مطلق خداست، آن که دنبال علم می رود، علم مطلق می خواهد، علم مطلق علم خداست. هر که دنبال هر کمالی برود یا هر چیزی برود، او کمال مطلقش را می خواهد و همه خدا را می خواهند، خودشان نمی دانند. عذاب هائی که به ما می شود برای حجاب هائی که در ما هست. آن که حجاب ها را پاره کرده است، ارزش ها را می فهمد و رسیده به آن جایی که باید بفهمد. ۱۰۴

۴- آفت دنیا و آخرت

و آخرین نکته ای که در این جا ضمن تشکر از علماء و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تاکید نمایم، مسأله ساده زیستی و زهدگرایی علماء و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور

بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شائن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این خدشه دار کردن چهره این مشعل داران هدایت و نور دست به کار شوند و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که انشاءالله موفق نمی شوند.

۱۰۵

۵- سقوط از حیثیت در جامعه

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسأله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را پیا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شائن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند ولی همین ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیاید و جبهه تان پیش مردم بزرگ می شود. آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، این که زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمومنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را پیا کردند، مردم عادی هستند و کسانی که بالا-بالاها نشسته اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه ها و طبقات ضعیف - به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت - هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواستہ نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت و حفظ آن به این است که زندگی ما عادی باشد. آنهایی هم که می خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می توانند محفوظ باشند/ و / تا وسیله دیگر. و ائمه جمعه و جماعات که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد و این طور نباشد که امام جمعه ای وقتی در خیابان می آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می کند. بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است و به این که پیش خدا آبرومند باشید و این یک مسأله مهمی است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم و اهل علم و دولت و دست اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم، نه این که مثل رئیس جمهور آمریکا که اگر این مقام را از او بگیرند، شاید از حسرت دق کند! ۱۰۶

۶- تن به ذلت دادن

اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام پرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند اکثر ساده زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند. آنها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند برای حفظ یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می‌دهند و در مقابل زور و قدرت‌های شیطانی خاضع و نسبت به توده‌های ضعیف ستمکار و زورگو هستند، ولی وارستگان به خلاف آنانند، چرا که با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی - اسلامی را حفظ کرد. جوانان ایران و زنان و مردان که در زمان طاغوت با تربیت طاغوتی بار آمده بودند هرگز نتوانستند با قدرت طاغوتی مقابله کنند ولی آنگاه که به دست توانای حق جل و علا به انسان انقلابی دور از علایق شیطانی متحول شدند آن قدرت عظیم را سرکوب کردند. دست‌های جنایتکاری که جوانان عزیز را در رژیم سابق به مراکز فساد کشاند و از انسان‌های آزاد عروسک‌های مصرفی تراشید، انگیزه و نقشه‌شان این بود که هر خیانتی که در کشور واقع می‌شود و هر چه به سر ملت و ذخایر ارزنده آن می‌آید و هر چه زنجیرهای استعمار به دست و پای مردم محکومتر می‌شود، در مقابل بی‌تفاوت باشند یا به حمایت همان رویه برخیزند. امروز هم قشر فعال در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها همان طبقات محروم ساده زیست هستند و در بین آنان از آن وابستگان و دلبستگان به علایق دنیا اثری نمی‌بینید. خداوند همه ما را از این قیده‌های شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا لمقدمه الفداء رد کنیم. ۱۰۷

۷- بی محتوا شدن کارها

مساءله دیگر، مساءله تشریفات حوزه‌های روحانیت است که دارد زیاد می‌شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می‌رود. وقتی ساختمان‌ها و ماشین‌ها و دم و دستگاه‌ها زیاد شد، موجب می‌شود بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند، یعنی با این بساطها نمی‌شود شیخ مرتضی و صاحب جواهر تحویل جامعه داد. این موجب نگرانی است و واقعا نمی‌دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب آن می‌شود که روحانیت شکست بخورد. زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز که بسنجیم، خوب می‌فهمیم که چه ضربه‌ای به دست خودمان به خودمان می‌زنیم. ۱۰۸ در هر صورت آنکه من زیاد به نظرم اهمیت دارد این است که آقایان از غرب نترسید، اینقدر ما را که ترسانده‌اند، در غرب هم خبری نیست، نترسید - هر وقت خودتان - مستقل و عرض بکنم اسلامی و مطالب اسلامی، مجالس اسلامی، آنجور مجالسی که آن طاغوت داشت، نداشته باشید، آن مهمانی‌های کذا را نکنید، مهمانی اگر کردید ساده باشد، وقتی ساده باشد - عرض بکنم که - مراسم دینی‌اش محفوظ باشد و امثال ذلک جهات سیاسی‌اش. ۱۰۹

۴ - اعتماد به نفس

باید خود گم کرده را پیدا کنیم و اعتماد به نفس داشته باشیم عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کرارا عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید. مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه (می‌توانیم). در رژیم سابق نمی‌توانیم را در بین همه قشرها شایع کردند به همه گفتند ما (نمی‌توانیم) و باید تواناها بیایند و به ما تعلیم بدهند،

آنها هم که می آمدند تعلیم نمیدادند، شماها را وابسته می کردند. امروز که دست همه آنها بحمدالله قطع شده است و دیگر برای آنها جایی در این کشور باقی نمانده است این شما جوان های کشور هستید که در هر جا هستید باید به فکر آتیه کشور خودتان باشید، حال کشور خودتان باشید. و لازم است که با این دو خصیصه، اتکال به خدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس، با این دو خصیصه به پیش بروید و بعد از مدت کوتاهی خواهید دید که راه های سعادت بر شما باز می شود و قدرت های بزرگ طمع شان قطع می شود. ۱۱۰ خلاصه مطلب ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم باید این خود گم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که (اگر دست خارج شود می میریم) را با تمام قدرت از بین ببریم. و دیدید که ملتی با دست خالی در مقابل ابرقدرت ها و قدرت ها ایستاد و این حرکت موجی برداشت که به امید خدا به این زودی ها نمی ایستد. امیدوارم همه آقایان کمک کنند تا فرهنگ مان و فرهنگ اسلامی مان، فرهنگی که شیخ الرئیس را درست کرده است را بازیایم. تکرار می کنم ما باید باورمان شود که چیزی هستیم. اگر اعتقاد پیدا کردیم که می توانیم هر کاری را انجام دهیم، توانا می شویم. شما هم اعتقاد پیدا کنید که می توانید. مغزها باید شستشو شود و مغزهائی که به خود متکی است جای آن را بگیرد. خداوند همه شما را حفظ کند. ۱۱۱ ضعف نفس ما سبب سلطه اجانب می شود ملت عدالت می خواهد، اطاق بزرگ نمی خواهد. ملت وزارتخانه می خواهد وزارتخانه اسلامی، نه آن وزارتخانه کاخ دادگستری، کاخ نخست وزیری، کاخ وزارت، هی کاخ. کاخ مال ملت است اینها را نکنید اینطور. این تزئیناتی که الان در این کاخ ها موجود است، علاوه بر اینکه بسیاریش یا بعضیش از محرمات است و حتما باید دولت این را توجه کند به آن، دولتی که می گوید دولت اسلامی است و هستند نباید تحت تاثیر واقع بشود و هر طوری سابق بوده حالا همانطوری که در زمان محمدرضا شاه خان، بوده است حالا هم همان فرم باشد. پس شما چکاره اید؟ تو که می گویی من مسلمان هستم، چکاره هستی؟ ما یکی یکی باید بگوئیم چه؟ دانه دانه باید بشمریم؟ اینها باید اصلاح بشود و شماها من می دانم شما مسلمانید، من همه افراد اینها را، بعضی شان را می شناسم، بعضی شان را هم معرفی کرده اند به من، اینها همه متعهدند، همه مسلمانند لکن ضعیف النفسند. می ترسند که مبادا یک وقت مهمانی از اجانب بیاید در کاخ دادگستری یا در کاخ نخست وزیری و اینجا ببیند که یک چیز محقری است، باید حتما به فرم غرب باشد. ضعیفید آقا، تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید. آنوقتی که نفس شما قوی شد و اعتناء نکردید اعتناء به این زخارف نکردید آنوقت است که از شما حساب میبرند. صدر اسلام را مطالعه کنید ببینید چه جور بوده وضع، آنهایی که ممالک را فتح کردند، آنهایی که دنیا را گرفتند، آنهایی که قدرتشان را بر عالم نشان دادند، زندگیشان چه جور بود؟ وقتی حریر فرش کرده بودند در یکی از دارالسلطنه ها، این جوانهای اسلام آمدند آنجا گفتند (اگر چه حرام نفرموده است فرش حریر را لکن چون لباس حریر را اینطور نقل میکنند حرام فرموده، ما روی فرش حریر هم نمی نشینیم) با سر شمشیر در حضور سلطان کنار گذاشتند اینها را و روی زمین نشستند. اینها آدم بودند، اینها قوی بودند. آن کسی که در رءس بود، در زندگی از همه افراد پایین تر بود، شاید در یمامه شاید در سرحدات یک نفر باشد که گرسنه باشد، یک نفر باشد که درست نتواند زندگی خوب بکند، بنابراین من اینجا که هستم باید زندگیم این باشد یعنی یک لقمه نان با یک قدری نمک. این حکومت ما بود و ما هم البته قدرت نداریم ولی خودشان فرمودند شما قدرت ندارید لکن اعینونی بالورع والاجتهاد بالتقوی و الورع... والاجتهاد اعانت کنید امیر المومنین سلام الله علیه را. ۱۱۲ روی پای خود محکم و استوار بایستید مسأله ای را که می خواهم اکیدا به شما تذکر دهم این است که این معنا که (نمی شود با قدرت های بزرگ طرف شد) را از گوش هایتان بیرون کنید. شما بخواهید، می توانید زیرا پشتیبان شما خداست. این زمزمه هائی را که ابرقدرت ها به وسیله ایادیشان کرده اند که تا متکی به یکی از دو قدرت نشوید نمی توانید به زندگی خود ادامه دهید، صد در صد غلط است. به روی پای خودتان بایستید و محکم و استوار با خدا باشید و سعی کنید تا قبل از هر پیشرفتی در انسانیت پیشرفت کنید، در این صورت خداوند ما را یاری خواهد کرد تا بتوانیم استقلال و آزادی و

اسلام مان را حفظ کنیم. ۱۱۳ تزلزل در تصمیم کارها را شکست می دهد هر کاری را که انسان شروع می کند نمی شود که در همان روزهای اول هر چه را که می خواهد انجام بگیرد. اینکه شما می گوئید که کاری نکرده ایم، همین که در صدد هستید که کار خوب انجام بدهید، این بزرگترین کاری است که انجام گرفته است. انسان اول که می خواهد یک مقصدی را، مقصد بزرگی را شروع کند، تصمیم گرفتن برای او شاید از مشکل ترین کارهایی است که انسان مبتلا به آن است. یک کار بسیار بزرگی که ارشاد یک ملت است و بیشتر ارشاد نصف یک ملت است که بانوان باشند، این کار مشکلات زیاد دارد و تصمیم به این کار خودش یک کار مهمی است که شما تصمیم را گرفته اید و بعد از تصمیم هیچ به خودتان تزلزل و سستی راه ندهید برای اینکه اگر چنانچه انسان تصمیم به یک امری گرفت ولی متزلزل باشد در اینکه آیا می تواند این کار را درست تا آنجا که می خواهد و آرزو دارد عمل کند، این تصمیم گیری با این تزلزل نمیتواند کار را درست انجام بدهد. باید همانطور که شما تصمیم گرفتید جازم باشید، امیدوار باشید که این عمل را می توانید انجام بدهید و اگر بخواهید، می توانید انجام بدهید. شما دیدید که کارهای بزرگی که در ظرف این دو سال در این کشور انجام گرفته است و تحول بزرگی که پیدا شده است بعد از قرن ها ستمکاری، این کار در عین حالی که بسیار بزرگ بود و شاید بسیاری از این متفکرین و روشنفکرها احتمال اینکه بشود این کار انجام بگیرد، نمی دادند، معذک چون ملت تصمیم گرفت و در تصمیمش جازم بود، متزلزل نبود، این کار انجام گرفت و حالا هم انشاءالله باز مصمم باشد ملت و جازم باشد به اینکه به پیروزی نهائی می رسد، همین تصمیم و جازمیت او را به پیروزی خواهد رساند. ۱۱۴ ثروت دلیل اعتبار نیست تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخر فروشی و مباحثات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان افکار و خواسته های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزش های متعالی و فرار از تملق گویی ها می گردد و حتی بعض ثروتمندان را از این که تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می کند. ۱۱۵

۵- صبر و استقامت

راه حق و تحمل مشکلات

همت مردان مصمم هر کار مشکلی را آسان می کند همت مردان مصمم هر کار مشکلی را آسان می کند و بعد انجام می دهند. شما که برای رضای خدا خدمت می کنید سعی کنید در مقابل تمامی مشکلات بایستید و مبارزه کنید. امروز هم که در جمهوری اسلامی همه با هم هستند و دولت و مردم با هم دوست هستند، حل مشکلات آسان تر است. با گرمی با مشکلات مواجه شوید و مبارزه کنید تا حل شود. ۱۱۶

هر راه حقی مشکلات دارد

با روحیه قوی شما جوان ها و با توجه های خدا این مشکل بزرگی که عبارت از این رژیم فاسد بود آن را برانداختید واز بین بردید، این روحیه را حفظ کنید، این روحیه قوی را حفظ کنید، خدا با شماست. وقتی خدا با کسی باشد کارها درست می شود. البته پشت سر هر انقلابی مشکلات زیاد هست لکن آنهایی که اعتقاد به این انقلاب دارند، ایمان به این نهضت دارند، این روحیه قوی ای که با آن روحیه قوی و آن ایمان راسخ و آن توجه به خدای تبارک و تعالی شما را پیش برد، مادامی که این روحیه محفوظ باشد، شما پیش می روید. حالا- گاهی کندی دارد، گاهی تندی دارد، گرفتاری دارد، راه حق گرفتاری دارد، هر راه حقی

مشکلات دارد، شیاطین نشسته اند سر راه حق که مردم را منحرف کنند، مال حالا- نیست، زمان پیغمبر هم همین طور بوده، مشکلات پیغمبر از مشکلات ماها زیادتر بوده است، مشکلات امیرالمومنین سلام الله علیه از مشکلات ما بیشتر بوده، گرفتاری آنها از گرفتاری ما بیشتر بوده، آنها از دوستانشان مخالفت می دیدند، این دسته ای که قیام کردند در صفین در مقابل حضرت امیر و ایستادند و شمشیر کشیدند به روی حضرت، اینها از دوستان حضرت بودند، مخلصین حضرت بودند. گرفتاری حضرت از مخلصینش شاید بیشتر بود از سایرین. امام حسن سلام الله علیه آنقدر گرفتاری که از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت. اصحابی که توجه نداشتند که امام زمانشان روی چه نقشه دارد عمل می کند با خیال های کوچکیشان با افکار ناقصشان در مقابلش می ایستادند و غارتش کردند، اذیتش کردند و عرض می کنم که شکستش دادند، معاهده با دشمنش کردند و هزار جور بساط درست کردند. گمان نکنید که این مشکلات برای من و شماست، هر چه مشکلات زیادتر باشد، اجرش زیادتر است، الهیتش زیادتر است. اگر آدم در حال خیلی وسعت، در حال خیلی تفریح و تفرح، گرایش به اسلام کند، اینکه چیزی نیست، خوب همه وقتی که وقت نتیجه بردن است حاضرند. آن روزی که برای اسلام زحمت پیش می آید، آن روزی که زحمت و مرارت دارد، آن روزی که خون دارد، آن روزی که رنج دارد، آن روزی که با سر نیزه آدم مقابل است، آن روزی که با توپ و تانک مقابله می کند، آن روز، روزی است که مرد از غیر مرد تمیز داده می شود، مسلمان از غیر مسلمان. آن روز، روزی است که روز اجر است، روزی است که خداوند توجهش را به این ملت کرد. ۱۱۷

حفظ ارزشهای انسانی زحمت دارد

اینکه می گویم ایران از همه جا بیشتر مسؤ ولیت دارد برای همین است که ایران از همه جا بیشتر مورد عنایت خدا واقع شده است کجاست که بگوید من مستقلم، نه شرق و نه غرب، هر دو را کنار بگذارد؟ و این شما هستید، وقتی شما هستید و می دانید که انقلاب ها کمبود دارد، انقلاب ها زحمت دارد، بخواهید آدم باشید باید زحمت بکشید، بخواهید ارزش انسانی خودتان را حفظ کنید زحمت دارد. نمی شود که انسان در خانه اش بنشیند و ارزش های انسانی اش محفوظ باشد هر که در خانه می نشیند و اعتزال می کند توسری هم می خورد لکن نمی فهمد که دیگر آدم نیست. شمائی که می خواهید آدم بشوید زحمت دارد آدم شدن. می خواهید سرفراز در دنیا باشید این زحمت دارد، بیخود نمی شود. اگر نوکری آنها را بکنید دیگر ارزش ندارید، یک پول هم ارزش ندارید. اگر بخواهید از تحت سلطه همه بیرون بروید و خودتان باشید این ارزش دارد، یک ارزش انسانی است، یک شرافت انسانی است. این زحمت دارد، این گرانی دارد، این کمبود دارد، این جهاد دارد، این دفاع دارد، این شهادت دارد، این برای ارزش انسانی است. همین است که انبیا برای او کار کردند، همین است که امام حسین برای او کشته شد. اگر آن هم فکر می کرد که زحمت دارد، اصحاب او هم با آن کمی فکر می کردند زحمت دارد، که نمی توانستند یک همچو انقلابی را بجا بیاورند که تا حالا هم اثرش باقی مانده است. ولی وقتی برای خدا شد، زحمت کم می شود. ۱۱۸

هر کس برای اقامه عدل قیام کرده سیلی خورده

این چیزی است که از صدر عالم تا آخر هست، هر کس قیام کرد برای اقامه عدل سیلی خورد. ابراهیم خلیل الله چون قیام کرد برای عدالت، سیلی خورد و او را به آتش انداختند، از صدر عالم تا حالا تاوان این چیزهایی که برای عدالت، برای حکومت عدل بوده است، این تاوان را پرداخته اند و باید هم پردازند، هر وقت به یک نحو. ما فرض می کنیم اینی که گفته می شود، گفته شده است غلط و بر خلاف واقع که بعضی انبیا قیام برای اقامه عدل نکردند، همان موعظه کردند، همان صحبت کردند. ما فرض می کنیم که این حرف، (جنگ نکردند)، ما فرض می کنیم صحیح باشد، اما شما ملاحظه کنید مقدس ترین چیزهایی که برای

کفار بوده است، بت‌ها بوده‌اند اگر یک کسی تنهایی بدون این که وحشت بکند، خدای نخواسته بیاید این جا و به خدا جسارت بکند، این به جنگ مسلمین برنخاسته؟ اگر به خدا سب کند، به رسول خدا سب کند، این به جنگ مسلمین برنخاسته؟ این تنهایی قیام کرده بر ضد مسلمین. اگر ابراهیم خلیل الله ما فرض کنیم هیچ کاری نکرده جز این که عصایش را کشیده و بت‌ها را شکسته - مقدس‌ترین چیزی که پیش بت پرستها بوده آن بوده - این قیام بر ضد آنها نیست؟ این قیام مسلحانه نیست؟ این بالاتر از قیام مسلحانه نیست؟ / شما / اگر چنانچه لشکرهایی مسلحانه به شما قیام کند، برای شما، علیه شما قیام کنند، مابین او و مابین آن که مسلحانه قیام نکرده اما آمده علنا لعن میکند به مقدسات شما، شما او را بدتر میدانید یا این؟ هیچ شک ندارد که مسلم این را بدتر می‌داند، آنها هم همین طور بودند بنابراین، این حرف غلط که حضرت عیسی سلام الله علیه همین موعظه کرده و نصیحت کرده یا حضرت موسی همان مقدار کارهای مختصر را کرده حالا بعضی شان که خوب قیام کردند، ولی این مسأله مسأله‌ای بوده است که در تمام ایام، در تمام دنیا از صدر عالم تا حالا - بوده و تا آخر هم خواهد بود که هر کس قیام کرد برای این که عدالت ایجاد کند، حکومت عدل ایجاد کند، سیلی بخوریم، ما باید زیاده‌تر سیلی بخوریم، آن وقت یک نحو بوده حالا نحو دیگری بوده اما در این که تاوان را باید پس بدهیم مثل هم است. ابراهیم خلیل الله تاوان را پس داد، موسای کلیم الله داد و رسول خدا داد و امیرالمومنین آن همه شدت کشید و ائمه ما آن قدر سختی کشیدند برای این که آنها همه در نظر داشتند که حکومت عدل ایجاد کنند. اگر فقط حضرت ابراهیم می‌آمد و دعا می‌کرد و ذکر می‌کرد، این دیگر تو آتشش نمی‌انداختند. اگر حضرت رسول سلام الله علیه فقط آن وقت که در مکه بود، فقط دعا می‌خواند، بیش از این نبود، اما او با این چیزهایی که پیش آنها شریف بود، پیش آنها عظمت داشت مبارزه می‌کرد، از این جهت باهاش مخالفت می‌کردند و اگر هر کس بنشیند همان دعا بکند، هیچ کس کاریش ندارد. اگر مسلمان‌ها هم بنشینند دست دراز کنند طرف خدا، خدایا رحمت کن کی را، لعنت کن کی را و چی را، هیچ کس کارشان ندارد اما این خلاف سیره انبیاست، خلاف شیوه انبیاست. همه سیلی خوردند ما هم داریم سیلی می‌خوریم و این سیلی‌ای است که به اسلام می‌خورد، به ما نیست. این سیلی‌ای است که از صدر عالم تا حالا به مقدسات انبیاء خورده است، به شخص نبوده، مسأله شخص نبوده، مسأله مکتب بوده، به مکتبشان سیلی زدند و حالا چون عالم به هم متصل شده و دیگر یک جای معینی نیست، همه جا مثل همین حالا، الان شاید حرف من را خیلی جاها بشنوند، هر که گوش کند. حالا این طوری است که عالم شده یک محله، یک مسجد، یک همچو جایی. از این جهت الان وقتی که شما قیام کنید و ببینید که شما قیام کردید. بر ضد تمام مقدسات آنها، مقدسات آنها چی است؟ دنیا است. می‌خواهد نفوذ پیدا کند، نمی‌گذارید، آن مقدساتش بوده، شما بر ضد مقدسات آنها قیام کردید. می‌خواهد او جمع آوری مال بکند، شما به ضدش قیام کردید، مال حرام را می‌گویید نباید جمع کند. هر چه آنها مقدس می‌دانند چون مربوط به دنیا است شما هم مکتبتان اقتضا کرده است که مقابل آنها بایستید و باید سیلی بخورید، چاره‌ای نیست باید همه سیلی بخوریم، این سیلی‌ای است که اسلام دارد می‌خورد. ۱۱۹

استقامت در کارها در راءس امور است

استقامت اسباب این می‌شود که ادامه پیدا کند این نهضت و انقلاب و به همه جا سرایت کند جمله فاستقم کما امرت ۱۲۰ در دو جای قرآن هست یک جا در سوره شوری یک جا هم در سوره هود، لکن پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید که نقل می‌کنند که فرموده است شیبتنی سوره هود لمکان این آیه، چرا سوره هود را گفت؟ برای اینکه سوره هود یک ذیلی دارد و آن این است که فاستقم کما امرت و من تاب معک ۱۲۱ استقامت، خواسته است که ملت‌ها مستقیم باشند کسانی که به پیغمبر گرایش پیدا کردند و رسیدند به اینکه پیغمبر، پیغمبر اسلام است و ایمان به او آوردند، اینها هم باید مستقیم باشند پیغمبر برای این

ذیل می فرماید که شیئتی سوره هود و الا- استقامت خودش را ، خوف نداشت از اینکه خودش استقامت داشته باشد . داشت ، خودش میدانست دارد ، اما می ترسید که ما استقامت نداشته باشیم . اگر ببینید که در بین توده های مردم ، در بین اشخاص ، دلسردی برای این نهضت پیدا می شود ، بدانید استقامت توی کار نیست یا دارد می رود از دست . کاری بکنید که این توده های مردم استقامت داشته باشند در این نهضتی که کرده اند . این نهضت یک امر الهی است و خدا فرموده است فاستقم کما امرت و من تاب معک همانطوری که پیغمبر اکرم از هیچ آمد و فتح کرد و نورش همه جا را گرفت ، شما ملت هم بعد از آن رژیم فاسد ، از هیچ شروع کردید ، یعنی هر چه بود خرابی بود و شما شروع کردید برای درست کردن آن . اما رفیق نیمه راه نباشید ، اینطور نباشد که ما تا اینجا رفته ایم حالا از اینجا دیگر برویم سراغ کارهای دیگرمان . در راس امور این است که ما این امر الهی را که فاستقم کما امرت و من تاب معک این امر الهی را ما اجرا کنیم . ما در این انقلابی که ، یعنی ملت ما در این انقلابی که کرده است ، تا حالا استقامت کرده است و بحمدالله تا حالا پیروز شده است . شما پیروزید در دنیا ، شما مطرح شده اید در دنیا . در همه گوشه های دنیا ، دولت های دنیا از شما یک نحو هراسی دارند که مبادا یک وقت ملت های شان مثل شما بشود . شما تا حالا پیروزید ، استقامت کنید تا پیروزی نهائی به دست تان بیاید . ۱۲۲

ثمرات استقامت

اگر استقامت کنیم مؤید به تائیدات الهی هستیم این هیاهوها و بساطی که مخالفین اسلام در صدر اسلام راه می انداختند در زمان خود پیغمبر اکرم و بعدها همیشه بوده است ، لکن خداوند امر فرموده است که ما مستقیم باشیم ، استقامت کنیم . و اگر چنانچه استقامت کنیم مؤید به تائیدات الهی هستیم و شما چون پشتوانه تان خدای تبارک و تعالی است از هیچ چیز باک ندارید . دیگرانند که پشتوانه شان شیطان است و با دست شیطان حرکت می کنند . شما که با قدرت الهی دارید حرکت می کنید قدرتمندید . عدد کم بودن اشکال ندارد ، ایمان قوی بودن مهم است . و شما بحمدالله و همه ارتش و سپاه ما و سایر ارگان هائی که هستند در جبهه ، همه آنها برومندند و چون پشتوانه ایمان در آنها هست نباید از هیچ چیز بترسند و نمی ترسند . و من حکایت هائی که از جبهه و از دوستانمان در جبهه می شنوم و مناجات هائی که در توی جبهه و سنگرها با خدای تبارک و تعالی می کنند ، موجب سرافرازی است . شما بدانید که از بعد از اسلام تاکنون یک همچو ارتش و سپاهی نبوده است که سنگرهاشان معبدشان باشد و سنگرها را به صورت مسجد درآورند . شما بدانید که این کار را کردید و دارید می کنید . و شما پیش خدا سرافرازی و خدای تبارک و تعالی به شما قدرت می دهد و همین طوری که پیغمبر اکرم با عدد کم لکن با تائید الهی مقاصد خودش را پیش برد و دنیا را در تحت تاثیر خودش قرار داد ، شما هم که تابع آن وجود محترم هستید و شما الان می بینید که دنیا در تحت تاثیر شما واقع شده است ، شما پیروزید الان . شما در دنیا ، الان اینکه انعکاس قدرت شما در کاخ سفید و در کرملین الان پرتوانداز است ، همه قدرت ها از شما باک دارند ، شما باک از کسی نداشته باشید . همه قدرت ها از قدرت اسلام الان لرزیده اند و کارهای شما لرزانده آنها را . شما هیچ ، از هیچ قدرتی نترسید . وقتی خدا با شماست ، همه چیز با شماست . شما خدا را دارید ولو اینکه پشتوانه از شرق و غرب ندارید . و این افتخار شماست ، افتخار اسلام است که نه به شرق متوجه باشد و نه به غرب متوجه باشد ، صراط مستقیم باشد . راه ، راه خداست . در راه خدا نه شهادت و نه نقص عضو و نه گرفتاری هیچ یک از اینها اشکال ندارد . این چیزی بوده است که اولیاء خدا از اولی که خلقت تحقق پیدا کرده است ، انبیاء عظام در طول تاریخ مبتلا به آن بودند و نترسیدند و جلو رفتند و شما امروز قدرتمندانی هستید که در دنیا آواز شما پیچیده است . الان همه از شما باک دارند و شما از هیچ کس باک ندارید . ۱۲۳

فریاد مؤمن بر همه چیز غلبه می کند

اینها خیال می کردند که حالا دیگر چند تا بمب بیندازند به شهرهای ایران، ایران از میدان در می رود. اینها هزاران بمب انداختند، بمباران کردند، همه مناطق طرف های مرز را بمباران کردند و شهرهای بزرگ ما را هم بمباران کردند. و روز قدس آن طور جمعیت و فریاد بود که به گفته بعضی از مخبرین، صدای توپ ها را مردم دیگر نمی شنیدند، صدای بمب ها را دیگر مردم نمی شنیدند، فریاد مردم غلبه کرده بود. این فریاد از قلب مومن است و این فریادی که از قلب مومن است بر همه چیز غلبه می کند، بر کاخ سفید هم غلبه می کند؛ و غلبه کرده است و موج این ایمان در سرتاسر دنیا/ این موج / رفته است و دنیا/ دارد / از زیر بار این ظلم هائی که در طول تاریخ بر آن شده است، از زیر این بار دارد در می آید. همه جا نغمه این است که ظلم نه! دست توانای ملت ها، ابرقدرت ها را به جای خودشان نشانده و می نشاند. ۱۲۴

مسئله کناره گیری

نباید از میدان بیرون رفت من که قریب هشتاد و پنج ساله هستم، با ضعف بسیار آنقدر که برای من ناراحتی و خستگی هست برای شماها نیست، اگر بنا باشد کنار رویم من باید کنار روم. ولی همه وارد در میدانی شده ایم که اگر یک قدم عقب بنشینیم شکست می خوریم. البته اینطور نیست که کسی بتواند به شما و امثال شما توهین کند. اگر در روزنامه ای یا در مجلس به شما توهین شد نباید از میدان به در بروید. اصلا برای خاطر از میدان در کردن عده ای متعهد، ناگواری هائی برایشان پیش می آورند، باید محکم در میدان بود. به اندازه ای که برای پیغمبر اکرم گرفتاری پیش آمد برای هیچ کس پیش نیامد، ولی ایشان تا آخر ایستادند و به تکلیف شان عمل کردند، همین طور برای ائمه علیهم السلام، ولی آنها هم ایستادند. بیخود نبود که حبس می شدند، برای این زندان می شدند که جلوی آنهایی که بر ضد اسلام قیام کرده بودند می ایستادند. ما هم که انشاء الله متعهد به اسلام می باشیم و رشد اسلام را می خواهیم، تصمیم داریم جهان را برگردانیم و امیدواریم که ملت ها انجام دهند. نباید از دروغ و بدنامی و حرف زشتی که به ما نسبت می دهند از میدان به در برویم. البته معارضه کار را بدتر خواهد کرد، همه وقتتان صرف نوشتن و جواب دادن به روزنامه و مجلس می شود، با لحن برادری و ملایمت، کارها به خوبی تمام می شود. اگر کسی به ما بد کرد به بهترین وجه با او رفتار کنیم، کار به دعوا کشیده نمی شود. شما در انقلاب سهم زیادی دارید، بازار هم همین طور. اگر بازارها همراهی نمی کردند انقلاب پیروز نمی شد، پس پیه این مسائل را به خودتان بمالید. انسان که یک قدم اصلاحی و زندگی ساز بر می دارد نباید توقع داشته باشد که مورد پذیرش همه قرار گیرد، این نخواهد شد. امیرالمومنین را هم تا آخر عمر عده ای قبول نداشتند. اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند. کسی که میخواهد برای خدا کار کند باید پیه حبس، تبعید، بدنامی و سایر چیزها را به خود بمالد. اگر به شما فحشی می دهند، شما برای خاطر خدا بپذیرید و ثواب کنید. این را نباید فراموش کنیم که ما همه یک چنین کار بزرگی را انجام داده ایم، حالا از شرق و غرب فحاشی نشنویم یا در داخل با فساد کسانی مواجه نگردیم؟! ۱۲۵ کناره گیری بزرگترین گناه است خلاصه کلام این که مجلس و نمایندگان باید مؤید وحدت و انسجام جامعه باشند و مسؤولین در کنار مردم و مردم همراه و پشتیبان مسؤولین به وظیفه خود عمل کنند و از برکات مادی و معنوی اتحاد مقدس خود بهره مند شوند. و از صحنه ها کنار نروند، امروز شاید گناهی بالاتر از کناره گیری نباشد و هیچ عذر و بهانه ای برای ترک صحنه انقلاب پذیرفته نمی شود. ۱۲۶ هر انسانی که مشغول کاری می شود البته مشکلات دارد و کسی که بخواهد مشکلی در کاری نباشد باید مثل مرده ها در قبرستان برود و یا متزوی باشد. اگر قرار باشد افراد متعهد کنار بروند، مسوول هستند. آنان که کمر برای حفظ اسلام بسته اند باید اگر همه هم رفتند، آنها بمانند. انشاء الله همه موفق و موید باشید که همانطور که تا به حال عمل کردید، بعد از این هم عمل کنید. الان حفظ اسلام به عهده همه ماست. ۱۲۷ کناره گیری، بر خلاف مصالح اسلام است شما فرمانداران و بخشداران و همین طور اشخاص محترمی که این انجمن های اسلامی را در سرتاسر کشور

دارند، همه تان موظفید به اینکه در این امر دقت کنید که خوب انجام بگیرد، نبادا یک وقت خدای نخواستہ یک تقلبی در کار بیاید، نبادا خدای نخواستہ یک اشخاص نابابی خودشان را عوضی بجا بزنند که از این معانی بسیار خواهد بود. اینها تکلیف شماست که بکنید. مردم هم خودشان مکلفند به اینکه هم شرکت کنند در انتخابات، نروند کنار، تکلیف است، حفظ اسلام است، رفتن کنار خلاف تکلیف است، خلاف مصالح اسلام است. آن مقدسی که خیال می کند کنار نشسته و دخالت در امور اسلامی نمی کند، او بر خلاف اسلام دارد رفتار می کند، اگر خدای نخواستہ یک همچو آدمی باشد. آن آدمی که به واسطه اینکه مثلا یک چیز اعوجاجی از یک نفر می بیند یا از یک گروهی می بیند کنار برود، این برخلاف مصالح اسلام عمل می کند. این معانی در صدر اسلام هم بوده است، در زمان ائمه ما هم بوده است. خوب، همه اینها بوده لکن آنها کنار نمی گرفتند، آنها مشغول فعالیت خودشان بودند. ۱۲۸

۶- تعهد به موازین و معیارهای اسلامی

ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور

الان ما همه مان مکلفیم حالائی که جمهوری اسلامی شد ما هم اسلامی باشیم. اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم، حکومت اسلام نیست، این جمهوری اسلامی نمی شود. اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان هایش اسلامی نباشند خدای نخواستہ، دادگاه هایش اسلامی نباشد، وزارتخانه هایش اسلامی نباشد، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام، همان طاغوت است منتها اسمش را ما عوض کردیم. ما نمی خواهیم اسم عوض بشود می خواهیم محتوا درست بشود باید کوشش کنید محتوا درست بشود. امروز اسلام بسته به اعمال شما است، حکومت اسلامی اگر شما خوب رفتار کردید، همه قشرهای ایران خوب رفتار کردند یک حکومت اسلامی و یک رژیم اسلامی است، حکومتش اسلامی، ملتش اسلامی. اگر همه وزارتخانه ها اسلامی شد و همه ادارات اسلامی شد، ارتش اسلامی شد و شهربانی اسلامی شد و ژاندارمری اسلامی شد، آنوقت حکومت ما یک حکومت اسلامی است و اگر ماها هم که یک اشخاصی هستیم که هر کدام وارد یک کسبی هستیم، یک شغلی هستیم ماها هم روی دستور اسلام عمل کردیم یک ملت اسلامی هستیم و الا الفاظ است و معنا ندارد، هی من بگویم اسلام و لکن عملم برخلاف او باشد، هی حاکم بگوید اسلامی و لکن عمل برخلاف او باشد، این، نه رژیم آنوقت اسلامی می شود، نه ملت، ملت اسلامی می شود. کوشش کنید که ملت اسلامی باشد و دولت اسلامی و از خدای تبارک و تعالی من می خواهم این اتحاد شماها و این روحیه قوی شما محفوظ باشد تا این مراتب سیر بشود، تا این مراحل بگذرد. ۱۲۹

کارها باید بر اساس اسلام باشد

اساسا این انقلاب و این نهضت، بر اساس اسلام است یعنی ما هیچ تر دیگری، هیچ امر دیگری را غیر از اسلام نمی پذیریم و این قوای انتظامی اعم از سپاه پاسداران و ژاندارمری و ارتش و دیگران، باید خودشان را با اسلام منطبق کنند. افرادی که آن دید اسلامی را ندارند یعنی نپذیرفتند اسلام را، این اشخاص را باید تصفیه کنند. اشخاصی که دید اسلامی دارند، پذیرفته اند اسلام را، لکن در عمل، عمل اسلامی ندارند، سر خود کارهایی که خودشان می خواهند می کنند، اینها هم باید هدایت بشوند و اگر چنانچه مایوس شدند سران از اینکه هدایت تاءثیر بکنند، تصفیه بشوند. بالاخره آن که مردم را برانگیخت اسلام بود هیچ قدرت دیگری قادر به این نبود که یک ملت سی و پنج میلیونی را به یک راه برود، هیچ قدرتی قابل نبود نمی توانست و لهذا ما در طول تاریخ که دیده ایم، آنهایی هم که خودمان یادمان هست مثل قضیه نفت چون اسلامی نبود، ملی تنها بود به اسلام کاری نداشتند،

از این جهت نتوانستند کاری انجام بدهند، کارهای نصفه کاره ای هم که انجام دادند، بعدش از دستشان گرفته شد و رفت کنار. اگر اسلام در کار باشد و مکتب اسلام در کار باشد در این قشر نظامی و غیر نظامی ما پیروز خواهیم شد. و اگر مکتب را ما فراموش بکنیم و هر کس بخواهد دنبال کار خودش باشد و فکر خودش باشد، این آسیب پذیر خواهد بود و لهذا بر همه ما، بر همه رؤسای ارتش، رؤسای پاسداران، رؤسای ژاندارمری، رؤسای شهرداری و همه روشنفکران و همه نویسندگان لازم است که ما همه را به یک وجه، به یک وجه سوق بدهیم، این ملت را ما به سوی اسلام و به سوی الله سوق بدهیم. اگر یک همچو کاری انجام بگیرد که اسلامی بشود همه دستگاه ها، پیروزی ما داریم، هیچ اشکال نیست که ما پیروز خواهیم شد. ۱۳۰

باید بر اساس اسلام حرکت کنیم

متوجه باشید که امروز آن چیزی که اهمیتش بیشتر از چیزهای دیگر است این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا اینجا هم اسلامی هست و انشاءالله تا آخر هم اسلامی باشد و همه ما و همه شما و همه ملت و همه کسانی که در سپاه و ارتش و در ژاندارمری و در شهرداری و ادارات هستند و دولت و همه باید همتشان این باشد که نهضت را اسلامی پیش ببرند. اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد، دیگر آسیب نمی بیند. اگر چنانچه نهضت از اسلامیتش بیرون رفت، هر کس یک راهی دارد، راه ها مختلف خواهد شد. وقتی راه ها مختلف شد، آسیب می بیند. اما اگر ما همه زیر یک پرچم باشیم همانطوری که در صدر اسلام جمعیت ها کم بودند لکن زیر یک پرچم بودند و با یک ایده حرکت می کردند، اینها پیش می برند. الان ما در یک همچو محلی واقع شدیم که اسلام به دست ما سپرده شده است. خواهی نخواهی شما پاسدار اسلام هستید، حالا همه قوا، ارتش و شما، پاسدار اسلام هستید. پاسدار اسلام باید هم خودش اسلامی باشد و هم دیگران را اسلامی کند و هم مشی آن اسلامی باشد و اگر انحرافات که گاهی در بعضی از جوان ها، آنهایی که درست مسائل را ادراک نمی کنند واقع بشود و نیز شمائی که می خواهید با فعالیت خودتان جلوی این مسائل را بگیرید دیده شد، سعی کنید جلو انحرافات خودتان را هم بگیرید. مثلاً به پاسدارها نسبت میدهند که بیخود به مردم تعرض کردند، بیخود به خانه های مردم رفته اند و من هم نمی دانم که صحیح باشد اما کلی اش این است که ما باید بر اساس اسلام حرکت کنیم و بر اساس اسلام این نهضت را پیش ببریم و از اختلافات و این چیزهایی که اخیراً می بینید که به جان هم افتاده اند و روزنامه ها چه می کنند، باید از این اختلافات بری باشیم و باید همه تان با هم مجتمع و برادر و تحت لوای توحید پیش بروید و پیروزی هم نصیب شماست و اگر اینطور باشد، در همین حرکت پاسداری تان عبادت دارید می کنید. همانطور که در نماز وقتی می ایستید، باید همه جهات نماز را حفظ کنید تا نماز درست باشد، باید در اینطور مسائل عادی هم که شما الان پاسدار اسلام هستید، از همه جهات پاسداری کنید تا اینکه همه چیزتان در خدمت اسلام باشد. وقتی اینطور شد، شما یک لشکری هستید مثل لشکر اسلام، در این موقع، نه تنها نمازتان، بلکه همه کارهایتان عبادت است. این اموری که گفتید، به تدریج درست می شود و اموری است که وقت می خواهد. ۱۳۱

مهم این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم

آنچه مهم است این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم. پس اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم باید صریحاً بگوئیم اشتباه نموده ایم و عدول در بین فقها از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد وقتی فقیهی از فتوای خود بر می گردد یعنی من در این مسأله اشتباه نموده ام و به اشتباهم اقرار می کنم. فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضائی هم باید اینطور باشند که اگر در مسأله ای اشتباه کردند صریحاً بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند، ما که معصوم نیستیم. پیش از انقلاب من خیال می کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند، لذا بارها گفتم

روحانیون می روند کارهای خودشان را انجام می دهند. بعد دیدم خیر، اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده ام درست نبوده است، آمدم صریحا اعلام کردم. من اشتباه کرده ام. این برای این است که ما می خواهیم اسلام را پیاده کنیم. پس در این رابطه ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده ام باید روی همان حرف باقی بمانم. امروز می گویم مادام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند، علما باید مشغول به کارهایشان باشند. این شاعنی برای علما نیست که ریاست جمهوری و یا پست دیگری را داشته باشند چون وظیفه است به این کارها می پردازند. خلاصه یک چیز را نباید فراموش کنیم که همه می خواهیم اسلام پیاده شود. ۱۳۲

مبادا از حرفهای خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم

من حالا هیچ نگرانی ندارم چون اکثر افراد را می شناسم و می دانم که اکثرا متعهد و متدین هستند، بلکه نگرانی من از این است که نکند سستی کنیم و در پیاده کردن اسلام دقت لازم را ننمائیم بعدا اشکالی پیش بیاید. نکند مثل مشروطه شود که آقایان تلاش کردند و مشروطه را بنا گذاشتند، آنوقت چند نفر از سیاسیون مستبد، مشروطه خواه شدند و حکومت را گرفتند و هر دوره مجلس را بدتر از دوره قبل تشکیل دادند. امروز من هیچ ترسی ندارم، ولی ترسم از آن است که مبادا ما مسائل را به صورتی محکم تحویل دسته بعد ندهیم، ترسم از آن است که مبادا از حرف های خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم. ما باید همه چیز را به همان قوتی که امروز دارد، تحویل دسته بعد دهیم و آنها هم کوشش کنند که به همان قوت تحویل دسته بعد دهند. ما باید بنیان را محکم کنیم و به دسته بعد دهیم. تا پیش خدا مقصر نباشیم. باید هیچ سستی نکنیم و از این ترس نداشته باشیم که فلائن رادیو یا دولت خارجی چه می گوید، رادیوها باید به ما فحش بدهند. آن روزی را که آمریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت. آن روز که کارتر و ریگان از ما تعریف کنند معلوم می شود در ما اشکالی پیدا شده است. آنها باید فحش دهند و ما هم باید محکم کارمان را انجام دهیم. شورای نگهبان بدون ملاحظه از هیچ کس فقط و فقط خدا را در نظر بگیرند. احکام اولیه باید جاری شود و آن روز هم که اضطراری پیش آمد، احکام ثانویه که آن هم حکم خداست را باید جاری نمایند. باید بنیان از امروز محکم شود. ۱۳۳

محکم باشید و به چیزی به جز اسلام و قرآن فکر نکنید

شما ناظر بر قوانین مجلس باید باشید و باید بدانید که به هیچ وجه ملاحظه نکنید. باید قوانین را بررسی نمائید که صد درصد اسلامی باشد. به هیچ وجه گوش به حرف عده ای که می خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوششان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، ندهید. قاطعانه با اینگونه افکار مبارزه کنید. خدا را در نظر بگیرید. اصولا آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم. اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنان حرفی می زنند که برخلاف اصول قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید ولو اینکه تمام بر شما بشورند. انبیاء همین طور عمل می کردند، مثلا موسی در مقابل فرعون مگر غیر از این کرد؟ مگر موافقی داشت؟... محکم باشید و به چیزی به جز اسلام و قرآن اصولا فکر نکنید. ۱۳۴

مردم ما به حفظ اسلام و اصول انقلاب فکر می کنند

امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و

حال آن که معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم ، و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لیبک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت . امروز جنگ حق و باطل ، جنگ فقر و غنا ، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند ، می بوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است ، و قلب ها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است ، و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است . البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب ، سختی ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصا اقشار کارمند و اداری در تنگنای مسایل اقتصادی نیستند ، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند ، مسأله حفظ اسلام و اصول انقلاب است . مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند ، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در این جا مجال ذکر همه آنها نیست . ۱۳۵

باید تمام امیال خویش را فدای میل اسلام کنیم

و لهذا فرضا که شما ملاحظه کنید که ، یا آنها ملاحظه کنند که بعضی ها مخالف مثلا میل شان یا موافق چه عمل می کنند ، امروز نباید انسان امیال خودش را به نظر بگیرد . یک روزی که گرفتاری اسلام و حیثیت اسلام در میان است و می بینید که همه قدرتمندها و همه تبلیغات بر ضد همه هست و از اول هم بر ضد همه و خصوصا پاسدار عزیز بوده است ، باید انسان تمام امیال خودش را فدای میل اسلام ، - بکند - حکم و احکام اسلام بکند همانطور که شما و همه این رزمندگان ما واقعا یک چهره هائی هستید که انسان از خودش خجالت می کشد که با آنها مواجه بشود کسانی که جان خودشان را که سرمایه همه چیز است دیگر برای انسان ، این را فدا دارند می کنند برای اسلام و ماها این توفیق را نداریم ، نمیتوانیم ، منتها دعا می کنیم به شما . وقتی بنا شد که شما یک همچو تحفه ای را دارید به اسلام تقدیم می کنید ، آنوقت اگر - فرض کن - یک چیزی مخالف میل تان شد ، باید با آن مخالف میل ، با میل خودتان یک قدری مبارزه کنید این مبارزه باطنی است که لازم است انسان داشته باشد همیشه و همیشه مواظب باشد . ۱۳۶

هدف از انقلاب تحقق اسلام بود

ما تا حالا که این جمهوری اسلامی را ، همه شماها زحمت کشیدید و همه قشرهای ملت متحد شدند با هم و خون ها را دادند و زحمت ها کشیدند و زجرها را کشیدند و این سد را شکستند و رآی به جمهوری اسلامی هم دادند ، این برای این نبود که فقط حریف را از میدان در بکنند و خودشان به جای او بنشینند ، این برای این بود که یک رژیم فاسد را تبدیل کنند به یک رژیم صحیح ، رژیم عادل که وقتی رژیم عادل تحقق پیدا کرد و احکام اسلام آنطوری که باید تحقق پیدا کرد ، آنوقت افراد اگر عمل کنند ، راه صحیح واقعیت را پیدا می کنند و رژیم هم اگر چنانچه اسلامی باشد و عمل ، عمل اسلام باشد و همه نظام ، نظام اسلام باشد ، یک نظام عادلانه ای که به هیچ یک از افراد تعدی نشود ، در هر اداره ای بروید آنجا اسلام را ببینید ، در هر بنگاهی بروید آنجا هم ببینید اسلام هست ، اینکه حکومت می کند اسلام حکومت بکند ، غیر اسلام در کار نباشد . ما تا حالا نرسیدیم به این . ما

رای دادیم به اینکه جمهوری اسلامی باشد، حالا- هم رژیم ما جمهوری اسلامی است اما اینطور نیست که ما تا رای دادیم، جمهوری اسلامی، یک جمهوری اسلامی شده باشد، فقط نظام الان نظام جمهوری اسلامی و دنیا هم شناخته ایران را به اینکه اینجا رژیمش جمهوری اسلامی است اما اسلام که این را نمی خواسته که ما یک رای بدهیم و بگوییم جمهوری اسلامی، اسلام می خواسته که در رژیمش اینطور باشد که هر جا پا بگذاری احکام اسلام باشد، غیرش نباشد. ۱۳۷

باید همه فکر این معنا را بکنیم که رژیممان را اسلامی کنیم

اگر ما با همه زحمت ها، با همه خون دادن ها به این جا رسیدیم که جمهوری اسلامی، و باز رهائش بکنیم تمام کارهایمان هدر رفته، یعنی طاغوت فرق نمی کند که محمدرضا باشد یا من و شما. حیطه شعاع عملیات مختلف است یک کسی طاغوت است در خانواده خودش، یک کسی طاغوت است در خودش و همسایه هایش، یک کسی طاغوت است در محله اش، یک کسی در شهر، یک کسی هم در یک استان، یک کسی هم در سطح کشور. در طاغوتی فرقی نیست، در شعاع عمل فرق است. همین طاغوتی که در خانواده خودش طاغوت است، اگر دستش برسد در محله هم طاغوت است، اگر دستش برسد، در همه سطح کشور طاغوت است، برای اینکه خودش وقتی طاغوت هست دیگر شعاع عمل کم و زیادش پیش او فرقی ندارد، دستش نمی رسد، دستش برسد همان کارهایی که محمد رضا می کرد، این آدم هم همان کارها را می کند تا تربیت اسلامی و انسانی و تحت تربیت انبیا کسی نباشد، دستش نمی رسد و الا وقتی دستش برسد همه آن کارها را می کند حالا هم خیال می کند نمی کند. این آدمی که در منزل خودش ظلم می کند، در منزل خودش تعدی بر اولادش، بر فرزندش، بر خادمش می کند این اگر زیادتر بشود خدمه اش، زیادتر بشود اولادش، زیادتر بشود تابعش همان قدر که آنها زیادتر می شوند این وسعت ظلمش زیاد می شود، برای اینکه آدم ظالم است. ظالم اگر ده نفر تحت سیطره اش باشند، ظلمش به اندازه ده نفر است، اگر سی و پنج میلیون جمعیت هم باشند، ظلمش به اندازه سی و پنج میلیون نفر است، آدم، همان آدم است برای اینکه آدم نشده است، یک موجود طاغوتی شیطانی است. این موجود طاغوتی شیطانی اگر تحت سیطره انبیا نرود، تحت تعلیم و تربیت انبیا نرود هیچ فرقی مابین این فرد با آن فردی که یک عالم را دارد می چاید، در روحيات نیست، در عمل هست از باب اینکه این دستش نمی رسد، او دستش می رسد. اینهایی که مثلا فرض کنید در ایران سیطره داشتند مثل محمد رضا اگر در عراق هم سیطره اش می رفت همین ظلم هائی که اینجا می کرد آنجا هم می کرد، اگر در همه ممالک اسلامی هم سلطه پیدا می کرد همین کارهایی که اینجا می کرد در همه می کرد، اگر در همه عالم هم سلطه پیدا می کرد همان مطلب بود. می بینید که این ابرقدرت ها که دستشان را همه جا دراز می کنند، دستشان را همه جا دراز می کنند برای چاییدن، آن آدمی که چاییدنش یک حدود خاص داشت وقتی که شد رئیس، یک قدری وسعت پیدا می کند و همان کارها را هم آنجا می کند. گمان نکنید که من و شما اگر دستمان برسد به آنها نکنیم، تا آدم نشویم همان حرف ها هست، باید همه فکر این معنا را بکنیم که رژیممان را رژیم اسلامی بکنیم. ۱۳۸

باید تلاش کرد که واقعیت اسلام تحقق پیدا کند

رژیم اسلامی به این است که این افرادی که در کار هستند، این افرادی که در این رژیم سر کار هستند، مشغول به - فرض کنید که - خدمتگزاری هستند، کارمندان دولتی همه شان، هر کدام آنجا که کار می کنند کارشان کار اسلامی باشد، این فکر نباشد که حالا- که این اداره آنجایش خراب است خوب، بگذارید اینجایش هم خراب باشد، حالا- که آن آدم آنجا خلاف می کند خوب، بگذار اینجا هم خلاف کند. همه مکلفیم، همه ما. اگر همه عالم خلاف بکنند، یک آدمی که تربیت شده تحت مکتب انبیاست او خلاف نمی کند، تمام عالم وقتی که به هم بخورد و ظلم بشود، حضرت موسی خلاف نمی کند. از اینکه حالا همه

دارند می‌چاپند پس باید من هم این کار را بکنم، نه، در تربیت انبیا اینجور نیست، علی بن ابیطالب سلام الله علیه همه عالم اگر کافر می‌شدند به حال او فرقی نمی‌کرد جز غصه خوردن به اینکه چرا اینها دارند خلاف می‌کنند و الا در مشی او هیچ تغییری نمی‌کرد آن روزی که تو خانه نشسته بود با آن روزی که یک خلافت دارای آن وسعت که ایران یک جزئی بود تا مصر و در حجاز و همه اینها تحت سیطره بود و از اروپا هم یک مقداری، هیچ فرقی در حال روحی اش نبود که حالا که من دارای یک همچو چیزی هستم، باید مثلاً چه بشود، هیچ ابد در روح او هیچ فرقی نمی‌کرد برای اینکه روح، روح الهی بود. روح الهی در آن فرقی نمی‌کند که یک جمعیت کمی تحت نظر او باشد یا یک دنیا باشد، در حال روحی او فرقی نمی‌کند، او موظف است عدالت کند، می‌تواند با این چهار تا که هست عدالت بکند، اگر توانست با همه جا، و همه جا عدالت را گسترش می‌دهد. همه ما الان که اسم جمهوری اسلامی روی خودمان گذاشتیم و رژیم سابق را فرستادیم بحمدالله به خارج و دفنش کردیم و دیگر هم زنده نخواهد شد انشاء الله، همه ما الان مکلفیم که این رژیمی که ادعا داریم که تحقق پیدا کرده، واقعیتش تحقق پیدا کند، از حد لفظ به حد معنا بیاید، از حد رای به حد خارج بیاید. ۱۳۹

همه موظفند وظایف الهی خود را انجام بدهند

شما که مامورین یک وزارتخانه هستید یک طور باید عمل بکنید، آنها هم که در وزارتخانه دیگرند یک طور، همه باید یک مامورین اسلامی باشید. هر فرد باید خودش را موظف بداند به اینکه این کاری که الان، این کار جزئی که پشت میز نشسته به او محول است، این کاری که به او محول است به عدالت عمل کند، منتظر نشود که وزیر عادل بشود. وزیر عادل باشد یا نباشد، شما باید عادل باشید. نخست وزیر عادل باشد یا نه، برای خودش ضرر دارد و نفع دارد، آن حسابش علیحده هست، شما هم حسابتان علیحده است، پیش خدا حسابش علیحده است، پیش ملت هم حسابش علیحده است. شما که این کار جزئی، پیشخدمتی که این کار جزئی دستش هست، این عدالت در آن کارش باید بکند. آن رئیس اداره هم که در آنجا نشسته آن هم عدالت در همان کار باید بکند، منتظر نشود دیگران عادل بشوند تا او عادل بشود. مثل این است که من منتظر بشوم دیگران نماز بخوانند تا من نماز بخوانم، یا منتظر بشوم دیگران ناهار بخورند تا من ناهار بخورم. چطور وظایف طبیعی را آدم اینطوری عمل می‌کند، وظایف طبیعی را هر کسی شخصی عمل می‌کند. شما هیچ وقت انتظار کشیدید دیگران نفس بکشند تا شما بکشید؟ دیگران نگاه کنند تا شما نگاه کنید؟ هیچ همچو نیست. شما به حسب طبیعت تان وظایف طبیعی را شخصا عمل می‌کنید، وظایف الهی را همه همینطور است. همانطور که وظایف طبیعی را شخصا عمل می‌کنید، وظایف الهی را هم شخصا شما موظفید عمل کنید، بعلاوه موظفید که دیگران را هم وادار کنید به این کار. در این جا موظف نیستید که دیگران را وادار کنید که نگاه کن اما در آنجا موظفید که تعدیل کنید دیگران را هم تربیت کنید. ۱۴۰

ما موظفیم خودمان عمل کنیم و دیگران را هم وادار کنیم

هر کدام ما موظفیم خودمان عمل کنیم و موظفیم دیگران را هم وادار کنیم، اگر یک همچو روحیه ای در یک ملتی پیدا بشود که انشاءالله امیدوارم پیدا بشود، اگر یک همچو روحیه تعاون معنوی همانطوری که در این برهه ای که انقلاب بود یک تعاون مادی پیدا شده بود، این هم معنا بود، اما معاونت راجع به این بود که اینهایی که می‌آمدند در خیابان‌ها تظاهر می‌کردند، خانه‌ها به آنها آب می‌دادند، غذا می‌دادند - عرض کنم - مردم کمک می‌کردند و معاونت می‌کردند، اگر یک روحیه معاونت معنوی پیدا بشود در انسان، در همه، که هر کس خودش را موظف بداند به اینکه علاوه بر اینکه خودش یک آدمی است که می‌خواهد عدالت بکند، وظیفه شناس است، پشت میز که نشسته کار خودش را که می‌کند و کار مردم را که می‌خواهد انجام بدهد، روی

وظایف است، نه روی طمع است، نه روی ترس و خوف است، روی وظیفه است، آنطوری که وظایف شخصی خود را آدم عمل می‌کند برای خودش وظیفه می‌داند که برای بچه هایش لباس بخرد، این یک وظیفه ای است پیش آدم، نه خوف است و نه طمع. اگر انسان، آن کسی که متصدی یک کاری است، وظیفه بدانند این را که من حقوق مثلاً می‌گیرم وظیفه ام این است، نخیر، حقوق هم نمی‌گیرم وظیفه انسانی ام این است، وظیفه اسلامی ام این است که حالا که متکفل یک امری شدم و یک دسته ای به من محتاجند که کار آنها را راه بیندازم، کارها را تعویق نیندازم، همانقدری که می‌توانم، به هر ترتیبی که جریان دارد، جریان بدهم با رفاقت، جلو و عقب انجام ندهم، خلاف عدالت نکنم، اگر جلو و عقب انجام بدهم این همان کارهای طاغوت است، طاغوت در یک چیز کم، در یک شعاع کم چنانچه هر کدامان توجه به همین معنا داشته باشیم، هر کسی به خودش متوجه باشد، خودش را درست کند، اداره ای که دارای پانصد نفر مامور است، هر ماموری آن کاری را که به او محول است سرش را زیر بیندازد و کارش را انجام بدهد، یک اداره درست می‌شود، یک وزارتخانه درست می‌شود، باقی درست میشود، همه کشور درست می‌شود. اگر یک همچو چیزی در یک کشوری پیدا شد، این کشور مرفعی است. کشور مرفعی این نیست که سینماهای کذا داشته باشد و آن کارهایی که در آن می‌شد، یا مرفعی آن است که مراکز فحشا آن قدر زیاد باشد، مشروب خوری آنقدر زیاد باشد، این انحطاط است. کشور مرفعی این است که افرادش مرفعی باشند، فرد مرفعی آن است که وظیفه شناس باشد، وظایف اداری اش، وظایف الهی اش، اگر انسان وظیفه شناس شد یک انسان مرفعی است، یک انسان عادل است. یک مملکتی اگر انشاءالله موفق بشویم. موفق بشوید به اینکه این مملکت، همه وظیفه شناس بشوند و جمهوری اسلامی بشود. جمهوری اسلامی این است که اداره مالی آن هم اسلامی بشود، اداره عدلیه اش هم اسلامی بشود. تحول باید پیدا بشود، تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند. به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی، یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند، همین افراد، نظام را معوجش می‌کنند، برخلاف می‌کنند. ۱۴۱

همه روی وظیفه شان عمل کنند

تحول در افراد، در روحیه افراد میزان است و این با این است که همه آقایان بنای بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه شان عمل بکنند، خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی، ببینند در یک مملکتی هستند که راس این مملکت امام زمان سلام الله علیه مراقبشان هست، مامورهای مخفی دارد، ملائکه الله مأمورند، خودش را تحت مراقبت ببیند، بگوید که ما یک مملکتی الان هستیم که یک مراقبی داریم معصوم و ماتحت مراقبت هستیم، اعمالمان باید یک اعمالی باشد که یک وقتی به عرض ایشان رسید، راضی از ما باشند. در هر جا که کار می‌کنید، شما برای مسلمانان ما می‌خواهید خدمت بکنید. دولت‌ها خدمتگزار مردم هستند، نه فرمانفرما. این رژیم طاغوتی است که مثلاً یک نخست وزیرش، یک رئیس جمهورش فرمانفرمایی بخواهد بکند. این طاغوت، همین است. بله، این مقداری که وظیفه هست که امر و نهی بکند، وظیفه است بکند، اما بخواهد زاید بر آن وظیفه فرمانفرمایی بکند، حالا که رسیده به اینجا سوء استفاده بکند، این همان رژیم طاغوتی است حالا دستش به زیادتر نمی‌رسد یا خوف دارد از اینکه مردم به او اشکال بکنند، اگر دستش باز بشود، همان کارهایی که محمد رضا می‌کرد شاید من هم بکنم اگر دستم برسد.

۱۴۲

باید محتوی را اسلامی کرد

تا تربیت یک تربیت صحیح نباشد، فایده ندارد. و شما آقایان انشاءالله من امیدوارم و از خودتان، رفقایتان، دیگران، سفارش

کنید همه که ما الان در یک نظامی واقع شده ایم که ما می گوئیم ما اسلامی هستیم ، شما یک گروه اسلامی هستید الان . یک گروه اسلامی اگر همان ادعا باشد ، خوب ، همه عالم می توانند ادعا کنند ، مگر محمدرضا نمی گفت من مسلمانم ، قرآن هم طبع می کرد ، خدمت حضرت رضا هم می رفت و می ایستاد و برایش زیارت نامه هم می خواندند و نماز هم می خواند و همه این کارها را می کرد اما نبود اینطور . ما اگر بخواهد رژیمان اسلامی باشد و این ادعایی که می کنیم که ما مسلم هستیم و ما طرفدار اسلام هستیم و طرفدار رژیم اسلامی هستیم باید این قدم را هم برداریم که مهمش این قدم است که محتوای یک مملکتی اسلامی باشد ، هر جایش برویم در مملکت اسلامی رفتیم ، نه اینکه وقتی رفتیم بازار ، بینیم بازار همان بازار و همان رباخوری و همان اجحاف و همان گرانفروشی بیجا و همان ها و بعد هم فریاد می کنند که اسلام ، بعد هم چراغانی می کنند خیال می کنند با این می شود امام زمان را بازی داد ، نمی شود تا یک نوری در قلب ما پیدا نشود فایده ندارد ، هر چه هم از این اعمال بکنیم اعمال است . خیر ، از این اعمال همه می کنند باید این اعمال بشود ، نه اینکه اینها نشود ، این اعمال بشود ، پیوند با قلب داشته باشد ، با قلبمان یک کاری کنیم که این عمل را قلب ما آورده باشد . در هر صورت ما الان در یک جمهوری لفظی اسلامی هستیم ، نه جمهوری اسلامی ، جمهوری ، طرح جمهوریت است ، حالا- طرحش هست ، طرحش هم حالا- تمامی باز نیست . وقتی مملکت ما جمهوری اسلامی است که همه چیزش اسلامی باشد . هر چه ناقص باشد جمهوری اسلامی ناقص ما داریم ، حالا جمهوری اسلامی لفظی داریم . اگر چهار تا اداره مان درست بشود ، یک جمهوری اسلامی ناقصی باندازه این اسلامی شده ، اگر انشاءالله همه آن اسلامی بشود آنوقت مدعی هستیم ، ادعای ما این است که جمهوری اسلامی و این ادعا صحیح است و از ما می پذیرند این را و این را هم نباید هر یک فکر کند که دیگران بشوند تا من بشوم ، هر کس باید آن کاری را که می کند آن کار را خوب انجام بدهد . شما شبیه خوان های سابق را دیده اید ، این شبیه که می خواندند ، شمر خوب آن بود که خوب شمر باشد ، اگر آن شمر بنا بود که یک کاری بکند که سیدالشهدا باید کند ، این خوب شمیری نیست ، سیدالشهدا بر حسب شبیه هم آن است که آن عمل را خوب انجام بدهد ، اگر آن عمل را خوب انجام بدهد یک شبیه خوان خوبی است . هر یک ما باید آن عملی که دستش می دهند خوب انجام بدهد ، نرود سراغ اینکه دیگران چه می کنند ، بخواهد دخالت کند در کار دیگران . نه ، دخالت در کار دیگران نکنید ، شما آن کاری که به آن موظف هستی همان کار را خوب انجام بده ، برادرت هم که پهلوی نشسته اگر انجام خواست بدهد ، دیدی یک خلافتی می خواهد بکند به او بگو که آقا ما جمهوری مان اسلامی است . جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد عدالت این است که این آدمی که الان احتیاج به من دارد ، از خارج آمده الان ، از راه دور آمده ، به این اداره احتیاج دارد ، زود رسیدگی بشود به احتیاج این . اینطور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست ، جلو کارش را انجام بدهیم ، یک کسی که خیر ، غریبه هست ، عقبترا انجام بدهیم و هکذا چیزهایی که شما می دانید می شود ، این چیزهایی که می شد ، دیگر نگذارید بشود . ۱۴۳

در مقابل احکام خداوند خاضع باشید

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تاءثیر تبلیغات بی محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید و به مالکیت و سرمایه های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه ها و فعالیت های سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خود کفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند . ۱۴۴

از هیچ کس و هیچ چیز جز خدای بزرگ ترسید

من بارها اعلام کرده ام که با هیچ کس در هر مرتبه ای که باشد عقد اخوت نبسته ام . چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد

نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده های همکاری آنان با آمریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرال ها دفاع می کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده اند، از این حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد. مسوولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فدا - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسایل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسوولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنمایند، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقا چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسوولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دنیای دون امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با آمریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب بی شهادت میسر نیست. من بار دیگر از مسوولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشاء سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم. مگر بیش از این است که ما ظاهرا از جهانخواران شکست می خوریم و نابود می شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار میروند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم. ۱۴۵

در عمل به حق از ملامت بدخواهان نباید هراس داشت

با سپاس بیحد از الطاف کریمه خداوند متعال که توفیق به ملت شریف و متعهد ایران عطا فرموده که هر چه زمان می گذرد، مشکلات افزون می شود، بر تعهد آنان و حضورشان در صحنه و پشتیبانی شان از جمهوری اسلامی که فرآورده فداکاری های خودشان است، افزوده می شود. و به رغم تبلیغات دشمنان خارج و داخل، با اکثریت قاطع افزون از دوره سابق، جناب آقای محمد علی رجائی ایده الله تعالی را به ریاست جمهوری کشور اسلامی ایران برگزیده و این مسوولیت بزرگ و بار سنگین را بر عهده او گذاشته است. و چون مشروعیت آن باید با نصب فقیه ولی امر باشد، اینجانب رای ملت را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم و مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم الشان در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند و از فرامین الهی و قانون

اساسی تخطی ننمایند، این نصب و تنفیذ به قوت خود باقی است. و اگر خدای ناخواسته بر خلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهم گرفت. و باید ایشان توجه داشته باشند و از عمل ملت دریافته باشند که ملت دلاور نیز رای خود را بر این اساس به ایشان داده اند و من امیدوارم که در حفظ این امانت الهی و مسؤ‌ولیتی که ملت بر عهده ایشان گذاشته است، با تمام توان کوشش نموده و از آن پاسداری نمایند و وفادار به پیمان خود در مقابل خداوند مقتدر حاضر و ناظر و ملت حاضر در صحنه و مراقب احوال و اوضاع بوده باشند و به فرمان خداوند تبارک و تعالی که مومنان را به رحمت و عطف در بین خود و شدت در مقابل کفار و مخالفان اسلام دعوت فرموده است، با تمام جدیت عمل کرده و در عمل به حق از کسی و از ملامت بدخواهان نهراسند و در نظارت بر قوای ثلاثه، طرف حق را در نظر گیرند و در خدمت به خلق خدا، خصوصا توده های مستضعف، احساس غرور و سرافرازی نمایند، که اینانند وفاداران به اسلام و هواداران جمهوری اسلامی. ۱۴۶

نباید از اسلام تخطی نمود

اگر هر یک از ما تخطی کنیم از آن خواستی که ملت دارد و آن خواستش اسلام است و احکام اسلام، اگر هر یک از ما تخطی کنیم، علاوه بر آنکه در محضر خدای تبارک و تعالی در آن روزی که همه وارد می شوند و حساب است در کار، جوابی نداریم؛ همین مردم هم در همین جا به حساب می رسند، اینها نمی گذارند که، آن حسابش علیحده، همین مردم در همین جا شمائی که الان به مقام ریاست جمهور رسیدید اگر فردا خدای نخواست تخطی کنید از آن راهی که راه ملت است و راهی که اسلام پیش پای همه ما گذاشته است، همین سیزده میلیون و زیاده تر که به شما رای دادند و اعتماد به شما کردند برمی گردند. آنجا هم حسابش، آنجا بدتر است. اینجا وقتی بر می گشتند خوب، شما می روید منزلتان می نشینید، اما آنجا کار مشکل است، باید شما حساب آنجا را بکنید. ۱۴۷

باید مجریان امور در هر جا که هستند متعهد به اسلام باشند

کارهایی را که مجلس باید بکند، محول به اوست. کارهایی را شورای نگهبان باید بکند، محول به اوست. بعد از اینکه آن مرحله ها گذشت و افتاد به دست قوه اجرائی، قوه اجرائی مهم است. ممکن است قانون بسیار خوب باشد وارد بشود در دست مجری ها و بد اجرا بشود. غالبا اینطور باشد که قوانین را حالا در ایران که الان همه قوانینش اسلامی است سابق هم ممکن بود قانون را در وضع قانونیش خوب درست کنند لکن وقتی به دست یک عده خائن می دادند او روی افکار خودش عمل می کرد، وقتی هم یک رشوه ای به بالاترها می دادند، دیگر صحبتی نبود. امروز شما باید وضع تان وضع اسلام باشد. اگر بخواهید در مقابل قدرت های بزرگی که هم چشم طمع به کشور شما دوخته اند و با صراحت این مسائل را می گویند، اگر بخواهید که استقامت کنید و پایداری کنید، باید مجریان امور در هر جا که هستند، در دادگستری، در وزارت مالیه در بانک ها، اینها اشخاصی باشند و متعهد به اسلام باشند و بدانند که اگر چنانچه ما در یک جایی از این جاها رو به شکست برویم، کم کم این سرایت می کند شکست در جاهای دیگر و خدای نخواست یک وقت می بینید که کشور ما به هم ریخته شده است، وضع مالی اش و وضع بانکی اش و وضع کشاورزی و وضع های دیگرش، آن روز است که آنها به مقاصد خودشان می توانند برسند. الان که می بینید که همه با ما مخالف هستند، برای اینکه شماها می خواهید اسلامی عمل بکنید، کشور شما می خواهد اسلامی عمل بکند و آنها این را مخالف با مقاصد خودشان می دانند. ۱۴۸

باید معتقد به تمام اصول اسلام بود

من نسبت به انجمن های اسلامی همه کشور ، اعم از انجمن های اسلامی دبیرستان های سراسر کشور یا سایر انجمن های اسلامی که در همه جا بحمدالله تحقق پیدا کرده است ، چند کلمه ای صحبت دارم یکی اینکه این نامگذاری ، که انجمن اسلامی در هر جا باشد ، این یک تعهدی است از طرف انجمن ها نسبت به اسلام و آن تعهد اسلامی بودن و اسلامی کردن است فقط اسم نیست که گروهی دور هم جمع بشوند و اسم خودشان را انجمن اسلامی بگذارند ، این یک تعهد است که شما برای خاطر اسلام در سرتاسر کشور و در تمام جاهائی که در آنجا از اسلام هست همه چیز ، شما متعهدید که اسلامی باشید و اسلام را در آنجاها که هستید پیاده کنید . پس شما دو تعهد دارید یکی اسلامی بودن خودتان ، یکی اسلامی کردن آنجائی که این انجمن ها در آنجا هست . . . اسلام ابعاد مختلفی دارد که اگر یک نفر یا یک جمع بخواهند واقعا مسلم باشند ، باید تمام ابعاد را در نظر بگیرند . اسلام یک بعد ، بعد عقائد است ، عقائد اسلامی . باید انجمن های اسلامی عقائد اسلامی را داشته باشند ، اینطور نباشد که یک فرد یا افرادی پایبند به عقائد اسلامی نباشند و انجمن اسلامی درست کرده باشند . اگر معتقد به تمام اصول اسلام نباشند ، اینها نمی توانند انجمن اسلامی تشکیل بدهند یا اسلام را بخواهند پیاده بکنند . و یک بعد دیگر ، اخلاق اسلامی است . چه بسا اشخاصی عقائد اسلامی را به حسب واقع هم تا حدودی دارند لکن اخلاق اسلامی را ندارند . آن چیزی که مهم است برای شما که انجمن اسلامی تشکیل می دهید و خصوصا برای شما حاضرین که انجمن های اسلامی دبیرستان ها را متکفل هستید و دوستان شما متکفل هستند ، این یک امر بسیار مهمی است که شما عهده دار شدید . و باید شما از خودتان شروع کنید و خودتان را به اخلاق اسلامی آرایش بدهید و از اخلاقی که برخلاف اسلام است ، تحرز کنید ، برای اینکه شما می خواهید در دبیرستان هائی که هستید اسلام را در آنجا پیاده کنید ، نمی خواهید که فقط یک اسمی باشد که دیگران چون انجمن دارند پس ما هم انجمن داشته باشیم . شما می خواهید که اسلام را در دبیرستان ها ، که بسیار اهمیت دارد پیاده کنید و این تابع این است که خود شما هم عقائد اسلامی تان صحیح باشد و هم اخلاق اسلامی داشته باشید . چنانچه یکی از بعدهای دیگر ، اعمال اسلامی است ، تعهد به ظواهر اسلام ، به اوامر و نواهی اسلام و عمل کردن به احکام اسلام است . اگر چنانچه آن جمعیتی که تشکیل انجمن اسلامی دادند خدای نخواستہ در اعمال ، انحرافی داشته باشند ، اینها نمی توانند بگویند که ما انجمن اسلامی هستیم و آمدیم که اسلام را در اینجا که هستیم پیاده بکنیم . اول باید از خودتان شروع کنید هر کسی از خودش باید شروع کند و عقائد و اخلاق و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد و بعد از اینکه خودش را اصلاح کرد ، آنوقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند . ۱۴۹

باید مراکز ما آثار و علائم اسلامی داشته باشد

ما بخواهیم یک جمهوری اسلامی در ایران محقق بشود ، همین که ما بگوئیم جمهوری اسلامی ، رای بدهیم به جمهوری اسلامی ، کار تمام نیست ، باید دستگاه های اطلاعاتیش ، روزنامه هایش ، رادیو ، تلویزیون ، ادارات ، تمام مراکز دولتی و تمام مراکز ملی ، بازار ، در صحرا ، در داخل ، در کارخانه ها ، باید طوری بشود که هر کسی وارد اینجا شد ، خودش را احساس کند که وارد شده است در یک دستگاهی که از اسلام آنجا خبر هست ، اثر هست از اسلام ، باید قدم اسلام در همه این دستگاه ها باشد و آن چیزهائی که برخلاف موازین اسلامی است ، برخلاف جمهوری اسلامی است که همه بر خلاف مصالح ملت است ، اگر باشد ، اینها باید از بین برود . مثلا در تلویزیون یک قضایا ، قضایای فیلم هاست ، این فیلم ها باید یک فیلمهای آموزنده باشد فیلمهائی که وقتی نگاه کنند جوان های ما ، منحرف بشوند ، اینها را باید از آن احتراز کرد . اگر چنانچه یک وقتی اشخاصی در آنجا باشند که بخواهند یک همچو اعمالی را انجام بدهند ، اگر نصیحت می شود بکنید ، نصیحت کنید اگر نه تصفیه باید بشود . یک مسؤ ولت بزرگی است مسؤ ولت شما ، و آن این است که یا این جمهوری اسلامی را به جلو می رانید به واسطه تبلیغاتتان ، به واسطه نمایش هائی که در آنجا داده می شود ، فیلم هائی که در آنجا داده می شود و یا به عقب می رانید ، این خیلی مسؤ ولت بزرگی است ما تا

بخواهیم این کارکن های هر جا را ، کارمندهای هر جا را ، تا بخواهیم که به آنها بفهمانیم که ما نباید همه چیزمان تقلید از غرب باشد ، این طولانی است اینها گمان می کنند که وقتی که در رادیو تلویزیون مثلا آمریکا یک جوری بود ، انگلستان یک طوری بود ، ما هم باید از آنها تقلید بکنیم ، هر چه آنها کردند ، ما بکنیم چنانچه این یک مسأله ای است که تقریبا ما مواجه با آن هستیم و در همه جا که گمان می کنند که باید فرم ممالک ما هم ، فرم آنها باشد تا ما بخواهیم این فرم را تغییر بدهیم و بفهمانیم به همه قشرها که نباید اینطور باشد و ما خودمان باید در افکارمان ، در آراء مان مستقل باشیم ، این طولانی است . ۱۵۰

جمهوری اسلامی باید محتوایش اسلامی باشد

الان شما موظفید که همه این کسانی که در این کارها هستند و راس کار هستند در تلویزیون (البته بنگاه بزرگی است) مراقبت کنید که یک اشخاصی که متعهد باشند به اسلام و معتقد به جمهوری اسلامی باشند و بدانند که جمهوری اسلامی یعنی چه ، محتوایش باید اسلامی باشد ، باید آنها را در راس کارها قرار بدهید در سرتاسر ایران ، در همه جا و برنامه هایتان ، آنهایی که گفتنی است گویند گانی پیدا بکنید و خیلی ها حاضرند که بیایند آنجا صحبت بکنند از اشخاص فاضل و دانشمند ، از علما و اشخاص منورالفکر ، اشخاص هر طبقه ای بیایند صحبت بکنند و از آنها استفاده بکنید و باید هم این کار بشود . و آنچه راجع به دیدنی هاست و فیلمهاست توجه کنید که فیلم ها یک فیلمهای انحرافی نباشد ، فیلمهایی نباشد که مثلا فرض کنید که یک منظره هائی که سابقا بود و انحرافات برای جوان های ما ایجاد میکرد ، نباشد ما اگر این جوان هایمان را و این بچه هایمان را ، حتی آنچه که برای بچه ها نمایش داده می شود باید یک جوری باشد که این بچه از اول یک طوری بار بیاید که مستقل باشد در فکر ، مستقیم باشد و متعهد بار بیاید و همین طور فیلم های بالاتر باید خیلی توجه به آن بشود که رسیدگی بکنید ، نظارت بکنید ، نگذارید دست اشخاصی که متعهد نیستند . اگر پیدا شدند اشخاص ، باید به آنها حالی کنید ، اگر نمی شود ، تصفیه کنید و این یک امر ضروری و لازم است . ۱۵۱

خودتان را مقید و متعهد به اسلام بدانید

آن چیزی که راجع به برادرهایی که از خارج این جا هستند و همه برادرهایی که در خارج کشور خدمت می کنند عرض می کنم این است که باید همه شماها در هر جا هستید خودتان را مقید و متعهد به اسلام بدانید ، تحت تاءثیر محیط آن جا واقع نشوید . خوب ! کسی که وارد می شود در یک سفارتخانه ای در خارج ، ببیند که وارد شد در یک محیط اسلامی ، در یک محیط انسانی ، این طور نباشد که خدای نخواسته در آن جا از آن چیزهایی که در سابق بود چیزی باقی مانده باشد . اگر آن چیزهایی که در دوران سابق بود ، در دوران طاغوت بود ، در آن جا هست ، جدیت کنید که بکلی پاکسازی بشود و امیدوارم شده باشد تاکنون . بنابراین وقتی ما می توانیم در مقابل همه دنیا بایستیم بگوییم ما نه طرف مغضوب علیهم می رویم ، نه طرف ضالین ، نه طرف غرب می رویم ، نه طرف شرق می رویم ، وقتی ما می توانیم این طور باشیم و به صراط مستقیم عمل بکنیم که همه مان با هم باشیم ، همه ید واحد باشیم ، همان طوری که اسلام دستور داده ، همه یک صدا باشیم کانه یک حلقوم است که صدا می کند ، همه با هم مجتمع باشیم ، سستی نکنیم . ۱۵۲

باید حدود و ثغور اسلامی را حفظ کنیم

اگر پاسدارهای اسلامی ما پاسداری از خودشان هم بکنند که در این خدمتی که هستند یک خدمت صادقانه ، یک خدمت عاشقانه برای اسلام و یک خدمتی که مستقیم در راه اسلام باشد ، اگر بکنند ، اینها پاسداری را حقش را عمل کردند و اگر خدای نخواسته

یک انحرافی حاصل بشود، یک تعدی از طرف آنهائی که میگویند ما پاسدار اسلام هستیم، به برادرانشان بشود، حالائی که قدرتمند هستند و قوی هستند و آزاد هستند، از این قدرت و قوه و آزادی سوء استفاده کنند، به برادرهای خودشان خدای نخواستہ تعدی کنند، به منازل مردم تعدی خدای نخواستہ بکنند، آنوقت نه اینکه یک آدم عادی این کار را کرده است (آن آدم عادی هم مجرم است) لکن یک جمعیتی است که به اسم پاسدارهای جمهوری اسلامی هستند و ملبس به لباس پاسداران جمهوری اسلامی هستند، اگر خدای نخواستہ از پاسدارهای جنود اسلامی، پاسدارهای جمهوری اسلامی یک اشتباه و خطائی حاصل بشود، این فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل شود، برای اینکه اینها خودشان را معرفی می کنند که ما جنود اسلام هستیم، ما پاسدار اسلام هستیم و همه توقع از پاسدارهای اسلام دارند که روی خط اسلام مشق کنند، کارهایشان کارهای اسلامی باشد. همانطوری که در طبقه روحانیون که آنها پاسدار اسلام و احکام اسلام هستند اگر خدای نخواستہ یک ملبس به لباس روحانیون یک کار خلاف بکند، این فرق دارد با اشخاص عادی، برای اینکه اینها پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانیت هستند، ملبس به لباس پاسداری از قرآن و سنت هستند اگر خدای نخواستہ از اینها یک وقت اشتباه، خطائی حاصل بشود فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل بشود و لهذا شما جوان ها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه تان زیاد است و شغلتان شریف. شغل، شغل شریف برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریف است و مسوولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنیم این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم، ما هم بگوئیم ما روحانی هستیم، شما هم بگوئید ما پاسدار و خدای نخواستہ به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یک وقت خدای نخواستہ نکنیم. باید همانطوری که مدعی هستیم - ما - که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم، باید خودمان ابتداء مرزمان همان مرز اسلام باشد، راه مان همان راه مستقیم اسلام باشد تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود. اگر فرض بفرمائید که مردم هم مطلع نشوند که ما برخلاف داریم عمل می کنیم، خدا که می داند، در محضر خداست. در پیشگاه خدا ما نمی توانیم آنوقت ادعا کنیم که ما پاسدار هستیم، برای اینکه ما که خودمان بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ عمل بکنیم، بعد بخواهیم ادعا کنیم که ما نگهبان اسلام هستیم، کسی که خودش بر خلاف اسلام عمل می کند نمی تواند بگوید من نگهبان هستم، یک کسی که خودش دزد است نمی تواند بگوید من نگهبان هستم، من پاسبان هستم. پاسبان وقتی دزد باشد، پاسبان نیست، دزد است. پاسدار خدای نخواستہ اگر برخلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست، این یک آدمی است که برخلاف اسلام است. ۱۵۳

جمهوری اسلامی باید محتوایش تحقق پیدا کند

ارتش اساس یک مملکت است، حافظ یک مملکت است و اگر ارتش، اسلامی و فکرش اسلامی بشود، مملکت را به کمال مطلوب می رساند. شما حافظ حدود کشور هستید و کسی که حافظ حدود کشور اسلامی است باید خودش هم اسلامی باشد. باید در پادگان های شما اسلام حکومت کند، باید شما اسلامی باشید. باید تمام نیروهائی که هست، چه نیروهای نظامی و چه نیروهای دیگر، همه باید اسلامی بشوند. جمهوری اسلامی باید محتوایش...تحقق پیدا بکند و اگر محتوا تحقق پیدا بکند، دیگر دست همه اجانب از شما کوتاه است. ۱۵۴ مسلمین هم در عین حالی که همه سران دول اسلامی ادعای اسلامیت می کنند، ادعای پیروی از پیغمبر اسلام می کنند، در عین حال می بینید که هیچ شباهتی ما بین سران آنها با اسلام، هیچ شباهتی نیست، هیچ ارتباطی نیست. ادعا زیاد است، ادعاها هست ما پیرویم ولی پیروی در مقام عمل. سیره پیغمبر چی بوده است، سیره شماها چی است؟ پیغمبر در بین بشر چه جور زندگی کرده است، شما در بین بشر چه جور زندگی می کنید؟ پیغمبر با مردم مظلوم چه جور بوده، شما با مردم مظلوم چه هستید؟ پیغمبر با طاغوت ها چه جور بوده و شما علاوه بر اینکه خودتان طاغوتچه هستید با طاغوت ها

چطور هستید؟ پیغمبر با مستضعفین عالم چه وضع داشته و شما چه وضع دارید؟ پیغمبر وضع زندگی ظاهریش چی بوده و شما چه هستید و چه دارید؟ مجرد اینکه من بگویم من تابعم که درست نمی شود مطلب. سران دولت های اسلام همه اینطور هستند. پیغمبر می گوید مسلمین! با هم مجتمع باشید، شما متفرق می کنید. قرآن می گوید واعتصموا بحبل الله جميعا ۱۵۵ شما چسبیدید به حبل آمریکا و شوروی. ادعاها زیاد است. من نمی گویم که ماها که حالا- در ایران هستیم ما هم تابع هستیم به آن معنا، ما ادعایمان این است که میل داریم تابع بشویم، در خط این هستیم که تبعیت نکنیم. شما که می گوید تابع هستید، که، قرآن خدا می گوید که با اینها یک طور نباشید والذین كفروا اولیائهم الطاغوت خوب، شما اولیاءتان کی هست الان؟ با کی ارتباط دارید الان؟ خوب، یک دسته با آن طرف ارتباط دارید، یک دسته با آن طرف، ایران هم که می خواهد با هیچ کس نباشد، شما به فشارش می گذارید، فشار به اینکه چرا آن طرف نیست یا چرا آن طرف نیستی. ۱۵۶

ملتی که برای خدا و اسلام قیام کرده است سرد نمی شود

ملتی که برای خدا و اسلام قیام کرده است، این ملت تا اسلام هست به جای خودش ایستاده است و خدمت می کند. این ملت برای دنیا قیام نکرده است که اگر چنانچه جوانش گرفته شد رو برگرداند. این ملت قیامش نظیر قیام انبیا و قیام ائمه هدی است، نظیر قیام حضرت ابی عبدالله سیدالشهداست. ملتی که انگیزه قیامش اسلام و ایمان است، به اینطور امور سرد و سست نمی شود. همه قدرت های عالم هم که بر ضدش قیام بکنند و قیام کرده اند، اینها را از مقصد خودشان و انگیزه خودشان نخواهند برگرداند.

۱۵۷

۷- اشاعه معنویت و اقامه عدالت

انبیاء برای خدمت های معنوی و اقامه عدل مبعوث شده اند

لازم است به رهبر محترم آتیه یا شورای رهبری تذکری برادرانه و مخلصانه بدهم. رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای نخواست به غرور و بزرگ اندیشی خود وادارد آن همان است که مولای ما علی ابن ابیطالب درباره آن گوشزد فرموده است. اساسا انبیاء خدا صلوٰه الله و سلامه علیهم مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی. ۱۵۸

باید تلاش کرد که فتنه از عالم برداشته شود

باید کسانی که تبعیت از قرآن می کنند، در نظر داشته باشند که باید تا آن جایی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا این که فتنه از عالم برداشته بشود. این، یک رحمتی است برای عالم و یک رحمتی است برای هر ملتی، در آن محیطی که هست. جنگ های پیغمبر، رحمت بوده است بر عالم و رحمت بوده است حتی بر کفاری که با آنها جنگ می کرده است. رحمت بر عالم است، برای این که فتنه در عالم اگر نباشد، همه عالم در آسایش اند. اگر چنانچه آنهایی که مستکبر هستند، با جنگ سر جای خودشان بنشینند، این رحمت است بر آن امتی که آن مستکبر بر او غلبه کرده است. بر خود مستکبر رحمت است، برای این که اساس عذاب الهی بر اعمال ماست. هر عملی که از ما صادر می شود، در آن عالم یک صورت دارد، رد بر انسان می شود. این طور نیست که عذاب آخرت شبیه عذاب های دنیایی باشد که مامورین بیابند، بکشندش و ببرندش و از باطن خود - ذات انسان -

آتش طلوع می کند. اساس جهنم، انسان است و هر عملی که از انسان صادر می شود، بر شدت و مدت عمل، بر شدت و مدت عذاب می افزاید. اگر چنانچه یک کافری را سر خود بگذارند تا آخر عمر فساد بکند، آن شدت آن عذابی که برای او پیدا می کند، بسیار بالاتر است از آن کسی که جلوی او را بگیرند و همین حال بکشندش. اگر یک نفر فاسد که مشغول فساد است بگیرند و بکشند، به صلاح خودش است، برای این که این اگر زنده بماند فساد زیادتر می کند و فساد که زیادتر کرد، عمل چون ریشه عذاب است، عذابش در آن جا زیادتر می شود. این یک جراحی است برای اصلاح، حتی اصلاح آن کسی که کشته می شود. یک کسی که دارد یک زهر کشنده را به خیال این که یک شربت است، می خواهد بخورد، اگر چنانچه جلوی او را شما بگیرید و با فشار و زور و کتک از دستش بگیرید، یک رحمتی بر او کردید ولو او خیال می کند که طعمه او را از دستش گرفتید و یک زحمتی برایش ایجاد کردید. لکن خیر، این جور نیست. اگر امروز، این سران استکباری بمیرند، برای خودشان بهتر است از این که ده سال دیگر بمیرند. اگر امروز، یک کسی که فساد در ارض می کند کشته بشود، برای خودش رحمتی است، به خیال این که به صورت یک تاءدیب، نه این است که این یک چیزی باشد که برخلاف رحمت باشد. پیغمبر، رحمه للعالمین است و تمام جنگ هایی که او کرده است، دعوت هایی که او کرده است، همه اش رحمت است. این که می فرماید که قاتلوه هم حتی لاتکون فتنه بزرگترین رحمت است بر بشر. آنهایی که خیال می کنند که این آسایش دنیایی رحمت است و بودن در دنیا و خوردن و خوابیدن حیوانی رحمت است، آنها می گویند که اسلام چون رحمت است، نباید حدود داشته باشد، نباید قصاص داشته باشد، نباید آدمکشی بکند. ۱۵۹

جنگ ها، صلح ها و عدالت اجتماعی در نظر انبیاء برای توسعه معرفت است

آنهایی که ریشه عذاب را می دانند، آنهایی که معرفت دارند که مسائل عذاب آخرت وضعش چی است، آنها می دانند که حتی برای این آدمی که دستش را می برند برای این کاری که کرده است، این یک رحمتی است. رحمتش در آن طرف ظاهر می شود برای آن کسی که فسادکن است، اگر او را از بین ببرند یک رحمتی است بر او. این طور نیست که این جنگ های پیغمبر مخالف با رحمه للعالمین - داشته - باشد، موکد رحمه للعالمین است. العجنه تحت ظلال السیوف، ممکن است یک معنایش هم این باشد که اشخاصی که در این جنگ ها هم کشته می شوند، باز هم به آن مرتبه از عذابی که باید برسند، نمی رسند و ممکن است که یک مرتبه رحمتی برای آنها باشد. بنابراین، قرآن و کتاب الهی یک سفره گسترده ای است که همه از آن استفاده می کنند، منتها هر کس به وضعی استفاده می کند و عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می کردند، برای این که معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند. جنگ ها برای این است، صلح ها برای این است و عدالت اجتماعی، غایتش برای این است. این طور نیست که دنیا تحت نظر آنها بوده است که می خواستند فقط دنیا اصلاح بشود. همه را می خواهند اصلاح بکنند. ۱۶۰

دعوت خداوند از مردم برای جنگ جهت توسعه رحمت است

آن مذهبی که جنگ درش نیست، ناقص است اگر باشد. و من گمانم این است که حضرت عیسی سلام الله علیه، اگر به او مهلت می دادند، همین ترتیبی که حضرت موسی سلام الله علیه عمل می کرد، همان طوری که حضرت نوح سلام الله علیه عمل می کرد، آن هم با کفار آن طور عمل می کرد. این اشخاصی که گمان می کنند که حضرت عیسی اصلا سر این کارها را نداشته است و فقط یک ناصح بوده، اینها به نبوت حضرت عیسی (علیه السلام) لطمه وارد می کنند. - معلوم می شود. - اگر این طور باشد، معلوم می شود که یک واعظی بوده، نه یک نبی ای بوده است. واعظ غیر نبی است. نبی، همه چیز دارد، شمشیر دارد، نبی

جنگ دارد، نبی صلح دارد، یعنی، جنگ اساسش نیست، برای این که اصلاح را در دنیا توسعه بدهد، برای این که مردم را نجات بدهد جنگ می کند. برای این که مردم را از شر خودشان نجات بدهد، حدود را، تعزیرات را وضع کرده است، برای این که هم تربیت بشود این آدم و هم راحت بشود امت. اگر امروز ما جنگ می کنیم و جوان های ما می گویند: جنگ تا پیروزی، این طور نیست که اینها یک امری برخلاف قرآن می گویند. این یک ذره ای است، یک رشحه ای است از آنچه قرآن می گوید. آنی که قرآن می گوید، بیشتر از این حرف هاست. این که ما می گوئیم، به اندازه حدود خودمان می گوئیم. ما چون امروز - با فرض کنید که - صدام یا با کسانی که مؤید صدام هستند جنگ داریم، در این محیط ناقص می گوئیم که جنگ جنگ تا پیروزی. خدای تبارک و تعالی چون نظرش به اول و آخر است - تا آخر نظر دارد - می گوید که جنگ تا رفع فتنه، رفع فتنه است، یعنی، اگر ما پیروز هم بشویم یک کمی فتنه را کم کردیم، اگر ما به جای دیگر هم پیروز بشویم، باز یک جای کمی - را - پیروزی حاصل شده است. اگر همه دنیا را هم ما فرض کنید که جنگ بکنیم و پیروز بشویم، باز همه دنیای عصر خودمان را پیروزی درست کردیم. و قرآن این را نمی گوید، قرآن می گوید: جنگ تا رفع فتنه، باید رفع فتنه از عالم بشود. بنابراین غلط فهمی است از قرآن که کسی خیال کند که قرآن نگفته است جنگ جنگ تا پیروزی. قرآن گفته است، بالاتر از این را گفته، اسلام هم گفته است و بالاتر از این را گفته است. و رحمت است این، نه این است که نعمتی بر مردم است، یک رحمتی است بر تمام بشر، که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است، نه این که خدای تبارک و تعالی می خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند، می خواهد رحمت درست کند، توسعه رحمت می خواهد عنایت کند. ۱۶۱

انبیاء برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را شکوفا کنند

انبیاء هم که مبعوث شدند، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آن مردم را، ضعفها را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند. از اول انبیا این دو شغل را داشته اند، شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند، از اسارت خودش خارج کنند (که شیطان بزرگ است) و مردم و ضعفها را از گیر ستمگران نجات بدهند. این دو شغل، شغل انبیاست. وقتی انسان حضرت موسی را، حضرت ابراهیم را ملاحظه می کند و چیزهایی که از اینها در قرآن نقل شده است، می بیند که اینها همین دو سمت را داشتند، یکی دعوت مردم به توحید و یکی نجات بیچاره ها از تحت ستم. اگر در تعلیمات حضرت عیسی سلام الله علیه در این امر کم است حضرت عیسی کم عمر کرد و کم تماس پیدا کرد با مردم، و الا شیوه او هم همان شیوه حضرت موسی است و همه انبیا. و بالاترین آنها که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است این دو شیوه را به عیان در قرآن و سنت در عمل خود رسول الله می بینیم. قرآن دعوت به معنویات الی حدی که بشر می تواند به او برسد و فوق او و بعد هم اقامه عدل. پیغمبر هم و سایر کسانی که لسان وحی بودند، آنها هم این دو رویه را داشتند. ۱۶۲

حکومت اسلام در عین حالی که معنویت را تصحیح می کند باید اقامه عدل کند

خود پیغمبر هم عملش اینطور بود، تا آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود، معنویات را تقویت می کرد. به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل بدهد علاوه بر معنویات اقامه عدل کرد، حکومت تشکیل داد و این مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آنقدر که اقتضا داشت وقت، نجات داد. و این سیره مستمره انبیا باید کسانی که خودشان را تابع انبیا می دانند این سیره مستمره باقی باشد. هم جهات معنوی که اشخاصی که با معنویات آشنا هستند، آنها باید تقویت بکنند و همه مردم را، خود مردم هم همین طور، جهات معنویات را تقویت بکنند و هم آن مسأله دوم که اقامه عدل است. حکومت اسلام باید اقامه عدل بکند در عین حالی

که معنویات را تصحیح می کند و ترویج می کند . و ما اگر تابع اسلام هستیم و تابع انبیاء هستیم این سیره مستمره انبیا بوده است و اگر تا ابد هم فرض کنید انبیا بیایند باز همین است ، باز جهات معنوی بشر تا آن اندازه ای که بشر لایق است ، ادامه اقامه عدل در بین بشر و کوتاه کردن دست ستمکاران . و ما باید این دو امر را تقویت کنیم . ۱۶۳

همه باید در تقویت معنویات و اقامه عدل ، مشارکت کنند

ما باید دولت اسلامی را ، همه مردم ، همه انسان ها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد ، یعنی چون تابع اسلام است باید روی رویه اسلام باشد . روی رویه اسلام به همان دو معنا ، به همان دو راهی که اسلام دارد ، حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بین شان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان . حالا این فرق نمی کند چه مظلومانی باشند که از دولت ها ظلم می کشند یا مظلومانی باشند که از ارباب ها ظلم می کشند . اسلام برای این دو جهت آمده است و ما تابع اسلامیم و باید این دو جهت را حفظ کنیم . مقررات اسلامی را به حد اعلای خودش که اگر مقررات اسلامی به حد اعلای خودش حفظ بشود ، این دو مقصد که مقصد همه انبیا است تحقق پیدا می کند ، مقصد روحانیت مردم و مقصد اقامه عدل در بین جامعه . و باید از آن کسی که در رءس واقع هست تا آن اشخاصی که قوای ثلاثه را تشکیل می دهند و چه آن اشخاصی که در خارج از اینها هستند لکن تعهد به اسلام دارند ، باید اینها همه با هم این بار را بردارند ، اختلاف بین شان نباید باشد . مقصد واحد است و همه باید در این مقصد واحد شرکت کنند . ملت باید در این مقصد شرکت کند ، دولت باید در این مقصد شرکت کند ، مجلس و قوه قضائیه در این مقصد باید همه شرکت کنند ، علمای بلاد هر جا هستند در این مقصد باید شرکت کنند . ۱۶۴

انقلاب ما متکی به معنویات و خداست

و آنهایی که با ما موافقت آنهاست هستند که با خط توحیدی موافقتند . ما باید خط معنویتی را که برای آن انقلاب کردیم فراموش نکنیم ، همان خط معنویتی که با تمام بی عرضگی هائی که در تبلیغ نمودیم باز مردم دنیا متوجه انقلابمان شدند . و این خط معنویت است که زورگویان با آن مخالفند . متوجه باشید که در هر جا زورمندان و دولت ها با ما مخالف باشند ملت ها با ما موافقتند . باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد و باید به فکر مردم بود ، نه دولت ها . زیرا مردم و توده ها با حق موافقتند چون زیر بار ستم بوده اند و نمی خواهند تحت سلطه آمریکا و شوروی باشند . ما در جهت تبلیغات تقریباً صفر بوده ایم . باید علاوه بر سفرهای رسمی ، سفرهای غیررسمی هم بنمائیم تا دنیا را بیدار کنیم . اگر بخواهیم انقلاب را صادر کنیم باید کاری کنیم که مردم خودشان حکومت را به دست گیرند تا مردم به اصطلاح طبقه سه روی کار بیایند . تنها در سفرهای غیر رسمی است که درست می توانید با مردم عادی کوچه و بازار تماس بگیرید و آنها را روشن کنید . بودن شما که یال و کوپال ندارید ، در میان مردم هم جالبتر است و هم شما بهتر می توانید تبلیغ کنید . امروز مملکت مال خودتان است و امیدوارم با همت یکدیگر محفوظ بماند . ۱۶۵

طبع کاخ نشینی با تربیت صحیح منافات دارد

طبع کاخ نشینی منافات دارد با تربیت صحیح ، منافات دارد با اختراع و تصنیف و تالیف و زحمت . اگر در سرتاسر دنیا هم بخواهید گردش کنید و پیدا کنید ، اگر موفق بشوید ، یکی دو تا و چندتا است . تمام مصنفین از این کوخ نشینان بودند تقریباً و تمام مخترعین از همین کوخ نشینان بودند تقریباً ما وقتی که در مذهب خودمان ملاحظه میکنیم که فقه ما آنطور غنی است و فلسفه ما آنطور غنی است ، آن اشخاصی که این فقه را به این غنا رساندند و آن اشخاص که این فلسفه را به این غنا رساندند کاخ نشینان

نبودند، کوخ نشینان بودند. (شیخ طوسی) که مبدا این امور و ارزنده ترین اشخاص در جامعه تشیع بوده است یک کاخ نشین نبوده است، اگر کاخ نشین بود نمی توانست این کتبی که تحویل جامعه داده است و این شاگردهایی که تحویل جامعه داده است تحویل بدهد. در قشر مرفه نمی شود یک همچو کاری انجام بگیرد وقتی که در متاخرین از علما ملاحظه می کنیم می بینیم که صاحب (جوهر) یک همچو کتابی نوشته است که اگر صد نفر انسان بخواهند بنویسند شاید از عهده برنایند و این کاخ نشین نبوده - یک منزل - آنطور که نقل می کنند در آنوقتی که ایشان این کتاب را نوشته اند سرداب در نجف نبوده، سرداب را (شیخ انصاری) از ایران برای نجف سوغات برده، یک منزل محقر داشتند و در یک اتاق شان باز بوده به یک دالانی - از قراری که نقل می کنند - که در آن هوای گرم نجف یک نسیمی، نسیم داغی می آمده است و ایشان مشغول تحریر جوهر بودند. از یک آدمی که علاقه به شکم و شهوات و مال و منال و جاه و امثال اینها دارد این کارها نمی آید، طبع قضیه این است که نتواند زندگی (شیخ انصاری) را همه شنیده یعنی بسیاری شنیده آید چه وضعی داشته است در زهد اگر نبود آن وضع، نمیتوانست آن شاگردهای بزرگی را تربیت کند و نمی توانست آن کتاب های ارزنده را تحویل جامعه بدهد. ۱۶۶

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدایم

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدایم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آنطوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ نشینی به پایین بکشید، خود کاخ نشینی این خوی را می آورد، ممکن است که در بین آنها هم کسی پیدا بشود لکن نادر است. توجه کنید که - مبدا - این ملتی که الان کوخ نشینانش مشغول فعالیت هستند و مشغول به زحمت هستند در جبهه ها و پشت جبهه ها، این کوخ نشینان را زحمت بکشید که به همین حال خوی کوخ نشینی و خوی اینکه توجه به کاخ ها نداشته باشند نگه دارید تا بتوانید ادامه بدهید زندگی صحیح اسلامی را. آن خوی کاخ نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است لکن خود او، این خوی را دنبال دارد. کسی که تمام توجهش به دامداری است او نمی تواند آدم بشود، کسی که تمام توجهش به باغداری است او نمی تواند یک انسان مفید واقع بشود. آنهایی که دامداریشان مفید است برای جامعه، آنها توجه به دامداری ندارند، آنهایی که دامداریشان برای حفظ جامعه است آنها جزء همان کوخ نشینانند و آنهایی که باغداریشان برای حفظ جامعه است آنها هم اینطور، لکن وقتی خوی زمینخواری و باغداری و کاخ نشینی در بین مردم باشد، این اسباب این می شود که انحطاط اخلاقی پیدا بشود. ۱۶۷

اکثر این خوی های فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است

اکثر این خوی های فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است و شما امروز در جامعه خودتان وقتی ملاحظه بکنید، در جامعه اهل علم - عرض می کنم که - مدرسه نشین ها، اینها که زحمت می کشند و کار برای این جمهوری اسلامی می کنند، اینها همین کوخ نشین هایند. حجره های مدرسه را بروند ببینند که چی است وضعیت و فعالیت شان چیست، منزل علمای اسلام را بروند ببینند چی است وضعیت و کارشان چی است، منزل مدرسین جامعه های ما را بروند ملاحظه کنند ببینند که منازلشان چی هست و کارشان چی است. و ما بحمدالله امروز همه دست اندرکارهایمان کاخ نشین نیستند، دولت ما یک دولت کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشین

ها خیلی صدمه خوردیم ، مجلس های ما مملو از کاخ نشین بود و در بینشان معدودی بودند که از آن کوخ نشین ها بودند و همین معدودی که از کوخ نشین ها بودند از خیلی از انحرافات جلو می گرفتند و سعی می کردند برای جلوگیری . آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشند چطور و زرق و برق دنیا خدای نخواستہ در آنها تاثیر بکند ، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم . ۱۶۸

تا معنویات محفوظ است ، جمهوری اسلامی محفوظ است

مادامی که این ملت ، این حالی که الان دارند که توجه به معنویات تا یک حدودی و این جوان های ما توجه به معنویات دارند و این تحول عظیم پیدا شده است در آنها که شهادت را با جان و دل میخرند ، مادامی که این محفوظ است ، این جمهوری اسلامی محفوظ است و هیچ کس نمی تواند به او تعدی کند . آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا بشود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان باشد ، آن روز است که ابرقدرت ها می توانند در ما تاثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند . همیشه این کشور به واسطه این کاخ نشین ها تباهی داشته است . این سلاطین جور که همه کاخ نشین تقریباً بودند ، اینها به فکر مردم نمی توانستند باشند ، احساس نمی توانستند بکنند فقر یعنی چه ، احساس نمی توانستند بکنند بی خانمان یعنی چه ، اینها اصلاً احساس این را نمی توانستند بکنند وقتی که کسی احساس نکند که فقر معنایش چی است ، گرسنگی معنایش چی است ، این نمیتواند به فکر گشنه ها و به فکر مستمندان باشد . لکن آنهایی که در بین همین جامعه بزرگ شده اند و احساس کردند فقر چی است ، دیدند ، چشیدند فقر را ، احساس می کردند ، ملموس شان بوده است که فقر یعنی چه ، اینها می توانند به حال فقرا برسند کوشش کنیم که این وضعیت در همه ما محفوظ باشد ، در مجلس ما ، در ارگان های دولتی ما ، در مجاهدین ما ، در ارتش ما ، در قوای مسلحه ، در قوای قضائیه باید این معنویت محفوظ بماند ، توجه به خدا محفوظ بماند . ۱۶۹

اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیت سالم ، کشور شما سالم می ماند

اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم و دعوت کنید به این که با خدا آشنا بشوند ، با معارف الهی آشنا بشوند ، با قرآن آشنا بشوند ، اگر این طور شد ، کشور شما سالم می ماند و به سایر جاها هم سرایت می کند قهری است این . الان هم ملاحظه می کنید که این مقداری که الان در دنیا سروصدا بلند است ، منتها یک دسته سروصدا می کنند برای بازی دادن مردم و اظهار اسلام می کنند ، اظهار این که باید قوانین اسلامی بشود بکنند ، یک دسته هم واقعا مسلمان و دنبال این که اسلام باید باشد ، این برای همین موجی است که از این جا بلند شده است و شما ملت اسلام این موج را راه انداختید . و امیدوار باشید به این که خدا با شماست و شما مادامی که قدر بدانید از نعمت الهی ، نعمت هایی که خدا به شما داده است ، این نعمت وحدتی که به شما داده است ، این نعمت انقلابی که به شما داده است ، این جوان هایی که به شما داده است ، انقلابی که / الان / در جبهه ها ، الان هم مشغول به خدمت هستند ، این اساتیدی که به شما داده است ، همه اینها قدردانی می خواهد . ما باید همه را قدر بدانیم و از همه تشکر کنیم . و من از ملت ایران در همه مواردی که دارند عمل می کنند و در صحنه هستند ، تشکر می کنم و به همه دعا می کنم . خداوند همه ملت های اسلامی را حفظ کند و به وظایف خودشان آشنا کند و ما را هم به وظایف خودمان آشنا کند که در این چند روزی که داریم آن طرف می رویم ، لااقل توجه به آن جا باشد ، اخلاص الی الارض نباشد . ۱۷۰

حکومت اسلامی است که انسان را رو به معنویات می برد

اسلام مثل حکومت های دیگر نیست ، اینطور نیست که اسلام فرقی با حکومت های دیگر این است که این عادل است و آنها غیر

عادل، خیر فرقه‌ها هست یکی اش همین است، فرقه‌های زیاد بین حکومت اسلام و بین اسلام هست و ما بین رژیم‌های دیگر، یکی از فرقه‌های هم این است که حکومت اسلام یک حکومت عادل است. آن اوصافی که در حاکم است چیست، آن اوصافی که در پلیس است چیست، آن اوصافی که در لشگری است چیست، آن اوصافی که در مثلاً سایر کارمندان دولتی است باید چه باشد، این یکی از فرقه‌هاست، یک فرق نازلی است و بالاتر از این آن چیزهایی است که انسان را رو به معنویت می‌برد. اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت، مهار کند. طبیعت را به همان معنایی که همه می‌گویند، آن هم می‌گویند اینجور نیست که به طبیعت کار نداشته باشد، تمدن را به درجه اعلاش اسلام قبول دارد و کوشش می‌کند برای تحققش و لهذا حکومت‌هایی که در اسلام بوده‌اند یک حکومت‌هایی بوده‌اند که همه جور تمدنی در آنها بوده است اما نظر به این نبوده است که در عین حالی که همان چیزهایی که در ممالک متمدن باشد، اسلام هم آنها را قبول دارد و کوشش هم برایش می‌کند، در عین حال آنها به این نگاه می‌کنند و همین است، او به این نگاه می‌کند که بکشدش طرف روحانیت، بکشدش طرف توحید. از این جهت فرق است مابین اسلام و غیراسلام، بین حکومت‌های اسلامی و حکومت‌های غیراسلامی، بین آن چیزی که مکتب اسلام آورده بامکتب‌های دیگر، مکتب‌های دیگر یک مکتب‌های ناقص هست که خودشان خیال می‌کنند خیلی کامل است لکن حدودش تا همین دیدی است که دارند، بیشتر از این نیست. ۱۷۱

انبیا می‌خواهند که انسان درست کنند

مکتب اسلام دیدش تا آخر است، طبیعت را به آن دنیا می‌گویند، در لسان انبیا دنیا یعنی خیلی پست، پس کلمه دنیا خیلی پست اسفل سافلین هم که در قرآن هست همین طبیعت است و آثار طبیعت، بالاتر است اعلی‌علین است، خدا می‌خواهد مردم را به اعلی‌علین برساند از اسفل سافلین بکشاندشان تا اعلی‌علین و این در غیر رژیم‌های انبیا جای دیگر اصلاً مطرح نیست. چکار دارند به اینکه مردم بشوند یک مردم الهی، به ما چه ربط دارد، اینجا خلاف نظم نکنند، اینجا کاری نکنند به حکومت ما ضرر بزند، هر چه می‌خواهند باشد. انبیا اینطور نیستند، انبیا به شما کار دارند، توی صندوقخانه هم که هستی به تو کار دارند. هیچ کس نیست، لکن حکم خدا هست دنبال شما. آنها می‌خواهند یک انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد، همانطوری که خیانت نمی‌کند در جلوت و در پیش مردم برای اینکه از مردم ملاحظه می‌کند، انبیا می‌خواهند که انسانی درست کنند که پیش مردمش و غیاب مردمش دیگر فرقی نباشد، هر درویش آدم باشد، وقتی که آدم شد، چه در خلوت آدم است، چه در بین مردم هم آدم است. نظرشان به این معنا هست و ما میلمان این است، آرزومان این است که یک همچو مکتبی در خارج بشود، تحقق پیدا کند، میل انبیا هم همین بوده است، میل همه ما این است که ما یک حکومتی داشته باشیم، همانجور حکومت‌هایی در صدر اسلام بود که عدالت بود، همه اش عدالت بود و زائد بر او آن مسائلی که در قرآن کریم و در اسلام هست آنها هم باشد. ۱۷۲ اسلام آمده که بشر را از ظلالت به راه مستقیم هدایت ببرد اسلام مال همه بشر است نه مال مسلمین، اسلام آمده است تا بشر را از ضلالت به راه مستقیم هدایت ببرد، و اسلام مثل مکتب‌های دیگر نیست که فقط برای یک حکومت مادی و دنیائی برنامه داشته باشد. تمام حکومت‌های بشری، تمام سیستم‌های غیر توحیدی برنامه شان همین است که در اینجا، در این دنیا یک کارهایی بکنند، آنهایی که فرض کنید خوب هم هستند یک نظم دنیایی ایجاد کنند، و اکثراً که منحرف هستند برای این کار می‌کنند که سلطه جوئی کنند و دیگران را تحت سلطه خودشان بیاورند و استثمار کنند. الان شما نمی‌توانید در تمام حکومت‌ها پیدا کنید. یک حکومتی که روی عدالت ولو در همین حیطه‌ای که خودش دارد روی عدالت رفتار کند، کم است، کم می‌توانید سراغ کنید یک حکومتی که حکومت عدل باشد ولو راجع به نظم دنیا، ادعا زیاد است، ادعای اینکه می‌خواهیم برای عدالت عمل بکنیم زیاد است. ۱۷۳

باید عملا و واقعا حکومت حضرت امیر (ع) را الگو قرار داد

و ما در این روز، این روز مبارک که از اعیاد بزرگ اسلام است و بر حسب نفوس ما بالاترین عید است و نکته اش هم این است که این ادامه نبوت است، ادامه آن معنویت رسول الله است، ادامه آن حکومت الهی است، از این جهت از همه اعیاد بالاتر است و ما در این روز سعید یکی از چیزهایی که وارد شده است این است که بگوییم، بخوانیم: الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیرالمومنین و اهل بیته ۱۷۴. تمسک به ولایت امیرالمومنین چی هست؟ یعنی ما همین این را بخوانیم و رد بشویم؟ آن هم تمسک به ولایت امیرالمومنین در روزی که ولایت به همان معنای واقعی خودش بوده است، نه تمسک به محبت امیرالمومنین، تمسک به محبت اصلا معنا هم ندارد، تمسک به مقام ولایت آن بزرگوار به اینکه گرچه ما و بشر نمی تواند به تمام معنا آن عدالت اجتماعی و عدالت حقیقی را که حضرت امیر قدرت بر پیاده کردنش داشت، نمی توانیم ماها و هیچ کس قدرت نداریم که پیاده کنیم لکن اگر آن الگو پیدا شده بود و حالا هم ما باید به یک مقدار کمی که قدرت داریم تمسک کنیم. تمسک به مقام ولایت معنایش این است، که یکی از معانی اش این است که ما ظل آن مقام ولایت باشیم، مقام ولایت که مقام تولیت امور بر مسلمین و مقام حکومت بر مسلمین است، این است که اگر چنانچه حکومت تشکیل شد، حکومت تمسکش به ولایت امیرالمومنین این است که آن عدالتی که امیرالمومنین اجرا می کرد، این هم اندازه قدرت خودش اجرا کند. به مجرد اینکه ما بگوئیم ما متمسک هستیم به امیرالمومنین، این کافی نیست، این تمسک نیست اصلش. وقتی که حکومت الگو قرار داد امیرالمومنین سلام الله علیه را در اجراء حکومتش، در اجراء چیزهایی که باید اجرا بکند، اگر او را الگو قرار داد، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمومنین. اگر چنانچه او الگو نباشد یا اینکه تخلفات حاصل بشود از آن الگوی بزرگ، هزار مرتبه هم روزی بگوید خدا ما را از متمسکین قرار داده است، جز یک کذبی چیزی نیست. و اگر مجلس که از مقامات بلند یا بلندترین مقام کشوری است اگر چنانچه الگو قرار داد آن چیزی که امیرالمومنین می خواست و آن عدالتی را که او در همان برهه کمی که به او مجال دادند، خیلی کم مجال پیدا کرد، اگر الگو قرار بدهند آن را برای اینکه احکام را و اموری که باید محول به آنهاست به آن نحو اجرا بکنند، به آن نحو تصویب بکنند و دقت بکنند، آنوقت می شود گفت که مجلس ما هم از متمسکین به امیرالمومنین هستند و ما اگر چنانچه مجلس نتواند این کار را بکند یا خدای نخواسته نخواهد این کار را بکند، یا بعض افراد نگذارند که این کارها بشود آنوقت ما نمی توانیم بگوئیم که یک مجلس متمسک به ولایت امیرالمومنین داریم. و هکذا قوه قضائیه، اگر قوه قضائیه هم تبعیت نکند از آن قضاء امیرالمومنین که اقصا کم علی و اگر تبعیت نکند از قضاوت اسلام، متشبث به همان قضاوت اسلامی نباشد، آن هم هر چه بگوید ما متمسک هستیم، بر خلاف واقع است. تمسک وقتی است که قوه قضائیه هم کارهائی که می کنند از روی الگوی علوی باشد که همان الگوی اسلامی است. و مردم ما هم که این دعا را با این فقره را می خوانند آنها هم باید توجه کنند به اینکه تمسک به ولایت حضرت امیر برای آنها تبعیت از مقاصد اوست. ۱۷۵

آن وقت جمهوری ما اسلامی می شود که همه جای آن حکومت الهی باشد

جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است، تمام قشرهای ملت ما و همه ملت ها احتیاج به تربیت و تزکیه دارند، احتیاج به تعلیماتی که از ناحیه انبیا آمده است دارند، مجرد اینکه ما ادعا بکنیم که جمهوری ما اسلامی است این ادعا پذیرفته نیست. آنوقت جمهوری ما اسلامی می شود و به کمال خودش می رسد که خدای تبارک و تعالی در این ملت و در این کشور حاکم باشد یعنی از آن نقطه اولی تا آن آخر حکومت، حکومت الهی باشد، سردمداران همه الهی باشند، کسانی که در راس حکومت هستند، کسانی که در راس امور هستند، الهی باشند، از نفسانیت خارج شده باشند، خود را نبینند، شخصیت خود را نبینند چون نه خودی

دارند و نه شخصیتی، هر چه هست از خداست. اگر انسان الهی بشود و ادراک بکند که این بندگان راه خدا، اینها بندگان خدا هستند و باید با آنها آن کرد که خدا راضی است، اگر ما بیدار بشویم و بفهمیم که ما از خدا هستیم و به او رجوع می‌کنیم انالله و انا الیه راجعون ۱۷۶، اگر این دو کلمه را ما در زندگی بفهمیم که ما از او هستیم و همه از اوست و ما هیچ هستیم و هیچ نداریم و هر چه داریم از اوست و ما به سوی او برگشت می‌کنیم و از محاسب می‌برند، ما را در حساب واقع می‌کنند، این دو کلمه را اگر ما بفهمیم، با بندگان خدا آنطور که خدا راضی است و آنطور که امر خداست عمل می‌کنیم. در همه ارگان‌های دولتی، در همه بازارهای اسلامی، در همه کوچه و خیابان‌های ممالک اسلامی و در همه جا اگر این کلمه الهی وارد بشود، در کارخانه‌ها وارد بشود، در مزارع وارد بشود، در مدارس وارد بشود، در وزارتخانه‌ها وارد بشود، در مجالس شورا و شوراهای این دو کلمه اگر وارد شد و ایمان به او آمد و انسان ادراک کرد این را و ایمان به او آورد یعنی در قلبش واقع شد که ما و همه از خدا هستیم و به او رجوع می‌کنیم، همه موجودات از خداست و باید با عدل الهی با آنها رفتار کرد و همه ما بر می‌گردیم به خدای تبارک و تعالی و اگر با عدل الهی رفتار کردیم، خدای تبارک و تعالی به ما رحمت بزرگ را وارد می‌کند و اگر با عدل الهی رفتار نکردیم، آنجا خدا با ما با عدل رفتار می‌کند که هیچ کس نمی‌تواند از زیر آن بار بیرون برود. ۱۷۷

روح ایمان و اسلامیت را در پرسنل زنده نگه دارید

نکته ای که باید تذکر دهم این است که اولاً هیچ‌گاه از حجم کار زیاد نترسید که کار هر قدر هم زیاد باشد در مقابل اراده انسان ناچیز است و اگر انسان بخواهد، می‌تواند همه کارهای عظیم را با حجم هر قدر هم زیاد به انجام برساند. دوم اینکه سعی کنید روح ایمان و اسلامیت را در پرسنل زنده نگه دارید. اگر روح اسلام در افراد باشد همانطور که امروز در سرتاسر جبهه‌ها می‌بینید، همه مسائل حل می‌شود. همه می‌خواستند ژاندارمری را از اخلاق اسلامی و ایمان جدا کنند و آنها را بد تربیت کنند. انشاءالله سعی شود که تربیت اسلامی در بین افراد احیا شود. امروز مردم از هر لحاظ کمک خواهند کرد و به همین جهت مشکلات حل خواهد شد. ۱۷۸

به عدالت با مردم رفتار کنید

من امیدوارم که همه تان سلامت و با سعادت باشید و همه مان و همه تان خدمتگزار به این مردم خصوصاً به مستمندان، به ضعفا، عمده توجهات به این طبقه ای باشد که این طبقه احتیاج دارند. اینطور نباشد که مثل رژیم سابق که یک دسته بالاها را برایشان همه چیز فراهم کردند به علاوه که جیب‌هایشان را هم پر کردند و فرستادند و یک دسته هم زاغه‌نشین اطراف تهران که الان هم باز به همین طور هستند. اینها باید تبدیل پیدا کنند، باید فرق باشد ما بین دولتی که می‌گویید من اسلام هستم و دولت اسلامی هستم با دولت‌هایی که طاغوتی هستند. یک فرقی هم این است که عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا طبقه بالا. مبدا یک وقتی یک نفر آدمی که مثلاً متمکن است و چیزدار است و با یک نفر آدم ضعیف، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید. من نمی‌گویم آن یکی را جلو بیندازید، می‌گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که با آن احتیاج دارند، نمی‌تواند همه را یکدفعه بپذیرد لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد، آن یکی هم که غیر ضعیف است او را هم بپذیرد. حضرت امیر سلام الله علیه در یک محاکمه ای که مابین آنوقتی بود که خلیفه الله بود و خلیفه مسلمین بود و قضات هم خودش تعیین می‌کرد، یک محاکمه ای بود بین حضرت امیر و یک نفر غیر مسلم (یهودی ظاهراً بود) و قاضی خواست حضرت را، وقتی که رفت، تشریف بردند، آنطور است که با کنیه اسم حضرت را برد، گفت نه حق نداری، باید مساوی باشیم، در نشستن مساوی، در همه چیز مساوی وقتی هم که حکم بر خلاف کرد، پذیرفت.

آن خلیفه بحق خدا بود و شماها باید به او اقتدا بکنید . همه ما باید اقتدا بکنیم . البته هیچ کدام طاقت نداریم مثل او باشیم لکن اینقدر که اگر نامه ما را بردند ، آنجا بگویند اینها هم شیعه هستند ، اینها هم تابعند . وقتی نامه های ما را بردند پیش امام زمان سلام الله علیه (در روایات است که هر هفته می برند ، هفته ای دو دفعه) وقتی که می برند ، اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم ، ما آنطور نیست که خود سر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم . ۱۷۹

عدالت در قضاوت

قاضی یک نفر آدمی است که بدون اینکه هیچ نظری داشته باشد راجع به قضیه ، اگر برادرش را آوردند پیشش که قضاوت کند ، همانطور باشد که اگر دشمنان را آوردند ، یعنی در قضا آنطور باشد ، حکمی که می خواهد بکند بین برادرش و بین دشمنش ، در حکم فرق نگذارد . نمی گویم در عوارض نفسانی ، نخیر ، در حکم یعنی همانطوری که برای برادرش حکم بحق باید بکند ، برای دشمنش هم همانطور ، علی السواء باشد پیشش همه . شما شنیده اید که حضرت امیر با آن ظاهرا یهودی بود که در محضر قاضی واقع شدند در صورتی که حضرت امیر رئیس بود ، وقتی که احضارش کرد رفت پیش قاضی ، قاضی وقتی که (ابا الحسن) به ایشان گفت ، اشکال کرد به او که نه ، به آن هم هر چه می گویی به من هم همین طور بگو . این دستوری است برای همه ماها که باید در مسند قضا یکی که نشست ، همه ملت پیشش با یک نظر باشد ، تمام نظرش به اجرای عدالت باشد . عدالت ، در دشمنش هم به طور عدالت ، در دوستش هم به طور عدالت . نه اینجا مسامحه بکند و نه آنجا سختگیری . ۱۸۰

۸ - رعایت عدالت و امانت

پاسدار عدالت باید خودش دارای عدالت باشد همانطوری که انقلاب اسلامی ما وجهه های مختلف دارد : انقلاب برای برانداختن رژیم فاسد ، انقلاب برای پیداشتن رژیم حق ، و امید است که انقلاب برای ساختن انسان و یک مملکت انسانی ، پاسداران هم باید پاسداریشان به طرز و شکل انقلاب باشد . تا آنوقت که انقلاب برای شکستن سد رژیم بود ، پاسداران ، پاسداران آن انقلاب بودند ، یعنی آن جهت انقلاب ، باید قیام کنند و کردند و فریاد زدند و مقابله کردند با همه جنود ابلیسی و بحمد الله از این جهت در انقلاب پیروز شدید . لکن انقلاب یک جهتش پیروز ، آن هم نه تمام پیروز ، بیشتر این سد از بین رفته است و ریشه های مختصری مانده است که امید است از بین برود . انقلاب برای تحقق حکومت عدل و جمهوری اسلامی که قدم بعد است ، پاسدارها هم باید از این معنا پاسداری کنند و همه باید پاسداری بکنند . همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید . در اینجا پاسداری این است ، که این حکومت ، حکومت عدل باشد ، پاسداری از عدالت باشد . پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند . اگر خدای نخواستہ یک گروهی در جامعه ما دارای عدالت نیستند و همانطوری که دستگاه سابق ، دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود ، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت هر کس باشد ، این هم تا آن اندازه که دستش می رسد همان کارهای رژیم سابق را می کند ، این پاسدار نمی تواند باشد . اگر فرض کنید که ماها که مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب ، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است اگر بنا باشند ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب (لکن از آنجائی که خراب کردن و زدن و کشتن ، کشته شدن بود ، درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم) اما در این مرحله که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است ، خدای نخواستہ پاسداریمان از یک همچو حکومت عدل اسلامی به طور صحیح نباشد ، یعنی خودمان در این مرحله انقلابی نباشیم ، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم ، که پاسدار عدالت باشیم ، پاسدار حکومت عادلانه چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود نمی توانیم بگوئیم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده است ، که جهت حکومت عدل اسلامی بود . اگر در ادارات ما ، در بازارها ، در

سایر جاهای دیگری که این افراد ایرانی نشیمن دارند و مشغول به کارهای خودشان هستند، اگر اینها هم عدل اسلامی که باید باشد مراعات نکنند، باز افراد انقلابی - اسلامی نیستند. ۱۸۱ عدالت اسلامی از خود انسان شروع می شود پاسدار، چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید و چه سایر قشرها (یکی هم قشر روحانیت است، آنها هم پاسدار هستند ولو لفظ پاسدار بر آنها اطلاق نمی شود، لکن به حسب واقع پاسدار اسلام هستند) اگر این جمعیت آنطوری که باید این وجهه از انقلاب را که انقلاب، آمدن یک رژیم عادل جای یک رژیم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن یک رژیم، نشستن به جای یک رژیم فاسد، مراعات نکند آن جهت انقلابی را، مراعات نکند آن عدالت اسلامی را، که عدالت اسلامی از خود انسان شروع می شود تا هدایت در خود انسان، عدالت با رفیق، عدالت با همسایه، عدالت با هم محله، عدالت با همشهری، عدالت با هم استانی، عدالت با هم کشوری، عدالت با همسایه های کشورهای که با ما هستند و با همه بشر، اگر حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است و نه پاسدار اسلامی. به مجرد اینکه من ادعا کنم که پاسدار اسلام هستم، از باب اینکه یک نفر طلبه هستم و طلبه شغلش پاسداری است، مجرد این تا یک نمونه ای نداشته باشد، نشانه و علامتی نداشته باشد، این ادعاست، ولو بتوانیم این ادعا را به مردم جا بزنیم، پیش خدا واضح است که درست نیست. کوشش کنید که در این مرحله دوم که ما الان هستیم و بعد هم مرحله های دیگر هست، پاسدار باشید. شماها که الان پاسداری کردید تا حالا (و خداوند همه تان را تاءید کند) کوشش کنید در این مرحله دوم که مرحله حکومت عدل است، رژیم عادلانه است، رژیم اسلامی است، جمهوری اسلامی است، در این مرحله به وظائف پاسداری در این مرحله قیام کنید. ۱۸۲ مواظب باشید رفتار تان عادلانه باشد پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید، از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواستہ فرض کنید یک نفر جوان مسمای پاسدار به دوستش، به منزل یک کسی، به خانه یک کسی، به مال یک کسی تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است، لکن شماها جدیت کنید، او را هدایت کنید یا از صف خودتان کنارش بزنید، که ممکن است یک کار خلاف از یک نفر در یک جمعیت تحقق پیدا بکند و همه جمعیت به او آلوده بشود و بگویند پاسدارها اینطور هستند. یک وقت می گفتند که فلان آدم اینطوری است، یک وقت است می گویند پاسدارها اینجوری اند. کوشش کنید که مبادا یک همچو مطلبی پیدا بشود که گفته بشود که پاسدارها فلان جور هستند. خیلی کوشش لازم دارد. چنانچه ما آقایان هم باید کوشش کنیم به اینکه گفته نشود روحانیون اینجور هستند، آخوندها اینجورند امروز همه چشم ها دوخته به این کشور است و بیشتر چشم آنها که می خواهند مناقشه کنند، می خواهند اشکال تراشی کنند، می خواهند این نهضت ما را یک نهضت صحیح ندانند، چشم ها الان به این مطلب دوخته شده است و مناقشه می کنند، می نویسند در روزنامه های خارج، زیاد می نویسند. اینجا در روزنامه ها شاید با اشاره و این چیزها باشد، اما آنجاها با صراحت می نویسند. باید ما بهانه به دست آنها ندهیم. آنها خلاف می نویسند لکن اگر ما یک قدم خلاف برداریم، بهانه به دست آنها می آید و یک کار را هزار کار نمایش می دهند. تکلیف امروز برای شما پاسدارها و ما هم که مدعی پاسداری هستیم تکلیف زیاد است، مشکل است. ببینید از این تکلیف الهی چطور امتحان خودتان را می دهید. حالا که پاسدار هستید، حالا که دارای اسلحه هستید، حالا که قدرتمند هستید ببینید که با این اسلحه خودتان، با این قدرت خودتان چطور با مردم رفتار میکنید، چطور با برادرانتان که همه کشور است، همه مردم است، رفتار می کنید، رفتار، رفتار عادلانه است و آنطور که اسلام میخواهد، تا بشوید پاسدار انقلاب اسلامی، یا خدای نخواستہ از بعضی اشخاص بر خلاف باشد تا بشود پاسدار جنود شیطان و از پاسداری اسلام، مخلوع باشد و خدا او را قبول نکند. خداوند همه شما را و همه ملت ما را به وظایف خودمان آشنا کند و همه انشاء الله خدمتگزار باشیم به این ملت و به این کشور. ۱۸۳ اگر عدالت بین زمامداران باشد این مفسد پیش نمی آید اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه اش هم باید عادل باشد، از

ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر، زمامدار باید عادل باشد. ولایت آن هم باید عادل باشند، این ولایتی که در اسلام می فرستادند، والی هایی که می فرستادند به این طرف و آن طرف امام جماعت آنها هم بوده اند، باید عادل باشد، اگر عادل نباشد، اگر عدالت در بین زمامداران نباشد، این مفاسدی است که دارید می بینید، اسلحه دست اشخاص غیر صالح، اسلحه دست اشخاص ناصالح، اشخاص بی انصاف، بی عدالت. ۱۸۴ ما دولتی می خواهیم که به عدالت رفتار کند البته ما دستمان به حکومتی که مثل پیغمبر باشد که دیگر نمیرسد، تمام شد. دستمان به یک حاکمی مثل علی بن ابیطالب که نمیرسد. اینها را ما حالا نمی خواهیم بگوئیم که ما می خواهیم علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) ما از کجا پیدا کنیم یک همچو چیزی اما ما می خواهیم یک حکومتی باشد که لااقل تبع قانون باشد، تبع قانون اسلام باشد، تبع قوانین مجعوله صحیح باشد. اینها از اول که آمدند برخلاف قانون آمدند و تا آخر هم برخلاف قوانین رفتار میکنند. از اول نه شرع مقدس با اینها موافق بود نه قوانین جاری مملکت موافق با اینها بود، تا حالا هم هرچه کردند، برخلاف قوانین کردند، برخلاف شرع مقدس کردند، برخلاف رضای خدا کردند، برخلاف رضای مردم کردند. ما می خواهیم یک دولتی تشکیل بدهیم، دولتش مشکل نیست که خیال میکنند که این را ما از آسمان می خواهیم یک دولتی بیاوریم، نخیر توی همین زمین اشخاصی هستند که می توانند به عدالت رفتار کنند، اشخاصی هستند که شریف هستند، در همین زمین، در همین ایران، در همین خارج، در همین داخل ما داریم اشخاصی که اینها میتوانند اداره بکنند مملکتشان را، می توانند که عدالت کنند بین مردم، می توانند مردم را به عدالت وادار کنند، می توانند تنظیم کنند امور مملکت را (نه به این اختلاف و این به هم خوردگی ای که الان هست) می توانند اقتصاد مملکت را مهار کنند. ۱۸۵ هر کس در هر کاری باید امین باشد هر کاری را که انسان عهده دار شد، مسؤ ول آن کار است، مسؤ ول است در اینکه به راستی و امانت عمل کند و مسؤ ول است در اینکه با جدیت و فعالیت عمل کند و با خلوص برای خدای تبارک و تعالی. ۱۸۶ و هر کس در هر جا هست و هر جا خدمت می کند، یکی از اموری که بسیار برای او لازم است امانت است، امین باید باشد. اگر خدای نخواست در یک گروهی اشخاص غیر امین و اشخاص خائن پیدا بشود، یک وقت می فهمیم که تمام آن گروه را اینها به بدنامی کشیدند یا به فساد. از امور لازم، امانت است در امور. برای بازرس ها امانت از امور بسیار لازم است. آنهایی که در شغل بازرسی هستند، آنها باید امین باشند و مطالبی که دست آنها می آید به احدی غیر از آنجایی که باید گفته بشود نگویند. عرض مردم، حیثیت مردم از اموری است که خدای تبارک و تعالی درباره او بسیار تاکید کرده است و اسلام درباره او بسیار پافشاری کرده است. قاضیهای محترم دادرها و سایر جاها، کسانی که متکفل قضا هستند یا بازرسی هستند، در هر جا که هستند اینها باید امین باشند و انشاء الله هستند و باید مطالبی که از اشخاص، آنها که سروکارشان با اعراض مردم است، سروکارشان با حیثیات مردم است، با جان مردم است، با ناموس مردم است، اگر بنا باشد که به غیر آن راهی که خدا تعیین کرده است یک راه دیگری بروند و خدای نخواست افشاء اسرار مردم را بکنند ولو یک انسانی باشد معصیت کار، آن را افشا بخواهند بکنند، الا آنهایی که معصیت را علن می کنند، آنها دیگر احترامی ندارند در اسلام. آن کسی که علنا آمده است در خیابان و کار خلاف می کند این دیگر احترام ندارد، اما آنهایی که تحفظ می کنند بر این مسائل، در خلوت یک کار خلاف می کنند، بر فرض اینکه شما مطلع شدید، جایز نیست برایتان که این را افشا کنید حتی برای برادرتان، حتی برای اهل منزلتان بنابراین از امور مهمی که برای قاضی، برای آن اشخاص که بازرس هستند، برای سازمان بازرسی، از امور مهمی که باید مراعات کنند این است که امین باشند در آن امری که به آنها محول شده است و اینطور نباشد که سازمانی باشد برای بازرسی و آنوقت خودش معصیت خدای نخواست بکند و افشا کند اسرار مردم را و همان جایی که باید گزارش بدهد، بیش از او تعدی ای به هیچ وجه نباید بکند. ۱۸۷

همه ما مامور به ادای تکلیف هستیم

من در این جا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل های غلط این روزها رسماً معذرت می خواهم و از خداوند می خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی ببیند. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از این که به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده ها به گونه ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی اش عدول می کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی شود؟! تاءخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مامور به ادای تکلیف و وظیفه ایم نه مامور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین - علیهمالسلام - در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده ایم، ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده ایم روش ها و تاکتیک ها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسؤلین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟ ۱۸۸

ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم

مولای ما امیرالمومنین سلام الله علیه آن مرد نمونه عالم، آن انسان به تمام معنا انسان، آن که در عبادت آنطور بود و در زهد و تقوا آنطور و در رحم و مروت آنطور و با مستضعفین آنطور بود، با مستکبرین وبا کسانی که توطئه می کنند - شمشیر را - می کشت هفتصد نفر را در یک روز (چنانچه نقل می کنند) از یهود بنی قریظه که نظیر اسرائیل بود و اینها از نسل آنها شاید باشند، از دم شمشیر گذراند. خدای تبارک و تعالی در موضع عفو و رحمت، رحیم است و در موضع انتقام، انتقامجو. امام مسلمین هم اینطور بود، در موقع رحمت، رحمت، و در موقع انتقام، انتقام. ما نمی ترسیم از اینکه در روزنامه های سابق، در روزنامه های خارج از ایران برای ما چیزی بنویسند ما نمی خواهیم وجاهت در ایران در اسلام در خارج از کشور پیدا بکنیم، مامی خواهیم به امر خدا عمل کنیم و خواهیم کرد. ۱۸۹

باید هر فردی خودش را مکلف به خدمت بداند

و مهم این است که ما همه مان و هر فردی خودش را مکلف بداند به اینکه باید حالا- خدمت بکند. یک وقت مثلاً- بود که ما میگفتیم چه کار داریم به اینکه مرزها چه است، این با ارتش است. شما می گفتید ما چه کار داریم که در داخل شهر، بین شهرها چه رخ می دهد، بین شهرها ژاندارمری باید حل بکند. ژاندارمری می گفتند چه کار داریم که داخل شهر چه می گذرد، این را

باید شهربانی حل کند. هر کدام به دیگری واگذار می‌کردند. البته در مواقعی که مواقع عادی است مساءله همین طور است، هر رشته از اینها مامور یک فتنه هستند، اما در مواقعی که غیر عادی است مملکت عادی نیست، مثلاً فرض بفرمائید که جلوگیری از خرابکاریهایی که در قشر زارع و قشر دهقان می‌شود، ژاندارمری باید جلوی آنها را بگیرد، اما وقتی که شما دیدید که کشورتان اگر زراعت نداشته باشد، اگر نتوانند اینها زراعتی را که کرده اند جمع بکنند، کشور به خطر می‌افتد، احتیاج زیاد می‌شود، گرسنگی زیاد می‌شود. اینجا دیگر نباید وقتی که گفته می‌شود که ارتش هم به کمک ژاندارمری برود، روسا بگویند به ما مربوط نیست. ما باید سرحدات را نگه داریم. یا اگر دیدیم که سرحدات ما الان طوری است که از آن طرف اسلحه وارد می‌کنند، اشخاص فاسد وارد می‌شوند، یا اسلحه وارد بشود و دست اشخاص فاسد بیفتد، این باعث می‌شود که یک وقت ما بفهمیم که یک دسته فاسد مخالف با کشوری، مخالف با ملتی، مخالف با اسلامی مسلح شده اند. یک وقت بیدار بشویم که دیگر نتوانیم جلو آنها را بگیریم، اینجا نباید دیگر ژاندارمری فکر این را بکند که من مال بین شهرها هستم، ژاندارمری باید کمک کند به ارتش و سپاه انقلاب هم کمک بکند به اینها. یک وقت هائی که وقت آشفتگی است مثلاً فرض کنید که یک وقت زلزله بیاید، زلزله بیاید و جائی را خراب بکند، شما ببینید که برادرانتان زیر خرابی‌ها مانده اند و دارند جان می‌دهند شما نمی‌توانید بگوئید این کار مال شیر و خورشید سرخ است و به من ربطی ندارد، هر انسانی خودش را مکلف می‌داند به هر طوری که باشد برود اینها را نجات بدهد. ۱۹۰

امروز، روز خدمت و انجام مسؤ ولیت الهی است

امروز روز خدمت است فقط، امروز هیچ یک از افراد، شما نمی‌توانید از زیر بار مسؤ ولیت خارج بشوید، یک مسؤ ولت وجدانی و دینی است، الهی و ملی است. امروز شما نمی‌توانید بگوئید که خوب، من زحمت بکشم آنوقت یک کس دیگری منفعتش را ببرد، من هم بگویم که خوب، ما زحمت بکشیم و یک کس دیگر منفعتش را ببرد و چه کار بکند. امروز دیگر آن روز نیست، آنهایی که منافع شما را از بین می‌برند و شما را استثمار می‌کردند نیستند، الا شاید کمی که نمی‌توانند کاری بکنند. الان کسی شما را نمی‌تواند استثمار کند، الان مملکت مال خود شماست یعنی الان شما هر یکی تان نظرتان مثل نظرتان به عائله تان باشد، بلکه بیشتر. همه را ما عائله خود می‌دانیم و مملکت مال همه ماست و این آشفتگی باید به دست ماها درست بشود. هر فرد با اینکه یک است لکن به اندازه یک فرد از او کار می‌آید، این اجتماع از افراد درست شده و از فرد کار بر نمی‌آید و یک سنگ صد خرواری را یک نفر نمی‌تواند بلند کند باید هزار نفر جمع بشوند لکن هر یک اینها یک مقدار قوه ایجاد کرده اند، اینطور نیست که من کاری نداشته باشم، من به اندازه خودم فشار دادم، شما هم به اندازه خودتان، آن هم به اندازه خودش و این قوا رو بهم رفته جمع شد آنوقت این سنگ چند خرواری بلند می‌شود. یک قطره باران، یک قطره است، هیچ کاری هم از قطره بر نمی‌آید لکن این قطره‌ها وقتی با هم جمع شدند می‌شود سیل، این سیل‌ها وقتی با هم جمع شدند می‌شود دریا. افراد حکمشان این است، مثل قطره‌ها می‌مانند وقتی تنها هستند کار از او بر نمی‌آید اما نه آن کار بزرگ، از او یک مقدار کار برمی‌آید. اگر یک قطره بنشیند کنار و بگوید من قطره هستم کار از من نمی‌آید، این قطره هم بنشیند کنار بگوید من هیچ کار ندارم، کاری انجام نمی‌گیرد. هر قطره‌ای اگر هر کار از او بر نمی‌آید انجام بدهد، وقتی اینطور یک همچو حسی در یک ملتی پیدا شد که همه افراد خودشان را موظف دانستند به اینکه هر کسی در هر جا هست کار بکنند برای کشور خودش، ۳۵ میلیون آدمی می‌شود که دارند کار می‌کنند برای کشور خودشان. ما تا حالا کاری که نکردیم همه. اگر شما بگوئید که به من چه، من کاری ندارم به این کارها، من هم بگویم که خوب، من طلبه هستم، آن یکی هم همین طور، کارگر هم همین طور، خوب کارها می‌ماند، سر جای خود می‌ماند. همه ما موظفیم به اینکه هر کدام به اندازه‌ای که کار می‌آید به همان اندازه کار بکنیم الان محول نکنید

شما به ما و ما به شما ، ما همه به ژاندارمری و ژاندارمری به دیگر ، بلکه هر کس در هر جا که هست و هر پستی که دارد در همان جا مشغول به کارش باشد و تقویت کنند همدیگر را . ۱۹۱

مهم این است که افراد هر یک خودشان را مسؤول بدانند

آنهایی را که نمی گذاشتند کار انجام گیرد ، مرتفع شدند حالا دیگر دست خودمان است و باید همت کنید ، برای ساختن یک کشوری که خرابه بود ، همت لازم دارد و مهم این است که افراد هر یک خودشان را مسؤول بدانند ، هم مسؤول خودشان بدانند ، هم مسؤول کارهای دیگران ، مسؤول خودشان که کاری که به آنها محول می شود مثل مثلا- شماها که در شهرداری اهواز هستید ، هر کاری که محول به هر فردی است ، منتظر این نشود که یک کس دیگری کاری بکند ، این باید کار خودش را خوب انجام بدهد و اگر چنانچه دید آن برادرش ، آن رفیقش کارش را خوب انجام نمی دهد ، مسؤول او هم هست باید او را هدایت کنند . کلکم راع ، همه باید مراعات بکنید و همه تان هم مسؤول ولید ، همه ما مسؤول ولیم ، یک مملکتی را باید خود شما اداره کنید ، باید خود ملت اداره کنند . ۱۹۲

ملاک شکست یا پیروزی انجام تکلیف الهی است

من آنچه که لازم است به طور نصیحت به آقای رئیس جمهور و به همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی از لشکری و کشوری عرض کنم این است که آنچه که به سر انسان می آید از خیر و شر ، از خود آدم است . آنچه که انسان را به مراتب عالی انسانیت می رساند کوشش خود انسان و آنچه که انسان را به تباهی در دنیا و آخرت می کشد خود انسان و اعمال خود انسان است . این انسان است که خدای تبارک و تعالی به طوری خلق فرموده است که راه راست و کج را می تواند انتخاب کند و تمام انبیا از صدر عالم تا آخر برای این آمده اند که این آدم را از آن راه کج و راه های باطل هدایت کنند به صراط مستقیم انسانیت که یک سرش اینجاست و سر دیگرش عندالله است . ما خودمان را اگر توانستیم اصلاح کنیم ، کنترل کنیم و تربیت کنیم خودمان را ، مراقبت کنیم از خودمان ، در همه امور موفق خواهیم شد و اگر چنانچه خدای نخواست در آن مقاصد اسلامی یا انسانی که داریم ، موفق نشویم ، معذک آن توفیق الهی که برای اشخاص صحیح و متعهد هست برای ما هم هست . ما نباید نگران این باشیم که آیا در کارهایی که انجام می دهیم ، چه کارهای شخصی و دربین خودمان و خدای خودمان و چه در کارهای اجتماعی که به عهده کسانی هست ، نباید نگران باشیم که مبادا شکست بخوریم ، باید نگران باشیم که مبادا به تکلیف عمل نکنیم . نگرانی از خود ماست . اگر ما به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است عمل بکنیم ، باکی از این نداریم که شکست بخوریم ، چه از شرق و چه از غرب و چه داخل و چه خارج و اگر به تکالیف خودمان عمل نکنیم ، شکست خورده هستیم . خودمان ، خودمان را شکست دادیم . ۱۹۳

ما می خواهیم تکلیفمان ادا بشود

این هیاهوها که در عالم هست ، اینها همیشه بوده است و همیشه هم خواهد بود لکن این که باقی است خداست و اعتماد به خدا ، شما این اعتماد را حفظ کنید و مشکلات را با تدبیرهایی که دارید حل کنید و امیدوارم که خداوند همه را تایید کند . وقتی برای خدا باشد ، تایید می کند . وقتی کار برای خدا باشد ، ما چه پیروز بشویم و چه نشویم ، (کارمان برای خداست) ما تکلیف ادا کردیم ، ما می خواهیم تکلیفمان ادا بشود ، دنبال این نیستیم که یک منصبی به دست بیاوریم ، شماها نیستید . ۱۹۴

قرآن همه ما را مکلف کرده که کار کنیم

حالا- البته این پر کردن دنیا را از عدالت ، این را ما نمیتوانیم بکنیم ، اگر می توانستیم می کردیم اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند . الان عالم پر از ظلم است ، شما یک نقطه هستید در عالم ، عالم پر از ظلم است ، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم ، تکلیفمان است . / قرآن و / ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم . اما نمی توانیم بکنیم ، چون نمی توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند ، اما ما باید فراهم کنیم کار را . فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم ، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه . در هر صورت این مصیبت هایی است که به مسلمان ها وارد شده است و سیاست های خارجی دامن بهش زدند برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین و باورشان هم آمده است خیلی ها ، شاید الان هم بسیاری باور بکنند که نه ، حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت . و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب باطل است یعنی هرج و مرج بشود ، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش می کنیم تا حضرت بیاید . ۱۹۵ ما مدافع اسلام هستیم و مدافع اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع می کند و هرگز نخواهد نشست . ما چه پیروز بشویم در عالم ماده و چه غلبه بکنیم ، غلبه باماست . پیغمبر اسلام هم در بعضی از جنگ ها شکست خورد لکن غلبه با او بود . اولیاء اسلام هم در بعضی از جنگ ها دشمنان بر آنها غلبه کردند ، لکن غلبه با آنها بود . غلبه با حق است ، باطل زهوق است ان الباطل کان زهوقا ما در این روز به همه مسلمین دعا می کنیم و دست تضرع پیش خدای تبارک و تعالی بلند می کنیم که مسلمین بیدار بشوند . ۱۹۶ تکلیف است برای همه ما که این جمهوری که به این جا رسیده است تا آخر حفظ کنیم بین خودتان برادر باشید ، حفظ کنید این برادری را ، با حفظ برادری شما به این جا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید . اگر خدای نخواستہ خللی حاصل بشود ، در این برادری ، چه در خود تهران ، چه در خارج تهران ، هر جا باشد ، چه بین روحانیون ، چه بین مردم ، چه بین جناح هایی که هستند ، اگر خدای نخواستہ یک وقت یک خللی واقع بشود شکست همراه اوست . شما فکر این را بکنید که حافظ اسلامید ، نه حافظ خود . شما باید حفظ اسلام را بکنید ، آن هم نه در زمان خود ، همان طوری که انبیاء عظام دنبال این بودند که بعد از خودشان تا آخر حافظ باشند ، تکلیف است برای همه ما که ما این جمهوری که به این جا رسیده است تا آخر حفظ کنیم . تا آخر حفظ کردن این است که هر روز محکم کنیم برادری خودمان را ، سر اغراض جزئی که زود می گذرد ، لطمه ای خدای نخواستہ به اسلام وارد نکنیم ، لطمه ای به جمهوری اسلام وارد نکنیم . اشکال اگر هست به من و دیگران ، اشکال را باید گفت لکن نباید تضعیف کرد دولت را ، نباید تضعیف کرد قوه مقننه را ، قوه قضاییه را ، روحانیت را . اینها جرم است ، اینها گناه نابخشودنی است . شما توجه باید بکنید . ملت ما توجه بکنند که یک ملت با هم هیچ قوه ای بر آنها غلبه نخواهد کرد ، هیچ قوه ای نمی تواند بر یک ملتی که همراه هم هستند و با هم هستند ، هیچ قدرتی نمی تواند با او مقابله کند و لهذا شیاطین در پی این هستند که از این راه پیش بروند که بین جناحها اختلافی ایجاد کنند . اعتنا نکنید به این شیاطین ، در شهرها اعتنا نکنند آقایان به شیاطینی که میخواهند اختلاف ایجاد کنند . ۱۹۷

آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد

عزیزانی که در جبهه ها در دفاع از اسلام و کشور اسلامی سر از پا نمی شناسند و جهات معنوی و عرفانی آنان را و عمق ارزش آن را جز خدای تعالی کسی نمی داند و راهی برای امثال نویسنده بر آن نیست ، باید هر چه بیشتر به نصرت حق تعالی اعتماد کنند ، که قدرت های امکانی در مقابل نصر الهی ناچیز است . عزیزان من ! شما پیروز و منصورید چه در راه حق تعالی به نصرت ظاهری برسید و چه شهید و معلول و اسیر شوید . حق تعالی با شماست و دست توانای بقیه الله که ید الله است دستگیر شما . آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد . شما پیروان رسول الله هستید که در راه دین خدا

چه رنج های طاقت فرسا کشیده و چه زحمت ها متحمل گردیده اند ، در مکه با آنهمه فشارها و تهمت ها و اهانت ها و در مدینه با آنهمه جنگ ها و دفاع های خردکننده ، ولی آن حضرت و یاران وفادارش چون کوهی استوار ایستاده و برای اسلام و مسلمانان خدمت می کردند و شیعه امیرالمومنین و فرزندان آن بزرگوار هستند که در راه خداوند هر رنج و تعب را استقبال کردند . ۱۹۸

تکلیف را باید با درایت و دقت انجام داد

ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است ، ما می گوئیم تا شرک و کفر هست ، مبارزه هست و تا مبارزه هست ، ما هستیم . ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم ، ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم . پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام ! ای نیروهای مردمی ! هرگز از دست دادن موضعی را با تاءثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت . پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا ، اسرا ، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است . فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند ، پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد . امروز روز هدایت نسل های آینده است ، کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است . امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است و دیروز خدا آن گونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود ، ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی رویم . البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسایل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم . ۱۹۹

۱۰ - حکومت بر قلوب

سلامت کشور در تفاهم ملت و دولت است

اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع الاسف در رژیم های شاهنشاهی و بخصوص در رژیم اخیر این معنا عکس بود یعنی دستگاه حاکمه (همه دستگاه حاکمه) در یک قطب واقع شده بود و ملت هم در یک قطب . این دستگاه حاکمه کوشش می کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می کرد که مالیات بتواند ، نپردازد ، از زیر بار همه چیز در برود ، هر چه بتواند کارشکنی کند برای دولت و از این جهت هی شکاف بین مردم و دولت حاصل می شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه یک امر به خیال خودش مستقلی بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت ، ملت هم به او هیچ اعتماد نداشت ، او را دشمن خودش می دانست . ارتش وقتی می آمد توی مردم مثل اینکه دشمن آمده است و جمعیت از او فرار می کردند و پشت می کردند به او و پاسبان وقتی که می آمد در بین مردم ، مردم از او فرار می کردند ، تنفر داشتند و اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت . این باید یک عبرتی باشد برای دولت ها . در رژیم اسلامی شاید در راس برنامه همین تفاهم مابین دولت و ملت باشد یعنی نه دولت خودش را جدا می داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند ، ارباب بکند ، اذیت بکند و نه مردم درصدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی . ۲۰۰

نمونه هایی از رفتار حضرت امیر (ع) در جلب رضایت مردم

اسلام وضعش از اول اینطور بوده است که آن حاکمش که راس بوده است، در زندگی، در معاشرت، در اینها با مردم یا پائین تر بوده است یا همانجور. - و ما - بهترین حاکمی که در اسلام بعد از رسول الله پیدا شد، حضرت امیر سلام الله علیه بود و مع الاسف حکومت کوتاهی داشت و ما وقتی که سیره ایشان را در عمل از تاریخ اخذ بکنیم و فرمایشات ایشان را در خطبه‌ها، در نامه‌ها اخذ بکنیم و رفتار ایشان را با رعیت و همین طور رفتار رعیت با او، رفتار استاندارهایی که می‌فرستادند در اطراف، یک مملکت بسیار بزرگ بود دیگر، حجاز و مصر و ایران و عراق و سوریه و یک مقدار از اروپا و اینها همه تحت سیطره بودند و وقتی که می‌فرستادند سفارش‌هایی که می‌کردند نسبت به اینکه چه جور باید رفتار بکنید و چه جور هم رفتار می‌کردند آنها و مردم با آنها چه وضعی داشتند، اینها همه در تاریخ هست. زندگی خود امیرالمومنین که معروف است که... یک آدم متعارف نمی‌تواند آنطور زندگی کند. حتی اشکال کرده بودند که خوب شما اگر زندگی ات این است، پس چرا همچو قوی هستید؟ در یک جایی می‌فرمایند که این درخت‌هایی که در بیابان پیدا می‌شود، هم چوبش محکمتر است، هم آتشش قوی تر است برای اینکه آب کم خورده است. اینطور نیست که هر کس زیاد خورد و چرب خورد و شیرین خورد، این یک آدم قوی بشود بلکه شاید بسیاری از این غذاها خصوصاً این غذاهای غیر عادی برای انسان شاید سستی و ضعف و اینها هم می‌آورد. در هر صورت در زندگی وقتی که انسان می‌بیند، می‌بیند که یک پوستی بوده است (اینطور نقل می‌کنند) که شب‌ها این پوست را می‌انداختند و خودشان با حضرت فاطمه سلام الله علیها رویش می‌خوابیدند و روزها همین پوست را علوفه رویش می‌ریختند برای شترشان. و در خوراک هم کسی نمی‌توانست آنطور زندگی بکند، هیچ کس همچو زندگی‌ای و خودشان هم می‌فرمایند شماها نمیتوانید لکن در تقوا و در ورع با من اجتهاد کنید، با من موافقت کنید. وضع حکومت اینطوری بود و اینطور خاضع در مقابل قانون، رئیس یک ملت که توسعه ریاستش اینقدر زیاد بود و قدرت ارتشش آنطور، آنطور خاضع در مقابل قانون که وقتی قاضی‌ای که خودش نصب کرده او را دعوت می‌کند که یک کسی را ادعائی داشته یا ایشان ادعا داشتند که راجع به یک زرهی، یهودی هم بوده آن طرف، وقتی که (به حسب نقل) قاضی ایشان را احضار می‌کند (همان قاضی که خودش نصب کرده) تشریف می‌برند وقتی قاضی می‌گوید یا ابالحسن، می‌گوید نه، باید من و او را علی السواء حساب بکنی، قاضی باید نظرش به هر دو علی السواء باشد و مرا با کنیه که یک احترام است اسم نبر، یا علی بگو. و وقتی هم که قاضی رسیدگی می‌کند و حکم بر ضد حضرت امیر می‌دهد، حق می‌دهد، منتهی یهودی می‌آید ایمان می‌آورد اسلام می‌آورد می‌بیند که اسلام این است. وضع معاشرتشان با مردم، وضع زندگی شان، وضع عدالتشان، رسیدگی شان به فقرا و معروف است و دیگر تاریخ هم هست که خانه‌هایی بوده است که مطلع نبودند که کی می‌آید برایشان چیز می‌آورد، ایشان می‌بردند و در یک جایی که رفتند و بچه‌ها وقتی که می‌رفتند گریه می‌کردند و ایشان وارد شده بود و به آنها غذا داد و تلافی کرد و اینها، بعدش شروع کردند یک صدای مثل صدای شتر که بچه‌ها را بخندانند. گفتند: (من وقتی آمدم این بچه‌ها گریه می‌کردند دلم می‌خواهد حالا که می‌روم بخندند بچه‌ها). این یک حاکمی است که توسعه حکومتش از حجاز تا مصر تا ایران تا آفریقا تا همه اینها بوده است. خوب البته هر کس که نمی‌توان (هیچ کس نمی‌تواند). لکن اگر حکومت‌ها خودشان را جدا ندانند از مردم، روسا اینطور نباشد که بروند هر کس در هر جایی یک ریاستی داشت بخواهد اعمال قدرت بکند، اعمال ریاست بکند، مردم را پائین تر بداند، با مردم رفتاری بکند که رفتار یک مثلاً زورمند خیلی کذا است با دیگران، اسباب این می‌شود که مردم از او جدا بشوند. ۲۰۱ بین ملت و دولت خدمت متقابل است خدمت، خدمت متقابل است، شما به آنها خدمت می‌کنید، آن هم به شما خدمت می‌کند، این یک عبرتی است برای همه ماها که بفهمیم برنامه باید چی باشد. عرض کردم باز در ایران محتوایش تحقق پیدا نکرده، یک اسمی و یک کمی هم صورتش پیدا شده، حالا اینطور شده و اگر انشاءالله اسلام در ایران آنطوری که خدا و رسول می‌خواهند پیاده بشود، آنوقت معلوم می‌شود که دولت اسلامی یعنی چه و دولت طاغوتی یعنی چه، آنوقت برادری همه شما درست مستحکمتر می‌شود و مملکت هم آبادتر می‌شود.

شود و جنایت‌ها و خیانت‌ها از بین می‌رود، برادری‌ها شروع می‌شود و من امیدوارم که بشود این و ما و شما بتوانیم باهم دست به دست هم بدهیم و همه پشتیبان هم و خدمتگزار به اسلام و خدمتگزار به خدای تبارک و تعالی برای درست کردن یک مملکتی و نجات دادن مملکت از دست دشمن‌ها، آنهایی که الان هم باز چشم‌هاشان به اینجا دوخته شده است و منافع خودشان را می‌بینند از دست رفته، چشم‌ها را به اینجا دوخته‌اند که بلکه به خیال خودشان باز یک رژیم‌نظیر او یا بدتر از او را ایجاد کنند و من امیدوارم که دیگر موفق نشوند. ۲۰۲

حکومت بر قلوب، حکومتی شیرین است

من لازم می‌دانم که به شما آقایان که در راس بعضی از کشورهای اسلامی هستید نصیحت کنم. شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید، نه حکومت بر ابدان و قلوب از شما کناره بگیرند. مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند، حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند. حکومت بر قلوب، یک حکومت شیرین است به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد. شما دیدید که ایران با اینکه یک مملکت کم‌جمعیتی است لکن برای اینکه قلوب ملت با حکومت موافق بود و موافق هست، الان در همه گرفتاری‌هایی که حکومت دارد، در همه گرفتاری‌ها ملت کوشش می‌کند که همقدم باشد با آنها و مقاصد دولت را به پیش ببرد. ما در این جنگی که ناگهان به ما تحمیل شد و آنها گمان می‌کردند که با یک ارتش مقابل هستند، آن هم به خیال خودشان یک ارتش ضعیف و آشفته، دیدید که اشتباه کرده بودند و حساب‌های آنها صحیح نبود برای اینکه آنها نه حساب ارتش فعلی ما را کرده بودند و نه حساب ملت را. ارتش فعلی ما و همین‌طور سایر قوای نظامی و مسلح ما، امروز غیر از زمان طاغوت بود. زمان طاغوت دل‌ها همراه نبود و مردم با ابدان به زور همراهی می‌کردند و در این زمان دل‌ها همراه است و حکومت بر دل‌هاست. رئیس‌جمهور ما بر دل‌های مردم حکومت می‌کند و نخست‌وزیر ما و مجلس ما همه بر دل‌های مردم حکومت می‌کنند، از این جهت الان که لشکر ما و ارتش ما در جبهه‌ها مشغول به جنگ و دفاع هستند، تمام کشور ما یکپارچه به جنگ مشغولند، به همراهی با ارتش و همراهی با قوای مسلحه مشغول هستند و شاید هر روز یا اکثر روزها جوان‌هایی اینجا بیایند و با گریه بخواهند که عازم به جبهه‌ها بشوند برای شهادت، حتی پیرمردهای ضعیف هم این آرزو را دارند و بچه‌های نارس هم این آرزو را دارند و این برای این است که در این کشور، اسلام حکومت می‌کند و حکومت این کشور حکومت بر ابدان نیست، حکومت بر قلوب است. قلوب مردم با کسانی که در این کشور حکومت می‌کنند همراه است و ملت است که حکومت می‌کند. ۲۰۳

کوشش کنید که قلوب مردم را بدست آورید

شما آقایان کوشش کنید، شما سران کشورها کوشش کنید و به دیگر سران کشور هم سفارش کنید که آنها هم نظیر ایران حکومت بر قلوب مردم بکنند. اشکال مسلمین این است که در بسیاری از حکومت‌ها، حکومت بر ابدان است آن هم با فشار و لهذا موفق نیستند. اگر ما حکومت بر ارواح بکنیم و سران کشورهای اسلامی حکومت بر ارواح بکنند و قلوب ملت‌ها را به دست بیاورند، با این کثرت جمعیت و با این مخازن زیاد اینها آسیب‌پذیر نخواهند بود، و بر همه کشورهایی که بخواهند به آنها تعدی کنند، مقابله می‌کنند. و هیچ کشوری با ملت‌ها نمی‌تواند مقابله کند، کشورها با دولت‌ها مقابله می‌کنند و با ارتش‌هایی که قلوب مردم با آنها نیستند. شما کوشش کنید و به دوستان خودتان بگوئید که کوشش کنند که قلوب مردم را به دست بیاورند همانطوری که در صدر اسلام قلوب مردم متوجه به حکومت بود. حکومت صدر اسلام، حکومت بر قلوب بود و لهذا با جمعیت‌های کم بر امپراطوری‌های بزرگ غلبه کردند. شما که، الان بحمدالله جمعیت مسلمین قریب یک میلیارد است و چرا باید با اینکه

یک میلیارد جمعیت ما داریم قدس ما را صهیونیست‌ها ببرند و حکومت‌های دیگر را هم در تحت سلطه قرار بدهند در صورتی که اینها اگر با هم مجتمع باشند، حکومت بزرگی خواهند بود. هر کدام در محل خودشان حکومت بر محل خودشان و همه با هم زیر بیرق اسلام باشند و انشاءالله من امیدوارم که این نصیحت را بپذیرید که این صلاح دین و دنیای شما و ما و مسلمین است. ۲۰۴

کاری بکنید که مردم به شما محبت کنند

امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را اینطور حساب نکنید. رژیم‌های سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند. آنها در یک طرف بودند، مردم هم در یک طرف بودند. آنها مردم را می‌کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می‌توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند. ۲۰۵

اگر مردم پشتیبان حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت اینکه رژیم سابق از بین رفت برای اینکه پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می‌کردند با اینکه در خطر بودند، جانشان در خطر بود، لشکر غیر بود، لشکر اجنبی بود، لشکرهای اجنبی بودند ریختند به ایران ولی چون رضاخان را بردند، مردم خوشحالی می‌کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم این مرد هم که رفت که دیدید که چه شادها کردند برای اینکه پشتیبان نداشتند. کاری نکنید که مردم بگویند که ای کاش نبود این پاسدار، کاری نکنیم که مردم بگویند ای کاش روحانیتی در کار نبود. مسأله مهم است. قضیه این نیست که من ساقط باشم، قضیه این نیست آقا ساقط باشند، قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز اینطوری است وضع ما، همه انشاءالله با هم متوجه به اسلام و وظائف. ۲۰۶

این مردم خوب را با خودتان همراه کنید

در هر صورت ما برای خاطر حفظ یک کشوری، برای خاطر استقلال یک کشوری که باز یک قدرت هائی نیابند دوباره در کشور ما و بخواهند چه بکنند، باید مردم را نگه دارید. هر کدام در هر جا که هستید مردم را همراه خودتان نگه دارید و مردم را با هم جوش بدهید یعنی صحبت هائی که می‌کنید، در مجالسی که مردم دارند، بروید صحبت کنید برای مردم و مردم را آگاه کنید که این بساطی که فرض کنید که بعضی از روشنفکرها می‌خواهند درست بکنند، این بساط، بساطی است که اگر اشتباه کرده‌اند خوب، اشتباه است یا اگر یک نقشه‌ای در کار هست که یک همچو کارهایی بشود، نقشه‌اش را به هم بزنند، مردم با هم باشند. آقا مردم تا حالا در این چند سال آخر که چقدر اینها زحمت کشیده‌اند، مردم خیلی خوبند، مردم ما واقعا خوبند شاید نظیر ملت ایران در هیچ جا نباشد، ماها بدیم، آنها خیلی خوبند. من گاهی در ذهنم این معنا می‌آید که اگر چنانچه در آخرت - من خودم را می‌گویم - من جهنم بروم آن کسی که برای من یک کاری کرده، به خیال اینکه من آدم هستم برای من یک کاری کرده است در بهشت باشد، می‌گویند بهشت مشرف به جهنم است، می‌بینند آنها را، خوب من چه جواب بدهم به او، اینها به من بگویند که ما برای تو مثلاً (الله اکبر) گفتیم تظاهر کردیم تو جوری بودی که رفتی جهنم و ما برای خاطر تو بهشت رفتیم تو خودت ملعون

بودی ، رفتی جهنم . این مردم خوبند ، این خوب ها را نگه دارید ، این مردم خوب را با خودتان همراه کنید . ۲۰۷

حالی کنید به مردم که خدمتگزارید

وقتی تمام استان ها ، اشخاصی که در استانداری هستند ، تمام استاندارها بنا را بر این بگذارند که کارهای خودشان را خوب انجام بدهند ، در خدمت مردم باشند ، حالی کنند به مردم که حکومت اسلامی ، حکومت خدمت است ، پیغمبر اکرم خدمتگزار مردم بود با آنکه مقامش آن بود ولی خدمتگزار بود ، خدمت می کرد . آن قصه مالک اشتر را من کرارا گفته ام : عبور می کرد از یک جایی ، سردار اول اسلام بود ، از یک جایی عبور می کرد یک کسی شناخت و یک فحشی داد ، یک چیزی گفت ، وقتی رد شد آن کسی که آنجا نشسته بود گفت : تو او را شناختی ؟ گفت نه . گفت : مالک اشتر بود ، دوید مردک ، دید رفته مسجد ، رفته مسجد نماز می خواند ، رفت عذرخواهی کرد . گفت : من نیامدم مسجد الا اینکه برای تو طلب مغفرت بکنم ، این یک کلمه ببینید چه می کند با قلب آن آدم . ۲۰۸

جلب نظر مردم از اموری است که لازم است

باید طوری بشود که اگر شما با هم اختلاف کردید ، مثل اختلاف دو تا مجتهد باشد در مسائل ، اختلافی باشد که دو مجتهد با هم دارند . آن اختلاف اگر باشد ، پیش مردم هم مقبول است ، پیش شورای نگهبان هم مقبول می شود . و اما اگر بنا باشد که یکی اش از یک طرفی بیفتد که شورای نگهبان بگوید این خلاف اسلام است ، شورای نگهبان نمی گوید که این خلاف فتوای من است یا خلاف فتوای زید است ، او می گوید خلاف اسلام است ، اگر اینطور بشود و تکرار بشود ، این خطری است برای شما و برای همه و اگر دولت هم بخواهد اینطور مشی که گاهی وقت ها می شود ، این را ادامه بدهد و مردم را در فشار قرار بدهد ، بازار را در فشار قرار بدهد ، بداند که فاتحه آن دولت هم خوانده خواهد شد . جلب نظر مردم از اموری است که لازم است . پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می کرد ، دنبال این بود که مردم را جلب کند ، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق . شما هم باید دنبال همین معنا باشید ، دولت باید دنبال همین معنا باشد ، ارتش باید همین معنا را داشته باشد ، پاسدارها باید همین طور باشند . اگر خدای نخواستہ بعضی از پاسدارها جوانی بکنند و یک کاری که برخلاف موازین است انجام بدهند ، اگر این تکرار بشود خدای نخواستہ چشم مردم از آنها ، رای مردم از آنها برمی گردد و مورد سوال واقع می شوند و این مصیبت است . شما گمان نکنید که قدرت نظامی شما را نگه داشته است ، قدرت ایمان شما را نگه داشته است و پشتیبانی ملت ها ، ملت . این را باید ، این پشتیبان را باید حفظش بکنید . اگر این پشتیبان خدای نخواستہ یک وقتی از دست ما برود ، همه از بین خواهیم رفت و اسلام هم دستخوش باز یک مسائل دیگر می شود . ۲۰۹

فتح قلوب بالاتر از فتح کشورهاست

اگر بخواهید مملکت تان مال خودتان باشد و مال خود این ملت باشد ، باید این ملت را به همان گرمی ای که هست نگه دارید و تخیل اینکه ما یا به شرق متمایل باشیم یا به غرب متمایل باشیم این در ذهنتان اصلا دیگر وارد نشود و نگذارید در ذهن کسان دیگری که با شما تماس دارند یا ملت ، وارد بشود ، اینها را همین طور منسجم نگه دارید . یک ملت اصلا نظیر ندارد این ، اگر زمان محمدرضا یک جنگی واقع می شد ، آن در مثلا فرض کنید در اهواز واقع می شد ، در خراسان برایش زن ها نان می پختند ؟ ! دعا می کردند که انشاءالله شکست بخورد ، حالا وضع اینطوری است . در کجای دنیا شما سراغ دارید یک همچو مطلبی یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت ، از ارتش ، سراغ نداریم ما جایی در این ، نظیر نداشته است این ، در تاریخ هم نمی توانید پیدا

بکنید، از بچه های کوچکی که ده تومان دارند می دهند به، برای ارتشی که آنجا، قوای مسلحه ای که آنجا کار می کنند با آن پیرزن هشتاد ساله ای که چند تا تخم مرغ دارد، این ارزش دارد، ارزش اینها زیاد است اما باید حفظ کنیم این ارزش را. پیروزی مملکت ما برای همین ارزش هاست، این پیروزی قلوب، بالاتر از پیروزی کشور است. از قلوب اینطور، اینطور فتح قلوب بالاتر از فتح کشورهاست، این را حفظش بکنید و دائما در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این مردم ما را به این محل رساندند و ما برای آنها باید خدمت بکنیم. ۲۱۰

باید جوری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند

رئیس جمهور باید فکر بکند که این مردم کوچه و بازار من را از پاریس آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند، من باید خدمت بکنم به مردم. نخست وزیر باید فکر همین معنا باشد که این مردم بودند که من را از حبس ها و زجرهای آنجا بیرون آوردند و نخست وزیر کردند، من باید خدمت به آنها بکنم. شما آقایان هم همین طور، هر کدام که در آنوقت زجر کشیدید و حبس رفتید همین ملت شما را نجات داده است، هر کدام هم که نبودید، اصلش مملکت یک حبسی بود، تمام کشور یک زندانی بود برای همه، بنابراین آن چیزی که اساس است در این مملکت، هم سیاست اقتضا می کند، هم دیانت اقتضا می کند، هم انصاف و وجدان اقتضا می کند، این است که این خدمتگزارهایی که مجانی برای شما دارند خدمت می کنند و برای حکومت دارند خدمت می کنند، اینها را ارجشان را بدانید و بدانید که اگر خدای نخواستہ این پیوند سست بشود و گسسته بشود، خدای نخواستہ کار همان است که اول بود، حالا- نشود چند وقت دیگر، چند وقت دیگر از حالا باید این بنیان محکم باشد، این بنیان باید همیشه دنبال استحکامش باشید و این استحکام را هر کدام شما در محل تان عهده دارش هستید، یعنی یک تکلیف شرعی، وجدانی است که شما نگذارید در هر جایی که هستید آن کسانی که در زیر نظر شما وزیر- عرض کنم - حکومت شما هست به مردم بد سلوکی کنند، مردم را بپذیرید برای خودتان، بروید توی مردم، جدا نشوید از مردم. آنوقت اینطور بود که مردم را نمی پذیرفتند، جدا بودند از مردم. اگر محمدرضا می خواست از یک راهی برود، چند روز از قبلش باید همه آنجا را، خانه ها را کنترل کنند تا بتواند از آنجا عبور کند، این سلطنت نیست که، این ذلت است، اسمش را سلطنت می گذارند. باید جوری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند، الان اینجورند مردم، این را حفظش کنید، مملکتان با این ترتیب حفظ خواهد شد، هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می شود، حلالش خود مردم. ۲۱۱

پایگاه مردمی اساس استحکام نظام است

اگر ملت یک وقتی نارضایتی پیدا کرد، اگر امروز صحبت نکنند، چند روز دیگر صدایشان در می آید چند وقت دیگر صدایشان در می آید، آن روزی که ملت صدایش در بیاید دیگر نمی تواند یک قدرتی با او مقابله بکند. از این جهت باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که اینکه ملت را راضی می کند این است که ببیند که شهربانی برای آنهاست، نه شهربانی ضد آنهاست. در زمان طاغوت مردم شهربانی را، ارتش را، ژاندارمری را، دولت را تا برسد به خود آن آدم ضد خودشان می دیدند، اگر هم فرض کنیم یک شهربانی یا یک رئیس شهربانی بود که این موافق با ملت بود، نمی توانست عملی بکند که مردم احساس کنند که این موافق است و لهذا خوب و بدش در نظر همه مردم بد بود و آن پایگاهی که باید از آن اول تا آن آخر داشته باشد، در ملت آن پایگاه را از دست داد. وقتی بنا شد که پایگاه ملت از دست رفت و نتوانستند هم جوری بکنند که دوباره اعاده اش بکنند، این است که فرو می ریزد. این الان برای شما و ما و همه قشرهای دولت و ملت و خصوصا قشرهایی که قوای انتظامی هستند، این باید یک سرمشق و یک الگو باشد که ببینیم که یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد، این قدرت نمی تواند بایستد سرپای خودش

. یک قدرت ولو بزرگ نباشد ، اگر پایگاه ملی داشته باشد ، این غلبه می کند . ۲۱۲

با تواضع دل مردم را بدست آورید

کوشش کنید که پایگاه ملی برای خودتان درست کنید ، این به این است که گمان نکنید که شما صاحب مقام هستید ، منصب هستید و باید به مردم فشار بیاورید . هر چه صاحب منصب ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد ، مردم بفهمند که هر درجه ای که این بالا- می رود با مردم متواضع تر می شود . اگر یک همچو کاری شد و یک چنین توجهی به مسائل شد و یک همچو عبرتی از تاریخ برای ما شد ، هر قوه ای پایگاه ملی پیدا می کند و پایگاه ملی حافظ اوست ، حفظ می کند . او را شهربانی هر شهری اگر چنانچه در خدمت مردم باشد ، اینطور نباشد که مردم وقتی اسم کلانتری را بشنوند ، بلرزد به خودشان ، وقتی بخواهند بروند طرف کلانتری مثل اینکه طرف حبس دارند می روند یا طرف کشتارگاه می روند ، خیال کنند دارند طرف منزلشان می روند و طرف جایی می روند که عدالت در آن هست ، جایی می روند که ظلم در آن نیست ، جایی می روند که با مردم دوست هست ، نه دشمن ، اگر اینطور شد ، دل‌های مردم متوجه می شود . مردم زود راضی می شوند ، مردم نفوس شان اینطور است که زود راضی می شوند ، یک نوازش از یک نفر صاحب منصب برای مردم کافی است که تا مدت ها اینها دلشان راضی باشد از او . کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید . ۲۱۳

رضای ملت ، رضای خدا

پایگاه پیدا کنید در بین مردم . وقتی پایگاه پیدا کردید ، خدا از شما راضی است ، ملت از شما راضی است ، قدرت در دست شما باقی می ماند و مردم هم پشتیبان شما هستند . اگر یک کسی بیاید بخواهد به شما یک تعدی بکند ، ملت به او حمله می کند . به خلاف اینکه اگر مردم دیدند که اینها با آنها نیستند ، اینها دشمن آنها هستند ، اگر یک کسی بیاید ، یک دزدی بیاید بخواهد به شما حمله کند ، آنها کمکش هم می کنند . این یک مطلبی است که الان ما از این تاریخ موجودی که بر ما گذشت باید عبرت بگیریم و بدانیم که اگر پایگاه داشت این مرد بین مردم ، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضاء مردم ، هرگز این قدرت به هم نمی خورد ، هرگز مخالفت با او نمی شد لکن مع الاسف همه قدرتش را روی هم گذاشت بر ضد مردم ، به طوری که اگر می رفت به زیارت حضرت رضا ، هر که می شنید می گفت که دارد حقه بازی می کند ، اگر قرآن طبع می کرد و بین مردم منتشر می کرد دست هر کس می آمد می گفت که این برای مثل قرآن معاویه است . این برای این است که عمل نشان نداد به مردم ، یک عملی که با آن عمل بتواند پایه برای خودش درست بکند . او آن قدرت بالا بود ، فرق نمی کند ، شما هم که در کاشان هستید و در آنجا یک اداره ای دارید ، همین معنا در آنجا هم جاری است ، آن برای همه ملت بود ، شما برای ملت کاشان هستید ، قم هم برای قم هست ، تهران هم برای تهران هست . این یک مسأله کلی است برای همه ما که فکر این باشیم - که برای ملتمان - بفهمد ملت که خدمتگزار ملت هستیم ، ملت ادراک کند که ما خیر او را می خواهیم ، وقتی آن را ادراک کرد که ما همه خیر ملت را می خواهیم ، ملت هم پشتیبان ماست . انشاءالله خدا همه شما را حفظ کند . همه موفق باشید و همه خدمتگزار باشید و در این خدمتگزاری بدانید که هم رضای خدا را تحصیل کردید و هم رضای ملت که رضای خداست تحصیل کردید . خداوند به همه شما توفیق عنایت کند . ۲۱۴

خائن ها چون می ترسند از مردم ، محیط رعب ایجاد می کنند

این طاغوت ها که محیط رعب ایجاد می کنند برای این است که خائن هستند ، می ترسند از مردم ، چون می ترسند از مردم یک

محیط رعب ایجاد میکنند که مبادا مردم احقاق حق بخواهند بکنند، لکن ارتش اسلامی از باب اینکه خیانت نکرده به مردم، عدالت کرده است، خدمت کرده است، برای خدمت آمده است، چون برای خدمت آمده است، خیانت هم نکرده هیچ خوفی از مردم ندارند مردم هم از آنها خوف ندارند. در عین حالی که مردم پشتیبان اینها هستند، از آنها خوف ندارند. مثل پشتیبانی یک برادر از برادر است. اگر چنانچه ملت پشتیبان شما باشد بهتر است یا اینکه ملت پشت بکند به شما و شما تنها بمانید و بخواهید هی با تانک و توپ و سرنیزه و خونریزی کار انجام بدهید؟ اگر این آدم که هنوز سی و چند سال حکومت کرد بر اینجا اگر - دست - یک دستی به ملت دراز کرده بود قبل از اینکه وقت گذشته باشد (این آخر دستش را دراز کرد لکن این دست غلط بود) اگر این نصیحت روحانیون را پذیرفته بود و توجه به ملت کرده بود و خدمت کرده بود به ملت، سقوط می کرد؟ ملت پشتیبانش بود، سقوط نمی کرد. همین ملتی که با فریاد (مرگ بر شاه) قیام کردند اگر آنوقت یک - فرض کنید که - جبهه ای بر خلاف آن می شد همان وقت مردم با زنده باد شاه می آمدند جلو. من این معنا را به او تذکر دادم که من یادم هست که وقتی که متفقین از اطراف ریختند به ایران و ایران را قبضه کردند و مردم بر همه چیزشان میترسیدند لکن وقتی که اطلاع رسید که رضاخان را فرستادند و فرار کردند، مردم شادی می کردند. من به این آدم پیغام دادم کاری نکن که وقتی تو بروی مردم شادی بکنند و این نشنید و وقتی که رفت دیدید که مردم چه کردند، چقدر شادی کردند. ۲۱۵

باید کاری کنید که محبت مردم را جلب کنید

آقا کاری باید بکنید که محبت مردم را جلب کنید. این، هم رضای خدا در آن هست، هم راحتی خودتان در آن هست و هم برای کشورتان مفید است. اگر بنا باشد که ارتش جوری باشد که مردم از آن بترسند و پشت به او بکنند، این برای ارتش، خودش بد است، ارتش باید خدمت به ملت بکند، باید خدمت به کشور بکند همان طوری که در صدر اسلام بوده است که ارتش اسلام مردم از آنها خوفی نداشتند مردم با هم رفیق و برادر بودند. رئیس اول اسلام هم اینطور بود که با مردم معاشرت می کرد مثل معاشرت یک نفر آدم با یک نفر دیگر، مثل دو نفر برادر که اینجا نشسته بودند. پیغمبر اکرم که رئیس اسلام بود در مسجد می آمدند می نشستند و رفقایشان هم اصحابشان هم دورشان می نشستند با هم، جوری بود جلسه که وقتی یک کسی می آمد از خارج، نمی شناخت که اینها کدام یکی پیغمبرند کدام یکی غیر پیغمبر، می پرسید که کدام یکی تان هستید، وضع اینطوری بود، اینطور با جامعه رفتار، اینطور با مردم رفتار می کردند. اینطور نبود که وقتی که وارد می شود هزار تا پرده جلو باشد و بعد هم باید دید کجا بنشینید و سان بدهند و چه، این حرف ها نبود در کار. از آن طرف اینطور، از آن طرف قدرت اینطور بود که ایران را، آن امپراطوری بزرگ ایران را شکست دادند، آن امپراطوری بزرگ روم را هم شکست دادند، در عین حالی که وضع یک وضع ساده ای بود، بین خودشان به دستور قرآن رحمت بود و بر دیگران شدت. ۲۱۶

عقل اقتضا می کند که با مردم رفتار اسلامی داشته باشیم

در هر صورت عمده این است که همه ماها بدانیم که مسؤل هستیم پیش خدای تبارک و تعالی و همه بدانیم که عقل هم اقتضاء می کند که به همانطوری که اسلام دستور داده با مردم رفتار بشود، حکومت ها همانطور رفتار بکنند. وقتی که در صدر اسلام مامورین را می فرستادند، همان که سردار بود، همان که استاندار بود امام جماعت هم بود یعنی اینقدر مورد اعتماد مردم بود و مردم او را به عدالت می شناختند که به او اقتدا می کردند و با او نماز می خواندند و همان هم جنگ می رفت و مردم هم به او احترام می کردند. اگر یک همچو چیزی بشود و ما بتوانیم که یک دستگاه دولتی ای که دولت اسلامی باشد، با مردم باشد. شما الان الحمدلله تا یک حدودی پیش رفته است این. می دانید که ارتش همچو با مردم دور بود که در یک جمعیتی ارتش وارد نمی

شد برای اینکه اگر می آمد تا او می آمد مثل اینکه لشکر مغول حمله کرده مردم می رفتند کنار و اگر مردم می خواستند بیایند توی اینها با سرنیزه کنارشان می کردند اینجور بود وضع ، حالا ما اینجا هر چند روز یک دفعه یک عده ای از ارتش می آیند ، یک عده ای از ژاندارمری می آیند ، یک عده مردم دیگر ، همه مردم مخلوط به هم ، داخل در هم و همه با هم مخلوط و همه با هم یکصدا و همه اظهار اسلام ، اظهار اطاعت به احکام اسلام می کنند و این چقدر خوب است من به آنان می گفتم که شما حالا برایتان بهتر است که با دل راحت اینجا نشسته اید و نمی ترسید که کسی شما را اذیت کند و مردم هم نمی ترسند که شما اذیتشان کنید ، حالا وجدان شما راحت تر است یا آنوقتی که می ریختید و با سرنیزه مردم را ، خود آن آدمی هم که سرنیزه می کشد ناراحت است و وجدانش ناراحت است ، نمی شود انسان اینطور باشد . بله ، ممکن است یک وقت یک کسی اینقدر جنایت بکند که عادی بشود برایش ، لکن مردم عادی نمی توانند . این ارعابی که اینها ایجاد می کردند برای این بود که از ملت می ترسیدند . اصلا اساس ، ارعاب مردم و ترساندن مردم و عرض بکنم که دور کردن مردم از خودشان ، اساس این بوده است که اینها از بس که به مردم تعدی کرده اند ، از مردم می ترسند . حالا که از مردم می ترسند چه بکنند که مامون باشند ؟ ایجاد رعب می کردند ، می ریختند - عرض بکنم که - توی مردم یک بساطی درست می کردند که مردم از آنها بترسند ، این مردم از آنان بترسند ، برای حفظ خودشان بود . خودشان به مردم بد کرده بودند ، حالا اینطور می کردند که بترسند . ۲۱۷

جدیت کنید با مردم رفتارتان خوب باشد

این شاه سابق جرات نمی کرد بیاید توی مردم ، هیچ امکان نداشت برایش که بیاید با مردم بنشیند . دوگل بود که آمده بود اینجا ، رفته بودند نزدیکی های بازار و با آنهمه حفاظت و اینها ، دوگل پیاده شده بود رفته بود توی جمعیت ، برای اینکه او نمیترسید از جمعیت ایران ، شاید در جمعیت خودش هم آنجا نمی ترسید . وقتی که اینطور بشود که بتواند یک سلطان مملکت ، فرض کنید یا یک نخست وزیر مملکت بتواند برود توی مردم ، با مردم باشد ، صحبت بکند ، حرف بزند ، چه بکند ، وقتی اینطور باشد خوب اساس به احترام ... حکومتی اش اضافه اینکه مردم پشتیبان او هستند ، مردم او را چون پاسبان خودشان می دانند پشتیبانشان هستند اما وقتی که بگویند پاسبان عقرب است و میزند آدم را ، به اسم پاسبانی اخاذی می کند ، مردم را می چابد خوب این دیگر معلوم است که مردم به او بدبین می شوند . اگر دیدند که روسای مالیه مثلا ، اینها یک قدری مالیات می گیرند یک قدری هم زیادت از مالیات برای خودشان ، یک قدری هم مامورشان می رود چه می کند ، مردم حتی الامکان مالیات نمیدهند ، حتی الامکان بتوانند از زیر بارش فرار می کنند اما وقتی دیدند آنکه آمده است برای حفظ خودشان و برای حفظ مملکتشان و برای حفظ دارایی شان ، برای حفظ جانشان اینها دارند زحمت می کشند ، خوب قهرا آدم وقتی دید یک کسی به او کمک می کند به او محبت می کند ، آنوقت مالیات ها را با رضا و رغبت و با صورت گشاده به آنها می دهد . جدیت بکنید که با مردم رفتارتان خوب باشد . اینها بندگان خدا هستند ، با اینها رفتارتان خوب باشد . همه جا و همه کس همه مردم با هم جدیت بکنند که همه با هم خوب باشند ، یک محیط برادری ایجاد بشود . در مملکت اگر یک محیط برادری ایجاد شد ، محیطی که قرآن کریم می فرماید که مومنین اخوه هستند ، برادر هستند ، همه مومن ها با هم برادر هستند ، وقتی یک محیط برادری پیدا شد ، صلح و صفا پیدا شد دیگر اینطور ناراحتی ها و اینطور چیزها در کار بشود ، نمیشود . ۲۱۸

راههای جلب رضایت مردم

۱- جلوگیری از ایجاد نارضایتی مسأله دیگری که عرض می کنم این است که آقایانی که الان رای اعتماد گرفتند از مجلس و احساس می کنند که مسؤ ولیتشان زیادت شده است برای این که خوب رای دادند - این - رای بالایی مجلس دارد و من باید از

مجلس تشکر کنم راجع به این ، اینها باید حالا- فکر این معنا باشند که مردم را داشته باشند و یکی از راه هایش این است که وزارتخانه ها و ادارات یک جور باشد که نارضایی ایجاد نکند . به نظر می آید که اگر چنانچه در هر وزارتخانه ای از طرف - یا آقای رئیس جمهور یا فرض کنید که آقای نخست وزیر - یک چند ، دو سه نفری باشند برای این معنا که اگر چنانچه در آن اداره ، در آن وزارتخانه از خود اهالی وزارتخانه شکایت داشتند ، به اینها بگویند . این اصل - نفس این کار - موثر است در این که در وزارتخانه ها اگر بنا باشد یک کاری انجام بشود ، برخلاف نشود . شما می دانید که ما وارث - یک کسی هستیم - یک رژی می هستیم ، که سر تا پای اداراتش ، الایک عده ای ، دنبال این بودند که منافع خودشان را حفظ کنند و دنبال این بودند چه بکنند . از آنها ، هستند الان در جمهوری اسلامی ، نمی توانیم بگویم نیستند ، همه جا هستند و ممکن است که اینهایی که هستند بخواهند مردم را ناراضی کنند . اصل خطش این باشد که مردم را ناراضی کنند ، چه ، بهتر این است که مردم را در ادارات ناراضی کنند . اصل خطش این باشد که مردم را ناراضی کنند ، چه بهتر این است که مردم را در ادارات ناراضی کنند . فرض کنید یک نفر برود در یک اداره ای ، این جا کارش را خوب انجام ندهند ، این به او مراجعه کند ، آن به او مراجعه کند . من نمی گویم که هست این جور ، لکن متوجه باشید که مبادا یک همچو مسائلی واقع بشود . و بهتر این است که یک همچو عملی انجام بگیرد که مردم هم توجه به این داشته باشند که یک مرجعی دارند که اگر در اداره یک کسی - یک ضد انقلابی - بود ، خواست یک فضولی ای بکند ، یک مرجعی دارند که به آن مرجع بروند مراجعه کنند . و هم ، خود این عمل فی نفسه موثر در این است که جلوگیری کند از بعضی از امور . و بالاخره ما مردم را لازم داریم ، یعنی ، جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می خواهد . این مردمندها که این جمهوری را به این جا رساندند و این مردمندها که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر ، و این شما آقایان هستید که مردم را می توانید؛ وزارتخانه هایتان می تواند ، اداراتان می تواند راضی نگه دارد و می تواند - خدای نخواسته - اشخاصی در آن باشند که ناراضی باشند . و این را با قاطعیت عمل کنید . التزام شما ندارید که هر کس از سابق در این اداره بوده ، حالا اگر چنانچه ضد انقلاب هم باشد ، باید باشد . این را بیرونش کنید برود سراغ کارش ، اگر یک کسی است می خواهد ضد انقلاب باشد ، اما اگر کسانی هستند که از روی نادانی - از - چی خوب ارشادشان کنید ، توجیه شان کنید که کارها را انجام بدهند و مردم را ناراضی نکنند . در هر صورت ما باید دنبال این معنا باشیم که مردم را نگه داریم و همین طوری که آقایان می گویند بدون پشتیبانی مردم نمی شود کار کرد . ۲۱۹- عمل به موازین اسلامی راه به دست آوردن قلوب ملت این است ، دل مردم مسلم ، با اسلام به دست می آید . رگ خوابشان را ما فهمیدیم ، قلوب مسلمین را باید توسط اسلام جلب کرد الی الله تظمئن القلوب تمام قلوب دست خداست مقلب القلوب خداست به خدا متوجه شو تا دل های مردم به تو متوجه شود ، اهل علم این کاره است ، شما هم اینطور باشید ، نمی گویم عمامه بگذار ، می گویم آنچه را او درک کرده است تو هم ادراک کن . ما میگوئیم دولت ها باید مردم را خوب اداره کنند که مردم بفهمند دولت خیرخواه ملت است ولی اگر دیدند اینطور نیست می گویند کی باشد از بین برود . ای دولتها ، ای بیچاره ها فتح مملکت که چیزی نیست (آن را هم که الحمدلله ندارید) فتح قلوب مهم است ، اگر می خواهید بکنید ، اگر نخواستید نکنید والامر الیکم . ۲۲۰-۳ اخلاق و رفتار خوب شما نمی خواهید با زور موفقیت پیدا کنید شما می خواهید با اخلاق خوب و کردار خوب با مردم رفتار کنید تا پیش خدا و خلق آبرومند باشید و مردم را از خودتان بدانید و اگر تفنگ و اسلحه هم در دست شماست ، با اخلاق مردم را خاضع کنید و خضوع قلبی میزان است و اگر بتوانید قلب مردم را همراه خود کنید ، این چیزی است که پیش خداوند دوام و ثبات دارد من دعاگوی شما هستم . و امیدوارم انشاءالله به وظایف دینی و اسلامی و کشوری خودتان عمل کنید . ۲۲۱- سخت گیری نکردن با مردم مسأله دیگر رفتار نهادها با مردم است . باید حرکت ما به صورتی باشد که مردم بفهمند که اسلام برای درست کردن زندگانی دنیا و آخرت آمده است تا ملت احساس آرامش کنند . این که آمده است الاسلامیجب ماقبله این یک امر سیاسی است . اسلام دیده است اگر بخواهد با کسانی که تازه مسلمان شده اند ، سختگیری کند ،

هیچ کس به اسلام رو نمی آورد. جب ماقبل کرده است و از آنچه در قبل کرده اند، گذشته است. در جایی دیدم کمیته صنفی گفته است تمام اصنافی که از چند سال قبل از انقلاب گرانفروشی کرده اند باید بیایند و مجازات شوند. این برخلاف اسلام و رضای خداست ما باید این قدر سخت نگیریم و به فکر مردم باشیم. مردم ما خیلی زحمت کشیده اند، مردم عادی غیر از طبقه مرفه هستند، مردم عادی ما اسلام را پیاده کرده اند و تمام زحمات حکومت را متحمل می شوند. پس ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند. البته فاسدین را رها نکنید، اما این که این فرد با کی عکس انداخته است یا اسمش در کجاست و یا به استقبال چه کسی رفته است، نباید به این سبب‌ها برای مردم ناراحتی درست کرد. در قرآن هم کارها به تدریج انجام گرفته است. ما چهل و چند میلیون هستیم که اگر با هم باشیم مطمئناً نه شوروی و نه آمریکا هیچ کاری نمی توانند بکنند. پس باید مردم را حفظ کرد. مجلس، دولت، شورای نگهبان و بقیه باید دست در دست یکدیگر بگذاریم تا ایران و این جمهوری را حفظ کنیم. ۲۲۲-۵ جبران تلخیهای رفتار نظام سابق بحمدالله انقلاب این جدایی را از میان برداشت. ایران امروز یک گروه و یک حزب الهی شده است و دولت و قوای نظامی و انتظامی و روحانیون و همه اقشار مردم در یک صف واحد و طولانی قرار گرفته و می خواهند به اسلام و مردم خدمت کنند. و شما هم باید کاری بکنید که آن ذائقه تلخی که مردم در گذشته از دیگران داشته اند به ذائقه شیرینی مبدل سازید، که اگر چنانچه خدای نخواستہ مشکلی برایتان پیدا شد، همین مردم کوچک و بازار بیایند و مشکل شما را رفع کنند، که الان هم بحمدالله وضع همین طور است. چون مردم احساس شان این است که همه چیز از خودشان است و هیچ چیز را غریبه نمی دانند و شما را فرزندان خودشان می شناسند. پس شما باید به وظیفه فرزندى خود و آنها هم به وظیفه پشتیبانی و پدری عمل کنند. و مطمئن باشید تا این نعمت هست شما قوی و قدرتمند هستید و هیچ قدرتی نمی تواند شما را از بین ببرد، خدا هم شما را تایید می کند. ۲۲۳-۶ شرکت دادن مردم در کارها وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می کنند و این به این است که همه وزارتخانه‌ها، هر کسی که متصدی یک وزارتخانه است، وزارتخانه خودش را بنابراین بگذارد که اصلاح کند به نفع مردم، به جوری که مردم وقتی که در آن وزارتخانه وارد می شوند با رضایت خاطر، با اطمینان خاطر بیرون بیایند. اگر این طور بشود، بلا اشکال مردم حاضرند. مردم، مردم خوبی هستند. ما از مردم تشکر باید بکنیم، ما همه مرهون آنها هستیم. عمده این است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل بکنیم و باید ما از مرحله لفظ و شعار بیرون برویم و به مرحله عمل برسیم یعنی هر وزیری در وزارتخانه خودش واقعا بین خودش و خدا، خودش را موظف بداند به این که آن پرسنل آن جا را، هر کس در تحت نظر او هست، آنها را بسیج کند به این که با مردم رفتار خوب بکنند و با مردم رفتار سالم داشته باشند. و همین طور شرکت دادن مردم را در امور، این را کرارا گفتم، شما هم خودتان گفتید که یک کشوری را که بخواهید اداره بکنید، یک دولت تا شرکت مردم نباشد نمی شود اداره صحیح بشود. وقتی بنا شد که مردم شرکت کردند در کارها، شما شرکت دادید مردم را، آنهايي که الان خدمت می کنند و سابق هم خدمت کردند به شما، به ما، به همه، به اسلام و شما را رساندند به این جا، آنها را کنار نگذارید، رد نکنید، آنها را وارد کنید در کار. وقتی وارد کردید در کار و آنها دیدند که شما می خواهید همکاری کنید با آنها، آنها هم همکاری می کنند با شما و بی همکاری امثال بازار، کارگرها نمی دانم زارعین، بدون این قشرهای مختلفی که هستند کار از پیش نمی رود، باید آنها هم وارد باشند در کار و کمک کنند، کارهایی که آنها می توانند انجام بدهند، انجام بدهند مثلاً، بازرگانانی که می توانند کارهای، بازرگانان متعهد، نه هر چیز، آنهايي که در صدد اینند که برای کشور خدمت بکنند، آنها را دستشان را باز بگذارید خدمت بکنند و دنبال این نباشید که هی هر چیزی را دولتی اش کنید. نه، دولتی در یک حدودی است، آن حدودی که معلوم است، قانون هم معین کرده ولیکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید، در کارخانه‌ها خیلی نظارت بکنید به این که هیچ اجحافی به کارگرها در آن جا نشود کارمندان خودتان را، همه اینها را وقتی که با هم بکنید و محبت ببینند از شما، عمده این است که روح محبت از شما ببینند، وقتی

دیدند شما محبت به آنها دارید، آنها هم به شما محبت پیدا می‌کنند، یک امر طبیعی است این معنا. و من امیدوارم که این امر متحقق بشود و ما شاهد این باشیم که بعد از یک چند ماهی رضایت همه قشرها را به دست آورده باشید. و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همان طوری که شما می‌خواهید خدمت بکنید، مردم هم همه به شما خدمت بکنند. ۲۲۴

۱۱ - خدمت‌گزاری و مردمی بودن

شرط عدم جدایی ملت از مسؤلین، خدمت‌گزاری به مردم است

دولت و همه ارگان‌های دولتی که شما آقایان هم در هر استانی در راس هستید، باید فکر این مسائل را، این تاریخ آخر این زمان‌ها را یک قدری مطالعه کنید. نه آن تاریخی که برای شاه نوشتند آنها تاریخ نیستند، آنها دروغ هستند، مشاهده کنید و کارهای اینها را ببینید و ببینید که چرا ملت از اینها جدا بود چرا کارشکنی می‌کرد ملت؟ من یادم است این را، شاید خیلی شما یادتان است اینها هم خیلی هایتان یادتان است که وقتی این متفقین از اطراف ریختند به ایران و زمان رضاخان ریختند به ایران و آن مردم آنقدر خوف داشتند از اینها که آیا چه خواهند کرد لکن خوشحال بودند از اینکه رضاخان را بردند، یکی از برکات این هجوم را با اینکه همه اشکالات را مردم در نظرشان این بود که چه خواهد شد و چه خواهند کرد، لکن این معنا مثل اینکه یک هدیه ای بود آسمانی برای اینها رسیده بود که رضاخان رفت و مع الاسف آنوقت اشخاصی که خود ملت یک راءسی که بتواند آنها را جمع بکند، نبود که پسر رضاخان را آنها گذاشتند اینجا و در صورتی که اگر آنوقت در دو سه تا شهر تظاهر می‌شد به ضد، نمیگذاشتند او را، لکن هیچ کس حرف نزد تا اینکه آن خوف سابق بود و ریخته نشده بود آن خوف، از این جهت مردم جرات نمی‌کردند، کسی هم نبود که آنها را وادار کند به یک همچو مسائلی، شاید اگر مرحوم مدرس در آنوقت بود، آن کار را میکرد لکن کسی نبود که این کارها را بکند. این قصه‌ها که من برای شما می‌گویم خیلی هم خودتان می‌دانید، این راهی است برای همه شماها و همه کسانی که دست اندرکار هستند و امور مملکت را می‌گردانند به هر جوری که هست که بفهمند که حکومت‌ها از بالا گرفته، رئیس جمهور گرفته تا آنجاهائی که در ده، یک نفری، فرض کنید بخشدار است اینها باید در خدمت ملت باشند. اگر اینها در خدمت ملت نباشند باز کم کم همان خواهد شد که در زمان آنها شد. حالا بدتر از آنوقت است، برای اینکه حالا مردم دیگر آن خوف را ندارند از هیچ کس. اینها تا آمدند خوف ایجاد کنند، یکی دو نسل بعدش شاید ثمر برسد، خیال نکنند که مثلا اگر بخواهند یک نفر یا چند نفر دیکتاتوری بکنند در این نسل، می‌شود، نه نمی‌شود. این یک مطلبی است که اگر حالا پایه اش ریخته شد، در دو نسل دیگر آنوقت نتیجه گرفته می‌شود یعنی اینها کارش را میکنند، آنها نتیجه اش را می‌گیرند. از این جهت ما باید درست همه ملت و همه استاندارها و همه کسانی که دست اندرکار هستند اینها، مواجهه با ملت اینطور نباشد که در آنوقت بود که یک بیچاره ای اگر می‌خواست استاندار را ببیند نتواند تا آخر، یک کسی که به او ظلم شده است اگر می‌خواست حکومت یک شهری را ببیند، فرض است که استاندار یک - فرض کنید - ناحیه باشد اصلا قدرت این را نداشت که، همچو جراتی به خودش نمی‌داد که من بینم ایشان را. جرات نبود یک همچو چیزی، نمی‌شد یک همچو چیزها، از این جهت عقده‌ها در دل مردم همین طور انباشته شد تا یک وقتی که آن عقده‌ها باز شد و آن کار را انجام دادند. ۲۲۵

باید لفظا و عملا به مردم حالی نمود که ما خدمتگزاریم

ماها باید متوجه این مسائل باشیم که حالا اینکه دست شما آقایان آمده است حکومت و دست بالاتری آمده است حکومت خوی مثلا، توجه به این معنا باشد که باید اینها در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم، حالی کنند لفظا، حالی

کنند عملا. در عمل اینطور باشد که مردم ببینند که این استانداری که آمده است در اینجا، آمده است خدمت کند به مردم، مشغول خدمت به مردم است و وقتی مردم ببینند که کسی مشغول به خدمت است دیگر دعوا ندارند با او، دعوا آنجا پیدا می شود که ببینند آمده است که مردم را داغ کند، آمده که با هر وسیله ای اخاذی بکند، آمده است قدرت خودش را تثبیت کند. وقتی مردم ببینند که یک نفری می خواهد قدرت خودش را تثبیت کند، مردم با او مخالف می شوند و حالا هم می گویند مردم، مثل آنوقت نیست که عقده بشود، حالا دیگر عقده ها شکافته شده است، حالا دیگر اجازه نمی دهند به کسی که بخواهد این کارها را بکند، این جز آبروریزی خود آنها چیز دیگری بار نمی آورد. آدم عاقل فرضا اگر یک نفری باشد که در باطنش یک دیکتاتوری باشد، خوب، در شرق تقریبا اینجوری هست، خیلی، غرب هم هست، همه جا هست، انسان اینجوری است. بر فرض اینکه باشد لکن باید اگر عقل دارد این را حالا ذخیره کند برای یک وقتی که اگر وقت باشد، نه برای - هم - (حالا) عجله نکنند در کار، این عجله اسباب این است که انسان را از بین ببرد. در هر صورت من عرضم به آقایان این است که منحصر به شما هم نیست، به هر کس که هست این است که توجه کنید به اینکه هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید، مردم احساس کنند که اینها دوست های آنها هستند که آمده اند برای اینکه مثلا فرض کنید که ژاندارمری مثل آنوقت نباشد که مردم از ترس او نمی توانستند عبور کنند نه از دست دزدها، مثل عرض می کنم که شهربانی نباشد که مردم از ترس آنها نمی توانستند اظهار بکنند که یک کسی به ما چه کرده است. شاید شما آنوقت در شهربانی نرفته باشید یا رفته باشید شاید هم، در این کلانتری ها که مردم کار داشتند عزا می گرفتند. اگر می خواستند بروند توی کلانتری، آیا چه خواهد شد؟ یک مظلومی می خواهد برود آن چیزی که به او شده است آن ظلمی که شده است به اینها بگوید، عزا می گرفتند چطور ما برویم توی اینجا، این مثل از حبس بدتر بودند اینها، اینها یک چیز عجیبی بود، یک ارباب عجیبی کرده بودند، بنابراین بود که ایجاد خوف بکنند در مردم، ارباب کنند مردم را که کسی در ذهنش هم نیاید که مخالفت کند. این بساط بنابراین بوده است، حالا یا تعلیم بالاترها بوده است یا خودشان، شیطنت خودشان. در هر صورت ما برای خاطر حفظ یک کشوری، برای خاطر استقلال یک کشوری که باز یک قدرت هائی نیابند دوباره در کشور ما و بخواهند چه بکنند، باید مردم را نگه دارید. هر کدام در هر جا که هستید مردم را همراه خودتان نگه دارید و مردم را با هم جوش بدهید یعنی صحبت هائی که می کنید، در مجالسی که مردم دارند، بروید صحبت کنید برای مردم و مردم را آگاه کنید که این بساطی که فرض کنید که بعضی از روشنفکرها می خواهند درست بکنند، این بساط، بساطی است که اگر اشتباه کرده اند خوب، اشتباه است یا اگر یک نقشه ای در کار هست که یک همچو کارهایی بشود، نقشه اش را به هم بزنند، مردم با هم باشند. آقا مردم تا حالا در این چند سال آخر که چقدر اینها زحمت کشیده اند، مردم خیلی خوبند، مردم ما واقعا خوبند شاید نظیر ملت ایران در هیچ جا نباشد، ماها بدیم، آنها خیلی خوبند. من گاهی در ذهنم این معنا می آید که اگر چنانچه در آخرت من خودم را می گویم من جهنم بروم آن کسی که برای من یک کاری کرده، به خیال اینکه من آدم هستم برای من یک کاری کرده است در بهشت باشد، می گویند بهشت مشرف به جهنم است، می بینند آنها را، خوب من چه جواب بدهم به او، اینها به من بگویند که ما برای تو مثلا - (الله اکبر) گفتیم تظاهر کردیم تو جوری بودی که رفتی جهنم و ما برای خاطر تو بهشت رفتیم تو خودت ملعون بودی، رفتی جهنم. ۲۲۶

حکومت اسلامی حکومت خدمت است

این مردم خوبند، این خوب ها را نگه دارید، این مردم خوب را با خودتان همراه کنید. وقتی تمام استان ها، اشخاصی که در استانداری هستند، تمام استاندارها بنا بر این بگذارند که کارهای خودشان را خوب انجام بدهند، در خدمت مردم باشند، حالی کنند به مردم که حکومت اسلامی، حکومت خدمت است، پیغمبر اکرم خدمتگزار مردم بود با آنکه مقامش آن بود ولی

خدمتگزار بود، خدمت می کرد. آن قصه مالک اشتر را من کرارا گفته ام: عبور می کرد از یک جایی سردار اول اسلام بود، از یک جایی عبور می کرد یک کسی شناخت و یک فحشی داد، یک چیزی گفت، وقتی رد شد آن کسی که آنجا نشسته بود گفت: تو او را شناختی؟ گفت نه. گفت: مالک اشتر بود، دوید مردک، دید رفته مسجد، رفته مسجد نماز می خواند، رفت عذرخواهی کرد. گفت: من نیامدم مسجد الا اینکه برای تو طلب مغفرت بکنم، این یک کلمه ببینید چه می کند با قلب آن آدم.

۲۲۷

اذیت مردم جرم نابخشودنی است

این قلب های صاف پاک مردم را نگه دارید، این کشاورزها و نمی دانم کارگراها و اینها بودند که شما را به استانداری رساندند و الا شما را استاندار نمی کردند. زمان رضاشاه هیچ کدامتان استاندار بوده اید؟! راه نمی دادند شما را، این مردم بودند که این دولت را بوجود آوردند و این رئیس جمهور را، رئیس جمهور کردند و عرض می کنم این مملکت را برگرداندند از آن حالی که یک حاکمی که وارد یک جایی می شد هزار جور فساد می کرد حالا آنجور نباشد. ما باید درست توجه داشته باشیم به این مسائل و خدا را حاضر بینیم همه جا، در قلوب ما حاضر است، در هر مجلس حاضر است، ما در محضر خدا هستیم، وقتی ما در محضر خدا هستیم، بندگان خدا که عزیز خدا هستند در محضر خدا ما به آنها اذیت بکنیم این جرم بخشودنی نیست. باید نگه دارید این مردم را. اگر بخواهید کشور شما دوباره اسیر نشود و همه چیز را از شما نگیرند و این پنجاه سال اختناق که بعضی از شماها یادتان هست و ده، پانزده سال که بعضی یادتان هست، همه یادتان هست، آن اختناق دوباره بوجود نیاید و آن ذلتی که برای همه بود، برای بزرگان بیشتر بود منتها نمی فهمیدند، اینها اینقدر قلبشان ظلمانی شده بود که نمی توانستند ادراک کنند. من خدا می داند این مطلب هیچ از یادم نمی رود که وقتی دیدم یک کسی که خودش را شاه یک کشوری می داند، ما البته هیچ وقت او را نپذیرفته بودیم به اینکه این شاه است، این یک دزدی بود آمده بود اینجا به زور، اما یک کسی که به عنوان شاهی، مردم ممالک دیگر شناخته بودند او را، در مقابل نیکسون بود، نیکسون گمان می کنم بود، جانسون بود، او آنجا ایستاده بود و او اینجا ایستاده بود، او اصلا توی صورت او نگاه نمی کرد، از شائن خودش، عینکش را برداشته بود، چشمش را از آن طرف دوخته بود، این هم مثل یک بچه مکتبی که مقابل آن معلم های سابق بود نه حالا، معلم های سابق، اینطور ایستاده بود. من خجالت می کشیدم از اینکه، خوب، ما در مملکتیمان یک نفر مقامی که عالم او را شناخته اند به اینکه او مثلا شاه ایران است، او در مقابل یک رئیس جمهور آنطور ذلیل هست، چرا باید باشد؟ برای اینکه می خواهد از آنجا اجازه حکومت بگیرد و اینجا بچاپد، همان کاری که خود آن سلاطین سابق هم می کردند و نخست وزیرهای آنوقت و نمی دانم فرمانفرماهای آنوقت می کردند که به تیول می دادند کشور چیز را، حکومت های تکه تکه را، همین کار را می خواهد او بکند که آنها اجازه غارت بدهند، بیاید هر کاری بکند آنها هم نگذارند کسی صدایش در بیاید. خوب، اگر بخواهید که برنگردد این اوضاع، من چند روز دیگر بیشتر نیستم اما مملکت، مملکت شماست، مملکت، مملکت ایران است، اگر ایرانی ها از آن صدر تا آن ذیل بخواهند که این مملکت شان اینطوری که حالا پیش خودشان هست و انشاءالله این غائله ها هم ختم می شود، به خیر ختم می شود انشاءالله، اگر بخواهید مملکت تان مال خودتان باشد و مال خود این ملت باشد، باید این ملت را به همان گرمی ای که هست نگه دارید و تخیل اینکه ما یا به شرق متمایل باشیم یا به غرب متمایل باشیم این در ذهنتان اصلا دیگر وارد نشود و نگذارید در ذهن کسان دیگری که با شما تماس دارند یا ملت وارد بشود، اینها را همین طور منسجم نگه دارید. ۲۲۸

باید به مردم خدمت کرد

یک ملت اصلا نظیر ندارد این ، اگر زمان محمدرضا یک جنگی واقع می شد ، آن در مثلا فرض کنید در اهواز واقع می شد ، در خراسان برایش زن ها نان می پختند ؟! دعا می کردند که انشاءالله شکست بخورد ، حالا وضع اینطوری است . در کجای دنیا شما سراغ دارید یک همچو مطلبی یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت ، از ارتش ، سراغ نداریم ما جانی در این ، نظیر نداشته است این ، در تاریخ هم نمی توانید پیدا بکنید ، از بچه های کوچکی که ده تومان دارند می دهند به ، برای ارتشی که آنجا ، قوای مسلحه ای که آنجا کار می کنند با آن پیرزن هشتاد ساله ای که چند تا تخم مرغ دارد ، این ارزش دارد ، ارزش اینها زیاد است اما باید حفظ کنیم این ارزش را . پیروزی مملک ما برای همین ارزش هاست ، این پیروزی قلوب ، بالاتر از پیروزی کشور است . از قلوب اینطور ، اینطور فتح قلوب بالاتر از فتح کشورهاست ، این را حفظش بکنید و دائما در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این مردم ما را به این محل رساندند و ما برای آنها باید خدمت بکنیم . رئیس جمهور باید فکر بکند که این مردم کوچه و بازار من را از پاریس آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند ، من باید خدمت بکنم به مردم . نخست وزیر باید فکر همین معنا باشد که این مردم بودند که من را از حبس ها و زجرهای آنجا بیرون آوردند و نخست وزیر کردند ، من باید خدمت به آنها بکنم . شما آقایان هم همین طور ، هر کدام که در آنوقت زجر کشیدید و حبس رفتید همین ملت شما را نجات داده است ، هر کدام هم که نبودید ، اصلش مملکت یک حبسی بود ، تمام کشور یک زندانی بود برای همه ، بنابراین آن چیزی که اساس است در این مملکت ، هم سیاست اقتضا می کند ، هم دیانت اقتضا می کند ، هم انصاف و وجدان اقتضا می کند ، این است که این خدمتگزارهایی که مجانی برای شما دارند خدمت می کنند و برای حکومت دارند خدمت می کنند ، اینها را ارجشان را بدانید و بدانید که اگر خدای نخواستہ این پیوند سست بشود و گسسته بشود ، خدای نخواستہ کار همان است که اول بود ، حالا نشود چند وقت دیگر ، چند وقت دیگر از حالا باید این بنیان محکم باشد ، این بنیان باید همیشه دنبال استحکامش باشید و این استحکام را هر کدام شما در محل تان عهده دارش هستید ، یعنی یک تکلیف شرعی ، وجدانی است که شما نگذارید در هر جایی که هستید آن کسانی که در زیر نظر شما وزیر - عرض کنم - حکومت شما هست به مردم بد سلوکی کنند ، مردم را بپذیرید برای خودتان ، بروید توی مردم ، جدا نشوید از مردم . آنوقت اینطور بود که مردم را نمی پذیرفتند ، جدا بودند از مردم . اگر محمدرضا می خواست از یک راهی برود ، چند روز از قبلش باید همه آنجا را ، خانه ها را کنترل کنند تا بتواند از آنجا عبور کند ، این سلطنت نیست که ، این ذلت است ، اسمش را سلطنت می گذارند . باید جوری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند ، الان اینجورند مردم ، این را حفظش کنید ، مملکتان با این ترتیب حفظ خواهد شد ، هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می شود ، حلالش خود مردم . الان این مشکلی برای کشور ما پیدا شده است خوب مردم دارند کمک می کنند . حلالش خود این مردم هستند ، این پشتیبانی های عظیمی که مردم می کنند و آن حضوری که خودشان دارند و خودشان هست ، از خودشان می دانند همه چیز را ، ارتش را از خودشان می دانند ، همه چیز را از خودشان می دانند این باید حفظ بشود تا حفظ بشویم ، تا کشورتان حفظ بشود و اگر خدای نخواستہ این از دست ما برود ، ما برمی گردیم به آنطوری که اول بودیم . ۲۲۹

حاکم باید مردمی باشد

ما امروز می خواهیم همه ملت را وارد در دولت کنیم ، جدا نباشد ، همه با هم اعانت کنند ، معاون هم باشند نه اینکه یک اجنبی باشد که مردم از آن بترسند ، او را نگاه کنند نتوانند با او حرف بزنند . ما یک کسی را می خواهیم که (البته نمی شود ، اینکه من می گویم می خواهیم ، شبیه است آنهم نه شبیه نزدیک ، شبیه بسیار دور) مثل حضرت علی سلام الله علیه باشد که زمان سلطنتش (استغفر الله که سلطنت می گویم) امارت او ، امارت شرعیه اش ، خلافتش که آنقدر طول و عرض داشت ، حجاز و مصر و عراق و ایران و نمی دانم همه اینها را داشت ، آنوقت پا می شد ، خودش راه می افتاد در خانه این زن و آن زن و آن زن . بعد از اینکه خانه

یک زنی رفت به حسب اینطوری که تاریخ نقل می کند ، آقایان نقل می کنند و دلجوئی کرد و بچه هایش را چه کرد ، بعد کاری می کند که این بچه کوچک ها بخندند ، یک کاری که آدم های متعارف عادی نمی توانند ، یک ماوراء الطبیعت این کار را می تواند بکند یک صدائی در می آورد که این بچه می خندد ، می گوید اینها داشتند گریه می کردند می خواستم با خنده اینها از خانه بیرون بیایم . ما یک همچو آدمی می خواهیم ، نه یک کسی که از سایه اش بترسیم . ما یک حاکمی می خواهیم که توی مسجد وقتی آمد نشست ، بیایند دور او بنشینند صحبت کنند ، با او حرف بزنند ، اشکال دارند ، اشکالشان را بگویند ما یک امیری می خواهیم که وقتی یهودی آمده ادعا کرده ، قاضی می فرستد سراغ امیر که بیا ، می آید می نشیند در مجلس قضا (همان قاضی که خودش نصب کرده) در مجلس قضاوت می نشیند ، طرح دعوا می شود و رای بر خلاف حضرت امیر سلام الله علیه می دهد شما می توانید که اینهمه چیزی که از بنیاد پهلوی برده ، حکومت ها می توانند ادعا کنند ؟ (حتی حالا-) می توانند این مردیکه را بیاورند اینجا که آقا بنیاد پهلوی را بیا حسابش پس بده ؟ پانزده میلیون دلار فلان ، ده میلیون دلار فلان ، پنج میلیون دلار فلان ، سی میلیون دلار فلان ، همه از اجرا و بستگان و پسر و دختر شاه . ما یک حکومت عادل می خواهیم ، عادل یعنی دزد نباشد لاقبل ، نمیخواهیم اقتدا به حاکمان بکنیم . (البته باید اینطور باشد) ما می خواهیم اینطور باشد که این ملت را ندزدد ، بر ندارد برود .

۲۳۰

اسلام حکومتها را موظف به خدمت کرده است

اسلام در مقابل همه دولت های طاغوتی ، برای انسان سازی آمده است ، قرآن کتاب انسان سازی است . انسان اگر چنانچه در این ممالک اسلامی تحقق پیدا بکند و اسلام برنامه دولت ها و ملت ها باشد امکان ندارد که دیگران بتوانند استفاده های نامشروع از ما بکنند . ما باید اقتصادمان تابع اسلام باشد ، فرهنگمان تابع اسلام باشد ، ارتشمان ، ارتش اسلام باشد . در صدر اسلام ارتش یک پناهگاهی برای ملت ها بوده است ، محیط ارتش از محیط مردم جدا نبوده است ، محیط رعب نبوده است ، محیط وحشت نبوده است ، اگر چنانچه ارتش ، دولت ، به وظایف ارتشی خودشان ، به وظائف دولتی خودشان ، به وظائف اسلامی عمل کنند ، محیط در یک کشور ، محیط محبت می شود ، محیط آرامش روحی میشود و این هم برای ملت مفید است و هم برای دولت و هم برای ارتش ، و اگر محیط ، محیط ارباب باشد ، چنانچه در حکومت های طاغوتی است ، محیط وحشت باشد ، این برای ملت و خود دولت و خود ارتش بد است . و اینکه طاغوتی ها محیط ارباب ایجاد می کنند ، برای این است که آنها برای ملت کار نکرده اند و خودشان را از ملت جدا کرده اند و از ملت وحشت دارند ، از این جهت محیط را ارباب ، محیط اربابی درست می کنند که مردم را سرکوب کنند . در صدر اسلام این معانی نبوده است ، ارتش اسلام از مردم جدا نبوده است محیط هیچ وقت محیط اربابی نبوده است ، حکومتی که در راس جامعه بوده است ، با مردم دیگر فرقی نداشته است بلکه زندگیش پائین تر بوده است . حکومت ها نمی خواستند که به مردم حکومت کنند ، می خواستند خدمت کنند . اسلام حکومت ها را موظف به خدمت کرده است ، ارتش در خدمت ملت باید باشد . حکومت ها در خدمت مردم باید باشند ، اگر یک چنین برنامه ای تحقق پیدا بکند ، محیط رعب از بین می رود ، محیط دوستی پیش می آید ، مبدل به محیط برادری می شود ، یک چنین محیطی که محیط برادری باشد ملت پشتیبان دولت است ، و اگر ملت پشتیبان یک دولتی شد ، دولت سقوط نمی کند . ۲۳۱

علت سقوط شاه عدم خدمت به مردم است

اگر شاه به نصایح روحانیون توجه کرده بوده و خدمت به این ملت کرده بود ، سقوط نمی کرد لکن خدمت نکرد و خیانت کرد و پشتوانه مردمی را از دست داد و وقتی که مردم شنیدند رفت شادی کردند ، چنانچه در رفتن پدرش هم شادی کردند . حکومت ها

باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد. برادر باشند با هم، با ملت دوست باشند، ملت احساس کند که دولت از خود اوست، دولت خدمتگزار اوست. ملت ها احساس کنند که ارتش از خود آنهاست، ارتش که در خیابان می آید برای او گل بریزند، نه از او فرار کنند. آن عمده در برنامه های حکومتی، در برنامه های دولتی این معناست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در راس همه برنامه هاست، اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می کنند. اگر دولت بخواهد برنامه ای را، اگر دولت بخواهد برنامه ای را اجرا بکند، ملت در خدمت او هست ما این دو حکومت را که در ایران بود، الان با هم مقایسه میکنیم، دولت سابق اگر می خواست برنامه ای را اجرا بکند، مردم با او موافق نبودند بلکه حتی الامکان کارشکنی می کردند. الان دولت ما وقتی می خواهد برنامه ای را اجرا کند، از اطراف به ما پیشنهاد می شود که ما در خدمت حاضریم، طبقات مختلف مردم میگویند: که ما در اجرای این برنامه حاضریم، از جان و دل حاضریم که کمک بکنیم. الان که بعض برنامه ها را می خواهد دولت اجرا بکند، ملت همچو اظهار همراهی می کند که اعجاب آور است. این یک مطلبی است که در عین حال که به تمام معنا الان ما نتوانستیم اسلام را در ایران پیاده بکنیم لکن همان نسیمی که از اسلام به ایران وزیده است، نتیجه اش این شده است که دولت ما یک دولتی است که ملی است، ملت او را می خواهد. نخست وزیر ما هیچ وحشت ندارد که توی مردم برود و با مردم بنشیند و صحبت بکند، برخلاف نخست وزیرهای رژیم سابق که امکان نداشت که توی مردم بیایند برای اینکه مردم با آنها دشمن بودند، چنانکه آنها با مردم دشمن بودند. دولت ها اگر چنانچه اینطور بشوند که به اسلام توجه کنند و روح اسلام را در مردم ایجاد کنند و در خودشان، این هم به صلاح خودشان هست و هم به صلاح کشورشان و هم همه برنامه ها را با آسانی می توانند انجام بدهند. ۲۳۲

در نظام اسلامی خدمتگزاری مطرح است

شما الان مستقلید و آقای خودتان هستید و اسلام هم این طور نیست که طبقاتی باشد و بخواهد یک طبقه ای را حاکم کند، یک طبقه ای را محکوم. اسلام خدمتگزار دارد و کسانی که به - آنها - خدمت می کنند، ملت باید با این خدمتگزارها همراهی کند و دولت ما یک دولت خدمتگزاری است، مجلس ما یک مجلس خدمتگزاری است، رئیس جمهور ما یک خدمتگزاری است نسبت به همه کشور. و همان طوری که اسلام مقرر فرموده است که طبقات در کار نباشد. ان اکرمکم عندالله اتقیکم ۲۳۳؛ آنی که تقوایش بیشتر است آنی که ترسش از خدا بیشتر است، آنی که خدمت برای خدا می کند، او مقدم است. من امیدوارم که شما کوشش کنید که وارد بشوید در این جمعیت متقین که خدای تبارک و تعالی بفرماید: ان اکرمکم عندالله اتقیکم و شما هم از آنها باشید. ۲۳۴ من دعاگوی همه هستم و شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگویند که خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر. رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم، خدمتگزاری مطرح است. ما همه با هم، همه مجتمعا با هم دست به دست هم، از پاسدارهای عزیز تا اهل علم عزیز، تا اهل منبر عزیز، تا اهل کمیته ها، تا اهل همه، ما همه ملت با هم. یک مملکتی است مال همه، یک مملکتی مال همه است، همه موظفیم این مملکت را خودمان اداره بکنیم. حال دیگر مال خودمان، منافع مملکت ما را دیگر امریکا نمیتواند ببرد، منافع مال خودتان است، مملکت هم مال خودتان، خودمان باید زحمت بکشیم و کشت بکنیم و منافعش مال خود ملت ما باشد. ۲۳۵ من امروز آمده ام در میان شما دانشجویان عزیز به دو منظور: یکی بزرگداشت روز شهادت جوان های عزیز در دانشگاه در اثر هجوم وحشیانه مامورین جبار و یکی برای پیوند بین قشر روحانی و قشر دانشگاهی و دانشجویان، من این پیوند را تبریک عرض می کنم به روحانیون و تبریک عرض می کنم به دانشگاهیان. من آمده ام تا پیوند خدمتگزاری خودم را به شما عزیزان عرضه کنم که تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم،

خدمتگزار ملت های اسلامی ، خدمتگزار ملت بزرگ ایران ، خدمتگزار دانشگاهیان و روحانیون ، خدمتگزار همه قشرهای کشور و همه قشرهای کشورهای اسلامی و همه مستضعفین جهان . ۲۳۶

دولت ها باید خدمتگزار ملت ها باشند

پلیس و همین طور ژاندارمری و همین طور ارتش ، اینها به حسب وضع اولی که وجود آمده است ، این است که اینها برای کشور و برای ملت خدمتگزار باشند ، نه حاکم . اصل دولت هم همین است حتی مثل دولت حقه حضرت امیر سلام الله علیه که ولی امر بر همه چیز بود معذک آن حکومتی که در صدر اسلام بود ، در خدمت مردم بود ، اینطور نبود که حکومت بخواهد حکومت کند و مردم همین طور بیخود اطاعت کنند . اینطور نبود که حکومت بخواهد به وسیله قدرتی که دارد اجحاف کند به مردم و ظلم کند که مردم به واسطه آن ظلم از او متنفر باشند و الان هم که وضع تغییر کرده است و انشاءالله امیدوارم که دیگر این وضع بر نگردد به آن اوضاعی که در سابق بود ، وظیفه همه ما و همه شما و همه کسانی که دست اندر کار امور مردم هستند ، از دولت و از همه ، این وضع را پیدا بکنند که خودشان را خدمتگزار بدانند . ۲۳۷ دولت ها توجه کنند به اینکه باید در خدمت ملت ها باشند و ملت ها پشتیبان دولت ها و اینکه شاه سابق نتوانست حفظ خودش را بکند برای اینکه ملت با او نبود ، ملت پشت به او کرد و او هم به ملت خیانت کرد . دولت ها باید توجه کنند به اینکه آنها در خدمت ملت باید باشند اگر در خدمت ملت باشند ملت ها پشتیبان آنها خواهند بود . و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه ملت های عالم و همه مستضعفین سعادت مند باشند و همه دولت ها در خدمت ملت ها باشند تا سعادت همه بشر تاءمین شود . ۲۳۸

اگر مردم سادگی و خدمتگزاری از مسؤ ولین ببینند ، فطرتا علاقه مند به آنها می شوند

در هر صورت مثل این ملتی که الان ما داریم ، کم نظیر است ، بی نظیر است . باید گفت که در جائی الان گمان ندارم هیچ کدام از شما سراغ داشته باشید که یک ملتی با دولت خودش اینطور بشود ، که کارها را مشترکا انجام بدهند . سابق که طاغوت بود که هر چه می توانستند کارشکنی می کردند ، هیچ همراهی تو کار نبود ، برای اینکه مردم دیده بودند که دولت به فکر آنها نیست ، شما باید آنطوری که به حسب واقع هم همین طور است به مردم حالی کنید که ما برای خدمت آمدیم ، ادارات برای خدمت آمدند ، مردم با دل راحت بیایند تو ادارات ، من آن تلخی هایی که در زمان سابق بود ، در زمان رضاخان بود ، بعدش هم در زمان این ، آنوقت آن تلخی ها را زمان رضاخان خود من چون جوان بودم توی این مسائل می رفتم گاهی ، که اگر یک وقت ابتلاء به کلانتری پیدا می شد ، آنوقت برای جاهایی هم که از اینجا می خواستند بروند فرض کنید به آذربایجان هم ، باید بروند کلانتری و آنجا یک ورقه ای ، چیزی بگیرند ، مردم وقتی می خواستند به کلانتری بروند با یک ترس و رعب و وحشتی کانه می خواهند به حبس بروند . اینها عادت نباشد در ادارات که مردم وقتی می خواهند تو اداره بروند بترسند . این بیچاره دهاتی ها سابقا اینطور بوده ، حالا خیال می کنند باز هم اینطور است . حالا باید ادارات به روی مردم باز باشد و با آغوش باز مردم را بپذیرند ، دردهائی که مردم دارند بگویند به آنها ، بتوانند بگویند ، آنها هم کوشش کنند در اینکه حل بشود مسائل شان که مردم احساس کنند که یک دولتی است که مال خودشان است و برای خودشان دارند خدمت میکنند . هیچ اشکال ندارد که وقتی ملت فهمید که یک جمعی دارند خدمت می کنند و خودشان هم آن قبه و بارگاه هائی که زمان سابق بود ندارند ، آنها هم مثل مردم عادی دارند زندگی می کنند ، لکن شاید وضعشان خیلی هم کمتر باشد ، مردم وقتی ببینند به حسب فطرتشان فطرت صحیح است ، خوب به حسب فطرت ، عاشق یک همچو دولتی خواهند شد . خصوصا که بعد از یک همچو قضایایی که در زمان سابق بوده است این قضایای زمان سابق ، خوب خیلی از اشخاص هست که یادشان هست آن مسائل را . حالا بعد از آن قضایائی که در زمان سابق بوده اگر دیدند یک

دولتی آمده و عکس آن مسائل الان هست، همه اش خدمت است، همه اش این است که می‌خواهند روح مردم آرامش داشته باشد می‌خواهند مردم به چیزهایی که احتیاج دارند برسند در همه جهات، هم در جهت فرهنگی، هم در جهت اقتصادی، از همه جهاتی که دارند. ۲۳۹

محبت به مردم، محبت متقابل می‌آورد

شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید (یعنی انقلاب اسلامی) همانطوری که از انقلاب پاسداری می‌کنید، تکلیف بالاتر این است که از اسلام پاسداری بکنید و آن به این است که از خودتان پاسداری کنید، از هواهای نفسانی خودتان، از شهوات خودتان، از میل‌هایی که میل‌هایی است که در هر انسان هست و میل شیطانی است، از اینها پاسداری بکنید به طوری که وقتی که شما پاسدارها را مردم می‌بینند و یا آن چشم‌هایی که می‌خواهند یک اشکالی بکنند ببینند، ببینند که شما مردمی هستید که سلامت هستید، در عین حالی که قدرت دارید، در عین حالی که با اشخاصی که فاسدند قدرتمندی هم نشان می‌دهید لکن با مردم رحیم هستید، با مردم رفیق هستید. رژیم سابق و رژیم‌های شیطان، اینهایی که مردم را به داغ می‌کشند، داغ می‌کردند ملت را، اذیت می‌کردند، ارباب می‌کردند با هر طوری بود مردم را می‌خواستند از خودشان بترسانند، این نکته اثر این بود که خودشان خیانتکار بودند و از مردم می‌ترسیدند و هر چه زیادتر ارباب می‌کردند، دلیل بر این بود که زیادتر می‌ترسند، برای حفظ خودشان چاره نمی‌دیدند الا اینکه مردم را اذیت کنند و ارباب کنند که مردم بترسند از این و لهذا نمی‌توانستند اینها چهره خودشان را در جامعه نشان بدهند. اسلام سردارهایش هم توی مردم هستند پیغمبر اسلام (ص)، خوب سردار همه بود، بزرگ همه بود توی مردم بود، با مردم می‌آمد می‌نشست، توی مسجد می‌نشست مثل سایر مردم حضرت امیر (سلام الله علیه) آنوقت که حکومت یک مملکتی بود که چندین مقابل ایران بود، مصر بود، حجاز بود، عراق بود، ایران بود، سوریه بود - عرض کنم - یمن بود، همه اینها تحت سیطره او بود، مثل سایر مردم می‌آمد با مردم می‌نشست، معاشرت می‌کرد برای اینکه از مردم نمی‌ترسید، ظلم نکرده بود به مردم تا بترسد، خلافتی نکرده بود که از مردم بترسد، برای مردم بود، مردم او را حامی خودشان می‌دانستند. مردم شما را باید حامی خودشان بدانند. شما جوری رفتار کنید که مردم شما را تشخیص بدهند که یک برادرهای دلسوزی هستید برای آنها و برای حمایت آنها شما شب‌ها بیدار هستید و شب‌ها کشته می‌دهید. اگر خدای نخواست یک جوانی در بین شما پیدا شد (از باب اینکه جوان است گاهی بی‌توجه به مسائل است) یک وقت خواست یک کاری بکند که کج رفتاری باشد، با مردم یک خشونت می‌خواهد به دست بدهد، حالا که یک تنگی دارد، روی مردم مثلاً چه بکند نصیحتش کنید به اینکه اسلام است، دیگر قضیه، قضیه رژیم طاغوت نیست که سربازش با مردم دعوا بکند، سربازش برادر مردم است و برای مردم است. وقتی اینطور شد مردم هم برای شما می‌شوند. محبت متقابل است، وقتی شما محبت به مردم کردید مردم به شما محبت می‌کردند. آن روزی که ارتش ایران شمشیر کشیده بود دنبال مردم، مردم هم با تمام قوا با آنها می‌جنگیدند. آن روزی که ارتش آمد توی مردم و با مردم چیز کرد، گل سرش می‌ریختند، محبت متقابل است. ۲۴۰

خدمت به بندگان خدا، خدمت به خداست

اینجانب انشاءالله تعالی به زودی به شما می‌پیوندم تا در خدمت شما باشم و با همت شجاعانه شما به رفع مشکلات کوشا بوده و با همصدا و هم قدم شدن همه اقشار ملت بر فسادها غلبه کنیم. دوستان عزیزم! خود را برای خدمت به اسلام و ملت محروم مهیا کنید، کمر به خدمت بندگان خدا که خدمت به خداست ببندید. من با توفیق خداوند تعالی پس از چند روزی در خدمت شما خواهم بود و در پشت سر شما به سربازی خود ادامه خواهم داد. ۲۴۱

خودتان را خدمتگزار بندگان خدا بدانید و به آنان بزرگی نفروشید

توجه به او را از یاد نبرید، توجه به او منشاء همه خیرات است برای دنیای شما، برای آخرت شما. به ذکر خدا مطمئن می شود قلب ها الابد کر الله تطمئن القلوب قلب ها اگر بخواهد مطمئن باشد. که بهترین نعمت این است که انسان مطمئن باشد. الان شما که اینجا نشسته اید، نه شما از من می ترسید، نه من از شما، برادریم همه، این اطمینان است. دیگر خوب، این با آنوقت فرق دارد که اگر یک اجتماعی در یک جایی میشد همه دلشان لرزه داشت. خوب، ما حالا اینجا هستیم، بیرون برویم چه می شود و حتما اگر یک اجتماع اینطوری در اینجا بود، بیرون که می رفتید سرنوشت شما هم حبس بود و سرنوشت ما هم حبس. و این الان یک نعمتی است که خدا به ما داده که همه مطمئنا برادروار پیش هم نشسته ایم، حرف هایمان را می زنیم، این را حفظش کنید، توجه به خدا را حفظش کنید. توجه به ملت را حفظ کنید. خودتان را خدمتگزار بدانید به بندگان خدا، بزرگی نفروشید به این مردم، این مردم بزرگند، بنده خدا هستند، به اینها بزرگی نفروشید، علو بر اینها نکنید، خداوند دار آخرت را برای کسانی قرار داده است که به مردم نه علوی کنند نه فساد بکنند، اصلا اراده علو نمی کنند لایریدون علوا فی الارض و لا فسادا نه اراده می کنند که یک بزرگی کنند به مردم و بزرگی بفروشند و مستکبر باشند و نه مفسد باشند، کشوری را به فساد بکشاند چنانچه دیدید. ۲۴۲ و من امیدوارم که انشاءالله موفق باشید و همه مان موفق باشیم و همه مان عازم خدمت به مردم. اینها بندگان خدا هستند ما به خدا بخواهیم خدمت کنیم، به این بندگان خدا باید خدمت بکنیم و خدا احتیاج به خدمت ما ندارد. اینها عیال مردمند و شماها پرستار آن عیال. باید حفظ بکنید آنها را - و خودتان - تا حفظ بشوید خودتان. انشاءالله خداوند همه شما را تایید کند و توفیق بدهد، موفق و موید باشید و برای مملکت خودتان خدمت بکنید و در ذهنتان همیشه این باشد که این شرق و غرب دشمن ماست و هر چیزی که او به ما بدهد دشمنی است که برای هلاک ما به ما می دهد و ما باید کاری بکنیم که دشمنان پیش دشمنان دراز نباشد. ۲۴۳

مسئولین باید با مردم هماهنگ باشند

الان این تحولی که در ایران است این مسأله را از بین برده، مسأله این است که ما رئیس جمهوری داریم که باید حتما به مردم حکومت کند و نخست وزیر و هیات دولتی داریم که همه امور دست اینهاست و ملت چکاره است، ما هستیم که هستیم. این مسأله در ایران مطرح نیست و یکی از تحولات بزرگی است که ایران به خواست خدای تبارک و تعالی به دست آورده و این تحول موجب این شده است که کارهای شما پیش برود. شما نمی توانید کارهایی که الان در ایران هست انجام بدهید الا با هماهنگی ملت، هماهنگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواست های اینها. مردم یک استاندار خوب می خواهند، این که تقاضای صحیحی است، خوب، شما یک استانداری که فرض کنید در فلان جا هست و با مردم نمی سازد، این استاندار را بردارید یک استاندار دیگر بگذارید، تفاهم کنید. علما هم فرض کنید که در بلاد هستند، آنها نمی خواهند که سلطنتی بکنند، حکومتی بکنند، آنها مصالح مردم را ملاحظه می کنند، فرض کنید می گویند فلان رئیس که در اینجا هست این با مصالح مردم سازگار نیست، این کاری ندارد، خوب این را آنجای دیگر می گذارندش یا اگر آدمی است که واقعا هر جا بگذارند خراب است، کنارش می گذارند و چه می کنند. مقصود من این است که تفاهم بین دولت و ملت و تفاهم اساس بین ملت و دولت وقتی است که بین روحانیت و ملت باشد. اینکه دیدید که در همه این زمانها روحانیت مورد هجوم بود، زمان رضا شاه را شاید هیچ یک از شما ادراک نکرده باشد درست که بدانند چه می کردند. تمام صدمه ها بر روحانیت بود، این روی همین معنا بود که آنها می دیدند که روحانیت با ملت دست شان توی هم است و اگر چنانچه اینها زنده بمانند و اینها دارای یک هویتی باشند، اگر یک

کاری بخواهند بکنند، اینها ایند که می توانند صدا کنند، خوب رضا شاه هم دید که در خیلی از جاها قیام از طرف روحانیت شد، از خراسان شد، از اصفهان شد، از جاهای دیگر هم شد، از آذربایجان شد، از این جهت اینها می خواهند، اساس مطلب این است که ملت را از مسائل روز کنار بگذارند، تماس با ملت نداشته باشد هم مسائل روز و این یک ضروری است که بر دولت ها وارد می شود و خودشان ملتفت نیستند. شمائی که الان متوجه این مطلب هستید و احساس این مطلب را کردید که هر چه دارید از مردم است، اگر مردم نبودند، اگر این مردم خصوصا این مستضعفین، خصوصا این جنوب شهری های به اصطلاح پابرهنه ها اگر اینها نبودند شماها یا در حبس الان بودید یا در تبعید بودید یا در انزوا، همه شما. یا باید بنشینید توی خانه هایتان و نتوانید یک کلمه صحبت بکنید یا اگر صحبت کردید باید حبس بروید، زجر بکشید، باید تبعید بشوید و امثال ذلک. این ملت است که آمد شما را از اینهمه گرفتاری ها بیرون آورد و آورد با رای خودش مجلس درست کرد و جمهوری اسلامی را تنفیذ کرد و رئیس جمهور درست کرد و آنها هم دولت درست کردند، همه چیزهایی که ما داریم از این مردم است خصوصا از این مستضعفین، آن بالائی ها به مردم کاری ندارند، آنها مشغول کار خودشان هستند، آنها ناراضی می خواهند درست کنند و نکته اش هم معلوم است که از آن شهواتی که به طور آزاد داشتند حالا نمی توانند داشته باشند، آن شهوات آزادانه ای که آنها داشتند، هر کاری دلشان بخواهند بکنند، هر مجلسی بخواهند تهیه کنند، هر بساطی بخواهند درست کنند، حالا دیگر در جمهوری اسلامی نمی شود این معنا، از این جهت آنها یا کارشکنی می کنند یا کاری به شماها ندارند. اما آنی که شما را از آن رنج و از آن عذاب و از آن گرفتاری بیرون آورد و آورد به مقام دولت رساند این مردم بودند، تا این مردم را دارید خوف اینکه بتوانند به شما آسیب برسانند، هیچ نداشته باشید، برای اینکه آنها آسیب را با یک نقشه هائی درست می کنند، نمی آیند بریزند ملت را بکشند، آنها ملت را می خواهند از آن کار بکشند، نمی خواهند مملکت، خراب کنند، می خواهند مملکت آباد باشد از آن چیز ببرند. آنها با یک نقشه هائی بین دولت و ملت شکاف ایجاد می کنند، بین دولت و روحانیت شکاف ایجاد می کنند، این شکاف کم کم اگر زیاد شد، اسباب نارضایتی شد، مردم از دولت منحرف می شوند. شما یا باید با سرنیزه با مردم رفتار کنید یا بروید کنار. این موهبت الهی که به شما شده است و به همه ما شده است و به همه مسلمین شده است. این موهبت الهیه را همین طور بگیرید و محکم نگه دارید. هم به آقای رئیس جمهور این را عرض می کنم و هم به آقای نخست وزیر و هم به همه شما، هر کدام شما در هر جایی که هستید مامورینی که می خواهید بفروستید به اطراف، این مامورین را درست توجه کنید که با ساخت مردم موافق باشند، همانطوری که خود شما می خواهید با مردم همفکر باشید، اینها هم با مردم همفکر باشند، با روحانیون همفکر باشند طوری باشد که هماهنگی داشته باشد و عمال دولت هماهنگی با مردم داشته باشد، با روحانیت که داشته باشد با مردم هم دارد و این اسباب این می شود که بین دولت و ملت همیشه همبستگی هست و این می شود که ایران مصون بماند، نتواند کسی در آن کاری بکند. عمده آنچه کار می شود از آن ایجاد اختلاف است، حالا توانستند بین این ملت و ملت دیگر و ملت های دیگر، ملت ها را نتوانستند، بین ملت ها و دولتهایشان. خیلی آسان است، این دولت ها را امر می کنند که شما طرح فلان را بده. مردم ناراضی می شوند از این، کاری هم از آنها نمی آید اختلاف پیدا می شود، کم کم این اختلاف می رسد به آنجائی که ممکن است سقوط بیاید. ۲۴۴

انبیاء خودشان را خدمتگزار می دانستند، نه حاکم

الان در منطقه اینطوری است که یک عده معدودی می خواهند بر همه منطقه حکومت کنند و هیچ کار نداشتند چنانکه ملت چکاره است و ملت چه می خواهد و ما با ملت، باید همه ملت ها باید این مطلب را بدانند که امروز مثل دیروزها نیست، امروز مردم توجه پیدا کردند به اینکه نباید یک اقلیتی بر یک اکثریتی قاطع حکومت کنند. این مطلب پیدا شده در ذهن مردم، در بلاد اسلامی این مسأله طرح است الان که باید ما یک جمهوری اسلامی داشته باشیم ما نباید یک جمهوری دموکراتیک داشته باشیم به

اصطلاح اینها، یک مسأله غربی داشته باشیم، اسمش را عوض کنیم، سال شاهنشاهی را برداریم یک شاهنشاهی دیگری جایش بگذاریم به طور مسائل غربی. الان همه ملت‌ها، تقریباً ملت‌های اسلامی همه توجه به این مسأله پیدا کرده اند که آنی که در ایران هست ما می‌خواهیم، آنی که در ایران پیدا شده است. شما این را حفظش کنید. آنی که در ایران شده است ادامه اش مشکل است، باید این ادامه را با همه اشکالاتی که دارد بدهید این ادامه را و باید انشاءالله همه تان خودتان را احساس کنید که، واقعا احساس کنید خدمتگزارید، انبیا اینطور احساس را داشتند، انبیا خودشان را خدمتگزار می‌دانستند نه اینکه یک نبی ای خیال کنند حکومت دارد به مردم، حکومت در کار نبوده، اولیاء بزرگ خدا، انبیا بزرگ همین احساس را داشتند که اینها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند، ارشاد کنند، خدمت کنند به آنها، شما هم احساس قلبی تان این مطلب باشد که واقعا ما آمدیم که به این مردم خدمت کنیم و این خدمت به مردم، خدمت به خودمان است. ۲۴۵

تفاهم بین ملت و دولت باید در راس برنامه های دولت باشد

ما اگر این مملکت را با این وضعی که الان دارد به پیش ببریم، با این حاضر بودن مردم در صحنه به پیش ببریم و با این همراهی مردم با دولت، هر قصه ای که برای دولت پیش می‌آید مردم پیشقدم هستند، شما ملاحظه بفرمائید پیشترها با فشار (الان هم جاهای دیگر اینطور است با فشار) یک سربازی را می‌بردند در جبهه، شما دیدید که به من گفته بودند که شما بگوئید، من نشده یک وقت صحبت کنم، خودشان گفتند، به مجرد اینکه گفتند به اینکه ما سرباز لازم داریم، ما اشخاص لازم داریم، آنجا اینقدر جمعیت رفت اسم نوشت که صدایشان در آمد که نه نمی‌خواهیم دیگر بس مان است. در صورتی که می‌روند به جنگ، می‌روند به قتال، می‌روند به کشته شدن. یک همچو مملکتی که اینطور شده است و به خواست خدا این مطلب شده است، با تایید خدا این مطلب شده است، این را باید حفظش کرد، باید قدرش را دانست. ما باید خدمت کنیم به اینها. من واقعا گاهی وقت‌ها که می‌بینم بعضی از این جوانها اینطور هستند، من خجالت می‌کشم که اینها چه می‌گویند ما چه می‌گوئیم، اینها چه حالی دارند و ما چه حالی داریم. اینها را خدا به دست ما داده. این کار، کاری است الهی، کاری نیست که یک بشر بتواند انجام بدهد، همه بشر هم جمع بشوند یک نفر را نمی‌توانند داوطلب مرگ کنند، آن خداست که این کار را کرده. بنابراین آن چیزی که در راس برنامه های دولت است تفاهم بین ملت و دولت و آن هم نه اینکه هی بگوئیم تفاهم داریم. شمائی که وزیر دارائی هستید آن افرادی که می‌فرستید به اطراف، افرادی باشند که صالح باشند، افرادی باشند که با مردم بسازند نخواهند برونند آنجا مثل سابق انجام بدهند. آن کسی هم که وزیر کشور است می‌خواهد بفرستد، حکومت هائی که می‌فرستند، استانداری‌ها که می‌فرستند، استانداری هائی باشند که با علما، با مردم بسازند نه اینکه اختلاف پیدا کنند، آن اختلاف کمکم زیاد بشود، در یک جائی اختلاف بین حاکم و ملای آنجا بشود، باز اختلاف - بین - بیاید به سطح پائین تر، مردم با آن اختلاف پیدا کنند، مردم هم هیچ وقت حاکم را نمی‌گیرند و ملا را دست از او بردارند. مردم ملاها را می‌خواهند برای اینکه اساس اسلام هستند، مردم اسلام می‌خواهند، اینها هم معرفی هستند، معروفند به اینکه اینها اسلامی هستند. بنابراین هر یک از شما که می‌خواهید یک ماموری در یک جائی بفرستید مامور را درست ملاحظه کنید ببینید چکاره است و چه بوده است و چه باید باشد و به او سفارش کنید که تو ماموریتت تا آن حدود است که با مردم بسازی، با روحانیون بسازی، نروی آنجا معارضه بکنی. و ما باید همین مسائل را حفظ بکنیم، اگر چنانچه این مسائل حفظ بشود، شما خیال نکنید از خارج بتوانند به شما یک صدمه ای بزنند، انشاءالله که نمی‌توانند و انشاءالله خداوند شما را حفظ می‌کند. و شما اگر در خدمت مخلوق باشید، در خدمت این بندگان خدا که خدا علاقه به آنها دارد باشید، خداوند هم حفظ می‌کند شما را. ۲۴۶

بحمد الله کشور ما ، کشور شما ، کشوری است که امروز باید بگوییم نمونه است . آنچه که می خواستم عرض کنم این است که این اقبال مردم بر امور معنوی و بر امور ظاهری ، خصوصا این جوان های ما در جبهه ها و این روز قدس که امسال من هر چه نگاه کردم به نظرم عظیم تر از سال قبل بود و نمی تواند انسان قدر این نعمت را و شکر این نعمت را به اندازه کافی بجا بیاورد ، اینها برای ما تکلیف درست می کند ، تکلیف ما را زیاد می کند ، تکلیف قوه مقننه را دوچندان می کند ، تکلیف قوه مجریه را همین طور ، قضایه را همین طور ، تکلیف برای روحانیت عظیم الشان زیاد می شود . ما نمیتوانیم از عهده شکر این نعمت برآیم لکن باید حتی الامکان شکرگزاری کنیم . شکرگزاری به این نیست که ما بگوییم الحمدلله ؛ آن هم یک شکر است ، شکرگزاری به این است که ما مقام این ملت را بشناسیم و این جبهه و پشت جبهه را همیشه در نظر داشته باشیم که حجت را بر ما اینها تمام کرده اند . خدا می داند که من هر وقت نظرم به این جوان هایی که عازم جبهه هستند و به شور و شغف دارند به جبهه ها می روند ، وقتی من آنها را نگاه می کنم ، از خودم خجالت میکشم ، ما کی هستیم ، ما چی هستیم ؟ / ما/ قریب هشتاد و چند سال در این دنیا (خودم را می گویم) بودم و به قدر این چند روزی که اینها مشغول خدمت هستند ، ما خدمت نکردیم ، ما خودمان را نساختیم . از من گذشت لکن شما توجه کنید که خود را بسازید ، توجه کنید که دنیا را به چیزی نگیرید ، توجه کنید که همه رفتنی هستیم و باید به خدای تبارک و تعالی نزدیک بشویم تا آن جا ما را راه بدهند . شما ادعیه ائمه اطهار را ملاحظه کنید ، / اینها/ ادعیه شلاق هایی است که بر فرق ماها زده می شود ، اینهایی که به واقعیت و به عقیده ما معصوم از هر خطا هستند ، ببینید که در ادعیه ها چه جور عجز و ناله می کنند ، برای این که مطلب بزرگ است . مقام بشر هر چه باشد ، مقام خاتم النبیین بالاترین مقام ، لکن وقتی که این مقام را با مقام الوهیت ملاحظه بکنیم که خود آنها می بینند ، هیچ است در مقابل همه چیز . آئی که آنها فهمیدند از عظمت خدا ، آنها را وادار کرده است آن طور راز و نیاز کنند و اعتراف به تقصیر . شما در ادعیه امیرالمومنین ، خود رسول خدا ، حضرت سجاد سلام الله علیه ، سایر ائمه ملاحظه کنید چه جملاتی هست و ما چطور بعیدیم از این معانی ، چه معارفی در این ادعیه هست که ما محرومیم از آن معارف ، چه سوزی در قلب این خاصان خدا بوده است که برای فراق خدا می سوختند و آتش جهنم را می گفتند اگر صبر کنیم ، صبر در فراق را چه کنیم ؟ اینها برای ما مثل یک افسانه است لکن واقعیت است ، واقعیتی است که آنها فهمیده اند و ما نفهمیدیم . ما الان تکلیف زیاد داریم ، ما مواجه هستیم با یک ملتی که همه چیز خودش را در طبق اخلاص گذاشته است و برای اسلام دارد صرف می کند؛ جوان ها را می دهد ، جوان ها جان خودشان را می دهند ، زن ها جوان های عزیز خودشان را می دهند و با آن شور و شغف آنها به میدان می روند و مردم با آن شور و شغف در جبهه و خارج جبهه دارند فداکاری می کنند . تکلیف ما با اینها چی هست ؟ ما چه جواب بدهیم از این همه جهاتی که اینها عرضه می دارند ؟ ما چی داریم که در جواب آنها بدهیم ؟ معذک باید آن مقداری را که توان هست انجام بدهیم . شکر این نعمت به این است که ما مردم را شریک بزرگ بدانیم در این حکومت حکومت نیست ، باید همه خدمتگزار باشیم برای این ملت ، برای این جوان ها و برای این پیرها و زن ها و مردها .

باید به مردم ارزش بدهیم

من نظری به دیگران ندارم ، راجع به خودم می گویم از این وضع رادیو تلویزیون خوشم نمی آید . واقع آن است که آن قدر که پابرهنه ها به رادیو تلویزیون حق دارند ، ما نداریم . این یک واقعیت است و تعارف نیست ، واقع این است که آنها این نظام را درست کرده اند و این نهضت را به وجود آوردند ، همین جمعیت هستند که پیروزی ها را به دست آوردند ، از قشر بالا کسی در این مسأله حقی ندارد . البته ما هم در اصل مطلب شرکت داشته ایم ، اما حق با آنهاست . من مدت هاست که وقتی می بینم رادیو

تلویزیون را هر وقتی باز می‌کنم از من اسم می‌برد، خوشم نمی‌آید. ما باید به مردم ارزش بدهیم، استقلال دهیم و خودمان کنار بایستیم و روی خیر و شر کارها نظارت کنیم. ولی این که تمام کارها دست ما باشد، رادیو تلویزیون دست ما باشد اما آن بیچاره‌ها که کار می‌کنند هیچ چیز دستشان نباشد، ولی ما که هیچ کاره هستیم دست ما باشد، به نظر من این صحیح نیست. ۲۴۸

نحوه ارزش نهادن رهبران اسلام و کفر به مردم

و من یک نکته دیگری هم به شما عرض می‌کنم که توجه کنید که اینهایی که از کارگرها پشتیبانی می‌خواهند بکنند و آنهایی که می‌خواهند کشور را به سوی غرب بکشند به اسم شرق و خود کشورهای کمونیستی و سرمایه داری، این دو بلوک سرمایه داری و کمونیستی، نسبت به کارگر چه جور هستند و اسلام نسبت به کارگر چه جور است اول شخص اسلام را من عرض کردم، اول شخص اسلام، مسبب اسلام بود و شارع اسلام از قبل خدای تبارک و تعالی، رفتار او با کارگر، آن بود که عرض کردم که کف دست کارگر را با تواضع بوسید و این نشان کارگری را بوسید و برای کارگران افتخار ایجاد کرد. ارزش انسانی را توجه داشت که کارگر، کارگر آن روز استقلال داشت و هر چه کار می‌کرد برای خودش بود و استقلال داشت و ارزش داشت و آن ارزش را، محل ارزش را بوسید پیغمبر اکرم و اعلام کرد ارزش کارگر را و دوم شخص اسلام علی ابن ابیطالب سلام الله علیه ایشان خودش یک کارگر بوده یعنی قنات حفر می‌کرده، می‌رفته است قنات می‌کنده است آب بیرون می‌آورده، لکن برای خودش نه، بعد از آنکه بیرون می‌آمده وقف می‌کرده برای مستمندان، برای آنها یک نفر کارگر بوده است که برای اعاشه خودش هم کار می‌کرده و در عین حالی که آنطور قنات‌ها را (چندین قنات از ایشان هست) کنده با دست خودش و همان روز (به حسب نقل) همان روزی که بیعت به امامت کردند برای او، به خلافت، وقتی بیعت تمام شد، همان روز بیل و کلنگ خودش را برداشت دنبال کار... این دو نفر شخص اول اسلام که کارشان باید سرمشق باشد برای همه ما شما مقایسه کنید این احترامی که کارگر در اسلام به واسطه عمل این دو بزرگمرد تحقق پیدا کرده و این ارزشی که به شما داده است که خودش هم در عرض شما آمده است و این فقط علی ابن ابیطالب سلام الله علیه نیست، حضرت صادق، حضرت باقر، آنها هم، از آنها نقل کرده اند که در یک محلی که داشتند، می‌رفتند کار می‌کردند. به حضرت صادق بعضی می‌گفتند آقا (حضرت صادق شغلش خیلی بود شغل معنویش زیاد بود و کار تبلیغاتی و کار تعلیماتی اش زیاد بود، معذک خودش تشریف می‌برد به حسب این نقل و در آن جایی که داشت کار می‌کرد) به او عرض کردند که خوب، این را به ما واگذار کن فرمود من میل دارم که کاری که می‌خواهم برای خودم بکنم، حرارت آفتاب را در بدن خودم حس کنم. این، چقدر ارزش می‌دهد که یک نفر که در زمان خودش شخص اول بود و دارای آن مقامات بود، خودش کار می‌کند و تعلیم می‌دهد که ارزش کارچی است شما در بلوک کمونیستی سران اینها را ببینید، ادعاها و شعارها زیاد است، در طول زمان اینها شعار داده اند و ادعا کرده اند، لکن وقتی که می‌بینید که خود آنها وضعشان چه جوری است، سلو کشان با کارگر چی است، به کارگر چه نظری دارند، چه جور نگاه می‌کنند، سرمایه داری هم ملاحظه کنید آنها چه می‌کنند، هر دو اینها کارگر را آلت استفاده خودشان قرار داده اند. این هر دو بلوک اینها را، آن به یک وضعی، آن به وضع دیگر آلت قرار داده اند و ابزار قرار داده اند برای منافع خودشان و برای چی. در کشورهای کمونیستی اصل برای کارگر (من نمی‌توانم که نسبت به کارگر این تعبیر را بکنم) اینها را مثل یک حیوان کارگر را فرض کردند که هیچ نباید داشته باشند، فقط خوراک به شما می‌دهند، شما باید کار کنید خوراک بگیرید، آنوقت که کاری ازشان نمی‌آید، طردشان میکنند و به رای بعضی شان باید ریختشان به دریا آن دسته دیگر هم شما را بازی داده اند کارگرها را بازی داده اند و از راه دیگر می‌چاپند آنها را. اسلام برای کارگر ارزش قائل است، برای کارگر و کار ارج قائل است و احترام قائل است، یعنی همانطوری که یک شخص عالم، یک شخص مجاهد را توصیف می‌کند، شخص کارگر، زارع، هر کارگری را، می‌گوید همه شان مثل همدند، مثل شانه

ای که این رده هائی که دارد، همه هم قد هستند، مثل هم هستند، آن شانه های آنوقت اینطور بودند، اینها همین طور همه برابر هستند. در قرآن کریم هم تصریح می کند که امتیازها به این مسائلی که سرمایه داشتن، قدرت داشتن - نمی دانم - و امثال اینها نیست، ارزش ها و بزرگی ها به تقواست، به ارزش انسانی است. ارزش انسانی را این دو بلوک اصلا فراموش کرده اند، توجه به اینکه اینها انسانند مثل خود ما هستند. آنوقتی که استالین متولد شده، با یک رعیت دیگری، یک رعیتی فرقی با هم نداشتند، بعدا او به قدرت رسیده آنطور عمل کرده و این بیچاره ها تحت ستم، اینطور باید عمل کنند برای آنها. یا آن بلوک سرمایه داری هم همین طور ارزش برای انسان ها قائل نیستند، آنها ارزش برای قدرت خودشان قائل اند، هر کشوری که تحت قدرت آنها باشد به او کمک می کنند. ۲۴۹

مردم را از خودتان بدانید

و آن چیزی که من باید به شما سفارش کنم این است که باید مراکزی که دست هر کس هست، مراکز دولتی که دست ارتش، دست ژاندارمری یا دست شماهاست، این مراکز باید مراکزی باشد که اشخاصی که در آن مراکز وارد می شوند ببینند که دارند در یک جایی وارد می شوند که آنجا مورد اطمینان آنهاست شما می دانید که سابقا اگر بیچاره ای می خواست وارد کلانتری بشود، تا بیاید و برود چقدر ناراحتی روحی داشته، این ناراحتی های روحی اسباب یک عقده هائی شده است که بعد از اینکه آن رژیم هم ساقط شد تا این عقده ها از بین برود طول می کشد. باید اعمال و رفتار شما با مردم خوب باشد مردم را از خودتان بدانید و خودتان را از مردم بدانید. الان وضع اینطوری است که شماها وقتی در آغوش مردم می روید با کمال خوشروئی و کمال رفت با شما رفتار می کنند، برای شما شعار می دهند، برای ارتش شعار می دهند و این بهترین چیزی است که برای یک ملتی هست که استقلال یک ملتی را حفظ می کند که همه قوا با هم باشند آنطور نباشد که ملت خودش را از مردم جدا ببیند، قوای انتظامی هم خودش را از مردم جدا ببیند. این جدائی ها اسباب این می شود که تزلزل پیدا بشود و هر چه با هم مجتمع تر باشید طمأنینه بیشتر حاصل می شود و به مقصود زودتر می رسید من امیدوارم که همه ما تکلیف خودمان را بدانیم و همه ما احساس کنیم که ما در یک مملکتی با یک عده برادر داریم زندگی می کنیم انشاءالله همه تان موفق و سالم باشید. ۲۵۰

برخورد تحقیر آمیز با مردم از خصوصیات طاغوتیان است

شاید میان شماها کسی نباشد که زمان قاجار را درک کرده باشد، اگر هم باشد بسیار کم است. و همین طور اوایل سلطنت پهلوی، اواخرش را که بسیار تغییر کرده بود با آن اوایل ملاحظه کردید. بافت حکومت در آنوقت و بافت کسانی که در دستگاه دولتی کاری به دست شان بود چه استانداران و چه فرمانداران و چه بخشداران و چه دیگران یک بافت خاصی بود که مناسب بود با دستگاه شاهنشاهی. ممکن نبود که یک نفر بخشدار حتی در یک مجمعی که مردم عادی هستند، کشاورزان هستند، بازاری ها هستند آن هم حاضر بشود، با آنها در صف واحد بنشیند. یک بافت خاصی بود که هر یک از آنهايي که در آنوقت حتی فرماندار یک جای کوچکی بودند اگر مقایسه کنیم با رئیس جمهور امروز ما و نخست وزیر نمی توانید بدانید که آنها چه وضعی داشتند و اینها چه وضعی در رفت و آمدهایشان، در نشست و برخاست هایشان، در معاشرتشان یک وضع عجیبی بود. وقتی که یک حکومتی ولو جای کوچکی وارد می شد فراش ها و آنهایی که اطراف او بودند را کنار می زدند که این آقا می خواهد عبور کند از اینجا، چه برسد به اینکه یک وزیر باشد که دیگر او بالاتر از همه، یا یک نخست وزیر باشد و آنها همه در پیش خودشان آنطور یال و کوپال داشتند لکن در مقابل کشورهای دیگر ضعیف و ناتوان بودند. با رعیت آن رفتار غیر انسانی را می کردند و رعیت را از هر طرف تحقیر می کردند، توهین می کردند، اذیت و آزار می کردند. از آنها استفاده های مادی می کردند ولی در مقابل

یک سفیر همه شان خاضع بودند. امروز ما می بینیم که فرماندارهای سرتاسر کشور به طوری که آقا گفتند و بخشدارها و بعضی از کشاورزها و بعضی از مردم عادی در یک جا نشستند اگر نخست وزیر و وزیر کشور هم که اینجا تشریف دارند و رئیس جمهور و اینها هم بودند آنها هم در بین اینها همانطور نشسته بودند که اگر کسی از خارج بیاید تشخیص نمی دهد که کدام وزیرند و کدام فرماندارند و کدام بخشدارند و کدام از مردم عادی کشاورز است. این همان بود که در روایات ما هست که اگر کسی وارد می شد در مسجد رسول الله و ایشان با اصحاب نشسته بودند تمیز نمی داد، می گفت کدام یکی تان هستید. سابق معلوم بود هر که می آمد در مجلسی، در یک جایی وارد می شد معلوم بود که حکومت کی هست برای اینکه آن در آن بالا نشسته بود با یک یال و کوپال و یک طور وضع خاص، مردم می فهمیدند که این است که باید چه باشد اما رسول خدا در مدینه که مرکز حکومت ایشان بود و سعه حکومتش هم آنوقت زیاد بود عرب می آمد می دید که چند نفر نشستند دور هم با هم صحبت می کنند، او نمی توانست بفهمد که کدام یکی اینها در راس واقع است و حاکم است و کدام یکی از اینها پائین تر هستند. وضع زندگی این بود که تعلیم بدهد به ما که باید اینجور باشید که ما بفهمیم تکلیف مان چی است. ۲۵۱

رضای خدا، در رضایت مردم است

من امیدوارم که همین طوری که وضع ظاهری شما آقایان فرمانداران و بخشداران و دیگران و همین طور همه اجزاء حکومت اسلامی امروز همانطور که وضع ظاهری شان یک وضع بی آلاشی است، وضع روحی و معنویتان هم همانطور باشد، همانطوری که حضرت امیر سلام الله علیه می فرماید که وقتی به او اطلاع داده بودند که یک خلخال را از پای یک زن (حالا یا یهودی بوده یا نصاری) کشیدند، می فرماید که (به حسب نقل) که انسان اگر از غصه بمیرد عیب نیست اینطور در مقابل ظلم ناراحت می شدند. شما همه در محضر خدا هستید، هر جا باشید. قلب های شما در محضر خداست، بازوهای شما، چشم های شما، همه چیز شما در محضر خداست و خدا حاضر است در همه جا. کوشش کنید که با بندگان خدا جوری رفتار کنید که امامان شما رفتار می کردند، پیغمبر شما رفتار می کرد. و سایر انبیا رفتار می کردند گمان نکنید که حالا فلان نخست وزیر است، فلان وزیر کشور است، فلان رئیس جمهور است، فلان استاندار است، فلان بخشدار است، فرماندار است گمان نکنید که اینها یک چیزی است. آن که همه چیز است به دست آوردن رضای خداست و آن به این است که رضای مخلوق خدا را به دست بیاورید. با مردم که شما سرو کار دارید این مردم را باید رضایشان را به دست بیاورید. همین مردم کوچه و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه ها زحمت می کشند اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است پیروزی را برای ما و شما اینها به دست آوردند. و اینها ولینعمت ما هستند و ما باید این معنا را در قلب مان احساس کنیم که با این ولینعمت های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد. گمان نکند آن کسی که فرماندار یک جایی است باید به رعیت آنجا، به مردم عادی آنجا، به بازاری آنجا یک وقت خدای نخواستہ یک بالاتری بفروشد آنطوری که ساخت فرمانداران زمان سابق بود. فرق مابین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی همین مردم عادی کشور است و شاهنشاهی می گفت نه، من اینطور نیستم که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را، مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آنطور می کردند. با بندگان خدا رفتار خوب بکنید. و پیروزی از آنها به دست ما آمده است. ۲۵۲

علت پشتیبانی مردم، مردمی بودن دولت است

الان شما در سرتاسر کشور ملاحظه بکنید از نخست وزیر و رئیس جمهورش بگیرید تا آن پائین ها هر که هست، می بینید که یک مردمی هستند که از خود مردم هستند. رئیس جمهور یک طلبه ای بوده است سابق و بعد هم یک آقایی شده است و بعد شده است

رئیس جمهور نه دستگاهی اینها را دارند و نه افکاری اینها را دارند و همین طور همه وزرا. این وزرا گاهی وقت ها جمعیتی می آیند اینجا و مخلوط به هم هستند، آدم تمیز نمی دهد که این پاسدار هست یا وزیر. من حکومت های کوچک را دیده ام که وضعشان چطور بود و با چه وضعی بیرون می آمدند وقتی بیرون می آمدند، مردم همه صف می کشیدند بر ایشان تعظیم باید بکنند. با بساط می آمد بیرون یک حکومت - فرض کنید که جای کوچکی، اما حالا نخست وزیرش می آید، مردم باشند مثل سایرین. این هم یک مسأله ای است که الان در ایران تحقق پیدا کرده است جاهای دیگر نیست این مسائل که همه مردمی هستند و همه هم با هم هستند و لهذا هم مردم پشتیبان دولتند و هم مردم پشتیبان ارتشند، هم ارتش و دولت با مردم هستند و این یکی از رمزهای بزرگ پیروزی این چیز است. ۲۵۳

وجود واسطه با مردم، خلاف ادب اسلام است

چنانکه که بعضی ها می گفتند، مثل این که بعضی از آقایان آمده بودند اینجا و من نبودم و مثل اینکه قدری مواخذه و محاکمه می کردند که کسی در این امر دخالت داشته در این معنا اینطور نبوده است. مزاج من اولاً اقتضای اینکه بنشینم و اینجا باشم ندارد، این است که دیروز تصمیم گرفتم که استراحت کنم. امروز که شنیدم آقایان اینجا تشریف می آورند، از این جهت آمدم که خدمت آقایان برسم. من عادت به تشریفات ندارم که مثلاً بین من و کسی واسطه باشد، ارتباط باشد، این خلاف ادب اسلام است. من در اختیار همه آقایان هستم به مقداری که قدرت داشته باشم، بالاخره قدرت می خواهد برای این که ماشاءالله شماها جوان هستید و انشاءالله وقتی که به پیری رسیدید آن وقت می دانید که آن اقتضاهائی که در جوانان هست در پیر نیست. ما حالا دیگر نفسهای آخر را می کشیم و امیدواریم که بتوانیم همه مان خدمت کنیم به اسلام، خدمت کنیم به مسلمین، خدمت کنیم به وطن خودمان. به مسؤلین توصیه می کنم از خدمتگزاری به مستضعفان فروگزاری نکنند به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری های آنان تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومت های طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید؛ البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است.

۲۵۴

باید با تمام قدرت برای محرومین دلسوزی کرد

ما که امیدواریم که یک جلوه ولو بسیار ناقصی از ولایت، ولایت علی علیه السلام در کشور ما شده باشد، ما باید توجه بکنیم، کافی ندانیم اینکه ما تظاهر می کنیم و شعار می دهیم و چه، اینها کافی نیست. دولت واقعا باید با تمام قدرت آنطوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می سوزاند این هم با تمام قدرت، دل بسوزاند برای محرومین، مثل یک پدری که بچه هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می رود که آنها را سیر بکند، یک دولت تابع امیرالمومنین باید اینطور باشد. الحمدلله هستند خیلی، البته من نمی گویم که کسی می تواند مثل حضرت امیر باشد، خود او هم گفت که شما نمی توانید، نمی توانیم هم واقعا، اما اعانت کنیم ما او را به ورع و تقوا، اعانت کنیم به اینکه تا آن اندازه که می توانیم، برای همه تا یک اندازه ای قدرت هست که هم خودش را نگه دارد. و هم جمهوری اسلامی را نگه دارد. ۲۵۵

با محرومین بهتر از دیگران رفتار کنید

شما باید کوشش کنید که این چیزی که الان در ذهن مردم هست، که دولت را از خودشان می‌دانند، این از دل آنها بیرون نرود. یعنی شما در طول خدمتی که انجام می‌دهید خدای تبارک و تعالی را در نظر داشته باشید. شما مسؤول هستید پیش خدا، فردا از شما سوال می‌شود. اینجا هم بر فرض اینکه بتوانید یک چیزی را خدای نخواستہ عمل کنید و مخفی نگه دارید، پیش خدا مخفی نیست، پیش ملائکه الله مخفی نیست، یک روزی به آن می‌رسد انسان. از این جهت نسبت به مردم هر چی مردم ضعیف ترند بیشتر، عکس سابق که هر چی قوی تر بودند، با خان‌ها رفتارشان چطور بود، با مثلاً آنهایی که دارا بودند چطور بود، با سرمایه دارها چه جور بود، با مردم ضعیف هیچی. شما عکس کنید مسأله را، یعنی آنطوری که با مردم ضعیف و مستضعف و محروم رفتار می‌کنید بهتر باشد از آنی که با دیگران رفتار می‌کنید، با همه خوب، اما اینها شکسته اند، اینها محکوم بودند در طول تاریخ، اینها زحمت دیدند، اینها در انقلاب خدمت کردند، اینها امروز جوان‌هایشان را می‌دهند، آن طبقه مرفه اگر هم باشد کمی از آنها داخل این امور هستند، خیلی نیستند. بنابراین ما باید این طبقه از مردم را برای خاطر خدا و برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی حفظ بکنیم. در همه قشرها در در همه کارها با آنها خوشرفتاری کنید، یک وقت خدای نخواستہ یکی را کار دارد بیاید در آنجا، فراش راهش ندهد یا مدتی معطل بشود یا توی اتاق نگذارند بیاید، اینها اینطور نباشد. اینها کارهایی بود که بر خلاف رضای خدا بود و سابق می‌کردند، شما باید عکسش باشد. این یک مسأله است که راجع به همه کارهایی که شما می‌کنید متوجه باشید که خدا حاضر است در همه جا و متوجه همه مسائل هست و ثبت می‌شود کارهای ما و پیش خدا می‌رود، بعدها در قیامت پیش یعنی خودمان هم باز می‌شود اعمالمان، از این جهت این یک سفارش است که عرض می‌کنم. ۲۵۶

مسئولین موظفند با فقرا و مستمندان بیشتر حشر و نشر داشته باشند

خلاصه کلام این که بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزون تر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرنه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مرآوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرنه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیاء شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است. و همچنین مسؤلین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسؤلین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسؤلین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمومنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آن جا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ماست، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگ تر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزش‌های ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام

زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسؤولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بی دریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم . ۲۵۷

گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد

البته پر واضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه ها شده اند و مقصد خداست و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسایل مادی آلوده نمی کنند و با کمبودها از میدان بدر نمی روند ، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می کند به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی آید ، ولی وظیفه ما و همه دست اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد . راستی وقتی که پابرنه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده اند و در همه صحنه ها بوده اند و انشاء الله خواهند بود و سر و جان را در راه خدا می دهند ، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم ! ما مجددا می گوئیم که یک موی سر این کوخشینیان و شهید دادگان به همه کاخ و کاخشینیان جهان شرف و برتری دارد .

۲۵۸

هر چه به این ملت خدمت بکنیم کم است

ما نمی توانیم از ملت ایران تشکر کنیم . ما خودمان یک نقطه ضعیفی هستیم در بین این دریای بزرگ ، یک قطره هستیم در بین این دریای بزرگ ، ما می گوئیم که خدا از شما تشکر می کند ما که تشکر می کنیم ، برای این است که تشکر خدا را کرده باشیم ، شکر شما ، شکر خداست . و من به شما آقایان سفارش می کنم که با این که موفق بودید باید دنبال موفقتری بروید ، قناعت نکنید به این که ما حالا-فلاں کار را کردیم . ما هر چه خدمت بکنیم به این ملت ، کم خدمت کرده ایم ، برای این که این ملت بود که همه این گرفتاری ها به دست او رفع شد ، دولت شاهنشاهی به دست آنها ساقط شد و هر چه ما داریم از آنهاست . ما باید خدمتگزار باشیم ، واقعا خدمتگزار باشیم و هر چه خدمت بکنیم باز کم است . ما که شکر خدا را نمی توانیم بجا بیاوریم برای این که کوچکترین از این که شکر خدا را بجا بیاوریم ، لکن شکر این ملت قهرمان و مظلوم همان شکر خداست ، کسی که شکر اینها را بجا نیورد ، شکر خدا را بجا نیورده است برای این که اینها بندگان خدا هستند ، اینها کسانی هستند که برای خدا دارند خدمت می کنند به این کشور و شکر این است که ما به آنها خدمت بکنیم ، هر کس در هر مقامی چکه هست خدمت بکند . ۲۵۹

با ملت خوب رفتار کنید خداوند با شما رحمت خواهد کرد

برادرها ! همه مردم با شما ، با بالاتری ها یک جورند . اگر با مردم خوب رفتار بکنید ، برای خودتان هست و اگر با مردم خدای نخواستہ بد رفتار کنید ، به ضرر خود شماست . آنقدر که ظالم ضرر می برد از ظلمش ، مظلوم از ظلم ظالم آنقدر ضرر نمی برد . ما و شما یک روزی در بارگاه الهی ، پیشگاه الهی خواهیم رفت و آن روز از ما سوال خواهد شد و از شمائی که پلیس هستید ، از شغل شما و از عمل شما و از رفتار شما سوال خواهد شد . غفلت نکنید از خدا ، غفلت نکنید از آن روزی که همه محتاج هستید . با برادرانتان خوب رفتار کنید ، با ملت تان خوب رفتار کنید و خدای تبارک و تعالی با شما رحمت خواهد کرد . ۲۶۰

خودتان را حاکم مردم ندانید ، خدمتگزار بدانید

ملتفت باشید که شمایی که الان به حکومت رسیدید ، حکومت نیست ، خدمتگذار هستید . اسلام حکومت به آن معنا ندارد ، اسلام خدمتگزار دارد ، منتها قوای انتظامی هم دارد برای سرکوبی آنهایی که میخواهند خیانت بکنند و الا نه این است که اگر خیانتکار نباشد دیگر چیزی نمیخواهند ، آنها نمیخواهند که حکومت کنند به مردم و خود فروشی کنند به مردم و مردم را از خودشان بترسانند . شما خیال میکنید آنطور که محمد رضا در خیابان ها می آمد ، حضرت امیر هم با اینکه ده مقابل او سعه مملکتش بود ، در خیابان ها آنطوری ، در کوچه و بازار آنطور ، خوب ، در کوچه و بازار مثل یک آدمی می آمد که نمی شناختندش بعضی ها . مالک اشتر که یکی از سردارهای بزرگ اسلام بود ، خیال می کنید که مثل یکی از درجه دارهای زمان طاغوت بود ؟ نه ، این توی مردم می آمد نمی شناختندش . آن روز یک کسی شناخت و به او فحش داد و بعد هم ببینید کرامت او را ، رفت مسجد به او دعا کرد . این اخلاق را ، این تاریخ اسلام را باید مطالعه کرد و خصوصا حکومت هائی که در اسلام بوده است مطالعه کرد و از آن پند گرفت . شما خودتان را حاکم مردم ندانید ، شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید . این پیش خدا ثوابش بیشتر از این است که خدمت را حکومت بدانید . حکومت هم همان خدمتگزار است ، ارتش هم باید خدمتگزار مردم باشد اگر همه شماها خدمتگزار ، خودتان را حساب بکنید ، نخواهید که هی به شما مدح بگویند و ثنا کنند و - نمیدانم - فریاد بکشند و باهم دعوا بکنید ، اگر این چیزها را کنار بگذارید و خودتان با هم تفاهم کنید و دوستی داشته باشید ، این برای ملت چه لذتی دارد . آن که دیده است بچه هایش از بین رفته ، حالا- این حکومتی پیش آمده است که همه شان با هم برادرند و همه کوشش می کنند که برای مردم یک کاری بکنند ، تا توان دارند برای مردم می خواهند کار بکنند ، اگر به جای این ببینند که حالا که اینها رسیدند به یک چیزی و آمدند سر یک سفره ای نشستند ، اینها باهم سر اینکه بیشتر این طعام سفره را ببرد یا آن یکی بیشتر ببرد دارند جنگ می کنند ، خوب ، ببینید چه تلخ است در ذائقه این ملت و در ذائقه اسلام و پیش خدای تبارک و تعالی ، به ما چه می گوید . ۲۶۱

همتان را صرف خدمت به ملت کنید تا پیش خدا آبرومند باشید

این عنایت خدا بود که همه را به این آزادی و به این عرض کنم استقلال و به این مقام رسانده است . حالا ما عوض اینکه شکر نعمت خدا را بجا بیاوریم و برای خاطر خدا قیام کنیم و برای ملت کار بکنیم تمام هم مان را صرف کنیم که این بیچاره هائی که توی این زاغه ها باز هم نشسته اند اینها را از اینجا بیرون بیاوریم ، جائی برایشان درست بکنیم ، آب و برق این مملکت را درست بکنیم و الان شما می دانید که در بعضی از جاها هیچ ندارند ، هیچ . بعضی از جاهائی که ، دیروز یکی از آقایان که آمده بود از طرف بختیاری و آنجاها ، می گفت مردم همه اخلاص دارند اما هیچ ندارند . بعضی جاها هیچ ندارند ، برای این هیچ ندارها یک فکری بکنید ، هی نشینید دعوا بکنید ، هی هم دنبال این نروید که همانطوری که در طاغوت می کرد شهرها را خیلی مزین کنید و شهرها را خیلی بزرگ بکنید و همه هم دولت و همه بودجه مملکت خرج شهرها بشود و خرج شمال شهر بشود که باز همان طاغوتی ها از آن استفاده بکنند . برای این پایین شهری ها ، برای این بیچاره ها اسلام است ، حکومت اسلام است ، برای اینها فکر بکنید ، هم تان را صرف این بکنید ، نه صرف اینکه دعوا کنید . وقت ، وقتی بنا شد که به دعوا بگذرد ، دیگر نمی رسد انسان ، مجال ندارد دیگر بنشیند یک کاری بکند ، یک طرحی بریزد برای این ملت ، برای این بیچاره ها . من تقاضا می کنم از همه آقایانی که متصدی یک امری از امور هستند ، چه آنهایی که در وزارتخانه ها و در طبقه پایین تر مشغول کارند و چه خود وزرا و چه نخست وزیر و چه رئیس جمهور و چه همه کسانی که در امور هستند ، در شورای انقلاب بودند و حالا هستند ، در عرض می کنم که جاهای دیگر بودند من از همه شان تقاضا دارم که از این چیزی که برخلاف رضای خداست و برخلاف رضای اولیای اسلام است و برخلاف رضای ملت است اجتناب کنید . این دنیا چند روزش آمده پیش شما ، این را خدمت کنید تا آبرومند باشید

پیش خدا، این را با دعوا نگذرانید، با صلح بروید سراغ مردم. اگر بروید سراغ مردم، دیگر دعوا پیش نمی آید برای اینکه وقت دعوا نمی ماند. اما افسوس این است که شما مشغول دعوا هستید و از مردم غافل، نه اقتصاد را توانستید درست کنید و نه امنیت را توانستید درست کنید و نه هیچی، همه اش دعوا و همه اش با هم دعوا، همه توی تهران نشستند دعوا میکنند این صحیح نیست، این خلاف اسلام است، خلاف اخلاق اسلامی. ۲۶۲

ارزش هر خدمتی موافق ارزش آن کسی است که برایش خدمت می کنیم

ارزش هر خدمتی موافق ارزش آن کسی است که برایش خدمت می کنیم هر کس هر خدمتی در راه خدا برای خلق خدا بکند این ارزش دارد لکن ارزش ها مختلف هستند به ارزش آنهایی که برای آنها خدمت می کنیم. همه بنیادهایی که برای خدا در راه اسلام به کشور خودشان خدمت می کنند و همه اشخاصی که برای اعتلاء کلمه اسلام خدمت می کنند همه آنها پیش خدای تبارک و تعالی ارزش دارد و مورد عنایت حق تعالی انشاء الله خواهند شد لکن ارزش بنیاد شهید، خدمت به شهید و خدمت به بازماندگان شهید و خدمت به آنهایی که در راه اسلام برای فداکاری حاضر شدند لکن معلول شدند و عضوی از اعضای خودشان را از دست دادند یا جراحاتی بر آنها وارد شده است ارزش این خدمت که برای شهدا اسلام و برای فداکاران اسلام انجام می گیرد شاید از سایر ارزش ها بیشتر باشد. ۲۶۳ بنیاد شهید از همه بنیادها افضل است برای اینکه شهید از همه افراد افضل است. خدمت در بنیاد شهید در راس خدمت ها هست، همه خدمت می کنند و همه برای خدا و برای همه فضل است و برای همه ارزش هست در بارگاه الهی همه خدمتگزارهایی که خدمت می کنند، آنهایی که خدمت می کنند برای جنگزده ها آنها هم خدمتشان برای فداکاران است. این جنگزده ها که الان در ایران هستند و در خارج از وطنشان هستند اینها هم راجع به اینها هم هر کس خدمت بکند خدمت به فداکاران است لکن خدمت به شهید ارزشش بیشتر از همه خدمت هاست. معلولی که جان خودش را در دست گرفته و تقدیم کرده است. لکن موفق نشده است به شهادت آن هم فداکاری خودش را کرده است. شما که خدمت به شهید می کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید. برای کم کسی اینطور مطلبی که برای شهید گفته شده است برای کم کسی هست، آنها را قرین انبیا قرار داده اند. خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است، خدمت به انبیاست. بدانید که شما در راه شهید دارید خدمت می کنید و بنیاد شما بنیاد شهید است و شهید افضل است شهادت از همه چیزها، و باز در روایتی است که هر خوبی بالاتر از او هم خوبی هست تا برسد به قتل در راه خدا، شهادت در راه خدا، بالاتر از او دیگر خوبی در کار نیست و معلوم نکته اش برای اینکه کسی که همه چیزش را برای خدا تقدیم کرده است و حیات که بالاترین سرمایه است برای او در این عالم تقدیم کرده است، دیگر از این بر و از این خوبی بالاتر نمی شود باشد. شما خدمت می کنید به انسان هایی و به کسانی که وابسته هستند به این شهدا و شهدا به آنها علاقه دارند و الان هم شهید هستند نسبت به آنها و خدمت شما ارزشمندترین خدمت هاست که تصور می شود به حسب اینطور روایات. ۲۶۴

خدمتگزاری به جمهوری اسلامی همان مجاهده در راه خداست

من امیدوارم که همه ملت ما و همه افرادی که در سرتاسر کشور ما هستند خدمتگزار باشند به این کشور و خدمتگزار باشند به جمهوری اسلام و خدمتگزاری آنها همان مجاهده در راه خداست و من امیدوارم که همه آنها با مجاهدین در راه خدا شریک و سهیم باشند برای اینکه آنها هم مجاهده می کنند ولو آن پیرزنی که در اقصی بلاد دارد یک خدمتی می کند برای این مجاهدین و یا یک پیرمردی که در اقصی بلاد دارد خدمت می کند برای این شهدا و مجاهدین و بازماندگان شهدا. من امیدوارم که خداوند به همه آنها ثواب مجاهدین را عنایت بفرماید و عمده چیزی که هست این است که صادقانه خدمت کنید، خدمت بکنید، گمان

نکنید که شما یک کاری که (برای آنجا) برای آنها انجام می دهید یک منتی بر آنها دارید . منت آنها را بکشید ، منت آنها را بکشید خدمت بکنید ، احترام بکنید از آنها . اینها خانواده شهدا هستند و معلولین و خانواده های معلولین که ارزششان آنقدر است و ما باید خدمتگزار به آنها باشیم . هر عملی که انجام می دهیم ، هر خدمتی که به آنها انجام می دهیم عملی است که در پیشگاه خدا مقبول است و ما باید با کمال خرسندی منت آنها را بکشیم و خدمت به آنها بکنیم . مبادا یک وقتی یک کلمه درشتی گفته بشود به این بازماندگان شهدا یا به این معلولین و باز کسانی که عائله معلولین اند . توجه داشته باشید که عملی را که می کنید خالص برای خدا باشد و برای آن کسی که فداکار برای خدا بوده است و جانش را در راه خدا اهداء کرده است شما خدمت به او می کنید و این خدمت به خداست . ۲۶۵

خدمت به مردم ، آرامش قلبی می آورد

وقتی آدم به کسی بد بکند ، از آنها می ترسد بد بکنند به آن . این یک مطلب کلی است ، یک سرمشق کلی است برای همه ما که باید با اهلی ، با رعیت مملکت با افراد مملکت رفتارمان رفتار برادرانه و رحمت آمیز باشد (رحماء بینهم) اینها هم تبادل رحمت می کنند ، این رحمت به او ، رحمت به این ، این محبت به او و او محبت به او و همین جمعیت اگر در مقابل دیگران بایستند ، خصم بایستند محکم و شدید هستند (اشداء علی الکفار) این یک دستور کلی است که اگر بخواهید وقتی منزل می روید با حال آرام بی دغدغه شب به روز بیاورید ، با مردم خوبی کنید ، وقتی با مردم خوبی کردید ، محبت کردید ، خدمتگزار مردم بودید ، وقتی که بروید شب منزل آرامش برای قلبتان هست ، وجدانتان ناراحت نیست . اینهایی که مردم را اذیت می کنند وجدانشان ناراحت است ، اینطور نیست که بروند راحت ، یک نفر را کشتند و راحت بروند ، نخیر ناراحتند منتها البته بعضی ها وقتی کم کم زیاد شد ، عادت می کنند ، این دیگر یک درنده می شود ، این دیگر آدم نیست . بخواهید که زندگی مرفه ، مرفه بودن زندگی به این نیست که پارک چند طبقه آدم داشته باشد ، چه بسا اشخاصی پارک های چند طبقه دارند لکن زندگیشان جهنم است . الان شما زندگی محمدرضا را چه جور می بینید ؟ همه وسایل آسایش برایش هست لکن آسایش دارد ؟ یک آن آسایش دارد ؟ ندارد . آسایش انسان به این است که روح انسان راحت باشد . روح انسان وقتی که راحت شد اگر یک نهار ، هر جوری باشد ، این با آن می سازد و اصلا ناراحتی را ادراک نمی کند . راحتی انسان به این است که انسان وضع روحیش را جوری بکند که با این وضع روحی آسایش برایش پیدا بشود و این به اسلامی شدن است . اگر انسان اسلامی بشود ، تربیت کند خودش را به تربیتهای اسلامی ، ارتش تربیت کند خودش را به اینکه برای مردم خدمتگزار باشد ، نه ایجاد رعب بکند ، ایجاد رحمت بکند به طوری که همین طور که حالا ما همه با هم هیچ کدام از هم نمی ترسیم ، نه من از ایشان نه ایشان از من ، هیچ کدام از هم ترسی نداریم ، این محیط محبت است ، این محیط محبت را حفظ کنید . ایران را یک محیط محبت کنید . ۲۶۶

آرامش روحی ، در خدمت به مردم است

شما الان در یک جمهوری اسلامی واقع هستید که باید خودتان اسلامی باشید یعنی همانطوری که شرطه زمان حضرت امیر سلام الله علیه با مردم بوده است شما هم با مردم باشید . همانطوری که قوای انتظامیه در خدمت مردم بوده است و مردم با آغوش باز می پذیرفتند ، دوست داشتند آنها را شما هم باید عملی بکنید که مردم با شما آنطور باشند . عمل شما ، عمل طاغوتی دیگر نباشد . خیال نکنید که ما قدرتمندیم و مردم چه ، قدرت وقتی دارید که ملت دنبال شما باشد . شما دیدید در این قضیه ، عبرت می گیرید از این قضیه که وقتی ملت یک چیزی را اراده بکند و همه با هم ، مصمم ، ملت یک کاری را بخواهد هیچ قوه ای نمی تواند جلویش بایستد . همه قوا شکست خوردند در مقابل ملت و آن چیزی که مهم است آرامش روحی انسان است . آنی که سعادت

انسان است این است که آرامش داشته باشد در اینجا یا انشاءالله آنجا. الان شما آرامش دارید از باب اینکه نمی خواهید به مردم تحمیل بشوید تا اینکه در وجدانتان ناراحت باشید. آنهایی که به مردم تعدی می کنند وجدانشان ناراحت است، مگر بعضی شان که دیگر از وجدان انسانی بیرون رفته اند اما غالباً اینطورند خصوصاً این طبقه جوان. اما وقتی با مردم دوستند و رفیقند آرامش قلبی دارند، سعادت، دارند، سعادت همین آرامش سعادت است. شما کاری بکنید که این آرامش قلبی را حفظ بکنید و مردم را مثل فرزندهای خودتان، مثل برادرهای خودتان اینطور حساب بکنید. آن مسائل طاغوتی را کنار، شما که نبودید آن موقع، کنار بگذارید مطالعه کنید در حال آن رژیم و وضع او و در عاقبت او. الان دولت اسلامی است، شماها اسلامی، شهرداری و شهربانی و امثال ذلک انشاءالله همه اسلامی و باید همه چیزهایی که در ایران است همه متحول بشود به یک مملکت اسلامی به همه معنا که در مملکت اسلامی آرامش روحی هست، رفاه همه جانبه هست، تعاون هست، برادری هست. ۲۶۷

به مملکت رسول خدا و صاحب الزمان خدمت کنید

شما امروز شهربانی دولت جمهوری اسلامی هستید، افرادتان یکی یکی باید ملاحظه این را بکنند که من در شهربانی اسلامی دارم کار می کنم رئیس شهربانی هم باید همین معنا را در ذهنش بیاورد، جمعیت تان هم باید همین معنا در ذهنش باشد که ما در یک مملکتی می خواهیم شهربانی بکنیم که این مملکت مال امام زمان سلام الله علیه است، مال حضرت امیر سلام الله علیه، مال پیغمبر است. ما داریم خدمت به پیغمبر و اسلام می کنیم، ما نباید به مردم حالا - عرض کنم که - قدرت فروشی بکنیم، خیال بکنیم ما یک قدرتمندی هستیم و مردم چیزی نیستند، اگر این کار را بکنید محبوب مردم نیستید، دل هاتان مطمئن، آرام، وقتی شب می روید منزل با دل آرام منزل می خواهید هیچ تشویشی در کار نیست، اما اگر یک رژیم می باشد که مخالفت بخواهد بکند حتی آن کسی که ظالم است به حسب نوع مردم، مگر بعضی شان که دیگر متبدل به یک حیوانی شده اند آنها ناراحتند از اینکه اذیت کنند مردم را، این یک چیز جلی است، آدم وقتی هم به یکی اذیت بکند خودش هم ناراحت می شود. اما در این رژیم باید همه با دل راحت انشاءالله و با قدرت، اما قدرت برای اشخاصی که فساد می کنند، و با رحمت برای دوستان خودتان، اشداء علی الکفار رحماء بینهم ۲۶۸ دستور خداست که وصف مومنین این است که در مقابل اجانب می ایستند قوی، بین خودشان دوست و رفیق و رحیم و اینها. ۲۶۹

به کشور خودتان خدمت بکنید

انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و موفق کند که خدمت بکنید به کشور خودتان. مملکت مال خودتان است دیگر، دست های آنها برید، دیگر همت کنید که اداره کنید مملکت خودتان را تا نگویند نمی توانند، ایرانی ها نمی توانند مملکت شان را اداره کنند یک کسی دیگر می خواهد که بیاید سرپرستی کند. فضول ها الان باز هم هستند، آنهایی که نقشه کشند باز هم هستند. خودتان بچسبید به مملکتان و با قدرت خودتان هر که در هر جا هست خوب عمل کند. آقا در محراب خوب عمل کند و شما در دانشگاه خوب عمل کنید و ما هم در مدرسه خوب عمل کنیم. همه و همه با هم دست به هم بدهیم که درست عمل بکنیم و انشاءالله مملکت مال خودتان است. ۲۷۰

یکی از بزرگترین جهات معنوی خدمت به خلق الله است

کسانی که دارای یک چیزهایی هستند که می توانند به اینها خدمت کنند اینها هم انصاف اقتضا می کند که خدمت کنند و در این چیزی که در بانک ذکر کردند که قرار دادند به اینجا، خدمت کنند، که این خدمت برای آنها جاودان است و اموال برای آنها

نمی‌ماند آنچه که می‌ماند آن جهات معنوی است که انسان در کارش انجام می‌دهد، جهات معنوی که یکی از بزرگترین جهات معنوی خدمت به خلق الله است، خدمت به انسان‌های محروم است. این است که برای انسان جاودان می‌ماند و در عالم دیگر به درد انسان می‌خورد. اموالی که انسان بگذارد و برود به درد انسان نمی‌خورد اموالی که پیش بفرستد به درد انسان می‌خورد و امیدوارم که آنهایی که دارای یک مکنتی هستند توجه داشته باشند که به این مستمندان که ولی نعمت ما هستند رسیدگی کنند و به این حساب که ذکر کردند کمک کنند تا اینکه ریشه این محرومیت انشاءالله به همت والای همه کشور و همه علما و غیر علما این ریشه فاسد از بین برود و همه افراد این ملت یک زندگی متوسطی که باید داشته باشند، داشته باشند. و با راحتی به خدمت به اسلام مشغول باشند. ۲۷۱

۱۲- تواضع در مقابل مردم

وقتی قدرت دستتان آمد بیشتر مواظب باشید که (متواضع) باشید

من می‌خواهم عرض بکنم که توجه بکنند آقایان، ما نباید همیشه انتقاد از بالاترها بکنیم. باید بیاییم تا این پائین بیاییم پیش خودمان. توجه بکنید به اینکه پاسداران ما که بسیار عزیزند پیش ما، قوای مسلحه که بسیار عزیزند توجه کنند تفنگ وقتی دستشان آمد غرور نیاید دنبالش. ممکن است که یک جوانی خیلی مهذب هم باشد، خیلی هم خوب باشد، لکن به تدریج برسد به اینکه یک وقت ظالم بشود. وقتی قدرت دستتان آمد بیشتر مواظب باشید که متواضع بشوید. وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که متواضع باشید برای اینکه اگر سستی کنید، در این قدرت روحی از شیطان زمین می‌خورید. ۲۷۲

با محرومین با کمال تواضع رفتار کنید

امروز برای این که این انسان می‌خواهد ارزش انسانی‌اش را به دست بیاورد، همه با او مخالفند. شرق با او مخالف است، غرب هم با او مخالف است و منطقه هم مخالف، داخل هم آنهایی که توجه ندارند یا آنهایی که عناد دارند آنها هم مخالف. شما راه خودتان را به پیش بگیرید، وحدت خودتان را حفظ بکنید، خودتان را با جامعه، با مردم تطبیق بدهید، به این معنا که آنها را هم هدایت کنید و آنها را داشته باشید. این ملت است که شما را از آن قید و بندها آزاد کرد و امروز هیچ قید و بندی از هیچ کشوری در گردن شما نیست، هیچ تعهدی ندارید به دیگران. امروز کشوری که غیرمتعهد است، ایران است. یک کشور دیگر پیدا نمی‌کنید که غیرمتعهد به معنای واقعی‌اش باشد و این به برکت این زاغه نشینان، این قشر محروم توده بوده است. آن که این همه جوان را داد این قشر محروم است. بیایند بشمرند، چند نفر از آن مرفه‌ها، چند نفر از آنهایی که الان نشستند و بدگویی می‌کنند برای جمهوری اسلام، از آنها چند نفر رفتند به جبهه؟ آنها چند تا شهید دادند؟ اگر یکی پیدا کردید. مگر آن یکی از آنها من فصل شده باشد، ممکن است، ممکن است که یک نفر از آن خانه‌ی مرفه‌اش من فصل شده باشد و حزب الله شده باشد او برود، اما این کم است. هر چه شهید است می‌بینید که مال این قشر محروم است. محروم هم این طور نیست که فقط زاغه نشین محروم باشد، بازاری‌اش محروم است، کارگرش محروم است کشاورزش محروم است و همه‌ی این قشرها محرومند و از همین هاست آنی که الان در جبهه دارد خدمت می‌کند، از همین قشر است. آنی که آن قدر زحمت دارد می‌کشد برای حفظ کشورش و برای حفظ اسلام، همین قشر هستند. اینها آقای ما هستند، اینها به ما منت دارند، با اینها با کمال تواضع رفتار کنید! ۲۷۳

محرومین لایق این هستند که ما با تواضع به خدمت آنها برویم

خداوند تبارک و تعالی به فقرا و به مستمندان و به محرومان آنقدر عنایت دارد که معلوم نیست به قشر دیگر اینقدر عنایت داشته باشد و شما کاری را متکفل شدید و انجام کاری را به عهده گرفتید که مورد عنایت خاص خدای تبارک و تعالی است و البته باید این توجه را به آقایان عرض کنم، گرچه خودشان توجه دارند که باید این عمل با یک ظرافتی انجام بگیرد که مستمندان، محرومان خیال نکنند که آنها از باب اینکه در صف پائین جامعه واقع شده اند مورد امداد واقع شده اند. آنها در صف مقدم جامعه اند. مستمندان و فقرا و دور افتاده ها در صف مقدم جامعه هستند و همین ها و همین زاغه نشینان و همین حاشیه نشینان و همین محرومان بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند. اینها بودند که از همه چیز خودشان در راه اسلام عزیز در رژیم سابق گذشتند و الان همه مشغولند. همین ها هستند که الان در جبهه ها مشغول به فداکاری هستند و جوان های همین هاست که در سرتاسر کشور، داخل و در خارج کشور مشغولند برای تایید اسلام و ملت شریف ایران. قدر یک همچو جوانان و قدر یک همچو خانواده هائی که این جوانان را تحویل جامعه داده اند می داند و عمده این است که در پیشگاه خدای تبارک و تعالی یک درخشندگی خاص این افراد دارند. اگر نبودند این محرومان جامعه که دلبستگی به این دنیا به آنطوری که بالاتری ها به خیال خودشان دارند، اگر نبود این همت این محرومان و همت این روستائیان و همت این جنوب شهری ها، اگر نبود این، نه رژیم سابق ظلمش از بین رفته بود و نه ما در مقابل مشکلات می توانستیم مقاومت کنیم همه اینها از برکات اینهائی هستند که شما به امداد آنها برخاسته اید و آنها لایق این هستند که ما با تواضع به خدمت آنها برویم و برای آنها خدمت کنیم. همه ما خدمتگزار آنها باید باشیم. آنها به ما منت دارند که ما را از این قیدی که ابرقدرت ها به دست و پای ما بسته بودند نجات دادند آنها بر کشور ما منت دارند که اسلام عزیز را در این کشور حاکم کردند. ما و شما برای آنها کاری نمی کنیم، آنها ما را رساندند به آنجائی که بتوانیم در مقابل همه قدرت ها بایستیم و سرفراز باشیم که ما نه در طرف شرق هستیم و نه در طرف غرب هستیم و نه احتیاجی به وابستگی آنها داریم. ما یک ملت مستقل هستیم. یک کشور مستقل آزاد و سرفراز هستیم که تمام ریشه های فساد را کنده ایم، یا انشاءالله اگر یک ریشه های پوسیده ای هم مانده است، میکنیم و این به برکت همین محرومان است. همین زاغه نشینانی که من یادم نمی رود که وقتی در تلویزیون دیدم از یک خانه ای از این زاغه ها یک عده ای پیرمرد و پیرزن و بچه و اینها بیرون آمدند و یکی از آنها پرسید که کجا میروید، گفتند می رویم تظاهر، تظاهرات. همین ها بودند که نهار روزشان و شام شب شان را نداشتند، لکن با همت والای خودشان، با آن قدرت معنوی الهی خودشان در آن رژیم بیرون آمدند و شهید دادند و فاتح شدند و در جمهوری اسلامی هم همین ها هستند که پشتیبانی می کنند و در جبهه ها و پشت جبهه ها محکم ایستاده اند. البته همه قشرهای ملت باید ما بگوئیم که اینها از مستضعفان بودند، برای اینکه دولت های قوی ما را به استضعاف کشیده بود و همه ملت های عالم را به استضعاف کشیدند. در زمان رژیم سابق همه قشرها در نظر آنها مستضعف بودند و باید فرمانبردار باشند، از قشر روحانی گرفته تا بازاری تا روستائی تا همه افرادی که سرتاسر کشور هستند. امروز همه اینها از آن قیدها آزاد شدند و برای خاطر همین که این محرومان و مستضعفان و دیگر قشرها قیام کردند، نهضت کردند و نترسیدند از هیچ چیز و خدای تبارک و تعالی آنها را امداد کرد و به امدادهای غیبی و جلوه های معنوی و پشتیبانی حضرت ولی عصر اروحنا له الفداء ما را رسانده اند به اینکه آزاد شدیم. پس آنها به ما منت دارند و ما باید خدمت به آنها بکنیم، دولت باید خدمتگزار آنها باشد. ۲۷۴

۱۳ - خوش برخوردی

برخوردهای حکیمانه بزرگان اسلام با مردم

اگر شما یک مطلبی را بگوئید که غرض آلود باشد و به کسی بر بخورد، آن آدم هم آنطور مهذب نیست که این را غمض عین

بکند، آن هم مطلبی را می گوید غرض آلود، یک مقدار بالاتر، آن یک مقدار بالاتر می رود اینکه مقابلش ایستاده است فردا یک مقدار از او بالاتر می رود. ما اگر بخواهیم که واقعا کشور خودمان یک کشوری باشد که برای خودمان باشد، دیگران نتوانند به او تسلط پیدا کنند حالا باید همه قشرهایی که هستند، با هم دست به دست هم بدهند، دست بردارند از این حب و بغضهایی که اساسش هم همان حب نفس است، یک مقدار حب نفس را کنترلش کنند، نمی توانند خارجش کنند کمش کنند، موقتا کمش کنند تا این پیروزی حاصل بشود، موقتا جلوی قلم ها را بگیرند، و اگر می خواهند نصیحت کنند، نصیحت باشد، نصیحت را آدم ممکن است قبول کند، اما تند گوئی را همان آدمی هم که هر چه باشد تند گوئی را نمی تواند تحمل کند ما باید از این بزرگان چیز یاد بگیریم، خوب مالک اشتر را که قصه اش را شنیده اید که فحش به او دادند و بعد که آن مرد فهمید که این مالک اشتر بود رفت دنبالش، ایشان مسجد رفته بود و مشغول نماز بود و رفت عذرخواهی کرد، گفت من نیامدم - اینطور نقل می کنند - در مسجد الا- اینکه برای تو طلب مغفرت کنم. ببینید چطور تربیت می کند. یک همچو امری چطور تربیت می کند. یک کسی به خواجه، خواجه نصیرالدین رضوان الله علیه، خواجه کاغذی می گویند نوشته بود، و مسائلی و در ضمن او جسارت کرده بود به ایشان و اسم کلب روی ایشان گذاشته بود، ایشان جواب وقتی که نوشتند. از قراری که نقل میشود مسائلی که او اشکال داشت یکی یکی به طور حکیمانه رفع کرده بودند تا رسیده بود به اینجائی که به ایشان گفته بود تو سگ هستی، ایشان گفته بود که نه، من اوصاف و خواص و آثار من با اوصاف و خواص و آثار کلب دو تاست، کلب فلان صفت را دارد من آن صفت را ندارم، من فلان صفت را دارم او ندارد. حکیمانه اینطوری حل کرده بود قضیه را، خوب اگر خواجه هم یک کاغذ نوشته بود به اینکه نه، تو سگی و پدرت هم سگ است فردا یک کاغذی دریافت میکرد او سه تا چیز رویش گذاشته بود. وقتی ما بتوانیم با زبان نرم، با نصیحت، با قول سالم بدون نیش، بدون اظهار غرض مردم را اصلاح کنیم، دوستان خودمان را زیاد کنیم، برای خدا همین معنا باشد خوب چه ادعائی هست که آدم با قلم خودش به ضد خودش عمل کند. خیلی ها خیال می کنند که این حرفی که من می زنم ضد فلان است و سرکوب می شود فلان، لکن اول خودش سرکوب می شود. اینها توجهی به این معنا ندارند اول وقتی که یک همچو شد که دیدند قلم، قلم آلوده است، این مورد نفرت واقع می شود. چه ادعائی دارد انسان که می تواند یک انسانی را دعوت به خیر بکند با زبان ملایم، با قلم ملایم، با نصیحت، با دوستی او را به راه راست ببرد آنطور که انبیا می کردند. ۲۷۵

درستی با مردم خدمت های ارزنده شما را محو می کند

و یکی دیگر، رفتاری است که با مردم و با این توده های مستضعف می شود. چه بسا باشد که خدمت ها، خدمت های ارزنده است، لکن گاهی - با - برخورد به بعضی افراد، یک برخوردی است که خدمت را هم پایمال می کند. مهم این است که - این خدمت ها - واقعا احساس بکنند این خدمتگزارها که خدمتگزارند، احساس این معنا را بکنند که این توده ها بندگان محروم خدا هستند و بندگان هستند که قبل از انقلاب آنقدر محرومیت داشتند و در انقلاب آنقدر خدمت کرده اند و بعد از انقلاب هم تا قیام به امر درست نشده است باز جزء محرومین بوده اند و شما می خواهید به اینها خدمت کنید، و خدمتگزار آنها هستید. مبدا یک وقتی در ضمن اینکه شما خدمت را می کنید، یکی درستی ای باشد که خدمت شما را در خودش محو کند باید اخلاق اسلامی، آداب اسلامی درست مراعات بشود، همانطوری که شیوه ائمه ما اولیاء خدا بوده است که خودشان را خدمتگزار مردم می دیدند با حسن معاشرت با رفتار انسانی، با رفتار الهی رفتار می کردند و کارهایی را که باید انجام بدهند، با همین حسن رفتار انجام می دهند و شما هم بندگان همان خدا و امت همان پیغمبر و شیعه همان امیرالمومنین هستید و شیوه های شما باید به همانطور باشد.

در مسائل ملائمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تاثیر می‌کند. من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می‌کردم، آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می‌کردم همه خشکشان می‌زد، ولی وقتی از رحمت حرف می‌زدم می‌دیدم که دل‌ها نرم می‌شود و اشک‌ها سرازیر می‌گردد و این تاثیر رحمت است. با ملائمت انسان بهتر می‌تواند مسائل را حل کند تا شدت... امیدوارم آقایان موفق شوند که وقتی مجلس را تحویل می‌دهند مردم راضی باشند تا بعدها به همین آقایان رای بدهند. البته من تمامی آقایان را نمی‌شناسم ولی امیدوارم مجلس دارای یک اکثریت تام متعهد باشد. میل دارم وضع و امور با ملائمت و اخلاق حسنه صورت بگیرد و این خیلی بهتر است. دو نفر که با هم دعوا دارند وقتی یکی از آنها با راءفت و ملائمت حرف زد، دعوا تمام می‌شود. اصولا کارها با ملائمت و راءفت بهتر انجام می‌گیرد. ۲۷۷

با ملت خودتان رحیم باشید

من باز این ناراحتی که برایم پیدا شد در ملاقاتی که محمدرضا با یکی از رئیس‌جمهورهای آمریکا بود، گمان می‌کنم نیکسون بود، من آن تلخی در ذائقه‌ام باز مثل اینکه هست که می‌دیدم که این آدمی که وقتی که در ایران است با مردم رفتار می‌کند، آنطور سرکوب می‌کنند مردم را، آنجا جلوی میز آن رئیس‌جمهور ایستاده بود و او عینکش را برداشته بود و به او نگاه نمی‌کرد، از این طرف نگاه می‌کرد و این مثل یک بچه مکتبی، آنوقت من تشبیهش کردم به یک بچه مکتبی‌های زمان سابق که مقابل معلمشان که خیلی از او می‌ترسیدند و وحشت داشتند، یک همچو صحنه‌ای بود و من اینقدر ناراحت شدم که تلخی‌اش الان هم وقتی فکر می‌کنم در ذائقه‌ام هست که ما مبتلای به چه وضعی بودیم، چه اشخاصی به ما حکومت کردند و چه اشخاصی به این ملت حکومت کردند. اشخاصی که در مقابل اجنبی‌ها و کفار آنطور بودند و در مقابل ملت خودشان آنطور سرکوبی می‌کردند. شما که برای آتیه این مملکت انشاءالله امید هستید، باید همین دستوری که از جانب خدای تبارک و تعالی برای شناخت مومن وارد شده است مد نظرتان داشته باشید، با ملت خودتان، با ملت مسلم رحیم باشید، لطیف باشید، رئوف باشید، در مقابل اجانب توفنده و کوبنده باشید عکس زمان رژیم سابق و مثل زمان صدر اسلام. صدر اسلام وقتی که مسلمین مواجه می‌شدند با کفار، طوری رفتار کرده بودند با آنها که از قراری که گفته میشود بین آنها معروف شده بود که این عرب‌ها آدم را می‌خورند، بین خودشان آنطور رئوف و مهربان بودند که سردار بزرگ، مالک اشتر از بازار عبور می‌کرد، یک کسی شناخته به او فحاشی کرد ایشان هم سرش را زیر انداخت و رفت. کسی به او گفت که تو شناختی این را؟ گفت نه. گفت: این مالک اشتر است، دوید، دنبالش دوید، دید که رفته توی مسجدی ایستاده نماز می‌خواند آمد پیشش عذرخواهی، گفت: نه، عذرخواهی نکن من آدمم اینجا نماز بخوانم و برای تو طلب مغفرت بکنم از خدا، این تربیت اسلامی است. ۲۷۸

با خوشروئی و احترام کار مردم را انجام بدهید

شما از خودتان هر شب بازرسی کنید و ببینید با این صندوق چه عمل کردید، آیا این بیچاره‌ای که آمده است قرض بگیرد با تلخی با او روبرو شدید؟ خیلی این اهمیت دارد ممکن است که یک نفر آدم هم قرض بدهد، جان هم بدهد، قرض الحسنه بدهد لکن ترشروئی کند یعنی قلب این قرض گیرنده را آزرده کند یعنی قلب محل تجلی خداست، قرض که می‌دهید با خوشروئی، زود عملش را انجام بدهید هی مثل ادارات دولتی نباشد، زود کار را انجام بدهید با خوشروئی، با بشاشت، با احترام. آن که آمده است قرض می‌کند خوب یک نقیصه‌ای در خودش می‌بیند، به واسطه این نقیصه شاید یک خجالتی برای خودش خیال بکند و حالا- آنکه نه فقر خجالت دارد و نه قرض خجالت دارد لکن خوب یک احساس حقارتی ممکن است بکند، شما با اعمالتان رفع

کنید این را ، شمائی که متکفل قرض الحسنه دادن هستید ، با خوشروئی و عمل خوب این نقیصه ای که آن آدم در خودش مثلاً می بیند و حقارتی که شاید در خودش می بیند ، شما آن را رفع کنید ، این از قرض الحسنه دادن بهتر است حسنه او قرض الحسنه دادن بالاتر است . دلجوئی از مستمندان و از ضعفا و از مستضعفان از اعمال دیگر محتمل است بسیار بزرگتر باشد و شما در حالی که آن عبادت را انجام می دهید که متکفل شدید برای یک عبادتی که قرض الحسنه بدهید و صندوق را باز کنید به روی اشخاص احتیاج دار ، این مطلب ، این عبادت بزرگ را هم انجام بدهید ، این عبادت بزرگ که دلجوئی از یک نفر انسان ، از یک نفری که ممکن است از خود شما شریفتر باشد و شما نمی دانید ، ممکن است از خود شما ایمانش به خدا بالاتر باشد و شما مطلع نیستید ، دلجوئی از او از آن کار دیگران ، بالاتر است و اگر کسی صدقه بدهد و منت بگذارد ، مطرود است ، پیش خدا مطرود است این صدقه - است - اصلاً مطرود است . باید انسان در فکر این باشد که خودش را مهذب کند ، تهذیب کند خودش را . و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه ما ، همه ملت ما متوجه به اسلام باشند و همه منزه باشند و همه منزه باشند از صفات بد . ۲۷۹

۱۴ - خضوع در مقابل قانون

در اسلام فقط قانون خدا حکومت می کند

ما موظفیم حالا- که جمهوری اسلامی رژیم رسمی ما شده است همه طبق جمهوری اسلامی عمل کنیم . جمهوری اسلامی یعنی اینکه رژیم به احکام اسلامی و به خواست مردم عمل کند و الان رژیم رسمی ما جمهوری اسلام است و فقط مانده است که احکام ، همه احکام اسلامی بشود . مجرد بودن رژیم اسلامی مقصود نیست ، مقصود این است که در حکومت اسلام ، اسلام و قانون اسلام حکومت کند ، اشخاص برای خودشان و به فکر خودشان حکومت نکنند . ما می خواهیم احکام اسلام در همه جا جریان پیدا کند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند . در اسلام حکومت ، حکومت قانون ، حتی حکومت رسول الله و حکومت امیرالمومنین حکومت قانون است یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است ، آنها به حکم قانون واجب الاطاعه هستند پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می کند در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد . اگر رئیس جمهوری در مملکت اسلامی وجود پیدا بکند ، این اسلام است که او را رئیس جمهور می کند ، قانون خداست که حکمفرماست . در هیچ جا در حکومت اسلامی نمی بینید که خودسری باشد حتی رسول الله از خودشان رایی نداشتند ، راء قرآن بوده است ، وحی بوده ، هر چه می فرموده از وحی سرچشمه می گرفته است و از روی هوا و هوس سخن نمی گفتند و همین طور حکومت هایی که حکومت اسلامی هستند آنها تابع قانونند ، رای آنها قانون اسلامی است و حکومتشان حکومت الله . اینکه ما دائماً راجع به این معنی سفارش می کنیم که باید حالا که رژیم ، رژیم اسلامی شده است ، محتوا ، محتوای اسلامی باشد برای این است که یک مملکتی که افرادش ادعا می کنند که مسلمان هستیم باید در آنجا احکام اسلام حکومت کند لکن می بینیم در بسیاری جاها دیده می شود که افراد پایبند احکام اسلام نیستند . بسیاری از اشخاص ادعای اسلام میکنند ولی فقط ادعاست ، دیگر در عمل خبری از اسلام نیست . ما که می گوئیم حکومت باید همانطور که اسلامی است محتوایش هم اسلامی باشد ، یعنی هر جا که شما بروید ، در هر وزارتخانه ای شما بروید ، در هر اداره ای که شما بروید ، در هر کوی و برزن و در هر بازار که شما بروید ، در هر مدرسه و دانشگاه که بروید آنجا اسلام و احکام اسلام را ببینید . ما حکومت اسلامی خواستیم ، ما جمهوری اسلامی لفظی نخواستیم ، ما خواستیم که حکومت الله در مملکتمان و انشاءالله در سایر ممالک اجرا بشود . ۲۸۰

عمل نکردن به قانون خدا ، خلاف تعهد اسلامی است

شما با اسلام یک تعهدی الان کردید، همه مان متعهدیم برای اسلام، اما تازه یک تعهد خاصی با اسلام بستیم و ما بیعت کردیم با اسلام، بیعت ما این است که جمهوری اسلامی و نظام اسلامی می خواهیم و رای به این دادیم و بیعت کردیم با این. اگر ما بنا باشد بگوئیم که ما بیعت کردیم با اسلام، با جمهوری اسلامی، رای دادیم به جمهوری اسلامی، لکن به احکام اسلام عمل نمی کنید، این خلاف بیعت است، این خلاف معاهده است، باید همه چیز، همه چیزها اسلامی باشد، اگر مصادره می شود باید روی موازین اسلامی باشد، اگر مال دیگری را، هر چه باشد، مال او باشد از او به اسم مصادره بگیرند این خلاف بیعتی است که شما با اسلام کردید، اگر یک دادگاهی مال یک شخصی را که احراز نکرده است که این مال از طریق حرام آمده پیش او، از چپاول آمده پیش او، بخواهد او را مصادره کند با آن بیعتی که کرده است که من اسلامی هستم، مخالفت کرده است، اگر یک وجب زمین مصادره بشود و از مردم گرفته شده باشد بدون میزان های شرعی، خلاف معاهده ای است که با اسلام ما کردیم، اگر یک نفر آدم ظلم به او بشود، برخلاف موازین به او یک تعدی بشود هر که این کار را بکند، این معاهده ای که کرده است، مخالفت کرده. ما همه چیزمان باید اسلامی باشد، نباشد آنطوری که اسم اسلام را رویش بگذاریم، در واقع طاغوت باشد. یک وقتی ما توجه به این نکنیم که ما از طاغوت سر در آوردیم با اسم اسلام. آنها طاغوت بودند و اسم اسلام هم تو کار نبود، ما می گوئیم اسلام، لکن یک وقت سر از طاغوت در آورد، طغیان بکنید به مردم، پاسدار مردم را اذیت کند، پاسبان مردم را اذیت کند، دادگاه ها برخلاف حکم بکنند، باید همه چیز اسلامی بشود. اگر همه چیز اسلامی بشود یک جامعه ای پیدا می شود غیر قابل فساد، آسیب دیگر نمی بیند آن جامعه، و اگر بنا باشد که اگر باز یک جامعه ای هرج و مرج باشد آسیب بردار هست، همه چیزش باید سر جای خودش محکم باشد و موازین باید موازین الهی باشد و مملکت یک مملکت اسلامی باشد، قانون اسلام باشد.

۲۸۱.

در زمان پیامبر (ص) هم قانون حکم می کرد

در اسلام یک چیز حکم می کند و آن قانون است، زمان پیغمبر هم قانون حکم می کرد، پیغمبر مجری بوده، زمان امیرالمومنین هم قانون حکم می کرد، امیرالمومنین مجری بود. همه جا باید اینطور باشد که قانون حکم کند، یعنی خدا حکم بکند، حکم خدا. حاکم یکی است، خدا، قانون، قانون الهی، دیگران مجری او، اگر بخواهند از خودشان یک چیزی بگویند، پیغمبر اکرم که راس همه عالم هست، خدا به او خطاب می کند که اگر چنانچه یک چیزی برخلاف آن چیزی که من گفته بودم بگوئی، قطع و تینت ۲۸۲ را می کنم، اخذت می کنم و رگ کمرت را پاره می کنم برای اینکه اجرا باید بکنی آنی که اسلام گفته، آنوقت تو مجری او هستی. البته معلوم بود که او مجری است و هیچ وقت تخلف نمی کند، لکن سرمشق است این، به آن فرد اول این اخطار را می کند تا من و شما بفهمیم مطلب را، تکلیف مان را بفهمیم، به فردی که معلوم است، خدا هم می داند این را که این تخلف کن نیست، این قدم آن طرف نخواهد گذاشت لکن به او به طور اینکه اگر این کار را بکنی به او می گوید تا همه مردم تکلیفشان را بفهمند که اگر پیغمبر هست، دیگران هم همین طور و اگر ما تخلف کنیم از قوانین الهی، تا یک حدودی خدای تبارک و تعالی مهلت می داد، لکن یک وقت هم اگر از مهلتش گذشت دیگر معلوم نیست چه خواهد شد. حالائی که ما همه فریاد می زنیم و بر ضد این اشخاص که همه چیز ما را بردند این صداها را می کنیم که امریکا کذا، اگر خودمان یک وقت تخلف بکنیم و توجه نداشته باشیم به اینکه نباید تخلف کنیم، اعتنا نکنیم به قوانین اسلام، یک وقت خدای نخواستہ عنایت خدا از ما سلب می شود، خودمان را به خودمان واگذار می کند اگر اینطور شد، بکلی از بین خواهیم رفت. باید همه توجه داشته باشیم و همه دعا کنیم، از خدا بخواهیم که ما پیرو اسلام و پیرو قوانین اسلام باشیم. ۲۸۳.

ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم اسلامی که راضی نمی‌شود حتی به یک زن یهودی که در پناه اسلام است تعدی بشود. اسلامی که حضرت امیر سلام الله علیه می‌فرماید برای ما اگر چنانچه بمیریم، ملامتی نیست که لشکر مخالف آمده است و با فلان زن یهودیه ای که ملحد بوده است. خلخال را از پایش در آورده است یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن هیچ ظلم نباشد، اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه علی السواء در مقابل قانون باشند. در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است و آن قانون الهی. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم به همان عمل می‌کرده است، خلفای او هم به همان عمل می‌کردند، حالا- هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می‌کند، شخص هیچ حکومتی ندارد. آن شخص ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام قانون است، همه تابع قانونند و قانون هم قانون خداست، قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است، قانونی است که قرآن است، قرآن کریم است و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقی مابین گروه‌ها نیست. با اینکه پیغمبر اکرم عرب بوده است و با عرب صحبت می‌فرموده است می‌فرماید که: هیچ عربی بر عجم شرافت ندارد و هیچ عجمی هم بر عرب شرافت ندارد. ۲۸۴

شرافت انسانها به تبعیت از قانون خداست

شرافت به تقواست. شرافت به این است که تبعیت از اسلام، هر کس بیشتر تبعیت از اسلام کرد، بیشتر شرافت دارد و هر کس کمتر، شرافتش کم است، ولو اینکه بسته به رسول اکرم باشد. حضرت صادق سلام الله علیه (از قراری که نقل شده است) آن آخری که در معرض موتشان بوده است، جمع کردند عده ای را دور خودشان از عشیره خودشان گفتند که (شما فردای قیامت نیائید بگوئید که من مثلاً- پسر حضرت صادق بودم، من برادر او بودم، من زن او بودم. نخیر اینها نیست در کار، عمل در کار است، باید همه با عملتان پیش خدا بروید) ما همه باید با اعمالمان پیش خدا برویم نه اینکه حسبی در کار باشد، نه اینکه نسبی در کار باشد. این حرفها مطرح نیست در اسلام، در اسلام یک قانون است و آن قانون الهی حکمفرماست. یک چیز است و آن حکم خدا، همه اجرای این حکم را می‌کنند. پیغمبر اکرم مجری احکام خداست. امام مجری احکام خداست. دولت اسلامی مجری احکام خداست. خودشان چیزی ندارند از خودشان، همه اجرای دستورات خدای تبارک و تعالی را طی کنند. ۲۸۵

قانون نسبت به همه افراد یک طور جریان دارد

اگر چنانچه حکومت اسلامی به آنطور که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است شرایط حاکم را، شرایط مامورین دولت را، کیفیت حکومت را آنطوری که در اسلام مقرر است، همانطوری که در صدر اسلام بود که حکومت نسبت به تمام افراد به یک نظر و قانون نسبت به تمام افراد یک طور جریان دارد، حکومتی که رئیس حکومت را به دادگاه می‌خواهد و می‌رود به دادگاه. در زمان علی ابن ابیطالب سلام الله علیه که اختلافی بین ایشان و یک نفر از افراد ذمی، یهودی پیدا شد، همان قاضی که خود ایشان تعیین کرده بودند، احضار کرد حضرت را، حاکم وقت را احضار کرد، ولی امر وقت را احضار کرد ایشان هم رفتند، وقتی هم رفتند آنجا قاضی می‌خواست یک احترامی بگذارد، حتی به اینکه کنیه - با کنیه - حضرت را ذکر کند، به حسب نقل این است که ایشان گفتند نه، قاضی باید نسبت به همه علی السوی باشد، نظرش یک جور باشد. از آداب قضای اسلامی یکی این است که وقتی نگاه هم می‌خواهد بکند به طرفین، یکی را بیشتر نگاه نکند از دیگری، علی السوی باشد، در نشستن جوری نباشد که یکی بالاتر بنشیند، یکی پائین تر بنشیند. اگر یک همچو حکومت اسلامی که در آرزوی ماست، آمال ماست، آمال اسلام

است ، آمال ائمه اسلام و خلفای اسلام از اول بوده است ، اگر یک همچو حکومتی پیدا بشود ، من مطمئنم که این صحبت های حق من و حق تو از بین خواهد رفت برای اینکه همه یک روانند ، همه یک جور حق دارند . حق ندارد حاکم و ولی امر در وقت ، یک ناحیه را بیشتر به آن توجه بکند تا ناحیه دیگر ، حق ندارد یک طرف از کشور را زیاده تر از طرف دیگر کشور آباد کند ، حق ندارد حتی یک جایی را کمتر از جای دیگر فرض کنید که خیابان کشی کند یا آسفالت کند . اگر یک همچو حکومتی که آرزوی ماست پیدا بشود ، گمان نکنم که نه کرد و نه ترک و نه فارس و نه عرب و نه سایرین این مسائل را پیش بیاورند . این مسائل از اینجا پیش آمده است که دولت ها اسلامی نبودند ، اجحاف می کردند . ۲۸۶

حکومت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر (علیه السلام) ، مصداقی برای حکومت قانون

ارزش ها در عالم در دو قسم است یک قسم ارزش های معنوی ، از قبیل ارزش توحید و جهاد مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی ، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت ها با ملت ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت ها و امثال اینها که در صدر اسلام یا قبل از اسلام از آنوقتی که انبیا مبعوث شدند وجود داشته و قابل تغییر نیست . عدالت معنایی نیست که تغییر بکند ، یک وقت صحیح و زمانی غیر صحیح باشد . ارزش های معنوی ارزش های همیشگی هستند که قبل از صنعتی شدن کشورها ، ضمن و بعدا ، در آن نیز وجود داشته و دارد ، عدالت ارتباطی به این امور ندارد . قسم دیگر اموری است مادی که به مقتضای زمان فرق می کند ، در زمان سابق یک طور بوده است و بعد رو به ترقی رفته است تا به مرحله کنونی رسیده است و بعد از این هم بالاتر خواهد رفت . آنچه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است ارزشهای معنوی است . در صدر اسلام در دو زمان ، دوبار حکومت اصیل اسلام محقق شد ، یک زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر وقتی که در کوفه علی ابن ابیطالب سلام الله علیه حکومت می کرد در این دو مورد بود که ارزش های معنوی حکومت می کرد یعنی یک حکومت عدل برقرار و حاکم ذره ای از قانون تخلف نمی کرد حکومت در این دو زمان حکومت قانون بوده است و شاید دیگر هیچ وقت حاکمیت قانون را بدانگونه سراغ نداشته باشد حکومت که - کم - ولی امرش (که حالا به سلطان یا رئیس جمهور تعبیرش می کنند) در مقابل قانون با پائین ترین فردی که در آنجا زندگی می کنند علی السواء باشد ، در حکومت صدر اسلام این معنی بوده است حتی قضیه ای از حضرت امیر در تاریخ است در وقتی که حضرت امیر سلام الله علیه حاکم وقت و حکومتش از حجاز تا مصر و تا ایران و جاهای بسیاری دیگر بسط داشت ، قضات هم از طرف خودش تعیین می شد ، در یک قضیه ای که ادعائی بود بین حضرت امیر و یک نفر یمنی که آن هم از اتباع همان مملکت بود قاضی حضرت امیر را خواست ، در صورتی که قاضی دست نشانده خود او بود ، و حضرت امیر بر قاضی وارد شد و قاضی خواست به او احترام بگذارد ، امام فرمود که در قضا به یک فرد احترام نکنید ، باید من و او علی السواء باشیم ، و بعد هم که قاضی بر ضد حضرت امیر حکم کرد ، با روی گشاده قبول کرد . این حکومتی است که در مقابل قانون همگی علی السواء حاضرند ، برای اینکه قانون اسلام قانون الهی است و همه در مقابل خدای تبارک و تعالی حاضرند ، چه حاکم ، چه محکوم ، چه پیغمبر و چه امام و چه سایر مردم . ما حالا آرزوی این را داریم که حکومت ما شباهتی به حکومت صدر اسلام پیدا کند و اینطور نیست که همچو قدرتی داشته باشیم که بتوانیم همه محتوای حکومت اسلام را بلافاصله پیاده کنیم ، خصوصا که ما در زمانی زندگی می کنیم که اقلا پنجاه و چند سال این مملکت محتوایش تغییر کرده است و همه چیزش منحط و غیر اسلامی شده است اگر بخواهیم تمام مغزهای فاسد شده را به مغزهای اسلامی و صالح برگردانیم ، مدتی طولانی وقت لازم دارد اگر خدا بخواهد می شود و اگر نخواهد باید این آرزو را به گور ببریم . ۲۸۷

هیچ جای دنیا مثل حکومت حضرت امیر (ع) اقامه قانون نشده

حضرت امیر سلام الله علیه آنوقتی که سلطنتش (من تعبیر به سلطنت می‌کنم روی مذاق حالا- و الا- نباید این تعبیر را بکنم) خلافتش که همین نظیر سلطنت‌ها بوده است، یعنی نظیر به این معنا که همه جا تحت ولای او بوده است چندین مقابل ایران بوده حجاز و مصر و عراق و ایران و خیلی جاها، قاضی خودش نصب کرده برای قضاوت، عربی رفته، یهودی است، رفته است شکایت کرده پیش قاضی از حضرت امیر که یک زرهی از من است پیش ایشان، حالا من که چیزش را نمی‌دانم اما اصل متن قضیه را می‌دانم، قاضی خواست حضرت امیر را، رفت در محضر قاضی ای که خودش او را نصب کرده است، قاضی حضرت امیر را احضار کرد، رفت، نشستند جلو او، حتی تعلیم داده به قاضی ظاهرا در همین جا است که (نه، به من زیادتر از این نباید احترام کنی، قضاوت باید همچو هر دو علی السواء باشیم) یکی یهودی بود و یکی هم رئیس عرض می‌کنم که از ایران گرفته تا حجاز تا مصر تا عراق، قاضی رسیدگی کرد و حکم بر ضد حضرت امیر داد. شما پیدا بکنید در تمام دوره‌های سلطنت‌ها و رئیس‌جمهورها و اینها یک همچو وضعی که یک رئیس با یک یهودی که تبعش بوده و با آن قاضی ای که قاضی ای بوده است که خودش رعیت است آن قاضی، شما پیدا کنید یک همچو قضیه ای در تمام جمهوری‌ها، در تمام سلطنت‌ها، در تمام رژیم‌ها تا ما بگوئیم رژیم اسلام یک رژیمی است که پائین تر از سایر رژیم‌هاست. ما که رژیم اسلام را می‌خواهیم یک همچو چیزی می‌خواهیم. ما که می‌گوئیم حکومت اسلام، همچو چیزی می‌خواهیم. ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد که اگر قاضی دادگستری او را احضار کرد، برود آنجا. ۲۸۸ حضرت امیرالمومنین علی ابن ابیطالب که حاکمیت بر یک صحنه بزرگ، یک ممالک بزرگ از عربستان سعودی گرفته تا مصر، ایران، عراق و سوریه و سایر جاها را داشته است، همین قاضی که خودش قرار داده برای قضا، وقتی که یک نفر یهودی به او دعوی کرده است و ادعا کرده است چیزی را، قاضی او را خواسته و او هم آمده است در محضر قاضی و با یهودی در عرض هم نشسته‌اند و دادخواهی شده است و قاضی حکم بر خلاف حضرت امیر سلام الله علیه یعنی حکومت وقت کرده است و تسلیم بوده است. یک همچو وضع حکومتی در بشر معلوم نیست تحقق پیدا کرده باشد و ما آرزوی یک همچو حکومتی داریم، یک حکومت عادل که نسبت به افراد رعیت علاقه مند باشد، عقیده اش این باشد که باید من نان خشک بخورم که مبادا یک نفر در مملکت من زندگیش پست باشد، گرسنگی بخورد. ۲۸۹

تخلف از قانون جرم است

امید است امسال سال حکومت قانون باشد. در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم‌الثناء صلی الله علیه و آله در مقابل قانون بی‌امتیاز در یک صف هستند و احکام قرآن و اسلام بر همه جاری است و شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است که همان تقواست و متخلف از قانون مجرم و قابل تعقیب است و بر دستگاه‌های قضایی است که از متعديان به جان و شرف و مال بندگان خدا دفاع کنند و آنان را به سزای خود بنشانند. و من برای چندمین بار اعلام می‌کنم که هر گروه و شخصی اگرچه از بستگان و اقربای اینجانب باشند، خود مسؤل اعمال و اقوال خود هستند و اگر خدای نخواستہ تخلف از احکام اسلام کردند، دستگاه قضایی موظف است آنان را مورد تعقیب قرار دهد و هر کس و هر دستگاه، چه قضات شرع و چه دادگاه‌ها و چه غیر اینها، هر کس تعدیات خود را به اسم من و یا به انتساب به من اجرا کنند مجرم و مفتری است. ۲۹۰

حکومت اسلام، حکومت قانون است

ولایت فقیه است که جلو دیکتاتوری را می‌گیرد اگر ولایت فقیه نباشد، دیکتاتوری می‌شود. آن که جلوگیری می‌کند از اینکه رئیس‌جمهور دیکتاتوری نکند، آن که جلو می‌گیرد از اینکه رئیس‌ارتش دیکتاتوری نکند، رئیس‌ژاندارمری دیکتاتوری نکند، رئیس‌شهربانی دیکتاتوری نکند، نخست‌وزیر دیکتاتوری نکند، آن فقیه است. آن فقیهی که برای امت تعیین شده است و امام

امت قرار داده شده است، آن است که می‌خواهد این دیکتاتوری‌ها را بشکند و همه را به زیر بیرق اسلام و حکومت قانون بیاورد اسلام، حکومتش حکومت قانون است، یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت است و حکومت، حکومت تابع قانون است، یعنی خود پیغمبر هم تابع قانون، خود امیرالمومنین هم تابع قانون، تخلف از قانون یک قدم نمی‌کردند و نمیتوانستند بکنند. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که اگر چنانچه یک تخلفی بکنی، یک چیزی را به من نسبت بدهی، تو را اخذ می‌کنم، و تینت را قطع می‌کنم. اسلام دیکتاتوری ندارد، اسلام همه‌اش روی قوانین است و آن کسانی که پاسدار اسلامند اگر بخواهند دیکتاتوری کنند، از پاسداری ساقط می‌شوند به حسب حکم اسلام. ۲۹۱

شخص اول حکومت اسلامی اگر خلاف بکند معزول خواهد بود

ما دنبال یک حاکم تقوادر، تقوای سیاسی لااقل داشته باشد، نخورد مال این ملت را، هدر ندهد این ملت را، ما دنبال این میگردیم. ما می‌گوئیم حکومت اسلامی، می‌خواهیم یک حکومتی باشد که یک قدری شبیه باشد به این حاکمهای ما. آنوقت کجای حکومت اسلامی دیکتاتوری بوده است که آقایان سخت از این می‌ترسند دیکتاتوری چیست؟ حکومت اسلام حکومت قانون است. اگر شخص اول مملکت ما در حکومت اسلامی یک خلاف بکند، اسلام او را عزلش کرده است، یک ظلم بکند، یک سیلی به یک کسی بزند، ظلم است، اسلام او را عزلش کرده، او دیگر قابلیت از برای حکومت ندارد این دیکتاتوری است؟ حکومت قانون است، قانون خداست. یعنی حاکم، یعنی شخص اول مملکت، اگر یک کسی یک چیزی داشته باشد، شکایتی داشته باشد از او، پیش قاضی می‌رود و او را حاضرش می‌کند و او هم حاضر می‌شود، وظیفه است. حضرت امیر این کار را کرد، ما هم یک همچین حکومتی می‌خواهیم، حکومت قانون، قانون یعنی آن قانون، آن هم قانون مترقی اسلام. ۲۹۲

هیچکس حق تخلف از قانون را ندارد

در هر صورت، ما باید خودمان، شما، همه ملت مان دست به دست هم بدهیم و همانی که از اول فریاد می‌کردیم که آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، همین را تعقیب کنیم. جمهوری اسلامی، احکام، احکام اسلام، باید احکام، احکام اسلام باشد این حرف‌هایی که می‌زنند که خیر، اگر چنانچه ولایت فقیه درست بشود دیکتاتوری می‌شود، از باب اینکه اینها ولایت فقیه را نمی‌فهمند چیست اگر ولایت ولایت فقیه نباید بشود، برای اینکه باید به حکومت ملت باشد اینها ولایت فقیه را اطلاع از آن ندارند مسائل این حرف‌ها نیست، ولایت فقیه می‌خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد، نه اینکه می‌خواهد دیکتاتوری بکند. اینها از این می‌ترسند که مبادا جلو گرفته بشود جلو دزدی‌ها را می‌خواهد بگیرد. اگر رئیس جمهور باید با تصویب فقیه باشد، با تصویب یک نفری که اسلام را بداند چیست، درد برای اسلام داشته باشد، اگر درست بشود نمی‌گذارد این رئیس جمهور یک کار خطا بکند اینها این را نمی‌خواهند اینها اگر یک رئیس جمهور غربی باشد همه اختیارات دستش بدهند هیچ مضایقه‌ای ندارند و اشکالی نمی‌کنند، اما اگر یک فقیهی که یک عمری را برای اسلام خدمت کرده، علاقه به اسلام دارد، با آن شرایطی که اسلام قرار داده است که نمی‌تواند یک کلمه تخلف بکند اسلام دین قانون است، قانون، پیغمبر هم خلاف نمی‌توانست بکند، نمی‌کردند، البته نمی‌توانستند بکنند خدا به پیغمبر می‌گوید که اگر یک حرف خلاف بزنی رگ و تینت قطع می‌کنم حکم قانون است، غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد، برای هیچ کس حکومت نیست، نه فقیه و نه غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می‌کنند، مجری قانون هستند همه، هم فقیه و هم غیر فقیه همه مجری قانونند فقیه ناظر بر این است که اینها اجرای قانون بکنند، خلاف نکنند، نه اینکه می‌خواهد خودش یک حکومتی بکند. ۲۹۳

ولی فقیه مسؤوول اجرای قانون است

شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی خواهد به مردم زور گوئی کند اگر یک فقیهی بخواهد زور گوئی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد اسلام است، در اسلام قانون حکومت می کند پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند. خدای تبارک و تعالی میفرماید که اگر چنانچه یک چیزی بر خلاف آن چیزی که من میگویم تو بگوئی من ترا اخذ می کنم و تینت را قطع می کنم، به پیغمبر میفرماید اگر پیغمبر یک شخص دیکتاتور بود و یک شخصی بود که از او می ترسیدند که مبادا یک وقت همه قدرت ها که دست او آمد دیکتاتوری بکند، اگر او شخص دیکتاتور بود، آنوقت فقیه هم می تواند باشد اگر امیر المومنین سلام الله علیه یک آدم دیکتاتوری بود، آنوقت فقیه هم می تواند دیکتاتور باشد دیکتاتوری در کار نیست، می خواهیم جلوی دیکتاتور را بگیریم. ولایت فقیه ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود، نظارت کند بر مجلس، بر رئیس جمهور که مبادا یک پای خطائی بردارد، نظارت کند بر نخست وزیر که مبادا یک کار خطائی بکند، نظارت کند بر همه دستگاه ها، بر ارتش که مبادا یک کار خلافی بکند. جلو دیکتاتوری را ما می خواهیم بگیریم، نمیخواهیم دیکتاتوری باشد، می خواهیم ضد دیکتاتوری باشد، ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه دیکتاتوری. ۲۹۴

همه باید در مقابل قانون خاضع باشیم

ما اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه هایی که در کشور هستند و همه نهادهائی که در سرتاسر کشور هستند اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشمریم هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلافات از راه قانون شکنی ها پیش می آید. اگر قانون حکومت کند در یک کشوری، چنانچه از صدر عالم تاکنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند، ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه خدا بکنیم و به قانون هم عمل کنیم و هم خاضع باشیم در مقابل قانون. قانون برای همه است البته اگر چنانچه به قانون بخواهند عمل کنند و یک دزدی را به جای خودش نشانند آن دزد صدایش در می آید، لکن باید آن دزدی که مقابل قانون می خواهد عرض اندام کند به او توجه داد که این قانون است و اگر چنانچه پسر رسول اکرم، دختر رسول اکرم هم خدای نکرده دزدی کند رسول اکرم دست او را می برد، قانون است. قانون برای نفع ملت است، برای نفع جامعه است، برای نفع بعضی اشخاص و بعضی گروه ها نیست. قانون توجه به تمام جامعه کرده است و قانون برای تهذیب تمام جامعه است. البته دزدها از قانون بدشان می آید و دیکتاتورها هم از قانون بدشان می آید و کسانی که مخالفت ها می خواهند بکنند، از قانون بدشان می آید، لکن قانونی که مال همه ملت است و برای تهذیب همه ملت است و برای آرامش خاطر همه ملت است و برای مصالح همه ملت است، این قانون باید محترم شمرده بشود. نباید اگر چنانچه یک قانونی برخلاف نظر من بود من بیایم بیرون و هیاهو کنم که من این قانون را قبول ندارم، این قانون خوب قانونی نیست. قانون خوب است، شماها باید خودتان را تطبیق بدهید با قانون، نه قانون خودشان را - برای - به شما تطبیق بدهد اگر قانون بنا باشد که خودش را تطبیق بدهد. به یک گروه، تطبیق بدهد به یک جمعیت، تطبیق بدهد به یک شخص، این قانون نیست. قانون در راءس واقع شده است و همه افراد هر کشوری باید خودشان را با آن قانون تطبیق بدهند. اگر قانون برخلاف خودشان هم حکمی کرد، باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند، آنوقت است که کشور، کشور قانون می شود. ۲۹۵ همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می شود و در آخر، رژیمی را ساقط می نماید. لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپا که مورد هجوم قدرت ها و ابرقدرت هاست وفادار باشیم. ۲۹۶

۱۵ - انجام وظیفه و عدم نداخل در کارهای دیگر

قوام نظام اسلامی بر اتحاد در روش است

مسأله ای را که لازم دیدم تذکر بدهم ، این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است . همگی باید سعی کنیم هر حرکتی اعم از سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی که انجام می دهیم ، به آن کلیت صدمه نزنند . ترسیم کلیت . . . ۲۹۷ از اصول اساسی قوانین اسلامی است که هدایت فرد و جامعه را بر عهده دارد . هر مسؤ ولی و هر متعهد به نظامی باید سعی کند برای پیشبرد نظام در چهارچوب محدوده وظایفش عمل کند ، که در غیر این صورت احتمال پاشیدگی نظام جمهوری است لذا اگر هر وزیری دخالت در کار وزیر دیگر نماید که حتی دخالت او باعث رشد کار گردد ، مورد قبول نیست ، چرا که خروج از چهارچوب اختیارات ضررش بسیار بیشتر از رشد کار در نقطه ای دیگر است . روشن است که مشورت و هماهنگی و همکاری مورد بحث نیست . این جانب گاهی به موضعگیری های وزرا و نمایندگان در خارج از محدوده وظایفشان برخورد می کنم که متعجب می شوم ؛ از باب مسایل سیاست خارجی کشور بر عهده وزیر امور خارجه است . اگر آقایان اعتراضی دارند باید برادرانه در هیات دولت مطرح کنند . اگر به اعتراض جواب قانع کننده ای داده شد ، که چه بهتر والا وزیر امور خارجه است که در چهارچوب سیاست ترسیمی از رهبری نظام و یا مجلس ، تصمیم گیرنده است . این شیوه پسندیده ای نیست که هر وزیر و یا نماینده ای هر چه دلش خواست در مجامع عمومی بگوید . آقایان وزرا ! من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می کنم که سیاست های یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید ، که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند ، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می گیرد ، بسیار شکننده است . کاری نکنیم که دنیا فکر کند نظام اسلامی ایران با این اختلاف سلیقه ها و با این ابراز اختلاف ها هیچ گاه راه ثبات را نخواهد پیمود . خداوند به تمامی شما توفیق خدمت به بندگان خوب خود را . . . ۲۹۸ ارزانی دهد . ۲۹۹

بهترین مامور کسی است که ماموریت خودش را خوب عمل بکند

هر چه پیش می رود اسلام ، ما قوه بدهیم به اسلام ، ما بیشتر فعالیت بکنیم ، این طور نباشد که حالایی اسلام که در ایران / حالا / آمده است ، پس ما دیگر کار نداشته باشیم . نخیر ، حالا اول کار است ، ما باید کار داشته باشیم . در همه امور ما باید قوی باشیم و بهترین مامور آن است که به آن چیزی که به خودش محول شده است خوب عمل بکند . شما اگر چنانچه فرض کنید در یک سفارتخانه ای هستید می خواهید عمل بکنید ، باید خودتان آن کاری که به شما محول شده خوب عمل کنید ، به دیگران کار نداشته باشید . بله ، اگر که آنها خلاف کردند شما نهی شان کنید ، اما این طور نباشد که نظرتان این باشد که او چه جور دارد عمل می کند ، شما باید عملی که خودتان انجام می دهید ، مطابق با موازین و قوانینی باشد که در اسلام است و در جمهوری اسلامی هست . بناثا علیه مامور خوب ، انسان خوب آن کسی است که ماموریت خودش را خوب عمل بکند و تکالیف خودش را خوب از عهده برآید و من امیدوارم که همه شما این طور باشید و ملت ایران هم این طور باشد . ۳۰۰

اگر هماهنگ باشیم ما برده ایم

یک واجب شرعی است برای و کلاسی مجلس که با دولت و با رئیس جمهور همراهی کنند ، این یک تکلیف شرعی است برای رئیس جمهور و دولت که باید با مجلس همزمان باشند و هماهنگ باشند . اگر هماهنگ باشیم ما برده ایم و اگر بنا باشد هر کس از یک طرف بدود ، او بخواهد خودش را نمایش بدهد و او بخواهد خودش را نمایش بدهد ، هر کس بخواهد یک طرف برود ،

پاسدارها بخواهند فرض کنید دخالت در ژاندارمری بکنند، ژاندارمری بخواهد دخالت در کار پاسدارها بکند، آنها بخواهند در ارتش دخالت بکنند، کمیته‌ها بخواهند در جاهای دیگر دخالت بکنند، فاسد می‌شود کار. هر کسی باید کار خودش را خوب انجام بدهد. اگر یک مملکتی همه گروه‌هایی که هستند، همه جاهائی که اشخاص هستند و گروه‌ها هستند، کار خودشان را خوب انجام دهند، یک مملکت منظم می‌شود، یک مملکتی می‌شود که پیشرفت می‌کند اما اگر بخواهد هر کس در کار دیگری دخالت بکند، من بیایم در کار شما دخالت بکنم شما بیایید در کار من دخالت کنید، نه من می‌توانم کارم را انجام بدهم نه شما می‌توانید کارت‌تان را بکنید. این یک وظیفه شرعی الهی است که من به همه می‌گویم، نه مخصوص شما، برای همه است این، برای پاسدارهاست، برای پاسبان‌هاست، برای ارتش است، برای ژاندارمری است، برای مجلس است، برای دولت است، برای رئیس‌جمهور است. ۳۰۱

همه مکلفند شرعا به وظایف قانونی خود عمل کنند

این یک مسأله شرعی است. همه مکلفند شرعا به اینکه این کار را انجام بدهند و این چیزی که من می‌گویم این است که لازم است این و باید بشود، هر کدام به وظایف قانونی خود باید عمل کنند. قانون برای همه وظیفه معین کرده. اگر یکی دست از قانون بردارد و بخواهد دخالت به کار دیگری بکند، برخلاف شرع عمل کرده و آنوقت ممکن است که برخلاف شرع وقتی عمل کرد از باب نهی از منکر نسبت به او کاری انجام دهند. آقای رئیس‌جمهور همان کاری که قانون برایش معین کرده، آن همان کارهای مهمی که قانون برای او آورده، آن کار را خوب انجام دهد. مجلس آن وظایفی را که قانون برایش معین کرده همان را درست بکند، دیگر مجلس دخالت نکند در اجراء قوه مجریه و قوه قضائیه. قوای قضایی سر جای خود کار قضایی را انجام دهند و این کار مهمی است. قوای مقننه باید کار تقنینیه‌شان را انجام بدهند و این کار مهمی است. دولت مجری است و باید کار خودش را انجام بدهد و این کار مهمی است. ارتش باید کار خودش را انجام بدهد به آن حدودی که موظف است و این کار مهم است. اگر بنا باشد هر کدام در کار یکدیگر دخالت بکنیم که این مملکت نمی‌شود. یک بازاری بیاید در ارتش دخالت بکند، یک بازاری در فتوا دخالت بکند، نمی‌شود، نمی‌شود این. ارتش بیاید در فتوا دخالت بکند، اهل فتوا بیایند در ارتش دخالت بکنند، این معنایش این است که هیچ کدام کار خودشان را نمی‌توانند انجام دهند. در عین حالی که از همه شما تشکر می‌کنم لکن به شما تذکر می‌دهم که نظم را حفظ کنید، سربازها نظم را حفظ کنند، پاسدارها نظم را حفظ کنند، پاسبان‌ها حفظ بکنند. اگر نظم حفظ نشود مملکت ما ممکن است خدای نخواستہ آسیب ببیند و من امیدوارم که دیگر آسیبی برای این مملکت واقع نشود برای اینکه ما برای خدا می‌خواهیم انجام وظیفه کنیم و خدا را همه در نظر داشته باشید. خدا حاضر است، ناظر است، اعمال‌تان را می‌بیند. شما تبه پیدا کنید از اینهایی که در این مملکت آن قدرت‌ها را به خرج دادند و آن فسادها را، حالا هم در بستر بیماری افتاده‌اند الان برایشان مرگ عروسی است. توجه داشته باشید به اینکه یک عالم دیگری در کار است. ۳۰۲

تخلف از قانون برای هیچ کس جایز نیست

ما مسؤول هستیم پیش خدای تبارک و تعالی. ما امانت داریم الان، اسلام و کشور اسلامی امانت است پیش ما، این امانت را هر یک از ما اگر بخواهیم یک خلافی در آن بکنیم خیانت است و جواب باید بدهیم. در پیش اسلام این نباشد که هر کدام دیگری را بکشیم، هر کدام مفسده دیگری را، فساد دیگری را بگوئیم. باید همه ما دست به دست هم بدهیم، هم پاکسازی با کمال قدرت و هم دوستی و مهربانی با کمال قدرت. ۳۰۳ معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشگری و چه اشخاص عادی جائز نیست و متخلف به مردم معرفی می‌شود و مورد مواخذه قرار می‌گیرد

. بنابراین دخالت هر یک از مقامات در امور مربوط به مقامات دیگر بر خلاف قانون است و دخالت کننده به مردم معرفی می گردد .
۳۰۴ .

کار هر کس ، محل آزمایش اوست

امروز که همه چیز در دست خود شماهاست دیگر این عذر پذیرفته نیست که من چه کنم . هر کس در هر محلی که هست آن کسی که در یک اداره ایستاده است و برای رفت و آمد مردم راه می دهد یا کارهای دیگر انجام می دهد ، با آن کسی که در اداره روی صندلی نشسته است و مردم به او مراجعه می کنند و آن کسی که در جبهه دارد جنگ می کند و آن کسی که در پشت جبهه هست و خدمت می کند و آن بازاری که در بازار مشغول کسب و تجارت هست و آن کارمند که در ادارات مشغول فعالیت هستند و آن دهقان ها که در محل کشاورزی مشغول خدمت هستند و آنهایی که در کارخانه ها مشغول فعالیت هستند و تمام قشرهایی که در این کشور تصور بکنید ، تمام اینها ، از مقدرات این مملکت سؤال می کنند از شما . کسی گمان نکند که خوب من بازاری هستم ، نمی توانم . من یک اداری جزء هستم ، من یک کارمند ضعیف هستم . فرق ما بین هیچ یک از شماها نیست در این معنا . هر کس آن محلی که هست همان محل ، محل آزمایش اش است . آن کارمند جزای که یک کار جزای انجام می دهد آن کار جزای آزمایش اوست . آیا این کاری که دست اوست انجام چطور می دهد ، با کسانی که به او در همین جزای مراجعت می کنند چه رفتار می کند ، آیا قصدش از این شیطان است یا قصدش خداست ؟ این مسأله استثنا ندارد . انبیا هم مورد آزمایش اند یعنی هر کس در این دنیا پا گذاشت و مکلف بود به تکلیفی ، این آزمایش می شود . و گمان نکنند که من این کار را که می کنم کسی نمی بیند . این کاری که می کنید خود این کار منعکس می شود . خدای تبارک و تعالی در محضرش واقع می شود . ملائکه الله موکل هستند بر این فرد . ۳۰۵

هر کس در هر کاری مشغول است آن را خوب انجام بدهد

باید ما فکر کنیم چه باید بکنیم که از زیر بار مسؤ ولت خارج بشویم . مائی که امروز مقدرات مملکت مان به دست خودمان افتاده است همه مان مسؤ ولیم ، کسی نیست که مسؤ ول نباشد ، همه هستیم . ببینیم که باید چه کار بکنیم که این مسؤ ولیتی که به عهده ماست به طوری انجام بدهیم که فردا پیش خدای تبارک و تعالی و پیش انبیای خدا خجلت زده نباشیم و آبرومند باشیم . آن این است که هر کس در هر کاری مشغول است او را خوب انجام بدهد . فرض کنید همه خدای نخواستہ همه افراد کشور خلاف می کنند ، شما یک نفر کار خوب بکن . هر کسی فکر خودش باشد . ۳۰۶

آنهايي که خدمت می کنند توجه کنند که خداوند و ملائکه مواظب آنها هستند

هر کس خودش مسؤ ول کارهای خودش است ، هیچ کس مسؤ ول کار دیگری نیست او کار را می گوید و مواظبت هم می کند اما هیچ کس نمی تواند که عمق کارهای شما را بفهمد چه جوری است ، لکن در محضر خداست . آنهايي که در هر جا خدمت می کنند توجه کنند که خدای تبارک و تعالی و ملائکه ای که از طرف خدا موکل هستند مواظب هستند . همین موج هایی که در دنیا از حرف شما ، از عمل شما منعکس می شود ، همین ها فردا پیش شما شهادت می دهند . باید توجه بکنید به اینکه مسؤ ولت بزرگ است مثلا در کسانی که در جبهه هستند و جبهه خدمت می کنند اینها گروه های مختلف هستند ، ارتشی هست ، ژاندارمری هست ، پاسدار هست ، بسیجی هست ، عشایری هست ، شهربانی هست از همه قشرها در آنجا خدمت می کنند ، مردم عادی هم میروند خدمت میکنند ، اینها مواظب باشند که همین جا محل امتحان آنهاست که آیا اینهایی که دارند فعالیت می کنند و می

خواهند کشور خودشان را نجات بدهند و دفاع کنند از کشور خودشان، آیا اینها باهم هماهنگ هستند یا هر که می خواهد برای خودش کار بکند؟ آیا برای خدا کار می کنند یا برای خودشان؟ اگر ملاحظه کردند که میل دارند که این گروه خودشان قدرت داشته باشد قدرت در دست بگیرد نه گروه دیگر، بدانند که عمل شان شیطانی است، شهادت شان هم اجر ندارد. و اگر دیدند که برای خدا دارند کار می کنند، برای خدا کار کردن اینجا معلوم می شود که آن کسی که سپاهی است نکشد طرف سپاه همه چیز را و آن کسی که ارتشی است نکشد طرف ارتش همه چیز را هکذا دیگران. همه با هم برای خدا و برای نجات ملت و برای نجات کشور به پیش بروند فرق نکنند که این طایفه باشد یا آن طایفه باشد. مقصد عمده است. انبیا اینطور بودند. اولیای خدا اینطور بودند. کار برای خداست به دست شما انجام بگیرد، گرفته است، به دست من انجام بگیرد، گرفته است، در دست دیگری، گرفته است. ۳۰۷

هر کس در هر جا هست آنجا را درست کند

این مسأله نیست که شما حالا بگوئید فرض کن فلان وزارتخانه ای یک اشکال دارد. هر وزارتخانه ای که بروید الان در داخل آن یک افرادی و اشخاصی هستند که با هم سازش ندارند. بین این وزارتخانه ها و وزارتخانه دیگر هم ممکن است همین طور باشد، همه دستگاه ها الان در هم و برهم است و این را باید کی درست کند، به غیر از این است که باید هر کس که در هر جا هست آنجا را درست کند؟ مثلاً فرض بفرمائید شماها که در شهرستان ها هستید، در استان ها هستید باید کوشش کنید که این استانی که هستید آنجا را درستش کنید ذهنتان را متوجه نکنید که یک جای دیگر خراب است. اگر بنا باشد که ذهن آدم متشتت بشود، شمائی که استاندارید بروید و بگوئید که در فرض کن در فلان وزارتخانه ای کجا هم یک همچو اشکالاتی هم هست، شما کار خودتان را هم نمی توانید انجام بدهید. باید وزارتخانه ها را اشخاصی که در آن وزارتخانه هستند اداره کنند. فرض کنید بعد انشاءالله مجلس تحقق پیدا کند، به وسیله مجلس باید اینطور مسائل حل بشود انشاءالله امید است که حل بشود. انشاءالله لکن این مسأله است که باید هر کسی مثلاً یک کسی که خانه اش، یک اختلافاتی در داخل خانه خودش است اگر بنا باشد که این آدم آنجا را کار نداشته باشد برود سراغ همسایه ها که ببیند که همسایه ها چگونه هستند، این نمی تواند اداره کند. این کسی که در خانه اش اختلاف است باید تمام همش را، این اختلاف خانه اش را بردارد و بعد اگر هم یک جای دیگر هم خرابکاری است کار صحیحی است که برود آنجا هم امر به معروف کند. ۳۰۸

اگر هر کس محل کار خود را اصلاح کند، جامعه اصلاح می شود

شما آقایان استانداران اگر چنانچه که یک استانی که به منزله خانه خودتان است، تمام توجه تان را متوجه خودتان بکنید که اولاً خود استانداری چه اشخاصی در آن است - اشخاصی - همه اش خاص صحیحند یا غیر صحیح، شما خودتان میتوانید آن اشخاص را تغییر بدهید. شما به عنوان اینکه در وزارت نفت مثلاً یک کسی خراب است، نباید از کاری که خودتان الان در استانداری خودتان هست کوتاهی کنید و بروید سراغ آن. شما هم همه تان، هر فردی در هر مقامی که هست، ملاحظه کنید آن محلی که هست، آن همان مثل خانه خودتان، اول داخل همان استانداری چه جوری است، آنها را تصفیه کنید بعد جاهای دیگر که تحت نظارت شماست، مثل فرماندارها و اینها که هستند، اینها را شما باید وادار کنید به اینکه درست بکنند و مسائلی هم که در فرض کنید در وزارتخانه ها می گذرد، آقای کنی در وزارت کشور هستند. ایشان آن وزارتخانه را ببیند که چه جور می شود اصلاحش بکنند و یک کسی هم که در وزارتخانه دیگری است، باز او هم دنبال آن بگردد و اصلاح بکند. اگر هر کسی که در هر محلی است همان محل را اصلاح بکند، مملکت عبارت از همین جامعه است، اگر این جامعه هر کدام در هر محلی که هستند در صدد

این باشند که اصلاح بکنند کار را و همان محلی که خودشان هستند اصلاح بکنند، جامعه اصلاح میشود. ۳۰۹

همه باید مراعات کنیم و همه مسؤل هستیم از کاری که می‌کنیم

در هر صورت آنچه موجب نگرانی است آن است که جمهوری اسلامی شکست بخورد. ما قبلا با طاغوت مقابل بودیم طاغوت ما را شکست میداد، بسیار خوب خیلی از جاها طاغوت غلبه کرده است و حالا- هم در عالم، طاغوت باز غالب است اما جمهوری اسلامی و جایی که ما ادعای این را داریم که این اسلام درش است، احکام اسلام در آن است، این بخواهد شکست بخورد به واسطه اشخاصی که خودی هستند، فرق نمی‌کند بین فرض کنید روحانیون همه سرتاسر مملکت، اگر روحانیون سرتاسر مملکت خدای نخواستہ یک کاری بکنند که ضررش به جمهوری اسلامی برسد، دادگاه‌های همه مملکت آنها یک کاری بکنند که ضررش به جمهوری اسلامی برسد و یا اینکه وزارتخانه و همه جا اگر اینطور باشد، آنوقت ما اسلام را به دست خودمان لطمه زدیم. آنچه موجب نگرانی است ما خودمان، فرض کنید که ما فعالیت خودمان و اسلام را به هم بزنییم، تا حالا داد می‌زدیم جمهوری اسلامی، حالا که جمهوری اسلامی ارکانش هم تحقق پیدا کرده است، محتوایش را ما نتوانیم اسلامی بکنیم، علاوه بر این هی به همش بزنییم، هر کسی یک طرف را بگیرد، آن از آن طرف بکشد، هر کس هر وقت صحبت می‌کند به ضد دیگری صحبت بکند، آن یکی اگر صحبت کند، بر ضد دیگری صحبت بکند، این یک مملکت آشفته می‌شود. همه گناه را به گردن دیگری می‌گذارند. نه، گناه گردن همه ما هست، همه ما مسؤل هستیم پیش خدا کلکم راع و کلکم مسؤل. همه ما باید مراعات بکنیم و راع بکنیم و همه ما مسؤل هستیم از این کاری که می‌کنیم. نباید من بگویم که همه گناه‌ها گردن کس دیگر است و او هم بگوید که گردن یک کسی دیگر است. خیر باید همه ما اعتراف بکنیم که رشید نیستیم، رشد نداریم. ۳۱۰

اگر کسی خلاف کرد برادرانه به او بگوئید

این مردم، این توده مردم، مردمی بودند که ریختند و کارها را انجام دادند، حالا به عهده شماهاست، به عهده همه ماست که اینکه اینها گرفتند ما نگهش داریم. توده که دیگر نمی‌تواند مملکت را اداره کند، توده راه افتاد همه کارها را توده مردم انجام داد و سپرد آن را دست شما آقایان که در راس امور هستید، اینها حالا باید نگاهش دارید، این یک امانت الهی است که باید ماها نگهش داریم. اگر بنا باشد که ما هر کدام در محلی که هستیم هر یکی طرفدار یکی دیگر و طرفدارش مخالف باشد، هر قدرتی باید از دیگری اطاعت نکند، از تهران گرفته تا سرحدات اینطور باشد، یک مملکت هرج و مرجی است که مستوجب یک قیمی است، بعد هم برای ما یک قیم معین بکنند. اگر ما خودمان رشید باشیم و حالا که ما پیروز شدیم، نسبت به این مسائلی که تا حالا بوده است اگر بنا باشد که ما رشد نداشته باشیم که اداره کنیم مملکتمان را، بتوانیم اداره کنیم مملکتمان را، بتوانیم که آن چیزی که امانت دست ماست حفظ بکنیم، اگر همچو رشدی نداشته باشیم که مساوی با قیم هستیم و دنیا می‌گوید اینها قیم می‌خواهند و یک وقتی یک قیم میخواهند، فرقی نمی‌کند یا آمریکا باشد یا شوروی. ما باید از اول متوجه این معنا باشیم که خودمان هستیم، خودمان را گم نکنیم که اگر انسان نیست دیگر، یک کس دیگر باید ما را اداره کند. شماها باید اداره کنید، شماها که در استان‌ها هستید و آقایان دیگر هم هستند در استان‌ها، استان‌ها را باید شماها اداره کنید و شماها اداره کنید. استان‌ها را درستش بکنید و با قدرت درستش بکنید. این نقصی که پیدا می‌کند و عرضه می‌کند به مجلس، درست می‌کند اینها را در هر صورت آنچه موجب نگرانی بزرگ است این است که یک وقت نهضت ما شکست بخورد. شکست شخص چیزی نیست، کشتن شخص چیزی نیست، اما نهضت را ما کاری بکنیم که با اعمال ما این نهضت ما به هم بخورد!! ما باید یک کاری بکنیم. هر کس به کشورش اعتقاد دارد، به دیانتش اعتقاد دارد، به خدا اعتقاد دارد، امروز باید این را حفظش بکند و اختلافات جزئی که بین افراد است، این

را کنار بگذارد و اینطور نباشد که تمام هم ما صرف این شود که او را کنار بزنیم و خودمان جلو بیاییم، این نباشد. همه ما همان این باشد که صرف این شود که اگر کسی هم خلاف کرد، برادرانه به او بگویید و حالی کنید که این کار شما غلط بوده است، اگر باورش نیامد و دیدید آدم صحیح نیست، باید آنوقت به مقامات گفته شود تا جلوی او را بگیرند. ۳۱۱

اگر هر کس محل کار خود را اصلاح کند همه جا اصلاح می شود

لکن بحث این است که حالا باید چه کرد. اگر بنا باشد که حالا ما باز بنشینیم و کلیات بگوئیم که باید چه بشود، کاری از پیش نمی بریم. الان شما که کارمندان بانک هستید مشغول بشوید به درست کردن بانک ها. تکلیف این است که شمائی که کارمند بانک مرکزی هستید کوشش کنید که آن را اصلاح کنید. شما اینجا را اصلاح کنید آن کس هم که می گوید فلان اداره خراب است مشغول درست کردن آن اداره باشد. الان شهردار تهران با عده ای از کارمندان اینجا بودند و آنها هم همین شکایت ها را داشتند، لکن آنها هم باید مشغول بشوند به درست کردن شهرداری و خدمت به شهر، نه اینکه همه مان بنشینیم و کلیات را بگوئیم و دردها را بگوئیم و درمانش را از خدا بطلبیم. نه، باید همه مان کار بکنیم. از حالا باید این طبقه جوان و بچه کوچک را کم کم تربیت کنیم. بزرگ ها را طوری تربیت کردند که کمتر می توان اصلاحش کرد. الان شما در بانک هستید، نباید بگوئید که در شهربانی خرابی است و باید چه کرد. شما باید ببینید که در بانک چه خبر است و عمل بکنید. بانک را ببینید مفسادش چه بوده، اشکالاتش چه بوده، چه جور باید بانکی درست بکنیم که مفید برای کشورمان باشد. شماها خودتان همه با هم تفاهم کنید و مشکلات بانک را از میان بردارید. این تکلیف شماست. اگر اینطور بشود که هر کس در محلی که هست همان محل را وجهه نظر خودش قرار بدهد و بنا بگذارد که آن محل را درست بکند بعد از یک مدتی انشاء الله می بینیم که همه جا درست شده، شهرداری مان درست شده، بانک هامان درست شده و کشاورزی مان هم درست شده. ۳۱۲

هر کس در هر جا هست خوب کار بکند

همه جای این مملکت را اینها خراب کردند و رفتند، یعنی هر جا دست بگذاری خراب است، چه کسی باید این را درستش کند؟ شما خیال کردید که یک قدرتی می تواند این را درست کند الا ملت؟ ملت یک قدرت بزرگی است، اگر بخواهد یک کاری بکند، چون یک سی و پنج میلیون فرض کنید قیام به یک امری بکند، آسان عمل به آن بکند، اگر بخواهد هر قشری بگذارد گردن دیگری، شما بگوئید خوب، دولت این کار را بکند، دولت بگوید ملت، نمی شود، باید همه دست به هم بدهیم و هر کس در هر جا هست خوب کار بکند هر کس هر چیزی را که مشغولش هست همان پست خودش را خوب انجام بدهد، نگاه نکنند که چه کسی می کند یا نه، این لازم نیست که شما بروید مناقشه کنید که در عدلیه چه خواهد شد، در نظام، در فرض کنید که در دادگستری چه خواهد شد اینها به ما ربط ندارد ما پزشکیم، کار پزشکی مان را خوب می کنیم، کسان دیگر نمی کنند، خلاف وظیفه می کنند، آنها در دادگستری باید کار خودش را خوب انجام بدهد، آن شبیه خوان های سابق را یادتان است که شبیه می خواندند حالا هم خیلی می پرسند و ما هم می گوئیم بهتر این است روضه بخوانند، شمر خوب آن بود که در شماری خوب باشد و شبیه سیدالشهداء خوب این بود که شبیه او را خوب در بیاورد، در این امور آن کسی که کار خودش، این تصرف در کار او نکند، او هم تصرف در کار او نکند، هر کسی کار خودش را خوب انجام بدهد، اگر هر کسی خودش را موظف داشت به اینکه آن کاری که محول به اوست خوب انجام بدهد، خواهد خوب انجام گرفت. ۳۱۳

کار بد دیگران را شما سرمشق قرار ندهید

شما پزشکید، خداوند حفظتان کند، شما مثل یک پدری نسبت به مریض‌ها باید باشید که علاقه مند به این باشید که این خوب بشود، همانطوری که اگر خدای نخواستہ فرزندان مریض بشود، چطور علاقه مند و از روی محبت این کار را می‌کنید، اینها برادر شما هستند، خواهر شما هستند، خداوند عقد اخوت بین همه مومنین انداخته (المومنون اخوة) برادر شما هست، مریض شده، اینجا خواهر شماست مریض شده این را باید با کمال رافت، محبت، انجام بدهید. پرستارها اینطوری، آنکه می‌خواهد اداره کند، این فرض کنید که، محل را، این بیمارستان را، آن هم باید با علاقه که می‌خواهد یک خانه خودش را اداره کند، به علاقه این کار را بکنید، هر کس باید آن کار که به او محول می‌شود خوب انجام بدهد، دیگری انجام می‌دهد یا نمی‌دهد، به من چه، من کار خودم را خوب انجام می‌دهم، او مسؤوول است، نباید اگر یکی دیگر این کار را بد انجام داده، به من سرایت بکند، من کار را بد انجام بدهم، باید کار خوب شما را دیگران سرمشق قرار بدهند، کار بد دیگران را شما سرمشق قرار ندهید، اگر یک همچو روحیه ای در ملت پیدا شد و بحمدالله شده است، یک همچو مسائلی الان پیدا شده، یک همچو تعاونی الان در ملت ما هست و باید تقویت کرد این حس را. خوب، ملاحظه می‌کنید که الان اشخاصی که اهل مثلا این کار نبودند که بروند در بیابان‌ها بروند یا بروند خانه بسازند یا برای چه الان اشخاصی که از مدارس می‌روند آنجا، از فرض کنید که پزشک است، دکتر است، چه هست، پا می‌شود می‌رود آنجا مشغول به همان کارها، این حس تعاونی است که اگر تقویت بشود، این حس تعاون به زودی این خرابی‌ها، اینها مرتب انشاءالله خواهد شد، خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و موفق باشید. ۳۱۴

باید کارها را با هم مخلوط نکنیم

اینها امروز دیده اند قدرت اسلام را، دیده اند که یک جمعیت سی و پنج میلیونی که این جوان‌هایی که بتوانند کار بکنند شاید پانزده میلیون، هیجده میلیون، بیست میلیون باشد بدون اینکه دارای یک تجهیزاتی باشند و بدون اینکه تربیت نظامی دیده باشند اینها با مشت غلبه کردند بر همه قدرت‌ها و آن کسی را که آنها همه می‌خواستند نگه دارند نتوانستند، اینها عینی شد بر ایشان که اسلام چقدر قدرت دارد، حالا بدتر و بیشتر در صدد این هستند که اسلام را نگذارند تحقق پیدا کند. این سنگربندی‌ها که در دانشگاه‌ها شد برای چی بود و کی‌ها بودند؟ آنهایی که میل داشتند که دانشگاه که تبدیل شده بود به یک غرب ساختگی، غربزده ساختگی، برگردد به یک دانشگاه اسلامی که وقتی ولیده او می‌آید، نتیجه او بیرون می‌آید، افراد مسلم و متعهد باشد، اینها بودند که سنگر گرفتند؟ یا همان‌ها بودند که همان قلم و همان قدم و همان چیزهایی که زمان رضاخان می‌خواستند بشکنند این اسلام را و این قدرت را؟ اینها هستند که سنگرگیری کردند. ما که می‌گوئیم انقلاب فرهنگی و البته در همه چیز باید باشد، لکن باید مخلوط نکنیم امور را به هم. اینهایی که در انقلاب فرهنگی می‌صحبت می‌کنند و صحبت کردند و من شنیدم اینها مخلوط می‌کنند امور را به هم و این راه را دور می‌کند. دانشگاه و فیضیه، باید فقط راجع به دانشگاه شروع کنند. کار به این نداشته باشند اقتصاد ملت چیست. اگر دانشگاه بیاید راجع به اقتصاد بخواند فرهنگ را جاری کند و فرهنگ اسلامی درست کند، از فرهنگ اسلامی دانشگاه هم باز می‌ماند، و اگر قشری دیگری که می‌تواند انقلاب فرهنگی در مثلاً ارتش بکند بیاید بخواند مخلوط کند و انقلاب فرهنگی را در دانشگاه بخواند بیاید عمل کند، این کار خودش هم از دستش می‌رود. ۳۱۵

اگر هر کس در هر کاری دخالت کند هیچ کدامش را نمی‌تواند انجام دهد

باید هر قشری در همان محل خودش و در همان بنگاهی که آنها جزئیات دارند در آنها و عضویت دارند در آنها، همان را مشغول بشوند، نه شما انقلاب اقتصادی را دنبالش بروید، نه آنهایی که می‌خواهند انقلاب اقتصادی درست کنند بیایند دنبال دانشگاه‌ها. و من به شما حالا- دارم عرض می‌کنم که این اختلاطها البته افرادی هم که این اختلاطها را می‌گویند من سراغ ندارم که افرادی

باشند که خدای نخواستہ خیانتکار باشند، اغفال می شوند. اینهایی که می خواهند، میگویند همه را باید باهم درست کرد و جدا نمی کنند، قسمت قسمت نمی کنند همه چیز را یعنی این دستگاه را با آن دستگاه آن دستگاه را با این دستگاه و روی هر یک علیحده متخصصان خودشان متخصصان آن بنگاه را مشغول کار نمی گذارند بشوند اینها محتمل است که اغفال شده باشند. نباید وقتی ما می خواهیم دانشگاه را درست بکنیم و یک انقلاب فرهنگی در دانشگاه درست بکنیم بیائیم همه چیز را با هم مخلوط بکنیم، همه جا باید چه بشود لکن دانشگاهی به بازاری کاری نباید داشته باشد. بازار یک دسته ای باید بروند و آنجا انقلاب اسلامی و فرهنگی را در آنجا پیاده کنند، اینها یک دسته بازاری متعهد باید باشند. ارتش هم باید انقلاب در آن پیدا بشود و امید است که بسیار وقتش شده باشد لکن ارتش نباید کار داشته باشد که دانشگاه چه می گذرد در آن، به او چه ربطی دارد. در عین حالی که همه با هم پیوند هستند، لکن هر کدام کار خودشان را باید انجام بدهند. پیشتر می گفتند که در آن تعزیه هایی که در می آوردند سابقا، می گفتند که شمر خوب این است که شمر باشد، اگر بنا باشد که شمر هم وقتی صحبت می کند یا شعر می خواند مثل امام حسین بخواند این شمر نیست، در عین حالی که همه بنگاه واحد بودند و همه با هم می خواستند یک صحنه ای را درست کنند، لکن هر کس کار خودش را باید خوب انجام بدهد، نباید او دخالت کند در کار دیگری. اگر هر کدام دخالت کنند در کار دیگری، این صحنه، صحنه خوب نمی شود. ما هر کدام باید کار خودمان را خوب انجام بدهیم اگر هر کسی در هر کاری دخالت بکند هیچ کدامش را نمی تواند انجام بدهد. ۳۱۶

همه تان روی مرز قانون عمل کنید

اما در مقام تدبیر امور یک مملکت و در مقام اداره یک مملکت باید همه شماها و همه کسانی که دست اندر کار هستند و همه ملت بپذیرند آن چیزی را که قوانین، قانون اساسی پذیرفته است، بپذیرند آن چیزی را که مجلس به آن رأی می دهد و شورای نگهبان آن را موافق قانون و موافق شرع می داند، باید بپذیرند اینها را. اگر می خواهید که از صحنه بیروتان نکنند، بپذیرید قانون را نگوئید هی قانون و خودتان خلاف قانون بکنید، بپذیرید قانون را، همه تان روی مرز قانون عمل بکنید و اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی آید. همه اختلافات این است که یک کسی اینجا فرشش را انداخته، یکی هم اینجا فرشش را، اگر این روی فرش خودش بنشیند و آن هم روی فرش خودش بنشیند، دعوا ندارند. اما اگر این پایش را دراز کرد روی او، او پایش را کنار می زند و او هم می خواهد پایش را دراز کند اینجا، دعوا اینجا پیدا می شود دعوای ما دعوای نیست که برای خدا باشد این را از گوشتان همه بیرون کنید، همه تان عجیب هستید، همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوای ما برای خداست، ما برای مصالح اسلام دعوای می کنیم؟ خیر، مسأله این حرف ها نیست، من را نمی شود بازی داد، دعوای خود من و شما و همه کسانی که دعوای می کنند همه برای خودشان است. همه می گویند پیش بده برای ما، همه می خواهند تمام این قدرت چی چی، آخر من نمی فهمم چه قدرتی الان در کار هست خوب محمد رضا اگر دنبال این مسائل می رفت، مطلبی بود برای اینکه یک قدرتی بود، قدرت شیطانی بود، کسی حق نداشت یک کلمه بگوید، اما امروز که بقال سر محله می آید و می گوید که آقای نخست، برادر نخست وزیر اینجا این کار درست نیست، برادر رئیس جمهور این کار درست نیست، این دیگر قدرتی نیست، یک برادری است، یک دسته برادرند، یک دسته شان شانسان آورده است آنجا نشسته اند، یک دسته بیچاره هم برای اینها سینه می زنند، قدرت نیست که ما حالا- برای یک قدرتی بیائیم. اینها تلبیسات ابلیس است که بر ما غلبه کرده است و این تلبیسات ابلیسی را اگر چنانچه مسامحه کنید، شما را به جهنم می فرستد، در همین دنیا هم به تباهی می کشد در همین دنیا ایستاده است این تلبیسات نفسانی و این شیطان نفس ایستاده است، تا آنجائی که همه چیز دنیا را به باد فنا بدهد. هیتلر حاضر بود تمام بشر از بین برود و خودش در آن قدرت بین همان آلمان باقی باشد، آن نژاد بالاتر و این چیزی که در مغز هیتلر است در مغز همه شما

هست. خودتان غفلت کردید، در مغز همه این مطلب هست که هم بروند، و من تا نوید سراغ اینکه یک انصافی در کار باشد، یک توجهی به خدا در کار باشد، یک حسابی در کار باشد که خودتان از خودتان حساب بکشید که من امروز می‌خواهم چه بکنم، می‌خواهم همه مملکت ایران را به هم بزنم برای اینکه من باشم و هیچ کس نباشد، نه، همه باشید و همه هم حفظ کنید مملکت را، همه باشید و همه روی قانون عمل بکنید، قانون اساسی را باز کنید و هر کس مرز و حد خودش را تعیین کند به ملت هم بگویند به اینکه بابا ما، قانون اساسی ما برای دولت این را وظیفه کرده است، برای رئیس جمهور این را، برای مجلس این را، برای فرض کنید فلان نفر، برای ارتش این را، برای همه وظیفه معین کرده است، به مردم بگویند وظیفه ما را قانون اساسی که شما رای دادید برایش، وظیفه ما این است. در لفظ فقط نباشد و در واقع خلاف، واقعا سر فرود بیاورید به قانون و واقعا سر فرود بیاورید به اسلام. لفظ را همه می‌گویند، شاید شیطان را هم از سر بپرسند می‌گوید، من انقلابی هستم. ۳۱۷

کارشکنی و تضعیف یکدیگر موجب انحطاط و سقوط می‌شود

و یک مطلبی که باز می‌خواهم عرض بکنم که دنباله همین است، این است که الان کشور ما اول عملش و اول کارش است. بحمدالله تا حالا تمام آن چیزهایی که یک حکومت لازم دارد، محقق شده است، لکن باز اول کار است در این کار یک ویژگی ای هست که بعدها آن ویژگی دیگر ممکن است نباشد. حالائی که از خارج و داخل به کشور ما هجوم می‌شود، در داخل با طرح‌های مختلف، قلم‌های مختلف، مجله‌های مختلف و گویندگان مختلف و اشخاصی که شلوغ می‌کنند در این مملکت، ابتلاء هست و از خارج هم که با قدرت‌های بزرگ، محل‌ابتلای ما هست، ما اگر بخواهیم برای کشورمان، برای اسلام پیروزی حاصل بشود، باید کارشکنی نکنیم از هم، باید همه یکصدا باشیم. قضیه هدایت مسأله‌ای است، قضیه کارشکنی مسأله دیگر، هدایت باید کرد. مرکز همه قانون‌ها و قدرت‌ها مجلس است. مجلس هدایت می‌کند همه را و باید بکند اما بنای بر این نباشد که مجلس دولت را ضعیف کند و بنای بر این هم نباشد که دولت مجلس را ضعیف کند، تضعیف هر یک، تضعیف خودش هم هست. ۳۱۸

تضعیف یکدیگر جرم بسیار بزرگی است

اگر رئیس دولت، رئیس جمهور تضعیف کند مجلس را، خودش قبل از مجلس سقوط می‌کند و اگر مجلس تضعیف کند دولت و رئیس جمهور و آنهائی که اجرا می‌خواهند بکنند، این خودشان هم تضعیف می‌شوند و امروز صلاح نیست. اگر چنانچه در یک وقتی هم یک همچو مطلبی واقع بشود، آن هم یک جرم است، امروز این مسأله جرم بسیار بزرگ است برای اینکه در آن مواقعی که مملکت ما ابتلاء به این مصائب ندارد، خوب یک کار خلاف است اما کار خلافی نیست که مملکت ما را تهدید به نابودی و شکست بکند اما امروز که مملکت ما وضعش اینطوری است و نمی‌تواند آنهائی که عمال خارجی هستند و خود خارجی‌ها نمی‌توانند ببینند که در ظرف یک سال و دو سه ماه، چند ماه، تمام کارهائی که در چندین سال انجام نگرفته اینجا انجام گرفت، این را نمی‌توانند ببینند، اینها از اول هی خیال می‌کردند که خوب، به خودشان وعده می‌دادند که اصلا جمهوری اسلامی، این پا نمی‌گیرد اصلش با او مخالفت می‌کردند جمهوری، نه، لازم نیست اسلامی باشد، جمهوری ملی باشد ما از این ملی‌ها هیچی ندیدیم جز خرابکاری، اگر یک نفرشان آدمی بود که صحیحی بود، اسلامی بود که صحیح بود، ما ندیدیم چیزی از اینها. همه ما اسلامی پیش برویم، با برنامه اسلامی پیش برویم. پیروزی ما مرهون اسلام است، نه مرهون من است نه مرهون شما و نه مرهون هیچ قوه‌ای، مرهون اسلام است. ۳۱۹

همه روی قانون عمل بکنند

اسلام به ما این پیروزی را داده است این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به ما اعطا کرده است و این نعمت را اگر چنانچه شکرگزاری نکنیم ممکن است که یک وقتی خدای نخواستہ از ما بگیرند . شکرگزاری به این است که همانطوری که در اول همه دست ها بلند شد که ما اسلام را می خواهیم ، جمهوری اسلامی را می خواهیم ، خدای تبارک و تعالی عنایت فرمود و اعطا کرد ، اگر ما از حالا این دست ها را کنار بزنیم ، یکی از این طرف برود و یکی از آن طرف برود و یکی یک چیزی بگوید و یکی یک چیز دیگری بگوید و جبهه بندی بشود و دولت با مجلس ، مجلس با دولت و همه با هم به هم بریزند . ممکن است که عنایت خدا به واسطه کفران نعمت برداشته بشود و ما انحطاط همه چیز پیدا بکنیم و کشورمان باز برگردد به حال سابق ، به همان ظلم ها و همان ستم هایی که همه دیدید و همه دیدیم . شکرگزاری به این است که شماهایی که وکیل ملت هستید کارشکنی برای دولت نکنید ، هدایت کنید ، هر جایی که پا را کنار میگذارند هدایتش بکنید ، دولت هم هر کس شود و هر کس هست و نخست وزیر هم هر کس هست ، دولت هم هر کس هست ، آنها هم کارشکنی برای مجلس نکنند ، آنها قوه مجریه هستند همه روی قانون عمل بکنند . این قانونی که ملت برایش رای داده است ، همین رای نداده است که روی طاقچه بگذارید و کاری به آن نداشته باشید ، بروید مشغول کار خودتان بشوید . این قانون باید دست همه باشد و همه حدود را قانون معین بکند . قانون برای مجلس حدود معین کرده است ، تخلف از این حدود نشود . برای رئیس جمهور تحدید کرده ، حدود قرار داده ، او هم تخلف نکند . برای نخست وزیر و امثال اینها و دولت ها حدود معین کرده ، آنها هم نباید خارج بشوند . هر که خارج بشود از حدود ، باید این را تنبه بدهند ، هدایت کنند او را . ۳۲۰

هر نهادی موظف است وظائف خود را انجام دهد

کارهایی را که مجلس باید بکند ، محول به اوست . کارهایی را شورای نگهبان باید بکند ، محول به اوست . بعد از اینکه آن مرحله ها گذشت و افتاد به دست قوه اجرائی ، قوه اجرائی مهم است . ممکن است قانون بسیار خوب باشد وارد بشود در دست مجری ها و بد اجرا بشود . غالباً اینطور باشد که قوانین را حالا در ایران که الان همه قوانینش قوانین اسلامی است سابق هم ممکن بود قانون را در وضع قانونیش خوب درست کنند لکن وقتی به دست یک عده خائن می دادند او روی افکار خودش عمل می کرد وقتی هم یک رشوه ای به بالاترها می دادند ، دیگر صحبتی نبود . امروز شما باید وضع تان وضع اسلام باشد . اگر بخواهید در مقابل قدرت های بزرگی که هم چشم طمع به کشور شما دوخته اند و با صراحت این مسائل را می گویند ، اگر بخواهید که استقامت کنید و پایداری کنید ، باید مجریان امور در هر جا که هستند ، در دادگستری ، در وزارت مالیه در بانک ها ، اینها اشخاصی باشند و متعهد به اسلام باشند و بدانند که اگر چنانچه ما در یک جایی از این جاها رو به شکست برویم ، کم کم این سرایت می کند شکست در جاهای دیگر و خدای نخواستہ یک وقت می بینید که کشور ما به هم ریخته شده است ، وضع مالی اش و وضع بانکی اش و وضع کشاورزی و وضع های دیگرش ، آن روز است که آنها به مقاصد خودشان می توانند برسند . الان که می بینید که همه با ما مخالف هستند ، برای اینکه شماها می خواهید اسلامی عمل بکنید ، کشور شما می خواهد اسلامی عمل بکند و آنها این را مخالف با مقاصد خودشان می دانند . معنی حذف ربا به معنی ای است که اگر توسعه پیدا کند و از ایران به جاهای دیگر برود بانکدارها و آنهایی که می خواهند مال های مردم را بخورند و از بین ببرند ، آنها دست شان کوتاه می شود و لهذا با یک همچو رویه ای مخالفند . ۳۲۱

پایداری به این است که هر کس در هر شغلی هست آنجا را خوب عمل کند

و ما باید در امورمان مستقیم باشیم ، همانطوری که رسول خدا به حسب روایاتی که وارد شده است فرموده است که این آیه شریفه ای که وارد شده است که فاستقم کما امرت و من تاب معک یعنی به آن چیزهایی که امر به تو شده است ، دستور داده شده است استقامت کن و کسانی هم که همراه تو هستند ، مومنین به تو هستند ، آنها هم استقامت کنند . در روایت است که پیغمبر فرمود : شیبینی سوره هود برای این آیه سوره هود مرا پیر کرد برای این آیه ای که وارد شده است که استقامت کن و همه کسی هم همراهت است استقامت کنند . فتح یک کشوری آسان است نسبتا ، حفظ او مشکل است . شما دست به هم دادید همه تان (خدا همه را تایید کند) و ظلم را ، دست ظالم را ، دست ستمکاران را ، دست خارجی ها را از کشورتان قطع کردید . امروز نه شرق در اینجا دخالتی می تواند بکند و نه غرب ، در حالی که در رژیم سابق اصل خود کشور به حساب نبود ، منافع خارج حساب بود . امروز که شما هستید و خودتان هستید و کشور مال خود شما هست و منافع کشور از خود شما و از برادران شماست ، بخواهید که آنها دیگر نتوانند رخنه کنند . استقامت باید بکنید . پایداری بکنید پایداری به این است که هر کس در هر شغلی که هست آنجا را خوب عمل بکند . همانطوری که پاسدارها و ارتش ما در جبهه ها پایداریشان به این است که جنگ را خوب عمل بکنند و پیش ببرند . پایداری کشاورز این نیست که جنگ بکند ، پایداری کشاورز این است که کشاورزی خوب باشد . پایداری بانکدارها این است که خوب عمل بکنند . و پایداری افرادی که پرسنل اداره مالیه هستند ، آنها این است که خوب عمل بکنند ، ناراضی درست نکنند . مردم این مردمی هستند که همه با هم دست به هم دادند و کشور را آزاد کردند ، کشور را اسلامی کردند و کسانی که انحراف دارند در صدد اینند که ناراضی درست بکنند . ۳۲۲

هر کس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام دهد

ممکن است یک وقتی در بانک ، در اداره مالیه ، در جاهای دیگر افرادی خودشان را وارد بکنند برای ناراضی درست کردن نه برای منافع شخصی ، برای اینکه افراد را ناراضی کنند ، به تدریج یک کشوری که سر تا تهش پرسنل مالیه هست و همین طور سایر بانکدارها و اینها هستند و سایر ادارات دولتی ، ممکن است که افراد که بخواهند این کشور را باز گردانند به حال سابق ، نفوذ کنند در بین شما و مردم را ناراضی کنند به اینکه مالیات را وقتی می خواهند بگیرند بیشتر از آن مقداری که باید بگیرند ، بگیرند خدای نخواستہ . البته نمی کنند اما باید هوشیار باشید ، مردمی که مراجعه می کنند باید هوشیار باشید که راضی برشان گردانید . مثل سابق نیست که توی سر مردم بزنید تا راضی بشوند امروز کسی نمی تواند توی سر مردم بزند که بیا راضی بشو یا تن به رضایت بده . امروز مردم همه هوشیار هستند و زیر این بارها نمی روند اما ناراضی درست می شود . ما باید دنبال این باشیم که این آیه شریفه را که فرموده است که فاستقم کما امرت و من تاب معک ۳۲۳ پیغمبر که فرمود که من ریشم سفید شد برای این ، پیر شدم برای این . خود ایشان که استقامت داشت ، برای اینکه و من تاب معک پهلوش است یعنی پیغمبر مامور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند ، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند ، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید . باید استقامت کنید و ادامه بدهید به این نبردی که کردید . نبردی که با همه کشورهای مخالف اسلام و با ابرقدرت ها کردید باید ادامه بدهید و ادامه به این است که هر کس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام بدهد . کار به این نداشته باشد که دیگری خوب انجام می دهد یا نه ، خودش کارش را خوب انجام بدهد . البته دیگری را نصیحت کند یا امر به معروف و نهی از منکر کند . اما اگر دیگری یک کار خلافی کرد ، شما تکلیف ازتان ساقط نمی شود . اگر همه دنیا هم برخلاف بکنند شما یک نفر هم باشید ، شما یک نفر باید خلاف نکنید . توجه کنید که همه قشرهای ملت با هم کارهایی که به آنها محول است خوب انجام بدهند . همین معارضه با آنهایی است که می خواهند به این کشور تعدی کنند . و خدای تبارک و تعالی با شما همراهی خواهد کرد . وقتی که شما در خدمت اسلام باشید ، در خدمت خدای تبارک و تعالی باشید ، خدای تبارک و تعالی با شما همراهی خواهد می کند و تایید از شما می کند و من امیدوارم

که همیشه مؤید و موفق باشید . ۳۲۴

۱۶ - اهمیت به بیت المال و پرهیز از کم کاری

رفتار حضرت امیر (علیه السلام) با بیت المال

حکومت حضرت امیر سلام الله علیه و وضع حکومت او را ما در نظر بگیریم و کسانی که در حکومت هستند و در دستگاه های دولتی هستند ، سیره آن بزرگوار را در نظر بگیرند و ببینند که باید چه بکنند . البته قدرت این که آن طور کسی عمل بکند ، ماها نداریم ، کسی ندارد . به طوری که نقل کردند در یکی از چیزهایی که به بعضی از عمال خودشان نوشتند ، نوشته اند که سر قلم ها را نازک بگیرید ، سطرها را نزدیک هم بنویسید ، از چیزهایی که فایده ندارد ، احتراز کنید ، این یک دستوری هست برای همه یعنی ، دستوری هست برای کسانی که در بیت المال دست دارند . این طور حضرت امیر سلام الله علیه در وقت حکومتش دستور می دهد برای صرفه جویی . مضایقه می کند که در یک صفحه که می شود ده سطر نوشت ، پنج سطر نوشته بشود ، یک قلم که می تواند آن مرکبی که در آن وقت بوده است صرف کند ، سرش ریزه باشد تا کم صرف بشود . /از/ حرف های غیر اصولی نوشته نشود ، که صرفه واقع بشود . باز از ایشان نقل شده است که حساب بیت المال را می کشیدند ، چراغی روشن بود ، شمعی روشن بود و کسی آمد با ایشان حرف دیگری می خواست بزند ، شمع را خاموش کردند ، فرمودند که این مال بیت المال است ، تو می خواهی حرف دیگر بزنی . ما چه کنیم با بیت المال مسلمین ؟ وظیفه حکومت ها چیست با بیت المال مسلمین ؟ این مسأله ، مسأله این نیست که در آن وقت و در حکومت حضرت امیر باشد ، این دستور است در طول تاریخ برای کسانی که متکفل حکومت هستند که تا اندازه ممکن در بیت المال تصرف نکنند ، یک درهمش در آن طرف حساب دارد . باید حساب بدهیم ، باید در پیشگاه خدای تبارک و تعالی ، در کارهایی که می کنیم ، تصرف هایی که در بیت المال می کنیم ، باید بعد حساب بدهیم چرا ؟

زیاده روی شده باشد ، مجازات دارد ، عدالت شده باشد ، مجازات خیر دارد . ۳۲۵

بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید

بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید . حکومت های اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند ، بیت المال مسلمین صرف آن چیزی بشود که برای مسلمین است . وزارتخانه ها باید وقتی که می بینند که کارمند بیت المال مسلمین هستند و مسلمین هستند و از آن جا حقوق می گیرند و ارتزاق می کنند و اداره ، اداره بیت المال مسلمین است ، حتی در آن مسائلی که حضرت امیر گفته ملاحظه کنند ، کوچک نشمرند مسأله را ، مسأله بیت المال مسلمین است و دستور ، دستور اسلام است . به حد ضرورت البته راجع به آن چیزهایی که مربوط به حفظ مقامات است - در حالی که ما الان درش می گذرانیم - این یک چیز لازم است اما به حد لزوم حتی مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه ها ننویسند ، کاغذ صرف این نکنند ، وقت صرف این نکنند . باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت المال مسلمین است ، باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است ، نشود ، مسؤولیت دارد . اینها باید اشخاصی که ، مقاماتی که هستند ، ملاحظه کنند که به اندازه ضرورت مشاور بگیرند ، به اندازه ضرورت خدمتگزار بگیرند ، نه به اندازه دلخواه . و این معنا را باید همه ی ما بدانیم که دلخواه های ما آخر ندارد . گمان نباید بکنیم که اگر ما به آن جا رسیدیم ، تمام شد مسأله . آن جا که رسیدیم بیشتر خواهد شد . امروز حکومت های کوچک تقاضاهای کوچک دارند ، هواهای کوچک دارند ، لکن این طور نیست که این هواها محدود بشود . وقتی به یک حکومت بالا-تر رسیدند ، تقاضاها زیادتر میشود ، هواهای

نفس بیشتر می شود. وقتی رئیس جمهور یک کشور پهناور/ مثل / آمریکا یا شوروی یا هندوستان شدند، آن وقت هوایشان بالاتر می رود، قانع نیستند به آن جا، حدود ندارد، انسان لا حد است در همه چیز. گمان نکند انسان که اگر یک جایی دارد که درش زندگی می کند، یک جا بهتر پیدا کند، آن جا وقتی رفت راحت است. آن جا تازه اول این است که / یک / یک جای بالاتر داشته باشد. ۳۲۶

دقت در اموال بیت المال

از آن طرف وقتی که پیغمبر اکرم (ص) آمد و ملت خودش را دعوت به توحید کرد، چه جور رفتاری کرد با مردم، حتی با ذمی ها، حتی با آنهایی که خلاف مذهب بودند چطور رفتار می کرد. حضرت امیر سلام الله علیه می فرماید که: (شنیدم که یک لشکر (ظاهرا لشکر معاویه بوده است) آمدند در کجا و یک خلخال از پای یک ذمیه ربودند، چه کردند.) - یک خلخال - از پای یک زن یهودی یا نصرانی خلخال را ربودند و نقل است که ایشان فرمودند: (اگر انسان بمیرد برای این، چیزی نیست). یک چنین انسانی، ما یک چنین حاکمی می خواهیم. ما دنبال یک چنین رژیم میگردیم که حاکم آن، سلطانش - وقتی که - (من جسارت می کنم که حضرت امیر (ع) را بگویم سلطان) حاکمش، امامش، آن که سلطه اش بر مملکت ها از حجاز گرفته تا ایران، تا مصر، تا کجا بوده است، نسبت به رعیت، آن هم آن کسی که خارج از مذهبش بوده اینطور عواطف داشته است و خودش وقتی همان روزی که با او بیعت کردند به سلطنت به اصطلاح و به امامت و خلافت، همان روز، بعد از این که این کار را کردند، آن کلنگش را برداشت رفت سراغ کارش که کار می کرد، خودش با دست خودش. آن وقت می کرد برای چی؟ آن قنات را وقتی که درآورد، یک کسی گفت که مثلا مبارک است، چه است فرمود که: مبارک برای ورثه است. بعد گفت بیاورید. وقف کرد آن جا را برای مستمندان ما یک همچو حاکمی، طالب یک همچنین حاکمی هستیم که وقتی که محاسبه حساب بیت المال را نشسته است و می کند، (یک چراغ آن چراغ های آن وقت نفتی بوده است یا چه بوده یا پیه بوده است)، هر چه بوده است روشن بود و حضرت داشت حساب می کرد بیت المال را، یک کسی آمد آن جا با حضرت خواست بنشیند صحبت دیگری بکند، حضرت آن چراغ را خاموش کرد فرمود که: (تا حالا من حساب بیت المال را می کردم این چراغ مال بیت المال است، از مال بیت المال برای خودش صرف می کردم، حالا می خواهی با من صحبت کنی و صحبت دیگری است ربطی به بیت المال ندارد، خوب چراغش را چرا ما روشن کنیم؟) البته کسی قدرت ندارد مثل حضرت امیر (علیه السلام) عمل کند، هیچ کس در عالم نمی تواند این طور، لکن ما یک حاکمی می خواهیم که دزد نباشد. ما این قدر حالا راضی شده ایم که لااقل این قدر دزدی نکنند. این قدر مال این ملت را چپاول نکنند، این قدر ظلم به این ملت نکنند. ۳۲۷

امروز روز کار است

برادرها! امروز روز کار است. هر کس در هر جا هست باید کار بکند ما می خواهیم خود کفا باشیم، خود کفائی را با تبلیغات نمی شود کرد، با کار می شود کرد. رعیت باید کار بکند، کشاورز باید کشاورزی بکند، دامدارها باید دامداری بکنند و باغبان ها باید باغبانی بکنند و دانشمندان باید به طور شایسته دانش خود را، دانش خودشان را به دانشجویان منتقل بکنند و دانشگاه که در راس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت بکنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند و به صراط مستقیم، به سوی کعبه آمال، به سوی خدای تبارک و تعالی توجه کنند و جوانان را بسازند برای آتیه این کشور و من امیدوارم که همه ما موفق بشویم به خدمت. شمائی که در صنایع هستید صنعت را تقویت کنید، آقایان که در جاهای دیگر هستند آن کارهایی که به آنها محول است تقویت بکنند، مبلغین تبلیغ خودشان را توسعه بدهند و دانشمندان

دانش خودشان را توسعه بدهند و منتقل کنند و نشینند دنبال هم صحبت بکنند و بگویند حالا که ما داخل کار نیستیم پس باید کارشکنی هم بکنیم خوب، فهمیدند، در عرض این چهار سال فهمیدند که کارهای آنها در ایران دیگر اثری ندارد. ایرانی‌ها آن راهی را که گرفتند و پیدا کردند دنبال می‌کنند، دیگر آنها از هر جا بخواهند این راه را برگردانند، دیگر قدرت این را ندارند. بنابراین آنهایی که در خارج هستند بروند سراغ یک زندگی ای بکنند، خودشان را، عمرشان را تباه نکنند که هی بنشینند و فحاشی بکنند. آنها هم که در داخل هستند و یک قدری فضولی می‌کنند، آنها هم کنار بگذارند. دیگر گذشت وقت اینکه فضولی‌های شما یا تبلیغات شما تاثیری در این کشور بکند. بحمدالله این کشور الان در تحت عنایت حق تعالی و در تحت حمایت ولی عصر سلام الله علیه به مقامی رسیده است که می‌تواند راه خودش را طی کند و امیدوارم که غرور برای ما پیدا نشود و همیشه توجه به خدا و اینکه کارها را غیب دارد انجام می‌دهد و شما دعا کنید که به دست شما انجام بدهد. خداوند همه شما را انشاءالله سلامت بدارد. و عزت و عافیت، و همه ممالک اسلامی را از شر اجانب و غارتگرها نجات بدهد. ۳۲۸

اجرت کسانی که کم کاری می‌کنند حرام است

من از کارمندان و کارگران نفت می‌خواهم که پشتیبانی کنند، کار کنند برای مملکت و کم کاری نکنند، تعطیل نکنند، الان مملکت دیگر مال خودشان است، نفت از خودشان است، هدر نمی‌رود، به مصالح مملکت خرج می‌شود، وقتی که مال خود شد موظفیم که همه مان خدمت بکنیم. الان مملکت مثل عائله خود ما هست همانطوری که ما برای عائله مان باید با محبت عمل بکنیم، الان باید ما برای مملکتمان با محبت، هم آقایان وزراء و هم مردم و هم کارگران و کارمندان و گاهی من می‌شنوم که در ادارات یک قدری کم کاری هست، گاهی بیکاری هست و این موجب تعجب من است. اگر چنانچه خدای نخواست اینها از رژیم سابق هستند و می‌خواهند برای آنها خدمت کنند، خوب موظفند آقایان که آنها را یادداشت کنند اسم هایشان را و تصفیه کنند و اگر چنانچه اینطور نیست و خود مردم هستند و علاقه دارند به اسلام و علاقه دارند به مملکتشان، من نمی‌فهمم کسی علاقه داشته باشد به مملکتش و آنوقت از مملکتش اجر ببرد و عمل نکند. خوب یک اجرتی که اینها می‌گیرند در مقابل عمل است، اگر عمل کم بکنند حرام است این اجرت، جایز نیست استفاده بکنند از این بنابراین آنهایی که اعتقاد به اسلام، اعتقاد به مملکت خودشان، اعتقاد به این نهضت دارند، آنها باید عمل بکنند، بلکه زیاد بکنند عملشان را که جبران بکند. این چیزهایی که در سابق بود و این نقیصه‌هایی که در سابق بود جبران بشود. کم کاری اصلش دیگر معنا ندارد، حالا باید پرکارتر بشوند، دو مقابل کار بکنند. شما می‌بینید که - ادارات، می‌بینید که - الان قشرهای مختلفی می‌روند حتی در بیابان‌ها خدمت می‌کنند، می‌روند در مدارس خدمت می‌کنند، به ادارات هم باید خدمت بکنند تا مزد و اجرتی که می‌گیرند اجرت مشروع باشد. من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه ما را بیدار کند و همه ما را خدمتگزار این ملت و همه ما را به سعادت و سلامت، این راه را که راه الی آخرت و الی الله است با سلامت طی بکنیم که در وقتی که در معرض حساب واقع می‌شویم، حسابمان سالم باشد و آبروی ما در پیشگاه خدا و اولیای خدا نریزد. خدا همه شما را حفظ کند و با سلامت و سعادت مشغول عمل باشید. ۳۲۹

کم کاری عملی است نامشروع

من امیدوارم که با همت همه آقایان و هرکس در هر قشری که هست، آن قشر و آن اشخاص باید در همان محلی که هستند کارهایشان را موافق با اسلام بکنند و کار بکنند. همین امروز به من گفتند که بسیاری از ادارات هست که کم کار می‌کنند و اهمال می‌کنند در کارهایشان. خوب، این اشخاصی که در ادارات حالا کم کار می‌کنند که شاید یک قدری هم عادت از سابقشان باشد، اینها برایشان مشروع نیست که اجرت بگیرند از اداره، اجرت وقتی است که کار در مقابلش باشد و ما به دولت می‌

گوئیم که اشخاصی که کم کار میکنند به اندازه ای که کم کار می کنند اجرت از ایشان کسر بگذارد و ندهند به اینها . کسی که می آید آنجا می نشیند و سیگار می کشد و در آخر ماه چند هزار تومان می خواهد ، او نباید بگیرد . اینها باید متوجه باشند که مملکت حالا- مال خودشان است باید کار بکنند ، هر کس در هر محلی هست باید کار بکند تا چرخ های مملکت راه بیفتد و تحولی باید پیدا بشود در این ادارات . ۳۳۰

۱۷ - اهمیت به محتوی و عمل

شکر نعمت این است که عمل بکنیم

این شکر نعمت است ، نعمتی که خداوند به ما داده است . شکر نعمت این است که ما به جای صحبت ، عمل کنیم آن هم طبق ضوابط اسلام ، نه تجاوز کنیم و نه تقصیر . ۳۳۱ این شکر نعمت است ، نعمتی که خداوند به ما داده است . شکر نعمت این است که ما به جای صحبت عمل کنیم آن هم طبق ضوابط اسلام ، نه تجاوز کنیم و نه تقصیر . ۳۳۲ این را باید انسان توجه بکند به اینکه این چند روز می گذرد ، این ریاست ها می گذرد ، شما هر چه هم بخواهید چیز بکنید از محمدرضا نمی توانید بالاتر بویید ، هر چه هم دست و پا بکنید ، آنها را پیدا نمی کنید و انشاءالله نخواهید پیدا کرد و نخواهید که بخواهید . او رفت تمام شد ، حالا پیش خداست . چه خواهد شد ، خدا می داند ما هم این روز را داریم ، ما هم فردا یکی مثل من دیرتر و زودتر و آن هم که معلوم نیست که کی زودتر . ولی خوب ، ما آخر است و باید برویم ، شما که الان جوان هستید ، به فکر این باشید که اصلاح کنید خودتان را ، به فکر این باشید که برای این مملکت کار بکنید ، نشینید باز تو وزارتخانه ها و هی همان حرف های سابق باشد و همان کاغذبازی ها و یک بودجه ای که برای یک جائی می خواهند ، اینقدر ، این طرف و آن طرف برود که منشی بشود . اینها را به طور ضربتی کار بکنید . ۳۳۳

مشکل کنونی مسلمین این است که اهل عمل نیستند

من امیدوارم که مسلمین و خصوصا سران مسلمین از شعار به اسلام که یک پوششی است برای عدم عمل بر احکام اسلام دست بردارند و به اسلام به حسب آنچه که هست فکر کنند و عمل کنند . تاکنون گرفتاری مسلمین و ملت های مظلوم اسلامی این بوده است که سران آنها به شعارهای اسلامی اکتفا می کردند و در پوشش شعار مقاصد دیگری که داشتند اجرا می کردند و من امیدوارم که ملت های اسلامی و خصوصا دولت های آنها از این شعار منتقل بشوند به شعور و عمل به اسلام و قرآن کریم . ۳۳۴ باید ببینیم که چه شد که اسلام در صدر اول با یک جمعیت کمی و با یک دست خالی که هیچ ساز و برگ جنگی نداشتند قریب نیم قرن گذشت و معموره را فتح کردند ، و چه شد که مسلمین بعدها با اینکه جمعیت هایشان خیلی زیاد و ساز و برگ جنگی هم دارند و از حیث ذخایر هم غنی هستند و معذک هم چیزشان را از دست داده اند . این چه شد که آنها آنطور و ما اینطور . علت این است که در صدر اسلام افرادی که با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت کرده اند و بودند ، اینها افراد کمی بوده اند لکن متعهد به مسلک خودشان و معتقد به اسلام و برای آنها طرح نبود اینکه زندگی بکنند ولو با هر ذلت و زحمت ، اینها شهادت را برای خودشان سعادت می دانستند و این روحیه که در آنها بود آنها را غلبه داد بر روم و ایران دو امپراطوری بسیار بزرگ ، که آن دو امپراطوری روم و ایران هر دو قویتر از حالای این دو معموره است و بعدها مسلمین کم کم آن قدرت ایمان را از دست دادند و وارد شدند در شوون دنیا و دلبستگی به همین مادیات و آنهایی هم که می نشستند و صحبت می کردند و حالا هم که ما اجتماع می کنیم و صحبت می کنیم ، بحث های عددی است ، یک بحث هائی نیست که سازنده باشد . در این ممالک

اسلامی که ممالک بسیار وسیعی هستند و قدرت هائی هم دارند وقتی که انسان ملاحظه می کند، می بیند که مسأله شعر و خطابه و فلسفه و آنهائی که دیگر خیلی چیز هستند، عرفان و امثال اینها مطرح است و آن چیزی که در صدر اسلام رمز پیروزی بود اصلا مطرح نمی شود. اگر آنکه در صدر اسلام در اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و لشکر اسلام بود، عشر او در این مملکت اسلامی بود، قدرتی بودند که از تمام ابرقدرت ها مقدم بودند لکن بکلی آن روحیه ایمان را از دست دادند و آن که خیلی مومن بود آن بود که به مسجد برود و از مسجد برگردد منزل و دعا بخواند، دیگر آن جهاتی که در صدر اسلام مطرح بود اصلا در بین ممالک اسلامی مطرح نیست، الان هم مطرح نیست. الان هم وقتی که مجالسی که تهیه می شود برای اینکه ببینند باید چه بکنیم، از حدود نطق (و هر که بهتر نطق بکند) معلوم نیست بیشتر باشد، همچو نیست که واقعا رسیدگی بکنند به اینکه چرا ما عقب افتاده هستیم و چرا و چه چیز ممکن است که ما را از این عقب افتادگی نجات بدهد، طرح بکنیم و دنبالش برویم، عمل بکنیم. نه در هر سالی، هر چند سال یک جلسه ای درست بکنیم و هر کس هم از هر جا بیاید یک مقداری خطابه و شعر و یک مقدار هم از مسائل اسلامی و احتیاجات مسلمین و بعد هم که از آن مجلس خارج شدند دیگر اصلش همه چیزها مغفول عنه بمانند. باید بگوئیم که دشمن های اسلام، ممالکی که به اسلام سلطه پیدا کردند و به مسلمین، آن ها مرد عمل بودند، نه حرف، و مسلمین در این بعد از صدر اول مرد حرف بودند، نه عمل. خیلی خوب شعر می گفتند، خیلی خوب خطابه می خواندند وقتی هم مطرح مشکلات می شد، خیلی هم خوب طرح می کردند اما از حدود گفتار خارج نمی شد، به عمل نمی رسید. اگر از حدود گفتار خارج می شد نمی تواند انسان باورش بیاید که بیشتر از صد میلیون عرب در مقابل اسرائیل آنطور زبون باشند و انسان نمی تواند باور کند که با داشتن همه چیز، و احتیاج غرب در بسیاری از امور به ممالک اسلامی، اینها همه تحت سلطه آنها باشند با داشتن جمعیت های زیاد و ذخایر زیاد این نیست جز اینکه آن روحیه ای که در صدر اسلام بود و منشاء غلبه شد، آن روحیه را ما از دست دادیم. ۳۳۵

انقلاب ایران ثمره ای از اهل عمل بودن

دلیل بر اینکه یک همچو روحیه ای می تواند غلبه کند بر مشکلاتش، قصه ایران است. اگر در ایران هم مثل سابق، مثل سالهای گذشته تمام مسائل برمی گشت به اینکه مشکلات گفته بشود و هیچ عمل نشود، مصیبت ها را ذکر بکنند و بروند منزلشان بخوابند، اگر اینطور بود الان هم زیر بار همان رژیم و همان گرفتاری ها بودیم لکن خداوند خواست که این ملت از حد حرف به حد عمل بیاید و آن روحیه ای که در صدر اسلام بین مسلمین بود، تا حدودی در این ملت پیدا شد و همان رمز پیروزی یک مشت فاقد همه چیز بر یک قدرتهای شیطانی بزرگ، همان روحیه که در صدر اسلام بود و مسلمین دنبال شهادت می رفتند، جنگ می رفتند و اگر از جنگ برمی گشتند شاید پیش خودشان معلوم بودند، این تا یک حدودی در ایران پیدا شد به طوری که جوان های برومندی که اول جوانی شان بود و هست چه در آنوقتی که من نجف بودم و چه حالا که ایران هستم و چه قبل از این پیروزی و چه بعد، اینها از من می خواهند که دعا کنم شهید بشوند و جدا دعا میخوانند و بعضی ها تاسف می خورند، اظهار تاسف می کنند که ما نشدیم. این روحیه تا در مسلمین پیدا نشود همینند که هستند، مجلس ها اثری ندارد، اجتماعات اثری ندارد، کنفرانس های دولت های مختلف و اجتماعاتشان اثری ندارد، صحبت است. دل خوش کردن به این چیزها موجب تنفر ما شده است و می شود. مسلمین فکری بکنند که این تحول در آنها حاصل بشود، تحول از خوف به شجاعت و تحول از توجه به دنیا به ایمان به خدا. منشاء همه پیروزی ها همین کلمه است، ما متحول بشویم به یک موجودی اسلامی - انسانی با ایمانی که خداوند تبارک و تعالی از ما خواسته است، و الا شما تشریف می آورید اینجا با ما صحبت می کنید ما هم با شما صحبت می کنیم دردها را می گوئیم و درمانش هم گاهی گفته می شود لکن شما که میروید و ما که اینجا هستیم هیچ دیگر در فکر این نیستیم که یک عملی انجام بگیرد

باید در تحقق ظواهر و محتوای اسلامی جدیت کرد

از مهمات مسأله این است که اولاً اسلامی بشود همه چیز و ظواهر اسلام باید در آنجا حکمفرما باشد. اینکه بعضی‌ها عقیده دارند که حالا ظواهر را کار نداشته باشیم و برویم سراغ مکتب، اینها برخلاف اسلام است. آن چیزی که هست این است که باید ظواهر در این پادگان‌های ارتشی و در آن مراکزی که شما هستید و پاسدارها هستند ظواهر باید محفوظ باشد، یعنی امروز که ماه مبارک رمضان است همه اینها روزه دار باشند، آنهایی که واجب است برایشان روزه بگیرند، روزه دار باشند، نماز بخوانند در آنجا و کارهای منکر در آنجا به هیچ وجه نباشد ضوابط اسلام باید محفوظ باشد جمهوری اسلامی معنایش این است و الا اگر یک جمهوری باشد، اسمش جمهوری اسلامی باشد لکن وقتی که برویم در ژاندارمری ببینیم از اسلام خبری نباشد، در سپاه پاسداران بیائیم مثلاً از آن خبری نباشد، ارتش برویم خبری، ادارات خبری نباشد، این جمهوری اسلامی نیست، این یک لفظ غلطی است که گذاشتند روی، روی جمعیتی که و روی مملکتی که دارد همان به طور طاغوت اداره می‌شود. ما باید این محتواها را با جدیت اصلاح بکنیم. افراد ناصالح را اگر چنانچه واقعاً برخلاف مکتب هستند، از اول باید کنارشان زد و اگر چنانچه یک وقت خدای نخواستہ خیانتی هم کردند، باید به دادگاه سپردشان و افرادی که مکتبی هستند یعنی فکرشان فکر اسلام است لکن عملشان برخلاف است، اینها را باید هدایت کرد اگر هدایت شدند که شدند، اگر هدایت نشدند، بعد از چندی که دیدید فایده ندارد کنارشان بگذارید، تصفیه شان بکنید. ۳۳۷

استعمار با ظاهر کاری ندارد تلاش می‌کند ما محتوی نداشته باشیم

در احادیث ما هست که در جهنم از بوی تعفن عالم سوء، جهنمی‌ها در ایداء هستند. شما دیدید که در این مدتی که دانشگاه‌های ما دست نا اهل‌ها بود، تعلیمات، تعلیماتی بود که جوان وقتی از آنجا با این تعلیمات بیرون می‌آمد غریزه بود، حتماً باید پیوسته به غرب باشد، پیوسته به خارج باشد. آموزش اینطور بود، نه آن هم یک آموزش صحیح، یک حدودی داشت. دانشگاه‌های استعماری یک حدودی دارد در تعلیمات، نمی‌گذارند که جوان‌های ما تعلیم صحیح ببینند، درست تحصیل بکنند، تا یک حدودی اینها را آموزش می‌دهند، جوان‌های ما که خارج هم می‌روند اینطور نیست که وقتی خارج رفتند همدوش جوان‌های انگلستان و امریکا تحصیل بکنند و همانطور که آنها تحصیل کردند به اینها هم همانطور آموزش بدهند، آنجا هم آموزش برای ممالک استعماری، پرورش هم پرورش برای مملکت استعماری و لهذا از پرورش شان و از آموزش شان امثال شریف امامی‌ها بیرون می‌آید و امثال نصیری‌ها. اینها همه در فرنگ کار کردند و تحصیل کردند و دکتر شدند و مهندس شدند و امثال ذلک، لکن وقتی که یک شوره زاری بوده است، علم وقتی که در یک نفس غیر سالم واقع شد مثل بارانی می‌ماند که بیارد در جایی که عفونت بار است، عفونتش را زیاد می‌کند. همین باران رحمت که در یک جا بوی عطر را بلند می‌کند، در یک جا بوی کثافت را بلند می‌کند. آن عالمی که تزکیه نشده است، خطرش از جاهل بسیار زیادتر است، جاهل اگر فاسد هم باشد، خودش فاسد است اما عالم اگر فاسد باشد، عالم را فاسد می‌کند، کشور را به فساد می‌کشد. تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است (یزکیهم) پیغمبر آمده است اینها را تزکیه بکند، پرورش بدهد، نفوس را مهیا کند و بعد یعلمهم الکتاب و الحکمه بعد تعلیم کتاب و حکمت بکند که اگر کتاب و حکمت با پرورش توأم نباشد و با تزکیه توأم نباشد، موجودی که او بیرون می‌آید همین موجوداتی بود که در مجلس سنا و در مجلس شورای قبل از انقلاب بود. مجلس خیلی طاغوتی و خیلی با عظمت، دانشگاه هم بسیار بناها با عظمت. خارجی‌ها به این کار ندارند، بنا هرچه میخواهد، باشد، هرچه این دستاوردهای ملت را صرف این اباطیل بخواهند بکنند، هر چه

وزارتخانه‌ها طول و عرض و عمق می‌خواهد داشته باشد، بودجه‌های هنگفت در آنجا خرج بشود، اینش را کار نداشتند اما محتوا را کار داشتند، معلم‌ها (مگر بعضی‌شان) اینها از استعمار بودند و برای آنها کار می‌کردند و جوان‌های ما را برای آنها بار می‌آوردند. ۳۳۸.

۱۸ - عبرت پذیری

عاقبت فشار بر مردم و ارباب آنان

تاریخ و آنچه که به ملت‌ها می‌گذرد این باید عبرت باشد برای مردم، از جمله تاریخ عصر حاضر ببینیم که چه شد که یک چنین قدرتی از بین رفت، دولت‌ها ببینند که برای چه اینطور منهدم شد یک چنین قدرتی و اجزاء دولتی، ادارات ببینند که چه شد قضیه و موجب عبرت همه باشد. هر دولتی که متکی بر ملت نباشد بلکه مقابل ملت بایستد، این عاقبتش، ولو یک قدری هم طولانی باشد، عاقبتش به همین عاقبتی که این پدر و پسر منتهی شدند، منتهی خواهد شد. رضاخان کاری کرد که بین ملت هیچ پایگاهی نداشت و من شاهد قضیه بودم که متفقین که به ایران رو آوردند و ایران را گرفتند و همه چیز ایرانی‌ها در معرض خطر بود، وقتی که نتیجه این شد که رضاخان رفت شادی کردند، مردم. من به این پسر نادانش گفتم که تو نکن کاری که همانطوری که پدرت رفت و شادی کردند برای رفتن تو هم شادی بکنند و نشنید و دیدید که برای رفتن این بیشتر شادی کردند و حق هم همین بود، چرا؟ برای اینکه بین مردم پایگاه نداشت. اساس این بود که یک دولتی که خیانتکار است، این نمیتواند با مردم بسازد و برای خیانتکاری که دارد و چپاولگری که می‌کند و وابستگی به بیگانگان که دارد، این همیشه از خودش می‌ترسد. یک دولت همیشه نگران است که مبادا این خیانت‌ها که کرده است، ملت جبران بکند و ملت تلافی کند. از این جهت اینها مجبورند به اینکه با ملت به فشار و ارباب عمل کنند و لهذا هر روز که می‌گذرد فشار آنها زیادتر می‌شود، تنفر ملت هم از این طرف زیادتر. در این پنجاه و چند سال، اینها هر روز فشارشان زیادتر شد و هر روز ملت از آنها تنفرش زیاد شد تا رسید به آنجائی دیدید که تمام ملت، نه یک قشر، دو قشر، همه ملت یکدفعه از او رو برگرداندند و چون هیچ بین مردم پایگاه نداشت نتوانست، نه خودش توانست و نه قدرت‌های بزرگ نتوانستند او را نگه دارند. وقتی یک ملت چیزی را خواست، نمی‌شود خلافتش را کسی عمل بکند و ملت ما همه با هم خواستند که رژیم طاغوتی نباشد و لهذا کوشش‌هایی که دولت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها هم کردند برای نگه داشتن او به جایی نرسید و نتوانستند نگهش دارند. این باید یک سرمشقی برای دولت‌ها باشد، دولت‌هایی که در عالم هستند که ببینند که چه شد که یک چنین قدرت بزرگی که همه قدرت‌ها هم دنبالش بودند، همه هم از او پشتیبانی میکردند، نه فقط ابرقدرت‌های کوچکتر هم، اینها هم از او پشتیبانی می‌کردند و می‌شود گفت که همه قدرت‌های شیطانی جمع شده بودند باهم که این را حفظش کنند و نتوانستند. این باید یک سرمشقی باشد از برای دولت‌ها که وظیفه خودشان را بدانند. چه دولت‌هایی که بعدها در ایران تشکیل می‌شود و امید است که دولت اسلامی - انسانی و چه دولت‌هایی که در خارج این مملکت هستند، این باید یک سرمشقی برای آنها باشد که با ملت چه بکنند، چه جور رفتار بکنند. ۳۳۹.

رفتار خوب دول پایگاه آنها را محکم می‌کند

اگر با ملت اینها رفتار خوب کرده بودند، همه قدرتها می‌خواستند اخراجش کنند نمی‌توانستند. اگر ملت پشتیبان او بود و مردم می‌خواستند او را، فرض کنید که دولت‌های بزرگ می‌خواستند او را بیرونش کنند، قدرت ملت او را نگهش می‌داشت، نمی‌توانستند کاری با او بکنند. چنانکه عکسش هم همین طور بود که همه خواستند باشد، ملت گفت نه، تمام شد. ملت‌ها و دولت

ها باید با هم تفاهم داشته باشند یعنی دولت جوری باشد، ارتش جوری باشد، شهرداری جوری باشد، ژاندارمری جوری باشد که مردم به آنها محبت داشته باشند، احساس دوستی و محبت بکنند نه اینکه وقتی که شهرداری بیاید یا مامور شهرداری بیاید توی بازار، مردم از او بترسند و از او تفر داشته باشند. چنانکه در این نقاط اینطور بود بلکه در طول سلطنت اینطور بوده است. در سلطنتی که (یعنی در حکومتی که، سلطنت که نباید گفت) در حکومتی که در اسلام هست اینطور است که آن که راس است با آن که در لشکر واقع شده است و در ارتش واقع شده است و آن که در ادارات واقع شده، همه اینها با سایر ملت فرقی ندارند که از هم جدا باشند، همین ملت هستند که یک مقداری از آنها ارتش شده و یک چند تا از آنها هم حکومت را اداره می کنند و اینها. و وقتی که رئیس شان بیاید توی جمعیت، هیچ باکی از این ندارد که مردم با او چه می کنند، هیچ، برای اینکه با آنها خوبی کرده است، وقتی خوبی کرد مردم هم با او خوب هستند. شما دیدید که یک روز نمی توانست، یک ساعت نمی توانست محمدرضا بیاید توی مردم، اگر می خواست از این خیابان عبور کند، قبل از اینکه بیاید از این عبور کند، آنطور که می گفتند تمام منازل که در سر راه او بود کنترل می شد، سازمان امنیت می فرستاد تمام اینجاها را می گرفتند و کنترل می کردند، برای چه؟ برای اینکه خوف این را داشتند که از اینجاها یک کسی سوء قصد بکند که حسن قصد اسمش بود اما یک حکومتی که برای مردم باشد، مردم او را بخواهند این نمی ترسد از اینکه توی بازار مردم بیاید، توی جمعیت ها بیاید و با آنها بنشیند صحبت کند، هیچ از اینها باکی ندارد چنانکه صدر اسلام اینطور بوده است که آن که راس هم بوده هم توی مسجد می آمده می نشسته و منبر می رفته و می نشسته و با مردم صحبت می کردند. بلی، وقتی که بساط مثل معاویه شد، آنوقت او هم دیگر نمی توانست، او می آمد نماز، اما برایش یک محفظه ای درست کردند و درش را قفل می کردند که او توی آنجا نماز می خواند و مردم بیرون به او اقتدا می کردند و با او نماز می خواندند یعنی آنهایی که باید با او نماز بخوانند، او نمی توانست بیاید توی صفوف بایستد، او را قوای انتظامی می آوردند و می کردندش توی آن سوراخ و در آن را می بستند. آنجا در بسته نماز می خواند و بعد هم می آمدند در را باز می کردند و با قوای انتظامی می رفت، برای اینکه پایگاه نداشت در بین مردم اما آن که حکومت عدل می کرد آن توی مردم بود و باهم بودند و عرض بکنم که رفاقت داشتند و نه خوف آنها از او داشتند و نه آنها از او. چرا باید مردم از ارتش بترسند؟ چرا باید مردم از قوای انتظامی بترسند؟ از ژاندارمری بترسند؟ از شهرداری بترسند؟ خوب، اینها بر حسب قاعده باید شهرداری باید شهر را حفظ کند، باید مردم او را اینطور ببینند که حافظ جانشان هست، نه دشمن جانشان. ارتش باید مملکت را حفظ کند نه اینکه مردم خیال کنند که این ارتش می خواهد با مردم چه بکند و می خواهد مردم را اذیت بکند. حکومت اسلامی که ما می خواهیم، یک چنین چیزی ما می خواهیم که آن کسی که در راس است، او هم با مردم رفیق باشد و بنشیند و خودش را نگیرد، در بین مردم بنشیند با آنها صحبت بکند، هر کس حاجتی دارد به او بگوید، وقت داشته باشد با او صحبت بکند، آن هم که رئیس ارتش است و آن هم که رئیس شهرداری است و آن هم که رئیس ژاندارمری است، آن هم در بین مردم همانطور باشد، وارد بشود بین مردم، نه او از مردم وحشت کند، نه مردم از او وحشت بکنند، این باید دستور باشد برای همه حکومت ها و ملت ها. وقتی یک حکومت اینطور شد، ملت دنبالش است، ملت حافظش است همانطور که او حافظ ملت است، ملت هم حافظ او هستند و ما می خواهیم یک چنین چیزی پیدا بشود که ملت حافظ دولت به همه جهات باشد. و دولت هم حافظ منافع ملت به همه جهات باشد اگر یک چنین چیزی شد، یک مملکت آرامی است که هیچ کس هم نمی تواند در آن تصرف بکند. تا خیانت بزرگان نباشد، دولت های خارج نمی توانند تصرف بکنند. خیانت هست که اسباب این می شود که اینها راهشان را باز می کنند، مستشار می آورند نمی دانم کارشناس می آورند، از این بساطها درست می کنند. این خیانت است که راه آنها را باز می کنند. اگر یک دولت غیر خائن باشد، راه باز نمی شود بر آنها که بیایند منافع ما را ببرند و حالائی که مملکت رسیده به خودمان ببینیم که یک مملکت آشفته و از بین رفته و همه چیزش از بین رفته و باید همه با هم کمک کنند تا اینکه اصلاح بشود. ۳۴۰

حکومت حضرت امیر (ع) درس عبرتی برای همه

معذلک این چند صباحی که حضرت امیر سلام الله علیه حکومت کردند و برنامه حکومتی خودشان را تعیین کردند، همین چند صباح هم برای مسلمین و برای اسلام یک درس عبرتی شد، یک مطلبی شد که فهمیدند که اسلام یعنی چه، تا اندازه ای، همین چند صباح اگر گذاشته بودند که در پناه حکومت اسلامی و در پناه اسلام حکومت تشکیل بشود و مردم در پناه حکومت اسلامی باشند، این همه گرفتاری‌هایی که از برای ماها الان هم پیش آمده، اینها هم شاید پیش نمی آمد حاکمی که از طرف خدای تبارک و تعالی تعیین شد از برای امت، آن شخصی بود که وقتی که به حکومت رسید، وقتی که با او جمع شدند و بیعت کردند بعد از آن خرابکاری‌هایی که شده بود تا آن روز و بعد از آن مصیبت‌هایی که برای اسلام پیش آوردند و تا حالا هم فساد آن باقی مانده است، آن شخصی بود که وقتی که به حکومت رسید در حال حکومتش زندگیش از جمیع زندگی امثال ماها و شماها طلاب علوم دینی یا امثال این بقال‌ها و این کاسب‌ها، زندگی او پست تر بود، یک تکه نان جو بود که در آخر عمر مبارکش از قراری که گفته شده است از بس خشک بود حضرت با دستشان نمی توانستند بشکنند، با زانو می شکستند آن نان را، با آب تناول می کردند، این حکومت اسلام بود می فرمود که به طوری که نقل شده است من می ترسم که در یکی از حوالی مملکت من یک وقت یک گرسنه ای باشد، یک وقت باشد که گرسنه در کار باشد، چطور من بخوابم سیر و رعیت من یک نفرشان ولو در بعضی از اجزاء مملکت، اینها گرسنه باشد. ۳۴۱

دول سابق به دلیل کیفیت عملشان به آن روزها افتادند

من یک مطلب راجع به آقایان استاندارها که تشریف دارند و عموم استاندارها و عموم ادارات دولتی و عموم کسانی که در جمهوری اسلامی دست اندرکار هستند چه لشگری، چه کشوری من از زمان احمد شاه تا حالا این رژیم زمان احمدشاه را دیده ام، اواخر آن رژیم را از زمان رضا شاه و پسرش را تمامش را تا منتهی شده به حالا آن چیزی که اسباب ضعف دولت و جدائی مردم از آن دولت هستند آن عبارت از کیفیت مسلمان هاست، کیفیت عمل همه دستگاه هاست، یعنی یک حکومتی که در یک جایی می رود، در مرکز کارهایش را درست کرده بود و رشوه هایش را به آنهایی که باید بدهد، داده بود، آنها هم اجازه اینکه هر کاری می خواهد بکند داده بودند و هر کاری در آنجا می کرد یا کسی جرات نمی کرد صحبت کند یا اگر می کرد اثر نداشت. این منحصر به آن رده بالا نداشت همه رده ها تا آخر وضع اینطوری بود. در بعضی از اوقات، در بعضی از جاها یک حکومتی که آنوقت می خواست برود، که حالا استاندار بوده، از فرض کنید خراسان می خواست یک کسی برود به حسب اختلاف درآمد در آنجا برای استاندار و برای حکومت، او اجازه می کرد آنجا را، تیول بود خراسان، تیول مثلا فلان شاهزاده بود و چقدر به شاه یا به دستگاه می داد و آنجا را تیول می کرد و بعد هم آنجا هر کاری می خواست می کرد باید آن چیزی را که داده است در آورد و مضاعف بر او، زیاد برای خودش و دوستانش ذخیره کند و همین طور نظامی ها، ژاندارمری مثلا فرض کنید که کلانتری ها یا، همه باب این باب بوده است. اگر کسی آن مسائل آنوقت را درست بررسی بکند و بنویسد، یک کتاب قطوری خواهد شد که چه می کردند اینها با مردم و از صدر تا ذیل وضع همین طور بود. زمان رضاشاه از باب اینکه همه دزدی ها منحصر به خودش بود، انحصار دست خودش بود، حکومت ها به این قدرت نبودند، زمان احمدشاه اینطور نبود که خود آنها بتوانند همه برداشت ها را برای خودشان بکنند، این بود که دارودسته هائی که می فرستادند این بساط را درست می کردند زمان رضاشاه همه دزدی ها از گردنه ها رفته بود تهران، همه زلی ها از همه جا متمرکز شده بود در خود دستگاه دولتی و از همه بالاتر خود رضا شاه و امثال اینها و این اسباب این شده بود که مردم با دستگاه های دولتی مطلقا مخالف بودند منتها جرات نمی کردند حرف بزنند، بعضی وقت ها

هم می کردند جرات . من یادم است بچه بودم که حکومت خمین یک نفر از خان ها را گرفته بود بعد از دو سه شب ، سه چهار شب ریختند خان ها و حکومت را گرفتند و حبسی های خودشان را بیرون آوردند و حکومت را به اسیری بردند ، واحدی از مردم هیچ ، همچو نبود که چرا بگویند ، خوشحال هم بودند ، شاید بعضی شان هم منزل حکومت را آمدند تتمه را غارت کردند . من شاهد قضیه بودم که آن خانه ای که حکومت را از آن بردند ، من بچه بودم پشت یک دری ایستاده بودم و نگاه می کردم به وضع آنها که آنها حمله کرده بودند و حکومت هم مرد قلدری بود ، او هم باز آنوقت ده تیری داشت او ، او هم حمله می کرد و یک نفر را هم ظاهرا از آنها کشته بود لکن بعد اسیر شد . این وضع حکومت بود در آنجا که شرح طولانی دارد و زمان رضاشاه را هر که یادش باشد می داند چه قضایا واقع شد و زمان محمدرضا هم که همه یادتان هست . این اسباب این شد که دولت مقابل ملت ، ارتش مقابل ملت ، همه هم مقابل ملت بودند ، یعنی هر چه می توانستند این کلانتری ها و این ارتش و این ژاندارمری و اینها هر چه می توانستند از مردم اخاذی می کردند به زور ، به ارباب شاید یادتان باشد ، که این را گفتم ، نمی دانم ، در مطبوعات لابد نبوده ، رضاخان یک وقتی که وارد شده بود در ژاندارمری ، دست هایش را در جیش گذاشته بود ، وقتی که وارد شده بود . گفته بود می ترسم از جیم بدزدند . این ممکن است که اولاً راه نشان دادن به آنها باشد که باید دزدید ولو از من ، و ممکن است معرفی آنها باشد به اینکه وضع اینطوری است ، همه ملت هم دستشان در جیشان باید باشد که خود اعلیحضرت ندزدند ، مسأله این است

۳۴۲ .

باید لفظاً و عملاً به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم

دولت و همه ارگان های دولتی که شما آقایان هم در هر استانی در راس هستید ، باید فکر این مسائل را ، این تاریخ آخر این زمان ها را یک قدری مطالعه کنید نه آن تاریخی که برای شاه نوشتند آنها تاریخ نیستند ، آنها دروغ هستند ، مشاهده کنید و کارهای اینها را ببینید و ببینید که چرا ملت از اینها جدا بود چرا کارشکنی می کرد ملت ؟ من یادم است این را ، شاید خیلی شما یادتان است اینها هم خیلی هایتان یادتان است که وقتی این متفقین از اطراف ریختند به ایران و زمان رضاخان ریختند به ایران و آن مردم آنقدر خوف داشتند از اینها که آیا چه خواهند کرد لکن خوشحال بودند از اینکه رضاخان را بردند ، یکی از برکات این هجوم را با اینکه همه اشکالات را مردم در نظرشان این بود که چه خواهد شد و چه خواهند کرد ، لکن این معنا مثل اینکه یک هدیه ای بود آسمانی برای اینها رسیده بود که رضاخان رفت و مع الاسف آنوقت اشخاصی که خود ملت یک راسی که بتواند آنها را جمع بکند ، نبود که پسر رضاخان را آنها گذاشتند اینجا و در صورتی که اگر آنوقت در دو سه تا شهر تظاهر می شد به ضد ، نمیگذاشتند او را ، لکن هیچ کس حرف نزد تا اینکه آن خوف سابق بود و ریخته نشده بود آن خوف ، از این جهت مردم جرات نمی کردند ، کسی هم نبود که آنها را وادار کند به یک همچو مسائلی ، شاید اگر مرحوم مدرس در آنوقت بود ، آن کار را میکرد لکن کسی نبود که این کارها را بکند . ۳۴۳

تنبه از عاقبت فساد

من امیدوارم که دیگر آسیبی برای این مملکت واقع نشود برای اینکه ما برای خدا می خواهیم انجام وظیفه کنیم و خدا را همه در نظر داشته باشید . خدا حاضر است ، ناظر است ، اعمالتان را می بیند . شما تنبه پیدا کنید از اینهایی که در این مملکت آن قدرت ها را به خرج دادند و آن فسادها را ، حالا هم در بستر بیماری افتاده اند الان برایشان مرگ عروسی است . توجه داشته باشید به اینکه یک عالم دیگری در کار است . ما مسؤول هستیم پیش خدای تبارک و تعالی . ما امانت داریم الان ، اسلام و کشور اسلامی امانت است پیش ما ، این امانت را هر یک از ما اگر بخواهیم یک خلافتی در آن بکنیم خیانت است و جواب باید بدهیم . در پیش اسلام

این نباشد که هر کدام دیگری را بکشیم ، هر کدام مفسده دیگری را ، فساد دیگری را بگوئیم . باید همه ما دست به دست هم بدهیم ، هم پاکسازی با کمال قدرت و هم دوستی و مهربانی با کمال قدرت . ۳۴۴

۱۹ - انتقاد و انتقادپذیری

انسان باید به دنبال یافتن عیوب خود باشد

لکن هیچ کس و هیچ دستگاهی و هیچ فردی نمی تواند ادعا کند که من نقص هیچ ندارم . اگر کسی ادعا کرد این را ، این بزرگترین نقصش همین ادعاست . کسی نیست که بتواند بگوید که من دیگر بی عیب هستم . اگر بعضی اشخاص پیدا بشوند که خوب ، بسیاری از عیوب را ندارند ، لکن بی عیب ما نداریم در دنیا و ما باید همیشه توجه مان به آن عیوب خودمان باشد . عیوب احتمالی ، نمی گویم عیوب دارند ، عیوب احتمالی و انسان که بخواهد برای خدا کار بکند و به مقام انسانیت برسد ، باید همیشه دنبال این باشد که ببیند چه عیبی دارد ، دنبال این نباشد که ببیند چه حسنی دارد ، برای اینکه دنبال اینک که چه عیبی دارد ، می شود که انسان درصدد رفع آن برآید و دنبال اینک که چه حسنی دارد ، پرده می شود در چشم انسان و نمی تواند عیوب خودش را ببیند . ۳۴۵

انتقاد برای اصلاح امور لازم است

آقایان در یک محیط آرام مسائلی که دارند با آرامش بیان کنند ، اختلافاتی که در دیدها دارند ، در سلیقه ها دارند اینها را با یک آرامش خاطر بیان کنند و حل و فصل کنند و راجع به مسائل کشور هم که در آنجا می آید باز هم با یک محیط آرام ، که در محیط آرام است که عقل ها می توانند کار بکنند . آن روزی که غضب توی کار آمد عقل کنار می رود . قوه غضبیه هر وقت به راه افتاد ، عاقله را کنار می زند و به روی بی عقلی صحبت می کند . قاضی اگر چنانچه در حال غضب باشد ، نباید حکم بدهد برای اینکه حکم در حال غضب حکمی است که از منشاء عقلی و شرعی صادر نمی شود . شما مسائلی که دارید فرض کنید که یک نفر می رود و مسائل خودش را می گوید ، انتقاد هم دارد ، انتقادات آزاد است به اندازه ای که نخواهند یک کسی را خفیف کنند یا یک گروهی را خفیف کنند و از صحنه خارج کنند انتقاد برای ساختن ، برای اصلاح امور ، این لازم است . هر مجلس باید این انتقادات را داشته باشد لکن اگر این انتقادات ، آن که انتقاد می کند با آرامش خاطر و با نظر صحیح انتقاد بکند ، آن که جواب می دهد آن هم اگر با نظر صحیح و بدون اینکه غضب در آن راه داشته باشد جواب بدهد ، آنوقت منطقی در مقابل منطقی است و اگر چنانچه با هیاهو و جار و جنجال بخواهید شما یک مسأله را حل بکنید و هر کسی در نظر داشته باشد که طرف مقابل خودش را مثل یک دشمن بکوبد ، عقل ها کنار می رود و قوه غضبیه که بدترین قوه هاست اگر مهار نشود ، آنها در کار می افتند و مسائل را علاوه بر اینکه حل نمی کنند مشکل تر می کنند . ۳۴۶

حق هر جا که هست باید دنبالش رفت

سه جور نظر انسان ناچار دارد : یک نظری که نظر بیطرف است ، این یک نظر است ، یکی هم نظر طرفداری از یک روش ، از یک جریان ، یک نظری هم مخالف با یک روش و یک جریان . نظر بیطرف و نظر طرفداری از یک مسأله و نظر طرفداری از یک مسأله دیگر . نظری که نظر حب باشد به یک جریانی یا بغض باشد به یک جریانی ، این نظر نمی تواند یک نظر سالم باش حب الشیء یعمی و یصم بغض هم همین طور است نور عقل را خاموش می کند . حب مفرط به یک روشی اسباب این می شود که

خود آن کسی که حب دارد توجهی به این ندارد که از مبداء حب دارد این مطلب صادر می شود و این مطلب حق نیست ، مطلبی است که از راه حب است و باید ، خواه یا ناخواه این نظر ، نظر صائب نیست . و انسان خودش را نمی تواند بشناسد به این زودی ها ، انسان تا آخر عمرش ، تا آنوقتی که از این دنیا خارج می شود گرفتار یک مسائلی در باطن خودش هست که خودش هم نمی تواند بفهمد و باید عرضه کند خودش را انسان به کسانی که بی نظر هستند . اگر نظر از راه حب شد ، همیشه دنبال این می رود که آن مطلبی را که مربوط به آن روشی است که این دوست دارد آن روش را ، آن مطلب را ، به هر عنوانی که هست ثابت کند ولو اینکه این عنوانی که هست عنوان خلاف باشد ، خلاف اخلاق باشد ، خلاف منطق باشد . آنی هم که بغض به یک روشی دارد آن هم نظرش نظر سالم نیست ، آن هم دنبال این است که آن طرفی که مورد بغض اوست و آن روشی را که نمی پسندد با هر توجیهی که باشد آن را تصحیح کند و لهذا می بیند که یک مطلب ، یک امر از یکی صادر می شود و همین امر با یک وقت و یک محیط ، یک مطلب از یک کسی صادر می شود ، یک عمل از یکی صادر می شود ، این دو طایفه ای که یکی شان این را خوب می دانند و دوست می دارند و یک طایفه این را بد می دانند و دشمن می دانند ، آن مطلب واحدی که زمانش واحد و همه جهات واحد است وقتی که پیش آنها می رود که مورد محبت هست آن آدم ، تمام مطالب او را ولو مخالف با عقل باشد ، ولو مخالف با منطق باشد می پذیرند و تایید می کنند و شروع می کنند به اینکه خیر ، مطلب همین است و آن دسته ای که با این خوب نیستند اگر یک مطلب خوبی هم این بگویند ، آنها دنبال این هستند که نه ، این حرف صحیح نیست . این دو نظر را انسان مبتلا به آن هست نظر بیطرف بسیار کم است یعنی نظر بیطرف باشد ، خود آدم هیچ وقت نمی تواند بیطرف بیطرف باشد ، لکن در نظر دادن حق را ببیند ، حق تحت تاثیر حق واقع بشود ، این حق اگر چنانچه از دشمن من هم صادر شد ، من او را تمجید کنم به عنوان اینکه حق است و باطل اگر از دوست من هم صادر شد ، آن را تکذیب کنم به عنوان اینکه باطل است ولو در باطن فرض کنید یکی یک روشی را دوست دارد و یکی روش دیگر را ، لکن در مقام نظر دادن ، در مقام مصلحت اندیشی برای کشور یا برای اشخاص آن نظر حب و بغض خودش را کنار بگذارد برود دنبال حق و باطل . حق هر جا که هست باید دنبالش رفت و او را با آغوش باز پذیرفت ولو برخلاف نظر خود من هست و باطل را هر چه هست و از هر کسی صادر بشود باید نپذیرفت به عنوان اینکه باطل است .

۳۴۷ .

انتقاد نباید از قوه عاقله خارج باشد

اشخاص و گروه ها و اینها را باید کنار گذاشت و حق و باطل را ملاحظه کرد . آنوقت هم برای اثبات حق و ابطال باطل اگر - گرفتار - انسان گرفتار بشود به عصبانیت و - عرض می کنم - غیض و غضب کردن ، نه می تواند حق را به دست بیاورد و نه می تواند باطل را ردش کند . مهم در همه افراد و خصوصا شما آقایان که در مجلس هستید و مجلس مبداء همه چیزهایی است که در کشور واقع می شود مهم این است که در مقام بیان مسائل ورود مسائل ، انتقاد و تکذیب به آنجا نرسد که از قوه عقليه کنار و با قوه غضبیه انسان وارد میدان بشود . اگر یک کسی هم فرض کنید - یک - از زبانش یک مطلبی برخلاف شما صادر شد اگر شما بروید و مطلب را منطقی صحبت کنید ، با داد و فریاد و خدای نخواستہ حرف زشت زدن کار درست نمی شود جز اینکه اگر خدای نخواستہ این امور تکرار بشود در مجلس ، کم کم ، هیچ امر فاسدی یکدفعه سراغ آدم نمی آید ، شیطان باطنی انسان بسیار استاد است و - این - همچو نیست که ابتدا انسان را به فساد بکشد . ابتدا قدم کوچکی را او می دارد که انسان بردارد ، این قدم که برداشت فردایش یک قدم یک قدری بلندتری ، انسان را یواش یواش به فساد می کشد . ۳۴۸

جامعه بدون انتقاد اصلاح نمی شود

من امیدوارم انشاءالله تا شما این روزنامه ای که در دستتان است و عهده دار مسؤ ولیت آن هستید درصدد باشید که اولاً افرادی که می خواهند به این جمهوری صدمه بزنند اگر یکدفعه نمی توانید آنها را ارشاد کنید به تدریج این کار را بکنید وقتی تدریجی شد کار درست می شود. اما راجع به محتوا و دیگر چیزها، شما هیچ کس را دشمن خودتان حساب نکنید، نمی گویم صدام را هم حساب نکنید، نه، اما اینهایی که الان متکفل امور کشور هستند هیچ کدام دشمن با شما نیستند سلیقه های مختلفی با هم دارند. این سلیقه های مختلف در نفس انسان روی انگیزه هایی است که به صورت مخاصمه در می آید در صورتی که نباید اینطور باشد. روزنامه ها باید با کسی صورت مخاصمه نداشته باشند بلکه صورت ارشاد داشته باشند، مطالب را بگویند. انتقادات باید باشد زیرا یک جامعه تا انتقاد نشود اصلاح نمی شود عیب هم در همین جاست چون سرتا پای انسان عیب است و باید این عیب ها را انتقاد کرد تا جامعه اصلاح بشود. ۳۴۹

با موعظه حسنه خطاکاران را تربیت کنید

از عموم ملت عظیم الشان و خصوص دولتمردان می خواهم که از تجربه تلخی که از اختلاف بعد از اتحاد اول پیروزی که در ماه های اخیر به اوج خود رسید و روزگار را بر همه تاریک و تلخ کرد، عبرت بگیرند و بر آن باشند که مدتی هم تجربه برادری و اتحاد را به کار برند و با محبت و رحمت همکاری و همفکری را اگر چه با تکلیف هم باشد، پیشه خود قرار دهند و به کمک هم برای ساختن کشور بشتابند و نسبت به یکدیگر با عفو و اغماض رفتار نمایند. اگر خدای نخواست از آن بد دیدند، فرصت فراوان است و میدان باز، ولی مطمئن باشند که وعده خداوند متعال بر آن است که اخوت ایمانی و دوستی و محبت با یکدیگر موجب نجات است. از عموم علمای عظیم الشان و ائمه جمعه و جماعات تقاضا دارم که با دیده رحمت و عطف به جمهوری اسلامی و متصدیان امور نظاره کنند و با ارشاد و موعظه حسنه، خطاکاران را تربیت کنند و کجی ها را راست فرمایند که این شیوه انبیاء عظام و اولیاء خداوند است و تاثیر موعظه حسنه در نفوس بسیار زیادتر است از عیب جوئی و بد گوئی و ممکن است قلمها و زبان های عیب جو در بعضی از نفوس عصیان بیاورد و به جای اثر مثبت و نیکو اثر منفی و بد به جا گذارد و به جای اصلاح، موجب افساد شود. باید حضرات اعلام بدانند که با وجود اشتباه و خطا در متصدیان امور آثار نیک و مثبتی که در کشور به دست متصدیان و به کمک ملت عزیز انجام گرفته بسیار بیشتر است از اشتباهات و خطاها و چنانچه تمام قلم ها و زبان ها به ارشاد آنان به کار افتد و با دیده رحمت و سنت انبیا (علیهم صلوات الله) با آنان رفتار شود، به زودی با تایید خداوند رحمان، امور اصلاح و نقیصه ها مرتفع می شود. ۳۵۰

انتقاد باید انتقاد برادری و مصلحت گویی باشد

شما باید توجه داشته باشید که هر قشری از این کشور تضعیف بشود، هر شخصی که در این کشور مسؤ ول کاری است تضعیف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت هست تضعیف بشود، این تضعیف، تضعیف همه هست و این انتحار است، بدون اینکه گوینده و نویسنده توجه داشته باشد. این روزنامه هائی که هر کدام به جان هم افتاده اند و یک راهی را دارند باز می کنند برای انتقاد از کشور، برای انتقاد از جمهوری اسلامی، برای انتقاد از گروه ها یا اشخاص، اینها شیاطینی هستند و قلم ها در دست شیاطین است و خودشان توجه ندارند، روزنامه ها و مطبوعاتی که باید در خدمت این ملت و در خدمت اسلام باشند، باید همه با هم به طور برادری رفتار کنند و اگر انتقاد دارند انتقاد برادری داشته باشند مصلحت گوئی باشد. اگر روزنامه ها، تبلیغات، همه اینها در این معنا با هم متحد بشوند که قلم هایشان را و گفتارشان گزنده نباشد، مثل عقرب نباشد، شما بدانید که زبان های انسان اگر گزنده شد و از عقرب گزنده تر شد، در آن عالم به صورت یک عقرب گزنده بیرون می آید و آنهایی که دیگران را

تضعیف می کنند و غیبت دیگران را می کنند ، زبانهایشان در روز قیامت به قدری بلند میشود که مردم از روی آن زبان ها می گذرند . امروز هم مطلب این است که مثل مار و عقرب هم را می گزند و خودشان نمی فهمند یا می فهمند و می خواهند بگذرد . خدا نکند که بفهمند ، خدا نکند که دانسته اینها تضعیف کنند این کشور را ، خدا نکند که روزی پیش بیاید که من احساس وظیفه بکنم . من به آنها نصیحت می کنم که آرام باشید ، به آنها نصیحت می کنم که یکدیگر را نگزند ، پنجه به روی هم نزنید ، همه با هم این کشور را به پیش ببرید ، اختلاف سلیقه ها را در یک محیط خوب ، برادرانه حل کنید . ۳۵۱

انتقاد غیر انتقامجویی است

به همه آقایان من می گویم با هم جنگ نکنید ، روزنامه ها را پر نکنید دوباره از بدگویی از هم و از انتقاد از هم . انتقاد غیر انتقامجویی است . انتقاد ، انتقاد صحیح باید بشود . هر کس از هر کس می تواند انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقام جوئی ، این همان قلم شیطان است . اگر روی مصالح عامه یک کسی به کسی اشکال می کند و همچون است که اگر خودش را بردارند یک کسی دیگر را اینجا بنشانند و همین حرف ها را بزند خودش ناراحت نشود ، این میزان دستش باشد که قلم دست شیطان است می نویسد یا دست رحمان است ، زبان ، زبان شیطان است یا زبان رحمان است . ۳۵۲ چماق زبان و چماق قلم بالاترین چماق هاست که فسادش صدها برابر چماق های دیگر است . آنتهایی که می خواهند صحبت بکنند و خصوصا در این چند روز زیاد هم هستند ، باید توجه بکنند به اینکه قبل از اینکه می خواهند صحبت بکنند بنشینند و با خودشان فکر بکنند ببینند که این زبان چماق است و می خواهد به سر یک دسته دیگر کوبیده بشود یا اینکه این زبان ، زبان رحمت است و برای وحدت ؟ اگر چنانچه مالک نفس خودش هستند و این امر مهم را که مالکیت شخص بر نفس خودش است و حضرت موسی سلام الله علیه یک همچو ادعائی کرد و او بحق بود که به خدای تبارک و تعالی عرض کرد که من مالک هیچ کس نیستم الا مالک خودم و برادرم . این یک ادعای بزرگ است که شایسته پیغمبران است . ماها مالک خودمان نیستیم ، مالک برادرهایمان هم نیستیم ، مالک فرزندانمان هم نیستیم ، مالک دوستانمان هم نیستیم ، عمده مالکیت خودش است از خودش که انسان وقتی که می خواهد صحبت بکند زبان مملوک او باشد و او سلطنت بر زبان خودش داشته باشد نه اینکه شیطان بر نفس او و بر زبان او تسلط پیدا بکند و حرف ها و چماق ها و اسلحه هائی باشد که از اسلحه صدام برنده تر است . ۳۵۳

کمال بزرگ انسان این است که حق را برای حق بخواهد

باید اشخاصی که می خواهند صحبت کنند ، ببینند که آیا حق را می خواهند برای حق ؟ بزرگتر چیزی که انسان اگر آن را داشته باشد کمال بزرگ دارد این است که حق را برای حق بخواهد ، از حق خوشش بیاید برای اینکه حق است و از باطل متنفر باشد برای اینکه باطل است . اگر حق از دست دشمنش هم اجرا شد ، این مالکیت داشته باشد برای نفس خودش که آن حق را تعریف کند و اگر باطل از فرزندش یا دوستانش وجود پیدا کرد ، این مالکیت را داشته باشد که از او تنفر داشته باشد و اظهار تنفر کند . کسانی که حق را برای حق می خواهند ، اندکند و بسیار اندک ، کسانی که باطل را برای باطل بودنش بغض بر آن دارند و تنفر از آن دارند ، اندکند و بسیار اندک . انسان خودش هم نمی تواند بفهمد که چکاره است . انسان باید یک کسی که دشمن او هست پیش او برود ببیند قضاوت او نسبت به این چه هست تا عیب های خودش را بتواند بفهمد . انسان نمی تواند از دوستان خودش تعلیم بگیرد ، انسان باید از دشمنان خودش تعلیم بگیرد ، وقتی که یک صحبتی می کند ببیند دشمن ها چه می گویند و تفکر کند که عیب ها را دشمن ها می فهمند . دوست ها هر چه هم شما عیب داشته باشید و ما عیب داشته باشیم برای اینکه حق را برای حق نمی خواهند و باطل را برای اینکه باطل است دشمن ندارند ، به ما می آیند و به شما می آیند و می گویند که چقدر خوب صحبت

کردی و چه مقاله خوبی نوشتی ، چه مقاله کوبنده ای بود این ، چطور حریف خودت را منزوی کردی ، چطور حرف های حریف خودت را ولو هم صحیح بود باطل کردی . دوستان انسان دشمنان واقعی انسانند و دشمنان انسان دوستان واقعی انسانند . انسان باید از کسانی که به او خرده می گیرند ، از آنها یاد بگیرد ، کسانی که از او تعریف می کنند ، بدانند که این زبان ، زبان تعریف خصوصا در یک اموری که جای انتقاد است تعریف می کنند ، این همان زبان شیطانی است و آن هم تاییدش تایید شیطانی است . گویندگان ما ، نویسندگان ما ، کسانی که در این موقع می خواهند صحبت ها بکنند توجه داشته باشند که آیا مالک خودشان هستند ؟ ۳۵۴

لسان باید ، لسان نصیحت باشد

اشکال امر آسانی است ، انسان می تواند یک جایی بنشیند و فکر خودش را جمع بکند و اشکال بکند ، آنچه مشکل است حل اشکال است . ۳۵۵ و من باید این را عرض بکنم که گاهی اشخاص با این که ممکن است که آدم های خوبی باشند ، لکن یک چیزهایی در نفوس انسان هست که انسان از آن غفلت می کند؛ مثلا یک پدر و مادری که بچه شان را خیلی دوست دارند ، این هر چه می بیند خوبی می بیند از او ، اصلا غفلت می کند از این که در این بدی باشد : حب الشیء یعمی و یصم آن ور هم همین طور است ، وقتی انسان در قلبش دشمنی یا مخالفت با یک کسی داشت یا با جمعی داشت ، هر چه خوبی ببیند ، بدی می بیند ، اصلا خوبی ها محو می شود . من به همه اشخاصی که قلم در دستشان است ، زبان گویا دارند می خواهم سفارش کنم که متوجه باشند که قلم آنها ، زبان آنها در حضور خداست ، فردا مواخذه دارد ، صحبت سر دولت و ریاست جمهور و اینها نیست ، صحبت سر نظام است ، نظام اسلام است ؛ آقای خامنه ای سلمه الله باشند رئیس جمهور یا یک کس دیگر ، آقای موسوی نخست وزیر باشند یا یک کس دیگری ، این مطرح نیست ، مطرح نظام جمهوری اسلامی است ، ما مکلفیم به حفظ او ، همه نویسندگان ما مکلفند به حفظ نظام وقتی که انسان فرض کنید از یک کسی گله دارد یا می بیند نقیصه ای در کار هست ، این نصیحت می تواند بکند و باید بکند ، اما لسان نصیحت غیر لسان لجن کردن و ضایع کردن است . من راجع به افراد هم عقیده ام هست یعنی شارع هم همین طور است ، ما تابع او هستیم که اگر انسان یک مسلمانی را برای خاطر هوای نفسش لگدمال کند ، این در آن دنیا شاید مجازاتش بدترین مجازات باشد و در این دنیا هم موفق نخواهد شد . ما لسانمان باید لسان نصیحت باشد و انسان می بیند که گاهی وقت ها لسان ها ، لسان نصیحت نیست . قلم ها قلم های نصیحت نیست مطرح دولت نیست ، مطرح جمهوری اسلامی است گاهی وقت ها انسان می بیند که به واسطه یک قلمی ، به واسطه یک نوشته ای ممکن است که در بازار یک مطلبی واقع بشود ، یک زیادی قیمتی بشود ، یک کسر قیمتی بشود ، این طور چیزها ، این کسی که قلم دستش می گیرد باید توجه به این معنا بکند که مسأله ، مسأله فرد نیست ، مسأله اسلام است و نظام اسلامی و ما مکلفیم این نظام را حفظ کنیم . همچو نباشد که وقتی قلم دستمان آمد ، اگر من با آقای نخست وزیر مخالفم یا با آقای خامنه ای مخالفم ، دیگر فکر این نباشم که قلمم کجا می رود ، هر جا رفت بنویسم ، هر چه شد بکنم ، این در حضور خداست ، در حضور ملائکه الله است ، ثبت می شود اینها و / من / ممکن است که اشخاص هم خوب باشند ، اما این چیزهایی که در نفس انسان است نمی تواند انسان به این زودی بر آن مکاید شیطان و مکاید نفس اماره / انسان / تسلط پیدا کند ، انبیا هم دنبال این بودند که یک وقت خدای نخواستگرفتار یک همچو مسایلی نشوند . ۳۵۶

اثرات نفسانیت و حب و بغض در انتقادات

انسان اگر بخواهد حکم بکند به یک مطلبی ، تصدیق کند در باطن یک مطلبی را ، اول برود سراغ خودش ، خودش ببیند چکاره است . انسان آن کنار بنشیند و نظرش را به عیوب مردم بیندازد یا محسنات دیگران را عیبجوئی بکند یا بدیهای دیگران را تحسین

بکند، خوب این یک امری آسان است، انسان وارد هیچ معرکه ای نمی شود، آنهایی که در سرحدات دارند جنگ میکنند می اشکال می کند به آنها، وارد هیچ اداره ای نمی شود، آنهایی که وارد هستند اشکال می کند، وارد هیچ مرکزی که باید اصلاح بکند امور را نمی شود، این کنار می نشیند و شروع می کند می مناقشه کردن و عیب تراشیدن. این کار آسان هست و خیلی هم رایج شاید باشد اما اگر انسان اول نشست و پیش دل خودش نشست، پیش افکار خودش نشست، ببیند خودش چکاره هست، امتحان کند خودش را، اگر یک پیروزی از دشمن حاصل شد، برای اسلام و به صلاح اسلام بود، ببیند این خوشحال می شود از این و تبریک به حسب قلبش می گوید به این دشمن یا نه بدش می آید از پیروزی اسلام که به دست این واقع شده است، می خواهد اسلام پیروز نباشد که مبادا این آدم پیروز بشود. اگر انسان پیش دل خودش بنشیند و فکر این را بکند که اگر این پیروزی که به دست او حاصل شده بود برای اسلام، به دست من حاصل شده بود، فرقی می کند در قلب من بین این و او؟ این اسلامخواه است؟! این اسلام را می خواهد؟! آن که اسلام را می خواهد، اگر به دست کافر هم حاصل بشود خوشش می آید. اگر پیروزی به دست یک کافر برای اسلام حاصل بشود، این از کافر به ما اینکه کافر است خوشش نمی آید، از آن عملش خوشش می آید، و از این به اعتبار این که پیروز شده است و اسلام را پیروز کرده خوشش می آید، و اگر چنانچه کارشکنی از یک نفر آدمی که دوست او هست، محبت به او دارد این حاصل بشود یا از خودش حاصل بشود، ببیند در قلبش این اثری می گذارد یا نه اثر نمی گذارد. یک کار خارجی که در خارج واقع می شود (هر کاری می خواهد باشد) انسان وقتی می خواهد قلم دستش بگیرد و راجع به این کار یک چیزی بنویسد یا می خواهد برود در مرجع مردم، در محضر ملت راجع به این مسأله یک مطلبی بگوید قبل از اینکه می رود و این مسأله را می گوید، ببیند که آیا این حب نفس که تابع او حب به علائق خودش هست، حب به دوستان خودش هست او را همچو کور کرده است که نمی تواند واقعیت را بگیرد و واقعیت را فدای خودش می کند یا نه اینطور نیست و فدای خودش نمی خواهد بکند چیزی را. آنوقت اگر دید آنطوری است، بداند که قلم مال شیطان است و به دست اوست و زبان مال شیطان است و در قدرت اوست، و اگر دید که نه، کار خوب را هر کس بکند این خوب است، چون خوب است، هر کس بکند این کار را، تحسین می کند. کار، خود کار را ببیند، صدور کار از فلان، این است که انسان را مبتلا می کند. خود کار را وقتی می بیند، نگاه بکند بدون صدورش از این و آن، انسان می تواند حکم بکند، می تواند حکم بکند که مجلس شورای اسلامی ما، این مجلس چطور است، می تواند حکم بکند اگر خود مجلس را نگاه کند، نه افراد را در نظر بگیرد، یک چیزی که از مجلس می گذرد خود او را نگاه کند که این چیزی که از مجلس گذشته است این چطور است، اینجا می تواند قضاوت کند، برای اینکه این بسته به افراد نیست اما اگر پای افراد پیش آمد به مجردی که پای افراد پیش می آید همین معنائی که قبلا وقتی که بدون افراد، بدون توجه به افراد حکم به خویش یا بدیش کرده بود حالا وقتی که توجه به افراد کرد عوض میشود، حکم عوض میشود در باطن انسان. ۳۵۷ بینش از روی دوستی و عداوت در انسان تاءثیر می گذارد اکثرا هم خودشان غفلت دارند یعنی بینش از روی دوستی و بینش از روی عداوت یک چیزی است که در انسان تاءثیر می گذارد، ممکن است که این آدم هم مطلب را خیال کند به اینکه خیلی هم خوب است، این نفهمیده خود مطلب را این بینشش از باب اینکه از کانال محبت به این آدم رفته سراغ او، این بینش، بینش خطاست. از کانال بغض بر اینکه این عمل را می کند برود طرف او، این بینش، بینش خطاست. ما باید خودمان را اول امتحان کنیم و بعد که امتحان کنیم، آنوقت برویم سراغ اینکه فلان عمل چطور بوده، فلان عمل خوب بوده فلان عمل بد بوده. آنهایی که در یک عملی با هم دشمنی دارند، یک عملی که صادر می شود، می روند سراغ آن جهات ضعفش، جهات قوتش را اصلا نمی گویند، ساکت میشوند، وقتی هم خیلی خوب آدمی باشد جهات قوتش را ساکت می شود، و اگر اعوجاج داشته باشد و آدم شیطانی باشد جهات خویش هم بد می کند، می رود سراغ اینکه این جهت خویش است این هم بد بود. ۳۵۸

اگر چنانچه نظر، نظر ساده باشد یعنی نظر آزاد باشد بالاترین آزادی‌ها این آزادی از خود است، از حب و بغض است و بالاترین گرفتاری ما همین گرفتاری است گرفتاری حب نفس است، گرفتاری حب جاه است، گرفتاری حب شهرت است، من می‌خواهم این عمل از من صادر بشود تا مردم برای من دست بزنند. عمل خوب از یکی صادر شده این بدش می‌آید که از او صادر شده، این می‌خواهد از خودش صادر بشود که مردم بایستند و برای او هورا بکشند. اگر یک عمل بدی مثلاً صادر شد از او به نظرش می‌آید که نه این عمل هم باید برایش چه باشد، برای اینکه خودش کور است از اینکه ببیند حب الشی یعمی و یصم هم آدم را کر می‌کند هم آدم را کور می‌کند خوب‌ها را نمی‌بیند، بد‌ها را می‌بیند، یک جا هم بد‌ها را نمی‌بیند، خوب‌ها را می‌بیند، اگر آدم فضولی هم باشد که خوب‌ها را می‌کشد طرف بدی، بدی‌ها را هم می‌کشد طرف خوبی. با آن که خوب است هر کار بدی بکند این دنبال این است که این کار بد را خوبش بکند، با یک کسی که خوب است هر کار بدی بکند دنبال این است که این کار بد هم بکشد طرف خوبی. این برخلاف انسانیت است و برخلاف صراط مستقیم است که نبی اکرم و همه انبیاء بشر برای همین آمده‌اند. اگر موفق بشوند که این اسارت را، این اسارتی که من در خودم دارم، و هواهای نفس بر من مسلطند، اگر این را از بین ببرند موفق شده‌اند و اگر قدرت بر این نباشد از باب اینکه هیچ موعظه‌ای تاثیر نمی‌کند، هیچ گفته‌ای تاثیر نمی‌کند، هیچ نوشته‌ای تاثیر نمی‌کند، هیچ استدلالی تاثیر نمی‌کند، ادله فلسفی هم در یک همچو موجوداتی که دلشان بسته است به یک طرف، برهانهای فلسفی هم تاثیر نمی‌کند. آنی که دشمن دارد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را، هر چه برهان هم اقامه بشود که این روی این مبادی - و چیز - درست می‌گوید، آن این مبادی را همه اش اشکال می‌کند. در یک حدیثی است که اهل جهنم می‌بینند که یک خنکی حاصل شد، می‌پرسند - قریب به این، حالا من نزد یکی ندیدم این را - که چه شد؟ می‌گویند که پیغمبر اسلام از اینجا دارد عبور میکند، می‌گوید ببندید درها را، ببندید که ما عذاب را می‌خواهیم و این را نمی‌خواهیم. این نفسانیت اینطور است و از چیزهایی که برای انسان به واسطه این نفسیت پیش می‌آید اگر انسان علائقش شدید باشد به دنیا و علائقش شدید باشد به زن و فرزند و مال و حیثیت و ریاست و امثال ذلک، از مصیب‌هایی که هست در اینکه احتمالش هم انسان را ناراحت می‌کند و کمر انسان را می‌شکند، این است که در آن نزدیکی که می‌خواهند او را منتقلش کنند به یک عالم دیگری، برایش کشف می‌شود که این به دست خدای تبارک و تعالی است و این آدم برای اینکه خدا او را از این چیزهایی که حب به او دارد، دارد جدا می‌کند، دشمن خدا می‌شود. یکی از محترمین قزوین، ملاهای خیلی عابد قزوین خداوند رحمتش کند ایشان ظاهراً گفت که ما رفتیم عیادت یک نفر آدم که نزدیک‌های فوتش بود، این آدم گفت که آن ظلمی را (نعوذ بالله) آن ظلمی را که خدا به من کرده است به هیچ کس نکرده، من این بچه‌هایم را چطور تربیت کردم چطور حالا می‌خواهد مرا ببرد. مسأله این است آنکه کمر انسان را می‌شکند این است که حب انسان به خودش و حب انسان به ریاستش و حب انسان به همه چیزهایی که موجب حب است، انسان را برساند به آنجائی که اگر نبی اکرم هم از او بگیرد دشمن او میشود، و آنوقت هم که می‌فهمد خدا دارد می‌گیرد دشمن او میشود. ۳۵۹

انسان دنبال این نباشد که فقط ضعف پیدا کند و بنویسد

ما تا اصلاح نکنیم خودمان را، نمی‌توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم. من نمی‌گویم که اینطور باشید که خیر، از همه هواهای نفس بیرون بروید، این نه برای من و نه برای شما و نه برای الا من عصمه الله میسور نیست، لکن ما قدرت داریم که جلوی زبانمان را بگیریم، نمی‌توانیم بگوئیم زبانمان اختیار ندارد ما قدرت داریم که جلوی قلم مان را بگیریم، نمی‌توانیم بگوئیم قلم من اختیار ندارد. ما جلوی زبانمان را، جلوی بیانمان را، جلوی قلم مان را، جلوی عملمان را همه را می‌توانیم بگیریم، قدرت داریم.

این معنائی که می‌توانیم و قدرت داریم و به واسطه او همه مواخذه‌ها و همه گرفتاری‌ها هست هر چه هم انسان حب به یک کسی داشته باشد، یا بغض به یک کسی داشته باشد، قلمش را نگه دارد، لاف اینقدر قدرت داشته باشد که در نوشته‌هایش دنبال این نباشد که بد از هر جا هست پیدا بشود و او بنویسد، ضعف از هر جا هست پیدا شود و او بنویسد. ۳۶۰

حب و بغض در دل شما آنجور نباشد که به خلاف واقع حکم کنید

ما امروز احتیاج به این داریم که این ملت را امیدوار کنیم و دلگرم. ما هر چه داریم از این ملت هست، ما هر چه داریم از این ملت است، از این توده‌های عظیم انسان است و ما الان می‌بینیم که اینقدر از ما کشته شده است از ۱۵ خرداد بگیرد تا بعد از جنگ، اینها همه را در نظر بیاورید، آنقدر از ما کشته شده است، آنقدر از ما معلول شده است، آنقدر از ما بی‌خانمان شده است، آنقدر از ما آواره شده است برای اینکه این کشور استقلال پیدا کند، آزادی پیدا بشود در آن، برای اینکه ما دیگر آن گرفتاری‌های سابق را نداشته باشیم، یک کشور اسلامی داشته باشیم، یک کشور که تبع خدا و احکام خدا باشد، داشته باشیم. ما نباید حالا که گرفتار هستیم باز به پیروزی هم نرسیده ایم، نباید این مردم را سست شان بکنیم بیاینده مجلس را از این طرف هی اشکال بکنیم، آنقدر خوبی که در این مجلس هست از اولی که مجلس در این مملکت پیدا شده تا حالا، یک همچو مجلسی با این افرادی که در آن هست، من نمی‌گویم توی مجلس هم فرد غیر صالح نیست، ممکن است باشد اما صلحا هستند اینها، این مجلس را باید حفظش کرد، و مردم را از این دلسرد نکرد، هی هر روز راجع به مجلس یک چیزی نوشت و هر روز راجع به عرض می‌کنم ندانستن مجلس، چی مجلس، چی مجلس. ما امروز احتیاج داریم که اگر چنانچه یک نفر آدمی هم که جزء کسبه هستند و بسیار هم محترمند، جزء کارگراها هستند و آنها هم بسیار محترمند همه محترمند انشاء الله، نباید ما یک کارگر را دلسرد بکنیم که دستش وقتی که می‌خواهد به کار برود بلرزد، یک کشاورز را دلسرد کنیم که وقتی دستش می‌خواهد برای کشاورزی عمل کند بلرزد و یک وکیل را دلسرد کنیم که وقتی بخواهد صحبت کند بلرزد یا در سرحدات اشخاصی که مشغول هستند به خدمت دلسردشان کنیم که آنها هم دستشان بلرزد، ما باید همه کوشش کنیم که امید ایجاد کنیم در این ملت که با امید است که می‌توانند اینها پیروز بشوند، با امید است که کشاورز می‌تواند قدرت کشاورزی را زیاد کند و با امید است که ارتش و پاسدار می‌تواند در سرحدات جلوی دشمن را بگیرد. ما که همه به حسب قولمان دشمن با اسلام نیستیم، ما که با کشور خودمان دشمن نیستیم، ما که با مصالح کشور خودمان مخالفت نداریم، ما می‌خواهیم که این کشور و این اسلام و همه اینها انشاء الله به خواست خدا درست بشوند همه ما این آرزو را داریم، خوب اگر چنانچه همه ما این آرزو را داریم، چرا باید دولت اسلامی را تضعیف کنیم؟ چرا باید مجلس را تضعیف کنیم؟ چرا باید ارتش را تضعیف کنیم؟ چرا باید پاسدار را تضعیف کنیم؟ مگر اینها همه اشخاصی نیستند که دارند برای این ملت خدمت می‌کنند؟ خوب همه اینها خدمتگزارند، از آن رئیس جمهور گرفته است تا من طلبه، و همه ارگان‌هایی که بعد هستند، الان مشغول خدمت هستند. نظرها را نظرهای بدبینی نکنید و حب و بغض در دل شما آنجور نباشد که به خلاف واقع حکم کنید و بنویسید و بگوئید. ۳۶۱

نقاط ضعف را برای موعظه و بیدار کردن بگوئید

آنچه که هست بگوئید، البته نه، من نمی‌گویم تایید کنید و فحشا را چیز بکنید، این خلاف شرع هست و از گناهان کبیره هست این، لکن برای موعظه، برای بیدار کردن، نقاط ضعف را بگوئید، لکن به آرامی، نه اینکه آن کسی که می‌شنود که از قلم شما چه بیرون آمده بدتر کند مطلب را. اگر شما یک مطلبی را بگوئید که غرض آلود باشد و به کسی بر بخورد، آن آدم هم آنطور مهذب نیست که این را غمض عین بکند، آن هم مطلبی را می‌گوید غرض آلود، یک مقدار بالاتر، آن یک مقدار بالاتر می‌رود

اینکه مقابلش ایستاده است فردا یک مقدار از او بالا-تر می رود. ما اگر بخواهیم که واقعا کشور خودمان یک کشوری باشد که برای خودمان باشد، دیگران نتوانند به او تسلط پیدا کنند حالا باید همه قشرهایی که هستند، با هم دست به دست هم بدهند، دست بردارند از این حب و بغضهایی که اساسش هم همان حب نفس است، یک مقدار حب نفس را کنترلش کنند، نمی توانند خارجش کنند کمش کنند، موقتا کمش کنند تا این پیروزی حاصل بشود، موقتا جلوی قلم ها را بگیرند، و اگر می خواهند نصیحت کنند، نصیحت باشد، نصیحت را آدم ممکن است قبول کند، اما تند گوئی را همان آدمی هم که هر چه باشد تند گوئی را نمی تواند تحمل کند. ۳۶۲

با قول سالم مردم را اصلاح کنیم و دوستان خودمان را زیاد کنیم

ما باید از این بزرگان چیز یاد بگیریم، خوب مالک اشتر را که قصه اش را شنیده اید که فحش به او دادند و بعد که آن مرد فهمید که این مالک اشتر بود رفت دنبالش، ایشان مسجد رفته بود و مشغول نماز بود و رفت عذرخواهی کرد، گفت من نیامدم - اینطور نقل می کنند - در مسجد الا اینکه برای تو طلب مغفرت کنم. ببینید چطور تربیت می کند. یک همچو امری چطور تربیت می کند. یک کسی به خواجه، خواجه نصیرالدین رضوان الله علیه، خواجه کاغذی می گویند نوشته بود، و مسائلی و در ضمن او جسارت کرده بود به ایشان و اسم کلب روی ایشان گذاشته بود، ایشان جواب وقتی که نوشتند - از قراری که نقل میشود مسائلی که او اشکال داشت یکی یکی به طور حکیمانه رفع کرده بودند تا رسیده بود به اینجائی که به ایشان گفته بود تو سگ هستی، ایشان گفته بود که نه، من اوصاف و اوصاف و آثار من با اوصاف و اوصاف و آثار کلب دوتاست، کلب فلان صفت را دارد من آن صفت را ندارم، من فلان صفت را دارم او ندارد. حکیمانه اینطوری حل کرده بود قضیه را، خوب اگر خواجه هم یک کاغذ نوشته بود به اینکه نه، تو سگی و پدرت هم سگ است فردا یک کاغذی دریافت میکرد او سه تا چیز رویش گذاشته بود. وقتی ما بتوانیم با زبان نرم، با نصیحت، با قول سالم بدون نیش، بدن اظهار غرض مردم را اصلاح کنیم، دوستان خودمان را زیاد کنیم، برای خدا همین معنا باشد خوب چه ادعائی هست که آدم با قلم خودش به ضد خودش عمل کند. خیلی ها خیال می کنند که این حرفی که من می زنم ضد فلان است و سرکوب می شود فلان، لکن اول خودش سرکوب می شود. اینها توجهی به این معنا ندارند اول وقتی که یک همچو شد که دیدند قلم، قلم آلوده است، این مورد نفرت واقع می شود. چه ادعائی دارد انسان که می تواند یک انسانی را دعوت به خیر بکند با زبان ملایم، با قلم ملایم، با نصیحت، با دوستی او را به راه راست ببرد آنطور که انبیا می کردند. ۳۶۳

طیب جامعه باید با حسن نیتی که دارد جامعه را اصلاح کند

انبیا بنایشان بر این بود که دست به شمشیر نبرند الا برای آنها که علاجی ندارند جز شمشیر و فاسد میکنند جامعه را، آن که فاسد می کند جامعه را و دست از فسادهش برنخواهد داشت او را باید از جامعه جدا کرد و یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می کند - جنگ - انبیا مثل یک طیبی بودند، آنها که می خواستند اصلاح کنند جامعه را. اگر یک طیبی آمد و غده سرطانی را، چاقو را درآورد و شکم را پاره کرد و غده سرطانی را درآورد، شما فریاد می زنید که شکم مردم را پاره کردی، جانی هستی؟! نه، احترامش می کنید و اجر هم به او می دهید و دستش را هم فرض کنید می بوسید و خیلی هم خوشحال می شوید برای اینکه این شکم را پاره کرده، اما برای درآوردن غده سرطانی که این را به هلاکت می رساند. انبیا اینطور بودند. انبیا در عین حالی که خدای تبارک و تعالی می فرماید: که چرا اینقدر خودت را به زحمت می اندازی، چرا اینقدر خودت را میخواهی بکشی که اینها ایمان نمی آورند، آنقدر عاطفه داشته است و آنقدر دلش میخواسته است که مردم صالح بشوند، خوب بشوند، لکن وقتی که

میدید که فلاں جمعیت اگر باشند مردم را به فساد می کشند شمشیر او همان چاقوی طیب است ، او طیب عالم است و طیب جامعه است و جامعه را باید با حسن نیتی که دارد اصلاح بکند . شمشیر علی ابن ابیطالب ضربه اش میفرماید که از عبادت جن و انس هم بالاتر است ، برای اینکه اصلاح است ، ضربه اصلاحی است ، ضربه افسادی نیست . اگر قلم های ما و زبان های ما هم اینطوری بشود که واقعا بخواهیم این جامعه پیش ببرد ، این مملکت اصلاح بشود و در حالی که ما همه گرفتار هستیم ، لااقل از این گرفتاری قلم ما ، مردم بیرون بیایند ، آخر این گرفتاری گرفتاری زیادی است . اگر بخواهیم جامعه را اصلاح بکنیم باید یک قدری فکر بکنیم که حالا خوب است که ما قلم ها را یک قدری غلاف کنیم و یک قدری مردم را نصیحت کنیم ، اگر قلم می گویم قلم مان اصلاحی باشد ، دنبال این نرویم هی عیب پیدا کنیم و هی بنویسیم ، شما که این عیب را پیدا کردید و نوشتید حریف شما هم همین یک عیب دیگری برای شما می تراشد فردا زیادترش می کند . آن یکی هم همین طور ، همین طور تا آخر . اگر یک کسی بایستد سر این کوجه فحش بدهد به یک نفر آدم اگر آن آدم رد شد و رفت ، یا خیر ، آمد و گفت نه شما این مطلبی که گفتید آنطور نبوده من نکردم این کار را ، فلاں ، تمام می شود ، اصلاح می شود آن و اما اگر او هم بخواهد شاید یک فحش دیگری داد این فحش دوم دوباره زیادترش می شود . باید یک فکری همه بکنند آنهایی که اهل فکرند ، اهل قلمند ، آنهایی که صالحند ، این صلحا باید بنشینند و در صدد این باشند که امید بدهند به این جامعه ، این مردم احتیاج به امید دارند ، دیگران دارند اینها را ناامید می کنند ، دیگران می گویند که همه به هم ریختند اصلا مملکتی نیست اینجا ، مائی که باید همه کوشش کنیم به اینکه نخیر نظامی هست اینجا و این نظامی است که بهتر از نظام های دیگری است . کجا سراغ دارید شما یک نظامی را که یک نفر بقال هم آزاد بشود به اینکه به یک رئیس جمهور هر چه می خواهد بگوید ، به نخست وزیر هر چه می خواهد بگوید ، به رئیس مجلس هر چه می خواهد بگوید ، کجا شما همچو چیزی را دارید ؟ خوب شما سران ممالک دیگر را هم ببینید ، کارهای آنها را هم ببینید ، معامله آنها را با ملت ببینید ، معامله اینها را با ملت . وقتی اینطور باشد ، چرا ما با قلم هایمان اینها را به هم بیندازیم ؟ چرا زیاد کنیم ؟ اگر فرض کنید یک کدورتی - فرض کنید - بین دو طایفه باشد خوب ما باید دنبال این برویم که اصلاح کنیم این را با قلم مان ، با گفتارمان ، اجتماع کنیم ، با هم باشیم ، برادریم ، همه می خواهند که این مملکت اصلاح بشود . اگر با قلم ما ، با گفتار ما ، خدای نخواستہ یک آسیبی به این مملکت برسد ، یک آسیبی به این جمهوری اسلامی برسد ، در خارج بگویند اینها نمی توانند اداره بکنند ، خودمان هم دامن بزنیم به این . چرا باید ما به واسطه یک بغضی که با یک شخصی یا با یک جمعی داریم ، در دنیا یک طوری بگوئیم که دنیا به جمهوری اسلامی بدبین بشود ؟ جمهوری اسلامی را خودتان که می خواهید آن را ، یک کاری بکنید که دنیا لااقل اینطور که دارند خودشان تبلیغ می کنند ، دیگر دست ما هم دنبال تبلیغ نباشد ، به حرف های ما هم استشهاد نکنند آنها . باید توجه به این مسائل داشت ، انسان خیلی گرفتار است - انسان - خداوند ما را از این گرفتاری ها نجات بدهد و خداوند ما را از شر خودمان نجات بدهد . ۳۶۴

انسان اگر خودش را ساخته باشد از انتقاد بدش نمی آید

شما امروز باید فکر این را بکنید که از یک چاه عمیقی این مردم شما را نجات دادند . شما حبس ها را دیدید و زجرها را چشیدید و الان هم آزادی را و شهد آزادی را دارید می چشید . برای شکر این نعمت ، شماها خدمتگزار باشید . برای شکر این نعمت همه با هم در یک راه باشید . این را من کرارا گفتم اگر همه انبیا جمع بشوند در تهران و بخواهند کار بکنند ، بخواهند دخالت در امور بکنند ، هیچ با هم اختلاف پیدا نمی کنند ، امکان ندارد ، برای چه ؟ برای اینکه آنها نفس خودشان را کشته بودند و مبداء خلاف ، نفس انسان است . مبداء همه خلاف هایی که پیدا می شود ، انسان خیال می کند که نه ، من برای مصلحت این کار را می کنم ، عمر خودش را انسان نمی فهمد ، وضع خودش را انسان نمی فهمد . شما اگر بخواهید مقایسه کنید ، شمایی که می گوئید که من

برای مصلحت مسلمین فلان کار را می‌کنم، شما فکر این را در خلوت بکنید که اگر یک کسی دیگر به جای شما بود و بهتر هم مصالح مسلمین را انجام می‌داد، شما باز همانطور بودید؟ می‌خواستید خودتان نباشید و او باشد؟ یا نه می‌خواهید که این مصلحت مسلمین به اصطلاحتان به دست شما انجام بگیرد؟ منم که این مصلحت را دارم ایجاد میکنم، این همان شیطان است، همان شیطانی که اغوا می‌کند آدم را، اکثر اغوائتاش این است که انسان را بازی می‌دهد و سوسه می‌کند در انسان، و سوسه‌های دامنه دار از همه طرف، و سوسه می‌کند که تو حالا صاحب قدرت هستی، تو حالا صاحب کذا هستی، دیگران چکاره اند؟ شما حالا وزیر هستید دیگران باید اطاعت بکنند، چشم بسته باید اطاعت بکنند، شما وکیل هستید دیگران باید از شما اطاعت بکنند و چشم بسته هم باشند. این، همه برای این است که انسان خودش را نساخته، اگر انسان خودش را ساخته بود، هیچ بدش نمی‌آمد که یک رعیتی هم به او انتقاد کند، اصلا بدش نمی‌آمد، از انتقاد بدش نمی‌آمد - این چرا انسان - اگر انتقاد دو انسان را فرض کنید یکی خودتان یکی دیگری، هر دو دارای یک صفت متوازی هستید، اگر یک کسی از آن رفیقتان تکذیب کند برای خاطر آن صفتش، شما خوشتان می‌آید برای اینکه آن را مقابل خودتان می‌دانید، از این جهت همان صفتی که در شما هست در دیگری اگر باشد و انتقاد بکنند، شما خوشتان می‌آید، او بدش می‌آید، او هم وقتی ببیند همان را در شما هست در دیگری اگر باشد و انتقاد بکنند، شما خوشتان می‌آید او بدش می‌آید، او هم وقتی ببیند همان را در شما عیبجوئی می‌کنند خوشش می‌آید. و اگر خودش، از خودش عیبجوئی کند، بدش می‌آید. اینها همه از حيله‌های شیطان است که شیطان، بزرگتر از همه شیطان حتی از این شیطان بزرگ معروف، این شیطان نفس اماره خود آدم است. ما که الان یک مملکت اسلامی به ما سپرده شده است یعنی این مردم با فریادهایشان سدها را شکستند و رای به همه شماها دادند و به وکلا و به عرض می‌کنم که به رئیس جمهور و بعد هم وکلای آنها به شما و اینها، این مردمی که با این زحمت رای به شما دادند و شما را بر سر مسند نشانند، حالا شما بخواهید سر مسند با هم اختلاف کنید، ببینید پیش خدا چه هست. یک دسته زحمت کشیدند و جوان هایشان را دادند و الان هم شما کردستان را می‌دانید چه جور هست و این پاسدارها در کردستان و این ارتشی‌ها در آنجا هر روز دارند جان می‌دهند، هر روز دارند خون می‌دهند، مردم آنجا دارند بمباران می‌شوند، دشمن‌های ما مشغول فعالیت زیاد هستند، در این حالی که همه جوانب بر ضد ما هست، همه قدرت‌های بزرگ و کوچک بر ضد ما هست و این ملتی که با این زحمت به دست شما این مملکت را داده است شما حالا بنشینید سر اینکه من چطور، شما چطور و همه اش هم از شیطان است هیچ شکی در این نکنید که هر که گفت من، این من، شیطان است. هر که گفت که باید به من اطاعت کنید، این شیطان است. ما بنشینیم سر این معنا که شما بگویید که من، آن هم بگوید من، آن هم بگوید من، این سر سفره شیطان بنشینیم و با هم تسابق بکنیم به اینکه آن طعمه شیطان را که خودخواهی است هی تقویت کنیم. شما ببینید که در بارگاه خدا این چه جور، چه صورتی دارد و در پیش ملت که بشنود یک همچو چیزهایی هست، ببیند یک همچو مسائلی طرح است. ۳۶۵

در برخورد با مسائل باید جهات مثبت را نگاه کرد نه جهات منفی را

البته در یک کشوری که تازه می‌خواهد احکام اسلام را پیاده کند و دارای چهل میلیون جمعیت و با آن وسعت است، نمی‌شود یکدفعه کارها درست بشود و هیچ خلافتی واقع نگردد، در زمان خود پیامبر و حضرت امیر هم خلاف واقع می‌شد. باید جهات مثبت را نگاه کرد، نه جهات منفی را و ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب سلام الله علیه هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواستند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همان‌ها هم که مخالف هستند حضرت صاحب را شهید می‌کنند و در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند. پس این طور نیست که خلاف فلان قاضی یا فلان فرماندار - و

اصولا بعضی جهات منفی - خطری باشد. در زمان حضرت امیر هم قاضی اش و فرماندارش خلاف می کردند، این اجتناب ناپذیر است. الان اسلام در دست ماست و روحانیون از همه بیشتر مسؤل و لیت دارند، زیرا مردم دنبال آنها حرکت می کنند. در این شرایط وقتی که شما مشکلات و فعالیت ها را روی هم حساب کنید، خواهید دید که در کنار این مشکلات و فعالیتها کسی تقصیر ندارد و نمی خواهد اسلام و احکام اسلام را از بین ببرد. گرفتاری زیاد است، گرفتاری جنگ، گرفتاری خرابیها، گرفتاری آوارگان از همه اطراف. و بالاخره کارهایی که در این مدت برای فقرا و مستضعفین انجام شده است قابل مقایسه با سابق نیست. البته شکی نیست که خلاف هم هست ولی این طور نیست که با این خلاف ها ما لطمه اساسی بینیم، بلکه از این که ما اختلاف داشته باشیم لطمه می بینیم. اگر بنا باشد دولت نتواند کاری انجام بدهد و مجلس نتواند کاری انجام بدهد، ما لطمه دیده و کارها زمین می ماند. این طور نیست که یکی بهتر از اینها پیدا بشود که بهتر بتواند اداره کند. هر کدام از اینها در جای خودشان آن قدری که زحمت کشیده اند، با اخلاص بوده است و آنها که مشغول کارند انسان های مخلصی هستند، البته ممکن است داخل آنها افراد بدی هم باشند. ۳۶۶ نباید بر سر برداشت ها دعوا بکنیم مسأله دیگر این که ممکن است برداشت های اشخاص با ما مخالف باشد و ما باب اجتهاد را نمی توانیم ببندیم، همیشه اجتهاد بوده، هست و خواهد بود و حال آن که مسائلی که امروز پیش آمده است با مسائل سابق خیلی فرق می کند و برداشت ها از احکام اسلام مختلف است. ما نباید بر سر برداشت ها دعوا بکنیم و حاصل این که شما جامعه مدرسین محترم، باید دنبال این باشید که اگر کسی نزد شما آمد و کارشکنی کرد، تحت تاثیر واقع نشوید و ملاحظه کنید که مشکلات چیست و اگر بخواهیم به حرف یک دسته که مثلا در مجلس هستند بگوییم این دولت نه، این رئیس مجلس یا این نخست وزیر یا این رئیس جمهور نه، چه خواهد شد؟ و اصولا ما افرادی را داریم که از عالم غیب بیایند و کارها را آن طوری که مطابق به این میل ماست، صددرصد انجام بدهند؟! این در تمام دنیا پیدا نمی شود و وضع ما جوری است که اگر بخواهیم آن را به هم زنییم صدمه می خوریم، یعنی جمهوری اسلامی صدمه می خورد. من عقیده ام بر این است که هیچ کدام از افرادی که آنها را می شناسم نمی خواهند کار خلافی انجام بدهند، منتها گاهی تشخیص ناقص است. و شما آقایان پشتیبانی و هدایت کنید، چرا که پشتیبانی شما مؤثر است و ما باید موارد مثبت را رو به اثبات بیشتر و موارد منفی را کم کنیم. اگر خدای نخواست بین جامعه مدرسین با دولت یا جامعه با مجلس یا مجلس با دولت اختلاف پیدا بشود، شکست می خوریم. اما اگر همه با هم باشیم، همان طور که تا به حال بوده ایم و شما در تبلیغات و وعاظ در مناظر و علما در مساجد مردم را دعوت به وحدت کنند، این جمهوری باقی می ماند و امور به تدریج درست می شود ولی این طور نیست که کسی قدرت داشته باشد و نکند. باید قدرت دولت و حجم کار آنها را ببینیم چقدر است و بسنجیم که اگر من جای او باشم چه می توانم بکنم، اگر نخست وزیر را برداریم، جناب عالی را نخست وزیر بکنیم چقدر می توانید کار بکنید؟ حساب کار را با حساب قدرت باید بسنجید و مسائل را باید دوستانه حل نمود. این نظری است که من از اول داشته و دارم و بعد از این هم خواهم داشت. بنابراین، امیدوارم همان طور که شما آقایان با انقلاب بوده اید، انقلاب را برپا کرده اید، همین طور به پیش بروید و نصیحت کنید. مسأله نصیحت یک مسأله است، انتقام گیری مسأله دیگر. برای مردم و دولت و مسؤل ولین و مجلس باید ناصح بود، نه مقابله کرد. زیرا اگر شما با من و من با شما مقابله کنیم، غیر از این که دیگران سوء استفاده کنند چیزی به دست نمی آید. ۳۶۷

قلمی که بر اساس حب و بغض باشد قلم شیطانی است

و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که موفق باشند همه و همه خدمت بکنند. شما همه در یک مملکت دارید زندگی می کنید. شما ملاحظه کنید انسان چقدر ضعیف است، اگر من یک قلمی دستم بگیرم و بخواهم مطلبی بنویسم برای کسی که خیلی دوستش دارم، ممکن نیست در این قلم یک لغزشی پیدا بشود که این ولو هزار تا عیب داشته باشد یکی از آنها را اشاره کنم، هیچ

ممکن نیست، برای این که این دوستی نمی گذارد. اگر چنانچه از آن ور من با یک کسی دشمنی داشته باشم، یک قلمی دست بگیرم بخواهم بنویسم، ممکن نیست که از محاسن او یک کلمه بنویسم. این قضیه، قلم شیطان است این، آن کسی قلمش قلم انسانی است، آنی است که از روی انصاف چیز بنویسد از روی انصاف صحبت کند، آن هم توجه کند که در یک وقتی که ما الان این طور گرفتاری ها را داریم، بعضی از اموری که از روی انصاف هم باشد نباید گفت، همان طوری که دیگران نمی کنند.

۳۶۸

۲۰- اعتراف به اشتباه

تحکم در مسؤ ولیت و عدم اعتراف به اشتباه از دیکتاتوری انسان است

شما که از الان می خواهید انشاءالله در نظام رو به توانائی بروید و رو به قدرت بروید این جهت را باید خیلی توجه کنید که آیا دارید وقتی که قدرت پیدا می کنید وقتی رئیس یک فوج می شوید، یک پادگان می شوید در خودتان توجه کنید که می خواهید هدایت کنید پرسنل خودتان را، یا می خواهید تحمیل کنید ولو باطل باشد. یک مطلبی را که می گوئید اگر چنانچه خطایش را فهمیدید حاضرید به اینکه بگوئید من خطا کردم، اشتباه کردم یا همان خطا را می خواهید تا آخر به پیش ببرید، از مفاسدی که دیکتاتوری دارد و دیکتاتور مبتلا- به آن هست این است که یک مطلبی را که القا می کند بعدش نمی تواند، قدرت ندارد بر خودش که این مطلبی که القاء کرده است اگر خلاف مصلحت است، اگر خلاف مصالح فرض کنید کشور خودش هم هست، خلاف مصلحت ارتش هم هست نمی تواند که از قولش برگردد، می گوید (گفتم و باید بشود) این بزرگترین دیکتاتوری هاست که انسان به آن مبتلا هست که چیزی که (گفتم باید بشود) ولو اینکه یک کشور به تباهی کشیده بشود. این دیکتاتوری هیتلر و امثال اینها از این قماش دیکتاتوری بود که وقتی مثلا مشاهده این معنا را می کند که خطا کرده است و نباید اینطور حمله را به مثلا شوروی بکنند این را اظهار نمی کند لکن عقیده اش این است که (باید این کار بشود)، (گفتم و باید بکنم)، و دیدید که این شخص که گفت و گفت (باید بشود)، آنطور به مذلت کشیده شد. شماها که انشاءالله بعدها یک چهره های فعالی برای این مملکت می شوید و یک چهره های اسلامی برای این مملکت می شوید، بدانید که این چیزهایی که در نفس خودتان هست این اوصافی که در نفس خودتان هست، اگر مهار نکنید، یک وقت از کار در می آید یک دیکتاتور، اینطور نباشد که آنقدر خودتان را ببینید که هر چه می گوئید همان درست است و آنقدر خودبین باشید که اگر نادرستی را فهمیدید هم حاضر به تسلیم نباشید. انسان کامل آن است که اگر فهمید که حرفش حق است با برهان اظهار کند و مطالبش را برهانی بفهماند. اینکه در قرآن کریم دارد که لا اکراه فی الدین برای اینکه تحمیل عقاید نمی شود کرد، امکان ندارد که همین طوری یک کسی تحمیل عقاید بکند این باید با یک توطئه هائی که، بد را به خورد دیگران به عنوان خوب جلوه بدهد، یا اینکه اگر انسان باشد و اگر چنانچه تربیت شده باشد با برهان آن مطلبی را که دارد به مردم بفهماند، تحمیل نباشد، آگاه کند مردم را بر اینکه راه این است، نه اینکه تحمیل کند به مردم که باید از این راه بروید. ۳۶۹

اعتراف به اشتباه، مسؤ ولین را در نظر مردم بزرگ می کند

شما توجه به این معنا داشته باشید که اگر چنانچه انشاءالله رئیس و فرماندار شدید، این خوی را که در انسان هست و این خوی را از خودتان زائل کنید و از الان توجه به این معنا داشته باشید که مبدا مبتلای به این خودخواهی عظیم باشید که منشاء دیکتاتوری و منشا همه مفاسد است و اگر یک چیزی را دیدید که واقعا خلاف کردید، اعتراف کنید و این اعتراف شما را در نظر ملت ها

بزرگ می کند نه اینکه اعتراف به خطا شما را کوچک می کند . پاییند بودن به خطا انسان را خیلی منحط می کند ، انسان یک حرفی زده است و خطا گفته است بعد که دید خطا گفته است اگر پاییند به این خطا باشد و دنبال این باشد که این خطای خودش را به کرسی بنشانند این همان دیکتاتوری بسیار فاسد است که ولو در صورت غیر دیکتاتوری باشد ، لکن دیکتاتوری است و این می رسد به آنجائی که انسان را هیتر از کار در می آورد ، رضاخان از کار در می آورد . شما که در مدارس نظام تحصیل می کنید باید این مسائل را ، این مطلب را توجه داشته باشید که مبدا تحصیلات شما همه اش برای این باشد که خودتان را یک برسانید به مقامی ، برای این باشد که آن مقام را وسیله برای رشد ملت ، برای استقلال ملت ، برای آزادی ملت ، برای حفظ حدود و ثغور ملت باشد نه اینکه مقصد این باشد که من برسم به فرماندهی و ملت هر چه می خواهد بشود . دیکتاتورها این صفت را دارند که می خواهند خودشان برسند به یک قدرت بزرگ ، ولو اینکه یک ملت تباه بشود ، ولو اینکه یک ارتش از بین برود . شما باید توجه کنید که این صفت دیکتاتوری در شما رشد نکند . انشاءالله از اول هم نباشد لکن اگر خدای نخواستہ یک وقتی بود ، رشد نکند که دیکتاتوری بدترین صفاتی است که انسان را منحط می کند از انسانیت و کشور را به تباهی می کشد . ۳۷۰

در صورت اشتباه از برگشت حکم خجالت نکشید

از طرف دیگر دستگاه قضائی و قضات محترم توجه داشته باشند که در حساس ترین مکان نظام خدمت می کنند ، خیلی سعی کنند تا حتی اشتباهی انجام ندهند . و در صورتی که متوجه اشتباه شدند به هیچ وجه از برگشت از حکم شان خجالت نکشند ، که خجالت در پیشگاه خداوند متعال بسیار سنگین تر از خجالت از مردم است . سعی کنند با کمال دقت و مهربانی و قاطعیت با تمام افراد مواجه گردند ، تا مردم از آنان راضی گردند که رضایت مردم رضایت خداوند را به دنبال دارد . ۳۷۱

اگر در مسأله ای اشتباه کردید صریحا بگویند اشتباه کردیم

آنچه مهم است این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم . پس اگر قبلا اشتباه کرده باشیم باید صریحا بگوئیم اشتباه نموده ایم و عدول در بین فقها از فتوائی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد . وقتی فقیهی از فتوای خود برمی گردد یعنی من در این مسأله اشتباه نموده ام و به اشتباهم اقرار می کنم . فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضائی هم باید اینطور باشند که اگر در مسأله ای اشتباه کردند . صریحا بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند ، ما که معصوم نیستیم پیش از انقلاب من خیال می کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند ، لذا بارها گفتم روحانیون می روند کارهای خودشان را انجام می دهند بعد دیدم خیر ، اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده ام درست نبوده است ، آمدم صریحا اعلام کردم . من اشتباه کرده ام . این برای این است که ما می خواهیم اسلام را پیاده کنیم پس در این رابطه ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را ، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده ام باید روی همان حرف باقی بمانم امروز می گویم مادام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند ، علما باید مشغول به کارهایشان باشند این شائنی برای علما نیست که ریاست جمهوری و یا پست دیگری را داشته باشند چون وظیفه است به این کارها می پردازند . خلاصه یک چیز را نباید فراموش کنیم که همه می خواهیم اسلام پیاده شود . ۳۷۲

به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید

شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم الشان می دانید و بحمدالله هستید ، خود را جز خدمتگزار به ملت های ستمدیده

ندانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما با چهره های صددرد صد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواستہ فاجعه ببار آورند و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند . الله الله در انتخاب اصحاب خود ، الله الله در تعجیل تصمیم گیری خصوصا در امور مهمه و باید بدانید و می دانید که انسان از اشتباه و خطا مامون نیست . به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید . که آن کمال انسانی است و توجیه و پافشاری در امر خطا ، نقص و از شیطان است . در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید . ۳۷۳

۲۱- دقت عمل در رفتار خود و افراد تحت امر و رسیدگی به امر متخلفین

اشاره

فساد را از سرچشمه جلوگیری کنیم شما ای رئیس جمهور محترم و دیگر متصدیان امور کشور ! می دانید که قدرتمندان شرق و غرب خصوصا امریکای بازیگر ، مارهای زخم برداشته از جمهوری اسلامی هستند که از اول انقلاب به هر حيله ممکن دست زدند ، از حمله نظامی گرفته تا طرح کودتا ، و از ترور شخصیت ها تا به آتش کشیدن مزرعه ها و مغازه ها ، و از انفجارات کور در کوچه ها و خیابان ها تا دزدی و تجاوز . و از همه بدتر و بالاتر تبلیغات دامنه دار از اول انقلاب تا امروز است ، که برای تضعیف روحیه ملت مقاوم و رزمندگان عزیز به هر نوع دروغ و تهمت متشبه شدند ، ولی بحمدالله نه تنها هیچ یک از تیرهای آنان به هدف نرسید ، که نتیجه معکوس داد . اکنون از چنین مارهای زخم خورده ای نباید غافل بود . چه بسا ، با نفوذ عمال سرسپرده داخلی در ارگان های دولتی و مقامات موثر ، به تدریج قدم به قدم کار خود را انجام دهند و انسان مستقیم را منحرف کنند و متعهدان را وابسته نمایند . غفلت از این امر ، فاجعه انگیز است و همه مقامات ، خصوصا مقامات بالا چون روسای قوای سه گانه ، بیشتر مورد نظر و هدف هستند ، زیرا انحراف آنان خدای نخواستہ ممکن است انحراف رژیم را در پی داشته باشد . همه ما و شما باید بدانیم که شیطان خارج و داخل و نفس اماره به تدریج انسان را از خلاف های کوچک به بزرگ و بزرگتر می کشاند که یک وقت از کفر سر در می آورد . پس خلاف کوچک را بزرگ شمارید و شماریم ، و فساد را از سرچشمه جلوگیری . از خداوند متعال مدد می خواهیم که همه ما را حفظ نماید ، خصوصا از شیطان نفس که مادر (بت) هاست . ۳۷۴

از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود

من راجع به کل مجلس مکرر عرض کرده و حالا هم عرض می کنم که مجلس ما باید با مجلس های سابق فرق داشته باشد ، البته فرق هم دارد ، اما هر امری کم کم به انحراف کشیده می شود و چنین نیست که یکدفعه انحراف واقع شود . در خود انسان نیز چنین است که شیطان و نفس اماره به تدریج از عمل به مکروهات و بعد از آن به صغائر و از آنجا به بالاتر انسان را منحرف می کنند . در مجلس سابق دوره اولش بهتر بود ، لکن در هر سال چیزی به آن اضافه و یا از آن کم شد تا رسید به آنجا که مجالس اخیر را دیدیم شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود . البته باید عاقلانه باشد که مسأله حادی پیش نیاید . ۳۷۵

لزوم مراقبت از خود و دیگران

باید خودتان مراقبت خودتان را بکنید و وادار کنید کسانی از شما مراقبت کنند و چه بسا باشد که این سپاه پاسداران و این سران

فرماندهان سپاه پاسداران با همه جدیتی که می‌کنند برای اینکه به اسلام خدمت بکنند، در باطن قلبشان غیر خود آگاه از این خصیصه‌های شیطانی باشد که یک وقت ببیند که کارهایی که کرده‌اند، دست شیطان در آن بوده است باید همیشه انسان مراقب خودش باشد می‌خواهد نماز بخواند، مراقبت کند از نمازش که مبادا دست او در این کار باشد، دست نفس اماره در کار باشد بخواهد پاسداری بکند، متوجه باشد که مبادا دست او در کار باشد و او را به کاری وادار کند که خودش تباہ بشود و جمهوری اسلامی را هم چهره‌اش را یک‌طور دیگر نمایش بدهد شمایهایی که دست اندرکار هستید در این جمهوری اسلامی، چه آن آقایان سفرا و کاردارهایی که در خارج می‌روند و خارج بیشتر توقع هست و چه شما سپاه پاسداران و سایر قوای نظامی و انتظامی که در داخل خدمت می‌کنید و چه وکلای محترم که در مجلس خدمت می‌کنند و چه همه، قوه قضائیه، قوه اجرائیه، همه باید از خودشان مراقبت کنند. ۳۷۶

تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته‌اند

شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم‌الشان می‌دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت‌های ستم‌دیده ندانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته‌اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما با چهره‌های صددرصد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواستہ فاجعه بیار آورند و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله الله در انتخاب اصحاب خود، الله الله در تعجیل تصمیم‌گیری خصوصاً در امور مهمه و باید بدانید و می‌دانید که انسان از اشتباه و خطا مامون نیست به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید. که آن کمال انسانی است و توجیه و پافشاری در امر خطا، نقص و از شیطان است در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید. ۳۷۷

خطر انحراف و نفوذ منحرفین

آن چیزی که من به نوع قشرهایی که ملاقات کرده‌ام سفارش کرده‌ام و امروز به شما جوان‌های عزیز سفارش می‌کنم و تاکید می‌کنم این است که انجمن‌های اسلامی باید توجه کنند که در بین این انجمن‌ها از این منحرفین نفوذ نکنند شما مطمئن باشید که این منحرفین و منافقین و آنهایی که دستشان از این کشور کوتاه شده است با هر حيله‌ای که شده است می‌خواهند در همه جای کشور خصوصاً در دانشگاه که مرکز علم و مرکز همه جهات کمالی انسانی است، می‌خواهند نفوذ کنند و چه بسا اشخاصی با ظاهر بسیار صالح و در حضور شماها بیشتر از شماها قید و بند اسلام و فریاد (وا اسلاما) می‌زند، خدای ناخواسته از منحرفین باشد آنها همانطوری که شیطان با هر صورتی درمی‌آید و با هر حيله‌ای انسان را منحرف می‌کند، اینها هم شیاطین انسی هستند که به هر صورتی و به هر شکلی درمی‌آیند و ممکن است که در بین شما خدای نخواستہ یک نفوذی بکنند و اگر خدای نخواستہ یک همچو نفوذی بشود، بدانید که انحراف در پیش است گرچه به کوتاه مدت نشود، در دراز مدت انحراف خواهد شد. و لهذا باید سعی خودتان را، کوشش خودتان را در انتخاب افراد برای این انجمن‌ها بکنید و دقت کنید که افراد، افرادی باشند که سابقه آنها و قبل از انقلاب آنها و در انقلاب درست معلوم باشد و با شناخت کامل در این انجمن‌ها راه داده بشوند. این انجمن‌ها فعالیت‌شان بسیار ارزش دارد، لکن یک همچو مسؤ‌ولیت‌هایی دارند که مسؤ‌ولیت‌شان هم بزرگ است چنانچه مسؤ‌ولیت توجه به همه جهات دانشگاه و نظارت به همه جهات دانشگاه راجع به اینکه انحرافی واقع نشود، استاد منحرفی خدای نخواستہ وارد نشود و متصدیان امور خدای ناخواسته منحرف نباشند، این هم از امور مهمی است که باید بسیار رویش دقت بشود، لکن توجه به این معنا که برای هر امر جزئی نباید شما به عنوان اینکه حزب الله هستید، برای یک امر جزئی افرادی که صالح هستند ولو سابق یک خطائی

یا یک کاری که الزامی بوده است کردند، نباید کنار بگذارید باید هر چه بکنید جاذبه داشته باشید و اشخاصی که اینها در حال حاضر خوب کار می‌کنند و مفید هستند، در دانشگاه‌ها باشند و تعلیم و تربیت را بکنند با نظارتی که همه دانشجویان در امور دارند. ۳۷۸

در فکر اصلاح مراکز کاری خود باشید

شما هم همه تان، هر فردی در هر مقامی که هست، ملاحظه کنید آن محلی که هست، آن همان مثل خانه خودتان، اول داخل همان استانداری چه جوری است، آنها را تصفیه کنید بعد جاهای دیگر که تحت نظارت شماست، مثل فرماندارها و اینها که هستند، اینها را شما باید وادار کنید به اینکه درست بکنند و مسائلی هم که در فرض کنید در وزارتخانه‌ها می‌گذرد، آقای کنی در وزارت کشور هستند. ایشان آن وزارتخانه را ببیند که چه جور می‌شود اصلاحش بکنند و یک کسی هم که در وزارتخانه دیگری است، باز او هم دنبال آن بگردد و اصلاح بکند. اگر هر کسی که در هر محلی است همان محل را اصلاح بکند، مملکت عبارت از همین جامعه است، اگر این جامعه هر کدام در هر محلی که هستند درصدد این باشند که اصلاح بکنند کار را و همان محلی که خودشان هستند اصلاح بکنند، جامعه اصلاح می‌شود. ۳۷۹ وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می‌کنند و این به این است که همه وزارتخانه‌ها، هر کسی که متصدی یک وزارتخانه است، وزارتخانه خودش را بنابراین بگذارد که اصلاح کند به نفع مردم، به جوری که مردم وقتی که در آن وزارتخانه وارد می‌شوند با رضایت خاطر، با اطمینان خاطر بیرون بیایند. اگر این طور بشود، بلا اشکال مردم حاضرند. مردم، مردم خوبی هستند. ما از مردم تشکر باید بکنیم، ما همه مرهون آنها هستیم. عمده این است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل بکنیم و باید ما از مرحله لفظ و شعار بیرون برویم و به مرحله عمل برسیم یعنی هر وزیری در وزارتخانه خودش واقعا بین خودش و خدا، خودش را موظف بداند به این که آن پرسنل آن جا را، هر کس در تحت نظر او هست، آنها را بسیج کند به این که با مردم رفتار خوب بکنند و با مردم رفتار سالم داشته باشند. ۳۸۰

برای رسیدگی به شکایات برنامه داشته باشید

مسئله دیگری که عرض می‌کنم این است که آقایانی که الان رای اعتماد گرفتند از مجلس و احساس می‌کنند که مسؤ ولیتشان زیادتر شده است برای این که خوب رای دادند - این - رای بالایی مجلس داد و من باید از مجلس تشکر کنم راجع به این، اینها باید حالا فکر این معنا باشند که مردم را داشته باشند و یکی از راه‌های این است که وزارتخانه‌ها و ادارات یک جوری باشد که نارضایی ایجاد نکند. به نظر می‌آید که اگر چنانچه در هر وزارتخانه‌ای از طرف - یا آقای رئیس‌جمهور یا فرض کنید که آقای نخست‌وزیر - یک چند، دوسه نفری باشند برای این معنا که اگر چنانچه در آن اداره، در آن وزارتخانه از خود اهالی وزارتخانه شکایت داشتند، به اینها بگویند. این اصل نفس این کار موثر است در این که در وزارتخانه‌ها اگر بنا باشد یک کاری انجام بشود، برخلاف نشود. شما می‌دانید که ما وارث - یک کسی هستیم - یک رژیم هستیم، که سرتاپای اداراتش، الای یک عده‌ای، دنبال این بودند که منافع خودشان را حفظ کنند و دنبال این بودند چه بکنند. از آنها، هستند الان در جمهوری اسلامی، نمی‌توانیم بگویم نیستند، همه جا هستند و ممکن است که اینهایی که هستند بخواهند مردم را ناراضی کنند. اصل خطش این باشد که مردم را ناراضی کنند، چه، بهتر این است که مردم را در ادارات ناراضی کنند. اصل خطش این باشد که مردم را ناراضی کنند، چه بهتر این است که مردم را در ادارات ناراضی کنند فرض کنید یک نفر برود در یک اداره‌ای، این جا کارش را خوب انجام ندهند، این به او مراجعه کند، آن به او مراجعه کند. من نمی‌گویم که هست این جور، لکن متوجه باشید که مبادا یک همچو

مسائلی واقع بشود. و بهتر این است که یک همچو عملی انجام بگیرد که مردم هم توجه به این داشته باشند که یک مرجعی دارند که اگر در اداره یک کسی - یک ضد انقلابی - بود، خواست یک فضولی ای بکند، یک مرجعی دارند که به آن مرجع بروند مراجعه کنند. و هم، خود این عمل فی نفسه موثر در این است که جلوگیری کند از بعضی از امور. و بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی، جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می خواهد. این مردمنده که این جمهوری را به این جا رساندند و این مردمنده که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر، و این شما آقایان هستید که مردم را می توانید؛ وزارتخانه هایتان می تواند، اداراتتان می تواند راضی نگه دارد و می تواند - خدای نخواستہ - اشخاصی در آن باشند که ناراضی باشند. و این را با قاطعیت عمل کنید. التزام شما ندارید که هر کس از سابق در این اداره بوده، حالا اگر چنانچه ضد انقلاب هم باشد، باید باشد. این را بیرونش کنید برود سراغ کارش، اگر یک کسی است می خواهد ضد انقلاب باشد، اما اگر کسانی هستند که از روی نادانی - از - چی خوب ارشادشان کنید، توجه شان کنید که کارها را انجام بدهند و مردم را ناراضی نکنند. ۳۸۱

مسئله پاکسازی و بازسازی یک امر ضروری است

البته مسأله پاکسازی و بازسازی وزارتخانه ها و ادارات یک امر ضروری بوده است، برای اینکه در رژیم سابق، اشخاص بسیاری در این وزارتخانه ها، در این ادارات بودند که آنها لیاقت این مسائل را نداشتند و شاید بسیاری از آنها ضد انقلاب بودند و پس از پیروزی انقلاب ضروری بود که یک همچو هیات هائی باشند و شناسائی کنند اشخاصی که مفسد هستند، اشخاصی که مضر هستند به جمهوری اسلامی، اشخاصی که می خواهند نارضایتی در بین مردم ایجاد کنند، آنها را باید پاکسازی می کردند، لکن نکته ای که من باید عرض کنم به آقایان و این امری است که بر عموم افرادی که در این کشور مشغول خدمت هستند، برای آنها هم هست این است که اصل این مسائل، هم ضروری است که باید باشد و هم با نبودنش فاجعه درست می شود، لکن در کیفیت این امر و مواردی که باید این کار بشود و افرادی که باید اینطور کارها را انجام بدهند، در آنها باید خیلی دقت بشود اول راجع به افرادی که انتخاب می شوند برای این پاکسازی ها، بازسازی ها یا در انجمن های اسلامی که تشکیل شده است، در همه جا هست و خدمت هم زیاد می کنند، اول امر و مهمتر از همه این است که افرادی که انتخاب می کنند، سوابقشان را، کارهائی که در آن رژیم متصدی بودند و کارهائی که بعد از شکست رژیم انجام دادند، اینها باید بررسی بشود شما می دانید که امروز در هر جائی که یک خدمتگزاری است، یک عده ای بخواهند خدمت کنند، اشخاص مفسد، منافق و منحرف با حيله هائی خودشان را وارد می کنند چه بسا آنهائی که وارد می شوند و می خواهند که بر خلاف آن چیزی که اسلام اقتضا می کند، عمل بکنند و مردم را ناراضی کنند، چه بسا از اشخاص سالم دیگر خودشان را جنداللهی و طرفدار جمهوری اسلامی معرفی کنند. ۳۸۲

افراد ناصالح را باید کنار زد

از مهمات مسأله این است که اولاً اسلامی بشود همه چیز و ظواهر اسلام باید در آنجا حکمفرما باشد. اینکه بعضی ها عقیده دارند که حالا ظواهر را کار نداشته باشیم و برویم سراغ مکتب، اینها برخلاف اسلام است. آن چیزی که هست این است که باید ظواهر در این پادگان های ارتشی و در آن مراکزی که شما هستید و پاسدارها هستند ظواهر باید محفوظ باشد، یعنی امروز که ماه مبارک رمضان است همه اینها روزه دار باشند، آنهائی که واجب است برایشان روزه بگیرند، روزه دار باشند، نماز بخوانند در آنجا و کارهای منکر در آنجا به هیچ وجه نباشد ضوابط اسلام باید محفوظ باشد جمهوری اسلامی معنایش این است و الا اگر یک جمهوری باشد، اسمش جمهوری اسلامی باشد لکن وقتی که برویم در ژاندارمری بینیم از اسلام خبری نباشد، در سپاه پاسداران بیائیم مثلاً از آن خبری نباشد، ارتش برویم خبری، ادارات خبری نباشد، این جمهوری اسلامی نیست، این یک لفظ غلطی است

که گذاشتند روی، روی جمعیتی که و روی مملکتی که دارد همان به طور طاغوت اداره می شود. ما باید این محتواها را با جدیت اصلاح بکنیم. افراد ناصالح را اگر چنانچه واقعا برخلاف مکتب هستند، از اول باید کنارشان زد و اگر چنانچه یک وقت خدای نخواستہ خیانتی هم کردند، باید به دادگاه سپردشان و افرادی که مکتبی هستند یعنی فکرشان فکر اسلام است لکن عملشان برخلاف است، اینها را باید هدایت کرد اگر هدایت شدند که شدند، اگر هدایت نشدند، بعد از چندی که دیدید فایده ندارد کنارشان بگذارید، تصفیه شان بکنید. ۳۸۳

رسیدگی به امور متصدیان امور با بیطرفی و بدون مسامحه انجام شود

رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان ها و دادگاهها با سرعت و دقت عمل شود تا امور شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیهای جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می شوند اشخاص مفید و موثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزش هائی که در رژیم سابق داشته اند مگر آنکه با قرآن صحیح معلوم شود که فعلا نیز کارشکن و مفسدند. ۳۸۴

رسیدگی به امور متخلفین باید با کمال جدیت و قاطعیت عمل شود

من باید به آقایان عرض کنم که شما در این کاری که دارید انجام می دهید که رسیدگی به امر متخلفین هست، چه در سطح دادستان ها و قضات و اینها و چه در سطح ادارات و وزارتخانه ها و اینها، یک امری است که الزام شرعی الان دارد و با کمال جدیت و قاطعیت این باید عمل بشود و ما نمی توانیم ببینیم که یک کشوری ادعای این بکند که ما جمهوری اسلامی هستیم و قاضی که - باید - آنقدر در شرع به او اهتمام شده است، آنوقت قاضی، یک شهر را به آتش بکشد و سکوت بکنیم. یا فرض کنید یک دادستانی در یک جائی کارهای خلاف شرع بین می کرده است، باز هم باید ما بنشینیم و سکوت بکنیم از حالا به بعد اصلا سکوت معنا ندارد. باید آقایان به طور جدی محکمه ای تشکیل بدهند برای رسیدگی به امر متخلفین، قضات متخلف و کسان دیگری که در هر جا هستند و متخلفند و متخلفین را بعد از اینکه معلوم شد که این آدم تخلف کرده و خلاف کرده است، باید آنهایی که مسؤول هستند فوراً و غایت الامر در ظرف سه روز به جای آنها کسی را بگذارند و اگر آنها مسامحه در این امر کردند بی عذر، بخواهند این کار را نکنند، خود شما، خود آقایانی که، این هیاتی که برای این رسیدگی است و چیز هستند، مجاز هستند که تعیین کنند، مستقلاً خودشان تعیین کنند و مسامحه در هیچ امری ابداً نباید بشود، چنانچه از آن طرف هم باید با کمال توجه به اطراف قضیه که کسی یک وقت خدای نخواستہ مظلوم واقع نشود لکن ما باید این بار ظلم را که الان در سرتاسر کشور گاهی می شود به اشخاص، این بار را دیگر باید سبک کنیم و از بین ببریم و - اگر چنانچه - من الان اعلام می کنم اگر چنانچه اشخاص به واسطه اغراض فاسده بخواهند جوسازی کنند و بخواهند تلفن از این طرف و آن طرف بکنند و این مطلب معلوم بشود، خود آنها برخلاف موازین شرعی و مقابل اسلام می خواهند کار بکنند و من به ملت اعلام می کنم که هر کس که این کار را کرد، با او معامله فسق بکنند و در هیچ جائی از جاهائی که یک آدم عادل باید باشد، او را نپذیرند و اطلاع بدهند تا تادیب بشوند آنها. یک کاری که اسلام می خواهد بکند، یک کاری که برای مردم، می خواهد ظلم را از مردم بردارند، آنوقت یک کسی بگوید ما جوسازی می کنیم، یک کسی بگوید که ما این کار را نمی کنیم، نباید بشود. این معنایش این است که کار اسلام نباید بشود و این اقلش این است که اعلا- مرتبه فسق است و باید تعزیر بشود و بالا-ترش این است ممکن است یک وقت چیزهای دیگر بشود و کسی حق ندارد در سرتاسر کشور، هیچ قاضی شرعی حق ندارد که بدون جهت استعفا کند و بخواهد

جوسازی کند اگر جوسازی کند، معلوم می‌شود که خودش زیر سوال است و باید خودش احضار بشود. و اگر چنانچه واقعا خودش را لایق نمی‌داند، باید اعتراف کند که من لایق نیستم و نمی‌خواهم بکنم و بعد از اینکه او را کنار گذاشتند، بلافاصله بعد از حداکثر سه روز، به جای او باید قاضی و دادستان و اینطور چیزها تعیین بشود. ۳۸۵

در رسیدگی به امر متخلفین نه مسامحه جایز است نه زیاده روی

در هر صورت، شما کاری را که دارید انجام می‌دهید و این هیاتی که برای این مسأله درست شده است و کاری می‌خواهند انجام بدهند، بر آنها مسامحه جایز نیست و همانطوری که زیاده روی هم انشاءالله نمی‌کنند و آن هم جایز نیست. هر دو طرف قضیه است و مسأله، مسأله مسامحه و شوخی نیست. اگر یک جائی مسامحه ما از کسی دیدیم، ما از او بازخواست خواهیم کرد و اگر یک مقامی، هر کس باشد، بخواهد جوسازی بکند، بخواهد تخلف از این مسائل بکند، این تخلف از احکام اسلام است و اگر مقامی است که - باید - حیثیت عدالت در او معتبر است، خودش منعزل هست فی نفسه و اگر این در آن مقام هم حیثیت عدالت معتبر نیست باید دستگاه‌ها و دست‌اندرکارها او را کنار بگذارند و اگر نگذاشتند، این هیات باز مجازند که آنها را به جای آنها قرار بدهند. در هر صورت مسأله، مسأله مهم است و مسأله، مسأله آبروی اسلام است، آبروی جمهوری اسلامی است و مسأله شوخی نیست که یک کسی در یک شهری آنهمه جنایات می‌کند آنوقت یک کس دیگری برای خاطر او کمک کند به او، معین ظلمه باشد. نباید این کارها بشود خودشان دست بردارند از این کارها، و الا مورد تادیب واقع خواهند شد. انشاءالله من دعا می‌کنم که موفقیت برای شما حاصل بشود و کارها را با جدیت، هیات‌های محل و ثوق قرار بدهید و دادگاهی که مورد توجه است و دادگاه صحیح است، تشکیل بدهید، یا دادگاه‌هایی در اطراف تشکیل بدهید که این مسائل را حل بکنند و رسیدگی بکنند و بعد از اینکه یک کسی شاکی دارد، او را بخواهند (هر کس می‌خواهد باشد) اگر شکایتی دارد و دیدند یک شکایتی است روی اساس صحیح، باید او را بخواهند و محاکمه کنند، اگر چنانچه بیگناه بودند، خوب، بروند سراغ کارشان و اگر بیگناه نبودند، آنوقت باید به مجازات خودشان به حسب موازین شرعی از تعزیر و از حد و از قصاص و از اینها، چون بعضی از اینها قصاص دارند باید مردم قصاص کنند از آنها و بعضی از اینها تعزیر شرع (اکثر اینها تعزیر شرعی دارد) و باید تعزیر بشوند، این اشخاصی که مرتکب شدند و ابدا تخلف از این امر نخواهد شد هر کس هر جوسازی بکند به ضرر خودش است و او را در بین مردم، ما اعلام می‌کنیم اگر کسی بخواهد یک جوسازی بکند که اسلام کار خودش را عمل نکند، این بدتر از آن کاری است که منافقین دارند می‌کنند، برای اینکه آنها جوسازی اسلامی نمی‌کنند، شما می‌خواهید جوسازی برخلاف قوانین اسلام بکنید و شما هم جزء آنها واقع می‌شوید. ۳۸۶

در رسیدگی به امر دیگران باید دقت عمل داشت

شما آقایان توجه داشته باشید که همه در محضر خدا هستید و انسان همواره باید اینگونه تلقی کند که خدا ناظر اعمال و رفتار اوست. در جمهوری اسلامی غیر از گروهک‌هایی که می‌خواهند به اسلام و مسلمین ضرر و زیان بزنند نباید دنبال عیب دیگران رفت باید آبروی مردم را حفظ کنید و در هر مسأله‌ای که پیش می‌آید ببینید خدا چه می‌گوید که همان را انجام دهید. در مورد هیات‌های گزینشی که قبلا بوده‌اند، من نسبت به صلاحی آنها جسارتی نمی‌کنم و چون از باب اینکه احتمال آن می‌رفت که عده‌ای در میان آنها نفوذ کرده باشند، صلاح بود که آنها را منحل اعلام کنم تا دوباره با ترتیب بهتری بوجود آیند بعضی از مسائل گزینش بسیار بد بوده است و احتمال می‌رفت که افراد فاسدی بخواهند ما را از بین ببرند چون مسائلی از این قبیل که شماره شناسنامه فلانی چند است یا فلان کس در کجا شهید شده جزء مسائل اسلامی نیست و در کشور اسلامی عنوان اینگونه مطالب به

نام مکتب، خجالت آور است که اینها ملاک گزینش و اسلامی بودن افراد گردد و ما جوانانی که به درد اسلام می‌خورند را از کارها بیرون بریزیم و من نگرانیم از این بود که ما نشسته باشیم و در پیش ما کتاب‌ها و جزواتی به اسم اسلام منتشر شود که ربطی به اسلام ندارند و عده‌ای هم بگویند که اگر اینها عیب داشتند، جواب آنها را می‌دادند، پس مورد قبول هستند که در مقابل آنها ساکتند. برنامه دشمنان ما این است که کشور ما را از داخل خراب کنند و با این تحولی که امروز در جوان‌ها پیدا شده است و همه مردم در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها مشغول خدمت هستند ما دیگر هیچ عذری برای خدمت و جذب آنها نداریم و همه ما باید سعی کنیم که یک دست باشیم بر علیه دشمنان اسلام و مسلمین و به تکلیف الهی خودمان عمل کنیم. ۳۸۷

همه باید خلافکار را مؤاخذه کنید

امروز اسلام به شما محتاج است، قرآن کریم محتاج به شماست، خودتان را اصلاح کنید. شما هم خودتان را اصلاح کنید، این طبقه هم خودش را اصلاح کند. اگر هر کس یک جایی فرض کنید یک صورت روحانی به خودش داد و چهار تا از این تفنگدارها را دور خودش جمع کرد و شروع کرد خلاف آن چیزی که وظیفه روحانی است عمل بکند، اسلام را باد داده، امروز نمی‌گویند زید این کار را کرده می‌گویند جمهوری اسلامی این است، منعکس می‌کنند این جمهوری اسلامی است. وظیفه سنگین، مسؤولیت سنگین و همه تان مسؤول خواهید بود. اگر یکی تان یک کاری بکند دیگری ساکت باشد او هم مسؤول است. اگر یکی یک خلاف کرد، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا. لازم نیست که کتک کاری بکنید، مواخذه کنید. اگر یک نفر خلاف کرد، ۲۰ نفر از شماها رفت گفت نکن این کار صحیح نیست، تحت تاثیر واقع می‌شود. اگر یک معمم، یک صورت معمم، یک کار خلاف کرد، از اطراف، معممین هجوم به آن آوردند که چرا این کار را می‌کند، دیگر اگر من دخالتی کردم همه تان هجوم آوردید که چرا این کار را می‌کنی من سر جایم می‌نشینم. همه تان مسؤولید همه مان مسؤولیم، امروز مسؤولیت بزرگ است برای ما. ۳۸۸

هوشیاری در مقابل خلافت‌کاری‌های عوامل نفوذی و جلوگیری از آنان

و این را باید توجه بکنند آقایان که در بین این ارگان‌هایی که هست مثل، سپاه پاسداران، مثل ارتش، مثل کمیته‌ها، مثل دادگاه‌ها و همه این جاهائی که بعد از انقلاب به عنوان یک گروهی پیدا شده است شیاطین نشسته اند که اینها خالص باشند، در بین شان افرادی نفوذ کرده اند و به واسطه آن نفوذ، کارهایی در آنجا می‌دهند، برای اینکه روحانین را و همین طور پاسدارها را و همین طور کسان دیگر را یا به جان هم بریزند و یا منزوی کنند. الان روزی شاید بیشتر از ۱۰۰ تا گاهی ۳۰۰ تا گاهی ۲۰۰ تا نامه برای من می‌رسد، با اینکه من کاره‌ای نیستم و در آن شکایت می‌کنند، شکایات از همه این ارگان‌هایی که هست. من نمی‌خواهم بگویم شکایات همه صحیح است، بسیاری هم نامربوط زیاد در آن هست، لکن باید این مطلب که یک توطئه‌ای هست برای شکایت درست کردن، این توطئه از شوهرهای تاکسی‌ها و اتومبیل‌های دیگر، اتوبوس و اینها شروع می‌شود تا هر جائی که یک جمعیتی با هم مجتمع هستند، در بین اینها افرادی هستند که اینها مامورند برای اینکه شایعه درست کنند و پراکنده کنند. می‌گویند در تاکسی‌ها تا می‌نشینیم یک کسی شروع می‌کند یک حرفی از، مثلاً از یک عالم یا علما یا از یک کمیسیون یا از مجلس شورا یا از کذا. الان همه اینهایی که اشتغال به یک کاری دارند، چه دادگاه‌هایی که به قضاوت و به رسیدگی به امور قضائی مشغول هستند و چه این هیات‌هایی که برای اینکه زمین‌ها را مثلاً، آن زمین‌هایی که مشروع است تقسیم کنند و چه جهاد سازندگی و جهاد دیگر و گروه‌هایی که هستند، اینها در بین شان یک افرادی نفوذ کرده است که این افراد یک کاری انجام می‌دهند و دستجاتی که مربوط به همین افراد هستند آن را دامن می‌زنند و بزرگش می‌کنند و شما یک وقت چشمتان را باز می‌کنید که همه

این ارگان های دولتی و اسلامی از مجلس گرفته تا دادگاه ها و تا همه جا به واسطه تبلیغات اینها مشوه می شود روحشان ، یعنی جمهوری اسلامی که عبارت از این چیزهایی است که حکومت است و مجلس است و سایر ارگان ها ، این را می خواهند مشوهش کنند و به دنیا بفهمانند که این هم همان رژیم شاهنشاهی است ، این هم مثل همان رژیم است ، همه چیزش مثل همان رژیم است . می آیند می گویند که زمین های مردم و باغات مردم را غصب می کنند و هیچ جا هیچ کس هم دخالت در این امر نمی کند ، می گویند این گروه های هفت نفری که گفته شده به آنها ، اعلام کردند بر آنها ، دولت هم اعلام کرده است که باید در آن چیزهایی که غیر مشروع است دخالت نکنند آنها دخالت می کنند و هیچ اعتنا به این مسائل نمی کنند . می گویند مصادره اموال مردم ، بیجا مصادره می شود اموال مردم بدون اینکه جهت شرعی داشته باشد . شما باید توجه داشته باشید و من از ائمه جمعه در همه بلاد می خواهم و علمائی که هم در آن بلاد هستند همراهی کنند و گروه هائی را تعیین کنند برای رسیدگی به این امور ، رسیدگی به حال این افرادی که می خواهند آشوب درست کنند ، رسیدگی به حال دادگاه ها و احکامی که از دادگاه ها صادر می شود . چه بسا اشخاصی هستند که اطلاع قضائی ندارند و خودشان را به طور قاچاق وارد کردند در قضا . قضا شرط دارد و باید نصب بشود از طرف علمایی که بزرگ هستند ، اینطور نیست که هر کس هر جا برود قضا را متکفل بشود و حکم بدهد و حکم قتل بدهد و حکم چه بدهد . ۳۸۹

به شکایات مردم رسیدگی کنید

اینها باید شما آقایانی که در بلاد هستید ، خودتان رسیدگی کنید افرادی که از این جناح های منحرف وارد شدند در این ارگان ها ، در قضا ، در تقسیم اراضی ، در جهاد سازندگی ، در همه اینها ، افرادی را متعهد ، مطلع ، بیطرف ، این افراد را تعیین کنید تا اینکه اینها بروند رسیدگی بکنند و به شما گزارش بدهند و در صدد تصحیحش برآید . اگر ما بنشینیم اینجا ، هر چه می شود در هر جا ، هر کس هر کاری می خواهد بکند ما اعتنا به آن نکنیم ، این فاجعه به بار می آورد بعدها . باید شما خودتان بنشینید این کار را بکنید . این یک چیزی است که می خواهند تمام آن چیزهایی که فاسد است به گردن روحانیون و به گردن دولت اسلامی بیندازند و روحانیون و دولت و مجلس و همه اینها را از نظر مردم بیندازند و مشوه کنند . شما باید بیدار باشید ، جلوگیری کنید از این معنا . اگر من ، من که یک پیرمردی هستم از من نمی آید این کارها ، شما آقایان الحمدلله هم جوان هستید و هم توجه دارید به مسائل ، خودتان یک گروه هائی را درست کنید در همه جای مملکت ، یک گروه هائی درست کنید بررسی کند این امور را ، اگر چنانچه بر خلاف شرع عمل می شود ، جلویش را بگیرید ، اگر چنانچه امر خلافی دارد واقع می شود ، اشخاصی که لایق نیستند برای این مسائل اگر اینها وارد هستند در دادگاه ها یا در سایر جاها ، در جهاد سازندگی ، در هیات هفت نفری نمی دانم اینها ، ما نمی خواهیم که یک مملکتی باشد که هرج و مرج یا یک مملکتی باشد که نظر کمونیست ها را در این مملکت انجام بدهد یا نظر غربی ها را انجام بدهد . باید همه این کارها را قبل از اینکه فرصت از دستتان رفته است و قبل از اینکه این خیانتکارهائی که می خواهند این مملکت را باز برگردانند به حال اول ، پیروزی پیدا کنند و مجال پیدا بکنند ، خود شماها باید این کارها را انجام بدهید و افرادی را صالح ، مطلع ، بیطرف تعیین کنید بروند در اینجاهائی که این کارها می شود ، به شکایات مردم رسیدگی کنند . یک دفتری برای شکایات باز کنید ، تعقیب کنید شکایت را ، ببینید این که شکایت کرده از کجا پیدا شده ، صحیح می گوید یا غیر صحیح ؟ غیر صحیح می گوید ، چه کسی القاء به او کرده ؟ اینها را باید تعقیب کرد و فهماند به مردم که یک همچو بساطی در کار هست که می خواهند خرابکاری کنند و افرادی هم که واقعا خرابکاری می کنند معرفی باید بشوند به جمعیت هائی که خود آقایان تعیین کنند تا تکلیف آنها را معین کنند . ما اگر چنانچه بنشینیم و الان در مملکتمان خلاف شرع های زیادی خدای نخواستہ انجام بگیرد معنایش این است که ما خودمان با دست خودمان جمهوری اسلامی را جمهوری غیر اسلامی اش کردیم . ما می

خواهیم جمهوری اسلامی، یعنی احکام، احکام اسلام باشد نه اینکه هر جایش که آدم دست بگذارد شکایات باشد که اینها خلاف دارند می‌کنند، شکایت باشد که فلان قاضی حکم خلاف دارد، فلان - فرض کنید که - کسی که می‌خواهد تقسیم زمین را بکند زمین‌های مردم را می‌رود تقسیم می‌کند، باغات را می‌رود - نمی‌دانم - درخت‌هایش را می‌اندازد، اینها رسیدگی می‌خواهد. شما نشستید که یکدفعه صدای ملت بلند بشود که این دولت و این مجلس و این دادگاه‌ها و این کمیسیون‌ها و اینهمه اینهایی که هستند، هیچ یک آنها اسلامی نیستند و به ضد شما قیام بکنند، آنوقت هم من موافقت با آنها بکنم. ۳۹۰

همیشه با بصیرت و چشمانی باز به دشمنان خیره شوید

من بار دیگر از مسؤلین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشاء سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم. مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهان‌خواران شکست می‌خوریم و نابود می‌شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می‌کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذی‌های قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می‌کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم. امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی بر ملا شده است، بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خودفروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان این همه فصاحت و بی‌آبرویی‌شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرفکنندگی و خواری از کرده خود پشیمان و با ذلت مراجعه می‌کنند. احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کم‌رنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌باشد گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته ایم کسی که به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - توهین کند و اجماع فقهاء مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تاویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسؤل کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت من باز می‌گویم همه مسوولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند. ۳۹۱

۲۲ - ارائه کارها به مردم

خدمت تان را به مردم بگویید

در هر صورت آنی که برای شما مهم است خدمت کردن به همه طبقات خصوصاً مستضعف‌ها، خصوصاً محرومینی که در طول

تاریخ محروم بوده اند این بیچاره ها . باید خدمت کنید و خدمتتان را بگوئید به آنها و وقتی گفته می شود ، عمل دنبالش باشد و انشاءالله امیدوارم که اگر انگیزه اینطور باشد و شما موفق بشوید و انشاءالله و موفق می شوید انشاءالله به اینکه خدمت کنید به این ملت ، این ملت هم همراه شماست و نه انگیزه دیکتاتوری پیش می آید و نه هم شما سودجو هستید که بخواهید نمی دانم پارک داشته باشید و ده داشته باشید و ده را اگر دادند شما ، شما اینطوری نیستید ، نمی توانید هم باشید با اینکه یک کدامتان اگر یک خانه زاید بر مقدار خودتان درست کنید همه به شما اشکال می کنند ، تحت فشار اشکال مردم واقع می شوید ، نیستید اینطور و نمی توانید هم باشید و مادامی که اینطور است ، مردمی هستید ، مردمی که هستید همراه شما هستند و وقتی مردم همراه شما هستند دیگر آسیبی در کار نیست . ۳۹۲

مقید باشید که کارهایتان را به مردم بگوئید

گرفتاری امروز ما ، همین اختلافاتی است که مشاهده می شود . شما هر چه کار می کنید اگر اختلافات را کوشش نکنید که رفع بشود کارهای شما را آن کسانی که بخواهند یک عیبی بگیرند به آن ، عیب می گیرند . هیچ شکی نیست . اینهایی که افتاده اند دور بازار و کوچه و این طرف و آن طرف و سمپاشی می کنند ، آنها ، این کارها را می کنند و اگر شما در همان سطح بالا ، این اختلافات را کوشش کنید که با عقل و تدبیر ، در رفعت بسیار کوشش کنید . انشاءالله یک آرامش روانی پیدا بشود و کارها در آن آرامش زود انجام می گیرد ، بهتر انجام می گیرد . این مسائلی را که به من گفتید در یک همچو اطاق محدودی ، بهتر این است که هر یک از آقایان که متکفل یک امری هستند ، وقتی کاری انجام می دهند بروند در رادیو بگویند و از مردم بخواهند که هر کس اشکالی دارد که مثلا ما بر خلاف می گوئیم ، بیایند اطلاع بدهند ، در روزنامه ها اطلاع بدهند ، خودشان بیایند در محضر عمومی اطلاع بدهند که این حرفی که ما راجع به برق زدیم ، راجع به امور دیگر زدیم اگر چنانچه مردم اعتقادشان این است که اینطور نیست و کاری انجام نداده است جمهوری اسلامی ، بلکه عقب رفته است از زمان طاغوت ، هر کس این ادعا را دارد ، بیاید بگوید که ما در این مواردی که داریم ، می گوئید که : (عمل کردیم) ، بیایند بگویند که نخیر شما عمل نکردید . و اگر چنانچه نیامدند و نگفتند ، معلوم می شود که ما عمل کردیم و مردم گوش ندهند به حرف اینهایی که می گویند که دولت هیچ کاری نکرده و نمی تواند هیچ کاری بکند . من نمی گویم که بعد از اینکه این هم اعلام کردید ، باز مسائل نیست اما کم می شود ، در بین مردم کم میشود ولو آنهائی که می خواهند بگویند ، می گویند اما مردم دیگر باورشان نمی آید . این سکوت شما از کارهایی که انجام می دهید البته بعضیش را می گویند اما همه اش را نمی گویند ، شما هر کدام که در هر وزارتخانه ای هستید ، وزیر هر وزارتخانه ای هستید مقید باشید به اینکه کارهایتان را بگوئید به مردم ، آن چیزی که نباید گفت ، آن عبادات شخصی آدم است که نباید بگوید اما کارها و خدمت هائی را که شما کردید ، اگر نگوئید فساد دارد ، یعنی موجب تضعیف می شود ، لکن اگر به ملت بگوئید ، بیاید هر کسی بگوید مسائل خودش را که ما این کارها را کردیم ، در تلویزیون ، در رادیو اعلام کند و بعد هم اعلام کند که هر کس مخالف با این کارهایی است که ما کاری را کردیم ، می گوید ما صحیح نمی گوئیم ، بیاید بگوید . هر دهی که ما برایش این کار را کردیم اگر نمی کردیم ، اگر اینها ادعا دارند که نکردیم ، بیایند بگویند و مقایسه ای هم بین این دو سال و این سال های طولانی که طاغوت بوده است این مقایسه را بکنید ، بروز بدهید . ۳۹۳

هر کاری که می کنید در مطبوعات عرضه کنید

من عرض کردم به ایشان که یک مرغ یک تخم می کند ، ببینید چقدر هیاهو می زند ، چه اعلام هائی می دهد ، فریادهایی می زند یک تخم کرده ، شما کار می کنید و سکوت ، خیال نکنید که ما برای خدا سکوت می کنیم ، خیر برای خدا بگوئید ، برای اینکه

این مملکت را این شیاطین دنبال این هستند که بگویند هیچ کاری نشد، جمهوری اسلامی آمد و هیچی، مثل اول. این بی انصاف ها که حالا خودشان افسار گسیخته هستند و توی خیابان ها و همه جا با افسار گسیختگی دارند هر شرارتی می خواهند بکنند و آنوقت نفسشان نمی توانست در بیاید حالا می گویند چیزی نشده است، جمهوری اسلامی آمده و آن هم هیچ کاری نکرد، در صورتی که آنطوری که به من گزارش می شود این مقداری که جمهوری اسلامی به مردم، با همه گرفتارهایی که داشته در ظرف این دو سال، یک سال و نیم انجام داده، بیشتر از آن مقداری است که در طول سلطنت اینها، کاری نکردند آنها، بیشتر از آن مقداری است که یک حکومت عادلانه در آنوقت می کرد لکن گفته نمی شود. مردم را، شما عرضه نمی دارید. در هر صورت این هم جزء نقص است، ما باید هر کاری می کنیم شماها آقایان هر کاری که می کنید عرضه کنید به مطبوعات، در رادیو تلویزیون، در رادیو، در مطبوعات عرضه کنید. گاهی مثل یک چیزی در تلویزیون فیلم مختصری می آید خیال می کنند مردم همین بود. در صورتی که پرروز آقای باهنر اینجا بودند و قضیه مدارس که ساخته شده است ایشان می گفت: مدارس، پانزده هزار مدرسه است که تا چند روز دیگر، چند وقت دیگر پانزده هزار تمام می شوند، ده هزار تمام شده و در طول تاریخ اینها، در طول تاریخ، سه مقابل این در تمام تاریخ ایران بود و این پانزده هزار به قدر ثلث تمام آن کارهایی است که از اول تا حالا کردند، اینها عرضه باید بشود، گفته باید بشود، مردم بفهمند که چقدر خانه ساخته شده است، چقدر مسجد ساخته شده است، چقدر حمام ساخته شده است، چقدر زمین احیا شده است، چقدر آسفالت شده است، کار زیاد شده است، باید این کارها را به مردم گفت که خیال نکنند، شیاطین می نمایند بگویند که کاری نشد، کاری نشد، خوب این کارها شده است منتها یک مملکتی است که باید بشود. بعد هم انشاءالله می شود و حالا هم همت باید بکنید، همه آقایان همت بکنند که این کارها پیش برود. ۳۹۴

آنچه عمل کرده اید به مردم بگویند

آنچه که در این چند سال شده است آقایان شمه ای از آن را فرمودند و البته احصاء تمام آنها نمی شود که به این گفتارها و مجالس احصاء کرد و نه ما قدرت این را داریم که احصاء کنیم. و من کرارا به متصدیان امور عرض کرده ام که کارهایی که انجام داده اید با آن حجم بسیار، به ملت بازگو کنید خصوصا می بینید که تمام رسانه های گروهی و تمام اشخاص منحرف دائما به گوش جهانیان القاء می کنند که این پیروزی برای اسلام تاکنون حاصل نشده است، بلکه این جمهوری رو به زوال است. آنچه که عمل کرده اید به مردم بگویند، ممکن است که این تبلیغات در بین یک دسته از مردم که آشنای به مسائل نیستند یک وقت خدای نخواستہ تاثیر بگذارد. ما آن مقداری که از متصدیان امور شنیدیم، در هر جنبه ای از جنبه ها، دیدید که حجم کاری که این جمهوری اسلامی برای طبقه ضعیف و مستضعفان کرده اند، یک حجم بزرگی است که در طول سلطنت این پدر و فرزند خلف حاصل نشده است می بینیم که در هر جا اینها می روند، متصدیان می روند و عمل می کنند، مردم آنجا تقریبا به آنها می گویند که ما چه نداریم، چه نداریم. حتی اینها یک راه درست برای ابن مستمندان و بیچاره ها درست نکردند و یک درمانگاه برای این روستاها درست نکردند و این روستاها در کمال مظلومیت بسر بردند. و در این مدت کمی که با تمام گرفتاری های داخلی و خارجی مبتلا بوده است جمهوری اسلامی، متصدیان امور و خود ملت آنقدر کار کردند که متوقع نبود در آن گرفتاری ها بتوانند، لکن چون عنایات حق تعالی پشت سرشان هست و مردم را همان عنایات و ادار کرده است به خدمت، از این جهت توفیق بسیار حاصل شده است. ۳۹۵

۲۳- پرهیز از قدرت طلبی و حب مال

اسلام در مقابل دیکتاتوریا ایستاده

حکومت اسلامی مثل حکومت علی ابن ابیطالب دیکتاتوری تویش نیست، حکومتی است که به عدل است، حکومتی است که زندگی خودش از زندگی سایر رعیت‌ها بدتر است، آنها نمی‌توانستند مثل او زندگی کنند، او نان جو هم سیر نمی‌خورد، یک لقمه، دو تا لقمه برمی‌داشت با یک خرده نمک می‌خورد. این حکومت اصلا می‌تواند دیکتاتوری؟ دیکتاتوری برای چه بکند؟ عیش و عشرتی نیست تا اینکه بخواهد دیکتاتوری بکند برای او. حکمفرمایی اصلا در اسلام نیست، حکمفرمایی اصلا در کار نیست. پیغمبر اسلام که راس مسلمین و اسلام بود وقتی که در یک مجلسی نشسته بودند تو مسجد روی آن حصیرها (معلوم نیست حصیر حسابی هم داشته باشد) آنجا نشسته بودند، دور هم که نشسته بودند، عرب‌هایی که خارج بودند و نمی‌شناختند پیغمبر را می‌آمدند می‌گفتند که کدام یکی محمد هستید، نمی‌شناختند برای اینکه حتی یک همچون چیزی هم زیر پیغمبر نبود. حالا ما اشراف هستیم. یک همچو حکومتی که بنا باشد اینطوری باشد، یک خانه گلی داشته باشد، یک گلیم هم حتی نداشته باشد، یک حکومتی که یک پوست می‌گویند داشته است که روزها علوفه شترش را حضرت امیر رویش می‌ریخته، شب‌ها زیر خودش و فاطمه می‌انداخته و می‌خوابیده رویش، اینکه دیکتاتوری نمی‌تواند باشد. اینهایی که می‌گویند دیکتاتوری، اسلام را نمی‌فهمند چی هست، فقیه اسلام را نمی‌دانند، خیال می‌کنند ما، هر فقیه، هر فقیه، هر چه هم فاسد باشد این حکومت، فقیه اگر پایش را اینطور بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند از ولایت ساقط است. مگر ولایت یک چیز آسانی است که بدهند دست هر کس؟ اینها که می‌گویند که دیکتاتوری پیش می‌آید - نمی‌دانم - این مسائل پیش می‌آید، اینها نمی‌دانند که حکومت اسلامی حکومت دیکتاتوری نیست. مذهب مقابل اینها ایستاده، اسلام مقابل دیکتاتورها ایستاده و ما می‌خواهیم که فقیه باشد که جلوی دیکتاتورها را بگیرد، نگذارد رئیس جمهور دیکتاتوری کند، نگذارد نخست وزیر دیکتاتوری کند، نگذارد رئیس مثلا لشکر دیکتاتوری بکند، نگذارد رئیس ژاندارمری دیکتاتوری بکند، نه اینکه بخواهیم دیکتاتوری درست کنیم، فقیه می‌خواهد چه کند دیکتاتوری را؟! کسی که زندگی، زندگی عادی دارد و نمی‌خواهد این مسائل را، دیکتاتوری برای چه می‌خواهد بکند؟ حکمفرمایی در کار نیست در اسلام. ۳۹۶

عدم استفاده از اسامی فرماندار و سلطان

این باید خیلی مورد توجه آقایان باشد که اصلا یک تحولی در ایران انشاءالله بشود، یک تحولی روحی. تحول روحی یعنی فرماندار خودش را فرماندار حساب نکند. من دلم نمی‌خواهد اصلا این اسم را ببرم چنانچه سلطان هم دلم نمی‌خواهد اسم ببرم. اسم، این اسم را هم اگر آقایان خودشان بنشینند با هم یک اسم بهتری، قشنگی انتخاب کنند، (یکی از حضار: خدمتگزار) امام: خودتان دیگر بکنید این را، من دیگر به این کار ندارم، من دوست ندارم این را، چنانچه سلطنت مثلا سلطان. من خیلی ناراحت گاهی می‌شوم از اینکه مثلا امام عصر سلام الله علیه را می‌گویند سلطان السلاطین، خلیفه الله است در هر صورت عمده عمل است حالا اسمائش خیلی مهم نیست ولو اینکه بهتر این است که تغییر بکند انشاءالله. ۳۹۷

در سیره انبیاء و اولیا، اصلا قدرت طلبی در کار نبوده

تربیت‌های انبیاست که نجات داده این مردم را از حد حیوانیت و آن جنونی که انسان دارد در قدرت طلبی و شهوترانی. باز یک مقدار زیادی توفیق حاصل شده لکن باز توفیقی که آنها می‌خواستند نشده است، این که انبیا می‌خواستند باز نشده، پیغمبر غصه می‌خورد برای اینکه دعوت می‌کند و اجابت کم می‌شود. فلعلک باخ نفسک و یکی از غصه‌های انبیا هم همین است که تعلیماتشان را نتوانستند به ثمر برسانند به آن طوری که تعلیم اقتضا می‌کند. پیغمبر می‌خواست همه مردم را علی ابن ابیطالب کند ولی نمی‌شد و اگر بعثت هیچ ثمره‌ای نداشت الا وجود علی ابن ابیطالب و وجود امام زمان سلام الله علیه این هم توفیق بسیار

بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی پیغمبر را بعث می کرد برای ساختن یک چنین انسان های کامل، سزاوار بود لکن آنها می خواستند که همه آنطوری بشوند آن توفیق حاصل نشد. اسلام یک قوانینی است که انسان می خواهد درست کند، قرآن هم کتاب انسان سازی است می خواهد انسان درست کند، پیغمبر هم از اول که مبعوث شد تا آخر وقتی که از دنیا تشریف بردند درصدد این بود که آدم درست کند، در فکر این بود. تمام جنگ هائی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگلی ها و وحشی ها را وارد کنند در حصار ایمان، قدرت طلبی توی کار نبود و لهذا در سیره نبی اکرم و سایر انبیا و اولیاء بزرگ، حضرت امیر سلام الله علیه، اولیای بزرگ در سیره آنها می بینیم که اصل قضیه قدرت طلبی در کار نبوده و اگر برای ادای وظیفه نبود و برای ساختن این انسان ها نبود، حتی این خلافت ظاهری را هم قبول نمی کردند، می رفتند، اما تکلیف بود، تکلیف خداست باید قبول کند تا بتواند آن مقداری که می تواند انسان درست کند، مع الاسف نتوانست معاویه را آدم کند چنانکه پیغمبر نتوانست ابوجهل و ابولهب و این صنف جمعیت را آدم کند، امیرالمومنین هم نتوانست معاویه و اتباع معاویه را آدم کند اما آمدند برای این کار. ۳۹۸

مسئله ها همه در نظر انبیا پوچ است و قدرت ها همه پوچ

گمان نشود که اسلام شمشیر کشیده است برای این که قدرت پیدا کند مثل سایر حکومت ها، حکومت اسلامی اینطوری نیست، اگر کسی برای قدرت اقدام بکند و برای تحصیل قدرت شمشیر بکشد، این از اسلام دور است، این وارد در اسلام نشده است باز، ظاهرا مسلم است اما آن ایمانی که باید داشته باشد ندارد. انبیا آمده اند برای اینکه این قدرت ها را بشکنند، این قدرت های شیطانی را سرکوب کنند و نبی اکرم هم آمده بودند، آمدند برای اینکه این قدرت ها را بشکنند. این یکی از کارهائی است که انبیا دارند نه اینکه فقط این است. کار مهم انبیا این است که مردم را برسانند به آن نقطه کمال و سایر کارها وسیله است، غایت، کمال مطلق است. انبیا می خواهند که همه مردم بشوند مثل امیرالمومنین سلام الله علیه، لکن نمی شود، توفیق پیدا نمی کنند. اینطور نیست که انبیا برای دنیا آمده باشند، دنیا یک وسیله ای است برای کمال، چنانکه اهل دنیا هم این وسیله را به ضد کمال استعمال می کنند. جنگ علی ابن ابیطالب با جنگ معاویه ماهیتها فرق دارد، ذاتا فرق دارد، یکی شمشیر می کشد و ظل الله است، ظل خداست، یکی شمشیر می کشد و ظل شیطان است، ماهیتها این دو تا با هم فرق دارند. آن که برای قدرت طلبی و شیطنت فعالیت می کند با آن که برای خدا فعالیت می کند، ذاتا این دو تا با هم فرق دارند و کارهایشان ذاتا فرق دارد. انبیا برای ثروت و قدرت و دنیا و رسیدن به حکومت ابدا یک قدم برنداشتند و اگر کسی گمان کند که انبیا یا اولیاء بزرگ قدمی برای مسند برداشتند، این نمی شناسد آنها را، این انبیا را نشناخته است. مسئله ها همه در نظر انبیا پوچ است و قدرت ها همه پوچ. ۳۹۹

قدرت طلبی انسان را در دنیا و آخرت به تباهی می کشاند

همه تان روی مرز قانون عمل بکنید و اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی آید. همه اختلافات این است که یک کسی اینجا فرارش را انداخته، یکی هم اینجا فرارش را، اگر این روی فرش خودش بنشیند و آن هم روی فرش خودش بنشیند، دعوا ندارند. اما اگر این پایش را دراز کرد روی او، او پایش را کنار می زند و او هم می خواهد پایش را دراز کند اینجا، دعوا اینجا پیدا می شود دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد این را از گوشتان همه بیرون کنید، همه تان عجیب هستید، همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای خداست، ما برای مصالح اسلام دعوا می کنیم؟ خیر، مسأله این حرف ها نیست، من را نمی شود بازی داد، دعوائی خود من و شما و همه کسانی که دعوا می کنند همه برای خودشان است. همه می گویند پیش بده برای ما، همه می خواهند تمام این قدرت چی چی، آخر من نمی فهمم چه قدرتی الان در کار هست. خوب محمد رضا اگر

دنبال این مسائل می رفت ، مطلبی بود برای اینکه یک قدرتی بود ، قدرت شیطانی بود ، کسی حق نداشت یک کلمه بگوید ، اما امروز که بقال سر محله می آید و می گوید که آقای نخست ، برادر نخست وزیر اینجا این کار درست نیست ، برادر رئیس جمهور این کار درست نیست ، این دیگر قدرتی نیست ، یک برادری است ، یک دسته برادرند ، یک دسته شان شانس شان آورده است آنجا نشسته اند ، یک دسته بیچاره هم برای اینها سینه می زنند ، قدرت نیست که ما حالا برای یک قدرتی بیائیم . اینها تلیسات ابلیس است که بر ما غلبه کرده است و این تلیسات ابلیسی را اگر چنانچه مسامحه کنید ، شما را به جهنم می فرستد ، در همین دنیا هم به تباهی می کشد . در همین دنیا ایستاده است این تلیس نفسانی و این شیطان نفس ایستاده است ، تا آنجائی که همه چیز دنیا را به باد فنا بدهد . هیتلر حاضر بود تمام بشر از بین برود و خودش در آن قدرت بین همان آلمان باقی باشد ، آن نژاد بالاتر و این چیزی که در مغز هیتلر است در مغز همه شما هست خودتان غفلت کردید ، در مغز همه این مطلب هست که همه بروند ، و من تا نروید سراغ اینکه یک انصافی در کار باشد ، یک توجهی به خدا در کار باشد ، یک حسابی در کار باشد که خودتان از خودتان حساب بکشید که من امروز می خواهم چه بکنم ، می خواهم همه مملکت ایران را به هم بزنم برای اینکه من باشم و هیچ کس نباشد ، نه ، همه باشید و همه هم حفظ کنید مملکت را ، همه باشید و همه روی قانون عمل بکنید ، قانون اساسی را باز کنید و هر کس مرز و حد خودش را تعیین کند به ملت هم بگویند به اینکه بابا ما ، قانون اساسی ما برای دولت این را وظیفه کرده است ، برای رئیس جمهور این را ، برای مجلس این را ، برای فرض کنید فلان نفر ، برای ارتش این را ، برای همه وظیفه معین کرده است ، به مردم بگویند وظیفه ما را قانون اساسی که شما رای دادید برایش ، وظیفه ما این است در لفظ فقط نباشد و در واقع خلاف ، واقعا سر فرود بیاورید به قانون و واقعا سر فرود بیاورید به اسلام . لفظ را همه می گویند ، شاید شیطان را هم ازش پرسند می گوید من انقلابی هستم . ۴۰۰

اساس سلطه قدرت های بزرگ ، همیشه افراد مرفه و قدرت طلب بوده اند

من سالروز پیروزی انقلاب اسلام و دهه فجر را به همه ملت و همه مستضعفین جهان و شما آقایان که اسوه حسنه این ملت هستید تبریک عرض می کنم و از خداوند تعالی توفیق همه را برای خدمت به بندگان خدا و ادامه پیروزی از خداوند توانا می خواهم . اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که به نظر می آید در راس امور واقع است و او اینکه دولت ، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند اساس سلطه ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است ، افراد مرفه و کسانی که سرمایه های بزرگ داشته اند یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است . مادامی که مجلس و ارگان های دولتی و همه اینها و مردم از این طبقه متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود امکان ندارد که یک دولت بزرگی ، یک قدرت بزرگی به هم بزند اوضاع را همیشه این قدرت های بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت می کرد ، او را می دیدند و ملت را می چابیدند و به اصطلاح کدخدا را می دیدند و ده را می چابیدند هیچ وقت قدرت های بزرگ مواجه با ملت ها ، اگر شدند نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند هر وقت که می خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی کرده از بین بردارند ، در مقابل او یک قدرت دیگری می تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می بردند کار به دست ملت نبوده است و کار به دست طبقه متوسط و مادون متوسط نبوده است . ۴۰۱

قدرتمندی و حب مال حدی ندارد

اینکه این عمل را آنها انجام می دادند یک نکته روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تناهی ندارد، آمالش، آمالش غیر متناهی است، و قوف نمی کند آمال انسان و وقتی که اینطور است اگر انسان اسیر همین آمال غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این آمال او را و آن خواست های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ می کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار بکند. برای اینکه از طبقه مرفه است و از طبقه قدرتمند است و قدرتمندی هم و همین طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن می کند که همه حیثیت ملت و گنجینه های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یک سهم ناچیزی هم برای خودش بگیرد. الان شما ملاحظه می کنید که قدرت هائی در دنیا هست از حیث مال که اگر چنانچه اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم، اگر یک نفر از آنها اموالشان را تقسیم بکند، تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه می شوند و از طبقه به اصطلاح خودشان بالا می شوند. یک نفر از آنها اینطور است لکن همان آدمی که دارائی او به این اندازه بود، از این آدمی که درویش سر محله است حرصش به دنیا بیشتر بود، حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر می خواست جمع بکند. ۴۰۲

هر چه مال و قدرت اضافه شود، حرص انسان بیشتر می شود

هر چه مال اضافه بشود حرص انسان اضافه می شود، هر چه قدرت اضافه بشود حرص انسان به قدرت اضافه می شود و اگر مذهب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می گیرد، وقتی برای خودش به کار گرفت دولت های بزرگی که هستند، ابرقدرت هائی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می دهند و این را به مقام می رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت را بچاپد شما ملاحظه وضع این پنجاه سال، یک قدری بیشتر را هم بکنید که انتخاب کردند خارجی ها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت آنطور دادند که تمام این ملت را به استضعاف کشانید و حکومت جبار خودش را بر اینها قرار داد و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یک نفر بود آنها آن یک نفر را دمش را می دیدند و کارهایشان را انجام می دادند و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آنهمه افرادی که اطراف او بودند و همه شان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوشگذران و بالا بالاها به اصطلاح آنها. باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن دوله ها و سلطنه ها و سلطنتی ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولت هائی که افراد مرفه سرمایه دار کذا باشند نداریم، در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذائی که املاک بی اندازه داشتند و آپارتمان های چندین طبقه داشتند نداریم، این مملکت محفوظ می ماند. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که از مرتبه متوسط می غلطید به طرف مرفه و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکن پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و اینطور افرادی که به تدریج ممکن است یک وقتی خدای نخواستہ پیدا بشود، آنها را سر جای خودشان بنشانند. اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمال همه است برسد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست، همه اینها را توجه بکنند که مبدا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا- و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد بدانید که اگر دولت اینطور باشد و اگر ملت اینطور باشد و اگر چنانچه مجلس و امثال اینها اینطور باشد، اگر یک قدرتی بخواهد هجمه کند به اینجا، مواجه با سی میلیون جمعیت هست و نخواهد توانست، نمی تواند آنوقت پیدا کند یک کسی که قدرتمند باشد و آن قدرتمند را وادار کند که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را برای آنها، تاریخ همین طور بوده. ۴۰۳

مادامی که (در مسؤلین) این حد متوسط حفظ شود، این جمهوری حفظ می شود

مادامی که این ملت ها - از یک - در بینشان افرادی پیدا نشده است که به آن مرتبه برسد در بین آنها که قدرت مالی یا قدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کند ، نمی توانند آنها این ملت ها را از بین ببرند و حکومت بر آنها کنند و بالاخره یک وقت یک ابرقدرتی مواجه با یک نفر ، دو نفر ، صد نفر ، پانصد نفر هست که آنها را سیر می کند و آنها به جان مردم می افتند و خودش هم کنار می نشیند و حکومت بالاتر را خودش دارد ، حکومت پائین تر را به این آدمی که ، یا این آدمهایی که در این کشور هستند واگذار می کند اساس استضعاف ملت ها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه توی آن هیچ نیست آن طبقه ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما ، ملت ما ثروتمند می شوند ، ندارید حالا ، در دولت هم ندارید یک همچو ثروتمندانی و یک همچو قدرتمندانی ، ندارد . دولت یک همچو قدرتی ، رئیس جمهور یک همچو قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند ، یک همچو مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری او باشد مادامی که این حد متوسط محفوظ است این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله نیست مابین قدرت های بزرگ با همچو دولتی بخواهند کودتا کنند با کی کودتا کنند ؟ بخواهند از خارج وارد کنند ، مواجه با کی می شوند ؟ مواجه با یک ملتی می شوند که همه شان از این طبقه ای هستند که این نهضت را به پیش بردند و با آن قدرت و با آن عظمت به پیش بردند . ۴۰۴

قدرت ها در صدد این هستند که فرد قدرت طلبی را یافته و به وسیله او طرح های خود را پیاده کنند

اینها مطالعه امور را می کنند و اقدام می کنند . آنها الان در صدد اینند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بلکه میان اختلافات یک نفر پیدا بکنند که این ، آن نفری که پیداست ، در یک طرف واقع بشود و این هم به او قدرت بدهند ، تا آنکه کم کم با قدرت داخلی ، این کشور کم کم ضعیف بشود و مردم روحیه شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند به آنها تا کشور ما این مقام را دارد که بحمدالله از آن طبقه مرفه بالایی که امور را در دست گرفته اند مبری هست و امور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشور ما به دست امثال این رئیس جمهورها و رئیس مجلس ها و نخست وزیرها و وزرا و وکلا هست ، شما مطمئن باشید که نخواهد توانست یک قدرت خارجی این پیروزی را از بین ببرد . ۴۰۵

پیدا شدن قدرت طلبی و مال طلبی در مسؤ ولین علامت شکست نهضت است

و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد ، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی ، در کشور در وزیرها پیدا شد ، در رئیس جمهور پیدا شد ، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم ، خودنمایی کرده از آنوقت باید جلوییش را بگیرند . رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت ، خود مردم باید جلوییش را بگیرند . مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکند ، خود مردم باید جلوییش را بگیرند . اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند ، جمهوری اسلامی را حفظ کنند ، دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظشان کنند یعنی حفظ کنند ، از اینکه خدای نخواستہ یک وقت قدمی از آن ور بردارند این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هر کس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مهذب کند . شمائی که می خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که می خواهد خدمت به این مردم بکند و رئیس جمهور و امثال اینها که می خواهند خدمت به این مردم بکنند ، توجه بکنند که خدمتگزارند ، در دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند به آن که ما خدمت می خواهیم به این مردم بکنیم . ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می کنیم ، جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم ، مثل امیرالمومنین سلام الله علیهما بر آن حکومت کرده اند ، می خواهیم یک همچو حکومتی باشد ، یک همچو حکومتی که کفش وصله خورده خودش

را می گوید از این ریاست ها پیش من ارزشش بیشتر است ، یا ریاست ها ارزشش کمتر از این است شما باید در روحیه تان این مطلب را حفظ کنید و مردم هم باید مواظب شما باشند و مواظب همه اینها باشند و هر یک از ما و شما و همه خواستیم که از آن راهی که اسلام داشته است از اول راهی که داشته است و از آن طریقه ای که انبیا داشته اند ما بخواهیم عبور کنیم ، آن روز نمونه شکست پیروزی اسلام پیدا می شود و تا یک همچو مسأله ای پیدا نشده پیروزی در جای خودش شک نکند که هست ، البته برای خدا باید باشد شما برای خدا در این مجلس حالا آمدید ، وقتی مجلس اینطور است که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شما رفتید توی بازار ، مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد ، نخست وزیرش هم اینطور است ، اینجور نیست که وقتی که توی مردم برود ، مردم فرق بگذارند با هم و همه اینها اینطور هستند ، وقتی یک همچو مطلبی را دارید احساس می کنید که امتیاز دنیائی ندارید ، این را باید شکر کنید و در شکرانه این نعمت خدمت به خلق بکنید و خدمت به احکام اسلام بکنید و برای اینهایی که اولیاء ما هستند ، این پائین شهری ها و این پابرنه ها به اصطلاح شما ، اینها ولی نعمت ماها هستند . اگر اینها نبودند ، ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا . اینها بودند که همه ما را از این مسائل نجات دادند و همه ما را آوردند و نشانند به جائی ، به خیال خودمان جائی است این . ۴۰۶

قدرت طلبها در مقابل قدرت های بالاتر خاضعند و در مقابل ضعفا جابر و ستمگر

من یک نکته ای عرض می کنم و این برای این نیست که از دولت یا از ارگان های دیگر تعریف کنم ، این یک واقعیتی است که من عرض می کنم و شاید شماها هم مطلع هستید و توجه دارید یکی از عنایات بزرگی که خدای تبارک و تعالی به جمهوری اسلامی و این نهضت اسلامی عنایت فرموده این است که متصدیان امور ، چه آنهایی که در مجلس خدمت می کنند و چه آنهایی که در دولت خدمت می کنند ، چه آنهایی که در ارتش هستند ، همه اینها از آن قشر مرفه نیستند ، از آن قشری که همه توجه شان به این است که برای خودشان مقام درست کنند و برای خودشان کارهایی انجام بدهند ولو بر ضد خلق باشد . شما اگر توجه کنید به حکومت هائی که در تاریخ بوده است و خصوصا در این پنجاه سال ، ملاحظه می کنید که آنهایی که در راس امور بودند ، آنها از این ملک ها و سلطنه ها - و عرض می کنم که - از این سنخ مردم و به اصطلاح از اشراف بودند وقتی که اشراف به قول خودشان و اعیان و متمکین و یال و کوبال دارها متصدی امور یک کشور شدند ، قهرا اینها مردم را به حساب نمی آورند ، این یک امر قهری است و در مقابل یک قدرتمند بزرگتر از خودشان خاضعند و در مقابل ضعفا و ملت خودشان جابر و ستمگر . شما اگر ملاحظه فرموده باشید ، معامله این دولت هائی که ما داشتیم سابق ، با مردم مقایسه کنید و معامله شان را با سفارتخانه های خارجی ، با سفارتخانه های خارجی ، اینها شخصیت خودشان را بکلی (شخصیت هم نداشتند) بکلی از دست می دادند و آن چیزی که در ذهن من است ، یکی از سفرا (حالا یا سفیر انگلیس بود ، یا یک جای دیگر) آن صدراعظم وقت را پاشد گلوش را گرفت توی اتاق و زد او را به دیوار . در مقابل او آنها سپر می انداختند ، لکن در مقابل مردم ، آنقدر به مردم ظلم می کردند و آنقدر به خیال خودشان به بزرگی و امثال ذلک رفتار می کردند ، که همه می دانید . ۴۰۷

قدرت طلبها به منافع مردم اصلا توجهی ندارند

وقتی بنا شد که متصدی یک امور کشوری قشر اشراف (به اصطلاح خودشان اعیان ، مرفه ها و صاحب اموال و - نمی دانم - پارک و اتومبیلها و کذا و کذا ، یا آنوقت کالسکه ها و آن حرف ها باشد ، این یکی از مصیبت های بزرگی است که در یک ملت هست ، سرچشمه همه مصیبت هائی که ملت ها می کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان از آنها باشد و آنها اینطور هستند ، اشراف و اعیان اینطور هستند که تمام ارزش ها را به این می دانند که آنجائی

که زندگی می‌کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آنها می‌کنند، رفتار عیب با موالی باشد، تمام افکارشان متوجه به این مسائل است. باید حتما چند تا پارک داشته باشد، چند تا باغ داشته باشد در شمیران، در تهران در کجا، تا اینکه بشود یک نفر آدم عرض می‌کنم که نخست وزیر یا یک نفر آدم وزیر کذا و اینها وضع روحی شان، به حسب نوع، وضع روحی شان اینطور بود که چون قدرت را، تمام ارزش‌ها را به قدرت می‌دانستند، تمام ارزش‌ها را به قدرت مالی می‌دانستند، به قدرت‌های دیگر می‌دانستند، در مقابل قدرت بالاتر از خودشان خاضع و عبد بودند، در مقابل ضعفائی که قدرت ندارند، فرمانفرما و حکومت بودند این وضع طبیعی این است که یک قشر اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان و مرفه، به یک کشوری حکومت کنند و قابل اجتناب نیست این وقتی حکومت اینطور شد، دیگر نمی‌شود این را کسی خیال کند که قابل این است که این با مردم چه جور باشد، از آن ور با دولت‌های خارجی چه جور باشد مقابل آنها از باب اینکه می‌دیدند آنها قدرتشان بیشتر است، خاضع بودند هر جایی که توهم می‌کردند که به قدرتشان یک قدرت بالاتری یک صدمه ای بزند، مقابل او لنگ می‌انداختند و همه جور تواضعی می‌کردند برای اینکه آنجا را به دست داشته باشند. به مردم هر چه گذشت، گذشت و هر چه خواستند بکنند با مردم.

۴۰۸

قدرتمندان به دلیل علاقه به قدرت خود، تسلیم قدرت خارجی می‌شوند

این یکی از الطاف بزرگ خدا بود که حکومت جمهوری اسلامی را و متصدیان امور اسلامی را از قشر مرفه و از آن اشراف و اعیان و سلطنه‌ها و ملک‌ها و اینها قرار نداد و این اسباب این شد و می‌شود که وقتی که بنا شد که یک اشخاصی زندگی شان یک زندگی عادی باشد و ارزش را در این زندگی هم ندانند، ارزش را به ارزش انسانی، ارزش اسلامی بدانند، ارزش اخلاقی بدانند، اگر یک حکومتی ارزش‌هایش اینطور ارزش باشد که ارزش اسلامی باشد، بخواهد خدمت به نوع خودش بکند، خودش را خدمتگزار بداند، اگر دیدش این باشد، قهرا ملت با اوست و قهرا نمی‌تواند یک قدرت خارجی او را تحت تاثیر قرار بدهد. همیشه قدرت خارجی برای اینکه بر مردم مسلط بشود، این بالاتری‌ها را می‌ترساند آنها هم از باب اینکه تمام توجه شان به این بود که در بین ملت قدرتمند باشند، دارای یال و کویال باشند، آنها را تسلیم می‌شد برای اینکه به اینها ظلم بکنند این وضع طبیعی اینجور حکومت است و وضع طبیعی حکومتی که از قشر غیر مرفه است، از خود این مردم درست شده است، وضع طبیعی اش این است که با مردم باشد و خدمت بکند و ارزش را، ارزش جاه و مقام نداند. ۴۰۹

در جمهوری اسلامی، ارزش مقامات در خدمتگزاری است نه حکومت

شما می‌دانید که در جمهوری اسلامی مقامات آن معنی که در سابق داشت از دست داده، نه رئیس‌جمهورش و نه نخست‌وزیرش و نه سایر وزرایش اینطور نیست که خیال بکنند، خودشان خیال بکنند که ما یک مقام بالائی، والا مقام هس... و ما حضرت اشرف هستیم و نمی‌دانم کذا اینجور نیست. آنها می‌بینند که ارزششان در بین جامعه، در همه جا این است که خدمت بکنند، خدمتگزار باشند، نه ارزش به این است که به مردم حکومت کنند در جمهوری اسلامی این معنا که هم مقامات آن مقاماتی که سابق تخیل می‌شد، نیست و هم صاحب اشخاصی که متصدی امور هستند، آن اشخاصی که در یک خانواده اشرافی بزرگ شده باشند و یک زندگی چه کرده باشند و نتوانند بسازند با مردم، نتوانند بسازند با یک زندگی عادی، اینطور هم نیستند. من فیلمی که دیشب از مرحوم رجائی گذاشته بودند و منزلش را نشان می‌دادند، یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این را، بعضی از اشخاصی که پیش من بودند می‌گفتند ما رفتیم منزل آقای رجایی، این خوب نشان می‌داد، آنجا به این اندازه نیست، واقع مطلب اینطور نیست، این یک چیز بزرگی کانه نشان دارد می‌دهد و حال آنکه ما که رفتیم منزلشان دیدیم نه، مساءله این طور هم نیست

وقتی بنا شد که یک نفر رئیس جمهور شده، یا یک نفر نخست وزیر است، آقا منزلش آنطوری است و وضع مادیش اینطوری است، این دیگر نمی شود که از یک قدرت بزرگی بترسد برای چه بترسد؟ این را که از او نمی گیرند آن باید بترسد که می خواهد چپاول کند و می خواهد یک حکومت کذائی بکند، آن باید بترسد، اما رجائی خدا رحمتش کند و امثال اینها و باهنر و اینهایی که ما از دست دادیم، که اینطور نبودند که زندگی شان جوری باشد که مبادا یک وقتی از دست ما برود، خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را بیشترش بکنند زورگوئی کنند به مردم. ۴۱۰

اگر از مردمی بودن خارج شوید، خارجی ها به شما طمع می کنند

این یک عنایتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت کرد و از خود مردم، از خود این توده ها از بازار - نمی دانم - از کجاها و خانه ها، افراد منبعث شدند و حکومت تشکیل دادند. وقتی از بازار، مردم حکومت را تشکیل دادند، می دانند که بازار وضعش چه جوری است وقتی که از بین خود مردمی که مرفه نیستند، اینها آمدند و خودشان هم نظیر آنها هستند، اینها به درد دل مردم می توانند برسند. من اینکه عرض می کنم، نمی خواهم از شما تعریف کنم، برای اینکه می ترسم تعریف کنم این برای این است که تنبه بدهم، تنبه بدهم به اینکه تا وضع اینطوری است، حکومت برقرار است، حکومت اسلامی برقرار است تا وضع دولت، مجلس - نمی دانم - ارتش، روسای ارتش، فرماندهان همه جا این وضع است که می بینیم الان و مشاهده می کنیم، شما خوف از اینکه یک آسیبی این جمهوری اسلامی به آن برسد، از این خوف نداشته باشید شما هر چه خوف دارید، از خودتان بترسید، از اینکه مبادا خدای نخواستہ مسیر، یک مسیر دیگر بشود و راه، یک راه دیگری باشد و توجه به این چیزی که الان هست، از دست برود و مردمی بودن از دستتان برود. از این بترسید که اگر خدای نخواستہ یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از آن مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالائی که من نخست وزیرم، حالائی که من رئیس جمهورم حالائی که من وزیر کذا هستم باید چه و چه و چه باشم، آنوقت بدانید که آسیب می بینید، یعنی آنوقت است که خارجی ها به شما طمع می کنند. ۴۱۱

دشمن می داند که باید از داخل، کشوری را به تباهی بکشاند

آنها می دانند که از چه راه باید یک کشوری را به تباهی بکشاند، آنها می دانند که باید از راه خود حکومت، از راه خود دولت، از راه خود مجلس، از راه خود اینها، این کارها را انجام بدهند، آنها می دانند که ریختن در یک کشور یا نمی دانم چه کردن، با وضعی که اینجور کشورها دارند، این نمی شود اینها تجربه اش را در افغانستان کردند در افغانستان با اینکه دولتش با آنهاست و حزب ها و خیلی از حزب ها شاید با آنها باشند، لکن چون یک توده ای دارد، آنجا، توده ای که مسلمانند، متوجهند و مخالف با قدرت ها هستند، چون این هست در آن، موفق نشدند به اینکه آن کاری که می خواستند، بکنند، هر روز هم رو به شکست است. اینها تجربه ها را دارند، می دانند قضیه چه جور است، می دانند که یک ملتی که همه شان در مقابل همه چیزهایی که درشان وارد می شود، ایستادگی کردند و می کنند، ملتی که بچه اینقدریش، دیروز یک بچه ای قد این آقا کوچولو، به حد ده سال و اینها نبود، اینجا گریه می کرد که، گریه می کرد که شما دعا کنید من شهید بشوم یک ملتی اینطوری، زنش اینطور، مردش اینطور، پیرش اینطور، جوانش اینطور، اینها می دانند با این ملت نمی شود با فشار و زور و سرنیزه رفتار کرد قهرا آنها می خواهند یک نقشه ای بکشند، حواسشان هم خیلی جمع است و خیلی هم حوصله و صبر دارند. آنها برای پنجاه سال دیگر، برای سی سال دیگر حالا نقشه درست می کنند، حالا نقشه می کشند که سی سال دیگر نتیجه بگیرند یعنی اگر خدای نخواستہ دانشگاه ما یک انحرافی پیدا بکند، بعد از سی سال نتیجه اش را آنها می گیرند. اگر در دانشگاه ما یک اشخاص غیر اسلامی امثال اینها وارد بشود

، اشخاصی که انحراف دارند وارد بشود ، ولو حالا- نتوانند کاری بکنند (حالا هم عجله ندارند که کاری بکنند) کم کم همین دانشگاهی ها را تبلیغ می کنند ، صحبت می کنند ، چه می کنند ، چه می کنند ، هوا خورشان می کنند ، بالاخره هم مقدرات یک مملکت بعد از این دوره با آنهاست آنها وقتی مقدرات یک دولت را و ملت را در دست گرفتند ، با یک انحرافی در دست گرفتند ، آنوقت هست که اینها نتیجه می گیرند ، با دست خود اینها نتیجه می گیرند . ۴۱۲

با جدایی از مردم بدانید که رو به تباهی می روید

شما باید کوشش کنید همه تان ، هر کس در هر وزارتخانه هست باید کوشش کند که اجزاء آن وزارتخانه ، افرادی که در آن وزارتخانه هست ، وضع روحیش جوری باشد که با مردم بسازد ، مردم باز احساس نکنند که در این وزارتخانه هم وقتی ما بخواهیم کارمان را به وزیر بدهیم ، باید یک مدتی دم در بایستیم و یک مدتی آن مامور و آن مامور و آن مامور تا برسانند ما را به آنجا ، آنجا هم پشت در بایستیم نه ، این وضع اگر یک وقت خدای نخواستید دیدید دارد اینطور می شود ، بدانید که دارید رو به تباهی می روید ، قدم دارید بر می دارید رو به تباهی . آن روزی شما قوی هستید که این بقال سر محله و آن مومن توی مسجد و آن کسی که در جاهای بزرگ و اعیان و اشراف فرض کنید هست ، برای شما اینطور نباشد که برای او یک کاری بکنید ، برای این نکنید . اینها را مقدم بر آنها بدانید ، اینهایی که شما را به وزارت رسانده اند ، با اینکه وزارت الان یک چیز مهمی نیست پیش شما ، اینهایی که قدرتمندها را بیرون کردند ، اینهایی که همه آن اشخاصی که مقدرات یک کشور در دستشان بود و ما را و شما را و همه کشور را به تباهی کشیده بودند ، آنها را بیرون زدند ، اینها را باید ما قدرشان را بدانیم ، یعنی نگه شان داریم برای خدا ، برای اسلام ، برای حیثیت خودتان ، برای حیثیت کشورتان باید این سر و پا برهنه ها را نگه شان دارید اینهایی که بعد از همین که هر شهیدی شما پیدا می کنید ، آنطور برایش تظاهر می کنند ، آنطور برایش عرض بکنم به سر و سینه خودشان می زنند ، که می بینید نشان می دهند ، یک همچو ملتی را باید با همین وضع نگه داشت و آن به دست امثال شماست که اینطور باقی بماند اگر یک وقت سرخورده بشوند از دولت و خیال کنند که دولت دارد برای خودش یک کارهایی انجام می دهد و برای ما نیست و چطور ، آنوقت هست که شما هر کدامتان خدای نخواستید از بین بروید ، یک کسی برایتان فاتحه نمی خواند . ۴۱۳

رابطه مردمی با مردم ، سبب حفظ نظام می شود

شما کاری بکنید که بعد از مردنتان هم اینطور وضع مردم باشد با شما ، بعد از شهادت هم اگر نصیبت تان شد ، مردم با شما اینجور باشند . پیش خدا این ارزش دارد وقتی خدای تبارک و تعالی دید که یک جمعیتی ایستادند و فریاد می زنند ، توی سرشان می زنند که رجائی چه ، خدا به رجائی رحم خواهد کرد اگر خدای نخواستید هم آن یک اشکالاتی در آن باشد ، به همین ، خدا رحم می کند خوب ، مومن ، چهل تا مومن شهادت بدهند به خوبی یک کسی ، خدا قبول می کند این را ، برای اینکه یک آدمی است که چهل نفر مومن این را به خوبی شناخته اند وقتی به خوبی شناختند ، خداوند عفو می کند فرضاً از اینکه یک جمعیت هائی اینطوری بریزند در خیابان و آنطور و به سر و سینه شان بزنند برای آنها ، ارزش آقای رجایی ، ارزش آقای باهنر ، ارزش آقای بهشتی و ارزش این ائمه جمعه مظلوم ما به این نبود که یک مثلاً دستگاهی دارد ، ارزششان به این بود که خودی بودند ، با مردم بودند ، برای مردم خدمت می کردند ، مردم احساس کرده بودند که اینها برای آنها دارند خدمت می کنند و لهذا آنهمه تبلیغاتی که با دست های فاسد بر ضد مرحوم بهشتی بالخصوص آنقدر کارها کردند و نسبت به مرحوم رجائی هم ، آن آدم فاسد آنقدر پافشاری کرد و اذیت کرد ، مردم اعتنائی هیچ به او نکردند و همانطور با آنها رفتار کردند ، مردم همانطور آن تلافی هائی که در آنوقت سر آن مظلوم درآمد ، مردم درست کردند ، بعد از فوت ایشان آنطور کردند و همه شما باید وضعتان یک همچو وضعی باشد و من

امیدوارم که همه این وضع را توجه به آن بکنید و حفظش بکنید. بخواهید اسلام حفظ بشود، این وضع را باید حفظ بکنید. بخواهید که ایران حفظ بشود، همین را باید حفظ کنید. بخواهید خودتان محفوظ بمانید، همین را باید حفظ کنید. بالاخره این وضع فعلی که شما دارید باید رو به بهترین بروید، هی بروید سراغ اینکه یکدیگر را اسلامی کنید اینکه من عرض کردم که باید امور اسلامی باشد، حالا هم عرض می‌کنم، این کارهایی که شما می‌گوئید که می‌روند جنگل‌ها را چیز می‌کنند، اینها کارهای غیر اسلامی است، من می‌گویم باید اسلامی باشد اگر چنانچه یک کسی تخلف کرد از مقررات دولت، این غیر اسلامی است، آن هم باید اسلامی بشود یعنی باید دولت با قدرت، آن کسی که تخلف می‌کند از آن چیزهایی که دولت برای حفظ نظام دولت قرار داده است، آنها را باید با قدرت جלוیش را بگیرد، برای اینکه آن غیر اسلامی است، من می‌گویم اسلامی باید بشود بریدن درخت‌های کشور را و به تباهی کشیدن جنگل‌ها را، این غیر اسلامی است، باید جلویش گرفته بشود. تخلف از مقررات خیابان‌ها و رفت و آمدها، این غیر اسلامی است، باید جلویش را بگیرید اگر یک کسی اعتنائی به چراغ سرخ نکرد، این غیر اسلامی عمل کرده و این را باید تعقیبش کرد و به دست دادگاه سپردش. حالا هم من عرض می‌کنم اسلامی که، اسلام که با نظم مخالف نیست، اصلا اسلام می‌خواهد نظم حفظ بشود، نظام حفظ بشود کلیه امور مربوط به نظام، این اسلام است و اگر یک چیزی تخلف از نظام کرد، این برخلاف اسلام است و جلوگیری لازم است. ۴۱۴

ارزش انسان به مقام نیست

و من باز هم به آقایان عرض می‌کنم که توجه بکنید که مقام، شما را نگیرد. - شما یک - ارزش انسانی انسان به مقام نیست، به این نیست که من نخست وزیرم، من رئیس جمهورم، من رئیس مجلسم، من وکیل مجلسم اینها ارزش نیست. ارزش انسان به این است که توجه بکنند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدای تبارک و تعالی بکنند، چه تکلیفی انسان دارد در مقابل خدا و در مقابل بندگان خدا که از خدا هستند. این ارزش است مادامی که شما این ارزش را حفظ بکنید، ارزش اسلامی و انسانی را حفظ کرده اید و اگر از این، انحراف حاصل بشود، شما هم هر مقامی پیدا کنید، در علم بشوید بالاترین علما، در زهد هم هر چه می‌شوید، بشوید اما ارزش را از دست داده باشید، شما نه پیش خدا دیگر ارزش دارید، نه پیش خلق خدا باید فکر این معنا بکنید که خدمت کنید به کشور. خدمت کنید به ملت که بعد از خود شما که انشاءالله حالا طولانی باقی می‌ماند، مثل مرحوم رجائی که مردم اینطور برایش به سر و سینه می‌زنند، مردم شهادت فعلی و عملی بدهند بر اینکه شما خوبید، تا خدای تبارک و تعالی در محضرش شما را قبول کند برای اینکه آدمی بوده است که یک عده ای شهادت دارند می‌دهند، عملا توی سرشان می‌زنند از رفتن او. این شهادت فعلی است بر اینکه این آدم مقبول است و خدای تبارک و تعالی همین طور قبول می‌کند و اگر گناهی هم داشته باشید، به همین می‌گذرد خدای تبارک و تعالی. ۴۱۵

فروتنی در برابر مردم و ایستادگی در مقابل طاغوت سیره انبیاست

و من امیدوارم که شما همه تان همین طوری که سیره انبیا بوده است، که سیره انبیا برای این بوده است که در مقابل طاغوت محکم می‌ایستادند و در مقابل ضعف و فقرا و مستضعفین و مستمندان فروتن بودند، آنطوری که وقتی عرب وارد می‌شود در مسجد رسول الله، می‌گوید کدام یکی تان هستید در وقتی که رسول الله آنوقت حکومت بود، آنوقت در مدینه بودند، در مدینه تشکیل حکومت بود بساط، لکن وضعش اینطوری بود، از آن طرف در مقابل هیچ قدرتی خاضع نبود برای اینکه او خدا را می‌دید کسی که توجه دارد به اینکه قدرت هر چه هست مال خدای تبارک و تعالی است و دیگران هیچ نیستند، این دیگر نمی‌تواند خاضع بشود در مقابل یک قدرتمندی. شما ملاحظه کرده اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده اید که یک سید خشکیده لاغر - عرض می‌

کنم - لباس کرباسی (که یکی از فحش‌هایی که آن شاعر به او داده بود ، همین بود که تنبان کرباسی پوشیده) یک همچو آدمی در مقابل آن قلدری که هرکس آنوقت را ادراک کرده می‌داند که زمان رضاشاه غیر زمان محمدرضا شاه بود ، آنوقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلع بود ، در مقابل او همچو ایستاد ، در مجلس ، در خارج فلان که یک وقت گفته بود سید چه از جان من می‌خواهی ؟ گفته بود که می‌خواهم تا تو نباشی ، می‌خواهم تو نباشی این آدم که - می‌آمد - (من درس ایشان یک روز رفتم) می‌آمد در مدرسه سپهسالار که مدرسه شهید مطهری است حالا ، درس می‌گفت ، من یک روز رفتم درس ایشان ، مثل اینکه هیچ کاری ندارد ، فقط طلبه‌ای است دارد درس می‌گوید . اینطور قدرت روحی داشت ، در صورتی که آنوقت در کوران آن مسائل سیاسی - و چیز - بود که باید حالا - بروند مجلس و آن بساط را درست کند از آنجا ، پیش ما ، رفت مجلس ، آنوقت هم که می‌رفت مجلس ، یک نفری بود که همه از او حساب می‌بردند . من مجلس آنوقت را هم دیده‌ام ، کانه مجلس منتظر بود که مدرس بیاید با اینکه با او بد بودند ولی مجلس کانه احساس نقص می‌کرد . وقتی مدرس نبود وقتی مدرس می‌آمد مثل اینکه یک چیز تازه‌ای واقع شده این برای چه بود ؟ برای اینکه یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارائی و امثال ذلک ، هیچ اعتنا نمی‌کرد ، نه مقامی او را جذبش می‌کرد . ایشان وضعش اینطور بود که (برای من نقل کردند این را که) داشت قلیان خودش را چاق می‌کرد ، خودش اینطور بود ، فرمانفرمای آن روز (حالا که من می‌گویم فرمانفرما ، شما به ذهنتان نمی‌آید که یعنی چه) فرمانفرمای آن روز وارد شده بود منزلش ، گفته بود که به او حضرت والا من قلیان را آتش را می‌ریزم تو این را ، آتش سرخ کن را درست کن ، یا بعکس از اینجا همچو او را کوچک می‌کرد که دیگر نه ، طمع دیگر نمی‌توانست بکند وقتی اینطور با او رفتار کرد که بیا این آتش سرخ کن را گردش بده ، آن آدمی که همه برایش تعظیم می‌کردند ، همه برایش چه می‌کردند ، این وقتی اینطوری می‌رسیده ، این شخصیت‌ها را اینطوری از بین می‌برد که مبادا طمع کند که از ایشان چیزی بخواهد من بودم آنجا که یک کسی یک چیزی نوشته بود ، زمان قدرت رضاشاه ، زمانی که آنوقت باز شاه نبود ، آنوقت یک قلدر نفهمی بود که هیچ چیز را ابقا نمی‌کرد ، یک کسی آمد گفت من یک چیزی نوشتم برای عدلیه ، شما بدهید ببرند پیش حضرت اشرف (یک همچو تعبیرهایی) که ببینند . گفت ، رضاخان که باز نمی‌داند اصلش عدلیه را با (الف) می‌نویسند یا با (ع) می‌نویسند ، من بدهم این را او ببینند ؟ نه اینکه این را در غیاب می‌گفت ، در حضورشان هم می‌گفت اینجوری بود وضعش این چه بود ؟ برای اینکه وارسته بود ، وابسته به هواهای نفس نبود ، اتخاذ هوی الله نبود این ، هوای نفسانی خودش را اله خودش قرار نداده بود ، این اله خودش را خدا قرار داده بود . این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت گذا نمی‌رفت عمل بکند ، او برای خدا عمل می‌کرد . کسی که برای خدا عمل می‌کند ، وضع زندگیش هم آن است ، دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی‌شود برایش ، برای چه دیگر چه بکند ، از هیچ کس هم نمی‌ترسید وقتی که رضا شاه ریخت به مجلس که چیز می‌کردند ، فریاد می‌زدند آن قلدرهای اطرافش که زنده باد کذا و زنده باد کذا ، مدرس رفت ایستاد و گفت که مرده باد کذا ، زنده باد خودم خوب ، در مقابل او شما نمی‌دانید حالا - ، در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد این برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود ، وارسته بود ، وابسته نبود . ۴۱۶ تمام وابستگی‌ها وابستگی‌ای است که انسان به خودش دارد تمام وابستگی‌ها وابستگی‌ای است که انسان به خودش دارد ، تمام وابستگی‌ها از خود آدم پیدا می‌شود وقتی انسان وابسته است ، نفسش وابسته است به جهاتی که مال خودش است ، به نفسیت خودش ، به وضعیت خودش ، این تمام وابستگی‌هایی که در خارج هم برایش پیدا می‌شود - از - منشاش اینجاست . وقتی این وابستگی باشد ، اگر بخواهند برایش تحمیل کنند ، چون این وابستگی هست ، تحمیل می‌کند ، قبول می‌کند . وقتی ببینند یک چیزی با این آمالی که دارد مخالف است ، اگر نکند ، یک وقت به هم می‌خورد ، این خاضع خواهد شد . اگر انسان از این وابستگی وارسته شد ، آزاد شد از این ، این دیگر آزاد است ، این دیگر از کسی نمی‌ترسد ، همه قدرت‌های عالم جمع بشوند ، این نمی‌ترسد ، برای اینکه آخرش این است که من از بین می‌روم ، دیگر بالاتر از این که نیست ، همانی

که الان ملت ما دنبالش دارند می روند که بیاید دعا کنید من شهید بشوم . روزی چند نفر شاید من اینجا بعضی روزها می بینم که می گویند که دعا کنید من شهید بشوم من می گویم دعا می کنم شما پیروز بشوید انشاءالله . انشاء الله خداوند همه شما را موفق کند ، مویذ کند و همه آن اشخاصی که به شهادت رسیدند و برای این ملت خدمت کردند مثل مرحوم رجائی که این روز ، این روزها سالش است ، مرحوم باهنر و دیگر اشخاصی که از همین قبیل بودند و رفتند از دست ما و البته ما خیلی ضرر دیدیم ، لکن باز همان مسأله است . جانشین آنها برای این بود که ملت بود ، مردم بودند ، اعیان و اشراف نبودند . آنوقت اگر یک نخست وزیر را می کشتند ، یک بساطی می شد ، شاه مردگی همان و به هم ریختن سرتاسر ایران اینطور بود ، تا شاه مردگی می شد سرتاسر ایران به هم می خورد حالا- رئیس جمهورش نباشد ، خوب ، نبود ، یکی دیگر بسم الله . . . همه ایران بهشتی است خوب ، مردم طرحشان این است که بهشتی از خود ماست ، یک چیز خارجی نیست ، از خارج یک چیزی صادر نکرده ایم ، وارد نکرده ایم ، از خود ما هست ، خود ما یکی مان رفت یکی دیگر می آید رجائی رفت یکی دیگر می آید ، آن هم برود یکی دیگر می آید هر کدام از ماها و شماها بروند ، یکی دیگر می آید . اینجوری است وضع ایران امروز و این وضع را باید ما حفظ کنیم ، دعا کنیم که خداوند این وضع را برای ما حفظ کند و با حفظ این ، هر یک از ما از بین برویم جا داریم ، عوض داریم ، می آیند جایش را پر می کنند و اگر اینطور نباشد ، یک وقتی به طور سابق بشود ، دیگر آنجا جوری است که وقتی یکی رفت به هم می خورد اوضاع . ۴۱۷

قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است

قدرت طلبی در هر که باشد ، این اسباب این می شود که زمین بخورد . قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است ، می خواهد رئیس جمهور امریکا قدرت طلبی کند یا یک طلبه ای در مدرسه بخواهد قدرت طلبی بکند یا یک امام جمعه ای در مرکزی که دارد اگر وضع این باشد که قدرت طلبی در کار بیاید و کار این که : من این طور باید باشم ، بشود ، بداند که این از شیطان است ، شیطان این تزریق را از ابتدا کرده است و ما را هم از این راه بیشتر از جاهای دیگر می تواند بازی بدهد ، که تو فلانی هستی ! تو چه هستی ! دیگران چی اند ! از این معانی . هیچ فرقی مابین آن آدمی که به حسب ظاهر قدرتمند دنیاست و دارد باز هم دنبال قدرت می گردد ، با آن آدم زاهدی که توی یک صومعه نشسته است ، در این جهت فرق نیست که اگر هر دوشان بگویند من این طور این زاهد بگوید : من این زاهد هستم ! من چه ! یا آن بگوید : من قدرتمند هستم ! هر دوی از شیطان است ، بلکه این فسادش بیشتر از آن است ، خودخواهی همیشه اسباب این است که انسان را به فساد بکشد . تمام فسادهایی که در عالم پیدا می شود ، از خودخواهی پیدا می شود ، از حب جاه ، از حب قدرت ، از حب مال ، از امثال اینهاست و همه اش برمی گردد به حب نفس و این بت از همه بزرگتر است و شکستش هم از همه مشکل تر است . تعقیب کنید که اگر نمی توانید به تمام معنا بشکنید که می توانید انشاءالله مشغول باشید به شکستن دست و پای یک همچو بتی . اگر رهائش کنید شما را به هلاکت می کشاند . این طور نیست که ما را رها کند ، ما یک معصیتی بکنیم ما را رها کند ، یک کار دیگری بکنیم زیادتر ما را رها کند . درجه به درجه پیش می برد تا آن جایی که دین انسان را از دست انسان می گیرد . ۴۱۸

با قدرت طلبی مملکت اسلامی را به طاغوت نکشید

اینها خیال نکنند که ما حکومت هستیم و ما راس هستیم و ما وزیر هستیم و ما نخست وزیر هستیم و ما رئیس جمهور هستیم و ما باید هر کاری دلمان بخواهد بکنیم . نه ، مملکت اسلامی است ، نه طاغوتی . مملکت اسلامی را به طاغوت نکشید . من خوف این را دارم که خدای نخواستگه اگر چنانچه این امور زیاد انباشته بشود ، یک وقت همان مسائلی پیش بیاید که مردم با طاغوت عمل کردند . طاغوت برای خاطر اینکه پسر کی بود و نوه کی بود که نبود ، برای اعمالش بود . گر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی

باشد، برای خود باشد، نه برای ملت، دعوا بکنیم سر خودمان، نه برای مصالح ملت، این همان طاغوت است منتها به یک صورت دیگری در آمده اما طاغوت است، طاغوت هم مراتب دارد، یک طاغوت مثل رضاخان و محمدرضا خانمان و یک طاغوت هم مثل کارتر و امثال آنهاست، یک طاغوت هم مثل ماهاست. همه از جند ابلیس می شویم. شما فکر این ملت، فکر این زاغه نشین ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشاندند، فکر آنها را بکنید. شب وقتی خلوت می کنید فکر بکنید که من امروز که کار کردم برای خودم کردم یا برای مردم، امروز که صحبت می کنم برای خودم صحبت می کنم یا برای مصالح کشور. ۴۱۹

دعوا کردن بر سر مسند بر خلاف انصاف است

اگر اینها را فکر بکنید، توجه بکنید و خطراتی که در کشور ما الان در موجود است فعلا و در... موجودیت است، خطراتی که از خارج و از داخل برای ما دارد پیش می آید، اگر اینها را ما توجه به آن بکنیم و یک ملتی که یک مملکت را به شما سپرده است برای اینکه حفظش را بکنید و مصالحش را ایجاد بکنید و متحقق بکنید، اگر بنا باشد که شما با هم شروع کنید به جنگ و نزاع و آن هم نه برای خاطر اینکه یکی مصلحت را این می داند یکی نمی داند، اینها شعر است، همه خودمان را می خواهیم، اگر من یک دفعه گفتم به اینکه بیاید فلان کار را بکنید برای مصلحت و انتقاد از شما کردم برای اینکه شما چنین می کنید، این از نفس اماره است که بروز می کند و لهذا مقایسه اش همین است که اگر آن دیگری همین کار را بکند، این آقایی که مثلا حالا اعتراض کرده او، دیگری همین کار او را بکند، اگر او همین اعتراض را بکند، اشکال می کنند به او. این حيله های نفسانی، حيله های شیطانی بسیار دقیق است و بسیار مشکل است شناختنش که ما بتوانیم بفهمیم، لکن خوب، حالا این چیزهای واضح ترش که انسان می تواند بفهمد. خوب، شما انصاف می دهید که یک مملکتی که خودش را داده و شما را به مسند نشاند، سر مسند جنگ بکنید، دعوا بکنید، هر روز صحبت بکنید، هر روز انتقاد بکنید، روزنامه ها هر روز انتقاد بکنید، روزنامه ها هر روز انتقاد بکنند، هم را بکوبند، به هم تهمت بزنند، به هم افترا بزنند، آخر این انصاف است؟ پیش خدا چه می خواهد شد این؟ پیش ملت چه انعکاسی دارد؟ خارجی ها چه استفاده از آن می کنند؟ آنها همه دلشان می خواهد که شما سر و کله هم بزنید و از مصالح مملکت غافل باشید و آنها یک وقتی کار خودشان را، ضربه خودشان را بزنند. آنها در طول تاریخ و خصوصا در این پنجاه سال کوشش کردند که جوان های ما و ملت ما را غافل کنند و احیانا به جان هم بریزند و خدا خواست که آن خدعه آنها تا این حد باشد و از بین بروند و رفتند. اگر حالا هم آن مسائل را ما تکرار کنیم، یعنی مسائلی که امریکا برای ما پیش می آورد که ما را از مسائل اصلی غافل کند، به مسائل دیگر متوجه کند، به هروئین متوجه کند، به فحشا متوجه کند، برای اینکه از آن راهی که باید برود منحرف بشود، برود دنبال عشرتخانه ها. امریکا - در - یا ابرقدرت های دیگر، آتهائی که می خواستند ما را غارت کنند، در طول تاریخ و در طول این پنجاه و چند سال کوشش کردند که جوان های ما را بی تفاوت بار بیاورند. آن روز آنها می کردند، حالا دست شما افتاد. ۴۲۰

دعوا کردن بر سر مسند و غافل شدن از مردم، خواست قدرتهای بزرگ است

اگر حالا هم شما کارهایی بکنید که توجه مردم را از مصالح و توجه خودتان را از مصالح به چیز دیگر متوجه بشود، عوض اینکه فکر حل مشکل کردستان را بکنید بنشینید و با هم دعوا بکنید، عوض اینکه برای این پابرهنه ها، برای این ضعفا، برای اینهایی که زحمت کشیدند و شما را به اینجا رساندند و حالا هم توقع از شما خیلی ندارند برای اینکه یک آب و نانی، یک آبی، یک نانی، یک برقی، آن چیزهای اولیه را به اینها برسانید، از این غفلت کنید و بروید سراغ جنگ نمی دانم اعصاب و بساط، خوب، این

همان است که آنوقت امریکا می کرد، حالا شما می کنید، آنوقت آن طاغوت می کرد، حالا شما می کنید. شما هم طاغوتید، آنها هم طاغوتند، فرقی نمی کند، یکی شیطان است، یکی شیطان کوچکتر. اگر بنا باشد که شما به جای اینکه اقتصاد مردم را درست کنید، به جای اینکه این کشور را بررسی کنید ببینید کجاست که مخروبه است و مردم از همه چیز ساقط هستند، به جای این اگر چنانچه بنشینید سر مسند و با حرف و با فحاشی به هم مسائل را غفلت از آن بکنید، این همان است که قدرت های بزرگ می خواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم در آید، این همان است. شما هم عمال آمریکائید منتها ملتفت نیستید. یک عاملی داریم که مستقیماً از سفارت امریکا دستور می گیرد، یک عاملی داریم که برای او کار می کند و خودش نمی فهمد، خود آدم نمی فهمد که برای کی دارد کار می کند. اگر شما به مردم کار نداشته باشید، به مصالح مردم، به مصالح کشور کار نداشته باشید، فقط مشغول این باشید که من چطور، شما چطور، من چطورم، شما چطورید، مردم با من هستند، مردم با شما هستند، اگر فکر این باشید، این همان است که امریکا می خواهد و شما از عمال امریکا هستید و در عذاب با آنهایی که از عمال امریکا بودند با توجه، مشترک هستید با کم و زیادش. ۴۲۱

قدرت طلبی ریشه در خودخواهی دارد

در هیچ پیروزی ای به مقدار خارج از متعارف که مربوط به خدا نباشد، غرور و خوشحالی پیدا نکنیم و در هیچ شکستی سرشکستگی نداریم، برای این که ما نمی خواستیم خودمان یک چیزی بشویم که سرشکستگی پیدا کنیم، ما می خواستیم اطاعت امر خدا را بکنیم. خدا فرموده است: بروید دست ظالم را قطع کنید. ما می رویم، آن قدری که قدرت داریم، دست ظالم را، بتوانیم قطع میکنیم، نتوانستیم، کار خودمان را انجام داده ایم. به ما فرموده است که (قاتلوهم)، خداوند تعزیرشان می کند به دست شما. ما مقاتله می کنیم، اطاعت است، یعنی سربسته و در بسته در اختیار او باید باشیم، اطاعت بکنیم، دنبال هر چی می رویم اطاعت بکنیم. اگر موعظه می کنیم برای اطاعت خدا باشد و اگر موعظه می شنویم هم برای اطاعت خدا باشد. اگر جنگ می کنیم برای خدا باشد، اطاعت خدا باشد و اگر صلح می کنیم، اطاعت خدا. هر جا فرموده آن کار را بکنید، آن کار را می کنیم، هر جا فرموده این کار را بکنید، این کار را می کنیم. اگر این طور شدیم که از خودمان یک چیزی را مایه نگذاشتیم، هر چه هست از اوست، چیزی هم نداریم که مایه بگذاریم، خیال می کنیم چیزی داریم، هر چه هست از اوست. هر چه ما خیال می کنیم داریم، نه! از اوست پیش ما، امانت است این امانت هم یک وقتی رد می شود به خودش اگر هم داشته باشیم به خیال خودمان، از ما نیست، اشتباه می کنیم. همه عذاب هایی که در آن عالم هست برای نفهمی آدم است. خیال می کند خودش چیزی است، چون خیال می کند خودش چیزی است، می خواهد به همه تفوق پیدا کند. چون برای خودش هست، می خواهد همه چیز را برای خودش تحصیل بکند، و این است که انسان را به شقاوت می رساند. و سعید این است که هم چیز را برای او بخواهد و برای او خواستن، یعنی برای بندگان خدا، برای احکام خدا. ۴۲۲

هر چه قدرت زیادتر شود، نگرانیها بیشتر می شود

همه انبیا آمده اند که ما را نجات بدهند از این چیزی که خودمان با دست خودمان درست کردیم و کم موفق شدند که هواهای نفسانی ما غلبه کرد بر دعوت های آنها. مقصودم از این مزاحمت این بود که گمان نکنند ابرقدرتها و گمان نکنند دولتمردها و گمان نکنند هیچ کس از افراد که من قانعم به اینکه حالا بشوم فلان رئیس. آشوبی که در قلب شماست بیشتر می شود حالائی که این حد را دارید اگر به آن یک قدری توجه کنید و قانع بشوید آشوب هست اما کم است وقتی هر چه زیادتر شد آشوب زیادتر می شود، نگرانی ها زیادتر می شود پس چرا انسان دست و پا بزند برای زیاد کردن آشوب خودش برای اینکه ناراحتی خودش را

زیاد بکنند. دست و پا بزنند برای اینکه مثل عنکبوت تار دور خودش بتند تمام کارهایی که ما می‌کنیم مثل همین عنکبوت‌ها در آن عالم ظاهر می‌شود که ما خودمان داریم با دست خودمان خودمان را به بند می‌کشیم. چرا می‌خواهید این مقام را پیدا کنید که این مقام برای شما یک چیزی است که صورتش مشوه است در آنجا. چرا دنبال این هستید که زحمت‌های خودتان را زیاد کنید؟ سلمان هم حکومت مدائن بود وقتی سیل آمد و زلزله آمد سیل آمد، سیل آمد، پوستی که زیرش بود برداشت رفت بالا گفت (نجل مخفون ۴۲۳) من چیزی ندارم که آب ببرد یک پوستی هست آن هم برداشتم، حاکم آنجا بود اما آنهایی که زیاد کردند، روی هم گذاشتند، روی هم گذاشتند، چه اموال دنیا را روی هم گذاشتند و چه ریاست‌ها را روی هم گذاشتند آنجا آنهایی هستند که در آن عالم گرفتاری‌شان زیاد است و چرا ما اینقدر زیاد کنیم گرفتاری‌ها را. ۴۲۴

مقام را برای امت خرج کنیم

ما برای این ملت عمل بکنیم ما تمام هممان را صرف کنیم که این کشوری که به این حال درآمده است و همه هم با ما دشمن هستند این را نجاتش بدهیم و همه به فکر نجات باشیم نه به فکر اینکه برای خودمان باشد. برای نجات یک بشر، برای نجات یک ملت، برای نجات اسلام از شر این قدرت‌ها همه کوشش کنیم، شما اگر یک خانه هم داشته باشید بخواهید تدبیر کنید این خانه را، تازن و مرد و بچه و کلفت و اینهایی که هستند، همفکر نباشند، نمی‌توانید یک خانه را اداره کنید. یک کشور را وقتی بخواهید اداره بکنید، اگر همفکر نباشید، اگر همت همه اداره این نباشد، اگر همه در فکر مردم باشید، آنها عباد خدا هستند، بنده‌های خدا هستند. اینهایی که در مرزها دارند کشته می‌شوند و اینهایی که گرفتار اوضاع جنگ هستند و اینهایی که آواره شدند و در این زمین‌ها و در این چادرهای بی همه چیز دارند زندگی می‌کنند اینها بنده‌های خدا هستند و از ماها از من افضلند و محتمل است که از شماها هم افضل باشند چرا ما به فکر آنها نباشیم؟ فکر نجات امت نباشیم؟ چرا یک ذره از آن چیزی که در دل انبیا بود در دل ما نباشد (و لعلک باخع نفسک ۴۲۵) شاید تو می‌خواهی خودت را هلاکت کنی! غصه می‌خورد از بس برای این مردم، غصه پیغمبر برای این کفار بود، این کفار، غصه می‌خورد که اینها نمی‌فهمند دارند چه می‌کنند، اینها دارند برای خودشان جهنم می‌سازند. چرا ما یک ذره ای، یک بارقه کوچکی از این نفس‌های مطمئنه شریف در قلب مان نباشد که برای این امت کار بکنیم نه برای خودمان؟ اگر همه کوشش کنید که برای امت کار بکنید همه چیز اصلاح می‌شود، همه ما بنای مان بر این باشد که این سال جدید انشاءالله که به خیر برایتان باشد. بیایید به فکر این باشیم که ما برای این امت هر کاری می‌خواهیم بکنیم، این مقام را برای امت خرج کنیم این پست را برای امت بگیریم. اگر این مطلب حاصل بشود، ولو به یک مرتبه نازلش هم باشد، این سال جدید سال صلح و سال صفا واقع می‌شود. ۴۲۶

قدرت اگر دست اشخاص غیر مهذب برسد خطر دارد

قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیر مهذب برسد خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است، لکن اگر چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد همین کمال را به فساد می‌کشانند. دنیا امروز گرفتار این است که قدرت در دست اشخاصی است که از انسانیت بهره ندارند. ابر قدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ جز به فکر اضافه کردن قدرت خودشان و پایمال کردن مظلومان هیچ فکری ندارند. آنهایی هم که پیوسته به آنها هستند، آنها هم چون سنخ ذاتشان همان است نظیر آنها عمل می‌کنند. قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت‌ها ایجاد می‌کند. اگر قدرت در دست انبیا باشد، اولیا باشد باعث می‌شود که سلامت در جهان تحقق پیدا کند، کمال در جهان تحقق پیدا بکند و اگر چنانچه در دست زورمندانی باشد که عاقل نیستند، مهذب نیستند مصیبت بار می‌آورد. امروز که مشاهده می‌کنید که این دو قدرت بزرگ یا چند

قدرت بزرگ در عالم حکمفرمایی می‌کنند و برای خودشان حق این امر را قائل هستند که ملت‌های دیگر باید در تحت سلطه ما باشند، این فکر اگر همراهش قدرت باشد مصیبت بار می‌آورد. قدرت در دست ظالم دنیا را به فساد می‌کشاند و اگر چنانچه در رتبه‌های پائین هم بیایم قدرت در دست یک نفر انسانی که از آن قدرت‌های بزرگ بهره ندارد، در همان محیطی که قدرت دارد آنجا را به فساد می‌کشاند آنها عالم را به فساد می‌کشاند. اینها یک کشور را یا دو کشور را. و پائین تر بیایم، اگر قدرت در دست یک آدمی باشد که در یک محله هست، آن محله را به فساد می‌کشد، در یک خانواده هست آن خانواده را به فساد می‌کشد. ۴۲۷

قدرت در دست عاقل، کمال است

قدرت در وقتی کمال است و می‌تواند که کمال خودش را بروز بدهد که در دست دانشمند باشد، در دست عاقل باشد. مرحوم مدرس رحمت الله علیه آنطوری که من شنیدم که ایشان گفتند ایشان گفتند که شیخ الرئیس می‌گفته است که من از گاو می‌ترسم برای اینکه شاخ دارد و عقل ندارد. این یک مسأله است. حالا فرضاً هم شیخ نگفته باشد اما مسأله است. گاو شاخ دارد و عقل ندارد، قدرت دارد عقل ندارد. اینهایی هم که در دنیا الان فساد راه می‌اندازند از همان سنخ هستند که شاخ دارند عقل ندارند، قدرت دارند انسانیت ندارند. شما ملاحظه بکنید که آمریکا در جهان چه دارد می‌کند و شوروی هم از آن طرف و خدا خواسته است که این دو قدرت مزاحم هم هستند، مقابل هم هستند، اگر یکی شان بود دنیا را می‌بلعید. این دو تا قدرتمندند و در مقابل هم ایستاده‌اند، آن از او می‌ترسد و او از او می‌ترسد. اگر اینها از هم ترسند دنیا را از بین می‌برند. نه این است که ادعاهای آنها که ما برای صلح می‌خواهیم چه بکنیم. اینها راه افتاده‌اند آمده‌اند به بیروت، به لبنان برای اینکه ما می‌خواهیم صلح در لبنان باشد. شما صلح طلب نیستید، بر فرض اینکه باشید، آمدن شما به چه مناسبت در کشورهای دیگر؟ حکومت‌هایی که در بعضی از این کشورها هستند، حکومت‌های ملی نیستند، به ملت مربوط نیستند. اگر شما انسان بودید و انسانیت را و امور اخلاقی‌ای که در انسان و ارزشمندهایی که در انسان معتبر است پیش شما هم مقداری از آن بود، ملاحظه حال مستمندان و ملت‌های ضعیف را می‌کردید. نه اینکه یک دولتی را که بر خلاف میل یک ملتی است، سرکار آمده است. شما او را به عنوان اینکه می‌خواهیم دولت را تقویت کنیم، در کشورشان به طور غصب وارد بشوید. این برای این است که مهذب نیستند، انسانیت را در کار نیست، قدرت هست شاخ دارند عقل ندارند. شما ملاحظه بکنید در هر جای دنیا که یک فسادی وارد می‌شود برای همین معنا است که آن کسی که در آنجا، در آن نقطه قدرت دارد، این قدرت دارد عقل ندارد، قدرت دارد انسانیت ندارد. این عقلی که من عرض می‌کنم آن عقلی است که (ما عبد به الرحمن ۴۲۸) والا - تدبیر - شیطنت و تدبیر را اینها هم دارند. اما آن عقلی که عقل سالم باشد و بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند ندارند. مجرد دانشمند بودن به یک معنا، این فایده ندارد. ممکن است یک کسی دانشمند بسیار بزرگی باشد لکن آن عقل را نداشته باشد، دانش خودش را صرف فساد بکند، صرف تباه کردن ملت‌ها بکند. ۴۲۹

تحت تأثیر مقام واقع شدن از ضعف نفسانی است

... آقای رجایی یک نفر آدمی بود که، دستفروشی در بازار از قراری که گفتند، من در مطالعاتی که در ایشان کردم به نظر آمد که از حال دستفروشی اش تا حال ریاست جمهور، در روح او تأثیری حاصل نشد. چه بسا اشخاصی هستند که اگر کدخدای ده بشوند، تغییر می‌کنند به واسطه ضعفی که در نفسشان هست، تحت تأثیر آن مقامی که پیدا می‌کنند واقع می‌شوند و اشخاصی هستند که مقام تحت تأثیر آنهاست از باب قوت نفسی که دارند. و آقای رجایی، آقای باهنر در عین حالی که خوب یکی شان

رئیس جمهور بود، یکی شان نخست وزیر بود، این طور نبود که ریاست در آنها تاثیر کرده باشد، آنها در ریاست تاثیر کرده بودند یعنی آنها ریاست را آورده بودند زیر چنگ خودشان، ریاست آنها را نبرده بود تحت لوای خودش. و این یک درسی است که انسان باید از اینها یاد بگیرد و الحمدلله در این جمهوری بسیاریند همچو اشخاص که تفاوتی به حالشان نکرده است، آن وقتی که در طلبگی بودند یا در بازار بودند/ یا چیزها/ یا وقتی که مقام پیدا کردند فرقی نکرده است که انسان ببیند که خیر حالا یک بادی به غبغب بیندازد و یک هیاهویی بجا بیاورد و اینها نشده است و این مسأله ای است که اهمیت دارد. آن که تحت تاثیر مقام می رود، نه این است که یک مقامی دارد، این از باب این که بسیار آدم ضعیفی است، مقام به او تسلط پیدا می کند و دنبال او هم می رود آن وقت. ۴۳۰

دنبال مقام رفتن بسیار ضرر دارد

و این دنبال رفتن مقام بسیار ضرر دارد برای خود انسان و برای کسانی که در کار هستند برای کشورشان، از آن طرف اگر چنانچه عکس شد، تاثیر خوب دارد، هم برای خودشان و هم برای کشور. و لهذا من با این که ما ابریء نفسی ان النفس لاماره بالسوء ۴۳۱ به شما آقایان عرض می کنم که توجه به این معنا داشته باشید، این مقامات بعد از چند روزی دیگر تمام می شود، آنهایی که در اریکه قدرت های بزرگ بودند بعد از چند روز تمام شد، آنهایی هم که به درویشی و به قناعت زندگی کردند آنها هم تمام شد، این امور تمام می شود، آن چیزی که هست، ما در حضور حق تعالی هستیم و ثبت است در نامه اعمال ما همه امور، همه خلجانان نفسانی و ما باید آن فکر آن جا باشیم. ۴۳۲

نخوت قدرتمندی به دلیل ضعف قدرت روحی و مفلوکی انسان است

شاه مخلوع که الان یک موجود مفلوکی است و به نظر من آن وقت که در اریکه قدرت بود مفلوکتر بود، مفلوک از جهت ادراکات که نمی توانست بفهمد وظیفه او با ملت چیست و ملت چه مقامی دارد در هر کشوری، این معنا را ادراک نکرده بود، از این جهت مفلوک بود و حالا- هم مفلوک است. چنانچه آقای کارتر هم مفلوک است، آنهایی که خودشان در اریکه قدرت نشستند و این نخوت قدرتمندی در مغزهایی که کوچکنند، این اسباب این می شود که هر کاری که می خواهند انجام بدهند، هر چه دستشان می رسد به او انجام بدهند، هر ظلمی که می توانند بکنند، هر ملتی را که می توانند زیر پای خودشان له کنند. اینها جزء مفلوک های عالم هستند برای اینکه قدرت روحی ندارند که هر چه وارد در مغزشان می شود بتوانند کنترلش کنند، همانطور که آدم مفلوک نمی تواند یک راه صحیحی را پیش بگیرد، آدم علیل نمی تواند یک راه صحیحی را پیش بگیرد، آدم علیل نمی تواند یک راه صحیحی برود، آنهایی که برای خاطر قدرتمندی، کوچک بودن مغز و قدرت زیاد، در آن وارد شدند نمی توانند کنترل کنند خودشان را و حفظ کنند مغزشان را، اینها جزء مفلوک ها هستند. ۴۳۳

قدرت در روح انسانهای بزرگ ناهنجار نمی کند

انبیا و اولیا که هر چه وارد می شد، هر چه قدرت در عالم وارد می شد، در اینها هیچ، در آنها تاثیری نمی کرد. آن کسی که زمام یک مملکتی از حجاز گرفته تا مصر و اینجاها را، ایران و سایر جاها تحت سلطه او بود و قدرت جسمی و روحی خودش آنطور بود، می بینیم از یکی از افراد پائین و متوسط متواضعتر است و این قدرت ها ابدا در روح او تاثیر نکرده برای اینکه روح اینقدر بزرگ است که همه عالم را می گیرد، یک روح مجردی که از آن آرایش ها تجرد پیدا کرده است اینقدر وسیع است که همه عالم مثل یک نقطه می ماند در او، آنها لایق زمامدارینند، اسلام آنها را زمامدار کرده است، وقتی هم که دست به دامن آنها

نمی‌رسد باید آن اشخاص که نزدیکتر به آنها هستند از سایر افراد، آن اشخاص که بهتر می‌توانند هضم کنند قدرت‌ها را، کمتر قدرت مآبی در کله آنها تاثیر بکند، باید زمامدار باشند، مع الاسف دستمان کوتاه است. امثال اینهایی که تا یک ریاست پیدا می‌کنند، تا یک قدرت ریاست پیدا می‌کنند، تا یک قدرت پیدا می‌کنند، مثل حیوان‌های چموش شروع می‌کنند به شرارت، اینها مفلوکند، همانطوری که اینها الان اسم محمدرضا را می‌گویند یک مریض مفلوک که، من می‌گویم در آن زمان که قدرتمند به نظر شما بود مفلوکتر بود از حالا-، حالا هم شما مفلوکید و همه قدرتمندهایی که به واسطه یک قدرت نمی‌توانند خودشان را کنترل کنند و نمی‌توانند هضم کنند آن قدرتی که بر ایشان وارد می‌شود، اینها جزء همان مفلوک‌ها هستند و لهذا این مفلوک‌ها هستند که دور هم می‌نشینند و به تبع این مفلوک اصلی یک ملتی را محکوم می‌کنند. ۴۳۴

نظر انسان اگر محدود باشد مقام و ریاست، انسان را از خود بیخود می‌کند

امروز باید همانطوری که در سابق به رئیس جمهور سابق بعضی مطالب را تذکر دادم، به آقای رجائی هم تذکراتی بدهم. قضیه مقام و ریاست هر چه باشد، این وقتی که نظر انسان یک نظر محدود دنیائی باشد، این مقامات، انسان را از خودش بیخود می‌کند، اینها را مقام می‌داند. شما حساب کنید که این سیاره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم به اسم زمین، در مقابل منظومه شمسی چقدر است و این منظومه شمسی که ما یکی از سیارات کوچکش را در آن زندگی می‌کنیم، در مقابل کهکشان چقدر است و این کهکشان‌هایی که تاکنون کشف شده است که گفته می‌شود که تا آنقدر که از ستاره‌های نورانی کشف شده است به مقدار شش میلیارد سال نوری است. یعنی اگر نور آن ستاره‌ای که در آخر است بخواهد بیاید به پیش ما، شش میلیارد سال نوری طول می‌کشد و آن چیزی که ماورای اینهاست و باز کشف نشده است، حتما بدانید که بیش از این معانی است. اینها هم در مقابل عظمت خالق ناچیزند. ما باید چقدر ضعیف باشیم که در این ذره‌ای که خودش و آن منظومه‌ای که این یکی از ستاره‌های کوچکش است، اصلاً به حساب نمی‌آید و اگر گم بشود نمی‌توانند پیدایش بکنند در این غائله بزرگ عالم، ما چقدر از این سیاره در اختیارمان هست؟ یک ایران. ایران یک قطعه کوچکی است در مقابل این سیاره و حکومت ایران هم یک حکومت ناچیز کوچکی است در این سیاره و سیاره ما هم یک چیز کوچکی است در مقابل منظومه شمسی و منظومه شمسی ما هم یک چیز بسیار کوچک است در مقابل منظومه‌های دیگر و همه آنها از خداست و خالق او خداست. ۴۳۵

ما اگر بندگی خدا را بپذیریم این مقام‌ها نباید در ما تأثیر کند

ما اگر بندگی خدا را بپذیریم و قلب ما منور بشود به نور بندگی خدا و عبودیت، این امر ناچیزی که به حساب در عالم نمی‌آید، در ما تاثیر نباید بکند. شما دیروز نخست وزیر بودید و پریروز وزیر بودید و قبل از او معلم بودید و قبل از او هم یک شاگردی بودید و بعد از این هم معلوم نیست کی از اینجا بروید، ممکن است خدای نخواستہ همین حالا که بیرون رفتید یا همین حالا یک بمبی اینجا باز منفجر بشود و فاتحه همه را بخوانند. وقتی مطلب این است چرا باید انسان قبل از ریاست جمهور و بعدش فرق بکند؟ مگر ریاست جمهور چه هست؟ کسی که دلش به نور توحید روشن است مگر عالم چه هست؟ همه عالم چه هست؟ همه عالم در مقابل عظمت خدای تبارک و تعالی چیزی نیست. تمام این عالم مادی در مقابل عالم‌های معنوی که هست قدر محسوسی ندارد، آنوقت ما برای یک کدخدای ده یا یک کدخدای شهر، یا کدخدای یک کشور خیال بکنیم که خیر، ما الان یک چیزی هستیم و دیگران - را - به نظرم کوچک بیایند و خودمان را بزرگ. ۴۳۶

اگر تحت تأثیر مقام واقع شوید، در دنیا و آخرت تباه خواهید شد

اگر شما ملاحظه کردید در نفس خودتان که غیر از خدا از او کسی اطلاع ندارد و خودتان هم تا یک حدودی اطلاع دارید، اگر دیدید که این مقامی که خدای تبارک و تعالی مردم را دلشان را متوجه کرده است به شما و به شما داده اند، این مقام شما را محکوم خودش می کند و شما مرکوب او و او را کب شما هست، بروید خودتان را تصفیه کنید و بدانید این را که با دست خودتان خدای نخواستہ خودتان را در دنیا و آخرت تباہ نکنید. خدای تبارک و تعالی حاضر است، همه این عالم در محضر حق تعالی است و تمام خطرات قلبی ما و تمام لحظات عمر ما و تمام آنچه که در باطن ما می گذرد، در مغز ما می گذرد در محضر حق تعالی است و ما باید برگردیم به محضر حق تعالی و آن جا در آن محضر دیگر حساب پس بدهیم. هر چه آراء زیادتر باشد مسؤ ولیت زیادتر است. اگر آراء شما پنج میلیون بود، مسؤ ولیت تان کمتر بود، حالا- که سیزده میلیون بیشتر است مسؤ ولیت شما حجمش زیادتر است، برای اینکه شما جواب یکی یکی از این افرادی که به شما رای دادند و شما را به عنوان رئیس جمهور اسلام، رئیس جمهوری کشور اسلامی تعیین کردند، هر یک از اینها فردا می آیند شما را می گیرند، جواب از شما می خواهند، من شما را تعیین کردم رئیس جمهوری اسلامی باشید و اسلام را در این کشور تاءید کنید و پیاده کنید و خدای نخواستہ شما نکردید. اقلا حدود سیزده میلیون و هزار و چند صد نفر می آیند سراغ شما و شما ببینید که می توانید جواب این را پیش خدا بدهید؟ این جمعیتی که آنجا در حساب جمع شدند و از شما بازخواست می کنند، اگر می توانید، جواب بدهید و نمی توانید و ما هیچ نمی توانیم. ۴۳۷.

باید بنا را بر این بگذارید که دیروز شما و امروزتان با هم فرقی نداشته باشد

باید بنا، بر این بگذارید که دیروز شما و امروزتان با هم فرقی نداشته باشد، هر دو برای خدمت به این مردم، اینهایی که زحمت کشیدند و جان دادند، مال دادند، رنج کشیدند و شما آقایان را به این مقام رساندند. یک وقت نخست وزیر بودید و حالا هم رئیس جمهورید، جواب می خواهند اینها. اگر چنانچه شما پایتان را کج بگذارید، همین سیزده میلیونی که به شما امروز رای دادند فردا مرده باد می گویند. انقلاب اینطور است، وضع انقلاب اینطور است. طوری است که مردم دیگر سر بسته و در بسته تسلیم کسی نمی شوند. مردم هر یکی شان نظر دادند. شما می بینید که وقتی که در تلویزیون نظرخواهی می کنند از افراد، از زن، از مرد، از جوان، از پیر، همه نظر می دهند، اینطور نیست که بی تفاوت باشند. اگر هر یک از ما تخطی کنیم از آن خواستی که ملت دارد و آن خواستش اسلام است و احکام اسلام، اگر هر یک از ما تخطی کنیم، علاوه بر آنکه در محضر خدای تبارک و تعالی در آن روزی که همه وارد می شوند و حساب است در کار، جوابی نداریم همین مردم هم در همین جا به حساب می رسند، اینها نمی گذارند که، آن حسابش علیحده، همین مردم هم در همین جا به حساب می رسند، اینها نمی گذارند که، آن حسابش علیحده، همین مردم در همین جا شمائی که الان به مقام ریاست جمهور رسیدید اگر فردا خدای نخواستہ تخطی کنید از آن راهی که راه ملت است و راهی که اسلام پیش پای همه ما گذاشته است، همین سیزده میلیون و زیادتر که به شما رای دادند و اعتماد به شما کردند برمی گردند. آنجا هم حسابش، آنجا بدتر است. اینجا وقتی بر می گشتند خوب، شما می روید منزلتان می نشینید، اما آنجا کار مشکل است، باید شما حساب آنجا را بکنید. اگر چنانچه ما نفوسمان اینقدر به دنیا متوجه است و منکوس هستیم و استقامت نداریم، اگر چنانچه ما اینطور باشیم و خودمان دنبال اصلاحش نباشیم، این اخلاص الی الارض و توجه به ارض و رو کردن به مرتبه پایین و پشت کردن به معانی و معنویات اثرش این است که انسان در آن عالم، یک حیوان آنطور منکوس. همانطوری که اینجا کرده است، نقشه اش آنجاست. تمام چیزهایی که در اینجا واقع می شود یک صورتی در آنجا دارد. انسان مستقیم القامه اگر تمام توجهش به طبیعت شد، این استقامت قامتش را در آن طرف از دست می دهد، می شود مثل یک حیواناتی که سرشان رو به زمین است. و تمام عذاب هائی که در آن عالم است از خود ماست. خداوند تبارک و تعالی مهیا نکرده یک چیزی را که

ماوراء خود ما به ما بدهند ، همه اینها آنی است که ما خودمان به دست خودمان تهیه می کنیم و به آن می رسیم ، اعمال ماست رد به ما می شود . شاید چندین آیه در قرآن کریم به این معنا اشاره بفرماید که این اعمال خودتان است ، شما ، از خارج به شما هیچ چیز نرسیده است . در روایات معراج هم هست که پیغمبر اکرم دیدند که بعضی از اینها ملائکه ای که در آنجا هستند دارند یک کارهایی را انجام می دهند ، درخت هائی را می کارند ، چه می کنند ، گاهی هم می ایستند . این را پرسیدند ، جبرئیل عرض کرد (به حسب آنطور که نقل شده است) که اینها اعمالی است که مصالحش را خودشان دارند می فرستند ، اینها اینجا درست می کنند وقتی آنها مشغول کار خیر هستند اینها هم مشغول هستند ، مصالح می رسد . وقتی آنها نه ، در جهنم هم همین است و اگر جهنم و بهشت هم خدای نخواستہ ما قائل نباشیم ، این دنیا مجازات ما را می دهد همین جا . ۴۳۸

از تنگی چشم و قلب انسان است که خیال می کند ریاست یک چیزی است

باید شما توجه کنید که مسؤ ولت شما از باب اینکه آراءتان خیلی زیاد است مسؤ ولت تان خیلی زیاد است . همچو نیست که آن آقایان دیگر نداشته باشند ، آنها هم مسؤ ولت دارند ، همه ما در مقابل اسلام مسؤ ولیم . این اسلامی که با خون اولیا و بزرگان به دست ما سپرده شده است و الان ما مسؤ ول او هستیم ، این اسلام را ما باید به نسل آتیه برسانیم . یک روزی بود که ما بعضی مان عذر داشتیم یا همه مان ، که نمی گذارند که ما عمل کنیم به اسلام . در رژیم سابق ، خوب ، خیلی ها می گفتند که از ما نمی آید ، اگر می آمد ، می کردیم . امروز اینطور نیست ، امروز دست همه باز است . مجلس دستش باز است و هیچ کس آقا بالا سر او نیست . دولت هم دستش باز است و مجلس هم تاییدش می کند . رئیس جمهور هم دستش باز است و ملت تاییدش کرده اند . هیچ عذری برای ما نیست امروز . اگر چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحش نرویم ، عذری نداریم . همه ما ، چه آنهایی که لشکری هستند و اینجا هستند و نیستند و چه آنهایی که در کشور خدمت می کنند و چه مردم دیگر ، همه ما مسؤ ول هستیم کلکم راع و کلکم مسؤ ول وقتی همه ما مسؤ ول هستیم و همه ما در مقابل خدا جواب باید بدهیم ، باید فکر این کشور باشیم ، فکر این اسلام که در کشور ما تشریف آورده اند و قدمشان روی چشم ، باشیم . نرویم سراغ اینکه حالا که من شدم رئیس جمهور باید چه بشود و چه بشود و من هم باید مقامم چه باشد . خیر ، این از ضعف نفس انسان است ، از تنگی چشم و قلب انسان است که خیال می کند این یک چیزی است . این یک چیز اعتباری است که امروز دادند فردا هم تمام می گیرندش می رود سراغ کارش . شما برای این ملتی که در این چند سال آنقدر در طول تاریخ زحمت دیده هیچ ، به مرئی و منظر ما اینهمه جدیت کرده و جوان داده و مال داده و جان داده است تا اینکه آن رژیم را کنار گذاشته است و شما را روی کار آورده است ، شما برای این ملت باید کار بکنید . این مملکتی که به دست شما افتاده است باید ارتش برای این کشور کار بکند ، برای سپاه پاسداران ، ژاندارمری ، همه قوای مسلح باید برای این مملکت خدمت بکنند ، این امانتی است دست شما . مساءله ، مساءله این جا نیست تنها ، اینجا هم اگر خدای نخواستہ ارتش یک سستی بکند و خدای نخواستہ یک غلبه ای واقع بشود از غیر (که نخواهد شد) آن هم در همین دنیا ننگش بر پیشانی همه است . و مساءله ، مساءله این جا نیست ، مساءله جای دیگری است که ما از آن غافل هستیم . تمام اعمال شما ، تمام جدیت های شما ثبت است و همه عالم این چیزها را ثبت می کند در خودش و ما باید جواب بدهیم ، ارتشی باید جواب بدهد ، اگر خدای نخواستہ کوتاهی بکند ، و آنهایی هم که متکفل امور کشور هستند ، آنها هم باید جواب بدهند . شما باید برای این پابرنه ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و اینها را به حساب نمی آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می داشتند و به اصطلاح کدخدا را می دیدند و ده را می چاییدند ، شما باید توجهتان به این توده های مستضعفی که با زحمت خودشان و رنج خودشان الان در جبهه ها مشغول فداکاری هستند که خداوند تاییدشان کند و در پشت جبهه هم مشغول فداکاری هستند و مستضعفند ، آن بالاها اینها را ضعیف می شمارند و می شمردند و اینها به حساب نمی آمدند و در رژیم سابق

برای اینها کاری نشده بود، برای اینها کار کنید. قانع نشوید به اینکه بعضی جاها کار شده است، می دانم شده است، خیلی هم شده است اما نباید قانع شد، باید همه دست به دست هم بدهید که انشاءالله برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود. ۴۳۹

راگر انسان مقام را مهار کند و در اختیار خود بگیرد، به سعادت می رسد

اینها حق دارند به ما و به شما، خیلی حق دارند، سیزده میلیون رای به شما داده اند، اینها حق دارند به شما، باقی هم حق دارند به شما. و همین طور وقتی دولتی پیش می آید، آن هم دولتی است که مردم به آن حق دارند. اگر نبودند این مردم، شما هم شاید حالا در حبس بودید و آن زجرها را می کشیدید، دیگران هم که متعهد بودند، آنها هم در حبس بودند یا در جاهای دیگری. این ملت حق دارد، شما، دست شما را گرفته آورده این بالا- نشانده، شما باید خدمت کنید به این مردم. شما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشیم و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم، اینها بندگان خدا هستند. خدای تبارک و تعالی علاقه دارد به این بندگان و ما مسؤل ولیم باید خدمت بکنیم. و من امیدوارم که شما به حسب آن روحیه ای که دارید، آقای رجائی به حسب آن روحیه ای که دارند، این مقام ایشان را بازی ندهد، شما سوار مقام بشو مقام سوار شما نشود. این دو تا مثل راکب و مرکوبند. اگر انسان روحیه اش طوری باشد که سوار بشود بر هر مقامی که برای او پیش می آید و مهار کند او را، این به سعادت نزدیک می شود. و اگر روحیه ضعیف باشد و وقتی که به یک مقامی رسید او سوار آدم بشود، او هر جا دلش بخواهد انسان را می برد تا به هلاکت می رساند. ۴۴۰

قدرت را در جای خودش اعمال کنید

شما جوان های عزیزی که الان برای اسلام دارید خدمت می کنید و مطمئن باشید که ارزش بسیار زیاد دارید شما، توجه به روحیات خودتان بکنید که نبادا در این امر شیطان دخالت بکند. قدرت دست تان هست نبادا که این قدرت را اعمال بکنید در یک جایی بر خلاف. مراقبت کنید از خودتان. مواظبت کنید از خودتان. اینکه من عرض می کنم، مخصوص به شما نیست، همه ما باید این مطلب را در نظر داشته باشیم. همه ملت ما، همه انسان ها باید توجه به این معنا داشته باشند که قدرت را به جای خودش اعمال کنند. انبیا قدرت شان را به محل خودش انجام می دادند. حضرت موسی عصایش را می برد با فرعون مقابله می کرد، با دیگران با آن محبت بود. پیغمبر اکرم قدرت خودش را برای سرکوبی اشخاصی که از جهات آدمیت خارج شده اند، از مرز انسانیت خارج شده اند و مردم را دارند به تباهی می کشند اعمال می کرد. قدرت ها باید اعمال اگر شد برای جلوگیری از فساد باشد نه خودش فساد بیاورد. فرق ما بین شما عزیزان و آن اشخاصی که در جبهه ها جنگ می کنند با آنهاست که در مقابل شما هستند، صورت عمل که یک صورت است، آنها می کشند شما هم می کشید، اما کشتن شما یک عمل عبادی است و کشتن آنها یک عمل جنایی است. این روی انگیزه ای است که هست، روی معنایی است که این دو عمل دارند، نه روی صورت عمل است. شما برای خدا جهاد می کنید، آنها برای شیطان جهاد می کنند. آنها تبع شیطان هستند و شما تبع خدا هستید. این فاصله ما بین این دو امر است توجه کنید که این محفوظ بماند. ۴۴۱

قدرتمندها وقتی شکست می خورند بسیار ضعیف می شوند

موازین، موازین اسلامی است. اینجا جمهوری اسلامی است. اینجا اسلام حکومت می کند. بنابراین باید مواظب باشید از خودتان کسانی که قدرت دارند، دولت قدرت دارد، سپاه قدرت دارد، ارتش قدرت دارد، بسیج قدرت دارد، اینهایی که قدرت دارند

باید حفظ جهات انسانیت را، جهات اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند. این قدرت را در محلس خرج بکنند تجاوز از محلس نشود. و من امیدوارم که با حفظ این جهات انسانی و اسلامی شما الگو بشوید از برای همه کشورهای که آن مسائل ما به آنها رسیده است و می‌رسد. و این مرده دیگر از بین رفته است، دیگر شما خیال نکنید، اینها دست و پای است که در حال احتضار دارد می‌زند. این قدرتمندها آن آخر عمرشان اینطور جنون پیدا می‌کنند. اینهایی که در حالی که قدرت دارند آن شارت و شورت را می‌کنند، وقتی شکست می‌خورند بسیار هم ضعیف می‌شوند. ۴۴۲

آنها که ایمان دارند، در مقابل قدرت ضعیف نیستند

آنهايي که ایمان دارند نه آن طرف ضعیف دارند، نه این طرف ضعیف دارند. نه قدرت وقتی که هست دست شان ضعیف روحی پیدا می‌کنند و مردم را اذیت می‌کنند، نه وقتی مغلوب شدند ضعیف پیدا می‌کنند و دیگران را می‌زند که چرا دیگری من را زده است. این مال ضعیفی است که آنها دارند و ضعیف داشتن شان دنبال این است که ایمان ندارند، خدا را نمی‌شناسند، توجه به مسائل الهی ندارند، توجه به مبدا و معاد ندارند. آنها مثل زندگی حیوانی که دیگر حیوانات می‌کنند بدتر از آن، جرایم شان بیشتر از آنهاست همان است که شیخ الرئیس، از آن نقل کرد مرحوم مدرس که شاخ دارد و عقل ندارد انشاءالله خدا این شاخدارها را عقل بدهد و این قدرتمندان را انسان بکند و یا اینکه قدرت آنها را سلب بکند. ۴۴۳

این ریاست ها می‌گذرد

این را باید انسان توجه بکند به اینکه این چند روز می‌گذرد، این ریاست ها می‌گذرد، شما هر چه هم بخواهید چیز بکنید از محمد رضا نمی‌توانید بالاتر بروید، هر چه هم دست و پا بکنید، آنها را پیدا نمی‌کنید و انشاءالله نخواهید پیدا کرد و نخواهید که بخواهید. او رفت تمام شد، حالا پیش خداست. چه خواهد شد، خدا می‌داند ما هم این روز را داریم، ما هم فردا یکی مثل من دیرتر و زودتر و آن هم که معلوم نیست که کی زودتر. ولی خوب، ما آخر است و باید برویم، شما که الان جوان هستید، به فکر این باشید که اصلاح کنید خودتان را، به فکر این باشید که برای این مملکت کار بکنید. ۴۴۴

هر بلائی جامعه از دست قدرتمندان می‌بیند در اثر خودخواهی است

من اول دعا می‌کنم که خدای تبارک و تعالی شما آقایان را از عنایت خودش محروم نکند و شما را به راهی که رضای اوست هدایت بفرماید و شما به مقصدی که مقصد اسلام است و آرزوی ملت است برسید. آنچه که خطر برای هر انسانی و هر متصدی امری هست حب نفس است. راس همه خطاهائی که انسان می‌کند، حب نفس است. هر بلائی سرانسان خودش می‌آید یا جامعه از دست قدرتمندان می‌بیند این در اثر هوای نفس و خودخواهی است. در روایات ائمه ما فرموده اند: راس کل خطیئه، حب النفس یعنی همه خطاهائی که از انسان صادر می‌شود در اثر همین خودخواهی و غفلت از خداست. انسان باید کوشش کند که این حب نفس را اگر نمی‌تواند تمام کند کم کند، البته مسأله بسیار مشکلی است و محتاج به ریاضت است، لکن مسأله نشدنی نیست، مشکل است، لکن نشدنی نیست. اگر انسان در هر امری که وارد می‌شود در آن امر خودخواهی را کنار بگذارد و مصلحت را ملاحظه بکند و خدا را ملاحظه بکند، هم موفق می‌شود و هم از خطراتی که بر این خودخواهی است در امان می‌ماند. شما که الان از وزرای محترم هستید و مملکت اسلامی به شما سپرده می‌شود و پست های شما پست هائی است که باید در آن اعمال بسیار شایسته انجام بگیرد، کوشش کنید که اولاً گمان نکنید که ریاست، از ریاست درجه اول تا آخر، یک چیزی باشد، یک امر اعتباری است، یک دسته ای جمع می‌شوند یکی را می‌گویند تو کارها را انجام بده. ۴۴۵

در نظر حضرت امیر (علیه السلام) ریاست مطرح نبود مگر اینکه بتواند یک عدلی را اقامه کند

در نظر داشته باشید که حضرت امیر سلام الله علیه در حالی که به حسب فهم جامعه، ریاست یک کشور بسیار بزرگی را داشت از حجاز تا مصر، عراق، ایران، همه را داشت، آنوقت چه جور بود وضعش، چه جور بود سلوکش با مردم و چه بود سفارش‌هایی که به عمالش یا به حکومت‌هائی که از طرف او بودند، چه سفارش‌های ارزشمندی فرموده است. البته ما نمی‌توانیم خود او باشیم، لکن می‌توانیم که شیعه او باشیم، پیرو او باشیم، تا آن حدودی که بتوانیم باید پیروی از او بکنیم. او تمام مقصدش خدا بود، اصلش این دنیا و این ریاست دنیا و اینها در نظر او چیزی نبود مگر اینکه بتواند یک عدلی را در یک دنیا برقرار کند، و الا پیش آنها مطرح نبود که یک ریاستی داشته باشند یا خلافتی داشته باشند، مگر اینکه بتواند یک عدلی را اقامه کند و یک حدی را جاری کند. ما باید از آنها درس بگیریم و پند بگیریم و به شیوه آنها تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم عمل کنیم و از آن چیزهائی که دام شیطان است که بزرگترین دام همان خودخواهی انسان است، از این دام‌رهائی پیدا بکنیم و به صراط مستقیم الهی راه برویم تا بتوانیم هم خودمان را اصلاح کنیم و هم جامعه مان را. ۴۴۶

ما باید ببینیم این ملتی که ما را به این مقام رسانده اند از ما چه می‌خواهند

شما ببینید که چه حکومتی در دست شما آمده و از چه راهی آمده است و کی به شما این حکومت را محول کرده. اگر چنانچه پنج سال پیش از این، ده سال پیش از این را شما در نظر بیاورید، وضع آنوقت را در نظر بیاورید، حکومت آنوقت را در نظر بیاورید، ملت را نسبت به حکومت و حکومت را نسبت به ملت در نظر بیاورید و حبس‌ها و زجرها و تبعیدها و قتل‌ها را که در آن حکومت واقع می‌شد به نظر بیاورید و از خودتان سوال کنید که چه شد که این شد؟ چه شد که یک روز آنطور جنایتکاری‌ها واقع می‌شد و اختناقها و آن مسائل و مصائب برای کشور ما بود و حالا- چه شده است که ما آزادانه اینجا با هم نشستیم و شما آزادانه مسائلتان را با مردم مطرح می‌کنید و مردم هم آزادانه یا انتقاد می‌کنند یا تعریف می‌کنند از شما، این آزادی را کی به ما داد؟ و این استقلالی که الان ما داریم و کسی نمی‌تواند دخالت کند در کشور ما، این را کی به ما داد؟ جز این بود که این پاره‌پاره‌ها و این زاغه‌نشین‌ها و این دانشگاهی‌های محروم و این مردم کوچه و بازار با هم جمع شدند و برای خدا قیام کردند و نهضت کردند و ما را به این آزادی رساندند و آن سدهای بزرگی که در تصور کسی نمی‌آمد که شکسته بشود، شکستند و ما را به آنجا رساندند که وزیر بشویم و رئیس جمهور بشویم و وکیل بشویم و همه اینها را داشته باشیم و همه از این ملت است. ما هر چه داریم از این ملت است، البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام دادند. ما باید ببینیم که این ملتی که ما را به این مقام‌ها رسانده‌اند، از ما چه می‌خواهند و ما باید برای آنها چه بکنیم. از ما می‌خواهند که تمام این ارگان‌هائی که هستند، تمام این روسای که هستند از رئیس جمهور گرفته و نخست‌وزیر و وزرا را تا وکلا و عرض می‌کنم که وزارتخانه‌ها و هرچه در آنها هست، اینها می‌خواهند که اینها همه در راه اسلام که خواست ملت بود و همه کوشش‌شان برای اسلام بود و اسلام آنها را موفق کرد، اینها هم در همان طریق اسلامی راه بروند. طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند، بیشتر توجه‌شان به آنها باشد. در طول تاریخ، حمایت حکومت‌ها از قلدرها بوده است. ۴۴۷

این ریاست‌ها رفتنی است

در همه امور، در تمشیت همه امور باید انسان آنچه را که مصلحت اسلام است، کسانی که متصدی امور هستند آن چیزهایی که مصلحت اسلام است آن چیزهایی که مصلحت ملت اسلام است، در نظر بگیرند. از هواهای نفسانی که سرچشمه همه فسادها

هست ، جلو بگیرند . گمان نکنند که ما حالا این جا را می خواهیم کافی است ، خیر ! هیچ چیز برای انسان کافی نیست . قلب انسان قدرت مطلق طلب است ، یعنی قدرت خدا می خواهد فانی در او بشود و این حد ندارد ، لاحد است . لکن چون ما مطلع نیستیم ، نمی فهمیم از این جهت گمان می کنیم این چیزها را می خواهیم و همه عذاب های انسان برای همین است که نمی داند چی می خواهد . این چند روز دنیا رفتنی است ، این ریاست ها رفتنی است ، آنچه که به جا می ماند این است که ما چه کردیم و در محضر مقدس حق تعالی چکاره هستیم . این اگر اصلاح بشود ، همه چیز اصلاح می شود . و من امیدوارم که برای همه و خصوصا آنهایی که کارهای کلیدی در دست شان است ، این مسأله حل بشود و اگر حل شد ، مسائل دیگر هم حل می شود . ۴۴۸

هر مقامی که برای بشر حاصل شود روزی گرفته خواهد شد

این کلمه تذکر برای همه است . حب الدنيا راس کل خطیئه هر مقامی که برای بشر حاصل می شود ، چه مقام های معنوی و چه مقام های مادی روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است . توجه داشته باشند همه کسانی که برای بشر خدمت می کنند ، کسانی که دارای مقامی هستند و دارای پستی هستند ، که مقام آنها را مغرور نکند . مقام رفتنی است و انسان در وجود خدای تبارک و تعالی ماندنی است . من از آقای بنی صدر می خواهم که مابین قبل از ریاست جمهور و بعد از ریاست جمهور در اخلاق روحی شان تفاوتی نباشد ، تفاوت بودن دلیل بر ضعف نفس است و من از همه کسانی که در مقامی هستند ، چه مقام های کشوری و چه مقام های لشگری می خواهم که به مقامات خودشان مغرور نباشند و در راه اعتلای اسلام و اعتلای ملت مسلمان و اعتلای کشور ایران کوشا باشند . و اینطور نباشد که به واسطه تقدم و تاخر یک نفر یا چند نفر موقتا ، اسباب این بشود که کناره گیری کنند و یا خدای نخواستہ مخالفت و کارشکنی . ۴۴۹

اگر کارها با خودخواهی و غرور همراه شد ، مبداء شکست انسان است

و شما آقایان مخصوصا روحانیون ، هرچه می توانید مردم و جوانان را تحریک کنید و متوجه سازید که وقتی برای اسلام کار می کنیم باید به طور مهذب باشد که اگر خدای نخواستہ کارها با خودخواهی و غرور همراه شد ، مبداء شکست انسان است . باید اتکال به خدا باشد و خدمت برای خدا ، خدمتی که در هر جا انجام شد عبادت باشد کما این که افرادی که در بسیج و سایر جاها برای خدا خدمت می کنند ، همه در حال عبادت هستند و بسیج یک امر بسیار مهم و خوب . بحمدالله این کشور الان در تحت عنایت حق تعالی و در تحت حمایت ولی عصر سلام الله علیه به مقامی رسیده است که می تواند راه خودش را طی کند و امیدوارم که غرور برای ما پیدا نشود و همیشه توجه به خدا و اینکه کارها را غیب دارد انجام می دهد و شما دعا کنید که به دست شما انجام بدهد . ۴۵۰

کوشی کنید به این کلمه فرماندار مغرور نشوید

از جمله تحولاتی که باید بشود و شما آقایان باید کوشش کنید ، این است که به این کلمه فرماندار مغرور نشوید که شما فرماندار هستید . این کلمه فرماندار مال وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر نباشد و برادری نباشد و طبقه ای طاغوتی باشد و مردم دیگر فرمانبردار آنها . در صورتی که در اسلام مطرح نیست . آنهایی که سرتاسر کشور اسلامی را اداره می کردند ، آن هم آن کشوری که از حجاز تا مصر و آفریقا و عراق و ایران و همه این ممالک اسلامی که می بینید ، اروپا هم یک مقدارش ، تحت فرمان بود ، معذک اینطور نبود که معاملاتشان با رعیت ، معامله فرمانفرما و فرمانبر باشد . خود رسول اکرم (ص) وضعشان با مردم مثل یکی از سایرین بود ، یکی از اشخاص بود ، نه یک منزل فرمانفرمایی داشتند و نه در محافل که بودند ، یک امتیازی بود که مردم ببینند

که این بالا نشستن و پائین نشستن، این مسائل مطرح نبود. بعضی از این عرب‌ها که از خارج می‌آمدند و وارد مسجد می‌شدند و پیغمبر را با سایرین نشسته بودند، وضع جوری بود که نمی‌شناختند که خوب، کدام یکی پیغمبر است و کدام یکی اصحاب، می‌پرسیدند که کدام یکی تان هستی. برای اینکه وضع نشستن دور بود و حتی اینکه حالا شما اینجا می‌بینید که یک پتو اینجا انداخته‌اند و یک اشخاصی هم اینطوری نشسته‌اند که اگر یکی از خارج بیاید یک امتیازی قائل می‌شود، نبود. حضرت امیر سلام الله علیه همان روزی که بیعت با وی کردند، بیعت به خلافت رسول الله، همان روز بیل و کلنگش را برداشته و رفت سراغ یک جائی که کار می‌کرد، خودش کار می‌کرد دستش پینه داشت. وضع این سردارهایی که حکومت‌های بلاد بودند با مردم وضع، وضع فرمانبرمائی و فرمانبرداری نبوده است، وضع خدمت بوده است که فرمانفرماها خدمتگزار مردم بودند. این انفصالی که شما دیدید در زمان رژیم سابق و طاغوت که بین حکومت‌های بلاد، استاندارهای بلاد با مردم یک جدائی بود که هر کدام دشمن دیگری بودند، مردم اینها را به صورت یک دشمن حساب می‌کردند ولو اینکه خدمتگزار هم بودند لکن مردم نمی‌پذیرفتند، این برای این بود که وضع رژیم اینطور بود. رژیم‌های سلطنتی و طاغوتی هر جا که هستند، وضع رژیم اینطور اقتضاء می‌کرد که با یک تشریفاتی و هیاهویی مردم را از خودشان رم بدهند، بترسانند و لهذا مردم پشتیبان نبودند. ۴۵۱

رهبری فی نفسه وظیفه سنگین و خطرناکی است

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرت‌ها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان نمایند که رهبری فی نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام‌الایی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد. از خداوند منان هادی با تضرع و ابتهال می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف تر برای رواساء جمهور حال و آینده و دولت‌ها و دست‌اندرکاران به حسب درجات در مسؤلیت‌ها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد. ۴۵۲

دولتمردان را خدا امتحان می‌کند

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: (بشّر الصابرين ۴۵۳) آنهایی که صبر می‌کنند، به آنها بشارت بده آنهایی که در مصیبت‌ها، در نقص ثمرات، در نقص انفس، در نقص اولاد صابر هستند و می‌گویند که: انا لله و انا الیه راجعون ۴۵۴ ما از خدا هستیم و به او بر می‌گردیم، از او هستیم و به او رجوع می‌کنیم. جوان‌های ما از خدا هستند و در راه خدا فداکاری کردند و به خدا مراجعت می‌کنند. انسان اگر چنانچه هر چه دارد بفهمد که از خداست، اگر زندگی دارد، خدا به او داده است و اگر اولاد دارد، خدا به او اعطا کرده است و اگر ثروت دارد، خدا به او اعطا کرده است و همه چیز را خدای تبارک و تعالی اعطا فرموده است، اگر دل انسان به این معنا ایمان بیاورد و اطمینان به این معنا داشته باشد، چیزی که امانت الهی است، به خدا برگردانده، اولادها اماناتی هستند از خدا، زن و فرزند امانت‌هایی هستند از خدا، دارائی‌ها امانت‌هایی هستند از خدا و به او رد شده است، و ما از خدا هستیم و به سوی او رجوع می‌کنیم. اگر امتحان را درست دادیم و همانطوری که اولیا و انبیا امتحان دادند ما هم به آنها اقتدا کردیم، مورد آن بشارت هستیم که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید و به آنها رحمت می‌فرستد، مغفرت می‌فرستد و آنها را اصحاب هدایت می‌داند. این امتحان آسان تر است از آن امتحان‌هایی که به دولتمردان خدا، دولتمردان را خدا امتحان می‌کند.

چه بسا افرادی که نمی‌توانند از امتحان بیرون بیایند

چه بسا از این رؤسای جمهوری که در دنیا هستند، مدعی احترام به حقوق بشر هستند، قبل از رسیدن به مقام ریاست جمهور مدعی آزادیخواهی، مدعی دوستی با بشر، مدعی پاسداری رفاه بشر هستند، لکن وقتی که می‌رسند به مسند و امتحان می‌کند خدای تبارک و تعالی آنها را، نمی‌توانند از امتحان بیرون بیایند، به جای طرفداری از حقوق بشر، بشر را به تباهی می‌کشند، به جای طرفداری از ضعفا، ضعفا را به هلاکت می‌رسانند، همانطوری که در آن طرف (بشر الصابرين ۴۵۶) است به رحمت و مغفرت و حیات ابدی، برای اینها هم بشارت و عذاب الیم است، بشارت به ننگ است. باید امتحان بشویم. مجرد دعوی اینکه من خداخواه هستم من آزادیخواه هستم، من حقوق بشر را مراعات می‌کنم، من اگر به ریاست جمهوری، به حکومت، به نخست وزیری، به رئیس مثلاً قبیله، به ریاست عشایر برسم با مردم رفتار خوب می‌کنم و مردم را به آزادی و رفاه دعوت می‌کنم و خودم هم همین طور هستم، مجرد دعوا پذیرفته نیست، وقتی که داده شد آن منصب به آن شخص، رسید به آن منصب، آنوقت است که مطالعه در حال او باید کرد که آیا مثل کارتر هست یا مثل علی ابن ابیطالب، با مستضعفین و مستمندان آن می‌کند که علی ابن ابیطالب سلام الله علیه کرد، یا آن می‌کند که کارتر کرد، یا آن می‌کند که استالین کرد. آنها هم همه مدعی هستند. استالین هم مدعی این بود که برای مردم می‌خواهد کار بکند و مردم را به طور آزاد، مساوی نگه دارد، لکن وقتی که به مقام ریاست رسید فوج مردم را فانی کرد و از بین برد، کارتر هم همین ادعاها را می‌کند که ما برای بشر آزادی می‌خواهیم و رفاه می‌خواهیم و بشر دوست هستیم، لکن وقتی که به مقامش رسیدند دیدیم که آنطور بودند، کردند با بشر آنچه را کردند، صدام هم ادعای این را می‌کند که من می‌خواهم که عرب را چه بکنم و با عرب چه بکنم، لکن وقتی که امتحان پیش آمد، اعراب را آنطور در خوزستان به کشتن داد که مغول نکرده بود و اگر مهلت داده بشود به او، با عراق و ایران و هر جا دستش برسد آن کند که مغول با ایران کرد. ۴۵۷

دولتمردان بدانند که رسیدن به مقام، امتحان الهی است و سخت امتحانی است

ادعا نمی‌شود کرد که، من ادعا کنم که من یک ملائی هستم و مردم دوست هستم، وقتی که رسیدی به منصب آنوقت بین چه هستی. آنوقتی که امثال آقای نخست وزیر در حبس بود و زجر بود، ادعای این معنا را البته در دل داشت که این حکومت بد است و اگر من به ریاست برسم چه خواهم کرد، اگر در ذهنش بوده لکن الان در معرض امتحان است. الان همه این روسا، رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس، روسای دادگاه‌ها، روسای همه استان‌ها، حکومت‌ها، فرماندارها، استاندارها، همه اینها در معرض امتحانند و این امتحان از امتحان در نقص اولاد و انفس بالاتر است. امتحان مردم به ریاست، به ریاست در هر مقام، به رسیدن به هر مقام، این امتحان سخت تر است از امتحان در نقص اولاد و انفس و مشکل تر است که انسان بتواند از این امتحان نجات پیدا بکند و درست امتحان بدهد در معرض اعمالی که می‌کند و در پیشگاه خدا آبرومند باشد. روسا هر جا هستند، در هر کشوری هستند، دولتمردان در هر کشوری که هستند و در هر جا که هستند باید بدانند که رسیدن به این مقام، امتحانی الهی بوده است و سخت امتحانی است. خودشان توجه کنند به اینکه قبل از رسیدن به این مقام و بعد از رسیدن به این مقام، چقدر در حالشان تفاوت حاصل شده است. قبل از رسیدن به این مقام به روسای جمهوری که سابق بودند، به نخست وزیرانی که سابق بودند، به وکلای مجلسی که سابق بودند، به استاندارهایی که سابق بودند، به دادگاه‌هایی که در سابق بودند، قبل از رسیدن خودشان به این مقامات به آنها اشکال داشتند و آنها را تقیح می‌کردند، الان که خودشان رسیدند آیا همان نقشه را عمل می‌

کنند که آیندگان آنها را تقبیح کنند؟ یا خیر. ۴۵۸

دولتمردان بیدار باشند، ما دعوی شیعه گری را می کنیم

وقتی که به مقام رسیدند رفتاری می کنند که همانطوری که بعد از هراز و چهار صد سال نسبت به امیر المومنین مردم نظر می دهند؟ همان که بعد از اینکه مقام ریاست داشت، به حسب اصطلاح شما تمام ایران و عراق و مصر و جاهای دیگر در زیر سلطه او بود، رفتارش با مردم آنطور بود که هیچ کس نمی تواند آن رفتار را داشته باشد. در خطبه جمعه، گاهی که یک وقتی که در خطبه جمعه آمده بودند و منبر بودند، دامنه‌شان را حرکت می دادند برای اینکه پیراهن را شسته بودند و پیراهن عوضی نداشتند. بیدار بشویم ما، دولتمردان بیدار بشوند، استاندارها بیدار بشوند، دادگاه‌ها بیدار بشوند، ما دعوی شیعه گری را می کنیم، ادعا هست که ما شیعه و تابع هستیم، در مقام امتحان باز شیعه هستیم؟ تبع هستیم آنطوری که او هست؟ به اندازه ای که وسعت وجودی ما هست تبعیت می کنیم؟ با دوستانمان، با رفقایمان، با همکیشانمان، با بشر آنطور رفتار می کنیم؟ آن شخصی بود که وقتی یک خلخال را از پای یک ذمی یا یهودی یا نصارا بوده است بیرون آورده بودند اشرار، قریب به این معنا فرموده است که اگر انسان بمیرد برای این ننگی که واقع شده و این چیزی که واقع شده است، خیلی بعید نیست. ما هم مدعی هستیم که شیعه هستیم. ۴۵۹

بیدار باشید در محضر خدا، برای مقام با هم دعوا نکنید

روسا و دولتمردان بیدار بشوند، مخاصمه را ترک کنند، این منظره‌ها را ببینند، این جوان‌هایی که خون خودشان را در راه اسلام داده اند، ببینند، این جوان‌هایی که شما را به این مقام رسانده اند، ببینند و دست از مخاصمات بردارند، آتش بس کنند. در محضر خداست، همه ما در محضر خدا هستیم و همه ما خواهیم مرد و همه ما خواهیم حساب پس داد. بیدار بشوید ملت، بیدار بشوید دولت، همه بیدار باشید، همه تان در محضر خدا هستید، فردا همه باید حساب پس بدهید، از روی خون شهدای ما نگذرید بدون نظر، و برای مقام دعوا نکنید با هم. ما همه که به صدام اینطور نفرین می کنیم و ننگ نثارش می کنیم، مبادا خودمان آنطور باشیم. در حال خودمان مطالعه کنیم. وقتی که خلوت هست خودمان را آزمایش کنیم که ما اگر به مقام رسیدیم آیا همانطوری که صدام می کند، ما هم همانطور خواهیم کرد، یا شبیه به او؟ یا ما شبیه به خلیفه رسول الله عمل می کنیم؟ حکومت کردن بر یک جامعه ای، بزرگترین آزمایشی است که خدای تبارک و تعالی از بشر می کند. حکومت کردن اگر حکومت اسمش باشد، به اصطلاح حکومت کردن بر یک همچو جامعه ای که خون خودش را در راه اسلام و در راه کشور اسلامی دارد می دهد و جوانان برومندش را دارد فدا می کند، از کارهای بسیار مشکل و از امتحانات بسیار مشکل است. ای روسا! شماها در معرض امتحان در آمده اید و اعمال شما دقیقاً تحت نظر خدای تبارک و تعالی است، توجه بکنید به این ملتی که به اینطور همراهی به شما می کند. ای پاسداران! ای ارتشیان! ای ژاندارمری! و ای سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی! و ای روسای هر جا که هستید، هر قبیله که هستید! و ای استاندارهای همه سرتاسر کشور! در معرض امتحان هستید، مبادا با خون اینها برای خودتان بخواهید مقامی درست کنید، خدا نکند شماها بخواهید دیگران خون خودشان را بدهند و شما مقامتان بالاتر برود، خدا نکند که یک همچو حیوانی در باطن شما باشد و شما خیال کنید انسانید. ۴۶۰ اگر انسان قبل و بعد مقام برایش مساوی بود از امتحان رو سفید بیرون آمده بشر در معرض امتحان است. (احسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آما و هم لایفتنون ۴۶۱) شما گمان می کنید، مردم گمان می کنند که همین که گفتند من مومن رهایشان می کنند امتحانشان نمی کنند؟ همین که گفتید ما آزادیخواهیم رهایتان می کنند؟ بر مسند می نشاندند تا بفهمند که راست می گوئید یا نه و بفهمانند، به مجرد اینکه ادعا کردید که من برای این ملت و برای این کشور خدمتگزارم رها می شوید؟ امتحان خواهید شد و در امتحان هستید. از من طلبه تا تمام افراد

این مملکت و تمام افراد بشر و تمام انبیا و اولیا همه در معرض امتحانند، به ادعا و گفتار رها نمی شوند. فرموده است که: (سابقین را ما امتحان کردیم تا اینکه معلوم بشود که چه کسی مومن است و چه کسی منافق). همه گروه ها، همه مردمی که در این مملکت یا در راس امور هستند، یا در بازار هستند، یا در کشاورزی هستند، یا در کارخانه ها هستند، یا در گروهک های مفسد هستند، همه بدانند که در محضر خدا هستند و در معرض امتحان. در گفتار بسیار آسان است که انسان ادعا کند که من چه هستم و چه هستم، لکن همان معنائی را که ادعا می کند در همان امتحان می شود، همان شخصی که می گوید من بشر دوستم، در همان معنا امتحان می شود، همان شخصی که می گوید که من طرفدار حقوق بشر هستم در همان معنا امتحان می شود، اگر در آن مقامی که رسید، با آنوقتی که قبل از آن مقام بود هر دو مساوی است و نقش او یک طور است و ریاست برای او سنگینی نمی کند، این شیعه علی ابن ابیطالب است و پیرو او، و از امتحان رو سفید بیرون آمده. ۴۶۲

هر کس هر مسؤ ولیتی دارد همان مسؤ ولیت امتحان اوست

باید عرض کنم که ما و شما و همه اهل دنیا همه برادران ایرانی ما در معرض امتحان هستیم. یعنی مکلفی نیست در عالم که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. ما امروز درباره خودمان و مسؤ ولین کشور خودمان و ملت محترم خودمان عرض می کنیم، هر کس در هر مقامی که هست و هر مسؤ ولیتی که دارد همان مقام و همان مسؤ ولیت امتحان اوست. امتحان مثلا- رئیس محترم جمهور، همان ریاست جمهوری اش است که آیا در این مقامی که هست چه می کند، افکار او چیست، اخلاق او در این زمینه چیست و اعمال او چیست و حتی خطرات قلب چیست، چیزهایی که در قلبش عبور می کند و می گذرد اینها چیست و همین طور تمام مسؤ ولین، مجلسی ها، آنهایی که در مجلس هستند، آنها هم همان کرسی مجلس محل امتحان آنهاست که اینها در این کرسی که نشسته اند افکارشان چی هست و احوالشان چی هست و آراء شان چی هست و آیا این کرسی، کرسی اسلامی است و برای اسلام است یا اینکه اینطور نیست. در همان جا محل آزمایش است. و همین طور دولت محل آزمایش اش در همان وزارتخانه ای است که هست، در همان جایی که نخست وزیر هست و اهل ادارات در همان ادارات خودشان مرکز امتحان آنهاست و ارتشی ها در مقام قدرت ارتشی شان امتحان می شوند، محل امتحانشان همان محلی است که به فعالیت ارتشی مشغولند و سپاه پاسدارانمان در همان محلی که هستند، قدرت در دست شان آزمایش است. تفنگ در دست شان آزمایش است. و همه کسانی که دارای یک ابزاری هستند برای خدمت، همان ابزار آزمایش آنهاست. و همین ها هستند که در آن عالم منعکس می کنند اعمال ما را همان تفنگ منعکس می کند اعمال تفنگدار را و همان مجلس منعکس می کند در آن عالم اعمال مجلسی را و همان کارهایی که شما عزیزان انجام می دهید و موجب تشکر است و امیدوارم که مورد نظر خدای تبارک و تعالی و تایید او باشد، در همین جا که هستید در تحت آزمایش هستید و اعمالتان منعکس می شود. باید توجه کنید که این چیزهایی که منعکس می شود یک وقت خدای نخواستہ چیزی نباشد که آن روز که منعکس شد در آنجا و شما او را دیدید موجب سرافکندگی باشد. ۴۶۳

هر کس در هر محل که هست آن محل آزمایش است

الان ایران از همه جا به نظر می رسد که اهالی ایران از همه جا بیشتر مورد آزمایش اند. اهالی ایران از یک رژیم می که همه جا می دانید چکاره بود، با قدرت ملت و دست های گره کرده. مشت های گره کرده در حالی که ابزاری در دست نداشت آنوقت، با فریاد، آن رژیم را از بین برد و با همان فریادها دست امریکا را و سایر قدرت ها را از کشور خودش قطع کرد که امروز کشور شما دست خودتان است. نه یک کسی بالای سر شماست که بخواهد به شما حکومت کند، نه مستشاری از کشورهای دیگر دارید و نه کارشناسان. همه چیز دست خود شماست و مسؤ ول خود شماست. در رژیم سابق ملت می گفت خوب، من چه کنم، به دست من

چیزی نیست، اگر سؤال می شد امروز که همه چیز در دست خود شماهاست. دیگر این عذر پذیرفته نیست که من چه کنم. هر کس در هر محلی که هست آن کسی که در یک اداره ایستاده است و برای رفت و آمد مردم راه می دهد یا کارهای دیگر انجام می دهد، با آن کسی که در اداره روی صندلی نشسته است و مردم به او مراجعه می کنند و آن کسی که در جبهه دارد جنگ می کند و آن کسی که در پشت جبهه هست و خدمت می کند و آن بازاری که در بازار مشغول کسب و تجارت هست و آن کارمند که در ادارات مشغول فعالیت هستند و آن دهقان ها که در محل کشاورزی مشغول خدمت هستند و آنهایی که در کارخانه ها مشغول فعالیت هستند و تمام قشرهایی که در این کشور تصور بکنید، تمام اینها، از مقدرات این مملکت سؤال می کنند از شما. کسی گمان نکند که خوب من بازاری هستم، نمی توانم. من یک اداری جزء هستم، من یک کارمند ضعیف هستم. فرق ما بین هیچ یک از شماها نیست در این معنا. هر کس آن محلی که هست همان محل، محل آزمایش اش است. آن کارمند جزئی که یک کار جزئی انجام می دهد آن کار جزئی آزمایش اوست. آیا این کاری که دست اوست انجام چطور می دهد، با کسانی که به او در همین جزئی مراجعت می کنند چه رفتار می کند، آیا قصدش از این شیطان است یا قصدش خداست؟ این مسأله استثنا ندارد. انبیا هم مورد آزمایش اند. ۴۶۴

باید توجه کنید که مسؤ ولیت بزرگ است

یعنی هر کس در این دنیا پا گذاشت و مکلف بود به تکلیفی، این آزمایش می شود. و گمان نکند که من این کار را که می کنم کسی نمی بیند. این کاری که می کنید خود این کار منعکس می شود. خدای تبارک و تعالی در محضرش واقع می شود. ملائکه الله موکل هستند بر این فرد. باید ما فکر کنیم چه باید بکنیم که از زیر بار مسؤ ولیت خارج بشویم. مائی که امروز مقدرات مملکت مان به دست خودمان افتاده است همه مان مسؤ ولیم، کسی نیست که مسؤ ول نباشد، همه هستیم. ببینیم که باید چه کار بکنیم که این مسؤ ولیتی که به عهده ماست به طوری انجام بدهیم که فردا پیش خدای تبارک و تعالی و پیش انبیای خدا خجلت زده نباشیم و آبرومند باشیم. آن این است که هر کس در هر کاری مشغول است او را خوب انجام بدهد. فرض کنید - همه - خدای نخواستہ همه افراد کشور خلاف می کنند، شما یک نفر کار خوب بکن. هر کسی فکر خودش باشد. هر کس خودش مسؤ ول کارهای خودش است، هیچ کس مسؤ ول کار دیگری نیست. او کار را می گوید و مواظبت هم می کند اما هیچ کس نمی تواند که عمق کارهای شما را بفهمد چه جوری است، لکن در محضر خداست. آنهایی که در هر جا خدمت می کنند توجه کنند که خدای تبارک و تعالی و ملائکه ای که از طرف خدا موکل هستند مواظب هستند. همین موج هایی که در دنیا از حرف شما، از عمل شما منعکس می شود، همین ها فردا پیش شما شهادت می دهند. باید توجه بکنید به اینکه مسؤ ولیت بزرگ است. مثلا در کسانی که در جبهه هستند و جبهه خدمت می کنند اینها گروه های مختلف هستند، ارتشی هست، ژاندارمری هست، پاسدار هست، بسیجی هست، عشایری هست، شهربانی هست از همه قشرها در آنجا خدمت می کنند، مردم عادی هم می روند خدمت می کنند، اینها مواظب باشند که همین جا محل امتحان آنهاست که آیا اینهایی که دارند فعالیت می کنند و می خواهند کشور خودشان را نجات بدهند و دفاع کنند از کشور خودشان، آیا اینها باهم هماهنگ هستند یا هر که می خواهد برای خودش کار بکند؟ آیا برای خدا کار می کنند یا برای خودشان؟ اگر ملاحظه کردند که میل دارند که این گروه خودشان قدرت داشته باشد قدرت در دست بگیرد نه گروه دیگر، بدانند که عمل شان شیطانی است، شهادت شان هم اجر ندارد. و اگر دیدند که برای خدا دارند کار می کنند، برای خدا کار کردن اینجا معلوم می شود که آن کسی که سپاهی است نکشد طرف سپاه همه چیز را و آن کسی که ارتشی است نکشد طرف ارتش همه چیز را هکذا دیگران. همه با هم برای خدا و برای نجات ملت و برای نجات کشور به پیش بروند فرق نکنند که این طایفه باشد یا آن طایفه باشد. مقصد عمده است انبیا اینطور بودند. اولیای خدا اینطور بودند کار برای

خداست به دست شما انجام بگیرد ، گرفته است ، به دست من انجام بگیرد ، گرفته است ، در دست دیگری ، گرفته است . ۴۶۵

انسان چون حب نفس دارد همه چیز را برای خودش می خواهد

اگر ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح اینطور افکارشان باشد پیروزند یعنی هم در جبهه ها پیروزند و هم پیش خدای تبارک و تعالی افتخارمندند و شما از آنجا که بیاید پایین هر جا بروید همین است مسأله . آن کسی که می خواهد در انتخابات شرکت کند و کاندید می شود ، آن کسی که کاندید می کند کسی را ، آن کسی را که فعالیت انتخاباتی می کند ، آن کسی که تبلیغ می کند برای خودش یا برای غیر ، این آزمایش اش همانجاست . توئی که خودت را کاندید انتخابات کردی ، قدرت این را داری که برای کشورت درست خدمت بکنی و قدرت خودت را بالاتر از دیگران می دانی ؟ توئی که دیگری را کاندید می کنی ، دیگران که غیر از این هستند لایق نمی دانی ؟ این را لایق تر و احسن می دانی ؟ توئی که فعالیت می کنی و تبلیغ می کنی برای انتخابات ، تبلیغ خودت را می کنی یا تبلیغ برای اسلام می کنی ؟ اگر برای رسیدن به مجلس است . - می خواهی - دلت می خواهد مجلس بروی و می گویی مجلس یک مقامی است ، شما تبلیغ برای خودت می کنی که همان تبلیغ برای شیطان است . و اگر تبلیغ می کنی که بروی خدمت بکنی ، من چون می توانم خدمت بکنم چرا کنار باشم ، بروم خدمت بکنم ، این شخص چون لایق است چرا کنار باشد ، بیاید خدمت بکند ، اگر اینطور باشد این برای خداست . و این گاهی وقت ها به خود آدم اشتباه می شود ، بسیاری از اوقات هست که انسان خودش در کارهای خودش اشتباه می کند . یعنی انسان چون حب نفس دارد خودش را می خواهد و همه چیز را هم برای خودش می خواهد مگر اینکه به ریاضات اینطور نباشد . این چون حب نفس دارد بسیاری از امور که از خودش صادر می شود یا از کسانی که از خودش هستند ، اولاد خودش ، برادر خودش ، عیال خودش ، اینها به نظرش خوب می آید و گاهی همین اگر صادر بشود از یک کس دیگری به نظرش بد می آید . این برای همین است که حب نفس اینجا پرده پوشیده است روی واقعیت و نمی تواند انسان تشخیص بدهد . باید انسان توجه کند به اینکه آیا من که می خواهم یک کسی را انتخاب کنم ، اگر این کس یک نفر دیگری از او بهتر بود لکن ارتباطی با من نداشت بلکه با من هم دلخوری داشت آیا او را کاندید می کردم ؟ اگر او را هم کاندید می کرد معلوم می شود که این برای خدا دارد کار می کند ، کار به خودش ندارد و اگر اینطور نشد بدانند که مسأله ، مسأله شیطانی است نه مسأله خدائی و این دقیق است و این از آن اموری است که بر انسان پوشیده می ماند . و دوستان و برادران که همه مسؤل هستند باید در کارهای خودشان دقت کنند که برای چی من این کار را می کنم ؟ من که متکفل توزیع شدم یا در شوراها رفتم برای چی رفتم آنجا ؟ می خواهم چه بکنم ؟ منی که متکفل مخابرات هستم برای چی آنجا رفتم ؟ چه نظری دارم ؟ منی که در مجلس می روم برای چی می روم و چه نظر دارم ؟ منی که در ارتش خدمت می کنم برای چی می کنم ؟

۴۶۶

اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقل باشد از خودتان باید شروع کنید

اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقلی باشد که دیگران نتوانند در آن دخالت بکنند از خودتان باید شروع کنید . تمام خوف و ترس هائی که انسان دارد از دشمن برای این است که خودش را می بیند . اگر چنانچه دید که خدا هست در کار ، برای خدا دارد کار می کند نمی ترسد ، برای اینکه مقدرات دست اوست . گمان نکنید که شما خودتان می توانید یک کاری انجام بدهید ، شما آن هستید که اگر یک مگس بیاید آزارتان بدهد شب نمی توانید بخوابید و روز نمی توانید آرام بگیرید . اگر یک پشه در شب بیاید نمی گذارد شما آرام بگیرید . شما آن کس هستید که اگر یک عنکبوت بیاید حمله به شما بکند می ترسید ، شما آن کس هستید که اگر یک گنجشک از شما یک چیزی بردارد برود قدرت ندارید از او پس بگیرید . همه عجز است ، همه فقر است هر

چی هست از اوست ، از خداست این استقلالی که خدا داده به ما اگر عنایت او نبود کی می توانستیم ما این کار را بکنیم ؟ چطور ما می توانستیم در مقابل این آشوب دنیا و این قدرت های شیطانی دنیا یک همچو رژیمی را که همه دنبال این بودند که حفظش بکنند اگر عنایت خدا نبود شما با کدام قدرت می توانستید این کار را بکنید ؟ اگر عنایات خدا و توفیق خدا نبود شما هم چطور می توانستید دست امریکایی که دنیا را دارد می بلعد از کشورتان بیرونش کنید ؟ و امریکا از قراری که شنیدم رئیس جمهور امریکا گفته است که ایران ما را تحقیر کرد . این اول کار است ، ایران تا آخر شما را تحقیر خواهد کرد . اگر عنایات خدا نبود شما چطور می توانستید یک قدرتی را که امروز آنطور وضعیت را دارد و آنطور جهازات را دارد و در همه دنیا ریشه کرده است چطور می توانستید او را دستش را کوتاه کنید ؟ این قدرت خداست ، این عنایات خداست ، غافل از این نباشید . اگر عنایات خدا نبود چطور شما یک نمونه در دنیا بودید که فقط شما الان در دنیا هستید که می گوئید نه شرقی ، نه غربی و واقعا هم اینطوری است . ادعا ممکن است کسی بکند اما همه می دانند نیست اینطور . اگر عنایت خدا نبود کی می توانست که یک همچو کاری را بکند که در دنیا نظیر ندارد و نشده است ؟ اینها عنایت خداست . این عنایت خدا را حفظ کنید و حفظش به این است که این کشوری را که به شما داده به آن خدمت کنید . ۴۶۷

شما که می خواهید آدم بشوید ، زحمت دارد آدم شدن

امروز کشور ما احتیاج به خیلی مسائل دارد و دیگران مسائل شما را ابداء حل نمی کنند ، بلکه بر خلافش می کنند . مسائل خودتان را خودتان باید حل بکنید . این نعمتی که برای شما پیش آمده است ، نعمت آزادی که پیش آمده است ، نعمتی که نمی تواند یک قدرتی الان به شما بگوید که بالای چشمت ابرو است ، این را حفظش کنید ، این یک نعمت الهی است ، دیگران ندارند این را . دیگران یا تحت سلطه شرق اند یا تحت سلطه غرب اند . شما اینطور نیست برایتان الان . این را باید حفظش بکنید ، حفظش به دست خود شما باید بشود . یک کشوری که انقلاب کرده است و تازه متولد شده است ، انقلاب وضعش این است که هم خوردگی باشد به هم خوردگی باشد . انقلاب وضعش این است که کمبود داشته باشد ، انقلاب وضعش این است که مثلا قحطی باشد . انقلابات دنیا اینجور نبودند که مثل ایران باشند که به مجردی که انقلاب کردند درها را باز کردند هر که بیاید هر که برود . به مجردی که انقلاب کردند رفتند دنبال اینکه یک دولتی تشکیل بدهند و مجلسی و چه و چه و چه ، به فوریت ، کجا می توانستند این کارها را بکنند ؟ اینها روی عنایات خداست که به شما عنایت کرده است . یک کشوری که الان مبتلای به جنگ است آن هم نه جنگ با یک دولت پوسیده ای مثل صدام ، جنگ با همه ، همه قدرت ها دنبال این اند که او را دستش را بگیرند و نجات بدهند و نمی توانند هم . یک همچو جنگی ، الان شما جنگ با دنیا دارید ، همه تبلیغات بر ضد شما هست ، همه سلاح ها را به او می دهند ، همه پول ها را به او می دهند و او را تجهیز می کنند و شما خودتانید ، خودتان هستید و اتکال به خدا . این خداست که شما را حفظ کرده است و شما باید که الان مسؤ ولت تان زیاد است اینکه می گویم ایران از همه جا بیشتر مسؤ ولت دارد برای همین است که ایران از همه جا بیشتر مورد عنایت خدا واقع شده است . کجاست که بگوید من مستقلم نه شرق و نه غرب ، هر دو را کنار بگذارد ؟ و این شما هستید ، وقتی شما هستید و می دانید که انقلاب ها کمبود دارد ، انقلاب ها زحمت دارد ، بخواهید آدم باشید باید زحمت بکشید ، بخواهید ارزش انسانی خودتان را حفظ کنید زحمت دارد نمی شود که انسان در خانه اش بنشیند و ارزش های انسانی اش محفوظ باشد هر که در خانه می نشیند و اعتزال می کند توسری هم می خورد لکن نمی فهمد که دیگر آدم نیست . شمائی که می خواهید آدم بشوید زحمت دارد آدم شدن . می خواهید سرفراز در دنیا باشید این زحمت دارد ، بیخود نمی شود . اگر نوکری آنها را بکنید دیگر ارزش ندارید ، یک پول هم ارزش ندارید . اگر بخواهید از تحت سلطه همه بیرون بروید و خودتان باشید این ارزش دارد ، یک ارزش انسانی است . یک شرافت انسانی است . این زحمت دارد ، این گرانی دارد ، این کمبود دارد ،

این جهاد دارد، این دفاع دارد، این شهادت دارد، این برای ارزش انسانی است. همین است که انبیا برای او کار کردند همین است که امام حسین برای او کشته شد. اگر آن هم فکر می‌کرد که زحمت دارد، اصحاب او هم با آن کمی فکر می‌کردند زحمت دارد، که نمی‌توانستند یک همچو انقلابی را بجا بیاورند که تا حالا هم اثرش باقی مانده است. ولی وقتی برای خدا شد، زحمت کم می‌شود. ۴۶۸

یک قدری هوای نفس و اشتها را کنار بگذارید

و در مجلس هم آقایان با هم باشند، رفیق باشند، همه مسلمان هستیم همه باید دوست با هم باشیم، مسلمین ید واحد باید باشند، اینقدر در مجلس با هم اختلاف نداشته باشند، جهات شرعی را حفظ بکنند، جهات اخلاقی را حفظ بکنند، هی این به او بدگوئی کند او به او بدگوئی کند، خوب، این اسباب ناراحتی مسلمان‌ها هست. آقایان می‌گویند، مسلمان‌ها می‌گویند خوب ما خون بچه‌هایمان را داده‌ایم. یک قبرستان در اینجا پر است از جوان‌های ما، قبرستان‌های شهرستان‌ها پر از جوان‌های ما هست که در راه این مملکت و در راه این اسلام اینها کشته شده‌اند. حالا که اینها کشته شده‌اند گویا آقایان آمده‌اند از خارج و از داخل حالا با هم نشسته‌اند دعوا می‌کنند. سر چه میراثی دعوا می‌کنید؟ میراث پدر کدامتان است؟ یک قدری آرام باشید، یک قدری توجه کنید به مسائل، هر وقت هر کدام صحبت کنید به ضد دیگری نباشد و این خلاف آداب اسلام است خلاف آداب مسلمین است، خلاف انسانیت است، خلاف مشی انبیا و مشی اولیا هست. نکنید این کار را، یک قدری آرام باشید، یک قدری هوای نفس را کنار بگذارید، اشتها را کنار بگذارید. تمام گرفتاری‌های ما سر این هوای نفسی است که ما داریم، (اعدی عدو) انسان این نفس انسان است که در بین جنین است، این (اعدی عدو) انسان است. یک قدری جلوییش را بگیرید؟ یک قدر مهار کنید. ۴۶۹

مقام برای خدمت به مردم است

الان این مسائل بحمد الله نیست، اختیار دست خود شماهاست و شماها باید برای این ملت خدمت کنید و خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. اگر در ذهنتان بیاید که، بیاورید که من وزیرم و باید مردم از من چه بکنند بدانید اصلاح نشدید. در ذهنتان حتی خلجان بکند، آقای رئیس‌جمهور در ذهنش خلجان بکند که من شخص اول مملکت هستم و چه و کذا، این اصلاح نشده است خلجانش هم از شیطان است. آن خلجانش هم، او عمل نمی‌کند اما در ذهنش این خلجان را هم بیرون کند. و همین طور هر یک شماها خدمتگزار این مملکت هستید، خدمتگزار این ملت هستید و برای این ملت هم شکرانه اینکه این دست تعدی متعدی‌ها قطع شد و رژیم منحوس شاهنشاهی که از اول غلط بوده از بین رفت و مملکت دست شماها افتاد که از خود مردم هستید و با خود مردم هستید، مهم این است در مقابل عمل هم وزارتخانه‌ها را درست تصفیه کنید. ببینید افرادی که واقعا می‌خواهند نگذارند کارها انجام بگیرد، می‌خواهند مردم را ناراضی کنند، هستند. البته اشخاصی که بنایشان بر این است که ناراضی کنند، اینها را باید تصفیه بکنید و بخواهید هم که در هر عملی رضایت همه مردم را به دست بیاورید این امکان ندارد، بالاخره در هر عملی اگر تصفیه باشد، یک دسته تصفیه شده مخالف می‌شوند یک دسته رفقای تصفیه شده مخالف می‌شوند. شما همان نظرتان به این باشد که تکلیف شرعی الهی خودتان را که مقامی را دارید و باید به این مقام خدمت کنید. این آلت است برای خدمت به مردم، خودش چیزی نیست، اگر خدمت به مردم کردید، مقام برای شما صلاحیت دارد، خوب است و اگر نشد مقام چیزی نیست. ۴۷۰

خدمتگزاران مقام برایشان ارزشی ندارد

باید افراد متوجه این معنا باشند، کسانی که واقعا دلشان برای اسلام می تپد و برای کشورشان، متوجه این باشند که پست، میزان نیست، مقام میزان نیست، مقام ریاست جمهوری، این میزان نیست، مقام نخست وزیری یا رئیس دولت بودن یا رئیس مجلس بودن، اینها چیزی نیستند، این مقامات تمام می شود، آنی که هست خدمت است. آدم متعهد در هر جا باشد، اگر دید خدمتش خوب است آن جا، بیشتر دلگرم است. ممکن است که یک نفر، مثلا، فرض کنید که نخست وزیر بوده است، لکن اگر این نخست وزیر ببیند که در یک جایی کار بهتر می کند، آدم متعهدی است می رود آن جا. یک نفر در دادستانی مقامی داشته است، وقتی دید که یک کسی از خودش بهتر می تواند کار کند برود آن جا، برایش فرق نکند، یعنی هدفش این باشد که خدمت بکند، نه هدفش این باشد که مقام داشته باشد. انسان هم خودش می تواند خودش را بشناسد، هیچ کس بهتر از خود انسان، البته بسیاری از اوقات هم انسان از خودش هم غفلت می کند، اما بسیاری از اوقات هم هست که انسان خودش درک می کند که چی دارد می کند و در دلش چی می گذرد. ماها نمی دانیم، اما خدا می داند. انسان می فهمد که اگر انتقاد بکند، آیا این انتقاد سازنده است یا انتقام است. خودش می فهمد یعنی، غالبا می فهمد خودش می فهمد که (آنی که در این پست هست) پست را دوست دارد. یا خدمت را دوست دارد این چون خدمتگزار است، دلبسته به این پست هست، یا خیر. دلبسته به این پست است، خدمتگزاری پیشش خیلی مهم نیست. ۴۷۱

به دنبال مقام بالاتر بودن یک کار شیطانی است

خوب! ادعاش را می کند - و می کند هم حتما - عمده آن جهت است که انسان واقعا بداند که یک روزی جواب باید بدهد. هیچ، هیچ شبیه در این نیست که ما یک روزی باید جواب بدهیم. هر کدامان، هر کاری انجام بدهیم، یک روز جواب می خواهد، انتقاد بکنیم، یک روز جواب می خواهد، انتقام گیری باشد، یک روز جواب می خواهد، و بدرفتاری باشد، یک روز جواب می خواهند از ما. این را ما باید حتما توجه بهش داشته باشیم و دارید توجه، یعنی هر کس مسلمان است، اعتقاد به این که معاد است و همه چیز دست او، در آن جا رسیدگی می شود، و حاضر است، این جزو اعتقادات اسلام است. بنابراین، نباید اگر فرض بفرمایید که رئیس جمهور رفت و/یکی /دیگری آمد، رئیس جمهور برود کنار و مایوس بشود. نه! باید او برود یک کاری که ازش می آید بکند و دلبستگی هم به او داشته باشد، به عنوان این که یک کاری است دارد می کند، نه به عنوان این که یک مقامی است دارد. اگر انسان در خودش ادراک کرد که من بروم آن بالا- را بگیرم، بداند که این کار، یک کار شیطانی است، این کار ازش نمی آید. اگر در ذهنش این است که برویم یک کاری انجام بدهیم برای جمهوری اسلام، این کار الهی است و ازش هم کار می آید. این محکی است که انسان خودش غالبا می تواند تشخیص بدهد. گاهی هم البته اشتباه دارد، یعنی، گاهی هم بر خود انسان /گاهی /مخفی است یک مسائلی. بنابراین، اگر چنانچه همین دولت شد و همین اشخاص شدند، که /به /کارشان انجام می دهند، اگر این نشد و یک کس دیگری شد و یک جمعیت دیگری شدند، شما نباید از این جهت چیز باشید که ما رفتیم، یک کس دیگر آمد. باید ببینید که آن جا می توانید کار بکنید یا نه! آنها هم که می آیند، اگر واقعا می خواهند خدمت بکنند، برای اسلام خدمت بکنند، آنها هم پیش خدا ماجورند، بعد هم معلوم می شود چکاره اند. و اگر اینها می خواهند یک مقامی را اخذ بکنند، یک کاری را انجام بدهند به واسطه این که مقام داشته باشند، آنها هم پیش خدا معلوم است و بعد هم مواخذه خواهد شد. باید /فکر/ کسانی که می خواهند یک کاری بکنند، باید فکر این باشند که شایسته این کار هستند یا نه! مسائل مهم است. مسأله دولت، مسأله ریاست جمهور، مسأله ریاست مجلس، مسأله قوه قضائیه، وزارت، همه اینها اهمیت دارد. اگر چنانچه انسان دنبال این باشد که حالایی که من رئیس دولت هستم، بروم دنبال رفقای که همراه من هستند کار آمد باشند یا نباشند، به این کار نداشته باشد بداند که این کار، کار شیطانی است. رئیس جمهور هم اگر دنبال این باشد که وزرایی

تعیین بکند، معرفی بکند که آن وزرا فرمانبردار خودش باشند، نه فرمانبردار اسلام، آن هم بداند که این کار، کار شیطان است، کار انسان متعهد نیست (و هر یک از ما). این یک مسأله معیاری است برای همه، که اگر چنانچه واقعا متعهد است، فرقی نکند که حالا من وزیرم، یا این که وکیل هستم، یا این که کار دیگر از من می آید یک کار دیگر، هر چه شد. من / کار / برای اسلام می خواهم کار بکنم و می دانید که الان ما احتیاج داریم، مملکت ما احتیاج به خدمتگزار دارد، احتیاج دارد که اشخاص فهیم، اشخاص فعال در این کشور خدمت بکنند. ۴۷۲

میزان، خدمت کردن به یک کشوری است که در طول تاریخ مظلوم بوده است

و ما مورد هجوم همه آن جاها هستیم، همه کسانی که بدخواه اسلام هستند، هستیم. بنابراین، فکر ما این معنا باشد که افرادی باشند که برای اسلام خدمت می کنند، نه افرادی باشند که برای من خدمت می کنند. این در دولت هست و در رئیس جمهور هست و در قوه قضائیه هست و همه جا هست. آنهایی که انتخاب می خواهند بکنند، توجه به این، باید همیشه نصب العین این باشد، و الا انسان به خطا وارد می شود. و امروز هم اگر معلوم نشود که این چه شده است، یا یک روزی در همین دنیا معلوم می شود، این جا هم نشد، جای دیگر بلا اشکال معلوم می شود. این یک مسأله ای است که، این طور نیست که، این یک معنایی است که مخفی نمی ماند. منتها یک روزی به انسان می گویند که دیگر دستش کوتاه است. اگر در این عالم معلوم بشود، خوب دستش باز باز است، می تواند کاری بکند، می تواند جبران بکند اگر از این جا گذشت و پرده دیگری در کار آمد، دیگر دست انسان کوتاه است، نمی تواند کاری بکند عذر هم در آن جا بعد از گذشتن، دیگر فایده ندارد. الان و قد عصیت قبل ۴۷۳ به فرعون می گوید؛ فرعون آن آخر که می خواست غرق بشود، همچو که تو مرگ رفت، گفت / من / همانی که آنها می گویند من هم می گویم. در صورتی که نبود این طور، وقتی برمی گشت هم همان بود. در هر صورت، میزان خدمت کردن به یک کشوری است که در طول تاریخ تقریبا این کشور مظلوم بوده است و خصوصا در این سده های آخر، این آخر، واقعا مظلوم بوده است، الان هم مظلوم است. خدمت به این کشور الان ارزش دارد و خدمتگزارهایش هم ارزش دارند. همه فکر این باشید که خدمتگزار پیدا کنید، خدمتگزار به کشور و اسلام پیدا کنید، نه خدمتگزار به خودتان این یک مسأله ای است که خود شما هم تصدیق دارید که مطلب همین طور است. لکن / گاهی / گاهی وقت ها انسان خودش غفلت می کند، از روحیات خودش هم غفلت می کند، گاهی وقت ها هم اگر یک آدم ناجوری باشد، هی تعمد می کند، و هر طور پیش آمد، من چه کار دارم به این مسائل! ما امروز را بگذرانیم تا ببینیم چه خواهد شد! من هم دعاگوی شما هستم و امیدوارم که همه موفق باشید، در هر جا که باشید. موفق باشید به این که برای خدا خدمت کنید، برای اسلام خدمت کنید، برای پیشرفت مقاصد اسلام و برای کشور خودتان که آن هم از مقاصد اسلام است خدمت بکنید. و من امیدوارم که در این خدمت موفق باشید و همه شما سالم و موید و موفق، چه در دولت دیگری باشید یا نباشید، آتش فرق خیلی ندارد و عمده خدمت است. و من امیدوارم همه سالم و خدمتگزار و متعهد باشید. ۴۷۴

این مقامات ارزشی ندارد مگر آنکه خدمت به خدا و خلق خدا باشد

مسأله انتخابات یک امتحان الهی است که گروه گرایان را از ضوابط گرایان ممتاز می کند و مومنین و متعهدین را از مدعیان جدا می نماید و کسانی که خود را کاندید می کنند یا کاندید گروه هایی هستند، اگر خود را صالح برای وکالت در یک چنین مجلسی نمی دانند و وجود آنها در این مکان نفعی برای کشورشان ندارد، خدای متعال را در نظر بگیرند و رضای او را بر رضای خود مقدم دارند و چنین خلاف ناشایسته ای را مرتکب نشوند. و حضرات روحانیون از ائمه جمعه و جماعات یا سایر آقایان محترم

توجه کنند که شهرهای خود را از خدمتگزاران به ملت و بندگان صالح خدا خالی نکنند که خدمت به مردم و رفع حاجات آنان و تربیت علمی و اخلاقی بندگان خدا که شغل شریف روحانیت است بر هر چیز مقدم است مگر آنکه بدانند وجود آنها در مجلس برای خدمت به اسلام مفیدتر است. میزان در نظر همه ارزش خدمت باشد نه خدای نخواستہ تحصیل مقام. و شما می دانید در جمهوری اسلامی مقاماتی که در رژیم های دیگر مطرح است و برای تحصیل آن دست به همه نوع فعالیت مشروع یا غیرمشروع می زنند مطرح نیست و اساسا این مقامات ارزشی ندارد مگر آنکه خدمت به خدا و خلق خدا باشد. شماها تابع آن بزرگمرد تاریخ صلوات الله علیه هستید که درباره حکومت آن کلام را فرمود. ۴۷۵

باید این معنا را ادراک کنیم که ما هیچ هستیم

اینقدر خودنمائی نکنید این اشتباه است. انسان باید توجه به خدا داشته باشد و خودش را در مکتبش فانی کند، هی نگویید من، بگویید مکتب من. هر وقت می گوئید، مکتب من بگوئید. از پیغمبرها بشنوید این مطلب را، از اولیاء خدا تعلیم بگیرید که همیشه دنبال مکتب بوده اند، نه دنبال خودشان، نه خودشان زرق و برق دنیائی داشته اند و نه اینقدر توجه به نفس داشتند که من چه کردم و من چه کردم، خیر، این حرف ها نبوده - آنها - از آنها باید تعلیم بگیریم و آدم بشویم. آدم، وقتی می شود که خودش را هیچ نبیند و هر چه می بیند خدا ببیند و هر چه هست اوست الله نور السموات و الارض ۴۷۶ تمام قدرت ها مال اوست و تمام نورها مال اوست و همه چیز از اوست و ما هیچ هستیم و این معنا را باید ادراک بکنیم. ۴۷۷

شما باید خودمان را فانی کنیم تا مکتبمان پیش برود

بنابراین باید همه این قوا با هم مجتمع بشوند و همه تقویت بکنند همدیگر را. مجلس باید تقویت بکند همه قوای مسلحه را، دولت را، رئیس جمهور را تقویت بکند، رئیس جمهور هم باید تقویت بکند اینها را. ارتش باید از رئیس جمهور اطاعت بکند چون رئیس کل قواست، رئیس جمهور هم باید با آنها پدرانۀ رفتار بکند. اسلام است، اسلام وضعش غیر از آن چیزهای دیگری است که می خواهند قدرت نمائی بکنند و خودنمایی بکنند و هر کس خودش را نمایش بدهد. ما همه باید خودمان را فانی کنیم و همه ما دنبال این باشیم که مکتبمان پیش برود، نه دنبال این باشیم که خودمان پیش ببریم. ما فردی نداریم، ما هر چه هستیم مکتبمان هست. وقتی مکتب مطرح است من و شما و آقا و دیگران، همه ارگان های دولتی و همه اینها باید خود را کنار بگذارند دنبال مکتب باشند، خودشان را فانی کنند در مکتبشان همانطور که در صدر اسلام بوده است. صدر اسلام این مسائل نبوده است که هر کسی بخواهد خودش را پیش ببرد، هر کسی می خواسته مکتبش را پیش ببرد. از این جهت پیش هم بردند، در عین حال که ضعیف بودند قوای بزرگ را از بین بردند. ۴۷۸ ای متصدیان و دولتمردان، بهوش باشید که در دو راهی سعادت و شقاوت قرار دارید قوه محترمه مجریه که مسؤ ولت آن بسیار زیاد و حجم عملش عظیم می باشد و در صورت صحت و شایستگی عمل و خلوص نیت و دلسوختگی برای کشور و ملت تحت رنج و ستم در طول تاریخ و خدمت به همه ملت بویژه طبقات محروم و ضعیف که در حقیقت سنگینی بار انقلاب از زمان ستمشاهی تا زمان پیروزی و تا امروز به عهده آنان است و همه مرهون آنان هستیم، کار ارزشمندی است که بعد معنوی آن را جز خداوند تبارک و تعالی کسی نمی تواند به سنجش درآورد و در صورت تصدی برای آرمان های شیطانی و اطاعت از نفس اماره بالسوء و عمل برای سود خود ولو به زبان کشور اسلامی و ملت مظلوم، عواقب دنیا و آخرت آن را کسی جز ذات باری تعالی نمی تواند پیش بینی کند. و هان ای متصدیان و دولتمردان از رده به اصطلاح بالا تا پائین بهوش باشید که در دو راهی سعادت و شقاوت قرار دارید. طریق اعوجاجی، شیطان است و طریق مستقیم، الله تبارک و تعالی. توجه کنید و بسیار توجه کنید که همه و همه در محضر مبارک حق هستید و اعمال قلبیه و غالبیه و خاطرات روحیه و لغزش های

عملیه همه در حضور اوست . ۴۷۹

در صورت احساس ضعف ، استعفا بدهید

اگر به واسطه سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل شما ، به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می دانید و به تصدی ادامه می دهید ، مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده اید که عذاب بزرگ الهی دامنگیرتان خواهد شد . هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می کند ، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی و بدون جوسازی ، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحان از مقام خود استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است و هر کس خود را مدیر و مدبر و خدمتگزار برای خلق خدا می داند ، کناره گیری او در این زمان پشت به خلق و خدای خلق است ، مگر آنکه خدمتگزاری بهتر یا همطراز او جایگزین او معرفی شود . دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت روسفید باشند و در امور موفق باشند ، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی تفکر و تامل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است . دوست خوب برای دست اندرکاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان موثر باشد و در خدمت ملت باشد نه در خدمت آنان ، هر که و هر چه خواهد بود . دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند . دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است و خدای نخواستہ در سیاست بازی های گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می شوند . ۴۸۰ . انسان متعهد ، اگر در مقابل اینکه یک خیانت بکند همه چیزها را به او بدهند زیر بار نمی رود فرهنگ می تواند حل عقده ها را بکند . اگر فرهنگ یک فرهنگی شد که انسان بار آورد ، متعهد بار آورد ، معتقد به یک ماوراء بار آورد ، معتقد به اینکه اگر این از دیگری باشد این مسؤ ولیت دارد ، اگر این دزدی باشد مسؤ ولیت دارد ، آن که اعتقاد به این معنا دارد و ایمان دارد به یک پرده ماورای این عالم ، این است که می تواند مملکت حفظ بکند ، این است که اگر در مقابل اینکه یک خیانت بکند همه چیزها را بهش بدهند زیر بار نمی رود . او مثل حضرت امیر سلام الله علیه قسم می خورد (به حسب روایتی که هست توی نهج البلاغه) که اگر چنانچه همه اقالیم دنیا را به من بدهند که بخواهم یک ظلمی بکنم ، اینقدر که یک چیزی را از دهن یک مورچه من بگیرم ظلم است من نمی کنم . ۴۸۱

در جمهوری اسلامی ، جایی برای سوء استفاده زمامداران نیست

در جمهوری اسلامی ، زمامداران مردم نمی توانند با سوء استفاده از مقام ، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند ، باید ضوابط اسلامی را در جامعه و در همه سطوح به دقت رعایت کنند و حتی پاسدار آن باشند ، دقیقاً باید به آراء عمومی در همه جا احترام بگذارند ، هیچ گونه تسلط و یا دخالت اجانب را در سرنوشت مردم نباید بپذیرند . مطبوعات در نشر همه حقائق و واقعیات آزادند هر گونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند و اسلام در تمامی این شوون حد و مرز آن را تعیین کرده است . ۴۸۲

۲۴ - حفظ آبروی نظام و جمهوری اسلامی

انتساب به اسلام مسؤ ولیت بزرگی است

من امیدوارم که همه ما سرباز اسلام باشیم و گوش به فرمان خدای تبارک و تعالی و من امیدوارم که شما پاسداران همانطور که پاسدار اسلام الان هستید، پاسدار جمهوری اسلام هستید، پاسدار خودتان هم باشید. شما امروز با سمت پاسداری در جمهوری اسلامی یک شرافت زیاد و بزرگ دارید و یک مسؤ ولیت بزرگ. اما شرافت برای اینکه خدمتگزار به اسلام، خدمتگزار به دین اسلام شریف است و اما مسؤ ولیت برای اینکه شمائی که برای اسلام هستید و سرباز اسلام هستید باید همه چیزتان را اسلامی کنید. خدای نخواستہ اگر چنانچه از سربازهای اسلام به مردم یک تعدی بشود، یک چیزی واقع بشود، یک مکروهی واقع بشود، این پای اسلام حساب می شود. در رژیم طاغوتی هر کاری که سازمانی ها می کردند و دیگران و قوای انتظامی، پای طاغوت حساب می شد. امروز این رژیم رفت و رژیم اسلامی است شما هم پاسدار رژیم اسلامی هستید. اگر خدای نخواستہ از بعضی جوانهای شما یک تندی، یک چیز مکروهی، یک چیزی واقع بشود که مردم مثلاً خوششان نیاید، حالا دیگر نمی گویند رژیم طاغوتی، می گویند در رژیم اسلامی هم این مسائل هست و نمی گویند آن آدم این کار را می کند، می گویند پاسدارها این کار را می کنند. اگر یک پاسدار قدمش را کج بگذارد، می گویند پاسدارها اینجوری هستند چنانچه اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد، می گویند روحانی ها اینطوری هستند. این یک مسؤ ولیت بزرگی است که برای ما هست و برای شما. برای ما هست برای اینکه ما خودمان را منتسب به اسلام می کنیم. ما هم مثل شما پاسدار اسلام هستیم انشاءالله. و برای شما هست برای اینکه شما الان پاسدار اسلام هستید. ۴۸۳

در حکومت اسلامی کار، کار خدایی است

خیلی مواظب باشید که صحیح رفتار نکنید. با مردم برادر باشید. فرق ما بین رژیم طاغوتی و رژیم اسلامی اینست که در رژیم طاغوتی مردم جدا بودند از قوای انتظامیه، از رژیم. هر کدام مقابل هم ایستاده بودند. ملت هر چه می توانست کارشکنی می کرد برای دستگاه دولتی. دولت هم هر چه می کرد برای استفاده خودش و برای فشار به ملت بود. اما در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند، باهمند. دوست و برادرند. برادر باشید با مردم. همین قوای انتظامی که شما هم الان از این قوا هستید، اینها باید در خدمت مردم باشند مردم احساس کنند که شما در خدمت آنها هستید، وقتی این احساس بشود مثل برادر با شما رفتار می کنند، دعا به شما می کنند، پشتیبان شما هستند. اینکه در آن رژیم ها تا یک صدائی بلند شد همه رها کردند و متصل شدند به ملت، برای اینکه کار، کار شیطانی بود، ملت هم پشتیبان نبود، خودشان هم از باطن پوسیده بودند. اما در رژیم اسلامی کار، کار خدائی است و سرباز، سرباز خداست و قوی است. چنانچه در صدر اسلام با یک عده کمی آن فتح ها و پیروزی ها نصیبشان شد، ایران را، روم را شکست دادند. شما هم الحمدلله با روحیه قوی، ایمان به خدا، این طاغوت را شکست دادید و طاغوتی که در باطن خودتان هست شکست بدهید. مهم این است که آن طاغوت را شکست بدهید. امیدوارم که انشاءالله با سلامت و سعادت و در تحت رهبری آقا این راه را طی کنید و این نهضت را به آخر برسانید که یک حکومت اسلامی با محتوای اسلامی که تمام جاها که انسان پا می گذارد ببیند که اسلامی است. خداوند همه شما را موفق کند. ۴۸۴

خلاف و اشتباه منتسبین به نظام اسلامی، مسؤ ولت سنگینی دارد

همانطوری که برای یک کشور دزدانه‌ای هست، خیانتکارهائی هست، جنایتکارهائی هست و باید با پاسداری جلو این خیانت ها و جنایت ها را گرفت و بحمدالله پاسدارهای اسلامی جلو می گیرند، همین طور در خود انسان از این جنود شیطانی زیاد است که انسان اگر پاسداری نکند، انسان را به هلاکت می رساند. اگر پاسدارهای اسلامی ما پاسداری از خودشان هم نکنند که در این خدمتی که هستند یک خدمت صادقانه، یک خدمت عاشقانه برای اسلام و یک خدمتی که مستقیم در راه اسلام باشد، اگر نکنند

اینها پاسداری را حقش را عمل کردند و اگر خدای نخواستہ یک انحرافی حاصل بشود، یک تعدی از طرف آنهائی که می‌گویند ما پاسدار اسلام هستیم، به برادرانشان بشود، حالائی که قدرتمند هستند و قوی هستند و آزاد هستند، از این قدرت و قوه و آزادی سوء استفاده کنند، به برادرهای خودشان خدای نخواستہ تعدی کنند، به منازل مردم تعدی خدای نخواستہ بکنند، آنوقت نه اینکه یک آدم عادی این کار را کرده است (آن آدم عادی هم مجرم است) لکن یک جمعیتی است که به اسم پاسدارهای جمهوری اسلامی هستند و ملبس به لباس پاسداران جمهوری اسلامی هستند، اگر خدای نخواستہ از پاسدارهای جنود اسلامی، پاسدارهای جمهوری اسلامی یک اشتباه و خطائی حاصل بشود، این فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل شود، برای اینکه اینها خودشان را معرفی می‌کنند که ما جنود اسلام هستیم، ما پاسدار اسلام هستیم و همه توقع از پاسدارهای اسلام دارند که روی خط مشق اسلام کنند، کارهایشان کارهای اسلامی باشد. همانطوری که در طبقه روحانیون که آنها پاسدار اسلام و احکام اسلام هستند اگر خدای نخواستہ یک ملبس به لباس روحانیون یک کار خلاف بکند، این فرق دارد با اشخاص عادی، برای اینکه اینها پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانیت هستند، ملبس به لباس پاسداری از قرآن و سنت هستند اگر خدای نخواستہ از اینها یک وقت اشتباه، خطائی حاصل بشود فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل بشود و لهذا شما جوان‌ها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه تان زیاد است و شغلان شریف. شغل شغل شریف برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریف است و مسؤ و لیتش هم زیاد است. ۴۸۵

همه باید بر اساس موازین و حدود اسلامی رفتار کنند

باید حفظ کنیم این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم، ما هم بگوئیم ما روحانی هستیم، شما هم بگوئید ما پاسدار و خدای نخواستہ به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یک وقت خدای نخواستہ نکنیم. باید همانطوری که مدعی هستیم - ما - که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم، باید خودمان ابتداء مرزمان همان مرز اسلام باشد، راه مان همان راه مستقیم اسلام باشد تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود. اگر فرض بفرمائید که مردم هم مطلع نشوند که ما برخلاف داریم عمل می‌کنیم، خدا که می‌داند، در محضر خداست. در پیشگاه خدا ما نمی‌توانیم آنوقت ادعا کنیم که ما پاسدار هستیم، برای اینکه ما که خودمان بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ عمل بکنیم، بعد بخواهیم ادعا کنیم که ما نگهبان اسلام هستیم، کسی که خودش بر خلاف اسلام عمل می‌کند نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم، یک کسی که خودش دزد است نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم. من پاسبان هستم. پاسبان وقتی دزد باشد، پاسبان نیست، دزد است. پاسدار خدای نخواستہ اگر برخلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست، این یک آدمی است که برخلاف اسلام است.

۴۸۶

خلاف مسؤ و لین سبب دفن مکتب بزرگ ما می‌شود

اسلام را امروز به دوش من و شما گذاشته‌اند که این را حفظش کنیم، مسؤ و لیتش به دوش من و شماست، به دوش این ملت است این را حفظش کنید. شما پاسداران خدمت می‌توانید بکنید به این نهضت، و خدای نخواستہ می‌توانید کاری بکنید که اسلام از دست برود، شما پاسدارها اگر پاسداری واقعا از اسلام می‌کنید پاسداری از مملکت اسلامی می‌خواهید بکنید، توجه کنید به اینکه خودتان یک قدم خلاف برنارید. اگر شمایی که الان پاسدار اسلامید از شما یک خلاف ببینند، می‌گویند اسلام اینطوری است، چنانچه اگر از روحانیون یک چیزی ببینند، می‌گویند اسلام این است. باید شماها وظایف پاسداری از اسلام، پاسداری از جمهوری اسلامی پاسداری از مملکت اسلام، شمایی که الان به این شغل بسیار شریف و لباس بسیار مبارک در آمدید، قدرش را

بدانید. اگر الان شما یک خلافی بکنید، گردن شما نیست می گذارند گردن جمهوری اسلامی، می گویند جمهوری اسلامی هم همین است، آنوقت سازمان امنیت به ما ظلم می کرد و حالا پاسداران اسلامی. مکتب ما را، آن مکتب بزرگ ما را دفن می کند. اگر در این نهضت مکتب ما شکست بخورد، دفن می شود و دیگر کسی نمی تواند بیرونش بیاورد. کاری بکنید که شکست نخورید، کاری بکنید که مکتبتان شکست نخورد. شما به وظایف انسانی و اسلامی خودتان رفتار کنید و ما هم همین طور انشاء الله و همه گروه ها هم همین طور تا اینکه این فتحی که تا اینجا رساندیم بتوانیم نگهش داریم تا به آخر برسانیم و بتوانیم ما عرضه کنیم به دنیا که ما یک چنین متاعی داریم، اسلام یک چنین چیزی است. ۴۸۷

اگر وظیفه خودمان را انجام ندهیم مکتبمان را متهم می کنند

اگر بنا باشد که حالایی که یک پیروزی نصیب ملت ما شده است، کمیتها هم تعدی بکنند خدای نخواستہ، پاسدارها تعدی بکنند خدای نخواستہ، روحانیون خلاف مسلک روحانیت عمل بکنند خدای نخواستہ، دولت خلاف دولت اسلامی رفتار کند خدای نخواستہ، ارتش خلاف ارتش اسلامی رفتار کند خدای نخواستہ، و همین طور، اگر یک چنین قصه ای پیش بیاید، در دنیا منعکس می شود، آنهایی که درصددند که این نهضت را آلوده کنند و اسلام را - دشمن دارد اسلام - آنها در خارج و در داخل منعکس کنند که اعمال همان اعمال است مهره ها عوض شده آنوقت نصیری بود حالا- بصیری، عمل چه عملی است. اگر ما اعمالمان را موافق با آنکه جمهوری اسلامی اقتضا دارد منطبق نکنیم، اگر ما که پاسدار احکام و شما پاسدار اسلام (همه مان الحمدلله امیدوارم پاسدار باشیم) اگر ما اعمالمان را مطابق با آن وظیفه پاسداری نکنیم، ما را متهم می کنند به اینکه، (خودمان را متهم نمی کنند، آنها دیگر حالا کاری به شخص ندارند) مکتب ما را متهم می کنند به اینکه این هم همان رژیم شاهنشاهی است، افراد فرق کرده اند، اسمش فرق کرده، آنوقت می گفتند رژیم شاهنشاهی و حالا می گویند جمهوری اسلامی، آنوقت می گفتند شاهنشاه حالا می گویند یکی دیگر، اما معنا همان معناست، محتوا همان محتواست، اشکالات هم همان اشکالات است و تعدیات همان تعدیات است. اگر یک کاری بکنید، زیادش می کنند، اگر کسی یک تعدی بکند، نمی گویند این کرده، می گویند پاسدارهای اسلام اینطور، از اینجا هم برش می دارند و می گذارند روی اسلام و می گویند اسلام این است، آن اسلامی که اینها فریاد می کردند ما اسلام می خواهیم، ما رژیم شاهنشاهی نمی خواهیم، ما رژیم اسلام را می خواهیم، این هم اسلامشان. اینطور برای ما می گویند. ۴۸۸

همه ما باید با خلاف دیگران مقابله کنیم

امروز اسلام به شما محتاج است، قرآن کریم محتاج به شماست، خودتان را اصلاح کنید. شما هم خودتان را اصلاح کنید، این طبقه هم خودش را اصلاح کند. اگر هر کس یک جایی فرض کنید یک صورت روحانی به خودش داد و چهار تا از این تفنگدارها را دور خودش جمع کرد و شروع کرد خلاف آن چیزی که وظیفه روحانی است عمل بکند، اسلام را باد داده، امروز نمی گویند زید این کار را کرده می گویند جمهوری اسلامی این است، منعکس می کنند این جمهوری اسلامی است. وظیفه سنگین، مسؤلیت سنگین و همه تان مسؤل خواهید بود. اگر یکی تان یک کاری بکند دیگری ساکت باشد او هم مسؤل است. اگر یکی یک خلاف کرد، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا. لازم نیست که کتک کاری بکنید، مواخذه کنید. اگر یک نفر خلاف کرد، ۲۰ نفر از شماها رفت گفت نکن این کار صحیح نیست، تحت تاثیر واقع می شود. اگر یک معمم، یک صورت معمم، یک کار خلاف کرد، از اطراف، معممین هجوم به آن آوردند که چرا این کار را می کند، دیگر اگر من دخالتی کردم همه تان هجوم آوردید که چرا این کار را می کنی من سر جایم می نشینم. همه تان مسؤل ولید همه مان مسؤل ولیم، امروز

مسئولیت بزرگ است برای ما ، ما نصف راه هستیم و من خوف این را دارم که قضیه ما قضیه هیتلر بشود . ۴۸۹

دشمنان از لغزشهای ما حداکثر استفاده را می کنند

من از شما برادرها و جوان های برومند که امروز عضو قوای انتظامی اسلام شده اید ، تشکر می کنم و امیدوارم این خدمت هائی که می کنید مورد نظر خدای تبارک و تعالی باشد و در ساختن ایران به طوری که دلخواه اسلام است موفق باشید . اگر در دوره طاغوتی کاری می کردید ضررش به اسلام نبود برای اینکه در دوره طاغوت عمل می شد ، اما امروز که در رژیم اسلامی هستیم و شما هم قوای اسلامی هستید ، کلانتری اسلامی هستید ، اگر خدای نخواستہ یک لغزش برای ما و برای شما پیدا بشود به حساب جمهوری اسلامی ثبت می شود و آنها که با این نهضت مخالفند دنبال این هستند که از ما و از شما و از جوان های ما یک لغزشی ببینند ، لغزش را پای جمهوری اسلامی حساب می کنند و با هیاهو و بوق و کرنا راجع به جمهوری اسلامی کارشکنی می کنند . بنابراین وظیفه ما امروز بسیار سنگین است وظیفه این است که همه با هم متحد و متفق بدون تحمیل بر ملت و حکمفرمائی و بدون کارشکنی باید با هم برادر وار این راهی را که تا اینجا آمده ایم انشاءالله به آخر برسانیم . من به شما برادرها مژده می دهم که اگر چنانچه برسیم به آنجائی که محتوای اسلام در همه جای این مملکت پیاده بشود یک حالت اطمینان برای ملت و کشور حاصل می شود که سرآمد همه خوبی هاست . انسان اگر چنانچه همه خوشی ها را داشته باشد لکن حال اطمینان نداشته باشد و متزلزل باشد ، تمام آن خوشی ها تلخ می شود . شما فرض کنید که در یک کشتی نشسته اید و همه اسباب خوشی برای شما مهیاست ، یک وقت کشتی متزلزل بشود و احتمال غرق باشد دیگر هیچ خوشی برای شما ندارد همه اش تلخ می شود یک مملکت اگر چنانچه متزلزل باشد ، باز خوف این باشد که ما گرفتار آمریکا بشویم ، خوف این باشد که ما گرفتار سایر ابر قدرت ها بشویم ، طمانینه نباشد ، استقلال روحی نباشد ، پای خود قیام نکنیم ، این خوشی ها دیگر لذتی ندارد و اگر چنانچه ما مطمئن باشیم که مستقل هستیم و آقا بالا سر نداریم و خوف اینکه آنها به ما هجوم کنند یا کارشکنی در کارهائی بکنند نداشته باشیم ، این طمانینه روحی بهترین چیزی است که برای انسان هست . ۴۹۰

مخالفان ما ، اشتباهات را به حساب اسلام می گذارند

امروز که جمهوری اسلامی است و همه جناح ها در زیر پرچم اسلام مشغول انجام وظیفه هستند اگر خدای نخواستہ یک مطلبی برخلاف مقاصد اسلامی واقع بشود ، این نه اینکه ضرر به همان کسی که این کار را انجام می دهد می خورد ، این ضرر به مثلاً اگر در پاسبان ها اینطور ، پاسدار اینطور باشد این ضرر به اصل پاسدارهای جمهوری اسلامی می خورد ، از آنجا هم یک قدم بالاتر می رود ، به جمهوری اسلامی لطمه وارد می شود ، از آنجا هم آنهائی که با اسلام مخالفند می گویند که این رژیم همان رژیم است ، به مردم می گویند دیدید ، خوب از دست یک ظلمی شما رها شدید به دست یک ظلم دیگر یا ظالم دیگر مبتلا شدید این در آن زمان اگر هر چه برای مان واقع می شد ، بر ما واقع می شد ، بر اسلام واقع نمی شد ، اسلام از آن نتیجه هم می برد ، لکن امروز که جمهوری اسلامی است و به اسم اسلام هر کس مشغول کاری هست ، اگر چنانچه یک خطائی واقع بشود ، یک اشتباهی واقع بشود یا خدای نخواستہ یک عمدی پیدا بشود ، امروز پای اسلام حساب می شود ، آنها هم که بخواهند فضولی کنند و قلم های مسمومی که در داخل و خارج الان مشغول توطئه هستند و می بینند که منابع خودشان و اربابانشان از دست رفته و باید یک فکری بکنند که اوضاع را منقلب کنند ، آنها مشغول این هستند که یک چیزی ببینند آن را اضافه کنند و آنقدر که می توانند باد بزنند به آن تا این نهضت را لکه دار کنند . ۴۹۱

خلاف ما سبب شکست مکتب می شود

ما تاریخ اسلام پیشمان است و می بینیم که پیغمبر اکرم در بعضی از جنگ ها شکست خورد ، در مکه هم که بوده است دائما در انزوا بود ، بدون اینکه بتواند یک کاری انجام بدهد . گاهی حبس بوده است توی آن غار ، خوب حبس بود آنجا ، مدینه هم که تشریف آوردند ، البته نهضت را پیش بردند ، لکن در بعضی از جنگ ها شکست خورد . حضرت امیر سلام الله علیه هم در جنگ با معاویه شکست خورد ، یعنی شکستی از لشکر خودش ، از آن اشخاص نادان مقدس ماب شکست خورد حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد اما پیروزی نهائی را داشتند ، مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن ، دشمنشان را عقب زدند ، بساط معاویه را که می خواست اسلام را به صورت یک امپراطوری در آورد ، برگرداند به زمان جاهلیت و آن اوضاع جاهلیت ، شکستش دادند . یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد ، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد ، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند . ما هم اگر چنانچه اینطور شکست بخوریم ، افتخاری است برایمان و اشکالی هم برایمان نیست که همانطوری که مجاهدین صدر اسلام شکست می خوردند ، ما هم شکست بخوریم ، این نهضتمان پیش می رود و آبروی اسلام محفوظ می ماند ، تا آخر هم محفوظ می ماند . و اما اگر حالا- که مدعی این هستیم که انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی است و امثال ذلک و ما در این جمهوری اسلامی شکست بخوریم به عنوان ، یعنی شکست مکتب ، یعنی گفته شود که رژیم طاغوتی عوض شده یک رژیم طاغوتی دیگر آمده است که دشمن های ما هم همچو نیست که اکتفا کنند به اینکه مثلا فلان کمیته خلاف کرده ، فلان دادگاه خلاف کرده ، این را می آورند . روی اینکه آخوندها اینجوریند ، به این هم اکتفا نمی کنند که روحانین اینجوریند ، این ها با اسلام مخالفند ، می گویند اسلام هم همان بود ، اسلام هم همان مثل رژیمهای دیگر است ، اینطور نیست که اگر من شکست بخورم ، شما شکست بخورید ، بیایند بگویند زید شکست خورده ، یا اگر من خلاف بکنم ، بیایند ، بگویند خلاف کرده ، اینجور نیست . از فرد به نوع و از نوع به اصل مقصد می کشانند دشمن اصل اسلامند و قلم ها هم برای اصل اسلام به کار می رود . ۴۹۲

بازی با اساس اسلام گناهی است نابخشودنی

و ما را می خواهند که در داخل خودمان پوک کنند و منهدم کنند از داخل خودمان . اگر هم همین قدر بود که ما از بین می رفتیم لکن مکتبمان محفوظ می ماند ، اشکال نداشت ، لکن آنها مقصدشان این است که مکتب را بهش صدمه بزنند . و این یک مسؤ ولیت بزرگی ، جانفرسائی برای ما آمده است ، یک مسؤ ولیتی است که اگر خدای نخواستہ تقصیر بکنیم در این قضایا ، اگر چنانچه ما بخواهیم برای - مثلا فرض کنید - فلان امام جماعت بخواهد برای رواج بازار خودش یک کاری انجام بدهد ، در کمیته عمدا یک کسی کاری انجام بدهد ، به طوری که دست دشمن های ، قلم های مسمومشان که هست بهانه پیدا بکنند و حمله کنند به آن چیزی که اساس است و آن عبارت از اسلام است ، ما یک گناهی مرتکب شدیم که بخشودنی نیست ، گناهی بخشودنی است - بخشودنی هست - پیش خدا که صدمه اش به خود آدم برسد ، خود آدم آلوده بشود - یا افرادی فرض کنید - اما آنی که با اساس اسلام برخورد بکند و بازی با اساس اسلام - با اساس اسلام - باشد ، این مطلبی نیست که به ما ببخشند و این ننگی برای ما ، برای جامعه روحانیت در تاریخ پیدا خواهد شد که تا آخر جبران نمی تواند شود . ۴۹۳

تکلیف علما در این زمان از همه زمانها بیشتر است

تکلیف اهل علم در این زمان از همه زمان هائی که بر اهل علم گذشته بیشتر است ، از صدر اسلام تا حالا برای اهل علم اینطور صحنه پیش نیامده . آن روزی که حضرت امیر سلام الله علیه در جنگ خیر بود که پیغمبر اکرم می فرماید که اسلام تمامش با کفر

تمام مقابله کرده، آن روز برای حضرت امیر صحنه ای پیش آمده بود و مسؤلیتی پیش آمده بود که اگر چنانچه خدای نخواست به فرض محال سستی می شد، تا آخر، ابد، بخشودنی نبود، لکن او که اهل سستی نبود، او پیش می برد. او یک ضربتش افضل از عبادت ثقلین شد در آن روز. امروز هم ما مواجهیم، آنطوری که در این برهه از زمان که هستیم، اسلام مقابل با تمام کفر است. نه من و شما مقابلیم، من و شما مطرح نیستیم، نه ملت ایران، این هم مطرح نیست، اسلام الان مطرح است، یعنی مقابله بین اسلام و کفر، و در این مقابله مابین اسلام و کفر همه ملت مسؤل وند، همه مسؤل وند. لکن روحانیت بیشتر مسؤل است. برای اینکه پاسداران درجه اول روحانین اند، اینها بیشتر مسؤل از دیگران می شود گفت که سنخ، صنف مثلا کاسب، صنف کذا، اینها مثلا- اکثرا قاصرند، چطور، اما در اهل علم این کم است، قصور کم است، مسؤلیت هم زیاد باید فکر بکنید. این مسؤل ولیتی که الان به عهده همه ما هست، چطور ما از زیر بار مسؤل ولیت بیرون برویم نه شما آقایان ارومیه و نه آقایان آذربایجان و آقایان تهران و قم، همه علماء ایران، این بار به دوش همه است، همه ملت است. سنگینی اش بیشتر به دوش علما است، باید علما فکر بکنند، باید محاسبه بکنند خودشان را. یکی از چیزهایی که در منازل سیر است، محاسبه است که انسان آنوقتی که محاسبه شده است بین خودش و خدا، خودش را به حساب بکشد، محاسبه کند خودش را که من در این راهی که دارم می روم چه کردم امروز، من چه کردم؟ محاسبه کنید خودتان را، هم محاسبه کنیم همه خودمان را و همه ملت، همه مسلمان ها و در راس، علما، آنقدر مسؤل ولیتی که به عهده آقایان اهل علم است، به عهده دیگران نیست، آنقدر آنها، اگر چنانچه خدای نخواست یک راهی بروند که راه خدا نباشد، چهره اسلام به دست آنها جور دیگر می شود، کاری بکنید که به عهده ما یک همچو مسؤل ولیتی که هست، بتوانیم به آخر برسانیم. ۴۹۴

لغزش علما، اسلام را در خطر می اندازد

از خدا بخواهید که ماها از لغزش دور باشیم. خودتان برای خودتان، برای همه ملت، ملت بخواهد برای خودش و برای علما دعا کنند که این طبقه لغزش پیدا نکنند که به لغزش آنها اسلام در خطر است. همه ما مکلفیم، همه مسؤل ولیم و کلکم راع و کلکم مسؤل این برای همه است، لکن به عهده شما بیشتر است. شماها باید بیشتر رعایت بکنید. بیشتر در این پستی که هستید که مسند اسلام است، بیشتر مراعات بکنید. بیشتر مردم را مراعات کنید، جامعه را بیشتر تربیت کنید و همه مسؤل ولیم و همه مسؤل ولید و هر کس سعه نفوذش بیشتر است، مسؤل ولتش بیشتر است. از خدا بخواهید که ما بتوانیم و خودتان بتوانید و ملت بتواند از این مسؤل ولیت بزرگی که به عهده اش هست، لااقل پیش خدا آبرومند باشد. ما رفتنی هستیم، آقا این یک مسأله واضیحی است، همه مان خواهیم رفت، همه مان در رحیل هستیم، توی راهیم همه. از من نزدیک است، شما جوانید یک قدری عقب تر، آن هم معلوم نیست، مرگ هم معلوم نیست که برای پیر و جوان فرقی بگذارد، یک آمد معینی است، همه رفتنی هستیم، کوشش کنید که آن وقت که ملک موت می آید و مشاهده می کنید او را، آن با شما به یک صورت رحمانیت عمل کند، شما را که می برد به یک صورت خوب ببرد. کوشش کنید که آنجا که باب رحمت است بسته نشود و باب غضب باز بشود، از خدا بخواهید که بشود اینطور، و اگر چنانچه ما در این قدم که حساس ترین قدم است در اسلام و برای همه و برای روحانیت و برای همه متفکرها و برای همه ملت، در این موقعی که حساس ترین مواقع است بین تان، ایجاد اختلاف بین تان نکنید، دسته بندی نکنید، هر کسی برای خودش نکشد. خدا هست، غفلت نکنید از او، خدا حاضر است، همه ما تحت مراقبت هستیم والله من ورائهم محیط ۴۹۵ مراقب است. آن خطرات قلب شما در مراقبت حق تعالی است، آن لحظات چشم شما در مراقبت حق تعالی است، آن حرکات زبان شما در محضر حق و در مراقبت اوست، توجه داشته باشید که این دنیا رفتنی است و حساب شما با کسی است که همه چیزشان تحت مراقبت بوده است. ۴۹۶

کاری کنید که اسلام عزیز و نورانی به دست ماها مشوه نشود

قضیه ، قضیه معصیت انسان و قضیه اینکه من بنده خدا هستم و بنده خدا معصیت کار می شود و این کذا ، قضیه ، قضیه محاسبه بین شما و خدا تنهائی ، قضیه ، قضیه این است که امروز غیر زمان طاغوت است ، زمان طاغوت اگر یک شخصی ، ملائی یک کار خلاف می کرد ، می گفتند این طاغوتی هست و این مثلا آخرش می گفتند ساواکی هست ، نمی آمدند سراغ اینکه بگویند این حرفی که آخوندها از اول داد می کردند و مردم را هم وادار می کردند به داد کردن ، این حرف دروغ درآمد ، این نمی گفتند به آنها ، آخوندها آن وقت مظلوم بودند . چهره مظلوم چهره محبوب است ، شما در آن رژیم هر چه مظلومتر می شدید محبوبتر می شدید ، هر که مظلومتر بود محبوبتر بود . چهره امروز ، چهره مظلومیت نیست تا محبوب بشوید ، چهره این است که وقتی که کار در اینها درآمد ، اینها هم همانند . شما را به صورت دیگر درمی آورند ، آنها هم که فرض کنید که در این کاری که من می کنم یا شما می کنید ، دخالت ندارند ، آنها را هم پهلوی شما می گذارند با یک چوب می زنند . پس ما مسؤ ولیت اسلام را داریم ، مسؤ ولیت مسلمان ها را هم داریم ، مسؤ ولیت روحانیت را هم داریم ، همه چیز را داریم ، همه چیز را داریم ، همه مسؤ ول و هر کس سعه نفوذش بیشتر ، مسؤ ولتیش بیشتر . کاری بکنید که آن اسلام عزیز که امروز دست شماست ، با یک صورت خوبی تحویل بدهید به اعقابتان ، یک صورت مشوه درست نکنید که بگویند همین بود . اسلام نورانی است ، با دست ماها مشوه می شود .

۴۹۷ .

شکست امروز نهضت به واسطه کجروی ماها ، شکست برای همیشه است

و امروز روزی است که اگر خدای نخواستہ ما در این نهضت شکست بخوریم ، شکست خوردیم تا آخر . یک وقت بود که ما می گفتیم که طاغوت هست ، انشاءالله حکومت اسلامی بشود ، انشاءالله آن درست می شود ، همه حرفمان این بود ، ملت هم فریاد کردند که ما اسلام را می خواهیم . اگر خدای نخواستہ حالا یکی اینطور شده ، به واسطه کجروی ماها ، کجروی طوائف مختلف ، کجروی احزاب ، بعضی از احزاب ، اگر خدای نخواستہ از باطن ما را تهی کنند و ما را به جان هم بریزند و مهم این نیست ، مهم اینست که با به جان هم ریختن ، صورت اسلام را یک جور دیگر جلوه بدهند به دنیا ، بگویند سروکار آنها با دنیاست . قلم آنها دستشان هست ، همه چیزهای گروهی ، رسانه های گروهی دست آنهاست ، ماها یک ملت ضعیفی هستیم ، و جز یک حربه که ایمان بود ، نداشتیم . همه تبلیغات مال آنهاست ، ما راه تبلیغی نداریم ، کاری ما نکنیم در همه تبلیغاتشان و همه جای دنیا بگویند که اسلام اینطوری بود که در ایران بود . شما ملاحظه می کنید در بعضی از این ممالک که اسم اسلامی رویش هست ، الان هم در همه جا می گویند که اسلام این است که در اینجا است ، خوب ، این یک چیز ، مائی که ادعا داریم و ادعا می کنیم همه مان - و صحیح هم هست ادعایمان - که اسلام آن نیست که آنها می گویند ، اسلام یک اسلامی است که حکومتش یک حکومت خاص است ، رژیمش یک رژیمی است غیر همه رژیم های دنیا ، عدل و انصاف هست در آن ، حکومت خداست مائی که این حرف را می زنیم - و صحیح هم هست حرفمان - اگر گفتارمان با اعمالمان مخالف باشد ، مگر منافق چیست ؟ یک دسته از منافقین در صدر اسلام بودند که گفتارشان با واقعشان مخالف بود ، راجع به اصل اسلام می آمدند می گفتند ما مسلمانیم و نبودند .

۴۹۸ .

کاری کنید که اسلام از ما گله مند نباشد

ما ادعا می کنیم که ما روحانیون می گذاریم ، ما اول باید از خودمان مایه بگذاریم . بیخود هی نگوئیم ما خویم و دیگران بد ، مائی که دعوی این را داریم که ما هستیم که اسلام را می خواهیم ترویج کنیم ، اسلام را می خواهیم تقویت کنیم ، علاقه به اسلام

داریم، احکام اسلام پیش ماست. ما، باید احکام اسلام را پخش بکنیم. مائی که این مسائل را داریم می گوئیم و خودمان هم به صورت یک نفر آدمی که به اسلام به همه معنا ایمان آورده است و قبول دارد همه چیزش را و یک آدم متقی صالح کذاست، اگر خدای نخواستہ در باطن برخلاف این باشیم، منافق نیستیم؟ همان ابوسفیان منافق است؟ من و شما هم منافقیم، آن ایمانش را عرضه می کرد و نداشت، شما هم کمال ایمانتان را عرضه می دارید بله، مسلمان هستید، اما منافقید، این مسلمان منافق در جهات دیگر. اینها هیچ کدام مهم نیست، مهم این است که اسلام دست ما آمده است، امانت خداست. دست ما آمده است، این امانت را باید به آنطوری که هست بدهیم به اعقابمان، عرضه کنیم این اسلام را به آنطوری که واقع اسلام است به دنیا، و خودمان جوری نکنیم که این اسلام را یک طور دیگر نمایشش بدهیم به غیر، آنطوری که هست نمایشش بدهیم. این دیگر فرق نمی کند بین آن بچه طلبه و طلبه ناری که تازه تو مدرسه رفته است و شما آقایان که از علما هستید و در مساجد هستید با سایرین، هیچ فرقی مابین آنها نیست، منتها شما آقایان که بزرگتر و بالاتر هستید، مسؤل ولایت تان بیشتر است امثال من طلبه است، اما همه مسؤل ولایت، مسؤل ولایت کم و زیاد دارد، به حسب اختلاف نفوس، اختلاف سعه کلمه، کاری بکنید که اسلام از ما گله مند نباشد، قرآن کریم از ما گله مند نباشد، که آقایان که شما خودتان را می گفتید که ما مروج قرآن هستیم، مبین احکام قرآن هستیم، چرا خودتان یک کاری دارید می کنید یا کردید که اسلام یک جور دیگر جلوه کند پیش مردم. ۴۹۹

امروز مسند و مسؤل ولایت ما خیلی خطرناک است

خیلی مواظب باشید، این مسند خطرناک است، این عمامه خطرناک است، این محاسن خطرناک است خودتان را از این خطرها نجات بدهید، حفظ کنید خودتان را، این مال ما، همه همین طور، فرق ندارد، اسلام مال اهل علم نیست، اسلام مال همه است، این امانتی است که خدا به همه داده است. شما هم اگر چنانچه فرض کنید پاسدارید و در یک جائی به اسم پاسداری اسلام، پاسداری شدید، شما حالا پاسدار طاغوت نیستید، پاسدار اسلام هستید، اگر چنانچه پاسدار اسلام هم یک کاری بکند که بگویند اینها هم مثل سابق، در بین همین مردم ضعیف الایمان هست که می گویند که ایکاش نشده بود برای اینکه ما حالا از دست بعضی از مامورین بیشتر برایمان بد می گذرد از سابق، ولو درست نمی گویند لکن خوب، گفته می شود، آنها هم که شیطانند تزریق می کنند به آنها یک همچو مسائلی. این یک مسأله ای نیست که مربوط به من و آقا و آقا باشد، این یک مسأله ای است مربوط به ملت است، یک ملتی که اسلام را رای به او داده، گفته است، رای داده ملت به جمهوری اسلامی، یعنی قبول کرده است که باید ما نظاممان نظام اسلام باشد، آنوقت اینکه قبول کرده است که نظامش باید نظام اسلامی باشد، پاسدار است، برخلاف نظام اسلام عمل می کند، کاسب است برخلاف نظام اسلام عمل می کند. نظام مال همه است، نظام یک چیزی است که همه ملت در تحت پوشش نظم باید باشد. بازاری یک کاری می کند که برخلاف آن نظامی است که اسلام قرار داده است و هکذا، ادعا کردید که ما اسلام را قبول کردیم رژیممان حالا رژیم اسلامی است، از طاغوت منتقل شدیم به الله، از حکومت شیطان بیرون آمدیم تحت حکومت رحمان رفتیم، ما که این ادعایمان است همه ملت رای به این دادند، اگر کارهای زمان طاغوت را اعاده کنند، اینها در این ادعا منافق بودند. ۵۰۰

باید از حالت شیطانی به حالت رحمانی متحول شویم

کارها را باید عوض کرد، باید تحول پیدا کرد، باید همه ملت متحول بشود. این نباشد که ما متحول، انقلاب چیز کردیم، از طاغوت بیرون، باید انقلاب باطنی بکنیم، باید نفوسمان هم منقلب بشود، اگر تا حالا در تحت سلطه شیطان و طاغوت بوده است، متحول بشویم و بیرون برویم از این پوشش شیطانی به پوشش رحمانی. آن به این است که ما مطابق نظام اسلام عمل کنیم.

ریاخواری مخالف با نظام اسلام است، جنگ با خداست به حسب قرآن فاذنوا بحرب من الله ۵۰۱ بیائید به جنگ خدا، اینها به جنگ خدا رفتند. اگر بازار مسلمان‌ها همان بازار زمان طاغوت باشد، نمی‌تواند بگوید که من رژیم اسلامی را قبول کردم، نخیر، شما در تحت رژیم شیطان هستید و طاغوت هستید باز و هکذا همه قشرها. یک مسأله‌ای است مال همه قشرها و ما اول برای خودمان قبول می‌کنیم مسأله را و بعد هم برای همه تان. مسئول اول خود ما هستیم و بعد هم همه شما فکر اسلام باشید که این مسأله را نگذارید صدمه بخورد، از دست ما صدمه بخورد. از دست دشمن‌ها می‌خورد، اگر دولت‌ها با هم باشند آسیب نمی‌توانند بزنند، آسیب نمی‌توانند بزنند، اما اگر چنانچه ماها از دست به جان هم بیفتیم، با هم مختلف باشیم، ماها بخواهیم هر کدامی یک کاری را انجام بدهیم، از نظم اسلامی بیرون برویم، از تحت فرمان حکومت اسلامی بیرون برویم، از فرمان خدا بیرون برویم آسیب می‌بینیم، از باطن ما را از هم منفصل می‌کنند و آسیب پذیر می‌کنند، و الان تمام افکار، افکار آنهایی که می‌خوردند مال این ملت را، متوجه این معنا است. ۵۰۲

کاری کنید که ایران سربلند باشد

ولی آن چیزی که باید من عرض کنم به شما آقایان که سران این جمعیت هستید، این است که کاری بکنید که این نهضت لکه دار نشود. شما الان جزء جنود الهی هستید، جندالله شما هستید، شما لشکر خدائید، کسی که لشکر خداست اگر خدای نخواسته یک کاری بکند که مرضی خدا نباشد و آنوقت یک جورى باشد که گفته بشود که خوب، اینها هم مثل سابق، اینها حالا دستشان رسیده به یک چیزی اینها هم زور می‌گویند به مردم، اینها هم اذیت می‌کنند مردم را، اینها هم مثلاً مال مردم را خدای نخواسته برمی‌دارند، اینطور نباشد. به جوان‌هایتان سفارش کنید، از قول من سلام به همه برسانید، سفارش کنید که شما جوان‌ها جند خدا هستید، شما دست خدا هستید، شماها کاری بکنید که ایران سربلند باشد در دنیا، ما پیش خدا سربلند باشیم، خود شما پیش خدا آبرومند باشید. یک وقتی کاری نشود که ملت‌ها، دیگران ما را تعیب ۵۰۳ کنند به اینکه شما دستتان نمی‌رسید، حالا که دستتان رسید شما هم همان هستید. بفهمانید به آنها که نه، ما برای دنیا پانصدیم راه بیفتیم و گرنه معقول نیست که آدم جانش را بدهد برای دنیا. کسی که دنیا را می‌خواهد جانش را می‌خواهد حفظ کند تا دنیا را ببلعد، شمائی که جانتان را در معرض خطر قرار دادید اگر یک وقتی در بین تان یک جوانی، یک جاهلی پیدا شد که یک کاری انجام داد خلاف موازین، خودتان جلوی او را بگیرید، نصیحت‌شان کنید، نگذارید یک طوری بشود که در دنیا منعکس بشود که ایران وقتی که به نوا رسیدند خودشان ریختند و چه کردند و چه کردند. من امیدوارم که خداوند مویده شما باشد، خداوند پشتیبان شما باشد با قدرت جلو بروید، اتکالتان به یک مبداء قدرتی است که هیچ قدرتی در مقابل او چیزی نیست، با همان قدرت جلو بروید و شما پیروزید بحمدالله.

۵۰۴

حفظ حیثیت نظام به شماها بسته است

لکن مسأله‌ای که باید من عرض کنم و تکرار کنم عرض کرده‌ام، این است که این انقلاب در اول که واقع شد به طور سرعت و به طور غیر مترقب، یکدفعه مثل یک جامی که بترکد یک دفعه هجوم کرد و قدرت‌های بزرگ را از بین برد. لکن بعد از اینکه این پیروزی حاصل شد، کم‌کم یک سستی‌های مختصری، یک چیزهای کمی در همه جا، هم در کمیته‌ها و هم در دادگاه‌ها و هم در پاسداران و هم در قشرهای دیگر یک کمبودهایی پیدا شد. من باید به شما آقایان و همه ملت ایران خصوصاً آنهایی که مشغول فعالیت‌هایی برای نهضت و انقلاب هستند عرض کنم که همانطور که پیروزی انقلاب مرهون شماهاست، حفظ حیثیت انقلاب هم بسته به شماهاست. انقلاب، یک دفعه انقلاب ملی است، نه اسلامی، یک انقلاب حزبی است، نه اسلامی، آن یک

وضعی دارد، یک وقت مثل انقلاب ایران که یک انقلاب اسلامی است و همه دیدیم و دیدید که جز فریاد الله اکبر و اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم، هیچ صدای دیگری نبود. تمام ملت در سرتاسر کشور فریاد می زدند که (جمهوری اسلامی)، (نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی). این یک مسأله اسلامی است و ملت ما عاشق اسلام بود که در همه اطراف با دست تھی سینه های خودشان را سپر کردند، جوان های خودشان را بردند در میدان، زن ها و مردها رفتند و مبارزه کردند و پیروز شدند. این قدرت اسلام بود والا نه حزبی می توانست این کار را بکند و نه ملیتی می توانست این کار را بکند. و اگر ملاحظه کنید، جنبش های ملی و جنبش های حزبی، هیچ وقت اینطور نبوده است که تمام ملت، بچه، بزرگ، زن، مرد همه یکصدا دنبالش باشند، این قدرت اسلام بود که همه را با هم همصدا کرد و همه را با هم بسیج کرد برای اینکه پیروز بشود و پیروز شد. ملت ما اسلام را می خواهد و نه چیز دیگری را. اگر ملیت را می خواهد، در پناه اسلام می خواهد. خیال می کنند که اگر یکصد نفر، دویست نفر، پانصد نفر را دور خودشان جمع کردند و یک عده هم نشریات برای خودشان درست کردند، اینها می توانند یک کاری در مقابل ملت بکنند. ملت اسلام را می خواهد و ملت، روحانیت را به رسمیت شناخته است و می خواهد. ۵۰۵

امروز آبروی نهضت بسته به کسانی است که در خدمت انقلابند

الان حفظ - این - آبروی این نهضت بسته به روحانیت است و بسته به پاسداران که پاسداران این نهضت هستند و دادگاه ها و همه نهادهائی که در خدمت این نهضت هستند، در خدمت این انقلاب هستند. اسلام الان نظر دوخته است به ایران، ببیند که اینها با اسلام چه می کنند، آیا وفادار هستند به اسلام و روی مصالح اسلامی کار می کنند. چه در دادگاه ها، چه در کمیته ها و چه در پاسداران انقلاب و چه در قوای انتظامی دیگر و چه در شورا و چه در هر جا، در همه ادارات، اسلام الان متوجه این است و نظر به این دارد که اینها چه می کنند. اینها با قدرت اسلام پیروز شدند، امروز که پیروز هستند با اسلام چه می خواهند بکنند؟ آیا در خط اسلام هستند و اسلام را می خواهند پیش ببرند و احکام اسلام را در ایران جاری کنند و انشاء الله در جاهای دیگر هم این احکام محقق بشود و نهضت صادر بشود و یا اینکه خدای نخواستہ یک راه دیگری را پیش دارند؟ امروز، همه ما، همه شما، همه ملت، همه قشرها و خصوصاً قشرهائی که در خدمت انقلاب هستند و مشغول فعالیت هستند، مسؤ ولیت بزرگ دارند مسؤ ولیت حفظ انقلاب اسلامی و حفظ آبروی اسلام و آبروی انقلاب اسلامی. اگر خدای نخواستہ در قشر روحانی، چه آنهایی که در کمیته ها هستند و چه آنهایی که در مدارس هستند و چه آنهایی که در شهرستان ها هستند، اگر خدای نخواستہ یک کار اشتباهی واقع بشود، این اینطور نیست که بگویند فلان فرد این کار را کرده است، به جامعه روحانیت نسبت می دهند می گویند آخوندها اینطورند. ۵۰۶

امروز همه مسؤ ولند که آبروی اسلام را حفظ کنند

اینهایی که غرض دارند، اینهایی که می خواهند روحانیت را بشکنند و اصل هدفشان اسلام است و می خواهند اسلام را بشکنند و چون اینها را قشری می دانند که خدمتگزار اسلام هستند و اینها نگهدار اسلام هستند به اینها حمله می کنند. اگر یک بهانه ای روحانیت دست اینها بدهد، اسباب این شود که یک مطلب کوچک را بزرگ بکنند، آن هم اگر از یک نفر صادر شده باشد، به مطلق روحانین نسبت بدهند. اگر در این کمیته های شما خدای نخواستہ یک امری واقع بشود که بر خلاف موازین اسلامی است، می گویند که آخوندها کمیته ها را گرفته اند و مشغول کارهای مثلاً خلاف هستند. نمی گویند که فلان آدم اینطوری است، می گویند روحانیت اینطوری است. آنهایی که می خواهند بشکنند روحانیت را و نمی توانند ببینند که روحانین مشغول اصلاح امور هستند و دیده اند که تاکنون آنها بوده اند و هیچ کاری نتوانسته اند بکنند، حالا که روحانین آمده اند و سرتاسر ایران روحانی و

کسانی که بسته به روحانین هستند، مثل پاسدارها و امثال اینها و کمیته‌ها و همه قشرهای فعال، این اشخاصی که روشنفکر غریزه هستند، چون دیدند آنها نتوانسته‌اند هیچ وقت یک کار مثبت صحیح بکنند، حزب‌ها نتوانستند یک کاری انجام بدهند، حالا که این قشرهای اسلامی و روحانی، این قشرهایی که برای خدا بپاخاستند و جان خودشان را برای خداوند دارند فدا می‌کنند، اینها دارند حفاظت از اسلام می‌کنند، اینها به واسطه اینکه برای خودشان یک کمبودی متوجه شدند مشغول فعالیت شدند که این قشر را، چه روحانی، چه پاسدار، چه کمیته‌ها و چه سایرین بشکنند که آن چیزی را که خودشان نتوانستند و اینها توانستند، اینها را ناتوان عرضه بکنند. امروز روحانیت و سایر قشرهای ملت مسؤ‌ولند در مقابل خدا که حفظ کنند آبروی اسلام را، حفظ کنند آبروی انقلاب را، حفظ کنند آبروی نهضت را و این مسؤ‌ولیت بزرگی است، خدمت شماها خدمت بزرگی است و مسؤ‌ولیت تان بزرگتر، باید متوجه باشید. ۵۰۷

به راه اسلام و در خدمت اسلام باشید

خدای تبارک و تعالی حاضر است همه جا، شما باید حاضر بدانید او را، در حضور خدای تبارک و تعالی خدای نخواستہ چیزی که بر خلاف مشیت اوست، بر خلاف دستور اوست عمل نکنید. به راه اسلام باشید، برای اسلام خدمت بکنید تا اگر خدای نخواستہ شکست خوردیم، به شهادت رسیدیم، برای اسلام باشد و شهید باشیم و اگر انشاءالله پیروز شدیم، اسلام را پیروز کرده باشیم و سرفراز باشیم در همه جا و اسلام را در همه جای دنیا، در همه کشورها، اسلام را پیاده کنیم و بیرق اسلام را به اهتزاز در آوریم. آقایان عزیز من! متوجه جهات مادی نباشید. شما نهضت که کردید برای شکم نهضت نکردید، شما خون دادید، نه برای اینکه پستی پیدا بکنید، در ذهن شما اینها نبود. شما آنوقت که در میدان‌ها می‌رفتید و در خیابان‌ها می‌رفتید و با توپ و تانک مواجه می‌شدید اصلاً در فکر این نبودید که ما پیش ببریم تا بشویم رئیس یک چیزی، تا بشویم دارای کذا. شما برای خدا بود و پیش بردید، برای خدا باشد و به پیش بروید. اگر یک کمبودی مادی برای شما باشد، اعتنا به آن نکنید برای اینکه شما برای مادیات قیام نکردید و برای مادیات عمل نمی‌کنید، همانطوری که در صدر اسلام آنهایی که سربازان اسلام بودند برای خدا کار می‌کردند، با یک خرما در شب و روز، گاهی با یک دانه خرما شب و روز گاهی زندگی می‌کردند و برای اسلام خدمت می‌کردند و بعد هم که پیروز می‌شدند در صدد این نبودند که رئیس یک جایی باشند و یک پستی برای آنها باشد. شما قصدهای خودتان را برای خدا خالص کنید، برای خدای تبارک و تعالی عمل کنید. این عبادت است، خالص باشید در این عبادت. این نهضت تمامش عبادت بود، این انقلاب تمامش عبادت است و شما خالص باشید در این عبادت، خداوند همراه شماست. ۵۰۸

کاری نکنید که به دست خودمان اسلام را از پا در آوریم از این جهت وظیفه هر کسی که در هر جا مشغول خدمتی است، در راس همه خدمت‌ها این است که موازین اسلامی را حفظ بکنند. اگر بنا شد که مثلاً پاسدار اسلامی موازین اسلامی را حفظ نکند، این مثل این است که روحانی اسلامی موازین اسلام را حفظ نکند. همانطوری که اگر روحانی اسلامی موازین اسلامی را حفظ نکند، آن به اسلام صدمه وارد می‌شود، این هم وقتی الان شده است جزء دستگاه اسلام، جزو بنگاه اسلام، اگر بنا باشد که یک وقت خدای نخواستہ صدای مردم درآید از اینها، بگویند که اینها مثل سابق بودند، آنها هم که غرض دارند همین مسائل مطبوعات خارجی و در بوق‌هاشان بلند کنند که اینها دارند چه می‌کنند و چه می‌کنند و مسائل، مسائل کمونیستی است، نه مسائل اسلامی. آنوقت آنها هم بگویند که اسلام هم این است، فرقی ندارد، یک دسته هم که خودشان را به اسم اسلام شناسی جا زدند، اینها هم همان مسائل را به اسم اسلام درست بکنند، این پوسیدگی است که از باطن برای نهضت پیدا می‌شود که شما هر چه ظاهرش را خیلی پر سروصدا درست کنید، تزئین کنید، یک وقت مطلع می‌شوید که از باطنش پوسید و رفت از بین همانطور که گفتم که مثل یک خرزبه می‌ماند که خیلی هم به آن خدمت بکنید، خیلی هم کارهایش را درست بکنید، لکن در باطنش یک کرمی است

که آن کرم دارد خرابش می کند، بعد هم خریزه را می کنید می بینید خریزه کرم زده است. کاری نباید بکنند، همه قشرهایی که الان مشغول خدمتند، قشر روحانی که مشغول خدمت است و مثلا دادگاه ها و اینها، قشر پاسدارها، قشر نظامی ها، ارتشی ها، اینهایی که همه الان در خدمت اسلام و برای اسلام مشغولند، اینها کاری نکنند که ما به دست خودمان اسلام را از پا درآوریم، اسلام را در نظر خارج و داخل جوری جلوه بدهیم که برخلاف آنی است که هست، عدالت در کار نباشد، موازین در کار نباشد، یک برنامه اسلامی در کار نباشد، هرج و مرج و هر کی هر کاری دلش می خواهد بکند. آنکه من به حسب کلی باید بگویم و همه را تنبه بدهم این است که نباید در هر امری هی قدرت نمائی بشود باید همه قشرهایی که مشغول برای خدمتند و خودشان هم می گویند برای اسلام است، باید گوششان به این باشد که اسلام چه می گوید ما هم به تبع او باشیم. ۵۰۹

لازمه انتساب به جمهوری اسلامی این است که افعال و رفتارمان اسلامی باشد

شما امروز از قوای انتظامی جمهوری اسلامی هستید، با دیروزتان فرق دارد، دیروز خواه ناخواه از رژیم طاغوت بودید و حالا از رژیم اسلام هستید و بین این دو تا همانطوری که به حسب واقع فرق دارد یکی رژیم شیطان است، یکی رژیم الله. آنهایی هم که منتسب به این دستگاه هستند با آنهایی که پیشتر بود فرق می کند، فرق این است که امروز باید همه گروه هائی که مربوطند به جمهوری اسلامی، چه دولت و دستگاه های اداری و چه ارتش و ژاندارمری و شهربانی و پاسدارها و اینها که قوای انتظامی هستند که اشخاصی هستند، گروه هائی هستند که بالاصاله مربوط به جمهوری اسلامی هستند، اینها باید اعمالشان هم، افعالشان هم، عقائدشان هم و اخلاقشان هم مناسب باشد با جمهوری اسلامی، آن اخلاقی که سابقا مثلا بعضی ها داشتند که مناسب بود با طاغوت، اگر خدای نخواست از او در نفوس آثاری هست این آثار را باید مجاهده کنند تا زدوده بشود، یعنی الان شما آقایان مسؤ ولت زیاد دارید و عملتان هم یک عمل شریف است، عمل شریفی است که اسکلت جمهوری اسلامی بسته بوجود شماهاست و مسؤ ولت تان زیاد است، برای اینکه اگر سابق یک کاری از شما خدای نخواست انجام می گرفت می گفتند در رژیم طاغوتی باید اینجوری باشد، اما اگر حالا- خدای نخواست یک مسأله ای که برخلاف رویه اسلام است انجام بگیرد گفته می شود که ارتش اسلامی هم همین است. ۵۱۰

دشمنان در صدد سوء استفاده از اشتباهات ما هستند

شما می دانید که قلم ها و زبان های خائنی هستند و با آن چشم های خیانتکار مراقب هستند که یک چیز پیدا بکنند از یک گروهی، از گروه های اسلامی و این را زیادش کنند و کم کم برسند به اینکه خوب، این رژیم هم رژیم طاغوتی است مثل آن رژیم. همین امروز صبح من در یک مجله ای که مربوط به بختیار بود اینجا آورده بودند من دیدم که ایشان می گویند این رژیم هم رژیم طاغوتی است و مشغول چپاولگری و مشغول کذا هست و در یکی از نوشته ها بود که الان در ایران بعضی جاها حکومت نظامی است برای اینکه از این رژیم برگشتند و حالا دارند با فشار و زور و با چیز مردم را دارند رام می کنند. خوب، اینها چیزهایی است که در خارج ایران اینها منعکس می کنند. حالا- که چیزی دستشان نیست اینطور می گویند، اگر یک وقت یک بهانه ای به دستشان بیاید، ما آنطوری که باید عمل کنیم عمل نکنیم، این بهانه اسباب این می شود که آن قلم هائی که می خواهند بشکنند این نهضت را و نمی توانند ببینند که یک رژیم اسلامی در کار هست، آنها مشغول فعالیت می شوند و آلوده می کنند این نهضت را. ما باید این مکتب خودمان را حفظشان بکنیم، یعنی الان این مکتب اسلام دست ماها و شماست و این مکتب باید محفوظ باشد. ماها کاری نکنیم که به مکتبمان ایراد بگیرند، آنهایی که می خواهند ایراد بگیرند به مکتب ایراد می گیرند برای اینکه با مکتب بد هستند. یک مکتبی که می بیند این قابل دوام است، وقتی هرج و مرج بود و مکتبی تو کار نبود، این چیزی نبود، اما اینها که

یک مسأله مکتبی دارند می بینند هست و قابل دوام ، به مکتب ایراد می گیرند . ۵۱۱

وظیفه ما در حفظ نهضت اسلامی سنگین است ولی باید عمل کرد

ما موظفیم که این مکتب را حفظش کنیم که اگر حفظ نکنیم آسیب برمی دارد . باید کاری بکنیم که آسیب بر ندارد و آن کار این است که اگر چنانچه در هر جا هستیم به وظائفی که آنجا هست عمل بکنیم . اگر یک کشوری همه اشخاصی که در آنجا هستند وظیفه شناس بودند و به آن وظیفه و کاری که به او محول است ، خوب انجام بدهد ، آن کشور زود اصلاح می شود . اگر ارتش افرادش وظیفه شناس باشند ، یعنی بدانند که این وظیفه این است ، خصوصا حالا که برای اسلام است ، وظیفه اسلامی این است و اگر ژاندارمری هم همین طور و پاسدارها هم همین طور ، پاسبان ها هم همین طور ، این زود اصلاح می شود و اگر چنانچه خدای نخواستہ از زیر باز وظیفه بخواهند در بروند ، خیال کنند که حالا که آزاد شد هر کاری آدم دلش بخواهد بکند ، هر کاری از دستش آمد و بخواهد بکند ، روی وظایف عمل نکند ، این منتهی به هرج و مرج می شود و آسیب می بیند . آنها الآن درصددند که اثبات کنند به خارج که ایران استقرار ندارند ، ایران هرج و مرج است ، و می خواهند که یک وقت بخواهند یک دخالتی بکنند ، افکار عمومی دنیا را مهیا کرده باشند برای آن کار ، الان مشغول همین هم هستند و همه تبلیغاتشان برای همین معناست که منعکس بکنند که ایران الان به وضع هرج و مرجی دارد می گذرد ، در هیچ جا یک نظمی نیست ، در هیچ جا وظیفه شناسی نیست ، هر که هر کاری دلش بخواهد بکند . این برای ما بسیار وظیفه آور است ، برای ما بسیار سنگین تمام می شود که ما را جوری معرفی بکنند در دنیا که به آنها حق بدهند که با قوای انتظامی بیاید برای تربیت ما ، کانه ما یک جمعیتی هستیم که تربیت نداریم ، یک جمعیتی هستیم که هرج و مرج طلبیم ، یک جمعیتی هستیم که نظمی تو کارمان نیست و لاعلاج باید یک قیمی بیاید برای اینکه ما را تربیت کند ، این دردناک است برای یک کشوری که نهضت اسلامی کرده ، از این جهت وظیفه اسلامی است و سنگین ولی باید عمل کرد . ۵۱۲

ما در مقابل همه کارهایمان مسؤول هستیم

ما همه ، تمام افرادی که در کشور مشغول یک خدمت هستند و همین طور ملت که آن هم بحمدالله مشغول خدمت به این جمهوری اسلامی هستند ، ما همه مسؤول هستیم کلکم راع و کلکم مسؤول . ما در همه امور ، در همه کارهایی که انجام می دهیم ، در اموری که در افکار ما می گذرد ، در محضر حق تعالی هستیم ، تمام عالم محضر اوست . خلیجان هائی که در قلوب همه می گذرد ، در محضر اوست و ما همه در هر امری که در دست ماست و در هر مسؤولیتی که در این کشور به عهده داریم ، مسؤولیت بزرگی پیش خدای تبارک و تعالی داریم . تمام افرادی که در جبهه ها به جنگ مشغولند و تمام کسانی که جان خودشان را فدای اسلام می کنند ، همه اینها در محضر خدای تبارک و تعالی هستند و اجر هیچ یک از افراد ضایع نخواهد شد چیزی که برای خداست باقی است ما عندکم ینفذ و ما عندالله باق ۵۱۳ هر چیزی که از ما هست ، اینها از بین می رود و آن چیزی که برای خداست و تقدیم به محضر خداست او باقی می ماند . ۵۱۴ امروز آبروی جمهوری اسلامی بسته است به آبروی متصدیان امر من به همه کسانی که در این کشور الان مشغول یک خدمت هستند عرض می کنم که توجه داشته باشید که آبروی جمهوری اسلامی که آبروی اسلام است ، حفظ کنید . جمهوری اسلامی امروز آبرویش بسته است به آبروی متصدیان امر و هر کس در هر مقامی که هست ، مسؤولیت به اندازه حجم آن مقام دارد . حجم مسؤولیت به اندازه حجم مقامی است که شخصیت ها دارند یا گروه ها دارند و توجه کنید که مبادا خدای نخواستہ کارهایی از شما ، از گروه هائی که در این کشور خدمت می کنند ، سر بزند که با جمهوری اسلامی سازش نداشته باشد . باید کارها را تطبیق بدهید با اسلام و با جمهوری اسلامی اگر فی المثل شما در هر مقامی

که هستید، از مقام ریاست جمهور تا بیاید به آنجائی که به مردم عادی منتهی می شود و افرادی که در این دستگاه ها مشغول خدمت هستند، از آن کارمند کوچک و آن کسی که دم در برای پذیرش اشخاص گماشته شده اند تا آن مقام بالایی که باید رسیدگی به امور مسلمین بکند، همه آنها مسؤل هستند. کجروی ها در محضر خداست و راست روی ها هم در محضر اوست ما باید فکر این باشیم که این کارهائی که به عهده ما قرار داده شده است، این کارها را طوری انجام بدهیم که مرضی خدای تبارک و تعالی باشد و ما اگر اینجا بتوانیم از مسؤل ولایت مقامات اینجا یک وقت شانه تهی کنیم یا کاری بکنیم که آنها توجه نکنند، ملائکه الله هستند و ثبت می کنند و یک روزی سوال می شود از ما. ۵۱۵

طبق موازین اسلامی خدمت کنید

گاهی می شود که کارهای به ظاهر اسلامی، لکن با بی توجهی و خلاف اسلام واقع می شود فی المثل اشخاصی می خواهند خدمت بکنند، پاسدارها می خواهند خدمت بکنند، پلیس می خواهد خدمت بکند و قصدش هم خدمت است، لکن گاهی در کیفیت عمل، طوری می شود که معصیت می شود. مثلا من از این کارهای جزئی، خرده کاری ها شروع می کنم مثلا می خواهند در کمیته ها، در جاهایی که برای بسیج مهیا هستند می خواهند اینها خدمت بکنند، لکن گاهی همین هایی که می خواهند خدمت بکنند، یک کارهایی انجام می دهند که با موازین اسلامی درست در نمی آید، مثل اینکه نصف شب ها شروع می کنند به فریاد و شعار دادن و دعا خواندن و تکبیر گفتن، در صورتی که همسایه ها هستند و ناراحت می شوند، مریض ها هستند، معلولین هستند، بیمارستان ها هست و اینها رنج می برند و شما یک چیزی را که می خواهید عبادت باشد، معصیت کبیره می شود اگر در سحر فرض بکنید یک عده ای بخوانند دعای وحدت بخوانند، خوب می شود در داخل منزل خودشان، در داخل آن محلی که هستند، در آن داخل، خودشان بخوانند، برای خدا می خواهند بخوانند و بلند گو اگر دارند، بلند گو را در داخل بگذارند که صدا بیرون نیاید. گاهی پیش من اشخاصی می آیند و شکایت می کنند که تمام آرامش ما را بعضی از این گروه ها به هم می زنند و حتی ما خواب نداریم شما می خواهید یک کار عبادی بکنید، می خواهید تظاهر کنید، می خواهید چه بکنید، تبلیغ کنید، دعا بخوانید شما، دعا بین خودتان و خداست. فرضا بخوانید یک اجتماعی باشد که در آن اجتماع، دعا خوانده بشود، اینجا نباید بلندگوهای بزرگ را، پر قوه را بیرون بگذارند و تمام افرادی که در این محله هستند یا محله های دور هستند، رنج ببرند از این کار اینها معصیت کبیره است که الان متوجه شدید، دیگر عذر ندارید اذیت مسلم و آزار مومنین، از بزرگترین گناهان کبیره است. شما می خواهید تبلیغ کنید، در بین خودتان می خواهید بکنید، بکنید، مانعی ندارد در مراکز خودتان هر چه می خواهید دعا بکنید، هر چه می خواهید تبلیغ کنید، هر چه می خواهید شعار بدهید. لکن ملاحظه مردم ضعیف را، مردمی که روز، کار کردند و حالا می خواهند استراحت کنند، این مرضائی که در بیمارستان ها هستند، این معلولینی که از خود شما هستند و در جنگ ها معلول شده اند و حالا می خواهند استراحت کنند، این فریادهای شما نمی گذارد آنها استراحت کنند این یک امر پائینی است که من عرض کردم، که از اینجا باید رتبه بالا برود مثلا فرض کنید که شما می خواهید، پاسدارهای عزیز و سایر اشخاصی که متصدی این امور هستند، می خواهند یک خانه ای را که فهمیده اند که خانه تیمی است، آنجا را قبضه کنند، البته باید هم بکنند لکن قبلا باید آنطور بررسی بشود که صد در صد این خانه، خانه تیمی است که خدای نخواستہ یک وقت در یک خانه ای به خیال خانه تیمی وارد بشوند به یک عده زن و بچه مردم و تا آمده اند بفهمند چی است، چند تا از بچه هایشان یا خدای نخواستہ تلف شده اند یا زخمی شدند. شما کار اسلامی می خواهید بکنید، لکن یک وقت سر از یک کار بسیار جنایت بزرگی سر درمی آورد. ۵۱۶

رفتار غیر انسانی خدمتگزاران، به آبروی اسلام صدمه می زند

باید تمام اموری که انجام می دهید متوجه باشید که در محضر خداست و مسؤ ولیت شما دارید، مسؤ ولیت اینجا هم دارند لکن آن مهمش مسؤ ولیت الهی است. یا در فرض بفرمائید که هر یک از این ادارات دولتی که هست، که می خواهند خدمت کنند به مردم، از آن کسی که دم در هست، پیشخدمت هست، تا آنجائی که مثلا جای رئیس هست، باید توجه داشته باشند که همه خدمتگزار این مردم هستند، همه اجیر این مردم هستند، اجرت از اینها دارند می گیرند برای خدمت و باید با مردم رفتارشان رفتار انسانی، اسلامی باشد. اینطور نباشد که یک کسی حالا احتیاج پیدا کرده که پیش این فرض کنید رئیس برود، از دم در، ناملایم ببیند خوب، در رژیم سابق این مسائل بود و همه ما مناقشه می کردیم، اگر حالا هم بنا باشد که یک همچو مسائلی باشد، این به آبروی اسلام ضرر می زند. آنوقت می گفتند رژیم شاهنشاهی، حالا شما یک کار نکرده را در تبلیغاتی که در خارج می شود، بوق می زنند برایش، فرضا از اینکه یک کاری انجام بدهید، یک کاری خدای نخواستہ برخلاف موازین انجام بدهید یا فرض کنید در جبهه ها که بحمدالله همه شماها منسجم و مشغول خدمت هستید، وقتی که اسرا را می گیرید، اسرای مجروح را می گیرید یا اسرای سالم را می گیرید، توجه بکنید که اینها اسیر شما هستند، اینها امروز تحت سلطه شما هستند و شما با اسرا باید رفتارتان رفتار بسیار اسلامی و انسانی باشد که وقتی این اسرا یک وقتی در محال خودشان رفتند، همه برای شما تبلیغ کنند، نه اینکه خدای نخواستہ برای یک کار جزیی، اینها دشمن بشوند و وقتی رفتند، در محال خودشان تبلیغ سوء بکنند. اینها مسائلی است که باید تمام جهاتش را ملاحظه کرد استانداری ها موظفند به اینکه تمام افرادی که در حیظه فرمان آنها هست تحت نظر داشته باشند. تمام این افراد خدمت باید بکنند، خدمتگزار هستند، استانداریها خدمتگزار هستند، خدمت اینها بالاتر است، مسؤ ولیت اینها هم بالاتر است، باید اینها خدمت به مردم بکنند و توجه کنند که مبدا یک وقت یک کسی احتیاج به استاندار داشته باشد نتواند او را ببیند، این همان طاغوت است که نمی گذارد اینطور بشود. اگر بنا باشد که حالا هم باز این تشریفات که در آن زمان بود باشد، نمی شود که ما جمهوری را اسلامی حساب کنیم البته نظام، لازم است و هرج و مرج نیست لکن زیاده روی کردن و مردم را تحت فشار گذاشتن، این یک مسأله غیر اسلامی است. ۵۱۷

امروز همه مراقب ما هستند که ببینند چه می کنیم

ما تحت مراقبت هستیم. همانطور که شما پاسداران عزیز و همه پاسداران این ملت مراقبت می کنند از کشور، دست هائی به دنبال این هستند که دست هائی که می خواهند با توطئه های شیطانی این نهضت را خاموش کنند یا سست کنند، شماها مراقبت دارید تا اینکه جلوگیری بکنید، چشم هائی هم هست که از شما مراقبت می کند، چه چشم های دشمنان و چه چشم های دوستان و چه مراقبت های ملائکه الله و چه مراقبت خدای تبارک و تعالی. همه تحت مراقبت هستید. همانطوری که شما مراقبت می کنید از خرابکارها، تحت مراقبت هستید که مبدا خرابکاری بکنید. امروز غیر از دیروز است. دیروز که کشور ما طاغوتی بود، اگر افراد یک خلافتی می کردند در دولت طاغوت بود، جرم سبکتر بود و افراد عادی اگر خلاف بکنند خلاف است لکن جرم سبکتر است. امروز از دو جهت خلفها سنگین تر است و خطاها بزرگتر. از یک جهت که مملکت جمهوری اسلامی است و چشم آنان دوخته شده است به این جمهوری اسلامی. دشمنان دارند مراقبت می کنند دارند توجه می کنند، ما را تحت مراقبت قرار داده اند که ببینند این جمهوری اسلامی چیست، واقعیت این جمهوری اسلامی چیست. واقعیت هر رژیمی و هر حکومتی، از اجزاء آن رژیم و اجزاء آن حکومت و اعمال آنها این واقعیت پیدا می شود و معلوم می شود. اگر چنانچه امروز که ما جمهوری اسلامی ادعا می کنیم که هست، رژیم فاسد بحمدالله که رفت و حالا به حسب رایی که همه دادید به جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی مستقر شد، اگر از مردم عادی هم خطائی صادر بشود جرمش زیادتر است از دیروز. دیروز در حکومت طاغوت بود، امروز در حکومت حزب الله است. در حکومت پیغمبر اکرم اگر چنانچه کسی خلاف بکند فرق دارد تا اینکه در حکومت طاغوت خلاف بکند. از

این جهت همه ملت تحت مراقبت هستند، هم چشم‌های دشمن‌ها دوخته شده است که از شماها، از ماها، از اجزاء این ملت، از افراد این ملت که اینها رای دادند که حکومت اسلام، جمهوری اسلامی، مناقشه کنند، خرده‌گیری کنند خرده‌گیری، نه خرده‌گیری شخصی به افراد که بگویند فلائن اینطور بود، مناقشه به اینکه جمهوری اسلامی این است. آنها مراقب این مطلب هستند. آنهایی که با جمهوری اسلامی مخالفند کم نیستند، در مسلمین هم زیادند. حکومت‌های طاغوتی که الان در بلاد مسلمین هست بسیاری از آنها، آنها هم با حکومت جمهوری اسلامی مخالفند. در صورتی که اکثر افراد خارجی‌هایی هستند که به اسلام اعتقاد ندارند، آنها هم اکثرشان، البته خیلی هاشان اسلام را محترم می‌دارند یعنی بسیاری شان حکومت هاشان مخالفند با اسلامی و جمهوری اسلامی. در داخل هم ما زیاد داریم اینطور. ۵۱۸

امروز گناه شخص را به حساب مکتب می‌گذارند

همین الان در داخل هم بسیار هست از اینهایی که با جمهوری اسلامی مخالفند. با جمهوری مخالف نیستند با جمهوری اسلامی اش مخالفند. اینها همه چشم‌هایشان را دوخته‌اند که از ما یک خطائی ببینند یکی را هزار تا کنند، در نوشته‌هایشان، در مجله‌هایشان در روزنامه‌هایشان خارج، داخل یک مطلب جزئی را بزرگش کنند. این اشخاص دشمن با ما هستند که با قلم‌های زهر آلودشان می‌خواهند این نهضت را آلوده کنند، ننگین کنند، به عالم نمایش بدهند که اسلام هم همین است. حالائی که اسلامی شده است و اینها ادعا می‌کردند که حکومت اسلامی یک حکومت عدالت است، دولت اسلام دولت عادل است، پاسبان اسلام یک پاسبان عادل است. اگر خدای نخواستہ یک اشتباه و خطائی بکنیم اینطور نیست که یک شخص اشتباه کرده، یک شخص خطا کرده، پای شخص اینها حساب نمی‌کنند، اینها که می‌خواهند مکتب ما را آلوده کنند پای مکتب حساب می‌کنند یعنی بی‌انصافی می‌کنند. شخص اگر یک کاری کرد به مکتب مربوط نیست لکن آنها دنبال اینند که گناه شخص را پای مکتب بگذارند. بنابراین از من تا آقا، تا همه اقشار ملت الان پاسداری از اسلام به این معنا که همچو پاسداری بکنند که بهانه دست این اشخاصی که بهانه‌گیر هستند و جرم من و جرم شما را پای مکتب حساب می‌کنند، یک همچو بهانه‌ای دست اینها ندهید، از خودمان پاسداری کنیم، بدانیم که ما تحت مراقبت دشمن هستیم، تحت مراقبت دوست هستیم، تحت مراقبت اولیاء خدا هستیم، تحت مراقبت خدا هستیم. عالم محضر خداست، الان ما در محضر خدا هستیم، خدا همه جا هست، حضور دارد. اگر خلافی بکنیم در حضور خدا خلاف کردیم، در محضر خدا خلاف کردیم. و با ادعا به اینکه جمهوری اسلامی است و الان هم رژیم، رژیم جمهوری اسلامی است، اگر خدای نخواستہ به وظائفی که باید پاسدار عمل کند عمل نکنیم، من هم پاسدارم آقا هم پاسدار است و شما همه، همه ملت اسلام پاسدار اسلام کلکم راع و کلکم مسؤ ول همه باید رعایت بکنند، همه مسؤ ول هستند. اگر بنا باشد که خدای نخواستہ در یک قطعه از زمان که حساسترین قطعات زمان است بر کشور ما و بر اسلام، اگر خدای نخواستہ از پاسدار، چه پاسدار روحانی که آنها هم همه پاسدارند (روحانیون) و چه شما آقایان که پاسدار هستید، اگر از این دو قشر پاسدار اشتباه و خطائی واقع بشود، اینهایی که دشمنند پای اسلام حساب می‌کنند، دوستان نه، دشمن‌ها پای اسلام حساب می‌کنند و مکتب ما را می‌کوبند. و این یک مسؤ ولت بزرگی است برای همه. اینطور نیست که من خیال کنم یا شما خیال کنید که خوب معصیت کارم و بینی و بین الله مثلا چه. نه مساءله این نیست مساءله مکتب است، مساءله اسلام است. الان ما در یک وقتی واقع شدیم که حیثیت اسلام دست ماهاست. اگر ما در رژیم سابق یک اشتباه و خطائی می‌کردیم پای اسلام حساب نمی‌شد این یک رژیم طاغوتی بود، نمی‌گفتند که دولت اسلامی کذا، می‌گفتند در دولت طاغوت این واقع شده است. دشمنان هم نمی‌گفتند که دولت اسلامی، در اسلام این است. دولت‌ها هم نمی‌گفتند. امروز که اسلام است امروز که دولت اسلامی است، مملکت رژیمش جمهوری اسلامی است، شماها پاسدار اسلام، همه ما انشاء الله پاسدار اسلام هستیم، اگر چنانچه حالا یک خطائی واقع

بشود فرم این خطا با خطای سابق فرق دارد، برداشت دشمن‌های ما در این جمهوری اسلامی با برداشتشان در رژیم طاغوتی فرق دارد پای اسلام حساب می‌شود. ۵۱۹ امروز همه در این مسؤ ولیت بزرگ مشترکیم این یک مسؤ ولیت بزرگی است به عهده ما، مسؤ ولیت بسیار بزرگی است به عهده این آقا که سرپرست پاسداران هست، این مسؤ ولیت بزرگی است به عهده هر یک، یک شما که عده ای در تحت نظارت شما هست، مسؤ ولیتی است برای خود آن افرادی که پاسدار هستند، همه در این مسأله مشترک هستیم که مسؤ ولیت داریم. من یک جور مسؤ ولیت دارم، آقا یک جور مسؤ ولیت دارد، شما آقایان یک جور مسؤ ولیت دارید، قشرهای ملت، پاسدارهای دیگر، قشرهای دیگر همه مسؤ ولیت داریم برای اینکه امروز خطای ما خصوصا خطای قشر روحانی و قشر پاسدار، قشر پاسدارهای اسلام، اینها پای اسلام حساب می‌شود یعنی دشمن‌های ما می‌آیند تبتش می‌کنند به نام اسلام و در خارج و داخل، در خارج با صراحت، در داخل با اشاره منعکس می‌کنند که جمهوری اسلامی همین است. حالا که ما هیچ کاری نکردیم، معممین دیکتاتوری نکردند، خوب حالا دارند به ما می‌گویند دیکتاتور. معممین متوجه باشند که اشخاص می‌خواهند برای شما مناقشه کنند. اگر خدای نخواست در یک جا یک معممی یک خلافی بکند، یک روزی خدای نخواست به کسی زور بگوید، می‌گویند همه آخوندها دیکتاتور هستند همه دیکتاتورها، از آنوقت تا حالا- دیکتاتوری محمد رضا بود، حالا دیکتاتوری عمامه و کفش است. اینها دنبال اینند که درست کنند و ما باید مراقبت کنیم. این مراقبت یک مراقبتی که شما از دزدها می‌کنید، خیانتکارها می‌کنید، این مراقبت بالا-تر است. این مراقبت یک مراقبتی است که اساس اسلام در خطر است، مکتب در خطر است. ۵۲۰

اساس این است که مکتب شکست نخورد

اگر فرض کنید که توطئه‌ها جمع بشود خدای نخواست (همه توطئه‌هایی که می‌گویند هست ولو باور نکنید که اساسی دارد، لکن خوب شایعات است) شما اگر فرض کنید که توطئه‌ها همه با هم جمع بشود و شما پاسدارها و این آقا و این بنده و همه را بیایند از بین ببرند اما مکتب مان محفوظ باشد، ما شکست نخوردیم، ما به وظیفه مان عمل کردیم، نتوانستیم مطلب را به آخر برسانیم چون قدرت نداشتیم. حضرت امیر صلوات الله علیه نتوانست در جنگ معاویه غلبه کند، مغلوب شد یعنی همان اشخاصی که باخودش بودند، همان اشخاص مخالفت کردند با او و مغلوبش کردند، لکن مکتبش محفوظ بود. سیدالشهدا مکتبش محفوظ بود و خودش شهید شد. شهادت گاهی مکتب را پیش می‌برد و شاید اکثرا اینطور باشد. خدا نکند که یک وقت شهادت مکتب پیش بیاید، اسلام را لکه دار کنند، جمهوری اسلامی را بگویند این رژیم مثل همان رژیمی، برای اینکه ما باید از افرادش، از اشخاصی که تبع او هستند بشناسیم و ما وقتی که اطراف و افرادش را ملاحظه می‌کنیم می‌بینیم اینها از همان سنخ کارها می‌کنند، اینها هم منزل مردم می‌ریزند. بحق هم باشد نباید کرد، در صورتی که بحق هم باشد، نباید یک کاری کرد که صورت، صورت باطل است، ولو واقع حق است، بعضی به او صورت باطل می‌دهند. تحت مراقبت هستیم و هستید. این مراقبت از دشمن که دنبال اینند که ما را معرفی کنند به دنیا که اینها اینطور هستند. شما ملاحظه کردید که یک عده معدود جنایتکاری که اگر وجودش محفوظ می‌ماند، مثل یک غده سرطانی جامعه را فاسد می‌کرد، این عده معدود را شما ملاحظه کردید که وقتی که دادگاه اسلامی اینها را حکم به اعدام کرد و اعدام کرد سرو صدا از اطراف بلند شد و ما را به عنوان هیتلر خواندند. قضیه را می‌دانند، لکن دنبال اینند که یک چیزی از ما پیدا بکنند و یکی را هزار تا بکنند. ۵۲۱

کاری نکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده شود

و ما باید مراقب باشیم. این مراقبت دشمن‌ها و مراقبت اولیاء خدا و دوستان شما که آنها هم انشاءالله دوستان شما هستند شما هم

دوستان آنها هستید و مراقبت ذات مقدس حق تعالی از همه مان ، همه تحت مراقبت هستیم . پاسدارهای معنوی ملائکه الله به همه ما اشراف دارند که ما چه می کنیم ، در این پاسداری ما چه می کنیم در این آزادی که الان پیدا شده ، این قدرتی که الان به دست شماها افتاده است . الان شما قدرتمند شده اید دیگر بیشتر آنها قدرتمند بودند چه کردند و چه کردند ، حالا ببینید که الان که قدرت دست شما افتاده است و شما بحمدالله غنائم جنگی را گرفتید ، تفنگ ها را از دست آنها گرفتید و دست خودتان است و الحمدالله پاسداری هم دارید می کنید و امید است که انشاءالله تا آخر بروید ، حالا ببینید که تحت مراقبت هستید . نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفته ای دو دفعه (به حسب روایت) من می ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم ، شیعه این بزرگوار هستیم اگر نامه اعمال را ببیند و می بیند تحت مراقبت خداست نعوذ بالله شرمنده بشود . شما اگر یک فرزندتان خلاف بکند شما شرمنده می شوید اگر این نوکر شما خلاف بکند شما شرمنده اید . در جامعه آدم شرمنده می شود که پسرش این کار را کرده یا نوکرش این را کرد . یا اتباعش این کار را کرده . من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده بشود . اینها شیعه تو هستند این کار را می کنند . نکنند یک وقت خدای نخواستہ یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود ، نوشته هائی که ملائکه الله مراقب ما هستند ، رقیب هستند ، هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می شود ، ذره هائی که بر قلب های شما می گذرد رقیب دارد ، چشم ما رقیب دارد ، گوش ما رقیب دارد زبان ما رقیب دارد ، قلب ما رقیب دارد . کسانی که مراقبت می کنند اینها را ، نکنند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه باشد . مراقبت کنید از خودتان ، پاسداری کنید از خودتان . اگر بخواهید این پاسداری شما ، در دفتری که پاسداران صدر اسلام در او ثبت است در آن دفاتر ثبت بشود ، همانطور که آنها پاسداری می کردند از خودشان ، شما هم از خودتان پاسداری کنید تا ثبت بشود آنجا . ۵۲۲

متاع بزرگمان اسلام را آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم

خدای تبارک و تعالی شما را انشاءالله از پاسداران اسلام ، قرآن و احکام خدا قرار بدهد و همه ملت را پاسدار قرار بدهد . خدای تبارک و تعالی به شما سعادت عنایت کند و شما را پاسدار خودتان قرار بدهد . خدای تبارک و تعالی همه شما را عزت سلامت و عظمت و قدرت دهد که این مملکت را همانطور که تا حالا به پیش رانیدید و دست های خائنین را قطع کردید از این به بعد هم به پیش برانید و این تتمه ها را از بین ببرید . یک مملکت اسلامی که ما بتوانیم عرضه کنیم که ما این را می خواستیم و اگر شما متاعتان را آنطوری که هست عرضه کنید همه از شما می پذیرند . متاع خوب را همه می پذیرند و متاع ما خوب است ، مگر خودمان خرابش کنیم . متاع ، قرآن است ، اسلام است . اگر خدای نخواستہ ما یک تصرفی از پیش خودمان نکنیم ، یک کارهای خلافی نکنیم و متاع بزرگمان آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم که این جمهوری اسلامی بود که ما می خواستیم ، این وزارتخانه های ماست که اسلام می خواهد ، این ارتش ماست ، این ژاندارمری ماست ، این پاسبان شهربانی ماست ، این ادارات و سایر قشرهای ما هستند ، این پاسدارهای ما هستند ، این را اگر ما عرضه کنیم ، آنطوری که خدا می خواهد باشیم و عرضه کنیم به عالم ، یک متاع بسیار خوب است ، همه طالبش هستند و انشاءالله خواهید دید که ممالک اسلامی یکی پس از دیگری به شما اقتداء می کنند و یک وقت هم اسلام آن قدرتی که در صدر اسلام برای اسلام بود ، آن قدرت را پیدا می کند که دو امپراطوری بزرگ عالم را که آنوقت از آنها بالاتر نبود شکست داد . یک جمعیت که غلبه کرد بر دو امپراطوری بزرگ عالم ، که امیدوارم شما همین طور . خداوند انشاءالله همه تان را تاءید کند ، این برادر عزیز ما را تاءید کند . ۵۲۳

مطلب دیگری که باز دنباله همین مسائل است، این است که روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است، ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم، تمام ملت از دولتی‌ها گرفته و قوای نظمی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره جات، تمام ملت بی استثنا مسؤل هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواستیم خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود، فرق دارد با گناه‌های دیگری حتی با کبائر گناه‌های دیگر، برای اینکه بسیاری از گناه‌ها هست که به خود انسان بر می‌گردد، به جامعه بر نمی‌گردد، لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت‌های باید توجه کنید که اگر مسلم است باید توجه کنید که اگر اشخاصی در تمام این ارگان‌هایی که الان بعد از انقلاب بوجود آمده، چه آنهایی که خودرو پیدا شده‌اند و خود ملت آنها را ایجاد کرده‌اند و چه آنهایی که مثلاً مقامات ایجاد کرده‌اند، باید توجه به این معنا بکنید که اگر چنانچه اینها یک قدم بردارند بر خلاف اسلام، بر خلاف مصالح مسلمین، مسؤل هستند، مسؤل ولیتی که بالاتر از آن مسؤل ولیتی است که انسان نسبت به کارهای خودش دارد، شخصی خودش دارد. ۵۲۴

رفتارهای ما به حساب اسلام گذاشته می‌شود

الان مکلفیم ما، مسؤل ولیم همه ما مسؤل ولیم، نه مسؤل ول برای کار خودمان مسؤل ول کارهای دیگران هم هستیم کلکم راع و کلکم مسؤل ول عن رعیتهم همه باید نسبت به همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران، مسؤل ولت من هم گردن شماست، شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسؤل ولید اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی. باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواستیم یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا بر خلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند و نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکنند، امر به معروف بکنند. اگر ما ملت که الان مدعی هستیم که رژیم ما اسلام است، حکومت، حکومت عدل است و امثال ذلک و به دنیا هم اعلام کردیم و دنیا هم شناخته مملکت ما را به اسم جمهوری اسلامی، ممالک دیگر شناختند اکثراً و الان ما را یک رژیم اسلامی می‌دانند، اگر چنانچه ما محتوای این رژیممان اسلامی نباشد و کارهایی که می‌کنیم منطبق نباشد با قوانین اسلام، سر یک قضایای جزئی‌ای با هم معارضه بکنیم، سر یک قضایای جزئی‌ای با هم دشمنی بکنیم، سر یک قضایای جزئی‌ای برای دیگران کارشکنی بکنیم که همه اینها مخالف با قواعد اسلام است، اگر یک همچو چیزی بشود و دنیا بگوید که اسلام هم همین است، همین رژیم است، دیگر همه سر یک کرباس هستید. این قضیه این نیست که ما در یک جنگی شکست خوردیم، سیدالشهدا سلام الله علیه از یزید شکست خورد همه را کشتند لکن همچو شکستی به رژیم معاویه داد که تا ابد دفن شان کرد. ما اگر کشته می‌شدیم در این نهضت شاید ما هم دفن می‌کردیم رژیم را، اما حالا که ما پیروز شدیم و رسیدیم به این مرتبه، اگر اختلافات بین خودمان حالا شروع بشود، اگر نزاع‌های شخصی بین خودمان حالا شروع بشود، اگر سر یک کارهایی جزئی با هم اختلاف بکنیم، اگر خدای نخواستیم پاسداری برود منزل مردم و تعدی بکنند، اگر دادگاهی رای بر خلاف اسلام بدهد، اگر کمیته‌ای بر خلاف موازین اسلامی عمل بکنند، این دیگر پای این حساب نمی‌شود که در رژیم طاغوتی دارد این کارها می‌شود در رژیم اسلامی دارد این کار می‌شود، در حکومت اسلامی دارد این کار می‌شود، این پای اسلام حساب می‌شود، دشمن‌های ما این را پای اسلام حساب می‌کنند. یکدفعه می‌بینیم که در همه روزنامه‌های خارج صریحاً نوشتند به اینکه اینها همان است فرقی ندارد. اینجا هم که جرات نمی‌کنند به طور صحیح بنویسند، به طور کنایه می‌نویسند. الان خوف از این دشمن‌ها بیشتر از خوف محمد رضا بود، محمد رضا جنگ بود و نزاع بود و زد و خورد بود و بحمدالله زدید و بیرونش کردید. حالا که جنگ نیست، الان

جنگ قلم است، آآن جنگ اعصاب است، آن جنگ نیست که آسان است. الان یک همچو جنگی هست که در خارج و داخل قلم ها را برداشته اند و می خواهند بر ضد اسلام چیزی بنویسند، نه بر ضد من و شما و زید و بکر، بر ضد اسلام. اینها از اسلام می ترسند، از من و تو نمی ترسند. اینها از اسلام می ترسند اسلام بود که جوانهای ما را غلبه داد بر توپ و تانک و همه چیزها، بر همه قدرت ها ملت ما را غلبه داد. اگر این پاسبان های ما بعد از این غلبه یک کاری بکنند که اسباب شکست اسلام بشود، این مسؤ ولیت غیر مسؤ ولیت آدمکشی است، غیر مسؤ ولیت گناه هاست، این یک گناهی است که قابل بخشیدن نیست. ۵۲۵

همه باید مراقبت کنیم که این مملکت محفوظ باشد

اگر ما اسلام را آنطوری که هست بر خلاف آنطوری که هست نمایش بدهیم به خارج، عرضه کنیم به خارج، این شکست اسلام است، نه یک معصیت، قضیه معصیت نیست. این آنی است که انبیا سرش کشته شدند، آنی است که اولیا سرش کشته شدند. دین حق دینی است که اولیا و انبیا کشته شدند سرش! اگر کسی یکی از انبیا را بکشد، یا اسلام را کاری بکند، این گناهی بالاتر از او هست. انبیا برای اسلام کشته شدند، این از نبی کشتن بالاتر است، این از سیدالشهدا کشتن بدتر است. سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد، همان اسلامی که حالا دست ما افتاده و مع الاسف بعضی از ما بازی می کنند با او. باید اصلاح کنید خودتان را، مسؤ ولیت زیاد است آقا، خیال نکنید که مسؤ ول نیستیم، من مسؤ ول نیستم، او مسؤ ول نیست. من عمامه ای مسؤ ولم، شمای غیر عمامه ای هم مسؤ ولید، بازاری مسؤ ول است، دانشگاهی مسؤ ول است همه مسؤ ول هستیم، همه مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشد. دشمن ها الان دنبال این هستند که مکتب ما را به تباهی بکشند برای اینکه آنی که از آن می ترسند این است. دشمن های ما از من و شما نمی ترسند. از مکتب ما می ترسند. آنها - شکسته خورده ای - که خودشان را شکست خورده می دانند، شکت خورده از من و شما نمی دانند، شکست خورده از ایمان شما می دانند. آنها فهمیدند، لمس کردند که یک دسته ای با هیچ با قدرت الله اکبر بر آنها غلبه کردند. اینها این قدرت را می خواهند از شما بگیرند و شما حفظش کنید، حفظش کنید، حفظش به این است که من معمم و هر کس که معمم هست، از حدود الهی یک کلمه، یک قدم برندارید، شمای پاسدارهای معظم (که خداوند حفظتان کند) از حدود پاسداری اسلام قدمی تجاوز نکنید آن طبقه بازاری و آن طبقه اداری و آن دولت و آن ملت هم، همه در رژیم اسلامی الان واقع هستیم، همه در دولت اسلام الان هستیم، وظیفه دولت اسلامی را از دست ندهید. ۵۲۶

حفظ جمهوری اسلامی از نماز اهمیتش بیشتر است

در هر صورت تکلیف زیاد است، بزرگ است برای همه مان، ما برای ادامه این انقلابی که هست و ادامه این، تکلیف زیاد داریم، دولت تکلیف دارد، رئیس جمهور تکلیف دارد، رئیس مجلس تکلیف دارد، کشاورز تکلیف دارد، کارگر تکلیف دارد، هر کس در هر گوشه ای از این کشور واقع شده است تکلیف دارد، تکلیف مال یک نفر دو نفر نیست، آحاد مردم یکی یکی شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است، برای این که این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه ماست، هیچ فرقی مابین ترک و فارس و / عرض می کنم که / کجا و کجایی ندارد، سیستانی و بلوچستانی و اینها. و این تکلیف برای همه دنیاست. حفظ دین حق، یک حکمی است برای همه دنیا، در راس واجبات برای همه دنیا واقع شده، منتها غیر مسلمین چون اعتقاد به اسلام ندارند می گویند خوب! اسلام واجب کرده، به ما چه! اما مسلمین که اعتقاد دارند. آن مسلمی که در آفریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است، برای این که از این جا ممکن است که، یعنی انشاءالله خواهد شد، انعکاسش در همه جا خواهد شد و شده است الان. ۵۲۷

حفظ جمهوری اسلامی بر همه کس واجب عینی است

امروز ما مواجه با همه قدرتها هستیم و آنها در خارج و داخل دارند طرح ریزی می کنند برای اینکه این انقلاب را بشکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند و این یک تکلیف الهی است برای همه که اهم تکلیف هائی است که خدا دارد، یعنی حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است، برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می کند برای اسلام. همه انبیا از صدر عالم تا حالا که آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند. پیامبر اکرم آنهمه مشقات را کشید و اهل بیت معظم او آنهمه زحمات را متحمل، متکفل شدند و جانبازی ها را کردند همه برای حفظ اسلام است. اسلام یک ودیعه الهی است پیش ملت ها که این ودیعه الهی برای تربیت خود افراد و برای خدمت به خود افراد هست و حفظ این بر همه کس واجب عینی است. یعنی همه چیز هستیم مکلف هستیم حفظ کنیم تا آنوقتی که یک عده ای قائم بشوند برای حفظ او که آنوقت تکلیف از دیگران برداشته می شود. ۵۲۸

همه باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم نه مصالح شخصی خودمان را

آنهایی که شیعه این مرد بزرگ هستند البته نمی توانند مثل او باشند، خود ایشان هم فرمود شما قدرت این را ندارید، حتی قدرت همین زهد ظاهریش را، چه برسد به معنویاتش، لکن نباید ما گمان کنیم که ما شیعه امیرالمومنین سلام الله علیه هستیم. و خود او در دعای کمیل و سایر ادعیه هایش و در روش اش آن طور خوف از خدا داشت و آن طور از عاقبت می ترسید که منعکس شده است این در دعای کمیل و در حالات او و ما اصلا دنبال این مسائل نباشیم و بگوییم ما شیعه هستیم. آن طور بسط عدالت، اگر موفق شده بود، کرده بود که الگو شده بود برای همه حکومت های عالم، نگذاشتند. ما بگوییم شیعه هستیم و خدای نخواستہ ظلم بکنیم، نمی شود. این اگر در روایات فرموده اند که پیروان علی، اهل سعادتند، باید ما ببینیم ما پیرو هستیم یا نیستیم؟ ما به وظایفمان، حتی به همان وظایف صوری مان عمل می کنیم یا نمی کنیم؟ ما در این جمهوری اسلامی چه کردیم و چه می خواهیم بکنیم؟ و با ما چه کردند و چه خواهند کرد؟ شما ملت عزیز با قدرت خودتان، با ایمان خودتان، با تحولی که درتان واقع شد، دست تبهکاران را در داخل و دست غارتگران را که از خارج دراز شده بود قطع کردید، شما یک حکومت طاغوتی را برداشدید و به جای او یک حکومت اسلامی گذاشتید. شمایی که این کار را کردید باید دنبالش باشید تا نگاهش دارید، نمی شود که انسان یک کاری بکند و نیمه کاره رهاش کند. امروز که اسلام و جمهوری اسلامی در دست شما و ما و همه ملت ایران امانت است، اگر چنانچه خلاف بکنیم، خلاف مصالح جمهوری اسلامی بکنیم، خلاف مصالح اسلام بکنیم، به این امانت خیانت کردیم و در پیشگاه مقدس حق تعالی مجرم و خائن هستیم. خیانت همه اش این نیست که منافقین می کنند، آنها هم یک قسمش است. خیانت آن نیست که صدام می کند، آن هم یک قسمش است. آنهایی که در داخل با اسم های مختلف ضربه می خواهند بزنند به اسلام و با اسم امور مختلفه ای به حکومت اسلامی می خواهند ضربه بزنند، اینها هم خیانت کردند. گاهی خیانت اینها راه را باز می کند برای این که آنهایی که مثل صدام و منافقین هستند راهشان باز بشود و خیانت بالاتر را بکنند. ما که می گوییم که مسلمان هستیم، شیعه علی بن ابی طالب هستیم، باید ببینیم که شیوه علی بن ابی طالب چی بود، همین علی بن ابیطالب که رسول خدا او را به جای خودش نصب کرد، بیست و چند سال برای مصالح اسلامی موافقت کرد با اشخاصی که به عقیده او غاصب مقام بودند، برای این که مصالح اسلام اقتضا می کرد. اگر حضرت آن وقت می خواست معارضه بکند، اسلام در خطر بود. مایی که می گوییم مسلمان هستیم، باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم، نه مصالح شخصی خودمان را. باید ببینیم که امروز ضربه زدن به مجلس شورای اسلامی، ضربه زدن به شورای نگهبان، ضربه زدن به رئیس جمهور، ضربه زدن به دولت اسلامی، این می سازد با

شیعه بودن با علی بن ابی طالب؟ آن بیست و چند سال برای مصالح اسلامی موافقت کرد، بچه هایش را به جنگ فرستاد. ۵۲۹

فصل دوم: وظایف مسئولین در مقابل یکدیگر

۱- نظم و سلسله مراتب در نظام توحیدی

اساس عالم بر حفظ مراتب است

امروز تمام قوای انتظامی، اینها همه در خدمت اسلام هستند. یک وقت بود که شهربانی و همین طور سایر گروه های انتظامی در خدمت طاغوت بودند و تکلیف آن روز یک طور بود و تکلیف امروز سنگین است. امروز که شما شهربانی جمهوری اسلامی هستید، یعنی پرسنل شهربانی اسلام یعنی شهربانی امام زمان، آن کاری که لشکر امام زمان باید بکند، با آن کاری که لشکر طاغوت می کرد فرق دارد، همانطوری که خود امام زمان با طاغوت فرق داشت. آن حکومت جور بود و این حکومت عدل، آن حکومت طاغوت بود و این حکومت خدا. در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون است و آن قانون خدا و همه موظفند به آن قانون عمل کنند. تخلف از آن قانون هیچ کس نباید بکند. قانون عدل است، عدالت است، جامعه عدل و جامعه ای که در آن عدالت اجرا بشود و یک اشتباه گاهی دیده می شود که بعضی از افراد منحرف، در بین پرسنل شهربانی یا در بین درجه دارهای ارتش یا ژاندارمری پخش می کنند و جوان ها را وادار می کنند به بعضی از کارهایی که ناشایسته است، آن این است که به آنها می گویند که حالا که انقلاب شده است و طاغوت از بین رفته و جمهوری اسلامی آمده است، دیگر درجه دار و افسر و سرباز ندارد (جامعه توحیدی). این یک اشتباهی است که آنها می گویند نگذارند اسلام آنطوری که هست، در کارش تحقق پیدا بکند، آنها این حرف ها را در اذهان جوان ها انداخته اند، جوان ها هم غافل از مسائل، دنبال کرده اند. جامعه توحیدی به آنطوری که آنها می گویند یعنی جامعه هرج و مرج حالا مثلا در شهربانی اگر بنا باشد که زیردست - شهربانی - رئیس شهربانی از رئیس شان اطاعت نکند، خودش خودش و به اسم اینکه جامعه توحیدی است، ریاست و مرئوسیت اصلش در کار نباشد، همه یا باید مثلا فرض کنید سرلشکر باشند یا همه سرباز. اگر یک لشکری، یک شهربانی ای همه شان رئیس باشند، این شهربانی قابل دوام است؟ همه شان سرباز باشند، همه شان پاسبان باشند، هیچ دیگر آن کسی که باید فکر کند و روی افکارش فرمان بدهد و نباشد در کار، این شهربانی دیگر شهربانی نیست. در ارتش هم همین طور. اگر همه سربازها باشند تا جامعه توحیدی به آن معنای غلطی که در اذهان انداخته باشد، یا همه آنها سرگرد باشند، یا همه آنها سرلشکر باشند مثلا، آیا این ارتش می شود برای یک مملکتی یا هرج و مرج می شود؟ اساس ارتش، اساس ژاندارمری، اساس نظام در عالم، نه فقط در اینجا، در عالم از اولی که یک نظامی در عالم پیدا شده است، اساس بر این بوده است که مراتب محفوظ باشد فرق ما بین دولت اسلامی و غیر اسلامی این است که ظلم نشود از بالا به پائین، نه فرمان داده نشود، اطاعت باید بشود، ظلم نباید بشود. در زمان رسول الله هم، همه مطیع رسول الله بودند و او فرمانفرما بود، اما از طرف ایشان ظلم به کسی نمی شد. در زمان حضرت امیر هم، حضرت امیر امر می کرد و همه اطاعت می کردند. مالک اشتر هم در آنجائی که حکمفرما بود امر می کرد و همه مکلف به اجرا بودند، لکن از طرف مالک اشتر ظلم به کسی نمی شد. ۵۳۰

در جامعه توحیدی هدف مشترک است

جامعه توحیدی عبارت از جامعه ای است (توحیدی به معنای حقیقی نه، به آن معنای غلطی که گفته شده است) عبارت از جامعه ای است که با حفظ همه مراتب یک نظر داشته باشند، کانه یک موجودند شهربانی، شهرداری - عرض می کنم که - ارتش،

ژاندارمری، سایر قشرهای دولت، ملت، رئیس جمهور، پائین تر، همه با حفظ مراتبشان یک مقصد داشته باشند و آن یک مقصد الهی، کانه همانطوری که یک جامعه توحیدی در خود بدن انسان است. انسان به منزله جامعه توحیدی است، چشم، گوش، دست، اینها، اما هم فرمانفرما دارد، هم فرمانبردار دارد. مغز فرمان می دهد و دست فرمان می برد، اما همه یک راه دارند، همه برای این است که این کشور فردی را (انسانی را) اداره کنند. همه دنبال اینند که فرمان از بالا می آید و پائین هم اطاعت می کند، لکن جامعه توحیدی است اعضای یک موجودند، اعضای یک هیکلند، یک هویتند، لکن در عین حالی که اعضای یک هویتند و همه هم برای همین هویت دارند زحمت می کشند، لکن فرمانفرما و کارفرما و کاربر داریم. مغز فرمان می دهد، اعصاب دنبالش فرمان می برند. دست ها، پاها، چشم، گوش، همه اینها فرمان می برند. جامعه توحیدی است یعنی همه شان برای یک مقصدند. جامعه توحیدی را وقتی که از انسان آوردیم برای جامعه، این فرد که - یک - به منزله یک جامعه توحیدی بود، یعنی قوای مختلفه، اعضای مختلفه در یک فرمان و در یک راه تخطی نمی کنند. قوا مختلف، قوای باطن، ظاهر، اجزا و اعضاء مختلف، دست، پا، سر، چه، لکن همه در فرمان مغز هستند، یا روح هستند و همه رو به یک مقصد هستند و او برای حفظ مثلا خودش، حفظ هویت خودش، حفظ مصالح خودش، جامعه - توحید - توحیدی معنایش این است که در عین حالی که فرمانبر و فرمانفرما هست، در عین اینکه رئیس جمهور هست - عرض می کنم - مجلس شورا هست و مردم عادی هستند و سرلشکر هست و رئیس ستاد هست و اینها همه باید فرمان ببرند از آن کسانی که فرمانفرما هستند و روی قواعد، لکن همه شان مثل یک بدن می مانند، همه برای یک مقصد باشند، ارتش نکشد یک طرفی و ژاندارمری یک طرف. و در یک کشور اگر ارتش یک طرف بکشد، ژاندارمری یک طرف بکشد، شهربانی یک طرف بکشد، این اختلاف پیدا می شود. همه باید با هم، هم مقصد باشند برای حفظ کشورشان، مقصد حفظ کشور باشد. ۵۳۱

لازمه تمدن این است که درجات باشد

معنی جامعه توحیدی به اینطوری که این اشخاص منحرف القا کرده اند در اینها معنایش یک جامعه حیوانی است، در غیر حیوان، جامعه توحیدی ما نداریم. حیوان ها هم، همه اینجور نیستند، حیوان ها هم یک دسته شان متمدند مثل موریانه، مثل زنبور، مثل مورچه، اینها نحل تمدن دارند، اینها هم بالا و پائین دارند. در حیوانات که ادراکاتشان به آن اندازه نیست، جامعه توحیدی است یعنی الاغ ها هم یک جورند، گاوها هم همه یک جورند، فرمانبر و فرمانبردارند. یک همچو جامعه ای را آقایان می خواهند؟ جامعه توحیدی که هیچ درجه داری نباشد، هیچ بالا و پائینی نباشد - فرمانفر - همه باید عطار باشند، اگر عطار نباشند، جامعه توحیدی نیست. اگر مقصود این معناست جامعه توحیدی، جامعه توحیدی در بشر تا حالا وجود پیدا نکرده الا آنوقتی که وحشی بوده اند. اگر یک وقتی بشر وحشی بوده، آنجا یک جامعه توحیدی (هر کسی برای خودش می رفته علفی می چیده و می خورده) اما آن روزی که تمدن در بشر آمده است، لازمه تمدن این است که درجات باشد. لازمه تمدن این است که یکی دکترا باشد، یکی فرض کنید که مهندس باشد، یکی دیگری باشد، یکی سرگرد باشد، یکی چه باشد. این چیزهایی که هست واقعا در عالم، جامعه توحید به آن معنا درست بکنید برگشت به توحش است. آنهایی که این مطلب را در ذهن جوانان ما القا می کنند برای این است که منعکس بشود در خارج که اینها یک جامعه حیوانی هستند، اینها قابل این نیستند که برای خودشان حکومت کنند. کسی که حکومت را قبول ندارد، این هرج و مرج است یک جامعه حیوانی است، این محتاج به سرپرست است. اینها نقشه می کشند که جوان های ما را در ارتش و ادار کنند به اینکه هرج و مرج ایجاد کنند، در ژاندارمری هم هرج و مرج ایجاد کنند، در پاسدارها هم هرج و مرج ایجاد کنند، در شهر بانی هم هرج و مرج ایجاد کنند. قوای انتظامی هرج و مرج - که ستون فقرات یک جامعه است به هرج و مرج کشیده بشود. یک مملکت هرج و مرج محتاج به یک قیمند. یک مملکتی که در آن نظام نیست، در آن فرمانبرداری

از بزرگترها نیست همه برای خودشان بخواهند یک بساطی درست کنند، معنایش پوسیدن یک جامعه است از داخل. ۵۳۲

جامعه ای که از یکدیگر حرف شنوی نداشته باشند، محتاج به قیم هستند

اسلام هم اینجور نبوده، هیچ، هیچ رژیم در عالم اینطور نیست که هرج و مرج باشد. جامعه توحیدی، جامعه توحیدی با آنطور که من عرض کردم یک امر مطلوبی است که همانطوری که در بدون انسان یک جامعه توحیدی است، اگر یک ملتی اینطور شد، خودش را نگه می دارد شما دیدید که یک حدودی ملت ما با هم منسجم شدند و غلبه کردند بر همه چیز، اگر همه قوای انتظامیه و همه قشرهای ملت از روحانی تا دانشگاهی تا بازاری تا کارگر تا زارع، همه اینها اگر چنانچه منسجم بشوند به هم، - با عین - در عین حالی که مراتب محفوظ است بین خودشان، لکن منسجم باشند با هم، مجتمع باشند با هم، یک بدن، حال یک بدن پیدا کنند، همانطوری که بدن انسان جامعه توحیدی است، جامعه هم یک بدن بشود، اگر اینطور بشود، آسیب دیگر بر نمی دارد این، این معنای جامعه توحیدی، به این معنا صحیح است، این معنای صحیح جامعه توحیدی است. اگر در یک کلامی، برای آدمی که ملتفت بوده است مسائل را، یک کلمه جامعه توحیدی واقع شده است. مقصود این است، و اما مطلب غلطش را انداخته اند توی اذهان جوان های ما، در عین حالی که حسن نیت دارند، در عین حالی که صفای باطن دارند، ولی بازی می خورند. می خواهند زمینه را این شیاطینی که افتاده اند، توی هم ارتش هست، هم ژاندارمری هست، هم شهربانی هست، هم بازار و هم کوچه هست، اینها شیاطینی هستند که می خواهند زمینه را فراهم کنند برای حکومت طاغوتی. من حالا به شما می گویم (سنم هم اینقدرها نیست، ممکن است که قبل از این حرف ها بروم از اینجا) لکن شما یادتان باشد این مطلب که این برنامه ای که الان دارند بعضی از مغرضین می ریزند و جوان های ما را گول می زنند. این برنامه این است که آمریکا را به ما مسلط کنند. - آمریکا بفهماند - همه مطبوعات آمریکا شروع کنند و غرب، همه اینهایی که با شما دشمنند، شروع کنند به اینکه یک مملکت هرج و مرجی است، نظام ندارد این مملکت، بالا و پائین ندارد، مثل حیوانات همه به جان هم ریخته اند، همه مخالف هم هستند، همه از هم تخلف می کنند، هیچ یک از هیچ کس حرف نمی شنود یک همچو جامعه ای محتاج به قیم است. دنیا حکم می کند که ایران محتاج به قیم است، قیم برایش پیدا بکنید، راه را باز می کنند برای اینکه یک قیمی مثل محمدرضا بالای سر ما بیاورند، یک قیمی مثل رضاخان - بالا سر - بالای سر ما بیاورند. ۵۳۳

طرح عدم سلسله مراتب نقشه دشمنان است

حریف ما یک حریف عادی نیست، حریف ما یک حریفی است که کارشناس های آنها تمام اوضاع همه ممالک تحت بررسی قرار داده اند و همه آنها مضبوط است پیش شان که باید چه کرد. یک همچو انقلابی که ضربه به آنها زد، این انقلاب را چه جوری باید از بین برد، با دست خود ارتش، ارتش را از بین برد، با دست خود ملا، ملا را از بین برد، با دست خود متدین، دیانت را از بین برد. اینها نقشه است آقا، اینها همین طور نیست قضیه، نقشه اند اینها. اگر یک جامعه ای - سلسله - ارتشش سلسله مراتب نداشته باشد آن ارتش که منحرفین اینطور القا می کنند، می روند درجه شان را می کنند که نه، نباید باشد این، نمی فهمد اینکه درجه اش را می کند چی است، چی می خواهند، ژاندارمری هم مثل آن بشود، شهربانی هم مثل او بشود، پاسدارها هم آنطور بشوند، قوای انتظامی ما بپوسد، از بین بروند، اینکه باید حفاظت یک کشوری را بکنند این از بین برود. به این هم قانع نیستند، می روند صحراها را به هم می زنند و نمی گذارند زراعت بشود، غارت می کنند، درخت ها را می برند - نمی دانم - از این بساط درست می کنند، بازار می روند هزار جور بساط درست می کنند، دانشگاه می روند هزار جور حرف درست می کنند. ماها را دارند از باطن می پوسانند، مائی که باید حالائی که رسیدیم به اینجا که این قدرت ها را کنار گذاشته ایم

و الآن دنیا دارد نظر می کند و الآن دنیا دارد نظر می کند که این عده ای که این کار را کردند و اعجاب برای دنیا آورده ، بعد از این انقلاب چه می کنند . اگر مردم دنیا دیدند که ما بعد از انقلاب هرج و مرج ایجاد کردیم به جای اینکه بفهمیم چه بکنیم ، به جای اینکه یک جامعه توحیدی ، آنطور جامعه توحیدی که همه منسجم با هم در یک راه با حفظ مراتب مثل بدن انسان ، منسجم است بدن انسان ، با هم است ، حفظ مراتب هم می کنند ولیکن یک جامعه توحیدی است که همه یک جهت ، همه یک راه می روند . اگر جامعه ما امروز اینطور نباشد ، یعنی همه قوای انتظامی مان با هم هماهنگ نباشند ، ملت مان با قوای انتظامی هماهنگ نباشد ، این جامعه ای است که زود یا دیر می پوسد و انسجامش از بین می رود . اینها باید با هم باشند ، به این معنا جامعه توحیدی می خواهیم . اگر اینطور شد ، آسیب بردار نیست ، اگر یک مملکتی همه اجزایش با هم چیز شدند ، اینها معتصم می شوند ، اینها دیگر آسیب بر نمی دارند . ۵۳۴

دشمن از هرج و مرج در کشور ، سوء استفاده می کند

این جوان های ما ملتفت باشند که از کجا دارند ضربه می خورند . اینها خیال می کنند که خدمت دارند می کنند ، اینها خدمت نمی کنند ، اینها در عین حالی که خیال می کنند خدمت می کنند ، دارند ضربه می زنند به این جمهوری شما . متوجه باشند آنهایی که می آیند به گوش اینها این حرف ها را می زنند ، ببینند از کجا تعلیم می گیرند اینها ، کی است که اینها را وادار می کنند که (در ارتش نظم لازم نیست ، در ارتش درجه لازم نیست) درجه لازم نیست ، یعنی هیچ ، یعنی ارتش نه جامعه توحیدی - در - به آن معنایی که آنها می گویند جامعه توحیدی در ارتش ، معنایش این است که ارتش نمی خواهیم ، شهربانی هم معنایش این است که شهربانی نمی خواهیم ، ژاندارمری هم معنایش این است که ژاندارمری نمی خواهیم . در هر جا که یک همچو مسأله ای آنها پیش آوردند معنایش این است که ما هرج و مرج باید باشد ، باید ما یک نظمی در کارمان نباشد ، مملکت مان بدون نظم ، خوب ، رئیس جمهور هم نمی خواهیم . جامعه توحیدی است به حسب آنطوری که آنها می گویند . درجه را بکنند که رئیس جمهور هم نمی خواهیم ، دولت هم نمی خواهیم ، وزرا هم نمی خواهیم ، این جز این نیست که بفهمانند به دنیا به اینکه اینها قابل این نیستند که آزاد بشوند . من یادم است که در آنوقتی که محمدرضا اینجا بود و این گیرودارها و جنگ و نزاع ها بود ، کارتر در یکی از حرف هایش (ما پاریس بودیم) گفت که به اینها زیادی آزادی داده اند . او با آن نظر موذیانه اش می خواست بفهماند که این مملکت قابل آزادی نیست ، نباید به آن آزادی داد . ما از این باید درس بگیریم که این زیادی به آنها آزادی دادند ، او می خواست اینطور بگوید که باید با این ملت همان رفتار را کرد که محمدرضا در زمان قدرتش کرده ، آزادی نباید داد به اینها ، باید اینها در اختناق باشند تا بشود حفظشان کرد . به نظر او ماها یک حیوان سرکش هستیم که باید مهارمان کرد . به نظر باطل او ، اگر - ما - مطلب آنی است که او می گوید که گفت او که اینها قابل این نیستند که به آنها آزادی داد ، حالا دیده جلو برده اند اینها و پیش برده اند ، حالا هم آن نقشه را می خواهد درست کند که این مملکت و این افراد مملکت زود است برایشان آزادی ، زود است برایشان که کارشان دست خودشان باشد . شاهدش این است که در ارتش می روی درجه ها را می کنند که ما نمی خواهیم ، ما - چیز - جامعه توحیدی می خواهیم . کدام اسلام گفته جامعه توحیدی به این معنا . اسلام می گوید نظم امور باید بشود . نظم امور با درجات است ، نمی شود همین طوری تراز برای خودت ، من برای خودم که جامعه توحیدی نمی شود . این ضد جامعه توحیدی است اینکه نظم توی کار نباشد ضد جامعه توحیدی است . اگر بدن انسان این نظم را نداشت و این اطاعت مادون از مافوق را نداشت تمامش به هم می خورد . اگر مغز - اگر - حکم می کرد دست اطاعت نمی کرد ، به هم می خورد اوضاعش . آن برای این است که به دنیا بفهمانند امروزی که ما در مقابل قدرت ها ایستاده ایم ، قدرتمندها به دنیا بفهمانند که این جامعه قابل نیست از برای اینکه خودش را اداره کند ، این نظامش دارد به هم می خورد و خورده است ، این بازارش هم دارد به هم می خورد ،

این کشتش هم دارد به هم می خورد، این محتاج به این است که یک قیمی بالای سرش باشد آن قیم کار را اداره کند. یک نفر آدم را بگذارند بالای سرما و پیش دنیا حجت داشته باشند به اینکه خوب، ما این وحشی‌ها را خواستیم مهارشان کنیم. ۵۳۵

نظام توحیدی یعنی همه دنبال حکم خدا باشند

مساءله نظام توحیدی معنایش این است که همه شان دنبال حکم خدا باشند، همه توجه به خدا داشته باشند، هر کس هر کاری بکند برای خدا بکند، این نظام توحیدی است، یعنی همه یکی است، جوش خوردند به هم. آن نظامی که این برای خودش می کشد، آن برای خودش می کشد و این به آن فحش می دهد، آن به آن بد می گوید، نظام توحیدی نیست، آن نظامی که پائین از بالا اطاعت نمی کند، بالا به پائین ظلم می کند این توحیدی نیست، این نظام شیطانی است، نه نظام الهی. نظام الهی باید همه جهاتش محفوظ باشد، لکن همه متوجه به خدا، ارتشش پائین از بالا خدمت بکند، اطاعت بکند، بالا به پائین محبت بکند و ظلم نکند و همه برای خدا باشد، کشاورزش برای خدا باشد، دانشگاهش برای خدا مشغول کار باشد. این نظام توحیدی است. ۵۳۶

جامعه توحیدی یعنی همه به خدا فکر کنند

جامعه توحیدی معنایش این است که در عین حالی که - فرض کنید - سرلشکر هست و دیگران باید از سرلشکر اطاعت بکنند و در عین حالی که سپهبد - فرض کنید اگر باشد - هست و در عین حالی که حکومت هست، همه اینها یک فکر داشته باشند، جامعه توحیدی معنایش این است که همه اینها به خدا فکر کنند، توجه به خدا داشته باشند نه هرج و مرج باشد. جامعه توحیدی اصل قابل وجود به آن معنا که می گویند نیست. جامعه توحیدی به آن معنا که می گوئید خوب، همه رعیت باشند، ما نساج نمی خواهیم، ما دیگر فرض کنید که آن کسی که آهنگر نمی خواهیم، اینکه توحید نمی شود، یکی زحمتش زیاد است، یکی زحمتش کم، جامعه توحیدی در حیوانات هم کم است، در بعضی حیوانات یا اکثر حیوانات جامعه توحیدی است، یعنی اینکه دیگر در حیوانات یک بالا و پائین نیست، در بعضی شان، در مثل موریانه، آنها هم تمدن دارند و می گویند تمدنشان اسبق است از انسان، یا در مثلاً- زنبور، زنبور نحل (یعنی زنبور عسل) آنها هم بالا و پائین دارند، اگر بنا باشد که به آن معنا که شما می گوئید جامعه توحیدی معنایش این است که تفاوت مابین افراد نباشد. شما در غیر حیواناتی که آن هم حیواناتی که - آن - تمدن ندارند، در غیر حیوانات در کجای عالم پیدا می کنید که تفاوت نباشد، یعنی همه ما یا مهندس باشیم یا هیچ درس نخوانیم، همه کشور ما یا همه شان باید مهندس باشند، خوب، همه مهندس، ما کشاورزی نمی خواهیم. همه کشاورز، ما کارگر نمی خواهیم. همه کارگر، ما کارفرما نمی خواهیم. پس قابل ذکر است، این یک کلمه توحیدی به گوششان خورده است معنایش را نفهمیدند یا آنهایی که در کار هستند و در کمین هستند که می خواهند این کشور را به هم بزنند و می خواهند باز ما را تحت سیطره امریکا و امثال امریکا قرار بدهند آنها افتاده اند توی اینها، جامعه توحیدی!! جامعه توحیدی!! مقصودشان چیست؟ مقصود این است که ما درجه دار و افسر و سرباز نمی خواهیم، همه مان سرباز، اطاعت نمی خواهد، وقتی که کسی فرمان بدهد هیچ کس نباید از او اطاعت کند، یا همه فرمانده، فرمانبر نداشته باشیم، یا همه فرمانبر، فرمانده نداشته باشیم. این کشور می شود؟ این مملکت می شود؟ این خیانت به ارتش نیست؟ این خیانت به اسلام نیست؟ اینها را به گوششان خواندند و یک شوراهائی درست کردند غلطی و به گوش اینها خواندند. می آیند در آنجا، درجه های خودشان را می کنند می دهند به افسر، می گویند تو درجه بده، این جز این است که یک مملکتی را به فساد بکشد، ما در این مملکت یک کاسب نمی خواهیم؟ تاجر نمی خواهیم؟ فرش فروش نمی خواهیم؟ یک مملکت ما همه اش باید یکسان و به قول آنها جامعه توحیدی که آنها می فهمند، جامعه توحیدی باشد که همه یک جور باشند؟ محصل نمی خواهیم برای اینکه اگر تحصیل کرد، خوب فرق می کند با دیگران، جامعه توحیدی نیست این؟ یکی

بالا تر، یکی پائین تر. آن کسی که با فکرش یک کار بزرگی انجام می دهد، این با آن رعیتی که با عملش یک جریب زمین را درست می کند، اینها در یک جامعه های عالم یک جور هستند اینها؟ اینها در جامعه های دنیا، کسی که طیاره را درست می کند با آن کسی که چاه می کند برای آب، اینها یک جورند در دنیا؟ اینکه جامعه توحیدی نیست اینکه. آن یک کار دیگر می کند، این یک کار دیگر می کند. آن یک جور دیگر زندگی می کند، این یک جور دیگر. اینها چی می گویند؟ کجای دنیا جامعه توحیدی است که اینجا باشد؟ در شوروی دیگر روسا و مرئوسین نیستند؟ کرملین حکم نمی کند برای همه کشور، سردارها آنجا حکم نمی کنند، صاحب منصب ها آنجا همه اینها از زیر بارشان در می روند، درجه هاشان را می کنند که جامعه توحیدی نیست؟ چین که همین طور است؟ کجای دنیا هست که سرباز همه باشند، هیچ صاحب منصب نداشته باشند، همه صاحب منصب به یک درجه باشند؟ این چه غلطی است که در فکر اینها رفته، خیانت است این به اسلام، خیانت است این به کشور، خیانت است این به ارتش، ارتش باید باشد با همان قدرتی که باید باشد. البته همه به یک فکر باید باشند، جامعه توحیدی این است، تمام ملت ایران باید یک فکر کنند و او این است که خودشان را از زیر بار اجنبی نجات بدهند و خودشان اداره کنند ملت خودشان را، مملکت خودشان را. جامعه توحیدی آن بود که در این نهضتی که پیروز شدید شما، آن بود که در این نهضت پیروز شدید، یعنی همه آمدند با هم به طور وحدت کلمه، وحدت فکر، نه معنای جامعه توحیدی هرج و مرج باشد و نه دولتی باشد و نه ملتی باشد، نه مدیری باشد و نه اداری باشد و نه مهندسی باشد، این یک مسأله ای است که اصلاً خطرناک است برای مملکت ما. ۵۳۷

برادری یعنی انسجام و همصدایی

خلاف تعلیمات اسلامی مجتمعات مختلف درست می کنند. قرآن می فرماید که: (المؤمنون...)، انما المؤمنون اخوه ۵۳۸ و غیر از برادری پیش مومنین - پیش مومنین - چیزی نیست، منحصر برادرند نه غیر برادر، هیچی نیستند الا برادری این هیچ نیست الا برادری، برای این است که اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می کنیم. همه مومنین را، هم مؤمنین را قرآن می خواهد که با هم برادر باشند و غیر از این هم نباشند در بین، اگر همه مؤمنین در قطرهای اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت پیشان انداخته است همین یک دستور را عمل بکنند، قابل آسیب دیگر نیست. اگر یک میلیارد جمعیت مسلمان، یک میلیارد جمعیت مسلمان که مع الاسف یک میلیارد جمعیتی هستند که تحت سلطه غیر هستند، یک میلیارد جمعیت تحت سلطه دو یست و پنجاه میلیون، اگر این یک میلیارد جمعیت به این یک حکم خدا سر نهاده باشند، اطاعت کرده بودند همین یک حکم را که انما المؤمنون اخوه برادرند اینها، اگر این برادری در همه جا بود، اگر این برادری در تمام قشرهای ملت ها بود، این گرفتاری ها برای ما پیدا نمی شد. برادری این نیست که من یک کاری بکنم برخلاف دستور، برخلاف نظام، شما هم یک کاری، این خلاف برادری است. حضرت امیر هم برادر بود با همه، مسلمان بود، مومن بود، برادر بود، راءس مؤمنین بود و برادر بود. عقیل هم برادر حضرت امیر بود، عقیل حق داشت بگوید که من و تو برادریم، من از تو اطاعت نمی کنم، این خلاف برادری بود برای اینکه برادرند. در اینکه آن معنایی که اسلام می خواهد با هم پیش ببرند، این برادری است، برادری را برای این درست کردند که منسجم بشوند به هم و با هم یک ندا پیش ببرند. اگر در یک نظامی فرض کنید در ژاندارمری یک دسته بایستند بگویند که ما به تو اطاعت نداریم، ما از تو اطاعت نمی کنیم، این اینطور نیست که بتواند یک همچو نظامی برای آن مقصدی که خدای تبارک و تعالی فرموده است شماها برادر هستید، بتوانید برادری کنید. برادری در این مقصد این است که پشت به پشت هم بدهند و همه پشتیبان هم باشند برای پیشبرد مقصد. پشتیبان هم بودن این است که این نظم را ملاحظه بکنند، این درجاتی که ارتش دارد و روی آن نظم پیدا کرده، درجاتی که ژاندارمری دارد و روی آن نظامی است و هکذا سایرین و هکذا همه مردم، باید اینها برادر باشند، یعنی محبت برادری به هم داشته باشند و همه پشتیبان هم باشند برای آن

مقصد، برای اینکه پیش ببرند، برای اینکه نجات دهند ملت خودشان را. این برادری اقتضا می‌کند که چون روی این مقصد است که باید پیش ببرند، اقتضا می‌کند که این برادر کوچک از آن برادر اطاعت کند در این مقصد، آن برادر بزرگ هم به این برادر کوچک محبت کند برای این مقصد، آن رئیس باید برادر اینها باشد در پیشبرد مقصد و فرمان بدهد، فرمانی که برادر بزرگ به برادر کوچک می‌دهد که همه آن رحمت است. ۵۳۹

اگر نظم از دست برود جامعه از توحیدیت بیرون می‌رود

این پائین دست، رده پائین به حسب نظام، اطاعت باید بکند از او و الا برادری نکرده است. همه مقصد راه خداست، همه مقصد واحد جامعه اگر بنا بشود اینطور باشد جامعه توحیدی می‌شود یعنی توحید در مقصد. اگر ما یک جامعه توحیدی پیدا بکنیم یعنی اینطور باشد که هر کدام در محل خود، کار خودشان را انجام بدهند برای آن مقصد، شمائی که در ژاندارمری هستید کار ژاندارمری را به همان نظم که در آن جا مقرر است انجام بدهید برای مقصد واحد و آن حفظ کشورتان، آنها هم در ارتش هستید، آنها هم نظم خودشان حفظ بکنند برای همان مقصد، ماها هم که طلبه هستیم نظم خودمان را حفظ کنیم برای آن مقصد، آنها هم که اداری هستند، آنها هم که در رءس کار هستند، آنها هم در پائین هستند و بالا همه حفظ بکنند همه جهات را برای یک مقصد، همه مقصدشان این باشد، انسجام پیدا بکنند یعنی روی مقصد والا. انسجام که معنای آن این نیست که ما دوتا به هم بچسبیم، معنای آن این است که ما همه با هم یک مقصد داریم و روی آن مقصد راه برویم. اگر اینطور شد، جامعه توحیدی است و اگر بنا شد که نظم را از دست بدهیم، جامعه از توحیدیت بیرون می‌رود. اگر شما از بالا اطاعت نکنید بالا به شما تعدی بکند، من از بالا ترم اطاعت نکنم بالا تر به من تعدی بکند، این انسجام از بین می‌رود، این جامعه توحیدی از بین می‌رود و جامعه توحیدی این است که همه کار خودشان را انجام بدهند روی نظام و همه هم مقصدشان یکی باشد، این جامعه توحیدی است. اینهایی که می‌آیند در داخل ارتش، در داخل ژاندارمری، در داخل پاسبان‌ها، در داخل شهربانی، توی جمعیت‌ها، توی دانشگاه‌ها، همه جا این شیاطین هستند، همه جا اینهایی که می‌آیند با اسم اینکه جامعه توحیدی می‌خواهند توحید را از بین ببرند. اینها هم نقشه دارند برای اینکه همه را بیوسانند، این جامعه را بیوسانند، مقصد دارند اینها ما باید آگاه باشیم از این معنا، جوان‌های ما را باید آگاه بکنند، شماها باید آگاه باشید، جوان‌ها را آگاه بکنید که مقصد این است. ۵۴۰

خودسری و بی‌نظمی منافی با جامعه توحیدی است

آقایانی که روابط دارند، با شما هستند، آنجا باید آشنا بکنند جوان‌ها را به اینکه جامعه توحیدی معنای آن این نیست که هرج و مرج باشد، جامعه توحیدی معنای آن این است که همچو با هم پیوست باشند که آسیب دیگر نبینند که یکی بشوند کانه یک موجود، نه این است که جامعه توحیدی معنای آن این است که بالا- و پائین تو کار نباشد، مگر امکان دارد یک همچو چیزی، مگر انسجام حاصل بشود. که اگر چنانچه پائین و بالائی نباشد و همه خودسر باشند، پائین و بالا نبودن معنای خودسری است، نظم نبودن معنای خودسری است، خودسری منافی با جامعه توحیدی است، اطاعت نکردن مخالف با جامعه توحیدی است. آنهایی که به خورد جوان‌ها می‌دهند، جوان‌های ما می‌دهند که جامعه توحیدی می‌خواهیم پس نه افسری و نه درجه داری و نه چیزی، همه ما سرباز باشیم، کی از کی اطاعت کند. چه وقت می‌توانید وحدت پیدا کنید، هر کدام اینها مثل او، انسجام از کجا پیدا بشود. وقتی نظم نباشد، وقتی هر کسی برای خودش علیحده باشد و سرخود باشد، انسجام پیدا نمی‌شود. شما صد میلیون قاطر چموش را می‌توانید وادار کنید به یک کار، صد میلیون کاری یک کار انجام می‌توانند بدهند، همه تو سر هم می‌زنند. صد میلیون جمعیت اگر چنانچه نظم در کارشان نباشد. حضرت امیر در دستوری که می‌دهد می‌گویند که امورتان را نظم بدهید. نظم

همین ، نظام همین است . همه جامعه باید نظم داشته باشند ، انحصار به ژاندارمری و انحصار به ارتش و اینها نیست ، همه جامعه نظم لازم دارد ، اگر نظم از کار برداشته بشود جامعه از بین می رود . حفظ نظام ، یکی از واجبات شرعی و عقلیه است که نظام باید محفوظ باشد . آنهایی که می گویند نظام به این معنا نمی خواهیم و همه مان یک جور ، همه مان بدون اینکه یک ضابطه ای در کار باشد عمل بکنیم ، خلاف قرآن دارند عمل می کنند ، خلاف اسلام دارند عمل می کنند ، خلاف مصالح مملکت دارند عمل می کنند . ۵۴۱

حفظ نظم از واجبات است

و البته باید همه امور بر نظام و نظم باشد . وقتی که پایه امور بر نظم بنا شد ، باشد و حفظ نظم از واجبات الهی است . باید در قوه قضائی هم این نظم محفوظ باشد یعنی اینطور نباشد که قاضی یک روز بخواهد بیاید و یک روز هم دلش بخواهد نیاید . این یک یا باید در استخدام ، استخدام الله برآید و وظیفه شرعی الهی خودش بداند که باید روی موازینی که هست ، ساعاتی که تعیین شده است برای کار ، کار بکند و اگر چنانچه نخواهد هم این کلمه استخدام را قبول بکند یا اصلش تصدی نکند یا ملزم بداند خودش را به الزام شرعی که اگر آمد نظام را حفظ کند ، اگر بخواهد وارد بشود و بی نظم باشد ، من یک هفته دلم نمی خواهد بیایم ، الزامی که من ندارم ، نمی خواهم یک چنین آدمی ، اصلا از اول وارد نشود ، اگر چنانچه می تواند که روی موازینی که تعیین می شود و شورای قضائی تعیین می کند عمل بکند ، ملتزم به این باشد که این عمل تا آخر روی موازین باشد و هر روز هم خودش را عاجز از این داشت خوب برود پیش شورا و استعفا بدهد ، اما متصدی باشد و بی نظم متصدی باشد ، این صحیح نیست . باید یک مملکتی همه چیزش نظام داشته باشد ، همانطوری که اگر در شهربانی بخواهند اینهایی که پاسبان هستند بگویند که ما امروز می خواهیم نیایم ، امروز میلمان کشیده است که منزل باشیم ، این نمی شود این پاسبان نمی شود و این شهربانی هم نمی شود . و در سایر ادارات هم یک اداره ای بگوید که من امروز نمی خواهم بیایم ، این خواستنی نیست . کسی که یک امر را تصدی کرد باید نظامش را حفظ بکند . آقایان هم که از همه قشرها از حیث کار اهمیتشان بیشتر است باید این نظام را حفظ بکنند و همانطوری که در سایر جاها یک نظامی هست و بدون نظم یک امری تحقق پیدا نمی کند یعنی فاسد می شود ، باید نظام را حفظ بکنند و هر چیزی را که تقبل کردند با نظم و با ترتیب ، این را اجراء بکنند و عمل بکنند . ۵۴۲

کارها باید روی نظم و قاعده صورت گیرد

از مسائلی که می خواستم تذکر دهم این است که نظم را کاملا رعایت کنید . شجاعت غیر از تهور است شجاعت در جنگ حرکتی است قهرمانانه روی نقشه و نظم و حساب و حال آنکه تهور بی حساب و نظم بر دشمن تاختن است . کارها باید روی نظم و قاعده صورت گیرد تکرار می کنم کار وقتی روی نظم و قاعده و برای خدا بود دیگر خوفی نیست چه کسی کشته شد و چه کسی کشت . ۵۴۳ .

اگر بخواهند مملکت محفوظ بماند باید روی نظم رفتار کنند

در این زمان ما بخواهیم سعید باشیم ، بخواهیم به سعادت برسیم باید عمل بکنیم همه با هم دوست و رفیق ، سرباز با درجه دار ، درجه دار با افسر ، با ارشد ، رفیق باشد لکن اطاعت بکنند ، اطاعت مسأله ای ، رفاقت مسأله ای دیگر ، بالائی ها پائینی را به چشم رحمت نگاه کنند ، پائینی ها به بالائی ها اطاعت بکنند . اگر بخواهند یک مملکتی محفوظ بماند باید ارتش روی دیسیپلینی که دارد ، محفوظ بماند ، روی آن نظمی که دارد روی نظم رفتار کند اگر بخواهد به هم بریزد (حتی حالا من آزاد شده ام ، نخیر زیر

بار کسی نمی روم) نه، این خلاف آن آزادی است که خدا می خواهد. آزادی در حدود ضوابط است. (من آزادم حالا، من آزادم سیلی بزنم به ایشان). نه آزاد نیستی. من آزادم اطاعت از مثلا، از فرماندارم نکنم نه این آزادی نیست در حدود قواعد و قوانین آزادی هست. یعنی شما دیگر از کسی الان اینجا که نشسته اید، دیگر نمی رسید، اگر قبل از این بود، شما خوف این را داشته اید که از اینجا پایتان... جمع نمی توانستید بشوید اینجا، حالا اگر هم آمدید، خوف این را داشتید که از اینجا رفتید بیرون، این ساواکی ها، این بیرون نباشند، شما را بگیرند و ببرند و بودند و می گرفتند و می بردند. این به این معنا الحمدلله ما الان آزادییم الان لکن معنای آزادی این نیست که من هر کاری دلم بخواهد، بکنم. ۵۴۴ این کلمه ای که گفتید که می خواهند که من دخالت بکنم، من که نمی توانم در همه امور دخالت بکنم، بالاخره من اشخاص دارم، باید اشخاص دخالت بکنند. من مثلا حالا شما را تایید می کنم که در سپاه پاسداران باشید و در راس باشید این معنی دخالت من است، معنی این است که شما اگر کاری آنجا انجام بدهید من انجام داده ام در آنجا، آنها اگر بخواهند شنوائی از من بکنند باید از شما شنوائی بکنند. و همین طور سایرین از آن کسی که من قرار دادم وقتی که اطاعت بکنند، همان اطاعت از من است و همان دخالت من است. اینطور نیست که هر کدام، علیحده باشند. فرض کنید که آقای رئیس جمهور را من قرار دادم برای اینکه رئیس کل قوا باشد و آن چیزی را که من قرار دادم اگر چنانچه با آن موافقت بکنند موافقت با من است و من خودم مستقیما نمی توانم همه امور را دخالت بکنم من باید بالاخره اشخاص را قرار بدهم و یک نظمی ایجاد بشود. ۵۴۵

بی نظمی منجر به هرج و مرج می شود

ارتش اگر نظم نداشته باشد ارتش نیست و شیاطین که ممکن است نفوذ کرده باشد هم در ارتش، هم در ژاندارمری و هم در سایر قوای انتظامی و غیر انتظامیه، آنها در هر جا به یک صورتی دامن می زنند به اینکه نظم را از ارتش و ژاندارمری و سایر قوای انتظامیه بگیرند و در باطن خود ارتش، هرج و مرج ایجاد کنند. اگر یک ارتشی با هرج و مرج بخواهد مواجه باشد و بپذیرد این هرج و مرج را، معنایش این است که ارتش نیست، هیچ امکان ندارد که او بتواند با یک قدرتی هر چه هم باشد مقابله کند. اگر نتواند ارتش خودش را اصلاح کند و قدرت خودش را و پیوند خودش را و نظمی که در باطن باید باشد این را ایجاد بکند، این نمی تواند در مقابل غیر، هر غیر باشد، مقاومت کند. اینهایی که می آیند به جوان ها از راه دلسوزی می گویند که چرا باید شما مثلا، این مثل زمان طاغوت می ماند که شما اطاعت کنید، خیر، این مثل زمان امیرالمومنین می ماند، اطاعت از طاغوت بد است نه اطاعت از ارتشی که مال اسلام است، اطاعت از یک فرماندهی که فرمانده اسلام است واجب است به حسب حکم اسلام، تخلف حرام است، طاغوت برای طاغوتیش بد بود نه برای نظمش. اگر شما بخواهید که به هم بزنید اوضاع را و یک دسته جوان نپخته و بی تفکر بیابند در اینجا و بخواهند به هم بزنند اوضاع را، تمامتان آسیب پذیر خواهید شد، نه فقط صاحب منصب ها، خیر، همه آسیب پذیر خواهید شد. ۵۴۶ اطاعت از مافوق در جمهوری اسلامی، حکم خداست اگر بنا باشد درجه های بالا، البته آنهایی که انشاءالله اسلامی حالا هستند و می شوند، اینها را از آنها اطاعت نکرد و از فرمانده کل قوا اطاعت نکرد اگر بنا شد یک همچو چیزی باشد هیچ وقت نمی تواند ارتش، ارتش باشد. زمان حضرت امیر هم اطاعت واجب بود بر ارتش نسبت به فرماندار، حکم اسلام است، البته فرماندار هم باید با نظر طاغوتی نگاه نکند به آنها، با نظر عطفوت، مهربانی باشد. باید همه شما قوه واحده باشید، ید واحد، ید واحد، واحد علی من سواهم باید همه شما نظم را حفظ کنید، همه قوای انتظامیه نظم را در باطن خودشان حفظ کنند تا یک ارتش صحیح باشد، یک ژاندارمری صحیح باشد، یک سپاه پاسداران صحیح باشد. اگر بنا باشد که سپاه پاسداران به طور هرج و مرج کار بکنند، هر که، هر جا چهار نفر باشد برود به مردم تعرض بکند و مال مردم را خدای نخواستہ بگیرد، این پاسدار اسلام نمی شود، این طاغوت است به صورت دیگر درآمده مگر طاغوت چی بود؟ طاغوت همین بود که جان

و مال مردم در امان نبود در زمان او. اگر بنا باشد که جان و مال مردم در این زمان هم از قوای انتظامیه در امان نباشد این هم طاغوت است، منتها با صورت دیگر آمده بیرون و طاغوتی که به صورت مسلم بیرون بیاید خطرش از آن طاغوت بدتر است، این منافق است. عذاب منافق‌ها بیشتر از عذاب کفار است. سعی کنید همه تان، همه قوای انتظامیه سعی کنند که هماهنگ بشوند، سعی کنند که به آن موازینی که در ارتش هست، موازینی که در سپاه پاسداران هست، موازینی که در سایر قوای انتظامیه هست عمل بکنند، خیال نکنند که اطاعت از مافوق، خیر، این طاغوتی است، خیر اطاعت از مافوق در جمهوری اسلامی و در لشکر اسلام حکم اسلام است، حکم خداست، اطاعت از فرماندارها که به یک تعبیر اولی الامر هستند این در قرآن واجب شمرده می‌شود و واجب است این. ۵۴۷

باید سلسله مراتب محفوظ باشد

البته مسأله مهم این است که ارتش و پاسداران و ژاندارمری ما با یکدیگر هم زبان و هم پیمان باشند و مهمتر اینکه در عمل با هم هماهنگی داشته باشند زیرا در هماهنگی است که پیروزی میسر می‌شود، باید سران با هم تفاهم داشته باشند که بحمدالله دارند، باید سلسله مراتب محفوظ باشد، باید اطاعت بی چون و چرا انجام گیرد ولی درست مثل صدر اسلام، اطاعت بدون هیچ اغماض باید باشد و محبت و دوستی و برادری هم باید باشد. حضرت امیر علیه السلام رئیس کل قوا بودند ولی نسبت به سایر افراد ارتش اسلام هم عطف داشتند. هرگز در سپاه اسلام تحمیل نیست یعنی درست یک عده برادر هستند که در کنار هم برای خدا می‌جنگند، که یکی فرمانده و دیگری فرمانبردار است و تخلف از دستور فرمانده جایز نیست. باید نظم کامل رعایت شود، باید فرماندهان به سربازان بفهمانند که همه با هم برادریم و همه با هم می‌خواهیم کاری را انجام دهیم، ولی ارتش هم باید از فرمانده کل قوایش که آقای بنی صدر است اطاعت کند. خلاصه امروز که ما از طرف قدرت‌ها در خطر هستیم، البته به نظر من بعید به نظر می‌رسد، باید منسجم باشیم زیرا اگر انسجام بوجود آید، هیچ قدرتی نمی‌تواند به شما زور بگوید و پیروزی از آن شماست. ۵۴۸

حفظ سلسله مراتب و برخورد اسلامی با زیردستان

آقایان توجه دارند که انتقال پیدا کردند از ارتش طاغوتی به ارتش الهی. توجه دارند که رژیم تبهکار سلطنتی مبدل شد به رژیم جمهوری اسلامی که عدل در او سرلوحه تمام برنامه هاست. توجه دارند که حالا که ارتش اسلامی است و وظائفشان با آن وقت که ارتش، ارتش طاغوتی بود فرق دارد همانطوری که موظفند سلسله مراتب را حفظ کنند، بزرگترها، صاحب منصب‌ها و افسرهای ارشد موظفند که با سایر طبقات به طور سلامت و به طور اسلامیت رفتار بکنند و گمان نکنند سربازان که حالا که انقلاب شد ما باید اطاعت نکنیم. اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است و من امر می‌کنم به شما که اطاعت کنید از مافوق‌های خود و حفظ نظام را بکنید. و من سفارش می‌کنم به افسرهای ارشد و دیگر افسرها که مراعات اسلامی خودشان را بکنند و با زیردستان همان کنند که پیغمبر اسلام با زیردستان می‌فرمود و امیر المومنین سلام الله علیه الان شما در آغوش اسلام هستید و برادر با همه مسلمین و همه در آغوش اسلام هستیم و باید وظائف اسلامی را عمل کنیم، همچو نباشد که فقط اسم جمهوری اسلامی باشد، اسم ارتش اسلام باشد، ولی معنا و محتوا آنطور نباشد برادرها اگر بخواهید استقلال مملکت خودتان را حفظ کنید و اگر بخواهید از تحت یوغ ابرقدرت‌ها تا آخر خارج بشوید به اسلام توجه کنید و به احکام اسلام سر فرود آورید. اسلام برای شما و برای ما و برای ملت ما تمام آزادیها و استقلال را فراهم می‌کند و در سایه اسلام ما می‌توانیم مملکت خودمان را حفظ کنیم شما دیدید که ملت ما با نداشتن ابزار جنگی، لکن داشتن ایمان بر تمام ابرقدرت‌ها که پشتیبانی می‌کردند از رژیم سابق غلبه کردند و این نبود جز اتکال

به اسلام و اتکال به قرآن کریم . ۵۴۹ مالک اشتر و محمدبن ابی بکر از صاحب منصبهای بزرگ حضرت امیر (علیه السلام) بودند شماها جوان های صاحب منصبان ارتش که مثل آن پیرها نیست که دیگر آن فطرتان را از دست داده باشید در مقابل دلار ، شما برگردید به آغوش ملت و ملت شما را می پذیرد و حکومت اسلام هم شما را نگهداری می کند . گمان نکنید که اگر حکومت اسلامی آمد ، دیگر صاحب منصب نمی خواهد اینها تبلیغاتی است که می کنند حکومت اسلامی هم همه این ابزاری که سایر حکومت ها دارند دارد ، منهای دزدی . دزدی را ما می خواهیم جلوییش را بگیریم ، دزدها را می خواهیم بگیریم آنهایی که خدمت به وطن می کنند ، ارجمندند پیش همه ما ، پیش خدا هم ارجمندند ، آنها همه چیز برایشان مهیا خواهد شد آنهایی که دزدند و اموال این ملت را دزدیدند و در خارج بردند و خوردند ، آنها البته مواخذ خواهند شد و گمان نکنند که از ایران رفتند بیرون . تمام شد قضیه ، اگر اینجا بیایند ، این جوان ها هستند که اینجا به حسابشان می رسند . اگر امریکا بروند ، باز هم هستند ، انگلستان بروند ، باز هم هستند اینها گمان نکنند که پول ها را بردند و خود شاه هم همین طور ، خیال این معنا را بکنند که حالا ما پول ها را می خوریم حالا- هم همینطوری می مانیم و بعد هم با طیاره سوار می شویم و فرار می کنیم می رویم به آمریکا ، هر جا بروید ، هستند جوان های غیور ایرانی در آنجا و به حساب شما خواهند آنجا رسید . در هر صورت من از این جوان هائی که در ارتش هستند و من میدانم که آنها فطرت اسلامی خودشان ، فطرت انسانی خودشان را از دست نداده اند و اینها قلبا با ملت هستند منتها حالا ، تحت به خیال خودشان فرمان این بزرگترها ، ارتشدها یا امثال اینها هستند و اینها را ترسانده اند از اینکه اگر یک وقتی حکومت اسلامی پیش بیاید دیگر صاحب منصبی تو کار نیست ، خیر ، زمان حضرت امیر هم صاحب منصبی تو کار بوده است منتها با یک فرم دیگری بوده است . صاحب منصب ، آن وقت هم مالک اشتر یکی از صاحب منصب های بزرگ حضرت امیر بوده است ، محمدبن ابی بکر یکی از صاحب منصب های بزرگ حضرت امیر بوده است همیشه محتاج است مملکت به ارتش و همیشه محتاج است به صاحب منصب و همیشه محتاج به همه این قشرهائی که در ادارات است آنی که احتیاج به او ندارد ، آنهایی هستند که سربار هستند ، آنهایی که می خواهند مال ملت را بخورند و کار هم نکنند ، مال ملت را بخورند و نفعی هم نداشته باشند برای ملت ، آنها البته حساب خودشان را باید بکنند و هر چه کمتر بخورند به نفع خودشان است ، هر چه هم کمتر ببرند به نفع خودشان برای این که در هر جا بروند ، اینها پیدا خواهند شد . ۵۵۰

امروز اطاعت از بالادست ها یک امر شرعی است

امروز مملکت ما با این وضعی که دارد احتیاج به همفکری دارد و همکاری احتیاج به نظم دارد اگر در یک کشوری نظامش تحت قواعد و تحت مسائلی که در نظام مطرح است ، از اینکه فرمانده وقتی فرمان داد باید اطاعت شود ، فرمانده کل قوا وقتی امری کرد باید اطاعت شود ، فرماندهان هنگ ها و یا سایر جاها وقتی امر کردند باید اطاعت شود ، اگر این معنا نباشد در نظام ، این نظام نیست دیگر . اگر یک نظامی خودش بین خودش یک بی نظمی ها باشد ، اگر قوای مسلح در بین خودشان هماهنگی نباشد ، ما نیز توقع نداشته باشیم که کشور ما به پیش برود . . . ما امروز اگر چنانچه همه این ارگان ها به هم جوش نخورند و همه با هم همدست نباشند ، باید در انتظار مصیبت باشیم . باید ارتش با کمال قدرت کار بکند و تمام قوایی که در تحت نظم هستند و در تحت قوای بالا هستند و در تحت درجه دارها و افسرهای بالا هستند . فرماندهان هستند ، اینها باید اطاعت بکنند . امروز اطاعت از بالادست ها یک امر شرعی است ، یک مطلبی نیست که مثل سابق باشد بتوانند از زیر آن در بروند و مانعی نداشته باشد . امروز یک کسی است که بالای سر همه است و آن خدای تبارک و تعالی است که همه چیز را در ظاهر و باطن می بیند . اگر بخواهد این مملکت از این آشفتگی هایی که حالا مثلا هست جلوگیری بکند ، جز اینکه هم قوای مسلح با هم و هم مجلس با دولت ، با رئیس جمهور ، با امثال ذلک با هم ، اگر چنانچه تشریک مساعی با هم نکنند نباید توقع داشته باشند که مملکت به پیروزی نهائی برسد . ۵۵۱

باید در ظاهر و باطن اطاعت کرد

و از مهمات این است که نظم در کار باشد یعنی اگر چنانچه نظام نباشد در کار و امور تحت یک نظامی انجام نگیرد این تزلزل ایجاد می کند. اگر بنا باشد که فرض کنید که سپاه پاسداران اطاعت نکنند از رئیس شان، همه اینها اطاعت نکنند از آن فرمانده کل، در ژاندارمری همین طور، در آنجا همین طور و خودشان بخواهند هر کدامی یک راهی بروند، این اسباب این می شود که یک قوای مسلح متزلزل بشود و با تزلزل قوای مسلح مملکت متزلزل است. بنابراین یکی از مهمات این است که نظم را حفظ بکنند یعنی بشناسند آن که رئیس فوج است، آن که رئیس لشکر است، آن که رئیس پاسداران است. این را همه به نام اسلام بشناسند به اینکه لازم است اطاعت از او بکنند. حالا مثل زمان طاغوت نیست که اگر خواستم اطاعت می کنم، اگر هم ظاهری نخواستم در باطن اطاعت نکنم. حالا مساءله، مساءله اسلام است. اسلام باطن و ظاهر همه را دارد می بیند، خدای تبارک و تعالی محیط باطن و ظاهرها هست، آنی هم که در باطن مخالفت بکنند، آن هم مخالفت خدا را کرده است. این هم یکی از مسائل مهمی است که در ارتش و در سپاه پاسداران و در همه قوای انتظامیه و قوای مسلحه، در همه اینهمه باید مراعات بشود. ۵۵۲ اگر نظام با نظم نباشد، این نظام نیست من برای بار چندم است که به این قوای مسلح سفارش می کنم نظم در بین هر ارگانی که هست باید برقرار باشد و وظیفه دارند که با نظم باشند. اگر نظام با نظم نباشد، این نظام نیست، این آشفتگی است و این نمی تواند هیچ کاری انجام بدهد. پاسدارها باید با نظم باشند، پائین ترها از بالاترها اطاعت کنند، ارتش باید با نظام باشد، مراتب را حفظ بکند و باید همه با هم هماهنگ باشند، برادر باشند، هر دسته ای برای خودش علیحده نکشد به طرف خودش، همه با هم روابط داشته باشند، سرانشان با هم روابط داشته باشند، بنشینند اگر مسائلی دارند باهم حل کنند و اینطور نباشد که در هر یک از اینها یک آشفتگی باشد و بین خودشان ناهماهنگی، باید همگام باشند و همه با هم باشند برای اینکه یک مملکتی است مال همه است امروز و این مملکت که مال همه است، همه شما باید حفظش بکنید و خصوصاً قوای مسلحه باید حفظ بکنند این مملکت را. ۵۵۳

امروز امر خداست که باید نظم و سلسله مراتب را حفظ کنید

و نکته ای که می خواهم عرض بکنم و این اختصاص به شما ندارد این یک امر عامی است نسبت به همه قوای مسلحه اینکه اینطور توهم نشود که حالا ما آزاد هستیم و ما آزاد شدیم و آن زد و خوردهایی که پیشتر بود نیست و آن کتک ها و حبس ها نیست و آن اعدام ها نیست، حالا باید انضباط هم نداشته باشیم. اگر چنانچه یک قوای مسلحه ای بی انضباط باشد یعنی اگر چنانچه فرمانده حکم کرد، اجرا نکند، اگر چنانچه آن طبقه بالائی که صاحب منصبند یک امری را گفتند، اینها اجرا نکنند، اگر اینطور باشد انسجام از بین می رود. آنوقت خدای نخواستہ اگر یک امری پیش بیاید نمی توانید شما مقابله کنید. شما قوای مسلحه، از ژاندارمری گرفته تا ارتش تا شهربانی تا پاسدارها، همه اگر چنانچه منظم نباشید و سلسله مراتب ملاحظه نشود این اسباب این می شود که افرادی باشند یک یک. ژاندارمری وقتی می تواند خدمت بکند، ارتش وقتی می تواند خدمت بکند که اجتماع توی کار باشد. یک یک افراد که کار از شان نمی آید، این یک یک ها وقتی متصل به هم شدند و یک نظمی داشت می توانند کار انجام بدهند، اما اگر یک یک، یکی هائی باشند که با هم منسجم نیستند یا نظم ندارند، اینها علاوه بر اینکه کاری از شان نمی آید اخلال هم می کنند. باید توجه داشته باشید که امروز شما خدمتگزار اسلام هستید و باید برای خدا کار بکنید و امر خداست که باید این مسائل را با دقت ملاحظه کنید و نظم را حفظ کنید و سلسله مراتب را حفظ بکنید و این یک مطلبی است که مربوط به شما تنها نیست و مربوط به همه قوای مسلحه است، چنانچه توجه به اینکه مبدا یکی خلاف بکند آن هم اختصاص به شما ندارد همه قوای مسلحه باید در این معنا باشند. امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است. اگر یک خلاف یکی کرد باید او را

نهی بکنید، باید باز دارید او را از این کار و اگر چنانچه یک آدمی در یک پادگانی یک عملی کرد که بر خلاف وظیفه بود باید اطلاع بدهید تا اینکه این را جلویش را بگیرند . ۵۵۴

باید برای خدا مراتب و سلسله مراتب را حفظ کنید

گر چه کشور ایران بالا و پائین ندارد و آن دوله ها و سلطنه ها رفته اند و ما خودمان هستیم ، لکن باید نظم و نظام باشد شما باید برای خدا مراتب و سلسله مراتب را حفظ کنید و اگر بنا باشد هر کس خودش رای بدهد و علیحده عمل بکند ، آنوقت است که معنویات و موفقیت ها عادی هم از بین می رود و شما می دانید با آنکه پیغمبر اکرم در مسجد می نشست و کسی که وارد می شد نمی دانست که کدام یک از آنها پیغمبر است ، با این حال همه مامور اطاعت از او بودند ما همه برادر هستیم ، لکن اگر نظام نباشد برادری هم به هم می خورد مثلا اگر در جنگ بنا باشد از فرماندهی اطاعت نشود ، مسلما شکست خواهیم خورد در جنگ آنوقتی شکست نیست که همه گوش به فرمان کسی باشند که وقتی نقشه و فرمان می دهد همگی به آن عمل کنند و ذکر فان الذکری تنفع المومنین ۵۵۵ پس با اتکال به خداوند تعالی روحیه خودمان را تقویت کنیم و با هم برادر باشیم و بدانیم آنها که با هم اختلاف دارند ، موفقیت هم ندارند و شما نمی خواهید با زور موفقیت پیدا کنید . شما می خواهید با اخلاق خوب و کردار خوب با مردم رفتار کنید تا پیش خدا و خلق آبرومند باشید و مردم را از خودتان بدانید و اگر تفنگ و اسلحه هم در دست شماست ، با اخلاق مردم را خاضع کنید و خضوع قلبی میزان است و اگر بتوانید قلب مردم را همراه خود کنید ، این چیزی است که پیش خداوند دوام و ثبات دارد من دعاگوی شما هستم و امیدوارم انشاءالله به وظایف دینی و اسلامی و کشوری خودتان عمل کنید . ۵۵۶

۲- رفتار اسلامی با زیردستان

نظام اسلامی ، مولودی ناشناخته برای دنیا

من از حضور این عزیزانی که با چهره های نورانی در اینجا آمده اند تشکر می کنم و همیشه دعای به همه قشرها خصوصا سربازان اسلام ، از یاد نخواهد رفت . شما باید توجه به این معنا داشته باشید که این جمهوری - اسلام - اسلامی ، مخلوط یک قوایی است که برای دنیا نمی تواند شناخت داشته باشد . اصلا این ترکیب در دنیا سابقه نداشته است ، ترکیبی از ارتش و روحانی ، ترکیبی از ملا- و سپاهی ، ترکیبی از رئیس جمهور اینطور ، و رئیس مجلس آنطور و نخست وزیر آنطور ، این ترکیب سابقه ندارد و ترکیب ناشناخته ای است و لهذا طرح هائی که در دنیا به ضد این انقلاب ریخته شده است و می شود ، از باب اینکه شناخت روی این ترکیب ندارند و سابقه به این نحو اجتماع ندارند ، خنثی می شود امروز این ترکیبی که در دولتمردان است و این ترکیبی که در آنها و مردم است ، این مجموعه ناشناخته است . شناخت اشخاص دانشمند در دنیا از یک ارتش طاغوتی بوده است و از یک دولت طاغوتی و از یک مردم تحت ستم که باید همیشه ظلم بکشند امروز نه رهبران شما و فرماندهان شما از سنخ فرماندهان زمان رژیم طاغوتی است و نه دولت شما از سنخ آن دولت هاست و نه ارتش شما و سپاه شما و بسیج شما و شهربانی شما و دیگر قوای نظامی و انتظامی شما از سنخ و بافت آن سابق است و از سنخ و بافت کشورهای دنیا ، سرتاسر اصلا این یک موجود جدیدی است که در این عهد و در این عصر متولد شده است که کارشناسان و دانشمندانی که با آن امور ماءنوسه خودشان سروکار داشته اند ، این مولود جدید را نمی توانند بشناسند ایده این مولود را هم نمی توانند بفهمند ، انگیزه حرکت های اینها را هم نمی توانند بفهمند و آن ایمانی که در قلب اینهاست ، آنها نمی توانند ادراک کنند . آنها سروکارشان با یک موجودات دیگری بوده است و رای این مولودی که در این عصر پیدا شده است . و شما ملاحظه می کنید که نه نظر شما امروز به فرمانداران و فرماندهانتان ، مثل نظر آن

اشخاصی در سابق بودند در ارتش، و نه فرماندهان شما آن نظر را به شما دارند که سابق فرماندهان داشتند فرماندهان سابق، زبردستان - خودش را - خودشان را مثل اسیران می‌انگاشتند، مثل عبید توهم می‌کردند و هرگز حاضر نبودند که با آنها در یک جمع خصوصی بنشینند و - دل - درد دل این عزیزان را گوش کنند تا بفهمند فرماندهان شما حالا از سنخ خود شما هستند، در آغوش خود شما هستند، چنانچه شما هم نور چشم فرماندهانتان هستید و در آغوش آنها هستید. اینکه همه توطئه‌ها خنثی می‌شود و همه چیزهایی که در دنیا برای ضد ما خرج می‌شود به باد فنا می‌رود، روی همین معناست که ما یک موجود ناشناخته هستیم. این مولود یک مولود تازه است، دنیا تازه یک همچو مولودی را بوجود آورده و تا آمدند این را بشناسند، طولانی است وقت و اگر شناختند، همه متوجه به آن می‌شوند. آنهائی که امروز با شما مخالفت دارند، با یک موجود ناشناخته مخالفت دارند، نمی‌دانند شما چی هستید آن تحولی که در همه افراد این ملت پیدا شده است و منجمله ارتش و سپاه و همه قوای نظامی و انتظامی، این تحول الهی است که چشم و گوش دنیا نسبت به آن کور و کر است، نمی‌توانند بفهمند که شما چی می‌خواهید، نمی‌توانند بفهمند که شما چی می‌خواهید، نمی‌توانند بفهمند که ارتش اسلامی یعنی چه. آن اسلامی که پیش بسیاری از این دولت‌ها هست، این اسلام، غیر از این اسلامی است که شما ادراک کرده‌اید و آن ارتشی که در دنیا هست، غیر از این ارتش است، اصلاً سنخش مخالف است فرماندهان ارتش که به هر جا ملاحظه بکنید، ارتشی‌ها را عبید خودشان می‌دانند و ارتشی‌ها ملزمنند به اینکه آنها را هم بالادست و بالادست بدانند. ارتش امروز ایران اینطور نیست، نه پرسنل شان آن پرسنل است و نه فرماندهانشان آن فرماندهان، نه نظر فرماندهان به پائین‌ترها به اصطلاح نظر بالا و پائین است و نه نظر پرسنل به آنها این است که اینها یک مقامی دارند که ما نباید با آنها اصلاً صحبت کنیم. در آن رژیم و رژیم‌های سابق بر آن، در طول تاریخ شاهنشاهی، اگر ارتشی بود، ارتش متجاوز بود و اگر ژاندارمری بود، برای تجاوز به مردم در بین بلاد گماشته شده بودند و اگر شهربانی بود، شهربانی برای تعدی به مظلومان گماشته شده بود. شما همه یاد دارید در چند سال پیش از اینکه رژیم محمدرضا به طور غصب این مملکت را گرفته بودند، در نظر دارید که خود شما، یعنی نه شمای شخصی، خود آنهائی که در ارتش بودند چه وضعی داشتند، نسبت به پائین‌ها چه جور بودند و نسبت به بالاها چطور آن سپه‌دها و سرلشگرها و نمی‌دانم امثال آنها وقتی که به پای مظلومان و زبردستان می‌رسیدند، آنطور غبغ را پر می‌کردند و به آنها اربابی می‌فروختند و در مقابل یک نفر اجنبی که از خود آنها در ارتش شان بسیار کمتر بوده است درجه اش، به طور خاضعانه رفتار می‌کردند، برای اینکه آنها مکتبی نبودند، یعنی مکتب اسلام را ندیده بودند، از اسلام بی‌اطلاع بودند. ۵۵۷

اطاعت باید اطاعت فرزند از پدر باشد

در عین حال که باید سلسله مراتب در قوای انتظامی دقیقاً مراعات شود و اطاعت از مافوق حتمی است، مافوق موظف است با زبردست رفتار اسلامی - انسانی داشته باشد. ۵۵۸ چنانچه در بین خودتان (که من افسر ارشد هستم، من افسر هستم) دیگران به دیگران ظلم نکنند، خدای نخواسته این طرز نباشد همه مراتب باید محفوظ باشد، اطاعت باید بشود. اما برادری هم باید باشد، اطاعت فرزندی از پدر باشد. شما با زبردستان خودتان خوشرفتاری کنید و آنها احساس کنند که شما مسائل آنها را می‌خواهید، آنها را دوست دارید، آنها از خود شما هستند، پیوند شما هستند. وقتی اینطور شد، یک ارتش، ارتشی اسلامی می‌شود. ملت هم با ارتش اسلام دوست است، رفیق است، پشتیبان است و همه با هم برادر باشید و همه با هم در خدمت اسلام و در خدمت کشورتان و امیدوارم که دیگر آن مسائل سابق و چپاول سابق، آن زورگوئی‌های سابق برنگردد، همه با هم برادرانه زندگی کنیم و همه با هم برادرانه حفظ کشورمان بکنیم. ۵۵۹

تعدی به زبردست، استکبار است

امروز روزی است که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی و استقلال مرحمت فرموده است و ما را با این آزادی و استقلال امتحان می کند. ما را آزادی مرحمت فرموده است که ببیند در این آزادی ما چه می کنیم. ما مستقل شدیم و خداوند به ما این مرحمت را فرمود تا ما چه بکنیم، آیا ما هم از مستکبرین باشیم یا از مستضعفین؟ هر فرد می شود که مستکبر باشد و می شود مستضعف باشد. اگر من به زیر دست های خودم ولو چهار نفر باشد تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم من مستکبرم و او مستضعف و مشمول همان معنائی است که مستکبرین و مستضعفین هستند. اگر شما کسانی که زیر دستان هست ضعیف شمردید به آنها خدای نخواستہ تعدی کردید، تجاوز کردید، شما هم مستکبر می شوید و آن زیر دست ها مستضعف. ببینیم ما از این امتحان، از این بوته امتحان چطور بیرون می آئیم، آیا سرفراز بیرون می آئیم یا گردن کج و شکسته؟ آیا ما با بندگان خدا به طور، به طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است رفتار می کنیم حالا که آزاد شدیم، آزادی را وسیله برای خدمت به خلق و خدمت به خالق قرار می دهیم یا آزادی را برای مخالفت با خدا و استکبار مردم؟ هیچ فرق نیست ما بین من طلبه و این آقایان اهل علم و شمایی که از عشایر محترم هستید و بازاری و ارتشی و اداری و همه و همه، ما الان در تحت مراقبت هستیم، مراقبت شدید، امتحان الهی. ۵۶۰

عذاب تعدی به زیردستان بسیار سخت است

نعمت ها گاهی برای امتحان است تا آن اشخاصی که نالایقند، آن اشخاصی که فرصت طلبند اینها کارهای خودشان را بکنند و مستحق عذاب بشوند آنهایی که لایقند، آنهایی که شریفند آنها هم کارهای شرافتمندانه خودشان و خدمت به هموطن خودشان را بکنند تا سعادت مند باشند. بسیار مشکل است، بسیار مشکل است که از این امتحانی که خدای تبارک و تعالی ما را در معرض آن قرار داده است از عهده برآئیم، و بسیار مراقبت می خواهد که مبادا خدای نخواستہ ما از امتحان بد در آئیم. اگر از امتحان بد در آئیم ممکن است که باز عنایت خدا برگردد و آزادی سلب شود، استقلال گرفته بشود. همین دنیا ممکن است که ما اگر چنانچه بر خلاف موازین الهی رفتار کنیم و این آزادی را اسباب دست برای تعدی به مظلومان قرار بدهیم، در همین دنیا ممکن است ما مجازات بشویم. و امید است که در همین دنیا مجازات بشویم، مجازات ما به عالم دیگر نرسد. مجازات عالم دیگر غیر از این مجازات هاست. ما نمی توانیم تصور آن مجازات ها را بکنیم. اگر ما خطا کار هستیم، خدایا! اگر ما خطا کار هستیم، اگر این آزادی را ما وسیله قرار دهیم از برای تعدی به مظلومان ولو یک نفر باشد، تعدی به زیردستان ولو یک نفر باشد، خدایا! ما را در همین عالم عذاب کن نگذار برسد به عالم دیگر. ۵۶۱

با زیردستان خود عادلانه رفتار کنید

پاسداری فقط پاسداری مرز نیست. پاسداری یک معنای وسیعی دارد. هر یک از ما پاسداریم نسبت به دیگران، من باید نصیحت بکنم به شما، شما به من نصیحت کنید. من به شما بگویم که امروز که روز امتحان است خوب از امتحان بیرون بیائید، شما هم به من همین معنا را بگوئید من به شما عرض می کنم که با مظلوم ها و زیر دست های خودتان خوب رفتار کنید، عادلانه رفتار کنید. شما هم به من بگوئید. همه ما مسؤولیم کلکم راع و کلکم مسؤول همه ما مثل شبان ها هستیم و همه ما مسؤول هستیم از این شبانی. همانطوری که می دانید شبان نسبت به آن گوسفندهائی که زیردستش است محبت دارد، آنها را در جایی که علفزار باشد، در جایی که آب خوب باشد می برد و آنجا تربیت می کند. همه ما نسبت به هم اینطور باید باشیم، مثل شبانی که گوسفندهای خودش را با محبت بدون آزار تربیت می کند ما هم اینطور باشیم. مبادا که یکی از ما خدای نخواستہ حالا که آزاد است، به آن دوست زیر دستش، به آن شخص زیردستش تعدی بکند، تجاوز بکند و تعدی و تجاوز عبارت از همان هائی است که اسلام منع

کرده است ما همه مسؤل هستیم و خدای تبارک و تعالی الان همه ما را ، همه ملت ایران را در تحت امتحان قرار داده است . از امتحان خدا خوب بیرون بیائید . ۵۶۲

رحمت و راءفت با تمامی طبقات و شدت و حدت با توطئه گران مشی اسلام است

اگر بخواهید پیشرفت بکنید و همه چیزتان انشاءالله اسلامی بشود و پیروزی نظیر پیروزی های صدر اسلام بشود ، کاری بکنید که خودتان هم ساخته بشوید ، همانطور که سربازهای صدر اسلام در عین حالی که سربازی می کردند ، وظائف صوریه اسلام را هم به تمام معنا به جا می آوردند ، همانطوری که شمشیر می کشیدند و می کشتند . دشمنهای اسلام را با خودشان به طور رفت ، به طور دوستی ، برادری رفتار می کردند همین دستور قرآن کریم است که از اوصاف مومنین صدر اسلام و اینها نقل می فرماید که اینها رحیم هستند بین خودشان رحماء بینهم ۵۶۳ خودشان با هم با رحمت رفتار می کنند اشداء علی الکفار وقتی به کفار می رسند شدت . حضرت امیر وقتی که مواجه می شود با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند ، با خوارج که آنها هم به همین طور بودند ، با کمال شدت ، بعد از اینکه می دید هدایت نمی شوند ، سفارش می کرد که شماها ابتداء به جنگ نکنید ، به لشکر خودش فرمود شماها ابتداء به جنگ نکنید ولو حق با شماست ، بگذارید آنها ابتدا کنند وقتی آنها ابتدا می کردند ، گاهی هم یکی دو تا کشته می شدند ، آنوقت اجازه می داد و با کمال قدرت تا آخر می کوید . خوارج را همچو سرکوب کرد که از آنها چند نفری توانستند فرار کنند و خوارج هم همانها بودند که بعد هم توطئه کردند و حضرت امیر را به شهادت رساندند . اسلام با کمال رفت ، با کمال رحمت با همه طبقات رفتار می کند و همین رحمتش هدایتی است که می خواهد همه قشرهای عالم به سعادت برسند لکن با توطئه گرها با شدت رفتار می کند و باید هم اینطور باشد . و شما هم که سرباز اسلام هستید و من امیدوارم که شما را در طومار امام زمان سلام الله علیه ثبت کنند اسم هایتان را ، باید وضعتان همان باشد ، سرمشق همان باشد که اسلام طرح کرده است که خودتان با هم دوست ، رفیق ، با همه قشرها رفیق و رحیم باشید ، در مقابل دشمن قوی و مصمم و کوبنده . ۵۶۴

با زیردستان برادرانه و دوستانه رفتار کنید

آقایان صاحب کارخانه ها باید وضعشان را یک قدری از آن رژیم سابق تغییر بدهند برای اینکه در رژیم سابق که مردم آن را رژیم اسلامی نمی دانستند و طاغوتی می دانستند ، اگر کاری می شد می گفتند که در رژیم طاغوتی شده است و اگر یک ناراحتی هایی برای کارگرها پیدا می شد یا یک تحریکاتی می شد که اینها اعتصاب کنند ، شورش کنند ، آنها با فشار و اگر چنانچه نوبت به روحانین هم می رسید با موعظه اما الان با آنوقت فرق دارد . الان همه ما این ادعا را داریم که یک مملکت اسلامی است و روی احکام اسلام باید عمل بشود . اگر خدای نخواست در یک مملکت اسلامی طوری بشود که در کارخانه ها کارگرها به واسطه اینکه درست به آنها رسیدگی نمی شود انفجار حاصل بشود ، این انفجار از محیط یک مملکتی است که مدعی اسلام است ، نه روحانی می تواند این را خاموش کند و نه کس دیگر . برای اینکه روحانی آنوقت می تواند چیز بکند که بگوید خوب یک اشخاصی غیر اسلامی این کارها را کرده اند اما اگر مملکت اسلامی به اینکه اسلامی است یک طوری بشود که انفجار در کارگرها حاصل بشود ، این انفجار دیگر قابل کنترل نیست و این یک خطری است که بر همه شماها و بر همه ما هست و ما را تهدید می کند . از این جهت باید صاحبان کارخانه ها توجه به این داشته باشند که با کارگرها نظیر سابق عمل نکنند ، با اینها برادر و دوست باشند و تا آن حدودی که آنها می خواهند ، کارگرها هم چنین نیست که خیلی بلند پرواز باشند ، اینها یک زندگی می خواهند . آقایان کاری بکنند که یک زندگی برای اینها حاصل بشود و جلوگیری بشود از یک انفجاری که قابل کنترل نیست . عرض کردم انفجار ، اگر یاس از حکومت اسلامی باشد و انفجار پیدا بشود هیچ چیز نمی تواند جلوییش را بگیرد به خلاف آنجایی که انفجار حاصل بشود و

پناه به اسلام بخواهند بیاورند ، آن قابل کنترل است . اما اگر یک مملکتی اسلامی شد و باز بساط ، همان بساط سابق باشد که لفظ ، لفظ اسلامی است ، عمل ، عمل طاغوتی باشد و خدای نخواستہ انفجار حاصل بشود ، با اینهمه تحریکاتی که می بینید الان هست ، توطئه هایی که الان هست اگر انفجار بشود ، انفجار بر ضد اسلام است . یک همچو انفجاری ، انفجاری است که از باطن یک مملکتی که مدعی اسلامی است پیدا شده و مایوس از اسلام شده اند ، مایوس از برنامه های اسلام شده اند . یک همچو انفجاری را هیچ کس نمی تواند جلوش را بگیرد ، دیگران هم که دامن می زنند و همان مسائل را دارند طرح می کنند که تغییری نکرده است ، یک اسمی تغییر کرده ، آنوقت می گفتیم حکومت شاهنشاهی ، حالا می گوئیم جمهوری اسلامی ، واقع مسائل همان مسائل است ، کارگرها همان کارگرها هستند ، کارمندا همان کارمندا هستند ، مردم همان مردمند ، رباخوارها همان رباخوارها هستند ، زورگوها همان زورگوها هستند اگر در یک همچو محیطی خدای نخواستہ انفجار حاصل بشود ، غیر از انفجارهای دیگر است ، این دیگر چیزی برای کسی باقی نخواهد گذاشت و لهذا باید خود آقایان در فکر این معنا باشند که یک همچو چیزی نشود و آن به این است که شماها یک قدری پایین تر بیائید ، کارگرها را هم یک قدری بالاتر ببرید ، آنها نمی خواهند در عرض شما باشند ، آنها یک زندگانی می خواهند ، شماها که الحمدلله دارا هستید و دارای کارخانه ها هستید و دارای کارمندان زیاد هستید ، یک قدری برای مصلحت خودتان و برای اینکه خدای ناخواستہ یک وقت انفجاری نشود که همه چیز به باد رود ، همه چیز یک کشور به باد برود ، شماها هم یک مقداری خودتان با دست خودتان به اینها یک کمک هایی بکنید ، یک کارهایی بکنید که آنها ببینند که در این وضعی که حالا شده است به آنها رسیدگی می شود . البته دولت هم رسیدگی می کند ما هم موعظه شان می کنیم و رسیدگی می کنیم اما مسأله این است که اینها ببینند که در یک جمهوری اسلامی ، این کارگرها ببینند که این اشخاصی که در راس هستند و کارفرما آنوقت به آنها می گفتند اینها بنا دارند که با اینها یک جور دیگری رفتار کنند ، آنچه که کمونیست ها یا اشخاص منحرف تبلیغ می کنند ، اینجور نیست ، بنابراین است که با اینها یک طرز بهتری رفتار بشود ، به زندگی آنها رسیدگی بشود ، به احتیاجات آنها رسیدگی بشود . این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته ای آن بالاها باشند و همه آن چیزهایی را که بخواهند ، به طور اعلی تحقق پیدا بکند ، پارک ها و اتومبیل ها و بساط ، یک دسته هم این زاغه نشین ها باشند که اطراف تهرانند و می بینند آنها را این نمی شود . این نه منطق اسلامی دارد ، نه منطق انصافی دارد ، نه صحیح است . و اگر خدای نخواستہ اینها صدایشان درآید دیگر قابل خاموشی نیست ، شماها باید یک فکری بکنید برای اینها . شما برای حفظ خودتان ، حفظ خانواده تان ، حفظ ثروتان ، حفظ حیثیت خودتان ، خودتان بنشینید با هم تفاهم بکنید . ۵۶۵

۳- هشدارهایی در بکارگیری افراد

افرادی که سابقه خوبی نداشته اند در کارهای مهم بکار نگیرید

اشخاصی که اداره می کنند یک جایی را باید از اول ارزیابی شود که این اشخاص چکاره بوده اند ، سوابقشان چیست و تحصیلاتشان در کجا بوده ، چه رویه ای در تحصیلات داشته اند و بعد از انقلاب چه وضعیتی داشته اند ، قبلا چه وضعیتی داشته اند ، افکارشان قبلا چه بوده . اگر کسی افکارش منحرف بوده و حالا بیاید ادعا بکند که من برگشته ام ، ما باید قبول کنیم ، اما نباید او را مجله نویس کنیم ، این دو ، با هم فرق دارد . بسیاری از اشخاص هستند که می آیند و می گویند ما توبه کردیم ، البته توبه آنها قبول است ، لکن نمی شود آنها را سرکاری گذاشت که آن کار اهمیت دارد ، برای اینکه ما نمی دانیم این شخص به حسب واقع توبه کرده است یا می خواهد با کلمه توبه ما را بازی دهد . ما قبول می کنیم که در جامعه مسلمین مثل سایر مسلمانان با او عمل کنیم ، اما نباید رادیو تلویزیون را به دست او بدهیم و یا او را در رادیو تلویزیون راه دهیم و یا مجله ای که برای تربیت افراد و برای

ترویج مسیر اسلامی ملت است، به دست او بدهیم و یا نوشته هایش را به دست او بسپاریم. ما نباید خوش باور باشیم، خیلی از اشخاص هستند که تمام حرف هایشان حرف های اسلام است، تمام حرف هایشان حرف های نهج البلاغه است، تمام حرف هایشان حرف های قرآن است، لکن مسیرشان این نیست. اشخاصی هستند که این راه را پیش گرفتند برای اینکه خودشان را در جامعه جا بزنند و آن مقصدی را که دارند عمل کنند. باید قبول کنیم یک کسی که فرض کنید قبلاً عاصی بوده، این آدم مسلمان است و به او ترتیب اثر اسلام هم بدهیم. مثلاً- فرض کنید یک دزدی آمده توبه کرده است، توبه دزد قبول است اما آیا شما می توانید سرمایه هایتان را دست او بدهید و به او بسپارید؟ خیر، چون این عقلانی نیست، ممکن است این دزد برای اینکه سرمایه دستش بیاید، توبه کرده است و ما موظفیم که در ظاهر قبول کنیم که دزد توبه کرده است و حتی اگر یک توبه ای هم که ظواهرش هم درست بوده، کرده باشد، می توانیم در نماز هم به او اقتدا کنیم، اما نمی توانیم چیزی که در او امانت و دیانت لازم است، به دست او بدهیم. از همه بدتر همین مجلات است، همین مطبوعات و رادیو تلویزیون است و همین چیزهایی است که برای تربیت جامعه لازم است. یک نفر آدم که قبلاً فرض کنید انحراف داشته کمونیست بوده و حالا آمده است و می گوید حرف های آنها درست نبوده و من برگشته ام، می گوئیم بسیار خوب، شما برگشته اید، اما ما نمی توانیم این شخص را در رادیو تلویزیون راهش دهیم و بگوئیم مردم را تربیت کن، چون ممکن است کمونیست باشد لکن ما را بازی دهد، ما مکلفیم با این شخص در ظاهر، عمل مسلمانی بکنیم در صورتی که در عقیده کمونیست نشده باشد که آن مسأله دیگری است. شما نمی توانید در مجله ای که دارید افرادی را انتخاب کنید که در سابقه شان انحراف بوده است به حساب اینکه حالا- دیگر خوب شده است و آدم مسلمانی است و به این حساب او را در روزنامه تان وارد کنید اینکه او خیلی خوب است برای خودش، ما نمی گوئیم بد است اما نمی توانیم مطلبی را که در تربیت یک ملتی و در سرنوشت یک ملتی دخالت دارد، به دست او بدهیم. این از مسائل مهمی است که در همه جا باید رعایت شود. اینکه ما بگوئیم اشخاصی که می گویند ما خوب هستیم و باید وارد شویم و هر جایی که سرنوشت ملت است به دست او بدهیم، این ساده اندیشی است و توجه نداشتن به مسائل است. ممکن است یک نفر آدم خیلی خوب هم، خوب و متعهد باشد لکن اشتباه داشته باشد، اشتباه برای او چیزی نیست اما برای یک ملت ممکن است صدمه وارد شود. فرض کنید اگر یک اشتباهی در ارتشی واقع شود و یا رئیس ارتش اشتباه کند، فقط خودش معاقب آن نیست که اشتباه کرده است چون انسان همیشه اشتباه می کند اما ممکن است یک اشتباه یک ملت را به باد دهد. ممکن است در یک مجله اشتباهی باشد، لکن باید اشخاص دیگری هم ببینند این مجله را تا اگر اشتباه شده است، رفع کنند و آنوقت منتشر بشود. کار، کار مهمی است در مطبوعات در رادیو تلویزیون و در این وسائلی که تقریباً عموم مردم نگاه می کنند و یا می شنوند، نمی شود گفت ما حالا اشتباه کردیم و فردا اشتباه نمی کنیم. الان نوشته ای برای من که راجع به روزنامه ای که اشتباه کرده است آورده اند، من نمی گویم که عمدی بوده، ممکن هم هست که عمدی باشد، اما اشتباهی کرده است که این اشتباه برای مملکت مضر بوده است. در هر صورت به مسائل باید توجه شود، ما به این هیاهویی که در اطراف می شود و تضعیف می کنند نباید اعتنا کنیم. ۵۶۶

در تقدم ملاک ها هیچ ارزشی مهم تر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست

الحمد لله این کشور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امروز میلیون ها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پروراند است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی بر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعن ها و خودنمایی های جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم (می دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و

شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت به همه مسوولان کشورمان تذکر می دهیم که در تقدم ملاک ها ، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسؤ ولت ها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنت ها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود ، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح ، چه امروز و چه فردا ، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند ، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده ها و در یک کلام ، مصلحت پابرنه ها و گودنشین ها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند . ۵۶۷

بکارگیری منحرفین بی درد ، خطری برای انقلاب

باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان ، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بی خبر از خدا را بر دامن مسؤ ولین نجسباندند و آنهایی که در خانه های مجلل ، راحت و بی درد آرمیده اند و فارغ از همه رنج ها و مصیبت های جان فرسای ستون محکم انقلاب و پابرنه های محروم ، تنها ناظر حوادث بوده اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند ، نباید به مسؤ ولت های کلیدی تکیه کنند ، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یک شبه بفروشند ، و حاصل همه زحمات ملت را بر باد دهند ، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده اند و از همه زجرها و غربت های مبارزان و التهاب و بی قراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده اند ، غافل و بی خبرند . ۵۶۸ بکارگیری نیروهای متخصص نباید به قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب تمام شود اینک به تمام متصدیان امور و دست اندرکاران کشور هشدار می دهیم که قدر این جوانان حزب الهی را بدانید و از آنان قدردانی کنید و آنان را تشویق نمایید و در آغوش محبت خود حفظ کنید . اینان بودند که ایران را نجات دادند و از این پس همین ها هستند که انقلاب را پاسداری می کنند و همین ها هستند که با هزینه ای کم در ظرف مدت کوتاهی با روشن بینی خاص خویش کارهای تعجب آوری نمودند که گمان نمی شد در ایران بتوان انجام داد . این مغزهای متعهد باید تشویق شوند تا شکوفا گردند . مسؤ ولین ، صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه های بی اساس پس نزنند تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری به آنان هستند جایگزین کنند . البته باید از متخصصان متعهد و یا لاقول غیر معاند استفاده شود ، لکن نه به قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب . چشم ها و گوش ها را باز کنید که دشمنان ، حیل و بازان کار کشته هستند و ممکن است از ساده دلی شما استفاده کنند و مراکز حساس را کم کم به دست گیرند و انقلاب را به سوی غرب یا شرق بغلتانند . خداوند همه مسلمانان را از شر مخالفان اسلام و غارتگران کشورهای اسلامی حفظ بفرماید . ۵۶۹

قاعدین کوتاه نظر و نااهلان دوباره به صحنه برنگردند

خداوندا ! این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن . خداوندا ! کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت ، تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش . خوشا به حال شما ملت ! خوشا به حال شما زنان و مردان ! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می

کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند، بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند. آری دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم، آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند، مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید، که من مجدداً به همه مردم و مسؤلین عرض می کنم که حساب این گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد، نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. ۵۷۰

کسانی باید مملکت را اداره کنند که صالح باشند

یک مملکتی درست می کنیم که صلحا در آن مملکت، (باشند) افلاطون می گوید که کسی که باید دولت ها را اداره کند فیلسوف ها باید باشند. فیلسوف به نظر ایشان، فیلسوف هم البته لابد صالح. ما می گوئیم اشخاص صالح همان است. ما می گوئیم کسی که می خواهد یک مملکتی را اداره بکند، کسی که ما می خواهیم مقدراتمان را دستش بدهیم باید آدمی باشد که مردم انتخاب کنند و با انتخاب مردم پیش بیاید قهراً وقتی با انتخاب مردم پیش آمد صالح است. ۵۷۱

متخصص منحرف از همه خطرناکتر است

شما سعی کنید از متخصصین متدین و متعهد استفاده کنید. ما بارها گفته ایم که ما متخصص می خواهیم، ولی متخصص متعهد. ولی دشمنان فریاد زدند که اینها با تخصص مخالفند. البته که متخصص منحرف از هر کس خطرناکتر است. خلاصه مطلب ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم باید این خود گم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که (اگر دست خارج کوتاه شود می میریم) را با تمام قدرت از بین ببریم. و دیدید که ملتی با دست خالی در مقابل ابرقدرت ها و قدرت ها ایستاد و این حرکت موجی برداشت به امید خدا به این زودی ها نمی ایستد. امیدوارم همه آقایان کمک کنند تا فرهنگ مان و فرهنگ اسلامی مان، فرهنگی که شیخ الرئیس را درست کرده است را بازیابیم. تکرار می کنم ما باید باورمان شود که چیزی هستیم. اگر اعتقاد پیدا کردیم که می توانیم هر کاری را انجام دهیم، توانا می شویم. شما هم اعتقاد پیدا کنید که می توانید. مغزها باید شستشو شود و مغزهایی که به خود متکی است جای آن را بگیرد. خداوند همه شما را حفظ کند. ۵۷۲

مملکت اسلامی به سربار احتیاج ندارد

شماها جوان های صاحب منصبان ارتش که مثل آن پیرها نیست که دیگر آن فطرتان را از دست داده باشید در مقابل دلار، شما برگردید به آغوش ملت و ملت شما را می پذیرد و حکومت اسلام هم شما را نگهداری می کند. گمان نکنید که اگر حکومت اسلامی آمد، دیگر صاحب منصب نمی خواهد. اینها تبلیغاتی است که می کنند. حکومت اسلامی هم همه این ابزاری که سایر حکومت ها دارند دارد، منهای دزدی. دزدی را ما می خواهیم جلوییش را بگیریم، دزدها را می خواهیم بگیریم. آنهایی که خدمت به وطن می کنند، ارجمندند پیش همه ما، پیش خدا هم ارجمندند، آنها همه چیز برایشان مهیا خواهد شد. آنهایی که

دزدند و اموال این ملت را دزدیدند و در خارج بردند و خوردند، آنها البته مواخذه خواهند شد و گمان نکنند که از ایران رفتند بیرون تمام شد قضیه، اگر اینجا بیایند، این جوان‌ها هستند که اینجا به حسابشان میرسند. اگر آمریکا بروند، باز هم هستند، انگلستان بروند، باز هم هستند. اینها گمان نکنند که پول‌ها را بردند و خود شاه هم همین‌طور، خیال این معنا را بکند که حالا ما پول‌ها را می‌خوریم حالا- هم همین‌طوری می‌مانیم و بعد هم با طیاره سوار می‌شویم و فرار می‌کنیم می‌رویم به آمریکا، هر جا بروید، هستند جوان‌های غیور ایرانی در آنجا و به حساب شما خواهند آنجا رسید. در هر صورت من از این جوان‌هایی که در ارتش هستند و من میدانم که آنها فطرت اسلامی خودشان، فطرت انسانی خودشان را از دست نداده‌اند و اینها قلبا با ملت هستند منتها حالا، تحت به خیال خودشان فرمان این بزرگ‌ترها، ارتش‌بدها یا امثال اینها هستند و اینها را ترسانده‌اند از اینکه اگر یک وقتی حکومت اسلامی پیش بیاید دیگر صاحب منصبی تو کار نیست، خیر، زمان حضرت امیر هم صاحب منصبی تو کار بوده است منتها با یک فرم دیگری بوده است. صاحب منصب، آن وقت هم مالک اشتر یکی از صاحب منصب‌های بزرگ حضرت امیر بوده است، محمد بن ابی بکر یکی از صاحب منصب‌های بزرگ حضرت امیر بوده است. همیشه محتاج است به صاحب منصب و همیشه محتاج به همه این قشرهایی که در ادارات است. آنی که احتیاج به او ندارد، آنهایی هستند که سربار هستند، آنهایی که می‌خواهند مال ملت را بخورند و کار هم نکنند، مال ملت را بخورند و نفعی هم نداشته باشند برای ملت، آنها البته حساب خودشان را باید بکنند و هر چه کمتر بخورند به نفع خودشان است، هر چه هم کمتر ببرند به نفع خودشان برای این که در هر جا بروند، اینها پیدا خواهند شد. ۵۷۳

افراد منحرف سبب بدنامی نظام و ادارات می‌شوند

یعنی ما از مسأله بگذریم، یک چند کلمه‌ای با آقایانی که در اینجا تشریف دارند عرض کنیم من اطمینان به این آقایانی که می‌شناسم شان که در راس این حزب بودند و سابق هم بعضی دیگری که بودند، اینها را ما با آنها بودیم و می‌شناسیم، لکن این آقایان چند نفر هستند و احاطه به تمام کشور و حزب جمهوری اسلامی در تمام کشور را ندارند باید اشخاصی که در هر جا هستند و متکفل این امر هستند و اشخاص صالح هستند، با کمال دقت و با کمال وسوسه ملاحظه کنند که افرادی که خدای نخواستہ انحراف دارد و افرادی که می‌خواهند خودشان را وارد کنند در این چیزهایی که به نفع اسلام است و منحرفش کنند، مبادا باشد در آنها حتی یک فردشان هم خطر دارد به اندازه خودش جمعیت زیادی اند الان که در حزب هستند، باید توجه کرد به اینکه آنهایی که در راس هستند، خیلی درباره آنها، یعنی در هر جا هستند، در راس به طور مطلق نه، رده بالا را نمی‌گویم، آنهایی که در جاهای دیگر هستند و اداره می‌کنند حزب جمهوری اسلامی را باید توجه کنند که در همان مرکز اداریش و تبلیغاتی اش و چیزهای دیگری که دارند مبادا یک نفر از اشخاص منحرف با یک صورت بسیار مثلاً اسلامی، وارد نشود. توجه به سوابقشان بکنند، به لواحقشان، به خانواده هاشان و به کارهایی که می‌کنند، توجه بکنند یک وقت انسان می‌بیند که یک چیزی بسیار خوب است لکن آمدند و منحرفش کردند و لااقل بدنامش کردند. اینها الان به همین قدر کافی اند که یک چیزی که مورد توجه مردم هست بدنامش کنند اینها درصدد این هستند که هر چه ما داریم بدنام بشود دولت را، مجلس را و جمهوری اسلامی را و حزب جمهوری را باید ما توجه بکنیم به اینکه راهی که خدا پیش پای ما گذاشته است و ما می‌خواهیم همان راه را برویم، اشخاصی نیایند وارد بشوند و راه را منحرف کنند. این شیطان از روز اول خدای تبارک و تعالی را اگر ملاحظه فرمودید تهدید کرده که من بنده‌های تو را، می‌نشینم و منحرف می‌کنم. این تهدیدی است از طرف شیطان به خدا. اینها اینطور هستند که تا آن آخرین نفسشان وقتی نرسیدند به آنی که باید برسند، تا آن آخرین نفسشان لااقل اگر دست شان نمی‌رسد که بکشند اینها را، بدنام کنند اینها را و این چه بهتر که وارد بشوند در این جمعیت‌هایی که به اسم اسلام دارند کار می‌کنند مثل انجمن‌های اسلامی

که در همه جا هست این انجمن های اسلامی ، خود انجمن اسلامی یک چیز خوبی است ، مطلوبی است و افرادی هم انشاءالله اکثرا خوبند ، لکن باید توجه داشته باشد این انجمن ها که افرادی که در این انجمن وارد می شوند ، اینها چکاره هستند و وارد می شوند یک وقت شما می بینید که انجمن اسلامی منحرف شده است و بدنام شده است اگر چند جا یک خلاف هایی را انجام بدهند تعمدی ، و بخواهند بدنام کنند این انجمن های اسلامی را ، یک وقت می بینید در سطح کشور انجمن های اسلامی را می گویند اشخاص مخالفی هستند . اینها باید خود اشخاصی که تماس دارند با افراد ، در هر جا که هستند خودشان باید دنبال این مطلب بروند که اصلاح کنند قضیه را و افراد با شناسائی ، با شناسائی بروند اگر فرض کنید یک انجمن اسلامی باشد که بیاید و کم کم بخواهد یک جایی که هست آنجا را به هم بزند ، اداره ای را حیثیت اداریش را به هم بزند ، بدانید این انجمن اسلامی نیست . انجمن اسلامی باید ناظر به امور باشد و معین هر جا که هست باشد . اگر چنانچه انجمن اسلامی مثلا در بانک که هست بخواهد افراد صالح را می بگوید چطور است و بیرون کند و افراد ناصالح وارد بکند ، این انجمن اسلامی نیست . ۵۷۴

منحرفین با چهره سازی وارد می شوند

اینطور نیست که بیایند بگویند ما انحراف داریم و آمده ایم با شما کار کنیم ، اینها از خود شما شاید بیشتر نمایش بدهند که نه ما هم همین کار را می خواهیم انجام بدهیم ، ما هم در راه اسلام هستیم . باید شما اشخاصی که همکار می خواهید قرار بدهید برای خودتان ، شناخته باشید از سابق که اینها وضعشان ، وضع خانوادگی شان ، مسیرشان در دانشگاه اگر بودند ، چطور بودند ، در سایر نقاط اگر چنانچه کار کرده اند ، چه جور کار کرده اند ، اینها را همه را در نظر بگیرید و افراد را برای کمک و دخالت در این امر بزرگ انتخاب کنید و بعد هم راجع به اینکه طرز عمل شما ، باید بنابراین بگذارید که هیچ اعتنا به انتقاداتی که ممکن است حتی به این اسمی که شما انتخاب کردید منحرفین نکنند ، هیچ اعتنائی به این مسائل نکنید همان راهی را که دارید ، همان راه را بروید . ۵۷۵

به افراد بی ایمان نباید اعتماد کرد

خدای تبارک و تعالی این ملت ها را توجه بدهد به این مسائل ، و این دولت هایی که در کشورهای اسلامی هستند از خواب بیدار کند . اینها گمان می کنند که اسرائیل پشت و پناه آنها هست که کمک به او می کنند . اسرائیلی که بنایش بر این است که کشورهای عربی را بگیرد ، این را خیال می کنند که این پشت و پناه او هست یا آمریکا پشت و پناه است ، آمریکا از شما نفت می خواهد و آمریکا از شما نفع می خواهد و می خواهد شما بازار باشید برای او . و همین طور شوروی ، اینها فرق نمی کند ، اینها می خواهند که از شما استفاده بکنند ، از مخازنی که خدا به شما داده آنها استفاده اش را بکنند ، شما حامل باشید برای آنها والا در آنجایی که شما گرفتار بشوید هیچ یک از اینها به داد شما نخواهند رسید ، آنها آنوقت می گویند ما اینها را نمی شناسیم . بنای این اشخاصی که توجه شان به خودشان و به دنیای خودشان است . این است که مادامی که به نفع آنها چیزی باشد با آنها همراهند و با آنها هم کاسه هستند ، آن روزی که ببینند این به نفع نیست ولو دوست شان باشد کنارش می گذارند . این قصه چرچیل را شنیدید شاید ، خوب ، چرچیل در جنگ عمومی رئیس انگلستان بود ، شوروی هم همراه اینها بودند در جنگ با آلمان ، شوروی هم همراه اینها بود . آمریکا هم همراه اینها بود . به مجرد اینکه هیتلر را شکست دادند ، چرچیل گفت که الان وقتی است که ما به شوروی بزنیم . شوروی که با آنها دوستی داشت و با آنها می خواست که وارد بشود یعنی جنگ آلمان را او برد ، گفت الان وقتش است ، منتها مجلس انگلستان اجازه نداد این را ، آنوقت معلوم شد این مجلس انگلستان اجازه نداد این مطلب را . وضع اینها اینطور است ، همان دوستی را که دارند ، آن روزی که ببینند یک دوست دیگری بهتر از این است و این برایشان دیگر خوب نیست ، این را

پرتش می کنند دور یا این را می زنندش به زمین ، وضع اینها اینطوری است . کسی که به خدا اعتقاد ندارد ، کسی که به معاد اعتقاد ندارد ، کسی که نمی شناسد آن ارزش های انسانی را ، اینها نمی شود بهش اعتماد کرد که ما با آمریکا باشیم و یا اینکه آمریکا با ما در وقت خودش چه بکند . آمریکا از شما نفت می خواهد ، آمریکا از حکومت حجاز ، نفت حجاز را می خواهد برای او نفعی به شما نمی رساند او از شما می گیرد و می دوشد برای شما را . برای چه برای او خودتان را به زحمت می اندازید و ما را هم به زحمت می اندازید ؟ ۵۷۶

از چابلوسان دغلباز و زبان بازان حيله گر باید بر حذر بود

رئیس جمهور محترم باید توجه داشته باشند که در پیشگاه مقدس جل و علا- واقع است و آنچه بر او از خطرات قلبی و تمایلات سری تا اعمال معلن و مخفی می گذرد ، در حضور حق است و چیزی را نتوان از او جل و علا پنهان کرد ، هر چند از خلق خدا پنهان باشد . و باید توجه نمایند که در مقامی هستند که یک جمله او گاهی مومنی را ساقط کرده و متعهدی را از بین می برد ، و یا غیر صالحی را به مقامی که شایسته آن نیست می رساند ، گاهی یک سخنرانی او ، جمهوری اسلامی و کشور را نور می بخشد و گاهی بعکس . مقام خطیر است و خطر بزرگ ، به خدا باید پناه برد و از او استمداد کرد همه دست اندرکاران به ویژه رئیس جمهور باید از چابلوسان دغلباز و زبان بازان حيله گر بر حذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است ، انتخاب کنند . بسا که منحرفان و منافقان ، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند . شما ای رئیس جمهور محترم و دیگر متصدیان امور کشور ! می دانید که قدرتمندان شرق و غرب خصوصا امریکای بازیگر ، مارهای زخم برداشته از جمهوری اسلامی هستند که از اول انقلاب به هر حيله ممکن دست زدند ، از حمله نظامی گرفته تا طرح کودتا ، و از ترور شخصیت ها تا به آتش کشیدن مزرعه ها و مغازه ها ، و از انفجارات کور در کوچه ها و خیابان ها تا دزدی و تجاوز . و از همه بدتر و بالاتر تبلیغات دامنه دار از اول انقلاب تا امروز است ، که برای تضعیف روحیه ملت مقاوم و رزمندگان عزیز به هر نوع دروغ و تهمت متشبه شدند ، ولی بحمدالله نه تنها هیچ یک از تیرهای آنان به هدف نرسید ، که نتیجه معکوس داد . اکنون از چنین مارهای زخم خورده ای نباید غافل بود . چه بسا ، با نفوذ عمال سرسپرده داخلی در ارگان های دولتی و مقامات موثر ، به تدریج قدم به قدم کار خود را انجام دهند و انسان مستقیم را منحرف کنند و متعهدان را وابسته نمایند . غفلت از این امر ، فاجعه انگیز است و همه مقامات ، خصوصا مقامات بالا چون روسای قوای سه گانه ، بیشتر مورد نظر و هدف هستند ، زیرا انحراف آنان خدای نخواستہ ممکن است انحراف رژیم را در پی داشته باشد . همه ما و شما باید بدانیم که شیطان خارج و داخل و نفس اماره به تدریج انسان را از خلاف های کوچک به بزرگ و بزرگتر می کشاند که یک وقت از کفر سر در می آورد . پس خلاف کوچک را بزرگ شمارید و شماریم ، و فساد را از سرچشمه جلو گیریم . از خداوند متعال مدد می خواهیم که همه ما را حفظ نماید ، خصوصا از شیطان نفس که مادر (بت) هاست . ۵۷۷

۴ - حفظ وحدت و سازگاری با یکدیگر

اختلاف سلیقه خوب است ولی دشمنی نباید باشد

البته دو تفکر هست باید هم باشد ، دو رای هست باید هم باشد ، سلیقه های مختلف باید باشد لکن سلیقه های مختلف اسباب این نمی شود که انسان با هم خوب نباشد . من عرض کردم مثل طلبه ها که با هم مباحثه می کنند ، آن وقتی که مباحثه می کردند جار و جنجال جوری بود که انسان خیال می کرد دشمن هم هستند ، وقتی مباحثه تمام می شد می نشستند به دوستی کردن و انس . اگر

در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رای، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم. ۵۷۸

منشاء اختلاف از هوای نفس است

شما باید سعی کنید تا تمام توجه تان به خدای متعال باشد باطن ذات انسان محفوف است به چیزهایی که تمام هدایت ها و انحرافات از آن سرچشمه می گیرد. باید توجه داشته باشید که در سرّ سرّ هم هواهای نفسانی بر شما غلبه نکند، یعنی در سرتان هوای اینکه ما غلبه کنیم و حکومت کنیم نباشد بلکه در نظرتان این باشد که حکومت اسلامی تشکیل دهیم و احکام خدا را جاری سازیم. حضرت امیر علیه السلام در راس زهاد، حکومت می کرد، ولی حکومت برای خودش نبود بلکه هرچه کوشش می کرد برای اسلام بود. شما مجاهده کنید تا هر چه در دل دارید زدوده شود که اگر برای خدا خالص شدید در پیرویتان موثر است. باید اتکائتان فقط به خدا باشد و این نمی شود مگر اینکه از نفسانیات بکاهید. منشاء اختلافات از هوای نفس است. هر کجا اختلاف بین خودتان دیدید، مطمئن باشید که از هوای نفس سرچشمه گرفته است البته اختلاف بین انبیا و افراد مقابل آنها و اسلام و کفر همیشه بوده است ولی آن اختلاف از عبودیت سرچشمه می گیرد. شما اختلافاتی را که از نفسانیت سرچشمه می گیرد باید از بین ببرید و مطمئن باشید که اگر کارهایتان از الوهیت سرچشمه نگیرد و از وحدت اسلامی بیرون بروید، مخدول می شوید. ۵۷۹

ریشه اختلافات طغیان نفس است

اول آیه ای که به رسول اکرم به حسب روایات و تواریخ وارد شده است آیه اقرار با اسم ربک ۵۸۰ است و این آیه اولین آیه ای که به حسب نقل، جبرئیل بر رسول اکرم خوانده است و از اول به قرائت و به تعلم دعوت شده است. اقرار با اسم ربک الذی خلق و در همین سوره است که ان الانسان لیطغی ان راه استغنی ۵۸۱ این سوره برای اولین مورد وحی و در اولین نزول وحی این آیه در این سوره وارد شده است که کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی معلوم می شود که طغیان و طاغوت بودن از اموری است که در راس امور است و برای طاغوت زدائی باید تعلیم کتاب و حکمت و تعلم کتاب و حکمت کرد و تزکیه کرد. انسان اینطوری است، وضع روحی همه انسان ها اینطور است که تا یک استغنائی پیدا می کند طغیان پیدا می کند استغنای مالی پیدا می کند. به حسب همان مقدار طغیان پیدا می کند، استغنای علمی پیدا می کند به همان مقدار طغیان پیدا می کند، مقام پیدا می کند به مقداری که مقام پیدا کرده است طغیان می کند. فرعون را خدای تبارک و تعالی طاغی می گوید هست برای همین است که مقام پیدا کرده بود و انگیزه الهی در او نبود و این مقام او را به طغیان کشیده بود. کسانی که چیزهایی که مربوط به دنیاست آنها را بدون تزکیه نفس پیدا می کنند، اینها هر چه پیدا بکنند طغیانشان زیادتر خواهد شد و وبال این مال و این منال و این مقام و این جاه و این مسند از چیزهایی است که موجب گرفتاری های انسان است در اینجا و بیشتر در آنجا. ۵۸۲

اختلافات به دلیل عدم تزکیه است

انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیان ها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را، نفوس خودمان را مصفا کنیم و نفوس خودمان را از این ظلمات نجات بدهیم. اگر این توفیق برای همگان حاصل شد دنیا یک نوری می شود نظیر نور قرآن و جلوه نور حق. تمام اختلافاتی که بین بشر هست، اختلافاتی که بین سلاطین هست، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست ریشه اش همان طغیانی است که در نفس هست. ریشه این است که انسان دیده است که خودش یک مقام دارد طغیان کرده است و چون قانع نمی

شود به آن مقام، این طغیان اسباب تجاوز می شود، تجاوز که شد اختلاف حاصل می شود و این فرق نمی کند، از آن مرتبه نازلش طغیان است تا آن مرتبه عالی آن. از مرتبه نازلی که در یک روستا بین افراد اختلاف حاصل می شود ریشه آن همین طغیان است تا مرتبه بالاتر و هر چه بالاتر برود طغیان زیادتر می شود. اینهایی که، فرعونی که طغیان کرد و انا ربکم الاعلی ۵۸۳ گفت، این انگیزه در همه است فقط در فرعون نیست. اگر انسان را سر خود بگذارند انا ربکم الا- علی خواهد گفت. انگیزه بعثت این است که این نفوس سرکش را و این نفوس طاغی را و یاغی را از آن سرکشی و از آن طغیان و از آن یاغیگری کنترل کند و تزکیه کند نفوس را. همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است. غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه، هم تعلم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب و اگر چنانچه تزکیه بشوند طغیان پیش نمی آید کسی که تزکیه کرد خود را هیچ گاه خودش را مستغنی نمی داند ان الانسان لیطغی ان راه استغنی ۵۸۴ وقتی که خودش را می بیند و برای خودش مقام قائل است و برای خودش عظمت قائل است این خودبینی اسباب طغیان است. اختلافاتی که بین همه بشر هست، اختلافاتی که سر دنیا بین همه بشر هست این اختلافات ریشه اش این طغیانی است که در نفس هاست و این گرفتاری است که انسان دارد و گرفتاری به خود دارد و به هواهای نفسانیه. اگر انسان تزکیه بشود و نفس انسان تربیت بشود این اختلافات برداشته می شود. ۵۸۵

نزاع مربوط به خودخواهی است

آنهايي که رسیده اند به این مقام خداخواهی که این یک مرتبه از کمالات است آنها اینطور نیستند دیگر که مثل ماها فکر کنند، آنها فکر دیگران هستند قبل از اینکه فکر خودشان باشند. پیغمبر اکرم برای این کافرهایی که مسلمان نمی شدند و مومن نمی شدند غصه می خورد، در آیه شریفه هست که، مثل اینکه می خواهی خودت را هلاک کنی برای اینها می خواست که همه عالم به نور برسند، مبعوث شده بود برای اینکه همه این هیاهوهای که در دنیا هست و این هیاهوها برای خود است، برای رسیدن به قدرت خود است این هیاهوها را از بین ببرد و یک خداخواهی در مردم ایجاد کند، توجه به نور ایجاد بشود او، دیگر اینهمه نزاع هائی که در دنیا هست از بین می رود. اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی هیچ وقت با هم نزاع نمی کنند. اگر اولیا و انبیا را شما فرض کنید که الان بیابند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع نمی کنند برای اینکه نزاع مال خودخواهی است، از نقطه نفس انسان پیدا می شود که آنها نفس را کشته اند، جهاد کرده اند و همه خدا را می خواهند، کسی که خدا را می خواهد نزاع ندارد، همه نزاع ها برای این است که این برای خودش یک چیزی می خواهد این هم برای خودش یک چیزی می خواهد، این دو خودها تراحم می کنند، این قدرت را می خواهد مال خودش باشد، آن هم قدرت را می خواهد مال خودش باشد، تراحم می کنند، این قدرت را می خواهد مال خودش باشد، آن هم قدرت را می خواهد مال خودش باشد، تراحم می کنند، جنگ درمی آید. اگر مردم تربیت بشوند به تربیت انبیا که همه کتب آسمانی برای این تربیت آمده است، همه این نزاع ها از بین می رود، همه این گرفتاری هائی که برای بشر است از بین می رود، برادر می شوند همه، همانطوری که در قرآن کریم همه را برادر خوانده است، مومن ها برادرند، از این آیه استفاده این معنا می شود که اگر چنانچه دو نفر به اخوت ایمانی شان عمل نکنند، برادر نباشند، مومن نیستند، المومنون اخوه ۵۸۶ می گوید برادر هستند، این مومن ها برادرند، همانطوری که یک برادر برای برادر خودش خیر می خواهد مومن این است. اگر یک وقت ما دیدیم که کسی برای برادرهای خودش خیر نخواست، نزاع راه انداخت، هیاهو راه انداخت، این به طرف خودش بکشد، او به طرف خودش بکشد، این از ایمان معلوم می شود که حظ صحیح نبرده است، آنی که باید ایمان در قلب این تاثیر بکند، نکرده است. ۵۸۷

اختلاف از زبان شیطان است

این اختلاف از زبان هر کس باشد، از زبان هر موجودی باشد، این زبان، زبان شیطان است، چه از زبان یک روحانی باشد، چه از زبان یک مقدس باشد، چه از زبان یک نمازگزار باشد و چه از سایر زبان‌ها، بدانید که این زبان، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملتفت نیست که تحت تاثیر شیطان است یا زبان شیطان در او دارد فعالیت می‌کند. ۵۸۸

با هم دوست و به یکدیگر محبت داشته باشید

شما می‌دانید آن چیزی که این نهضت و این انقلاب را به ثمر رساند ایمان بود و مومنین همانطور که قرآن شریف فرموده است برادر یکدیگر بوده و فرقی بین آنها نیست هوای نفس انسان می‌خواهد هر چه بشود بگوید من کرده‌ام، و این آثار خودخواهی است و اختلافاتی هم که مشاهده می‌شود از ضعف ایمان است. آنها که می‌خواهند برای خدا کار کنند، چه خودشان و چه برادرانشان و چه افرادی دیگر انجام بدهند، برای آنها فرقی نمی‌کند و من امیدوارم همه ما بتوانیم در جمهوری اسلامی این قدم را که بالاترین قدم هاست برداریم. آن روزی که شما احساس کردید محبت و برادری بین شما و سایر قشرهای خدمتگزار زیادتر می‌شود، بدانید که ایمان‌تان زیادتر گردیده است. شما می‌دانید که الان کشور ما محتاج این است که قوای مسلح با هم باشند و اگر خدای نخواستہ بین کمیته‌ها و سپاه پاسداران تفاهم نباشد، به مقصدی که آن اسلام است، نخواهید رسید و هرگز در این فکر نباشید که من کمیته‌ای هستم و باید تنها کمیته‌کارش بهتر باشد، و سپاه هم همین را بگوید. در این فکر باشید که با برادری کارها را انجام دهید و این اصل قرآنی را که مومنین با هم برادر هستند بپذیرید و با هم دوست و به یکدیگر محبت داشته باشید و خیر همدیگر را بخواهید و آن خواطر نفسانی و باطنی که عبارت از جدائی سپاه از کمیته‌ها باشد را دور بیندازید این رمز موفقیت جامعه است. ۵۸۹

با چشم برادری به هم بنگرید

وزرای محترم هر یک با چشم برادری ایمانی به هم بنگرند و در مشکلات پشتیبان هم باشند و ملت عزیز پشتیبان دولت و سایر ارگان‌ها باشند که بدون پشتیبانی همه جانبه توقع پیشرفت از دولت بی‌موقع است و با اتکال به خداوند تعالی که در مشکلات بزرگ عنایت‌های غیبی را فرموده، بدانند که تا ملت و دولت به تعهد خود در نصرت به دین خدا و به بندگان او پابرجا باشند، نصرت خدا ادامه دارد ان تنصروا الله ینصرکم و یتت اقدامکم ۵۹۰. ۵۹۱

بین دولتی‌ها برادری باشد

و سفارش دوم این است که بین خودتان، بین وزرائی که هستند، بین دولتی‌ها که هستند برادری باشد. شما برای اسلام می‌خواهید خدمت کنید، نمی‌خواهید که برای خودتان کاری بکنید. شما می‌خواهید برای این ملت محروم در طول تاریخ خدمت بکنید، نمی‌خواهید که جیب خودتان را پر کنید. شما اینجور نیستید هیچ‌گاه، وقتی اینطور شد داعیه بر اینکه با هم مبارزه و معارضه بکنید نیست و انشاءالله نمی‌کنید. نمی‌گویم می‌کنید که حالا فردا بگویند معلوم شد که اینها ریخته‌اند به هم که فلانی این حرف را می‌زند نه، اینطور نیست، نصیحت است من می‌کنم ولو می‌دانم که شما هیچ‌کدام این وضع را ندارید. و من امیدوارم که انشاءالله خداوند شما را حفظ کند و موفق باشید و هر کدام در کار خودتان موفق باشید. و من این چند نفر وزیری که استعفا کردند خوب بعضی‌شان را خیلی می‌شناسم مثل آقای عسگر اولادی که ایشان هم نظیر آقای مرحوم عراقی از اول نهضت همراه بود و زحمت کشید و من او را مرد بسیار صالحی، بسیار فداکاری می‌دانم و بعضی آقایان - هم در طول این چیزی بوده است که - در طول این جمهوری شناختم مثل وزیر کار که آن هم در طول این مدت که آشنا شدم می‌دانم که مرد صالح خوبی

است و مقتضای صلاح هم همین است. که وقتی دیدند که مثلاً بین دولت و آنها خیلی هماهنگی نیست، خوب، این پست را رها کنند یک پست دیگری بگیرند و دولت را بگذارند که آنطوری که می‌خواهد عمل بکند. ۵۹۲

برای حفظ این امانت الهی برادرانه رفتار کنید

در هر صورت یک مملکتی است مال همه شماها، همه ما مسئول هستیم در این امری که برای حفاظت کشورمان هست و شما می‌بینید که الان در معرض اینطور کارهایی است که شده است و بعدها هم خواهد شد. ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که این امانتی که به ما داده شده است و آن کشور اسلامی است و اسلام است و جمهوری اسلامی است حفظش بکنیم، در این امر هیچ سستی به خودمان راه ندهیم، هیچ مسائلی شخصی در کار نباشد، هیچ اغراض نفسانی در کار نباشد، همه ما با هم برادر و با هم برای حفظ یک امانتی که خدا به دست ما داده است و سپرده است و هم سفارش می‌کند به همه اشخاصی که در هر جا صحبت می‌کنند یا فرض کنید که قلمفرسایی می‌کنند که تضعیف قوای انتظامی، سپاه پاسداران، تضعیف اسلام است، تضعیف لشکر اسلامی تضعیف اسلام است، تضعیف ژاندارمری تضعیف اسلام است، تضعیف - عرض می‌کنم - سایر قوای مسلح و انتظامی تضعیف اسلام است و این به آن معنا نیست که نباید آن اشخاص فاسد بیرون بروند، اشخاص فاسد باید حتماً به دادگاه سپرده بشوند، در هر جا باشند و هر مقامی، آنها باید به دادگاه سپرده بشوند و آنهایی که اسلامی هستند و روی خط اسلام دارند عمل می‌کنند، آنها باید تمام گویندگان و نویسندگان، چه از قشر روحانی و چه از قشر غیر روحانی، اینها را تقویت بکنند. یک کلمه تضعیف اینها، تضعیف اسلام است و حرام است و جایز نیست. بنابراین امیدوارم که شماها همه موفق باشید، موید باشید و این امانت را حفظ کنید. و ما یک عالم دیگری داریم که همه آنجا حاضر می‌شویم و از همه ما بازخواست می‌شود، یعنی یک خدشه‌ای اگر ما وارد کنیم به جمهوری اسلامی، فردا آنجا در محضر خدای تبارک و تعالی از ما بازخواست خواهد شد و بازخواست شدید خواهد شد. ۵۹۳

برادر باشید که مخاصمه کار اهل جهنم است

من امیدوارم که تمام کسانی که دست به کار هستند در دولت، با هم دست به هم بدهند، با هم دوست باشند، افرادی که در مجلس هستند همه با هم رفیق باشند، همه یک مقصد دارید، همه می‌خواهید که اسلام تحقق پیدا بکند، چرا پس با هم ما دلخوری داشته باشیم. برادری از اموری است که هم قرآن کریم فرموده است که در این عالم برادرند و هم فرموده است که در بهشت برادر هستند و در سریرها در روبروی هم می‌نشینند و برادرند. من امیدوارم که این آثار حالا تحقق پیدا کند تا منعکس بشود در آنجا و می‌دانیم که هر چه در اینجا باشد صورت غیبی اش در آنجا به ما می‌رسد. ما گرفتار اعمال خودمان هستیم در آن عالم، از خارج به ما چیزی نمی‌دهند ما هستیم که بنا می‌کنیم اساس آن عالم را اینهمه اعمال شماست که به شمارد می‌شود آنها همی اعمالکم ترد علیکم فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره ۵۹۴ نه اینکه ثوابش را می‌برد، خودش را می‌بیند و من بعمل مثقال ذره شرا یره ۵۹۵ خود شر را می‌بیند، خود آن عمل را در آنجا می‌بیند. کارهای ما، عقاید ما، اخلاق ما تمام اینها در آنجا منعکس است و من امیدوارم که برادری را در اینجا مستحکم کنیم تا در آنجا منعکس بشود و برادر باشیم. مخاصمه مال اهل جهنم است خصام اهل النار یکی از مصیبت‌هایی که اهل جهنم به آن مبتلا هستند همین خصامی است که با هم دارند جنگ و نزاعی است که با هم دارند، به هم می‌پرند مثل سگ و یکی از کرامت‌هایی که اهل بهشت دارند آن، برادری و دوستی و محبت است و این باید از اینجا تهیه بشود چرا ما با برادرهای ایمانی مان، با برادرهایی که همه صالحند، خوبند، می‌خواهند خدمت بکنند، چرا مخالف باشیم؟ فرضاً رای یک کسی با رای دیگری در یک جهتی مخالف است، اختلاف آرا در بین فقها هم الی ماشاءالله است و من

امیدوارم که انعکاس این دولت و مجلس و قوای ثلاثه‌ای که هست و همه ارتشی‌ها، انعکاس برادریشان در بهشت باشد و در بهشت همه با هم برادر و در سریرها روبروی یکدیگر نشسته باشند و خداوند توفیق بدهد به همه ما . ۵۹۶

اسلام، اخوت است

ما که نمی‌خواهیم حکومت بکنیم، ما نظر به این نداریم که اجحاف بکنیم، حکومت بکنیم. اسلام حکومت طرح پیش‌اش نیست، اسلام اخوت است. آن صدر اسلام، آن شخص‌های اول هم با آخر آنها مثل هم بودند، یک‌طور زندگی می‌کردند. خلیفه ثانی وقتی در یک سفری رفت برای یکی از کشورهای که تحت سلطه‌اش بود، نزدیک آنجا که رسیده بودند نوبت غلامش بود که سوار بشود و خلیفه پیاده افسار را بگیرد، اینطور نقل می‌کنند، وقتی وارد شهر شدند، اینطوری وارد شهر شدند خلیفه افسار شتر را گرفته بود داشت می‌برد و آن غلام هم سوار شتر شده بود. اگر یک همچو حکومتی پیدا بشود که در صدر اسلام به واسطه قدرت اسلام و به واسطه قوه اسلام بوده است این مسائل، دیگر کسی آرزوی این را می‌کند که من از اهل خودم؟ اصلاً دیگر خودی باقی می‌ماند که خودم و اجنبی؟! بومی و اجنبی؟! اصلاً این مسأله طرح می‌شود در اسلام که یکی بومی است یکی غیر بومی؟! بومی و غیر بومی دیگر در کار نیست، همه اسلام است و همه مسلمین اند و همه برادرند و همه مثل هم هستند. ۵۹۷

اگر سران کشور برای خدا کار کنند، اختلاف پیدا نخواهد شد

اگر خدای نخواستہ نظر مادی در بین ماها حاصل بشود و ما نسیان کنیم خدای تبارک و تعالی را به توجه به دنیا و مقامات، لاعلاج خواهد شد. اختلاف کسانی که توجه به دنیا دارند، نمی‌شود اختلاف نداشته باشند، هر کسی برای خودش می‌خواهد آنهایی که اختلاف ندارند، آنهایی هستند که به دنیا اعتنا ندارند، آنهایی هستند که ارزش‌ها را بهش توجه دارند، آنها بینشان اختلاف واقع نمی‌شود. اگر همه انبیا جمع بشوند و همه اولیا جمع بشوند، با هم اختلاف نمی‌کنند، یک کلمه اختلاف ندارند، لکن اگر دو تا کدخدا در یک ده باشد اختلاف پیدا می‌کند، اگر دو عالم باشد (روحانی واقعا) صد عالم روحانی باشد، ممکن نیست با هم اختلاف داشته باشند اما اگر دو عالم باشد یا دو صورت عالم باشد که بخواد دکان درست کند برای خودش، شکی نیست که با عالم دیگری که باز آن هم همین جور است اختلاف پیدا می‌شود. و همین‌طور اگر چنانچه سران یک کشوری برای خدا کار بکنند، اینها اختلاف نخواهند پیدا کرد و باید توجه کنند که گمان نکنند که مأمونند از این که به راه ابلیس بروند. هیچ امری یکدفعه نمی‌شود، به تدریج، یک قدم یک قدم انسان را می‌کشاند به جهنم. از ابتدا نمی‌آید نفس اماره انسان بگوید بیا برو جهنم، یا ابلیس بگوید بیا برو جهنم، یا نفس اماره بگوید یا الله یا شویم دعوا راه بیندازیم، نخیر! ابتدا، از اول شروع می‌شود یک قدم جلو می‌رود آدم ازش غفلت می‌کند، تبعیت می‌کند، یک قدم دیگر جلو می‌رود، یک وقت می‌بیند که سر از این بیرون آورد که باهم دارند اختلاف می‌کنند. که جلوی این اختلافات را بگیریم؟ تکلیف شرعی ما، تکلیف عقلی ما، تکلیف وجدانی ما این نیست که نگذاریم یک وقت خدای نخواستہ بین اقشار اختلاف پیدا بشود؟ او به این است که هواهای نفسانی کم بشود، غیر از این راهی ندارد. اگر هواهای نفسانی در کار باشد، این منجر به اختلاف می‌شود، ولو این که هر مقدار هم یک نفری آدمی باشد که به ظواهر خیلی اعتقاد داشته باشد و خیلی هم دنبال ظواهر باشد، لکن وقتی که در قلبش هوای نفسانی باشد قهراً آن هوای نفسانی او را دنبال می‌کند این هوای نفسانی در همه هست / نمی‌شود / تعرضش نمی‌شود کرد، لکن بعضی‌ها مهار می‌کنند و بعضی‌ها مهار نمی‌کنند این که می‌گویم در همه، یعنی همه مردم متعارف نه اولیای خدا. ۵۹۸

اگر هدف خدمتگزاری باشد، اختلاف پیش نمی‌آید

وقتی بنا شد همه خدمتگزار اسلام باشید، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید. شما بدانید که اگر تمام انبیا علیهم السلام در یک عصر مجتمع می‌شدند، هیچ اختلافی نداشتند. اختلاف برای این است که انسان، هر کسی می‌خواهد پیش خودش، برای خودش یک کاری انجام بدهد. هر اختلافی از هوای نفس پیدا می‌شود. وقتی انسان بخواهد برای خودش یک مسأله‌ای را درست کند، می‌بیند که آن رفیقش شاید جلو بیفتد، این یک قدری جلوتر می‌رود، او یک قدر، یک وقت می‌بیند که اختلاف حاصل می‌شود.

۵۹۹.

دشمنی، اخلاق جهنمی هاست

من معذرت می‌خواهم که چند کلمه‌ای موعظه کنم شما را، شما محتاج به موعظه نیستید لکن تذکر، برادرها، خودش یک امری است. یکی از عذاب‌هایی که در جهنم اهل جهنم به آن مبتلا هستند، خصام اهل النار ۶۰۰ است و یکی از نعمت‌هایی که اهل بهشت متنعمند آن اخوانی که، اخوانا علی سرر متقابلین ۶۰۱ آن برادری و محبت که بین اهل بهشت است یکی از نعمت‌های بزرگ خداست و آن خصامی که در جهنم است، یکی از عذاب‌هایی است که بر اهل جهنم است که دائم توی سر هم می‌زنند. و اهل معرفت می‌گویند که هر چیزی که در بهشت و در جهنم ظهور پیدا می‌کند سابقه ندارد، از خود آدم است. در روایت هم است اینکه زمین بهشت و جهنم قاع ۶۰۲ است، هیچ چیز ندارد صاف است و در یک روایتی که سابقاً من دیدم (حالا نمی‌دانم تمام معنایش درست چه جور است) این است که گاهی در بهشت یک اشخاصی، ملائکه که الله مشغول یک بنا می‌شدند و گاهی می‌ایستادند. ظاهراً پیغمبر اکرم شاید در شب معراج این را ملاحظه فرمودند، سوال کردند از جبرئیل این چرا گاهی می‌ایستادند و گاهی کار می‌کنند. عرض کرد که اینها اعمالی که مردم می‌کنند، مادامی که اشتغال دارند به عمل خیر اینها مصالحشان محقق می‌شود و مشغول بنا می‌شوند، آنوقتی که آنها مشغول این کار نیستند آنها هم. در هر صورت یک مسأله‌ای است این در پیش اهل معرفت که تمام چیزهایی که در جهنم و بهشت هست این از خود ماست. اینطور نیست که خدای تبارک و تعالی یک آتشی تهیه کرده است که ما را بسوزاند، ما خودمان تهیه می‌کنیم. در قرآن هم هست که اینها اعمال شماست که رد به خودتان می‌شود.

۶۰۳.

اگر دشمنی داشته باشیم اهل جهنم هستیم

ما می‌توانیم خودمان را در این عالم راجع به این محکی که از دو تا آیه شریفه استفاده می‌شود بشناسیم که آیا اهل نار هستیم یا اهل بهشت. اگر کارهایمان روی خصام باشد، دشمنی، یک وقت این است که انسان در یک مسأله‌ای صحبت می‌کند، مباحثه می‌کند خوب بین اهل علم و طلبه‌ها متعارف است، گاهی وقتی‌ها به فریاد می‌کشند مطلب، به داد و قال می‌کشند مطلب لکن وقتی که مباحثه تمام شد، برادرند. بعد از مباحثه اینطور نیست که این مباحثه اسباب دشمنی باشد، دو تا دوستند و دو تا رفیقند، سر یک مطلبی، مطالبی آن، آن طرف مطلب را می‌گیرد و آن، آن طرف مطلب و اتفاقاً این یک ورزشی است که در بین طلبه‌ها هست و یک ورزش علمی است که قوی می‌کند آنها را. در سایر طبقات شاید نیست اینطور ورزش. اینها تا حد جنگ و دعوا با هم مقابل می‌شوند. مرحوم آقای آسید احمد زنجانی رحمه الله نقل می‌کردند که در روزنامه ملا نصرالدین که فقها طبع می‌شده، او عکسی انداخته بوده از دو تا طلبه، دو تا اهل علم، یکی این طرف، یک آن طرف نشسته و دعوا کرده اند و دندان یکی بیرون افتاده و کفش یکی هم بالای سر آن یکی است و او برای انتقاد از این طایفه این را نوشته بود، این را عکسبرداری کرده بود و او نمی‌دانست که در عین حالی که گاهی وقت‌ها به این مسائل هم می‌رسد لکن به مجرد اینکه مباحثه تمام می‌شود، با هم می‌شوند رفیق و با هم دوست و برادرند. ما اگر چنانچه در مسائلی که پیش می‌آید، در هر وضعی که باشد، البته مسائل زیاد الان در

مجلس طرح می شود و شما بعدها هم مواجه هستید با مسائل زیادی که برای ملت است و هر کسی نظر دارد و هر کسی اجتهاد دارد، هر کسی باید مسائل را طرح بکند و بگوید، اما همانطوری که طلبه ها مسائل را می گویند، که منتهی به این نشود که حالا که من مخالف با شما هستم در نظر و شما مخالف من هستید در نظر، این منتهی به این بشود که نه، ما دو تا خصم و دو تا دشمن با هم هستیم. اگر اینطور باشد که واقعا خدای نخواستہ روی خصام باشد باید ما خودمان را بشناسیم به اینکه ما اهل ناریم، برای اینکه خصام اینجا آن خصام را می آورد. ۶۰۴

مسائل را با برادری و حسن نیت مطرح کنید نه تنازع و خصومت

و اگر چنانچه ایمان در کار باشد، برادری در کار باشد و با برادری و حسن نیت، رفاقت، مسائل طرح بشود همه باید نظر خودشان را بدهند و هیچ کدام هم برایشان حتی جایز نیست که یک چیزی را بفهمند و نگویند، باید وقتی می فهمند اظهار کنند، این موافق هر که باشد، باشد. مخالف هر کس هم باشد، باشد. برای اینکه شما و کیل مردم هستید امین مردم هستید امین و وکیل باید مسائلی که طرح می شود آن مقداری که می تواند و می فهمند اظهار کنند لکن به طور خصومت، به طور تنازع و خصومت نباشد، هر چه بتوانند آرامتر لکن حالا صدا هم بلند شد، باشد، اما آن صدائی که از طلبه های توی مدرسه بلند می شود دنبالش هیچ ادا اثری از خصومت نیست، دو تا رفیق، دو تا دوست هستند که سر یک مسأله علمی می رسد کار به آنجائی که این فریاد سر او می زند، او فریاد سر او می زند، لکن به مجرد اینکه مباحثه تمام شد همان دو تا برادرند که بودند، همان دو تا دوستند که بودند، هیچ ادا دیگر دنباله ندارد که آن مطالب را او گفته، این مطلب را ما، با هم برادریم، مطالب با هم دعوا دارند، مسائل که طرح می شود آن مسائل با هم اختلاف دارند، اما آنهایی که مسائل را طرح می کنند مسائشان باید با هم اختلاف داشته باشد نه خودشان، خودشان دوست، رفیق و برادر ولی مسائل را باید طرح بکنند و اشکال دارند بکنند و طرح بکنند مسائلی که روی مصالح اسلام است، روی مصالح کشور است و آن مقداری که می توانند بررسی بکنند و آن مقداری که قدرت دارند نظر بدهند لکن بعد از اینکه مجلس تمام شد همانطوری که بعد اینکه مباحثه طلبه ها تمام شد می نشینند با هم چای می خورند و رفیق و دوست هستند، آنها هم همین طور باشند. ۶۰۵

اختلافات را برادرانه حل کنید نه خصمانه

لازم نیست که انسان وقتی که در یک مطلبی مخالف یک کس دیگری است، دشمن او هم باشد. همه مسلمان، همه مومن، همه اهل این کشور و همه مصلحت این کشور را می خواهید و ما و شما هم مصلحت اسلام را می خواهیم و هم مصلحت این اشخاصی که در دارالاسلام زندگی می کنند و تحت لوای اسلام هستند، از نمایندگان که سایر اقلیت ها هستند و مصالح آنها. اسلام اقتضای این را می کند که مصالح همه در نظر گرفته بشود و علی السواء هم در نظر گرفته بشود. همه اهل این مملکت هستند حق دارند در این مملکت و شما هم وکلای این مملکت هستید و خدمت می خواهید بکنید، هر یکی تان وکیل همه هستید و هر یکی تان باید مصالح همه مملکت را در نظر بگیرید. بنابراین بهترین مباحثه ها همین مباحثه برادرهاست با هم که کارشان، اگر اختلافی هم دارند، برادری حل می کنند، نه به طور خصمانه و البته من می دانم که بسیاری از اشخاص هستند که اینها بسیار منز و میرا هستند و اکثریت شما هم همین طور است و من امیدوارم که همه تان اینطور باشید. من که همه را نمی شناسم لکن من چهره ها را می بینم که همه شان از همین ملت و از همین جمعیتی که در این مملکت هستند، هستند. هیچ از آن بالاها نیامده اند اینجا تا بخواهند یک مقاصدی داشته باشند (که) غیر مقاصدی ملی و اسلامی. از این جهت من امیدوارم که این مجلس، خدمت بزرگ بکند و انشاءالله کارها را به آسانی به پیش ببرد و هماهنگی کنند با دولت، با رئیس جمهور، با سایر ارگان هائی که هستند. همه

تان می خواهید یک مطلبی پیش برود ، نه آقای رئیس جمهور نمی خواهند که این مملکت خدای نخواستہ آشفته باشد ، رئیس یک مملکت که نمی خواهد آن مملکت آشفته باشد و نه وکلای مجلس می خواهند که این مجلس آشفته باشد ، برای اینکه شما همه مملکت هستید ، مملکت از خود شماست ، نمی شود که یک کس برای خودش طرح خلاف بزند ، و نه وزرائی که هستند و بودند و بعدها هم انشاءالله خواهند بود ، اینها هم همه شان نظرشان به این است که اسلام را تقویت کنند ، احکام اسلام را پیاده کنند ، برای این مملکت خدمت بکنند . ۶۰۶

اگر همه یک هدف داشته باشند تخصصی در کار نخواهد بود

وقتی بنا شد همه با هم ، به حسب عقاید یکی هستند ، همه می خواهند خدمت بکنند ، همه می خواهند که این مملکت را به پیش ببرند ، همه می خواهند که این جرثومه های فاسدی که در مملکت هست قطع بکنند ، همه یک راه می خواهند بروند ، این دیگر تخصصی در کار نیست و نخواهد بود . اگر بله فرض کنید که یک طایفه ای بودند و آمده بودند در مجلس و می خواستند مقاصد شوم خودشان را یا مقاصدی که به تبع آن ابرقدرت ها به خدمتگزاری به آنها بود ، می خواستند انجام بدهند ، آنوقت دعوا می شد ، آنوقت باید هم حقیقتا بشود ، آنوقت مواضع هم صحیح بود برای اینکه مواضع با آن اشخاصی که توطئه گر هستند ، اشخاصی که می خواهند مجلس را به هم زنند ، می خواهند مملکت را به هم بزنند . این لازم است و باید باشد ، بعد از اینکه نمی شود اینها را با هدایت ، و مایوس هستید که اینها را با هدایت می توانید که به راه صحیح وادار کنید . و اما شماها که همچو مقصدی در کار ندارید ، من یقین دارم که هیچ یک از شماها بنایان نیست که این مملکت را به هم بزنید ، همه می خواهید مملکت آرامی باشد که برادرهای شما در این مملکت زندگی آرام داشته باشند ، زندگی مرفه داشته باشند و همه می خواهید که دست اجانب از این مملکت کوتاه باشد و کوتاه خواهد بود انشاءالله . و همه می خواهید که به این مملکت خدمت بکنید ، خودتان هم از سنخ همان جمعیت هستید ، نه از آن طبقه های بالائی که هیچ خبر از پائین ندارند و هیچ اطلاعی ندارند که به این پائین دست ها چه می گذرد . شما خودتان از بین همین جمعیت ها آمده اید و می دانید که چه می گذرد به این مردمی که در این کشور هستند ، به این زاغه نشینان چه می گذرد ، خودتان هم زندگیتان هم همانطورهاست ، با یک قدر اختلاف مختصر . ۶۰۷

اختلافات را با تفاهم حل کنید

ما اگر اختلاف سلیقه داریم ، اختلاف بینش داریم ، باید بنشینیم و با هم در محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم ، با تفاهم مسائل را حل کنیم ، نه اینکه جبهه گیری کنیم ، یکی یک طرف بایستد با دارو دسته خودش و یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی . اینها برای این است که تعهد اسلامی نیست و دید سیاسی هم نیست . شماها اگر مسلم هستید ، با احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید ، با دید سیاسی مسائل را حل کنید و این کارها که انجام می گیرد و این قلم ها و این قدم ها و این گفتارها از سیاست به دور است و با یک دید غیر سیاسی و غیر اسلامی است . من به سراسر کشور ، به سراسر ملت هشدار می دهم که اگر چنانچه از این اختلاف اندازها پیروی کنید ، هر کس باشد ، مملکت شما به دامن آمریکا می افتد . ۶۰۸

با وحدت ، دست رحمت الهی را بر سر خود حفظ کنیم

از این جهت که دست خدا در کار است ، باید شما و ما و همه ، کاری بکنیم که این دست رحمت بسته نشود ، از روی سرما برداشته نشود و آن کار این است که همانطوری که تا حالا هم با هم بودیم و یدالله مع الجماعه و همه برای خدا بود و خدای تبارک

و تعالی عنایت فرمود. حالا هم توجه به یک گرفتاری های شخصی عجالتا نکنیم، الان هم توجهمان به همان مقصد باشد که این جمهوری اسلامی که حالا لفظش آمده است، معنا و محتوایش باز نیامده است، شما می بینید که در همه ادارات، در فرهنگ، در دادگستری، در سایر جاها باز یک صیغه اسلامی پیدا نکرده است که ما اسمش را بگذاریم جمهوری اسلامی، ما رای دادیم به جمهوری اسلامی، شما هم رای دادید، الان جمهوری اسلامی است در ایران، اما محتوایش تا حالا تحقق پیدا نکرده، یعنی در هر اداره ای که برویم باز یک رنگ و بویی از سابق می بینیم و ما می خواهیم این رنگ و بو برود، و شسته بشود. ۶۰۹

با اختلاف، دست رحمت الهی برداشته می شود

آن روز آسیب خدای نخواست به کشور ما و به ملت ما می رسد که این معنائی که در اول نهضت پیدا شد و سبب پیروزی شد، این معنا از بین مردم برود یعنی به واسطه اختلافات و تشنات و هواهای نفسانی طوری بشود که از آن معنای الهی که در بین ملت بود و موجب پیروزی شد تهی بشود و در آنوقت دست رحمت الهی از سر این کشور خدای نخواست برداشته بشود. کاری بکنید که این کلمه ید الله مع الجماعه از دستتان نرود. اگر جماعت ها همه با هم باشند و ایده اسلامی باشد دست خدا همراه شماست. ۶۱۰

باید همه یکصدا باشیم

و یک مطلبی که باز می خواهم عرض بکنم که دنباله همین است، این است که الان کشور ما اول عملش و اول کارش است. بحمدالله تا حالا تمام آن چیزهایی که یک حکومت لازم دارد، محقق شده است، لکن باز اول کار است. در این کار یک ویژگی ای هست که بعدها آن ویژگی دیگر ممکن است نباشد. حالائی که از خارج و داخل به کشور ما هجوم می شود، در داخل با طرح های مختلف، قلم های مختلف، مجله های مختلف و گویندگان مختلف و اشخاصی که شلوغ می کنند در این مملکت، ابتلاء هست و از خارج هم که با قدرت های بزرگ، محل ابتلای ما هست، ما اگر بخواهیم برای کشورمان، برای اسلام پیروزی حاصل بشود، باید کارشکنی نکنیم از هم، باید همه یکصدا باشیم. قضیه هدایت مسأله ای است، قضیه کارشکنی مسأله دیگر، هدایت باید کرد. مرکز همه قانون ها و قدرت ها مجلس است. مجلس هدایت می کند همه را و باید بکند اما بنای بر این نباشد که مجلس دولت را ضعیف کند و بنای بر این هم نباشد که دولت مجلس را ضعیف کند، تضعیف هم یک، تضعیف خودش هم هست. اگر رئیس دولت، رئیس جمهور تضعیف کند مجلس را، خودش قبل از مجلس سقوط می کند و اگر مجلس تضعیف کند دولت و رئیس جمهور و آنتهایی که اجرا می خواهند بکنند، این خودشان هم تضعیف می شوند و امروز صلاح نیست. اگر چنانچه در یک وقتی هم یک همچو مطلبی واقع بشود، آن هم یک جرم است، امروز این مسأله جرم بسیار بزرگ است. ۶۱۱

مسلمین به دستور خداوند، همه شان مثل دست واحد می مانند

مسلمین به حسب دستور خدای تبارک و تعالی (یده واحده) نه دو تا دست، (ید واحده علی من سواهم) همه مثل اینکه یک دستیم، باز دو دست هم نفرموده است برای اینکه دو دست هم ممکن است این از این طرف برود، این از آن طرف، دست واحد همه شان مثل دست واحد می مانند، مسلم اینطوری است و اگر چنانچه مسلمین اینطور باشند که آنطور وحدت با هم داشته باشند که مثل یک دست باشند، ید واحده باشند، این دیگر آسیب بردار نیست. آسیب از داخل خود آدم، داخل خود ملت و کشور بر ما وارد می شود و بر شما، از خارج هیچ ترسی نداشته باشید، از داخل خودمان بترسید، از اینکه با توطئه ها شماها را از هم جدا کنند و شماها را از پاسدارها و پاسدارها را از شما و ژاندارمری را از دیگران و شهربانی را از دیگران و ملت را از آنها. این آسیب یک آسیب بزرگی است که خود به خود، ما تحلیل می رویم ولو اینکه از خارج هم به ما حمله ای نشود و نمی شود، این آسیب،

آسیب مهم است . ۶۱۲

استقلال و آزادی را نمی‌توانید بدون تفاهم حفظ کنید

آقایان باید با هم مشورت و همکاری نمایند و در پیشبرد مقاصد کشور اسلام همفکر باشند . فرماندهان ارتش باید با هم تفاهم داشته باشند . امروز ما مبتلا- به جنگ هستیم و تقریباً همه کشورها علیه مملکت ما توطئه می‌کنند . استقلال و آزادی خودتان را نمی‌توانید بدون تفاهم حفظ کنید . ملت را ببینید که چگونه پشتیبان شماست . به انتخابات نظر کنید می‌فهمید که ایران پایدار خواهد ماند . ممکن است عده‌ای در خارج مفت بگویند ، ولی ملت واقعیت‌ها را می‌بیند . این مردم هستند که در صحنه‌اند و نباید کاری بشود که مردم متزلزل گردند . دنیا روی ملت‌ها حساب می‌کند . وقتی دولت‌ها می‌بینند که ملت ما برای همه چیز آماده است و این آمادگی را تاکنون ثابت نموده است ، پدری جوانش را به جبهه می‌فرستد ، مادری پسرش را معرفی می‌کند ، دیگر چگونه دولت‌های خارجی می‌توانند طمع کنند . دولت‌ها همیشه طمع‌شان نسبت به دولت‌های دیگر است . وقتی می‌توانند کودتا یا حمله کنند که ملت در صحنه نباشد ، ولی وقتی ملت در صحنه بود ، چه کاری از آنان ساخته است . و در این جنگ فهمیده شد که ملت ما بیطرف نیست . ملت و ارتش ما قوی است و به خوبی مملکت را می‌توانند حفظ کنند . بر ما و همه متفکرین است که انسجام ملت را حفظ کنیم . امروز ملت با ارتش است و در هیچ کشوری اینگونه نیست . ارتش در جنوب و غرب می‌جنگد و پیرمرد و پیرزن ما در آن طرف مملکت با آنها همکاری می‌کنند . جز خدا کس دیگری نمی‌تواند این اتحاد را بوجود آورد . باید ارتش با محبت مردم را جلب نماید . پشتیبانی ارتش و ملت از یکدیگر ایران را حفظ می‌نماید و در این صورت است که قدرت‌های بزرگ هم مایوس می‌گردند و آن روزی دولت‌ها از این یاس بیرون می‌روند که بین ملت ، دولت و ارتش اختلاف بیندازند و دولت‌ها و سران هستند که با عمل‌شان ملت را از خودشان جدا می‌کنند . باید اتحادتان را حفظ کنید تا کشورتان استقلال داشته باشد ، تا شریف باشید . ما اگر سر سفره نان جوین داشته باشیم بهتر است تا در پارک‌های بزرگ زندگی کنیم ولی از آنجا دستمان به طرف دیگران دراز باشد . شرافت این را اقتضاء می‌کند شما از رژیم سابق نجات پیدا کردید و هم اکنون برای عظمت و شرافت خودتان می‌جنگید ، لذا باهم بسازید . ۶۱۳

صلاح دین و مملکت این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم

مساءله‌ای که شما می‌خواهید دنبال کنید یعنی مساءله هماهنگی بین تمام نهادها ، بسیار مهم است . شما باید احساس کنید که صلاح دین و مکتب ما و صلاح مملکت ما این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم . واضح است که اگر هر گروه یک کار را انجام دهند ، گرچه ممکن است در ابتدا اختلافی نباشد ولی بالا-خره در طول مدت ، اختلاف می‌شود . از آنجا که تبلیغات اساس کار است و موجب تشتت و یا انسجام یک ملت است ، شما هماهنگی و اتحادتان را حفظ کنید و تنها در حفظ اتحاد و هماهنگی است که پیروز می‌شویم و الا- شکست خواهیم خورد و دوباره تحت سلطه قدرتی دیگر قرار خواهیم گرفت . دولت و مجلس و از آن مهمتر خود شما هستید که باید منسجم شوید . سعی کنید اختلاف گروهی اساس اختلاف در تبلیغ نشود . بنایتان را بر این بگذارید که برای اسلام و حق خدمت کنید که در این صورت است که اختلاف پیدا نمی‌کند . اختلاف مال شیطان است ، در رحمان اختلاف نیست . اگر گروه‌ها برای خدا کار کنند و با هم مشورت کنند و با افرادی که اطلاعاتشان بیشتر از آنهاست ، همکاری نمایند ، شاید بتوانند تبلیغات را راه بیندازند . امروز روزنامه‌ها و رادیوها دائماً ما را مورد حمله قرار می‌دهند ، شما هم باید در مقابل آنها به تکلیفان عمل کنید . عمده آن است که انسان تکلیفش را در مقابل خدا ادا نماید والا اگر بخواهد خودنمایی کند ، از اول شکست خورده است . ۶۱۴

امروز تکلیف الهی است که مخالفتها را اظهار نکنیم

میزان را خود انسان در باطنش غالباً می‌فهمد و اگر بخواهد بفهمد هم میزان دارد این آدمی که در راس یک امری واقع هست، پیش خودش یک وقت شاید فکر کند که اگر این امر دست آن یکی باشد، بهتر از من است، ببیند راضی هست واقعا بین خودش و خدای خودش که او باشد و خودش نباشد؟ اگر دید راضی هست به این امر، بداند که یک چیزی از عالم غیب درش هست و اگر راضی نیست بداند که عیب درش هست، نفسانیت درش هست. البته ما نمی‌توانیم از نفسانیت خودمان به طور مطلق جلوگیری کنیم، ما همچو قدرتی نداریم، اما قدرت این را داریم که جلوی خودمان را بگیریم اظهار نکنیم قدرت نداریم. اگر با یک کسی واقعا مخالفیم، مخالفت را در قلبمان هم نداشته باشیم، اما قدرت این را داریم که در مقام عمل، در مقام اظهار نکنیم این کارها را. و ما امروز مکلف شرعی هستیم، تکلیف الهی است که اگر در دلمان / هم از بعضی مان / بعضی مان از بعضی مان خوشش نمی‌آید در مقام عمل، در مقام ذکر، در مقام تبلیغ بر خلاف نفس خودش عمل نکند، این یک امری است که قدرت دارد انسان. اگر آن را قدرت ندارد، لکن عمل را، فعل را قدرت دارد و لهذا خدا از انسان مواخذه می‌کند مواخذه نمی‌کند که چرا در قلب تو این واقع نشد، حالا نقص انسان، اما این مؤاخذه این طوری ندارد. اما می‌توانستی در عین حالی که خوش نیستی با این، دوست نداری، این را ذکر نکنی، این را قدرت داری، نکردی معاقبی. ۶۱۵

امروز مخالفت با هم، روسیاهی ابدی را در پی خواهد داشت

و / ما / امروز قضیه شخصی نیست که یک کسی معصیت خدا را می‌کند و معاقب است این به اندازه شخصیت خودش و به اندازه حال خودش معاقب است. ما اگر امروز مخالفت با هم بکنیم، قضیه یک ملت در کار است، قضیه ملت های اسلامی در کار است، قضیه اسلام در کار است، قضیه ارزش های الهی در کار است، قضیه ملت های اسلامی در کار است، این جرمش غیر آن جرمی است که کسی تو خانه اش نشسته، یک معصیتی می‌کند، آن هم جرم است. اما کسی مخالفت بکند با یک کسی که دارد خدمت به خلق می‌کند این غیر آن جرمی است که مخالفت بکند با یک شخصی که در بین خانه خودش فرض کنید که در عائله خودش می‌کند، آن هم جرم است اما این جرم از آن جرم خیلی بالاتر است و این یک چیزی است که مشکل است خدای تبارک و تعالی انسان را ببخشد. امروز خیلی تکلیف به عهده ماست، تکلیف های شاق هم به عهده ماست. امروز شما می‌دوید و همه عالم دشمن شما الا معدود، البته بین ملت ها زیاد هست / شما / به شما توجه دارند اما دولت ها معدودی هستند که مخالف با شما نیستند، همه مخالفند. اگر ما هم بخواهیم خودمان با هم مخالفت کنیم، این یک جرمی است که تا ابد به عهده ما خواهد ماند و برای ما یک جرم ابدی ثابت خواهد شد، یک روسیاهی ابدی پیش خدای تبارک و تعالی برای ما پیدا خواهد شد. حضرت امیر سلام الله علیه در بسیاری از اموری که برایش خیلی سخت بود، دندان روی جگر می‌گذاشت و موافقت می‌کرد برای مصالح کلی، برای مصالح اسلام. ما اگر تبعیت از او داریم باید این طور باشیم، اگر یک مقدار هم تبعیت داریم، یک مقداری همین طور باشیم در هر صورت آنی که در یک همچو موقعی برای ما باید خیلی مورد نظر باشد، این که الان دارند از اطراف دنبال این می‌روند که ما را از باطن از بین ببرند، در داخل ما را خرد کنند، نتوانستند در خارج بکنند، نقشه ها همه نقش بر آب شد و از بین رفت لکن حالا الان این نقشه، نقشه مهمی است که می‌خواهند در داخل، هی چیزهایی می‌گویند (در کجا چی واقع شده، معلوم شد چه شده است، کی با کی دعوا دارد، کی با کی چه دارد) و اینها تاثیر دارد اگر چنانچه توجه نکنند انسان به خدای تبارک و تعالی، از خدای تبارک و تعالی در واقع نخواهد این را که انسان را از این شرها نجات بدهد، ممکن است انسان در دام بیفتد. ۶۱۶

ما دنبال این باشیم که اطاعت خدا بکنیم. خدا فرموده است که شماها باید با هم باشید، اتحاد داشته باشید، وحدت. اگر کسی یک کلمه بگوید که به این وحدت صدمه بزند، این معصیت کار که هست هیچ، خائن که هست هیچ، معصیت یک معصیتی است که ممکن است که یک کشوری را به هم بزند. اگر کارشکنی برای این وحدت بشود، این وحدتی که الان در بین ملت ما موجود است، بین دولت و ملت ما موجود است، اگر یک نفر خدشه بکند بر این، بخواهد به هم بزند این وحدت را، این معصیت خدا را کرده است و در حضور خدا، معصیت خدا را کرده است و علاوه بر این جنایت بر جمهوری اسلام کرده. این / اگر این معنا در ذهن انسان باشد که خدا فرموده است که با هم باشید، تنازع با هم نداشته باشید، خدا فرموده است که وحدت داشته باشید. و ما برای خدا وحدت می خواهیم داشته باشیم، این وحدت را کسی نمی تواند به هم بزند، این وحدت الهی است، این یدالله است. یدالله فوق همه ایدی است، این را کسی نمی تواند به هم بزند. اما اگر برای خودم می خواهم بکشم، اگر هم می گویم وحدت پیدا کنید که خودم به نوایی برسم، این مال شیطان است، هیچ اثری ندارد، یعنی اثر سوء دارد برای انسان. ما باید دنبال تحکیم وحدت خودمان باشیم ملت و دولت مان خیال نکند که او دولت است و آن ملت همه مال یک کاروان هستیم که رو به آن عالم می رویم و باید اطاعت خدا بکنیم و با هم باید باشیم. اگر این طور باشد، پیروزی هیچ اشکال ندارد، که نصیبان می شود و این پیروزی ای است که خدا می دهد، این نصرتی است که خدا می دهد، او را ما با جان و دل قبول می کنیم چون هدیه خداست و اگر خدای نخواست این طور نباشد و ما با زور شمشیر فرض کنید و با زور تفنگ پیروز بشویم و پیروزی را از خودمان بدانیم، این پیروزی نیست، این شکست است، حالا شما خیال می کنید پیروزی است اما اگر پرده برداشته بشود، می بینید یک شکست بزرگ است. ۶۱۷

برای خدا، با هم باشید

باید با هم باشید، برای اطاعت خدا که فرموده است که باید با هم باشید، وحدت باید داشته باشید، اختلاف نباید داشته باشید ما باید وحدت داشته باشیم، یعنی حفظ کنیم وحدت را. وحدت هست، لکن ادامه می خواهد. ادامه باید بدهیم ما این وحدت را و این است که / گوشمان را / به حرف کسانی که خدای نخواست می خواهند تفرقه بیندازند، به حرف آنها گوش ندهیم اصلش. البته در هر جایی هستند اشخاصی که بخواهند که فساد بکنند، لکن وقتی یک ملتی / شد / برای خدا وحدت را می خواهد ایجاد کند و واحد باشد با دیگران، این دیگر گوشش به حرف این کسی که فساد می خواهد بکند، بدهکار نیست. گوش آن آدمی بدهکار است که در او یک سستی هست در این جهت. در جهت / آن جهت / معنویت و الهیت وقتی که یک سستی باشد، آن وقت آن چیزهایی که گفته می شود، در انسان تاثیر می کند. تاثیرش هم کم کم زیاد می شود، یک وقتی انسان هم می شود از آن وری. اما اگر این جهت را محکم کردیم ما که ما برای خدا، از خدا هستیم و برای خدا باید عمل بکنیم و به خدا مراجعه می کنیم، انا لله و انا الیه راجعون ۶۱۸ ما از او بییم، به او برمی گردیم، او فرستاده، برمی گردانیم. اگر ما این را تحکیم کنیم در قلبمان که ما از او هستیم و هر چه او گفته است، باید بکنیم. گفته است که با هم باید باشید که اگر با هم باشید کسی نمی تواند شما را چه بکند، ما هم با هم باید باشیم برای اطاعت خدا. ۶۱۹

باید انسان به توحید کلمه و کلمه توحید برسد

کافی نیست که ما و شما در یک محفلی جمع بشویم و در جاهای دیگر هم همین طور، لکن آن مقصدی که مقصد اسلام است و مورد امر خدای تبارک و تعالی است و همه انبیا برای آن مقصد آمده اند، آن مقصد غفلت بشود. باید گفتارها، انسان را برساند

به معنویات و برسانند به توحید کلمه و کلمه توحید. آسان است که ما سمینار و مجامع درست کنیم و در آن مجمع ها همه قشر اشخاص باشند، از روحانی، از نظامی و از انجمن های اسلامی، این امری است که آسان است، لکن این امر برای رسیدن به مقصود کافی نیست، باید این اجتماعاتی که می شود، دنبال او و در خود او کوشش بشود به اینکه آن وحدت حقیقی که لازمه یک امت مسلمان است و مورد توجه پیغمبران عالم است و مورد امر خدای تبارک و تعالی است، آن امر را دنبال کنیم که حاصل بشود و در طبقات متعارف ملت و ملت ها این وحدت آسانتر است تا طبقات بالا، به اصطلاح بالا. برای اینکه انسان یک موجود است که اگر چنانچه مهار نشود و سر خود بار بیاید و یک علف هرزه ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هر چه بزرگتر بشود به حسب سال و بلند پایه تر بشود به حسب مقام، آن جهات روحی تنزل می کند و آن معنویات تحت سلطه شیطان، شیطان بزرگ که همان شیطان نفس است واقع می شود. ۶۲۰

فصل سوم: وظایف مردم و مسؤلین در مقابل یکدیگر

۱- محبت و تفاهم بین دولت و ملت

ما رهین منت این توده های بزرگوار و ایثارگر هستیم

شما قدرت نمایی در دنیا کردید غافل از این قدرت نمایی نباشید. اینهمه دشمن ها برای همین است که این یک قدرتی در مقابل دنیاست و متحیرند باید چه کرد. با این قدرت شما یک قدرتی نشان دادید به دنیا که تاکنون هیچ جمعیت قلبی نتواسته است این قدرت را در جمعیت های بزرگ ایجاد کند. باید این را حفظش کنید اسلام را زنده کردید، باید زندگی او را ادامه بدهید ادامه اش به عهده همه است، از کسی که شخص اول روحانیون هست و مراجع هستند، تا آن طلبه، بچه ای که مشغول است در درس خواندن خطبا تکلیف دارند که با خطبه و با صحبت مردم را بیدار کنند و حفظ کنند علما و ائمه جمعه و جماعات با آن سنگرهایی که دارند مردم را در سنگر حفظ کنند و خود مردم هم بحمدالله حاضر هستند و ما باید از آنها تشکر کنیم و انصافا ما رهین منت این توده های بزرگوار هستیم که همه چیزشان را می دهند و چیزی هم نمی خواهند، از آن پیرزن ها که آن چیزی که در طول عمرشان تهیه کردند، حالا می آیند برای اسلام می دهند تا آن اشخاصی که قلک شان را می شکنند و پولش را می آورند برای اسلام می دهند. من نمی توانم توصیف کنم از این ملت و نمی توانم تجلیل کنم اما واگذار می کنیم تا خدای تبارک و تعالی به آنها عنایت خاص خودش را اعطاء بفرماید. ۶۲۱

ملت بر همه دست اندرکاران محبت و منت دارند

آقای رئیس جمهور و سایر دست اندرکاران و دولتمردان در جمهوری اسلامی باید بدانند که ملت شریف ایران بر همه آنان محبت و منت دارند، چرا که این ملت فداکار است که در اول انقلاب با نثار خون جوانان خود و زحمات طاقت فرسا پیروزی را به دست آورد و همه را از زندان ها و تبعیدها و انزواها و اختناق ها نجات داد و حکومت را از دستمگران باز ستاند و به آنان تحویل داد و همین ملت است که از اول پیروزی تاکنون در صحنه بوده و از کشور و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و دولت و مجلس و شورای عالی قضائی و دادگاه ها پشتیبانی نموده و با کمک و همت همین ملت، دشمنان داخل و خارج را سرکوب و حزب الله را به جای احزاب و گروه های شیطان نشانده و هم اینانند که با شوق و شغف به آقای رئیس جمهور بیش از شانزده میلیون رای دادند و بر کرسی ریاست جمهوری نشانده و هم اینانند که به خواست خداوند تعالی قادرند کشور را حفظ و از شر شیاطین نجات دهند و اینانند که بر همه ماها و شماها حق دارند و همه می بایست دین خود را به آنان ادا کنیم و در خدمت ملت خصوصا مستضعفین که

سنگینی این جمهوری به دوش آنان بوده و بدون کوچکترین توقعی در خدمت اسلامند، با جان و دل کوشا باشیم. و مادام که همه ما و شما در خدمت مردم هستیم آسیبی به جمهوری اسلامی وارد نمی شود و ملت بزرگ و بیدار و در صحنه جواب همه یاوه سرایان و زورگویان را می دهد. ۶۲۲

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سکوت ندارد

امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را اینطور حساب نکنید. رژیم های سابق مردم را از خودشان جدا می دانستند. آنها در یک طرف بودند، مردم هم در یک طرف بودند. آنها مردم را می کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت. اینکه رژیم سابق از بین رفت برای اینکه پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می کردند با اینکه در خطر بودند، جانشان در خطر بود، لشکر غیر بود، لشکر اجنبی بود، لشکرهای اجنبی بودند ریختند به ایران ولی چون رضاخان را بردند، مردم خوشحالی می کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم این مرد هم که رفت که دیدید که چه شادیها کردند برای اینکه پشتیبان نداشتند. کاری نکنید که مردم بگویند که یککاش نبود این پاسدار، کاری نکنیم که مردم بگویند یککاش روحانیتی در کار نبود. مسأله مهم است. قضیه این نیست که من ساقط باشم، قضیه این نیست آقا ساقط باشند، قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز اینطوری است وضع ما، همه انشاءالله با هم متوجه به اسلام و وظائف. ۶۲۳

شکست ناپذیری کشورها در سایه تفاهم میان ملت و دولت

شما ملاحظه کردید که در این انقلاب، شما همه قلوبتان برگشت به طرف ملت و این را خدای تبارک و تعالی این قلب ها را برگرداند و الا یک ارتشی که در طرف دیگری بود، باید به حسب آن وضعی که ارتش دارد، باید بر خلاف مسیر مقابل خودش باشد، لکن شما ملاحظه کردید که دل هایتان برگشت به این طرف و اسباب این شد که گروه های مختلف پیوستند به ملت و با ملت همقدم شدند، همصدا شدند و این موجب پیروزی ملت شد، ملتی که هیچ نداشت و آن طرف همه چیز داشت. این اراده خدا بود که ما را پیروز کرد و ما باید طوری عمل کنیم که این عنایت الهی محفوظ بماند برای ما، امانت داشته باشیم، توجه به خدا داشته باشیم، برای ملت خدمتگزار باشیم، همه مان وضعمان تغییر بکند با وضعی که رژیم های طاغوتی دارند. بنای ما بر این باشد که به مملکتمان خدمت بکنیم، به ملت خدمت بکنیم. ارتش باید نگهبان یک ملت باشد و نگهبان کشور باشد و سایر قوای انتظامی هم همین طور باید طوری عمل بکنند که ملت را برادر خود بدانند و ملت هم آنها را برادر خود، آنها پشتیبان ملت باشند، ملت پشتیبان آنها. اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت از هم شدند، باهم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو کشوری شکست نخواهد خورد. عمده شکست هایی که کشورها میخورند برای پوسیدگی است که از باطن خودشان پیدا می شود، ارتش شان از آنها جدا می شود، ملت پشت به آنها می کند. همین پیروزی که شما مشاهده کردید در ایران، دیدید که ملت پشت کرده بود به دستگاه و فریاد می کرد نمی خواهیم خوب،

ارتش هم از همین ملت بود، ژاندارمری هم از همین ملت بودند، اینها برادر بودند، می دیدند که نمی شود مخالفت کرد، نمی شود تا آخر سرکوبی کرد ملت را، این است که پیوستند به ملت. خرابیها مال این است که یک مملکتی قوای انتظامی اش را جدا کنند از ملت، ارتشش از ملت جدا باشد به طوری که ملت وقتی که ارتش را ببیند از آن فرار کند، ارتش هم در ذهنش این باشد که باید سرکوبی کند ملت را، ژاندارمری اش هم همین طور.، شهربانی اش هم همین طور، اداراتش هم همین طور وقتی بنا شد که یک کشوری اینطور حالش شد که ملت علیحده شدند و دولت با همه بساطش هم علیحده، این دولت پشتیبان ندارد. ملت باید پشتیبان دولت ها باشد. دولتی که پشتیبان ندارد شکست می خورد. همه شکست هائی که از این دولت هائی که در خارج شکست می خوردند و مال خودمان هم دیدیم که رژیم سلطنت اصلا به هم خورد، برای همین بود که تفاهم مابین ملت و رژیم نبود. ۶۲۴

بپرهیزد از اینکه بین دولت و ملت جدایی بیفتد

اگر ملت با رژیم تفاهم داشتند این مسائل پیش نمی آمد، الان، الان شما مشغول کار خودتان بودید، ما هم مشغول کار خودمان. این مسائل روی همین زمینه پیش آمد که دولتها در مقابل ملت می ایستادند و جبهه می گرفتند. ملت هم در مقابل دولت همین طور بود. وقتی اینطور شد نمی تواند دوام داشته باشد. ممکن است سرنیزه تا یک مدتی باشد اما دوام نمی تواند داشته باشد. اما اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند ممکن است سرنیزه تا یک مدتی باشد اما دوام نمی تواند داشته باشد اما اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند آنها خودشان را پشتیبان اینها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچو ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهد خورد. تا اینطور هستید که با ملت هستید، تا اینطور هستید که توجه به خدا داشته باشید شکست برایتان نیست. بپرهیزد از اینکه از ملت جدا بشوید، شما را بخواهند جدا بکنند، ملت هم باید بپرهیزد از اینکه از شما جدا باشد. وقتی این دو قدرت همراه هم شدند، هیچ قدرتی نمی تواند اینها را شکست بدهد. همه قدرت های خارجی، همه قدرت ها تقریبا، یعنی اینهایی که تماس داشتند، خوب بعضی تماسی نداشتند، چه ابرقدرتها و چه قدرت هایی که با این ممالک ما تماس داشتند همه کوشش کردند که محمدرضا بماند، همه کوشش شان این بود که بماند (اگر همه نگوییم یک اکثریتی که یکی، دو تا از آن می شود گفت مستثنی بود که آن هم کاری نداشت) در عین حال چون ملت یک مطلبی را نمی خواست، نشد. وقتی ملت نخواست، قوای انتظامی هم وفادار دیگر نمی توانند باشند، به یک نفر نمی شود که قوای انتظامی که از همین مردم است، پسرش توی این مردم است، برادرش توی این مردم است، عیالش تو این مردم است، برای خاطر یک نفر از همه چیز خودش دست بردارد. یک وقت این است که خدا و اسلام است، انسان می تواند از خودش بگذرد برای خاطر خدا، برای خاطر اسلام، برای خاطر عقیده، یک وقت این حرف ها نیست، یک رژیم می است که طاغوتی است، معنا ندارد که انسان برای خاطر یک نفر دیگر از خودش بگذرد. از این جهت چون پشتیبان نداشت، این وقتی که ملت با دست خالی فشار آورد شماها هم به او پیوستید، همه قوای انتظامی می رو آوردند به این طرف و او هم وقتی دید که از باطن پوسیده است مسأله، نتوانست کاری بکند، دیگران هم نتوانستند. کوشش کنید که قوای شما با ملت یکی باشد، با ملت تفاهم داشته باشد. انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و همه شما را از لشکر امام زمان سلام الله علیه قرار دهد. ۶۲۵

امیدوارم ملت ایران باهم باشند و عزت خودشان را حفظ کنند

امیدوارم ملت ایران به همان اندازه که تا به حال خوب آمده است، از این پس هم بیاید امیدوارم ملت ایران با هم باشند و عزت خودشان را حفظ کنند ما قبلا وابستگی ذلت باری داشتیم که محمدرضا قبول کرده بود و ما در مقابل امریکا یک عبد ذلیل بودیم، ولی ایران این ذلت را شست و عزت پیدا کرد. شکم و نان و آب میزان نیست، عمده شرافت انسانی است، و شرافت به این نیست

که انسان دستش را روی سینه بگذارد تا چند شاهی به او بدهند بلکه شرافت انسانی به این است که در مقابل زور بایستد. و جوانان ما ایستادند. و در مقابل آنها حصر اقتصادی کردند که همین حصر اقتصادی جوانان ما را بیدار کرد و فهمیدند که خودشان باید کار کنند و زحمت بکشند تا احتیاجی به خارج نداشته باشند. خداوند به شما توفیق دهد تا در کارهای فرهنگی و تبلیغی موفق باشید. ۶۲۶

کشور مال خودمان است و خودمان باید اداره اش کنیم

خداوند به ما منت گذاشت که اسلام را و ایران را به ما برگرداند و ما خودمان انشاءالله الان کار خودمان را انجام می دهیم و باید بدانیم که باید فکرمان این باشد که ما خودمان می خواهیم کار بکنیم اصلا فکر اینطور باید برگردد که مملکت، مملکت خودمان است، خودمان هم باید آبادش کنیم. کشاورز باید همین فکر را داشته باشد، آنهائی که در کارخانه ها عمل می کنند باید همین فکر را داشته باشند، آنهایی که در موارد صنعتی و اینها کار می کنند باید کارشان همین، فکرشان این باشد که کشور مال خودمان است، وقتی مال خودمان است، معنا ندارد که یکی دیگر بیاید اداره اش کند، باید خودمان اداره اش کنیم آنجور نباشد که سر هر کارخانه ای باید کسان دیگری بیایند و بیایند که نگذارند اینجا پیشرفت کند. آمدن، برای این بود که کارها را آنها تکفل کنند، پادوئی را به اینها بدهند. شما، ایرانی ها بیش از اینکه پادو باشند، بیش از اینکه در یک اداره ای پادو باشند، در یک جایی که صنعت است کاری به آن نداشته باشند اینها برای این جهت می آمدند اینجا و حالا بحمدالله گور خودشان را گم کردند و رفتند و شما خودتان هستید و خودتان و پشتیبان شما خداست. انشاءالله خداوند به همه شما سلامت بدهد و تشکر می کنم از شما که رادیو تلویزیون را راه انداختید. ۶۲۷

پشتیبانی مسؤلین جمهوری اسلامی، پشتیبانی اسلام است

پشتیبان مجلس، پشتیبان قوه قضائی، پشتیبان دولت یعنی پشتیبان اسلام، اینها برای اسلام دارند خدمت می کنند در زمان حضرت امیر سلام الله علیه هم انحرافات بوده است. انحرافات جزئی بوده است زمان خود پیغمبر اکرم هم انحرافات بوده است، شما اگر قرآن را توجه بکنید می بینید که چقدر از همان مردم شکایت شده است. اختلافات، یعنی انحرافات یک چیزی نیست که مال حالا باشد لکن مقایسه باید کرد بین انحرافات قبل از این جمهوری اسلامی و انحرافات حالا. می گویند خوب است که به اسم اسلام نباشد. به اسم اسلام نباشد که وقتی اسلام نباشد با یک اردنگی همه را بیرون می کنند. چرا به اسم اسلام نباشد؟ مگر اسلام جز این می خواهد که قوه قضایی اش خوب باشد، قوانین اسلامی اش هم عمل بشود اینها دارند زحمت می کشند برای این. حالا یک جایی هم خلاف واقع می شود کجاست که، زمان پیغمبر مگر واقع نمی شد؟ زمان حضرت امیر واقع نمی شد؟ مگر مردم با حضرت امام حسن چه کردند؟ همان اصحاب چه کردند با او؟ ملت ایران بهترند یا آنها؟ اسلام در حالا بهتر است یا آنوقتی که آنها با اسم اسلام پیغمبر را آنطور اذیت می کردند و اولاد پیغمبر را آنطور کشتند با اسم اسلام؟ چرا باید عقده های قلبی انسان را منحرف کند و هواهای نفسانی همه چیز را کنار بگذارد و فقط عیوب را نگاه کند؟ آن هم یک عیب را که ببیند بگوید اصلا عالم به هم خورد، تمام شد اسلام تمام شد. اگر یک قاضی یک جایی انحراف پیدا کرد بگویند نخیر دیگر اصل اسلام تمام شد، این اسلام به درد نمی خورد آن اسلامی به درد می خورد که سرتاسر خیابان هایش فحشا بود، فحشای علنی؟ به او راضی هستند، به این راضی نیستند اگر مهلت داده بود خدا به اینها، خدا می داند که با اسلام می خواستند چه بکنند. اسم اسلام، اما اسلام را چه جوری معرفی کنند اسلامی که با مشروبات مخالف نیست، اسلامی که با حدود شرعیه هم سروکار ندارد، نباید جاری بشود، اسلامی که با مراکز فحشا هم نباید دخالت بکند، اسلام شاهنشاهی این بود دیگر. اسلام بود اما مراکز فحشا سرتاسر ایران پر بود،

اسلام بود اما مراکز فساد سرتاسر ایران پر بود ، اسلام بود اما فحش به اسلام می دادند ، فحش به پیغمبر اسلام دادند و کسی آنوقت نگفت چرا ، زمان رضا شاه ملعون و این زمان بدتر از او شده بود . اینها شیطان تر بودند از او و اگر چنانچه مهلت پیدا کرده بودند اینها ، خدا می داند که این ملت را به کجا می رساندند و این جوان های ما را به کجا می رساندند . ۶۲۸

تضعیف دولت ، تضعیف اسلام است

آقا بیدار باشید دولت بیدار باش ملت بیدار باش !! کم کم شما را دوباره نکشانند به آنجا . از الان ، از الان باید این مسائل حل بشود ، البته تدریج هم می خواهد ، تدریج دارد اما شروع می کنیم ، ما شروع می کنیم ، البته مهلت هم می دهیم به دولت ، باید مهلت بدهیم . به این حرف هایی که زده می شود در اطراف که (چه شد ؟ چه کردید ؟ چه خواهد شد) به اینها گوش ندهید ، اینها می خواهند تضعیف کنند دولت ما را تضعیف دولت ما . تضعیف اسلام است . دولت ، دولت اسلام است تضعیف ارتش ما تضعیف اسلام است . تضعیف نکنید . البته تصفیه می شود تمام ادارات ، تصفیه می شود ، تمام وزارتخانه ها تصفیه می شود ، دزدها بیرون می روند ، خیانتکارها بیرون می روند لکن همه خیانتکار نیستند ، امانا باقی می ماند ، عزیزند . ۶۲۹

اسلام در رابطه بین دولت و ملت ، ضوابط و حدودی معین کرده است

اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز چنین رابطه مسلط و زیر سلطه بوجود نمی آید . اساسا حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری ، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است ، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد . حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد ، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیما در برابر سایرین ، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده دهد و در غیر اینصورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد ، خودبخود از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این مشکل را حل می کند . ۶۳۰

قیام ، بر خلاف حکومت اسلامی قیام بر خلاف حق است

قیام بر خلاف حکومت اسلامی ، قیام بر خلاف حق است و مجازات دارد اما مخالفت با این رژیم و یا هر رژیمی ، مخالفتش معصیت الهی است ، لکن مجازات به آن معنا که یک جزاء عرفی هم داشته باشد ندارد ، به خلاف قیام بر ضد حکومت ، قیام بر ضد حکومت جزاء عرفی دارد در شرع ما و خیلی هم سخت است آن جزا . از این جهت ما سفارش می کنیم به حکومتها به حکومت های جائز ، به استاندارهای همه جا ، به ژاندارمری های همه جا ، به ارتش ، هر جا که هست ، به اجزاء ادارات ، به نخست وزیری ها ، به کذا ، به همه اینها ما اعلام می کنیم که آقای مهندس بازرگان حکومت شرعیه دارد از قبل من ، و بر همه واجب است که اطاعتش را بکنند و شما آقایان هم که از اهل علم و از علما هستید ، مردم را ارشاد کنید و اگر بناست که به جاهای دیگر هم بروید ، بروید به همه جا و مردم را ارشاد کنید و به آنها بفهمانید که مساءله حکومت عدل است . مساءله ، مساءله حکومت اسلامی است . ۶۳۱

رژیمهای خیانتکار از مردم می ترسند

فرق مابین قوای انتظامیه در نظام و در رژیم طاغوتی و قوای انتظامی در رژیم اسلامی این است چون رژیم طاغوتی مبنایش بر استفاده های شخصی و رساندن انتفاع به کسانی که ارتباطات خارجی با آنها دارد و می خواهد حفظ کند او را ، ناچار آن رژیم به ملت خیانت می کند ، می خواهد از چنگ ملت برآید و به جیب خودش و ارباب هایش بکند چنانچه مشاهده کردید و کردیم . از این جهت قوای انتظامی که آن رژیم می خواهد این است که جوری تربیت بشود که حفظ همان منافع او را بکند و چون خیانتکار است از ملت می ترسد و چون می ترسد می خواهد که یک قوای درست کند که ملت را بترساند . اینکه قوای انتظامی در رژیم های غیر انسانی و غیر توحیدی کوشش دارند که مردم را سرکوب کنند و بترسانند ، این برای این است که خودشان از مردم می ترسند و چون خیانتکارند می ترسند ، از این جهت ارتش را جوری درست می کنند ، تربیت می کنند که در مقابل ملت بایستد . ملت را از ارتش جدا می کنند ، ژاندارمری را ، شهربانی را ، اینها را طوری تنظیم می کنند که از ملت جدا باشد و با ملت مخالف باشد . این برای این است که چون دستگاه از ملت می ترسد و می خواهد که اینها با ملت روابط نداشته باشند و مخالف ملت باشند و ملت هم مخالف اینها و لهذا قوای انتظامی در امثال ایران ، نه در خود ایران تنها در امثال این کشورها طوری هستند که با مردم در دو جهت واقع هستند . مردم از قوای انتظامی بیزارند و قوای انتظامی هم مردم را می خواهند سرکوبی کنند و تمام اساس این است که آنها برای اینکه خودشان را حفظ کنند یک قوای تربیت می کنند که این قوا آنها را حفظ کند و از ملت هم جدا باشند . شما می دانید که اگر چنانچه این محمدرضا می خواست از یک خیابانی در چند روز دیگر عبور کند ، آن جاهائی که در مسیر او بود کنترل می شد . خانه های اطراف خیابان باید یا خالی بشود یا مامور انتظامی بروند آنجاها پاس بدهند برای اینکه در یک عبوری می ترسید ، از مردم می ترسید مردم را هم می ترسانند از باب اینکه می ترسیدند از مردم ، می ترسیدند از باب اینکه خیانتکار بودند . خیانت منشاء این شد که یک شخص خائن ، اسباب این شد که تمام قوای انتظامیه ای که باید در خدمت مردم باشد اینها را می کشیدند به ضد مردم ، مردم از شما جدا بودند ، متنفر هم بودند ، شما هم از مردم جدا بودید و خیال می کردید باید تو سر مردم بزنی . اما رژیم اسلامی اینطوری نیست برای اینکه آن کسی که مبداء امر است ، خیانتکار نیست وقتی خیانتکار نیست از ملت نمی ترسد ، ملت به او وفادارند ، قوای انتظامی در آن رژیم برای حفظ ملت است و برای این است که به مردم خدمت بکنند . وقتی که قوای انتظامی اینطور تربیت شد که به مردم خدمت بکند ، آنها خدمتگزار ملت می شوند ، ملت هم خدمتگزار است از او پشتیبانی می کند . اینکه در آن رژیم شهربانی ها مثل وقتی که مردم اسم شهربانی می شنیدند یا اسم سازمان امنیت را می شنیدند می لرزیدند به خودشان و می ترسیدند از اینها و از شما روگردان بودند . این برای این بود که وضع را اینطوری پیش آورده بودند . در این ممالکی که اینها همه می خواهند مردم را بچاپند ، خزائن مردم را ببرند و خدمت بکنند به ارباب هاشان ، اینها ناچارند که برای این کار یک قوای تهیه کنند مناسب با این کار و اینطور تربیت می کردند ، قهرا آن کسی وارد می شد در شهربانی یا وارد می شد در ژاندارمری یا وارد می شد در ارتش ، به این ترتیب وارد می شد ، از آن طرف شاهدوستی را باید خیلی تزیق کنند که هر روز بخوانند به گوش سربازهای جوان و از آن طرف مردم را از اینها جدا بکنند . ۶۳۲

باید اساس تشویق مردم باشد

الان آنچه مربوط به مسائل آخر است ، این است که رادیو تلویزیون و مطبوعات مال عموم است . چنانچه شما هم همین اعتقاد را دارید که عموم بر آنها حق دارند از این جهت من به سهم خود خیال دارم که راجع به من کم باشد ، مگر در مواقع حساسی که لازم است که آن هم باید از ما سوال شود که آیا مطلبی را باید نقل بکنند یا خیر . و الا آنچه خوب است در رادیو تلویزیون و مطبوعات باشد ، آن است که برای کشور اثری داشته باشد . مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود ، شما این شخص را به جای مقامات کشور در صفحه اول بگذارید و زیرش بنویسید این زارع چگونه بوده است ، این منتشر بشود . و یا

کارمندی خوب کار کرد، و یا اگر طبیعی عمل خوبی انجام داد، عکس او را در صفحه اول چاپ کنید و بنویسید که این عملش چه طور بوده است. این باعث تشویق اطباء می شود و بیشتر دنبال کار می روند. یا مثلا اگر کسی کشفی کرد، باید مفصل با عکس و مطلب باشد - یا اگر کسی سارق را دستگیر نمود، و یا یک کشاورز و یا هنرمند و یا جراح - که متاسفانه نه اسمشان است و نه عکسشان! در حالی که اینها لایقند تا در روزنامه ها مطرح شوند. خلاصه، باید اساس تشویق اشخاص باشد در این کشور فعالیت می کنند اینها به این کشور حق دارند، به این روزنامه ها حق دارند، به رادیو تلویزیون حق دارند، ولی ماها نسبت به آنها حقمان کم است. البته، آنچه من می گویم راجع به خودم است، به دیگران هیچ کاری ندارم، آنها اختیارشان با شما و با خود آنهاست. من میل ندارم رادیو هر وقت باز می شود اسم من باشد، مدتهاست که از این جهت متنفرم، این کار غلطی است، به اندازه متعارف نسبت به همه خوب است، زیادیش مضر است، این به ضرر مطبوعات است و مطبوعات را سبک می کند. اشخاص، شخصیتهایشان با خودشان است، این طور نیست که اگر اسمشان زیاد یا کم مطرح گردید، شخصیتشان زیاد یا کم شود. در ایران هرکس معلوم است چه جوری است. بنابراین، آنچه راجع به خودم می گویم این است که اگر قرار است عکس مرا بگذارید، به جای آن، عکس یک رعیت را بگذارید و زیرش بنویسید این رعیت چه کار مهمی کرده است. ۶۳۳

نمونه ای از تشویق در نظام اسلامی

آن ارزشی که شما دارید، شما برادران دارید و آن ارزشی که اسلام به شما داده است، از پیغمبر اکرم شنیده اید که نقل شده است که کف دست یک کارگر را، یعنی همان محلی که کار درش تاثیر کرده و پنبه بسته، آنجا را بوسید و این، یک نشان ارزش است برای کارگر در طول تاریخ پیغمبر اسلام که اولین فرد انسان هاست و بزرگترین انسان کامل است، نسبت به کارگر اینطور تواضع بکند و کف دست او را که علامت کار است ببوسد، این نکته دارد که کف دست را بوسیده، نه پشت دست را کف دست آثار کار درش هست، می خواهد ارزش کار را به عالمیان اعلام کند، به مسلمین اعلام کند که ارزش کار این است که آنجائی که کارگر که کار کرده است، در اثر کار یک نشانه ای پیدا کرده من آنجا را می بوسم که ملت های اسلامی و بشر ارزش این کارگر را بداند. ۶۳۴

۲- امر به معروف و نهی از منکر

قدرت طلبی یا ثروت طلبی مسؤلین زمینه ساز انحراف

من سالروز پیروزی انقلاب اسلام و دهه فجر را به همه ملت و همه مستضعفین جهان و شما آقایان که اسوه حسنه این ملت هستید تبریک عرض می کنم و از خداوند تعالی توفیق همه را برای خدمت به بندگان خدا و ادامه پیروزی از خداوند توانا می خواهم. اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که به نظر می آید در راس امور واقع است و او اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند. اساس سلطه ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است، افراد مرفه و کسانی که سرمایه های بزرگ داشته اند یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است مادامی که مجلس و ارگان های دولتی و همه اینها و مردم از این طبقه متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی به هم بزند اوضاع را همیشه این قدرت های بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می کردند که این یک نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت می کرد، او را می دیدند و ملت را می چابیدند و به اصطلاح کدخدا را می دیدند و ده را می چابیدند هیچ وقت قدرت های بزرگ مواجه با

ملت‌ها، اگر شدند نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند هر وقت که می‌خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی‌کرده از بین بردارند، در مقابل او یک قدرت دیگری می‌تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می‌بردند کار به دست ملت نبوده است و کار به دست طبقه متوسط و مادون متوسط نبوده است. اینکه این عمل را آنها انجام می‌دادند یک نکته روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تناهی ندارد، آمالش، آمالش غیر متناهی است، وقوف نمی‌کند آمال انسان و وقتی که اینطور است اگر انسان اسیر همین آمال غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این آمال او را و آن خواست‌های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ می‌کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار بکند برای اینکه از طبقه مرفه است و از طبقه قدرتمند است و قدرتمندی هم و همین طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه‌ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن می‌کند که همه حیثیت ملت و گنجینه‌های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یک سهم ناچیزی هم برای خودش بگیرد. الان شما ملاحظه می‌کنید که قدرت‌هایی در دنیا هست از حیث مال که اگر چنانچه اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم، اگر یک نفر از آنها اموالشان را تقسیم بکند، تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه می‌شوند و از طبقه به اصطلاح خودشان بالا می‌شوند. یک نفر از آنها اینطور است لکن همان آدمی که دارائی او به این اندازه بود، از این آدمی که درویش سر محله است حرصش به دنیا بیشتر بود، حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر می‌خواست جمع بکند هر چه مال اضافه بشود حرص انسان اضافه می‌شود، هر چه قدرت اضافه بشود حرص انسان به قدرت اضافه می‌شود و اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می‌گیرد، وقتی برای خودش به کار گرفت دولت‌های بزرگی که هستند، ابرقدرت‌هایی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می‌کنند و این آدم قدرتمند را به او بال و پر می‌دهند و این را به مقام می‌رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت را بچاپد. شما ملاحظه وضع این پنجاه سال، یک قدری بیشتر را هم بکنید که انتخاب کردند خارجی‌ها و بعد هم این مطلب را خودشان گفتند که رضاخان را انتخاب کردند و به او قدرت دادند و قدرت آنطور دادند که تمام این ملت را به استضعاف کشانید و حکومت جبار خودش را بر اینها قرار داد و مردم را از همه چیز ساقط کرد و یک نفر بود. آنها آن یک نفر را دمش را می‌دیدند و کارهایشان را انجام می‌دادند و بعد از او هم محمدرضا را گذاشتند با آنهمه افرادی که اطراف او بودند و همه شان از آنها بودند که طبقه بسیار مرفه و خوشگذران و بالا بالاها به اصطلاح آنها. ۶۳۵

مردم باید مواظب وضع زندگی و روحیه مسؤلین باشند

باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه متوسط است و توی این مجلس آن دوله‌ها و سلطنه‌ها و سلطنتی‌ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولت‌هایی که افراد مرفه سرمایه دار کذا باشند نداریم، در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذائی که املاک بی‌اندازه داشتند و آپارتمان‌های چندین طبقه داشتند نداریم، این مملکت محفوظ می‌ماند. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که از مرتبه متوسط می‌غلطید به طرف مرفه و دنبال این هستید که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکن پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و اینطور افرادی که به تدریج ممکن است یک وقتی خدای نخواستہ پیدا بشود، آنها را سر جای خودشان بنشانند. اگر ملت می‌خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمال همه است برسد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می‌دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست، همه اینها را توجه بکنند که مبدا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد. بدانید که اگر دولت اینطور باشد و اگر ملت اینطور باشد و اگر چنانچه مجلس و امثال اینها اینطور باشد، اگر یک قدرتی بخواهد حمله کند به اینجا، مواجه با سی میلیون جمعیت هست و نخواهد توانست، نمی‌تواند آنوقت پیدا کند یک کسی که قدرتمند باشد و آن

قدرتمند را وادار کند که ملت را به استضعاف بکشند و بچاپند ملت را. برای آنها، تاریخ همین طور بوده مادامی که این ملت ها از یک در بینشان افرادی پیدا نشده است که به آن مرتبه برسد در بین آنها که قدرت مالی یا قدرت دیگرش زیاد بشود و به مردم حکومت کند، نمی توانند آنها این ملت ها را از بین ببرند و حکومت بر آنها کنند و بالاخره یک وقت یک ابرقدرتی مواجه با یک نفر، دو نفر، صد نفر، پانصد نفر هست که آنها را سیر می کند و آنها به جان مردم می افتند و خودش هم کنار می نشیند و حکومت بالا-تر را خودش دارد، حکومت پائین تر را به این آدمی که، یا این آدمهایی که در این کشور هستند واگذار می کند. اساس استضعاف ملت ها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما شکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه توی آن هیچ نیست آن طبقه ای که اگر مالش را تقسیم کند بین ملت ما، ملت ما ثروتمند می شوند، ندارید حالا، در دولت هم ندارید یک همچو ثروتمندانی و یک همچو قدرتمندانی، ندارد دولت یک همچو قدرتی، رئیس جمهور یک همچو قدرتی که بتواند یک چیز انحرافی را به ملت تحمیل کند، یک همچو مجلسی نداریم که بتواند یا بخواهد یک امر انحرافی را تصویب کند و دولت هم مجری او باشد. ۶۳۶

مادامی که این حد متوسط محفوظ است، این جمهوری محفوظ است

مادامی که این حد متوسط محفوظ است این جمهوری محفوظ است و امکان مقابله نیست مابین قدرت های بزرگ با همچو دولتی بخواهند کودتا کنند با کی کودتا کنند؟ بخواهند از خارج وارد کنند، مواجه با کی می شوند؟ مواجه با یک ملتی می شوند که همه شان از این طبقه ای هستند که این نهضت را به پیش بردند و با آن قدرت و با آن عظمت به پیش بردند اینها مطالعه امور را می کنند و اقدام می کنند. آنها الان درصدد اینند که در بین خود این مردم یک بساطی درست کنند و اختلافاتی درست کنند و بلکه میان اختلافات یک نفر پیدا بکنند که این، آن نفری که پیدا است، در یک طرف واقع بشود و این هم به او قدرت بدهند، تا آنکه کم کم با قدرت داخلی، این کشور کم کم ضعیف بشود و مردم روحیه شان ضعیف بشود و بعد تقدیم کنند به آنها تا کشور ما این مقام را دارد که بحمدالله از آن طبقه مرفه بالا-یی که امور را در دست گرفته اند مبری هست و امور کشور ما به دست امثال شماها و امور کشور ما به دست امثال این رئیس جمهورها و رئیس مجلس ها و نخست وزیرها و وزرا و و کلا هست، شما مطمئن باشید که نخواهد توانست یک قدرت خارجی این پیروزی را از بین ببرد. ۶۳۷

مردم باید جلوی قدرت طلبی یا ثروت طلبی مسؤلان را بگیرند

و آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حیث قدرت طلبی و از حیث مال طلبی، در کشور در وزیرها پیدا شد، در رئیس جمهور پیدا شد، آن روز بدانند که علامت اینکه شکست بخوریم، خودنمایی کرده از آنوقت باید جلویش را بگیرند. رئیس جمهوری که بخواهد سلطنت کند به این مملکت، خود مردم باید جلویش را بگیرند مجلسی که بخواهد قدرتمندی نشان بدهد و آن مسائلی که سابق و آن افرادی که سابق در مجلس بودند آن کارها را بکند، خود مردم باید جلویش را بگیرند اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری اسلامی را حفظ کنند، دولت و مجلس و رئیس جمهور و اینها را حفظشان کنند یعنی حفظ کنند، از اینکه خدای نخواستہ یک وقت قدمی از آن ور بردارند این شیطانی است که در انسان هست و ممکن است که هرکس را منحرف کند و لازم است که انسان خودش را مهذب کند. شمائی که می خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که می خواهد خدمت به این مردم بکند و رئیس جمهور و امثال اینها که می خواهند خدمت به این مردم بکنند، توجه بکنند که خدمتگزارند، در دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند به آن که ما خدمت می خواهیم به این مردم بکنیم. ما در جمهوری اسلامی داریم زندگی می کنیم، جمهوری اسلامی که در اسلام مثل رسول اکرم، مثل امیرالمومنین سلام الله علیهما بر

آن حکومت کرده اند، می خواهیم یک همچو حکومتی باشد، یک همچو حکومتی که کفش وصله خورده خودش را می گوید از این ریاست ها پیش من ارزشش بیشتر است، یا ریاست ها ارزشش کمتر از این است شما باید در روحیه تان این مطلب را حفظ کنید و مردم هم باید مواظب شما باشند و مواظب همه اینها باشند و هر یک از ما و شما و همه خواستیم که از آن راهی که اسلام داشته است از اول راهی که داشته است و از آن طریقه ای که انبیا داشته اند ما بخواهیم عبور کنیم، آن روز نمونه شکست پیروزی اسلام پیدا می شود و تا یک همچو مسأله ای پیدا نشده پیروزی در جای خودش شک نکند که هست، البته برای خدا باید باشد شما برای خدا در این مجلس حالا آمدید، وقتی مجلس اینطور است که یک امتیازی نیست که حالا وقتی شما رفتید توی بازار، مردم کنار بروند که رئیس مجلس آمد یا وکیل مجلس آمد، نخست وزیرش هم اینطور است، اینجور نیست که وقتی که توی مردم برود، مردم فرق بگذارند با هم و همه اینها اینطور هستند، وقتی یک همچو مطلبی را دارید احساس می کنید که امتیاز دنیائی ندارید، این را باید شکر کنید و در شکرانه این نعمت خدمت به خلق بکنید و خدمت به احکام اسلام بکنید و برای اینهایی که اولیاء ما هستند، این پائین شهری ها و این پابرنه ها به اصطلاح شما، اینها ولی نعمت ماها هستند. ۶۳۸ اگر تا آخر عمرمان به مردم خدمت کنیم نمی توانیم از عهده خدمت آنها برآئیم اگر اینها نبودند، ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا. اینها بودند که همه ما را از این مسائل نجات دادند و همه ما را آوردند و نشانند به جایی، به خیال خودمان جایی است این باید ملتفت باشید که آقا شما همان آدمی هستید که توی حبس بودید و شما همان آدمی هستی که در تبعید بودی و شما همان آدمی هستی که در انزوا بودی این مردمنده که آمدند ما را آوردند بیرون. از همه اینها و ما اگر تا آخر عمرمان به اینها خدمت کنیم، نمی توانیم از عهده خدمت اینها برآئیم. خداوند به ما توفیق بدهد که ما یک خدمتگزاری برای اینها باشیم و به این نعمت موفق بشویم. شما امروز هم که ملاحظه می کنید اینهایی که در جبهه ها الان دارند جانفشانی می کنند، اینها از کدام طبقه هستند. شما اگر پیدا کردید در تمام اینها یک نفری که مال آن اشخاصی باشد که دارای سرمایه های بزرگ هستند، آن اشخاصی باشد که در سابق دارای قدرت هائی بودند، اگر یک نفر از آنها پیدا کردید، این محتاج به این است که از ما مزدگانی بگیرید، ولی می دانم که پیدا نمی کنید از همین جمعیت اند، الان هم اینهایی که جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت می کنند و آنهایی که در بین شهرها و در بین روستاها حفظ می کنند شما و مردم را همین طبقه هستند. این طبقه اند که به ما الان منت دارند و از اول منت داشتند، همین ها بودند که هیچ توقعی هم ندارند، هیچ وقت هم نمی آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده اند و وکیل کرده اند، آورده اند و وزیر کرده اند، رئیس جمهور کرده اند، اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او و همین ها هستند که الان هم حفظ این کشور را می کنند و حفظ نظام این کشور را می کنند. شما آقایان نمی توانید که بروید توی کوچه ها و عرض بکنم که خیابانها و آنجا را اداره کنید، شما یک شائن دیگری دارید، یک شغل دیگری در خدمت دارید، آنها هم یک شغل دیگری دارند، اما شغل آنها آنطور است که شما را هم حفظ می کنند و من امیدوارم که این روحیه در این ملت باقی باشد و با این روحیه که سربازهای ما دارند و پاسدارهای ما دارند و آنهایی که حفاظت این کشور را می کنند، این روحیه را دارند که روحیه بسیار ارزشمندی است و شهادت طلبی است و خود را به حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور. خداوند این روحیه را به همه عنایت کند و مادامی که این روحیه هست و آن مسأله ای که قبلا عرض کردم هست، مطمئن باشید که این کشور بیمه است و هرگز نخواهد آسیب دید. خداوند انشاءالله به همه شما، به همه ما توفیق خدمت به خلق و عبادت خدا که خدمت به خلق هم از بزرگترین عبادت های الهی است عنایت فرماید و شرکسانی که می خواهند این کشور را و مسلمین را باز برگردانند به حال انزوا یا به حال تحت سلطه بودن، آنها را هم یا اصلاح و

یا اعدام فرماید. ۶۳۹

مطلب دیگری که باز دنباله همین مسائل است، این است که روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است، ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم، تمام ملت از دولتی‌ها گرفته و قوای نظمی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره جات، تمام ملت بی استثنا مسؤوول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواستہ خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود، فرق دارد با گناه‌های دیگری حتی با کبائر گناه‌های دیگر، برای اینکه بسیاری از گناه‌ها هست که به خود انسان بر می‌گردد، به جامعه بر نمی‌گردد، لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت‌های مسلم است. باید توجه کنید که اگر اشخاصی در تمام این ارگان‌هایی که الان بعد از انقلاب بوجود آمده، چه آنهایی که خودرو پیدا شده‌اند و خود ملت آنها را ایجاد کرده‌اند و چه آنهایی که مثلاً مقامات ایجاد کرده‌اند، باید توجه به این معنا بکنید که اگر چنانچه اینها یک قدم بردارند برخلاف اسلام، برخلاف مصالح مسلمین، مسؤوول هستند، مسؤوولیتی که بالاتر از آن مسؤوولیتی است که انسان نسبت به کارهای خودش دارد، شخصی خودش دارد. ۶۴۰

در جمهوری اسلامی همه افراد باید آمر به معروف و ناهی از منکر باشند

امروز بحمدالله همه ملت ما الا بعضی مفسدینی که تابع ابرقدرت‌ها هستند، این کشور را از خودشان می‌دانند و دولت را از خودشان می‌دانند و همه قوای مسلح را از خودشان می‌دانند و همه کسانی که در راس کارها هستند از خودشان می‌دانند از این جهت آن فشارهایی که بر این مملکت وارد دارد می‌شود تحمل می‌کنند و باید صبر کرد، سفارش به صبر کرد. برای احقاق حق صبر لازم است. اگر ما اسلام را می‌خواهیم و اگر قرآن کریم را می‌خواهیم که در این مملکت و انشاءالله در ممالک دیگر پیاده بشود و می‌خواهیم که یک حکومت اسلامی داشته باشیم، باید همه توصیه به حق بکنیم و سفارش به حق بکنیم و در همه اطراف کشور، آنهایی که در کمیته‌ها هستند، آنهایی که در بسیج هستند، آنهایی که در دادگاه‌ها هستند و سپاه پاسداران شهربانی‌ها و همه با هم سفارش به حق بکنند و اگر اعوجاجی خدای نخواستہ در یکی پیدا بشود یا نفوذی کرده باشد بعضی افراد منحرف و چپ‌نمای نوکر راست، باید سفارش کنند و نگذارند برخلاف حق کسی عمل کند. وقتی یک کشوری ادعا می‌کند که جمهوری اسلامی است و می‌خواهد جمهوری اسلامی را متحقق کند، این کشور باید همه افرادش آمر به معروف و ناهی از منکر باشند، اعوجاجها را خودشان رفع بکنند. اگر در یک کمیته‌ای خلاف واقع می‌شود، خود افراد کمیته و خود مردم آن اعوجاج را سفارش بکنند که رفع بشود. سفارش به حق و صبر، و سفارش به صبر. در مشکلات صبر بکنند و سفارش به صبر بکنند و در همه قشرهای متصدی کار سفارش به حق بکنند کار سفارش به حق بکنند. نگذارند که بعضی افراد در هر ارگانی که هستند، در هر جایی که هستند، خود ملت نگذارند که بعضی افرادی که نفوذ کرده‌اند در همه ارگان‌ها، اینها خلاقی بکنند خلاف شرعی بکنند، خلاف عرفی بکنند و آنها را امر به معروف کنند و از منکرات نهی کنند تا به سفارش حق تعالی که فرموده است که همه مردم در خسرانند مگر مومنین که عمل صالح می‌کنند و سفارش به حق می‌کنند و سفارش به صبر. ما همه امروز وظیفه داریم، امر به معروف و نهی منکر بر همه مسلمین واجب است، جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است، سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسلمین واجب است. ۶۴۱

همه موظفیم در مسائل اجرائی امر به معروف کنیم

شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرائی است امر به معروف کنیم و اگر اشخاصی پیدا می‌شوند که خلاف می‌کنند معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند و مشکلات را هم تحمل کنیم. مشکلاتی که امروز برای ایران هست و برای مملکت جنگ زده هست، این مشکلات باید صبر بشود تا اینکه رفع بشود. شما که امروز کشور را از خودتان می‌دانید و دولت را از خودتان می‌دانید و رئیس‌جمهور را از خودتان می‌دانید و ارتش را از خودتان می‌دانید و همه مصالح کشور را مصلحت خودتان می‌دانید و هر فسادی که در کشور واقع بشود نقص برای خودتان می‌دانید، موظف هستید و موظف هستیم که هر چیزی که برخلاف حق است سفارش کنیم که انجام نگیرد و حق در ایران انجام بگیرد و مشکلاتی که در اثر جنگ و در اثر انقلاب و در اثر مخالفت با ابرقدرت‌ها برای مملکت ما پیش آمده است، خودشان صبر کنند و دوستان خودشان را به صبر سفارش کنند و انشاءالله امیدوارم که این صبر شما هم مورد رحمت الهی واقع بشود و هم فرج برای کشور ما و برای ملت ما حاصل بشود. ۶۴۲.

در مقابل انحراف فرهنگی همه موظف و مسؤول هستند

رادیو تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای موثر تباهی و تخدیر ملت‌ها، خصوصاً نسل جوان بوده است در این صد سال اخیر بویژه نیمه دوم آن چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمان‌ها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرهنگی مآب بودن در تمام شؤون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن و برای هم ردیفان نیز مشکل می‌نمود. فیلم‌های تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود حتی فرهنگ و ادب و مآثر پرارزش که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است. مجله‌ها با مقاله‌ها و عکس‌های افتضاح بار و اسف‌انگیز و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضد فرهنگی خویش و ضد اسلامی، با افتخار، مردم بویژه طبقه جوان موثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه‌های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازیها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد می‌شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسک‌ها و اسباب بازی‌ها و کالاهای تجملی وارد می‌شد و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی‌اطلاع هستیم و اگر خدای نخواستہ عمر رژیم سرسپرده و خانمان برانداز پهلوی ادامه پیدا می‌کرد، چیزی نمی‌گذشت که جوانان برومند ما، این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است، با انواع دسیسه‌ها و نقشه‌های شیطانی به دست رژیم فاسد و رسانه‌های گروهی و روشنفکران غرب و شرق گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمی‌بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه می‌کردند و یا به خدمت قدرت‌های جهانخوار درآمده و کشور را به تباهی می‌کشاندند. خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شر مفسدین و غارتگران نجات داد. اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس‌جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات

برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی های مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسؤول می باشند، و مردم و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند . ۶۴۳ .

امت باید امر به معروف و نهی از منکر بکند

الان مکلفیم ما، مسؤ ولیم همه مان مسؤ ولیم، نه مسؤ ول برای کار خودمان مسؤ ول کارهای دیگران هم هستیم کلکم راع و کلکم مسؤ ول عن رعیتهم همه باید نسبت به همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران، مسؤ ولیت من هم گردن شماست، شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسؤ ولید اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی. باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواستہ یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند و نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند . ۶۴۴ .

اصل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه است

کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همانطوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه اصلاح شود. جامعه ما در زمان این طاغوت رو به فساد رفته بود، رو به تباهی رفته بود و مهم این بود که جوان های ما را، چه جوان های مرد و چه جوان های زن، اینها را رو به تباهی کشیدند و در این پنجاه سال، تمام تبهکاری بود. الان که بحمدالله آن رژیم هم، رژیم منحط از بین رفت و انشاءالله دیگر مثل آنها برگشت ندارند. امیدواریم که همه چیزمان را اسلامی کنیم و تربیت - تربیت - تربیت های اسلامی باشد و تربیت های انسانی باشد، حرکات و سکانات منطبق بر قواعد اسلامی باشد. اگر بخواهید مملکت خودتان، کشور خودتان مستقل باشد، اگر بخواهید از زیر قید گرفتاری های اجانب بیرون بیایید، باید متشبث به اسلام بشوید. اسلام بود و این صداهای (الله اکبر) که شما را به پیروزی رساند. من امیدوارم که باز این صداها محفوظ باشد و این علاقه هائی که به اسلام هست محفوظ بماند و به آن حدی که باید برسیم، برسیم و مملکت ما سعادت مند باشد . ۶۴۵ .

به هر مقدار که می توانید باید اصلاح کنید

ملت خودش کار بکند، هم خودش عملی را که می خواهد انجام بدهد خوب انجام دهد و هم به رفیقش بگوید خوب انجام دهد، هم به جامعه کلکم راع و کلکم مسؤ ول همین است. همه مسؤ ولیم در مقابل ملت و مسؤ ولیم در مقابل خودمان. خودم را اصلاح کنم دیگران را هم اصلاح کنم، به هر مقداری که می توانید، باز ننشینید به اینکه من اهل منبر نیستم نمی توانم یک جامعه ای را دعوت کنم، من اهل خطابه نیستم نخیر، شما همان مقداری که می توانید خودت عمل بکن، به رفیق هم به همان زبانی که داری بگو که خوب عمل کن، او هم خودش عمل کند به رفیقش بگوید . ۶۴۶ .

همه مسؤ ول اعمال دیگران هم هستند

برای ساختن یک کشوری که خرابه بود، همت لازم دارد و مهم این است که افراد هر یک خودشان را مسؤ ول بدانند، هم مسؤ ول خودشان بدانند، هم مسؤ ول کارهای دیگران، مسؤ ول خودشان که کاری که به آنها محول می شود. مثل مثلاً شماها که در شهرداری اهواز هستید، هر کاری که محول به هر فردی است، منتظر این نشود که یک کس دیگری کاری بکند، این باید کار خودش را خوب انجام بدهد و اگر چنانچه دید آن برادرش، آن رفیقش کارش را خوب انجام نمی دهد، مسؤ ول او هم هست باید او را هدایت کنند (کلکم راع)، همه باید مراعات بکنید و همه تان هم مسؤ ولید، همه ما مسؤ ولیم، یک مملکتی را باید خود شما اداره کنید، باید خود ملت اداره کنند. ۶۴۷

مقابله مردم در برابر زورگویی نعمت بزرگی است

همه آقایان احساس این را بکنند که امروز با زمان رژیم سابق فرق دارد، چون امروز یک مملکتی است که نه یک نفری است که زورگویی بکند و فشار بیاورد که یک کاری به ملت تحمیل بکند. ما یک چنین مقامی اصلاً نداریم، یعنی ملت ما هم دیگر تحمل چنین مقامی را نمی کند. وضع ملت طوری است که اگر یک مقام بخواهد چیزی را تحمیل کند، جلوی می ایستند و مشتشان را گره می کنند و مانع می شوند. این یک نعمت بزرگی است برای یک ملتی که یک مقامی نتواند ظلم کند. البته ظالم را سر جای خودش می نشانند، با قدرت هم می نشانند، اشخاص مختلف را مقامات عالی با قدرت هم سر جایشان می نشانند. اما اگر بخواهند کاری بکنند، نظیر کارهای زمان سابق که همه کارهایشان از این قبیل بود، ما چنین مقامی نداریم. بنابراین، مملکتی است مال خود شما و باید شما همانطوری که به منزل خودتان علاقه مندید که مرتب باشد و جریاناتش درست باشد، به مملکت خودتان بیشتر باید علاقه مند باشید. برای آنکه مملکت خودتان هم منزل خودتان هست و هم منزل دوستان و همکیشان خودتان از این جهت در این امر سستی نکنید و نگذارید کم کاری بشود و نکنید و همه با هم همراهی بکنید. ۶۴۸

همه مسؤ ولند جلوی خلاف دیگران را بگیرند

اگر یکی تان یک کاری بکند دیگری ساکت باشد او هم مسؤ ول است. اگر یکی یک خلاف کرد، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا. لازم نیست که کتک کاری بکنید، مواخذه کنید. اگر یک نفر خلاف کرد، ۲۰ نفر از شماها رفت گفت نکن این کار صحیح نیست، تحت تاثیر واقع می شود. اگر یک معمم، یک صورت معمم، یک کار خلاف کرد، از اطراف، معممین هجوم به آن آورد که چرا این کار را می کند، دیگر اگر من دخالتی کردم همه تان هجوم آوردید که چرا این کار را می کنی من سر جایم می نشینم. همه تان مسؤ ولید همه مان مسؤ ولیم، امروز مسؤ ولت بزرگ است برای ما، ما نصف راه هستیم و من خوف این را دارم که قضیه ما قضیه هیتلر بشود. ۶۴۹

امروز مسامحه در امر مسلمین گناه نابخشودنی است

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین المللی هستند با تدریج و ظرافت در کشور

ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملت‌ها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید خدایتان یار و نگهدار باشد. ۶۵۰

تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا هیچ ملاحظه از کسی نکند

اگر خدای نخواستہ در این نهضتی که شما کردید یک وقت کاری ما و شما انجام بدهیم، روحانیون و پاسداران، هر دو طایفه پاسدار هستند، پاسدار اسلام باید همه ملت پاسدار اسلام باشد. (کلکم راع) همه باید مراعات کنید، همه تان راعی هستید، همه مردم و همه هم مسؤل هستند، یعنی همه باید همانطوری که یک شبانی یک گله ای را می‌برد و رعی می‌کند و می‌چراند و به جاهای خوب باید ببرد، مسؤل این است که این را به جاهای خوب و به علفچراهای خوب ببرد و به آبهای خوب، و مسؤل است پیش صاحبان او به اینکه چرا نبردی، همه ما آن حال را داریم، مسؤلیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان و همه مان باید مراعات بکنیم، یعنی نه اینکه مراعات خودمان را، من مراعات همه شما را بکنم، شما هر یک مراعات همه را. یک همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه (چرا) بگوئیم، همه را جلوی شما را، همه را، به هر فردی، به هر فردی لازم کرده به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد خیلی به نظر مردم مثلا-پایین، یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا-رتبه هم هست، اگر از او یک انحرافی دید، بیاید (اسلام گفته برو به او بگو، نهی کند) بایستد در مقابلش بگوید این کارت انحراف بود نکن. می‌گویند عمر در وقتی که خلیفه بود، گفت که من اگر چنانچه خلافی کردم به من مثلا بگوئید، چه بکنید، یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این مقابل تو می‌ایستیم، اگر تو بخواهی خلاف بکنی ما با این شمشیر مقابلت می‌ایستیم. تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا و در مقابل راه انداختن نهضت‌های اسلامی، هیچ ملاحظه از کسی نکند. این آقا است این غیر آقا، این پدر است این پسر است، این رئیس است این مرئوس است، ابدا این مسائل نباشد در کار. مسأله این باشد که این آیا به طریق اسلام دارد عمل می‌کند یا نه. به طریق اسلام عمل می‌کند، هر فردی باشد باید از او قدردانی کرد و تشویق کرد و محبت به او کرد. برخلاف اسلام که باشد هر فردی می‌خواهد باشد، یک روحانی عالی مقام باشد، یک آدمی باشد که مثلا راس باشد، یک سرکرده باشد، وقتی دیدند برخلاف مسیر دارد عمل می‌کند، هر یک از افراد موظفند که به او بگویند که این خلاف است، جلوی او را بگیرند. ۶۵۱

اگر اسلام آسیبی ببیند همه ما مسؤل هستیم

اگر امروز اسلام خدای نخواستہ لطمه ببیند، آسیب ببیند، این گناهش به گردن همه ماست، یک قشر خاصی مسؤل نیستند. کلکم راع و کلکم مسؤل همه مسؤل هستید، همه ملت مسؤل هستند، همه ملت باید مراعات بکنند آن احکام اسلام را. اسلام حق دارد به همه ما و به همه انسان‌ها. الان اسلام در دست ماست و ما پاسدار او هستیم و اگر آسیب ببیند همه ما مسؤل هستیم، در بارگاه خدا همه مسؤل هستیم. اگر خدای نخواستہ در بین پاسداران یک اختلافی باشد یا یک کارهایی در بین آنها واقع بشود که برخلاف مصلحت اسلام است، برخلاف مصلحت ملت است، برخلاف مصلحت کشور اسلامی است، این مسؤل ولایت دارد. گمان نکنید که خوب من یک نفرم و یک عمل می‌کنم این چه ربط دارد به دیگران، امروز اینطور نیست، قبلا هم اینطور نبوده. عمل یک شخص در یک جامعه اثر دارد، جامعه عبارت از این اشخاصند، یک چیز دیگری نیست. عمل هر یک از شما تاثیر دارد، وقتی شما یک عمل زشتی کردید، دیگران هم که می‌بینند در آنها تاثیر می‌کند، وقتی شما یک عمل صالحی انجام دادید، دیگران هم وقتی که می‌بینند در آنها تاثیر می‌کند، اگر خدای نخواستہ شما یک کاری بکنید که برای اسلام ضرر داشته باشد، یک ظلمی بکنید، یک خلافی بکنید شماها مسؤل هستید و همه ملت مسؤل هستند. همه باید جلوگیری کنند همه

رعیت هستند، همه را می‌هستند. و همه مسؤل و ملوم. مبدا اینطور بشود که اسلحه را از ظالم گرفتید و خودتان ظلم کنید. رژیم سابق برای کارهایش شد آن رژیم منفور و ملعون، برای خرابکاری شد او، نه برای شخص که شخصش کی بود و پسر کی، عمل اسباب این شد که مردم را از او منحرف کرد و با انحراف مردم نتوانست دوام بیاورد. ۶۵۲

باید کاری بکنیم که ظلم نباشد

مردم اگر از من گله دارند، از اسلام سرد نشوند. من خلاف کرده‌ام، به اسلام چه مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می‌خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند. اگر یک ظالم خلاف کرد، اسلام که نکرده است پس باید کاری کنیم که ظلم نباشد و ظالم از بین برود. اگر دیدیم در این دوره خلاف شده و به افرادی ظلم شده باید تلاشمان را بیشتر کنیم تا خلاف و ظلم را از بین ببریم نه اینکه کنار برویم و از صحنه خارج شویم. زیرا اگر از صحنه خارج شویم ظلم بیشتر می‌شود پس باید اجتماعمان را بیشتر کنیم و بیشتر در صحنه حاضر باشیم. امید است انشاءالله خداوند شماها را و همه ملت را موفق کند و اسلام را به آنطوری که دلخواه است و آنطوری که خواست خدای تبارک و تعالی هست به آنطور در این کشور پیاده کنید و این محتاج است به اینکه تمام کشور ما و تمام ملت ما حاضر باشند در صحنه و خودشان ناظر باشند که اگر کسی تخطی از اسلام و تخطی از قوانین اسلام بکند، او را سرزنش کنند و او را از صحنه خارج کنند. ۶۵۳

سکوت در مقابل جرم دیگران، جرم است

بشناسید صالح و فاسد را، بشناسید مفسد و مصلح را، بشناسید، توجه داشته باشید کی دارد خلاف می‌کند به اسم اسلام، کی دارد خرابکاری می‌کند به اسم اسلام، اگر عمامه سرش است بزیندش کنار، خود معمین بزیندش کنار، اگر توی پاسدارهاست، پاسدارهای مسلم، اسلامی که همه زحمت را به عهده دارند بزیندشان کنار، اگر در ارتش است ارتشی‌ها بزیندشان کنار، ژاندارمری است آنها بزیند، توی بازار است بازاری‌ها بزیندشان کنار، توی کارخانه‌هاست آنها بزیندشان کنار. اینها در هر جایی می‌خواهند یک نفوذی بکنند و یک فساد بکنند به اسم اسلام و این خطر است برای نهضت شما، با اسم اسلام می‌خواهند این اسلام را در بین مردم خود مملکت مشوه نمایند، بد صورتش را نمایند بدهند و این یک جرم بزرگی است که آنها مرتکب می‌شوند و ما هم اگر ساکت باشیم جرم است برای ما، باید بگوئیم، باید شماها هم عمل کنید، کسانی که با اسم اسلام می‌آیند و می‌خواهند خرابکاری بکنند و مثلاً یک کارهای زشتی بکنند و خلاف اسلام بکنند، بدانید اینها اسلامی نیستند اینها ضد اسلام هستند، ضد انقلاب هستند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد، نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. ۶۵۴

در صدد این باشید که منحرفین را اصلاح کنید نه راضی کنید

باید نشریات شما در مقابل اینها به صورتی باشد که وقتی دست مردم می‌رسد بگویند تعلیمی است و مدرسه‌ای است برای تعلیم و کسانی که الهی هستند راضی باشند. شما در صدد این باشید که منحرفین را راضی کنید، در صدد این باشید که منحرفین را اصلاح کنید. اگر منحرفین را بخواهید راضی کنید شما را به انحراف می‌کشند، اما اگر بخواهید منحرفین را اصلاح کنید هر روز قلم شما قلم اصلاحی است. ۶۵۵

انحرافات را با نور هدایت خدا اصلاح کنید

شما حالا آقایان از قراری که گفتند بنا دارید که تشریف ببرید در قراء و قصبات و شهرها برای ترویج، برای هدایت، توجه داشته باشید اگر قدمی بر خلاف موازین، بر خلاف رضای خدا بردارید یک جرمی است که به این زودی نمی‌توانید جبران کنید. شمائی که به اسم هدایت بین مردم می‌روید غیر عامه مردم است و ضععتان، غیر وضع عامه مردم است. شمائی که برای هدایت می‌روید شما رسول از طرف اسلام هستید، رسول رسول خدا هستید. باید بفهمید که در این رسالت چه باید بکنید، این کارهایی که بنا دارید بکنید آیا به اسم رب است؟ آیا از اول که شروع می‌کنید به اینکه هدایت کنید مردم را، اسلام را معرفی کنید بر مردم، ولو همین قدر که می‌دانید، آیا این به اسم رب است؟ از اسم خدا شروع می‌شود یا خدای نخواستہ نفسانیت آدم در آن دخالت دارد. (اعدا عدوک) همین نفسی است که در انسان است، این از همه دشمن‌ها برای انسان دشمن تر است. همه دشمن‌های عالم آنقدری که از آنها می‌آید این است که انسان را بکشند زجرش بدهند اما آن که بین جنییک، آن نفس اماره انسان، آن غیر این است که انسان را بکشد، انسانیت را می‌کشد. همه عالم جمع بشوند که انسانیت شما را بکشند تا آن چیزی که در خود شما هست، آن نباشد و تغییر نکند، کسی نمی‌تواند (اعدو عدوک) همین نفسی است که بین جنییک. ببینید که حالا که تشریف می‌برید و می‌خواهید مردم را هدایت کنید، به اسم رب هدایت می‌کنید یا به اسم نفس که همان به اسم شیطان است؟ ببینید با آقایانی که در محل هستند، شما چه جور رفتار می‌کنید؟ ما فرض می‌کنیم که شما در محل که رفتید بعضی از اشخاص منحرف هستند، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای همین‌ها غصه می‌خورد، برای همین مردم منحرف غصه می‌خورد (فلعلک باخ نفسک ۶۵۶) اینکه مومن نشدند، همچون غصه‌ای که مثل اینکه می‌خواهی خودت را بکشی. ما فرض می‌کنیم که شما وقتی که رفتید یک انحرافات دیدید، انحرافات را با انحراف اصلاح خیال نکنید بکنید. انحراف نمی‌تواند انحراف را مستقیم کند. انحرافات را با نور هدایت خدا و با اسم ربک مستقیم کنید. ۶۵۷

با محبت می‌شود منحرفها را مستقیم کرد

با اسم خدا حرکت کنید و با اسم خدا هدایت کنید. و با اسم خدا ترویج کنید و با اسم خدا انحرافات را مستقیم کنید. اگر دیدید آنجا می‌خواهد نفس اماره بگوید که حالا این آقا که اینجا مدتی بوده است و عنوانی دارد و بخواهید عنوانش را یک وقت خدای نخواستہ از دستش بگیرید، بدانید که این الهی نیست، این شیطانی است. بخواهید مقابل یک اهل علمی که آنجا هست بایستید و بشکنید خدای نخواستہ حیثیت او را، بدانید که انسانی نیست و این الهی نیست شیطانی است. با همه محبت کنید، با محبت می‌شود منحرف‌ها را مستقیم کرد، بهتر از اینکه با شدت و وحدت، گاهی نمی‌شود و الا غالباً می‌شود. پیغمبر اکرم نبی رحمت است که برای رحمت آمده است آنجائی هم که آن منحرف‌های غیر قابل اصلاح را امر به قتل می‌کرد، مثل یک غده سرطانی که در یک بدن باشد، برای اصلاح بدن آن غده را باید بیرون آورد، چاره نیست، این غده‌های سرطانی گاهی یک جامعه را فاسد می‌کنند، این هم رحمت بر جامعه است. اینهایی که اسلام را اصلاً نمی‌دانند چیست، نمی‌فهمند اصلاً اسلام چه است، خیال می‌کنند این غربی‌ها، اینهایی که دنبال غرب هستند، که احکام اسلام خشونت دارد. اینها اصلاً نمی‌دانند که این احکام چه چیز هست، برای چه هست. این مثل این است که به یک طیبی که کارد را برداشته و شکم را پاره می‌کند و غده سرطانی را بیرون می‌آورد بگویند این خشونت دارد می‌کند. این رحمت است یا خشونت؟ آن طیبی که می‌برد دست را برای اینکه دست فاسد می‌کند انسان را، کارد را در آورده می‌برد دست را، این طیب با خشونت دارد رفتار می‌کند و باید فریاد بر آورد که این طیب خشن است یا این طیب، طیب رحمت است، با رحمت دارد رفتار می‌کند، یک انسان را برای یک عضو نجات می‌دهد. ۶۵۸

در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از خشونت تأثیر می‌کند

من راجع به کل مجلس مکرر عرض کرده و حالا هم عرض می‌کنم که مجلس ما باید با مجلس های سابق فرق داشته باشد ، البته فرق هم دارد ، اما هر امری کم کم به انحراف کشیده می‌شود و چنین نیست که یکدفعه انحراف واقع شود . در خود انسان نیز چنین است که شیطان و نفس اماره به تدریج از عمل به مکروهات و بعد از آن به صغائر و از آنجا به بالاتر انسان را منحرف می‌کنند . در مجلس سابق دوره اولش بهتر بود ، لکن در هر سال چیزی به آن اضافه و یا از آن کم شد تا رسید به آنجا که مجالس اخیر را دیدیم شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود . البته باید عاقلانه باشد که مسأله حادی پیش نیاید . در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تأثیر می‌کند . من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می‌کردم ، آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می‌کردم همه خشکشان می‌زد ، ولی وقتی از رحمت حرف می‌زدم می‌دیدم که دل‌ها نرم می‌شود و اشکها سرازیر می‌گردد و این تأثیر رحمت است . با ملایمت انسان بهتر می‌تواند مسائل را حل کند تا شدت . و مجلس باب مباحثه است . و باید مثل مباحثه طلبه‌ها باشد که با هم دوست هستند و با یکدیگر بحث و گفتگو می‌کنند ولی معلوم است که مباحثه هست . ۶۵۹

فصل چهارم : رسالت سفرا و سفارتخانه‌ها

محیط سفارتخانه‌ها باید اسلامی باشد

اما قضیه وزارت خارجه ، این وزارتخانه از سایر وزارتخانه‌ها حساسیت بیشتری دارد برای اینکه سروکارش با تمام ممالک دنیاست . خدمت کردن شما مسلم است برای اینکه کشور خودتان است . قبلاً- کشوری بوده است وابسته به غرب و شرق و تحت ستم و آسیب خارجی‌ها و دارای تبلیغات شاهنشاهی . در چنین کشوری معلوم است که کار وزارت امور خارجه اش چه مشکل و سنگین است ، ولی همت مردان مصمم هر کار مشکلی را آسان می‌کند و بعد انجام می‌دهند . شما که برای رضای خدا خدمت می‌کنید سعی کنید در مقابل تمامی مشکلات بایستید و مبارزه کنید . امروز هم که در جمهوری اسلامی همه با هم هستند و دولت و مردم با هم دوست هستند ، حل مشکلات آسان تر است . با گرمی با مشکلات مواجه شوید و مبارزه کنید تا حل شود . سفارتخانه‌ها را در خارج به صورتی دنبال کنید که هرکس آنجا برود ببیند در محیط اسلامی و اخلاقی وارد شده است . من از آقای ولایتی و سایر آقایان که وقت شان را برای آمال اسلامی انسانی صرف می‌کنند تشکر می‌کنم . در مورد تبلیغات وزارت خارجه باید بدانید که تبلیغات در راس امور است و هر روز باید حجمش زیادتر گردد . امروز که ما مقابل تمام دنیا ایستاده ایم ، لااقل باید تبلیغات خودمان سالم باشد و تبلیغات صحیحی داشته باشیم . امیدوارم همه سالم باشید و وزارتخانه را به صورتی که برای اسلام و کشور مفید باشد . بسازید می‌دانم که در فکر حل مسائل هستید . انشاءالله مشکلات را حل می‌نمائید . ۶۶۰

در سفارتخانه‌ها نسبت به سابق باید تغییر اساسی داده شود

باید این را غنیمت بشماریم که حالا- که کار دست خود ملت افتاده و خود ملت است که دارد زمام امور را به دست گرفته است ما غنیمت بشماریم و کار کنیم برای اسلام ، برای ملت مان کار کنیم . کار برای شما این است که شما نمی‌دانم حالا آنوقت ، وضع سفارتخانه‌های آنوقت را اصلاً نه ، لابد ندیدید ، نرفتید آنجا ، سفارتخانه کسی نمی‌رفت ، اما خوب وضع را اطلاع دارند مثلاً ایشان اطلاع دارند که وضع آنوقت چی بوده . باید وضع بکلی تغییر کند ، تغییر هم کرده است ، اما تغییر اساسی باشد که یک سنتی بشود به واسطه شما برای آینده‌ها ، کسی که یک سنت خوبی را بگذارد ، در اجرش تا آخر شریک است به حسب روایات ما

یک وضعی در آنجا درست کنید که کسانی که می آیند و سفارتخانه را می بینند متوجه بشوند که این سفارتخانه با سایر سفارتخانه ها فرق دارد . حتی با سفارتخانه های دول اسلامی فرق دارد . این سفارتخانه با سفارت های سابق اصلا طرف نسبت نیست ، یک جور دیگری است اگر شما موفق بشوید به این معنا که وضع را جوری کنید که به ارث برده بشود برای آتیه ، ما مسؤ ول حالا که نیستیم ، ما مسؤ ول همیشه هستیم . ما الان که مجال دست مان آمده است مسؤ ولت مان برای دوره های بعد است ، نه اینکه فقط - ما حالا - هر چه شد بعد ، بعدها هر چه شد بشود ، ما تا زنده ایم بشود ، هر چه می خواهد بعد بشود . اینجور نیست . ما مسؤ ولیم که این سفارت ، شماها آقایان این سفارتخانه ها را به جوری درست بکنید که وقتی دست یک سفارت دیگری افتاد نتواند اصلا تغییرش بدهد به این زودی ها و همه جهاتش ، هر جبهتی که در آنوقت بوده عکسش را بکنید ، آنوقت من می دانم جهت صحیح نبوده در کار ، جهت سالم نبوده یا بست و بندهایی بوده است که سیاسی ها می کنند غالبا برای استفاده های شخصی یا استفاده های دیگری ، غیرمشروع ، حالا باید وقتی که می آیند می بینند ببینند که در یک محیطی وارد شده اند که این محیط اسلام است ، این محیط ملت اسلام است و نمی توانند در اینجا یک کاری بکنند برخلاف اینکه در سابق یک - سفارت - سفیری وارد می شد ایران و این اشخاصی که برای ملت مثل گرگ به جان ملت افتاده بودند در مقابل آنها مثل روباه بودند ، این برای این بود که به مردم اتکا نداشتند . اینها اتکانشان به یک نقطه بود که مثلا یا شاه بود که شاه هم دست نشانده آنها بود یا نخست وزیر بود که همین طور بود یا صدراعظم بود که اینطور بود . اینها اتکانشان به آنها بود . از این جهت وقتی یک سفیری وارد می شد به ایران سفیر انگلیس آنوقت ها و حتی خوب ، این را در چیز نقل می کنند که وقتی پاشد صدراعظم را زد به دیوار و مشت تو کله اش زد که تو این کار را چرا نمی کنی . این یک سفیر این کار را کرد . خوب ، حالا می دانید که سفیرش که نمی تواند ، رئیس جمهوری یک کشور دیگری هم که بیاید ، از انگلستان هم بیاید نمی تواند ، سلطان انگلستان هم بیاید نمی تواند اینجا یعنی نمی تواند با یک نفر اشخاص عادی اینجا اینطور رفتار بکند . این برای این است که اتکاء شما به یک شخص نیست ، شما ملت اید ، خودتان ملت اید ، اتکاء به ملت است . وقتی اتکاء به ملت شد دیگر انسان نمی ترسد از اینکه حالا این اگر من این کار را بکنم این فرض کنید سفیر به وزارتخانه می گوید که من را تاءدیب کنند . این خودش هم که نمی تواند . این حالا اینطوری شده است . ۶۶۱

در خارج که هستید وضعیتان را جوری قرار بدهید که تحت تاءثیر آنها واقع نشوید

شما این را باید غنیمت بدارید و ما هم غنیمت ، برای اینکه حفظ کنیم این سنت الهی را که به دست ما دادند ما برای آتیه درست بکنیم . حالایش را من خاطر جمعم که خوب است انشاءالله البته همچو نیست که صددرصد ، اما شماها درصدد برآیید که صددرصد خوب باشد ، لکن مهم آتیه است . مهم این است که حکومت در ایران جوری باشد که وقتی منتقل شد به چیز ، نتواند به این زودی تغییرش بدهند . ملت آنطور حاضر است ، حکومت باید خودش طوری درست بکند که وقتی که منتقل شد به نسل آتیه نتواند برخلاف رفتار بکند . رئیس جمهور جوری رفتار کند که وقتی یک کس دیگر رئیس جمهورشان شد نتواند که خلاف بکند ، و همین طور سایرین . مجلس یک کاری بکند که وقتی مجلس دیگری تحقق پیدا کرد نتواند رویه اش را تغییر بدهد . این یک تکلیفی است الان برای ما . شماها الان مکلف هستید به اینکه در هر جا هستید تمام جهات اخلاقی و اعتقادی و عرض بکنم سیاسی و همه جهات اجتماعی را و همه این چیزهایی که محول به شما هست اینها را جوری درست بکنید که وقتی منتقل شد به یک نفر دیگری ولو بد باشد خودش را مجبور باشد که خوب نمایش بدهد . همانطوری که سابق اگر یک کسی خوب هم بود نمی توانست خوبی اش را نشان بدهد برای اینکه محیط یک محیط ، جو را جوری درست کرده بودند که یک نفر آدم هم که می خواست متدین باشد نمی توانست عرضه کند تدینش را . شما محیط را باید جوری بکنید که اگر خدای نخواسته یک کس بدی هم سفیر شد ، کاردار شد ، نمی دانم چه شد ، نتواند به این زودی ها اظهار کند که من آنجور نیستم . وضعش را وضعی قرار بدهد

که مثل شماها باشد و این مسأله ای است که ما باید دنبال این باشیم که آتیه را در نظر بگیریم، نه حالا را ما آتیه داریم، اسلام آتیه دارد، مملکت شما آتیه دارد و همه گرگ ها هم در اطراف هستند که یک چیزی بشود بلکه دوباره از سر بگیرند و این الان به عهده همه ماست که نگذاریم این پیش بیاید، که یک قضیه ای پیش بیاید که به هم بخورد. اوضاع نه، همه چیز سر جای خودش باشد، هر که هم بمیرد، هر که هم از بین برود، هر چی هم سر جای خودش باشد این را باید حفظش بکنید و این مطلبی است که به نظر من مهم است برای هم برای وزارتخانه ها، هم برای سفرا، هم برای همه و شما هم که در خارج هستید البته یک قدری تکلیف تان مشکل تر از اینجاست. خوب، شما هر کدام هستید، در خارج که هستید، در بلاد اسلامی که هستید خوب، وضع آنها. یک وضعی است که با ما خیلی چیز نیست، امیدواریم که درست بشود آنها هم باید آنجاها شما وضع تان را جوری قرار بدهید که تحت تاثیر آنها واقع نشوید، هر که می آید آنها تحت تاثیر شما واقع بشوند، نه شما تحت تاثیر آنها یعنی کسی که وارد اینجا می شود وقتی یک چیزی توی ذهنش بیاید که تاثیر کند در قلبش اینکه وضع خوب است اینطوری باشد، نه آنطوری باشد. خوب است که نویسندگان اینجا اینجوری باشند، محررین اینجا اینجوری باشند عرض می کنم مستخدمین اینطوری باشند و رؤسا اینطوری باشند، اینطور به نظرشان بیاید که این وضع بهتر از آن وضع است که آنها دارند. اگر اینطور شد کم کم انشاءالله نفوذ هم می کنید به آنها و انقلاب تان هم صادر می شود. ما هم می خواهیم صادر به همین معنا بشود. ما می خواهیم سفرایمان در آنجا جوری عمل بکنند که سفرای آنجا، دولت آنجاست تحت تاثیر واقع بشود. و دولت مان کاری بکند که دولت های دیگر تحت تاثیر واقع بشوند و ملت مان کاری بکند که ملت های دیگر تحت تاثیر واقع بشوند. و من امیدوارم که چون برای خدا شما، امیدوارم که برای خدا کار بکنید، این کار به دست شماها واقع بشود و به دست شما یک سنتی قرار داده بشود که شما شریک باشید در حسنات اشخاصی که بعدها می آیند و این مسأله مهمی است که ما خودمان زیر خاک باشیم و کسان دیگر کار بکنند، حسناتش را پای ما بنویسند. این اگر شما یک سنت صحیحی بجا بگذارید وضع اینطوری خواهد شد. ۶۶۲

روشهای گذشته در سفارتخانه ها، باید تغییر کند

من سلامت همه آقایانی که از خارج به کشور خودتان آمدید، چه اعضای سفارتخانه ها و سفرا و چه دانشجویان عزیز خارج کشور، از خدای تبارک و تعالی خواستارم. من گمان می کنم که تکلیف شما آقایان که در خارج هستید و در سفارتخانه های اسلامی ایران در بیرون از کشور هستید و همین طور جوانان عزیز ما که در خارج کشور هستند، مشکل تر است تکلیفشان از ما که در داخل هستیم. برای اینکه ملت ما وضع اسلام و جهات اسلامی را می دانند و اگر فرض کنید یک گروهی یا یک شخصی بر خلاف اسلام رفتار کند، آنها آن شخص را، آن گروه را محکوم می کنند، و اما شما در محیطهایی هستید که آن محیطها مثل غرب، مثل جاهائی که ملت ها اسلامی نیستند یا اگر اسلامی باشند توجه به مسائل، باز آنطور که باید پیدا نکردند، اگر چنانچه شما شخصا یا سفارتخانه هایتان وضعش یک وضعی باشد که با اسلام درست جور نیاید، در آنجا خواهند گفت که اسلام همین است. اگر بنا باشد که سفارتخانه های ما در خارج از کشور به همان وضع طاغوتی یا نزدیک به وضع طاغوتی باشند، معنایش این است که باز اسلام در سفارتخانه ها نرفته است. مع الاسف تا آنجا که به من در طول این مدت اطلاع دادن (که اخیرا را درست نمی دانم) سفارتخانه های ما، سفارتخانه های اسلامی که باید باشد نیست، چه در مکان ها و چه در کیفیت مستخدمینی که آنجا هستند و خصوصا مستخدمین زن و چه در سایر جهاتی که هست، باز احساس درست نشده است که جمهوری اسلامی یعنی چه. ۶۶۳

جوری رفتار کنید که طاغوت در شما طمع نکند

بعضی از سفرائی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دربار سلاطین بزرگ آنوقت فرستاده بودند اینها وقتی وارد شدند با

شمشیر خودشان آن پارچه ای که حریر بود زدند کنار. این شکستن آن دماغ فرعونى سلاطین آن زمان بود. مطلب به نظر ساده می آید لکن مسأله این طور نیست. اینها که رفتند، یک اعراب ساده ای بودند، متعهد به اسلام بودند، از اول خواستند بفهمانند که وضع ما چی است و ما برخوردار از چه مکتبی هستیم و اینطور جلال و جمال و دستگاہ به ما تأثیری نمی کند. بسیاری هستند که وقتی که یک شخصیت خیلی به نظر خودشان عالی را دیدند، دست و پایشان را گم می کردند و می کنند. خصوصاً در زمان قدرتهای بزرگ و در این نیم قرن که ما مبتلا بودیم، جلوی او هم همین طور. یک حکومت وقتی که می آمد در یک محلی، این حکومت مثل یک شاه با مردم عمل می کرد، مردم را هیچ به حساب نمی آورد و من خودم شاهد این معنا بودم که یک حاکمی که برای گلپایگان آمده بود و خمین هم آنوقت جزء گلپایگان بود، این در حضور تجاری که آمده بودند برای آنجا ملاقاتش، آن بزرگتر فرد تاجر را گفت ببرید ببینید به چوب. من شاهد بودم که بچه بودم شاهد بودم که یک نفر مرد متدین محترمی که در بازار رئیس تاجر بود، این شخص فاسد اینطور با او عمل کرد که در حضور جمع پایش را بستند به فلک و چوب زدند. به او این کارها را می کردند و همین طور گاهی این کار را می کردند که وقتی که یک محترمی می رفت، یک عالمی مثلاً می رفت ملاقات می کرد با آنها، در حضور آن عالم یک بیچاره دیگری را می آوردند به چوب می بستند برای اینکه بفهمانند تو باید اطاعت بکنی. و از آنوقت یک همچو وضعی بود و از این بدتر. این عملی که سفیر یا سفرای حضرت رسول انجام دادند، یک عمل ساده بزرگی بود. از اول، شخصیت آن فرعون را از اول شکستند. مرحوم مدرس هم این عادت را داشت توی حیاطش یک فرشی انداخته بود و آنجا می نشست، قلیان هم وقتی می خواست، پا می شد خودش شروع می کرد درست کردن، در این خلال فرمانفرما وارد می شد. فرمانفرمای آنوقت را شما شاید نمی دانید چه مسأله ای بود ایشان می گفت که، قلیان را دستش می داد می گفت که شما آتش را بریز تا من آتشش را درست کنم. فرمانفرما شکست می خورد، تحت تأثیر همچو واقع می شد که مدرس به او گفت و تو آب قلیان را بریز وادارش می کرد که آب قلیان را بریزد و من خودم آتش را درست می کنم تا قلیان درست بشود. این برای این بود که برخورد با این مغزهای فاسد گاهی باید طوری باشد که از اول طمع نکنند به آن طرف، اگر چنانچه با تواضع و خضوع و آنطوری که آن وقتها متداول بود رفتار می کردند، او طمع می کرد که اگر چنانچه مطلبی دارد تحمیل کند، اما وقتی برخورد یک برخورد اینطوری بود، ساده و لکن کوبنده، دیگر نمی توانست به او تحمیل کند مطلبی را. شما در خارج که هستید برخورد دارید با سفرای آنجا، با وزرای خارج آنجا، با همه اینها برخورد دارید، اگر بنا باشد که شما وقتی که می خواهید در وزارت خارجه بروید خودتان را گم کنید، خیال کنید که حالا در یک محضر کذا، وزیر خارجه امریکا، وزیر خارجه شوروی، لکن باید شما توجه داشته باشید که شما سفیر مملکت اسلامی هستید که از همه این قدرت ها، قدرتش بالاتر است و از همه این شریف ها (اگر آنها شرافتی داشته باشند) شرافتش بالاتر است و شما باید حیثیت خودتان را از اول حفظ کنید و از مسائل مهمی که شماها مثل ماها موظف به آن هستید این است که با عمل خودتان در آنجا، سلوکتان با کارمندان با وضعیت اصل سفارتخانه و وضع سفارتخانه طوری باشد و طوری بکنید که با همین عمل به تدریج انقلاب شما صادر بشود به آن کشوری که در آن هستید. مسائل اخلاقی، یک مسائلی است که وقتی که یک کسی مقید به آن بود و دنبالش بود، این سرایت می کند، و مردم به حسب طبیعتشان، به حسب فطرتشان فطرت ها سالم است منتها تربیت ها ضایع می کند فطرت ها را. ۶۶۴

داشتن نشریه برای سفارتخانه ها ضروری است

شما باید با خیال کنید خودتان که در یک مملکتی وارد شدید و می خواهید این مملکت را مثل مملکت خودتان تربیت کنید و می خواهید اسلام را در آنجا هم صادر کنید. صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی، اعمال اسلامی، آنجا طوری باشد که مردم توجه به آن بکنند و از امور مهمه داشتن یک نشریه در هر سفارتخانه هست، نشریه، نه مثل نشریه های زمان

طاغوت . نشریه ، یک نشریه اخلاقی اسلامی و در آن درج بشود مسائلی که در ایران گذشته است . شما می بینید که الان در همه جای دنیا تقریباً به ضد جمهوری اسلامی تبلیغات می شود . تبلیغات همه جانبه ، چه دستگاه های تبلیغات غرب با همه وابستگان و چه دستگاه تبلیغات شرق با همه وابستگانشان ، این برای این است که اینها از جمهوری اسلامی وحشت زده شده اند ، علاوه بر اینکه منافعشان در خود ایران از دست رفته است و انشاءالله تا ابد از دست خواهد رفت . علاوه بر این ، خوف این را دارند که این مطلب سرایت کند و این نهضت و انقلاب سرایت کند به خارج و صادر بشود در مملکت های دیگری و آنها هم بعد از فهم این معنا که اسلام باید در آن محل باشد ، اسلام وضعیتش چطور است ، این را هم می ترسند که نبادا آنجا هم مثل ایران بشود و آن دستگاه های طاغوتی شان کم کم رو به زوال باشد و انشاءالله هست رو به زوال . ۶۶۵

به جای مهمانی های طاغوت مخارج را صرف تبلیغات کنید

شما باید ، شما باید به هر سفارتخانه ای که دارید ، به جای آن خرج های طاغوتی که در آنوقت می شد ، آن مهمانی های طاغوتی که همه اش بر خلاف اخلاق اسلامی بود و آن خرج های دیگری که خود شما هم می دانید که در آنجاها می شد ، آن مخارج را صرف تبلیغات بکنید و به دنیا بفهمانید که اسلام چطور است و مملکت ما چه وضعی دارد . در مقابل همه تبلیغاتی که می شود ، از هر جور تبلیغی که می شود ، جواب بدهید و آشنا کنید ممالک دیگر را ، کشورهای دیگر را به آن چیزی که در ایران هست و آنطوری که در ایران می گذرد . آشنا کنید مردم را به اسلام و به نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی . ۶۶۶

با عملتان بناها و بنیادهای طاغوتی را تحقیر کنید

خوف اینکه ما اگر ساده رفتار کنیم آنها با آن ، سفارتخانه های آنها با آن وضعی که دارد ، ما در نظر آنها تحقیر می شویم ، این خوف را در خودتان راه ندهید ، بلکه شما با عملتان تحقیر کنید آنطور بناها و بنیادهای ظلم و طاغوتی را . شما گمان نکنید که اگر چنانچه به طور ساده عمل بکنید و سفارتخانه شما یک امر ، یک جای ساده ای باشد ، یک مرکزی باشد که از آنجا علم و دانش و اخلاق صادر بشود ، شما تحقیر خواهید شد . خیر ، این حرف ، حرف غربرده هاست که خیال می کنند که ما اگر مثل غرب نباشیم ، ما تحقیر می شویم ما الان بنا داریم که مثل غرب نباشیم و بنا داریم وابسته نباشیم و بنا داریم مستقل باشیم و آزاد باشیم و الان می بینید که آنتهایی که ، ملت هایی که تحت تاثیر تبلیغات امریکا و شوروی و سایر اذنان آنها واقع نشدند ، همه آنها به نظر اعجاب و عظمت به شما نگاه می کنند . ۶۶۷

موظفید که عقلا و شرعا به اینکه سفارتخانه هاتان هر چه ساده تر باشد

عظمت انسان به لباس و کلاه و اتومبیل و - نمی دانم - پارک و امثال ذلک نیست . انسان یک حقیقتی است که آن حقیقت اگر بروز بکند شرافتمند است ، عظمت دارد . شما می بینید که بزرگترین افراد بشر انبیا بودند و ساده ترین از همه هم آنها بودند . در عین حالی که بزرگتر از همه بودند و همه آنها را به بزرگی می شناختند در عین حال ساده ترین افراد بودند در وضع زندگیشان تمام انبیا اینطور بودند و تاریخ همه آنها را نشان می دهد که با وضع بسیار ساده ای عمل می کردند . در صدر اسلام آن امر بسیار روشن است که چه جور وضع داشتند ، حکومت ها چه وضعی داشتند و امرای ارتش چه وضعی داشتند و خود اشخاصی که در راس بودند با مردم چه وضعی داشتند . در عین حالی که وضع شان آنطور بود که وقتی یک کسی از خارج می آمد در مسجد رسول الله و این افراد نشسته بودند ، نمی شناخت که کدام یکی اینها رسول الله هستند ، سوال می کرد که کدام یکی هستید ؟ برای اینکه نه بالایی بود ، نه پائینی بود ، دور می نشستند . اگر حصیری هم بود یا بورئی بود من نمی دانم لکن این فرش هایی که شما

خیال کنید، حتی این فرشی که شما زیرتان انداختید نبوده است. آنوقت دور هم می‌نشستند ولیکن عظمت شان، عظمتی بود که دنیا را تحت تاثیر قرار داد. عظمت انسان به روحیت روح انسان است. عظمت انسان به اخلاق و رفتار و کردار انسان است، نه به اینکه اتومبیلش سیستم کذا باشد، نه به اینکه گارد داشته باشد، نه به اینکه خدمه داشته باشد. اینها عظمت انسان نیست، اینها انسان را منحط می‌کند از آن مقامی که دارد. شما آقایانی که در سفارتخانه‌ها هستید موظفید عقلا و شرعا به اینکه هر چه ساده‌تر، سفارتخانه‌ها تان هر چه ساده‌تر باشد و کیفیت معاشرتتان با آن اشخاصی که کارمند هستند در آنجا و به اصطلاح شما زیر دست گفته می‌شوند، برادرانه باشد و در عین حالی که آنها باید از شما بپذیرند مطالبی که می‌گوئید، لکن برادرانه باید باشد و همین طور وضع مهمانی‌هایتان، وضع گذران خودتان، وضع کسانی که در آنجا کار می‌کنند آنها باید - یک وضع - متحول بشود به یک وضع اسلامی که هر کس می‌آید در آنجا اسلام را در آنجا عملاً ببیند. ۶۶۸

ما بوسیله عمل می‌توانیم انقلاب را صادر کنیم نه زور و سرنیزه

ما هر چه فریاد بزنیم که ما اسلامی هستیم و جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینند ما را که در عمل غیر او هستیم، از ما دیگر باور نمی‌کنند. وقتی می‌توانند باور کنند از ما که مائی که می‌گوئیم جمهوری اسلامی هستیم، عملمان هم آنطور باشد، عمل طاغوتی نباشد و قول، قول اسلامی، عمل اسلامی باشد و خود رفتار، اسلامی باشد، گفتار اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها. صدور با سرنیزه صدور نیست، صدور با زور صدور نیست، صدور آنوقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی در اینجاها رشد پیدا بکند و شما موظف به این معنا هستید و باید این کار را انجام بدهید که هم در عمل و هم در نوشته‌هایی که در آنجا منتشر می‌کنید باید بکنید و مجله داشته باشید و آن مجله یک مجله‌ای باشد که هم در عکس‌هایی که در آن هست و هم در مسائلی که در آنجا طرح می‌شود همه اش موافق باشد. با جمهوری اسلامی تا به واسطه تبلیغات اسلام نفوذ کند در آنجا، و این را بدانید که اگر چنانچه شما تبلیغات بکنید و همین طور دانشجویهای عزیز ما در آنجا کوشش کنند در اینکه در هر جا که هستند و با هر طایفه‌ای که برخورد می‌کنند مسائل ایران را، مسائل اسلامی ایران را در آنجا طرح بکنند و آن چیزهایی که در مجلات خارج، در روزنامه‌های خارج در هر جا نوشته می‌شود، آنها را یکی یکی برای آنها تحلیل کنند و دروغ آن چیزها را بر آنها ثابت بکنند. عمده مسأله این است که ما فهمیده باشیم در قلبمان که ما می‌خواهیم جمهوری مان اسلامی باشد. باید همانطوری که با زبان می‌گوئیم، قلب ما معتقد شده باشد به اینکه ما می‌خواهیم اسلام باشد. (ما می‌خواهیم اسلام باشد) دیگر با تمام اعوجاجات باید مبارزه بکنند. انسان، اول از خودش شروع کند ببیند خودش چه اعوجاجاتی دارد. هر انسان لامحاله در خودش نقص‌هایی می‌بیند، کم است کسی که نقص نبیند در خودش و اگر کسی نقص در خودش نمی‌بیند، این خودش یک نقصی است که دارد. انسان باید تربیت بشود، باید به تزکیه تربیت بشود و انسان از خودش باید شروع بکند، از خانواده خودش باید شروع کند. و شما از خودتان، خانواده‌هایتان، خودتان همه شروع کنید تا به خارج برسند. دانشجویان ما باید خودشان اول توجه بکنند که رفتار خودشان، کردار خودشان، گفتار خودشان همه اینها منطبق با موازین اسلامی و اخلاقی باشد تا اینکه اگر مردم را دعوت کردید به اسلام و باید هم دعوت بکنید، حرف شما مخالف با عمل شما نباشد. خودتان یک وضعی نداشته باشید که وقتی بگوئید، مسخره کنند که آقا خودش فلان است و ما را دعوت به چه می‌کند. ۶۶۹

وظیفه شما در معرفی اسلام بیشتر از ماست که در داخلیم

در هر صورت من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را می‌خواهم و همه ملت ما موظفند به اینکه رفتارشان یک رفتاری باشد که با همین رفتار اسلام را نمایش بدهند به خارج و اگر چنانچه رفتاری باشد ولو در بعضی از جاهایی که بعضی از

اشخاص نفوذ کردند در آنجا، رفتار طوری باشد که این رفتار، مخالف با موازین اسلامی باشد این اسباب این می شود که دست دشمن های ما یک بهانه بدهد و ما را و جمهوری ما را با تمام قوا بکوبند. هم جوانان خارجی ما و هم شما سفرا و کارمندانی که در سفارتخانه ها هستید، همه شما، همه انجمن های اسلامی که در خارج هست و همه افراد - این - مسلم و همین طور ایرانی و غیر ایرانی که در خارج هست، این معنا برای آنها بیشتر وظیفه است از ما که در داخل هستیم، همه وظیفه داریم و لکن وظیفه شما سنگین تر است، بیشتر است و باید با خواست خدا انشاءالله موفق بشوید که اسلام را در همه جا معرفی کنید و پس از معرفی نفوس سالم که اکثر مردم هستند، پذیرش می کنند، پذیرش که کردند کم عمل می کنند، کم کم این انقلاب صدور پیدا می کند به خارج. خداوند همه شما را انشاءالله حفظ کند و همه شما و ما را موفق کند به اینکه دنبال این باشیم تا انشاءالله حفظ کند و همه شما و ما را موفق کند به اینکه دنبال این باشیم که اسلام را در همه جا تقویت کنیم و از مروجین اسلام باشیم و از جنود خدای تبارک و تعالی باشیم تا انشاءالله به سعادت و سلامت، هم مملکت خودمان و هم سایر ممالکی که در اسلام هستند و همین طور مستضعفین جهان انشاءالله همه موفق و موید باشید. ۶۷۰

وزارت خارجه می تواند با اسلامی شدنش موجودیت اسلامی ما را به خارج نشاندهد

از اینکه اینجا تشریف آورده اید تا با هم درد دل کنیم، تشکر می کنم. شما می دانید که وزارت خارجه تنها وزارتخانه ای است که با اسلامی شدنش بیشتر از سایر وزارتخانه ها می تواند موجودیت اسلامی ما را به خارج نشان دهد، و بعکس، صدماتی که به این کشور ممکن است وارد آید و در سابق از ناحیه سفارتخانه های خارجی در اینجا و سفارتخانه های ما در خارج، بر کشور وارد شده، بیشتر از دیگران است چون وزارت خارجه با همه دنیا و با افکار و ایده های مختلف و برنامه های گوناگون روابط دارد و من میدانم که برای اصلاح آن و سایر وزارتخانه ها و همه ارگان های دولتی و امثال آن، وقت لازم است. لکن وقتی بنابراین شد که ما باید خودمان باشیم و وابسته به غیر نباشیم و خودمان حیثیت خودمان را حفظ کنیم و این احساس در ما پیدا شد، همین امر انشاءالله منتهی می شود که همه چیز ما اصلاح بشود و اگر شما در این راه مستقیم که راه اسلام است و روزی چند مرتبه هم در نماز از خدا می خواهید که اهدنا الصراط المستقیم ۶۷۱ یعنی ما را به صراط مستقیم هدایت کن، وارد بشوید، مسلم به آخر هم خواهید رسید. عمده این است که انسان در آن راهی که باید سیر بکند وارد بشود که پیدا کردن راه، مشکل ولی بعد از پیدا کردن، پیمودن آن آسان است. همانند کسی که در بیابان گم شده و مرتب به این طرف و آن طرف می زند و با این وضع شاید هیچ گاه به مقصد نرسد اما وقتی که در راه مستقیم قرار گرفت به مقصد هم میرسد، چه سیرهای معنوی باشد و چه سیرهای مادی. اما در جهت معنویت و بعد از اینکه دولتی اسلامی شد و مردم احساس کردند که ما می خواهیم اصلاح بشویم، در این صورت است که همه کارها به معنویات بستگی دارد. همین کاری که شما در وزارت خارجه و سفرا در خارج می کنید، اگر در راه مستقیم اسلامی باشد، سیر الی الله است. در سیر الهی لازم نیست که انسان در یک گوشه ای بنشیند و بگوید من می خواهم سیر الی الله داشته باشم خیر، سیر الی الله همان سیره و روش انبیا و خصوصاً پیغمبر اسلام و ائمه معصومین است که در عین حالی که در جنگ وارد می شدند و می کشتند و کشته می دادند و حکومت می کردند، همه چیز سیر الی الله بود. اینطور نبود که آن روزی که حضرت امیر مشغول است، سیر الی الله نباشد و فقط در هنگامی که نماز می خواند سیر الی الله باشد، هر دویش سیر الی الله بود. لذا پیغمبر می فرماید ضربت علی در روز خندق افضل از عبادت ثقلین است. وقتی که ما می خواهیم جهات معنوی را بکنیم در مادیات و مادیات را به طرف معنویات بیاوریم، این سیر الی الله است البته کار مشکلی است، ولی اینطور نیست که نشود. وقتی که انسان وارد عمل شد موفق می شود. در همین قضیه پیروزی ملت بر رژیم منحط سابق، تصور این معنا که ملتی که هیچ چیزی در دستش نیست و رژیم همه چیز دارد، چگونه پیروز می شود، مشکل بود آنهایی که این تصور در آنها قوی بود، سفارش می کردند که

وارد نشوید، لکن وقتی که ملت بنا گذاشت که کاری بکند و در میدان وارد بشود، به آخر رسید و کاری کرد که ما نمی توانیم درست حجمش را توجه کنیم و هر قدمی که ما و شما برداشتیم، خداوند به یک قدم دیگر ما را هدایت فرمود چراغ را خود خدای تبارک و تعالی جلو گرفته و تاریک ها را روشن کرد و هیچ وقت نگذاشت که ملت سست شود این برای آن بود که ملت راهش را پیدا کرد و به صراط مستقیم رسید. ۶۷۲

سعی شود در سفارتخانه ها تصرف و سلطه بیگانگان نباشد

بحمدالله ایران راهش را پیدا کرده است و من امیدوارم هر روز هم محکم تر باشد و به راه خود ادامه بدهد. امیدوارم سفارتخانه ها هم در صراط مستقیم انسانیت سیر بکنند و سعی شود که سفارتخانه ها تحت سلطه دیگران نباشند. و تصرفاتی در آنها از ناحیه دیگران نباشد هر قدمی که برمی دارند به فکر این باشند که آیا رو به وابستگی می رویم، یا به طرف رهایی و آزادی و رابطه با کشورهای خارجی که نمی خواهند ما را ببلعند باید باشد. به آنها که می خواهند از طریق روابط ما را وابسته بکنند، هیچ لزومی ندارد و باید با احتیاط با آنها برخورد شود. ما باید به سمتی حرکت کنیم که می خواهیم با کفایت خودمان خودکفا باشیم نه گندم از خارج بیاوریم و نه خوردنی و پوشاک و سایر وسایل دیگر که بعضی از این امور، دراز مدت و بعضی در کوتاه مدت باید انجام بگیرد. ۶۷۳

مسئولیت وزارت خارجه به مناسبت سر و کار داشتن با خارج بسیار سنگین است

از اولی که جمهوری اسلامی تشکیل شد، من درباره سفارتخانه ها و سفرای این نظام، به وزرای امور خارجه هر دولتی که روی کار می آمد تذکر می دادم و تاکید می کردم که نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور باید با نظام اسلامی کاملاً تطبیق کنند. اگر افراد و وضع سفارتخانه و کیفیت اداره و برخوردها از سفارتخانه ها با جمهوری اسلامی مطابقت نداشته باشد، نبود سفارتخانه بهتر از بود آن است. اگر سفارتخانه های ما مثل سفارتخانه های زمان محمدرضا باشد دیگر چه توقعی است از اینکه قلم ها و زبان ها چیزی نگویند و نویسند. آنها چیزهایی را که نیست جعل می کنند، اگر خدای نخواست باشد چه؟ لذا وظیفه اسلامی و ملی شما و ماست تا حیثیت اسلام و کشورمان را حفظ کنیم شما که خارج می روید سعی کنید تا اشخاصی را برگزینید که انحراف نداشته باشند و اگر نمی توانید یکمرتبه اصلاح کنید، در فکر اصلاح تدریجی باشید همه می دانید که مسئولیت وزارت خارجه به مناسبت سر و کار داشتنش با خارج بسیار سنگین است، لذا سعی کنید به هر مقداری که امکان دارد سفارتخانه هایتان را در مسیر رشد و ترقی و تعالی اسلامی قرار دهید و سعی کنید نشریه ای داشته باشید تا مسائلتان را بیان کنید و به دروغ های رادیوها و روزنامه ها تا آنجا که میسر است، جواب دهید. ۶۷۴

سفارتخانه ها آبروی کشور اسلامی ما هستند

البته مسأله سفارتخانه ها کار مهمی است. سفارتخانه ها از اول که جمهوری اسلامی بپا شد من از آن روز اول به وزرای خارجه که شدند یکی بعد از دیگری این مطلب را می گفته ام این سفارتخانه ها باید تصفیه بشود، باید درست بشود، آنها. کسانی که رفته اند و دیدند و آمدند، آنها می گویند که اینها همان بساط سابق را دارند. چند وقت پیش از این یکی آمده بود گفته بود همان بساط سابق را دارند گاهی فرق مختصری کرده. این سفارتخانه ها آبروی کشور اسلامی ماست، اگر آنجا بد باشد، مردم آنها را، آن مردم خارج آنها را نگاه می کنند. وقتی دیدند که یک سفارتخانه ای در وفق دولت اسلامی نیست، بر وفق اسلام نیست، وضعش همان وضع طاغوتی است از آن قیاس می کنند که خوب داخل هم همین است فرق نمی کند. یکی از مهمات این

است که البته با آقای وزیر خارجه است که این کارها را انجام بدهند و جدیت کنند در این امر . ۶۷۵

امیدوارم بتوانید چهره اسلام را آنگونه که هست نشان دهید

امیدوارم شما بتوانید چهره اسلام را آنگونه که هست نشان دهید . امروز دولت ها می خواهند ایران را به صورت زنده ای به دنیا معرفی کنند . رسانه های گروهی و سازمان های آنچنانی وقتی پیروزی ایران و اسلام را می بینند و یا وقتی می فهمند که عراق آنهمه ظلم به ما کرده است ، به دروغ مسأله نقض حقوق بشر در ایران را عنوان می کنند و ادعا می کنند که بهایی ها در ایران هیچ آزادی ندارند و آنها به خاطر بهائی گری زندانند . حتی می گویند زنان آستن را در خیابان ها می کشند . آنها هر چه می خواهند بگویند ، ولی شما بدانید مردم محروم دنیا یعنی آنهایی که وابسته به دولت ها نیستند با ما هستند و بالاخره اسلام راه خودش را باز نموده و چهره اش را به همه نشان می دهد . ما هم باید هر کداممان به اندازه قدرتمان سعی کنیم تا در راه تحقق اسلام قدم برداریم . امیدوارم همه خصوصا وزارت ارشاد بیشتر از دیگران زحمت بکشند تا همه را ارشاد نمایند . انشاءالله موفق شوید تا به این کشوری که از حیث فرهنگی هم عقب افتاده بود و هیچ کس در سابق برای اصلاح و ارشاد کاری انجام نمی داد ، خدمت کنید .

۶۷۶

باید وضع شما جوری باشد که هر کس وارد اینجا می شود یک محیط اسلامی ببیند

من امیدوارم که خداوند همه آقایان را موفق به خدمت کند . خداوند به ما منت گذاشته است که سفر و دولت ما همه از اشخاصی هستند که درد جامعه را می فهمند ، زیرا بسیاری از آنها روحانی هستند که با مردم رابطه داشته اند و می دانند مردم چه وضعی داشته اند و درد آنها را ادراک می کنند . ولی سابق وضع این طور بود که افراد حکومت هیچ ارتباطی با مردم نداشتند و نمی فهمیدند که بر مردم چه می گذرد ، ولی اکنون خدا خواسته است که حکومت مستضعفین تشکیل بشود که بحمدالله تاکنون عملکرد او خوب بوده است و امیدوارم از این به بعد بهتر باشد . اما راجع به آقایان سفر ، آن طوری که آقای وزیر امور خارجه گفته اند ، وضع سفارتخانه های ما در خارج خوب است و ما میل داریم خوبتر بشود . سفارتخانه در هر کشوری متعلق به آن کشوری است که سفیر آن به آن جا می رود یعنی یک قطعه ای است از یک کشور دیگر . وقتی مردم به سفارتخانه های ما می آیند ، باید وضع ایران را ببینند ، نه وضع آمریکا و فرانسه و سایر کشورها را . آقایان ! تحت تاثیر هیچ چیزی واقع نشوید که در سابق چه بوده است که الان آن طور نیست . ما اگر بخواهیم خودمان باشیم ، باید همه چیزمان از خودمان باشد و در آداب و رسوم ، خودمان را از غرب جدا کنیم . ما از غرب خیلی بدی ها دیده ایم و چیزی که بشود گفت که خوبی آنها بوده است ، از حکومت های غربی نبوده بلکه از اهل صنعت بوده است که البته بسیاری از آنها برای حکومت ها کار می کنند . بنابراین ، باید وضع شما جوری باشد که هر کس وارد به آن جا می شود یک محیط اسلامی ببیند ، چه از حیث پرسنل و چه از جهت زندگی . ۶۷۷

یکی از مراکز صدور انقلاب وزارت خارجه است

مسأله دیگر هم این است که ما نمی خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد ، ایران امروز نمی تواند این طور باشد ، بلکه کشورهای دیگر هم نمی تواند این طور باشد که در یک جا بنشینند و مرزهایشان را ببندند ، این غیر معقول است . امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است ، و یک شهر دارای محله های مختلفی است که با هم ارتباط دارد . وقتی دنیا وضعش این طور است ما نباید منعزل باشیم . ما باید با کشورهایی که با ما هستند و ما را اذیت نمی کنند ، روابط داشته باشیم و آقایان در فکر این باشند و روابط را تحکیم کنند . البته ما با آنها که بخواهند به ما تعدی کنند ، نمی توانیم بسازیم و از اول هم اعلام کردیم ،

مگر آنها خودشان را اصلاح کنند. این معنا که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می‌زنند که ما نباید روابط داشته باشیم، از باب این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند، زیرا تا انسان جاهل یا مخالف یا اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد. بنابراین اگر زمره‌ای می‌شود آنها را نباید به حساب آورد زیرا آنها غرض سیاسی دارند، و الا آدم عاقلی که توجه به این مسائل دارد می‌داند آدم وضعیتش چه جور است. و اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد. در زمان صدر اسلام که خود رسول الله سفیر می‌فرستادند به اطراف، این حرف را نمی‌زدند. در هر صورت ما باید روابط داشته باشیم، آنها که غرض ندارند، ما هم با آنها غرض نداریم، کم‌کم باید روابط حسنه بشود. من امیدوارم این عمل را انجام دهید و دولت هم موفق باشد، منتها نباید تحت سلطه خارجی باشیم، نباید آنها دخالت در امور ما بکنند و نباید به ما خط بدهند. بنابراین، اشخاصی که گاهی مطالبی گفته‌اند و متوجه به مطالب هستند، می‌خواهند جمهوری اسلامی را به هم بزنند و ما از اول گفتیم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکرکشی نیست بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز، وزارت امور خارجه است که باید مسائل ایران و اسلام و گرفتاری‌هایی که ایران از شرق و غرب داشته است، به دنیا برساند و به دنیا بگوید که می‌خواهیم این‌گونه عمل کنیم و روابط حسنه داشته باشیم، و الا آنهایی که می‌خواهند ما را به تباهی بکشند، ما اصلا میل نداریم با آنها روابط داشته باشیم، مگر اصلاح بشوند. ۶۷۸

قطع رابطه با دولتها بر خلاف عقل و بر خلاف شرع است و ما باید با همه روابط داشته باشیم

و الان از قراری که من شنیدم شیطنت دیگری می‌کنند و آن این که ما چرا با دولت‌ها رابطه داشته باشیم؟ ما می‌رویم به سراغ ملت‌ها و با دولت‌ها هیچ کاری نداریم! که این هم نقشه‌ای است که اخیراً تعقیب می‌شود. ابرقدرت‌ها و امریکا خیال می‌کردند که ایران به واسطه انقلابی که کرده است و می‌خواهد استقلال و آزادی را که یک مسأله تازه و برخلاف رویه همه حکومت‌هاست به دست بیاورد، به ناچار منزوی خواهد شد، وقتی که منزوی شد زندگی نمی‌تواند بکند، که دیدند نشد و ایران روابطش با خارجی‌ها زیادتر گردید. حالا به این مطلب افتادند که ما چکار داریم به دولت‌ها، اینها همه ظالم و کذا هستند و ما باید با ملت‌ها روابط داشته باشیم. که این هم نقشه تازه و مسأله بسیار خطرناک و شیطنت دقیقی است. ما باید همان‌گونه که در زمان صدر اسلام، پیامبر سفیر به این طرف و آن طرف می‌فرستاد که روابط درست کند، عمل کنیم و نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها چکار داریم. این برخلاف عقل و برخلاف شرع است و ما باید همه با همه رابطه داشته باشیم، منتها چند تا استثناء می‌شود که الان هم با آن رابطه نداریم. اما این - معنایش - که با هیچ دولتی نباید رابطه داشته باشیم، هیچ عقل و هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد، چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است تا آخر و ما باید با ملت‌ها و دولت‌ها رابطه پیدا کنیم، آنها را که می‌توانیم ارشاد کنیم - با همین روابط ارشاد کنیم - و از آنهایی که نمی‌توانیم ارشاد کنیم، سیلی نخوریم. بنابراین، من به شما سفارش می‌کنم که در هر جا و در هر کشوری که هستید رابطه‌تان را محکم کنید و رفت و آمد داشته باشید. چون وقتی که رئیس‌جمهور به چند مملکت می‌رود و نخست‌وزیر و آقای دکتر ولایتی هم می‌روند - و حق ایشان است - می‌فهمند که ایران با دنیا رابطه دارد. ۶۷۹

ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد، بلکه روابط خاص اسلامی داریم

البته ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند و آقایان توجه کنند که روابط زمان سابق نباشد که در زمان سابق روابط یک طرفه بود، آقایان و نوکری، چه در زمان قاجار و چه زمان رضاخان و تا آخر و شما دیدید که از اول این طور بود که وقتی سفیری از انگلستان یا امریکا می‌آمد، کسی جرات نمی‌کرد حتی کلمه‌ای برخلاف

مصالح آنها بگوید. ولی ایران امروز این طور نیست و ما هیچ کشوری مثل ایران سراغ نداریم که این طور، دنیا و شرق و غرب به آن نظر داشته باشند و مستقل بوده و بگویند ما، نه با امریکا کار داریم و نه با شوروی و ما خودمان هستیم. و این که با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم، یعنی، رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت و ما این روابط را نمی‌خواهیم مادامی که این طور هست. و ما استقلال خودمان را می‌خواهیم حفظ کنیم و در دنیا زندگی کنیم و اسلام را به پیش ببریم. این روابط باید هر روز / بشود و شما از اول باید به آنها بفهمانید این معنا را که ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد، بلکه ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می‌رفت و ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم.

۶۸۰

سفارتخانه‌ها باید اسلامی بوده و ممتاز باشند.

و شما این نکته را توجه داشته باشید که، آن قدرتی که شما را به استقلال و آزادی رساند، قدرت خدای تعالی بود و تا وقتی که این عنایات الهی محفوظ باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند کاری بکند. همان طور که در این جنگی که علیه ما به راه انداخته و از همه جا به دشمن ما کمک می‌کنند، مع ذلک همه ملت ما و جوانان ما و تمام کشور ما ایستاده‌اند و ما برای دفاع تا آخر ایستاده‌ایم و دامنه تبلیغات، می‌دانید علیه ما از کجا تا کجاست. آن وقتی که فرانسه آن هواپیماها را به عراق فرستاد، چقدر تبلیغ کردند که، کار تمام شد و صدام خارک را با خاک یکسان می‌کند. آن مسأله تمام شد، حال مسأله دیگری شروع کرده‌اند که، هلیکوپترها و هواپیماهای تازه‌ای آمده و همه جا را می‌زند و فاصله بین خاک عراق تا خارک سیصد کیلومتر است و اینها پانصد کیلومتر را می‌زنند. ما می‌دانیم، اگر صدام یک روز هم قدرت این را داشته باشد که ایران و منافع ایران را به هم بزند، این کار را می‌کند و اگر نمی‌زند، نمی‌تواند. در عین حال، رادیوها مرتب می‌گویند که، آنها می‌توانند همه جا را بزنند. اینها می‌خواهند یک هیاهو راه بیندازند تا با امریکا روابط داشته باشیم و ما دست از صدام برداریم. و ما تا آخر ایستاده‌ایم و با امریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن طرف دنیا نیاید در لبنان و نخواهد دستش را به طرف خلیج فارس دراز کند. مادامی که امریکا این طور است و آفریقای جنوبی آن طور عمل می‌کند و اسرائیل هست، ما با آنها نمی‌توانیم زندگی بکنیم. اسرائیل آدم شدنی نیست مع ذلک می‌بینید شیاطین، با این که ما از بیست سال قبل و در زمان شاه فریاد زدیم و مسلمین را به ادراک خطر اسرائیل دعوت کردیم، می‌گویند: ایران با اسرائیل و امریکا رابطه دارد! ما باید فکر کنیم که یک کشوری هستیم که می‌خواهیم خودمان زندگی کنیم و نمی‌خواهیم دیگران در کار ما دخالت داشته باشند و مادامی که روابط ما با خدای تبارک و تعالی محکم است، کسی نمی‌تواند به ما آسیب برساند. و شما این مطلب را حفظ کنید و سفارتخانه‌ها صورت اسلامی داشته باشد که هر کس آن را می‌بیند، یک سفارتخانه ممتاز باشد و مثل سابق نباشد. قلب هایتان را با خدای تبارک و تعالی آشنا کنید، خدا پشتیان شماست، ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھب اعدائکم ۶۸۱. انشاءالله خداوند به همه شما توفیق دهد که به اسلام و انقلاب خدمت کنید. ۶۸۲

انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسایل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسؤ ولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنمایند، ولی

این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقا چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسوولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می‌آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دنیای دون امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با آمریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب بی شهادت میسر نیست. من بار دیگر از مسوولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ ترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشاء سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم. مگر بیش از این است که ما ظاهرا از جهانخواران شکست می‌خوریم و نابود می‌شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می‌کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ ایدای قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می‌کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم. امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی بر ملا شده است، بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خودفروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان این همه فضاحت و بی‌آبرویی شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرافکنندگی و خواری از کرده خود پشیمان و با ذلت مراجعه می‌کنند. احتمالا-قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌باشد گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته ایم کسی که به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - توهین کند و اجماع فقهاء مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تاویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسوول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت. من باز می‌گویم همه مسوولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند. ۶۸۳

شستشوی مغزی ملت ایران در جهت بی‌محتوایی و گرایش به غرب

آنچه که به نظر من مهم است این است که در زمان این پدر و پسر نالایق بیشتر در ایران واقع شده است این است که با تبلیغات دامنه دار هر طرفی اینها کاری کردند که مهم این است که محتوای ما را از ما گرفتند و ما را همچو مومن به غرب کردند که حاضر نیستیم غیر از مطالب غرب چیزی را قبول نکنیم. جوان های ما تقریبا خیلی هایشان اینطور شدند که از یک ایرانی، متحول شدند به

غربی و این یک خطری است برای کشوری که اصلا خودش را دیگر قبول نداشته باشد. هر چه قبول دارد، اجنبی را قبول داشته باشد جای خود، یک کس دیگر نشسته باشد و به اصطلاح شما، مغزشویی شده، آنها را شستشوی مغزی دادند و آن ملیت خودشان را، اسلامی خودشان را شسته اند و به جای آن غرب را نشانند و به حیث اینکه ما اگر چیزی هم خودمان داشته باشیم، باز دست مان را دراز می کنیم پیش غرب، مثلا ما می دانیم که مهندسینی داریم که می توانند آسفالت کنند، می توانند عمارت بسازند، می توانند عرض بکنم که راهسازی کنند معذالک وقتی که صحبت می شود، یک معمار غربی باید بیاید و عمل کند. ما طبیب داریم ولی وقتی که یک نفر مریض می شود، باید بفرستیم به خارج با اینکه طبیب در میان ما هست. لکن طوری ما را الان تحقیر کردند اینها و ما را میان تهی کردن که ما باورمان آمده است که ما هیچی نداریم و آنها همه چیز دارند و در صورتی که ما راجع به همین پیشرفت هائی که اینها کرده اند، باید بنشینیم حساب کنیم ببینیم که آیا این پیشرفت ها رو به تمدن دارد می رود یا رو به توحش دارد می رود؟ من تعبیرم این است که امریکا و سایر این دول غربی و شرقی اینها ترقیاتی کرده اند به این معنا که انسان ها را دارند حیوان درنده بار می آورند، تمام این کارها که کرده اند، برای درندگی است (ملت را نمی گویم دولت ها را میگویم) تمام افکار متوجه این شده است که یک چیزی درست کنند که کوبندگیش از آن سابق بیشتر باشد. همین پریروز بود که روزنامه من دیدم که فلان چیز را درست کرده اند که پنج مرتبه بالاتر از آن بمبی است که در ژاپن ریختند و چند هزار نفر را کشته اند. دنبال این هستند که یک آلت قتاله درست کنند یعنی دنبال این هستند یک حیواناتی درست کنند که این حیوانات درنده باشند، بدتر از حیوانات درنده قبلی. تمدن نیست، رو به توحش دارد می رود، غرب دارد رو به توحش، دارد می سازد یک مردمی را که بریزند به جان هم و با چنگ و دندانشان هم را پاره کنند. برخلاف تمدن که مکتب های الهی می خواهند انسان درست کنند که همه در کنار هم آسوده و آرام باشند، مکتب های اینها همه اش دنبال این معناست که باید این آنجا را بگیرد و آنجا را بگیرد بزند، بکشد، چه بکند. ما باید حالا که یک همچو انقلابی پیش آمد، یک همچو نهضتی پیش آمد و اینها هم، این طبقه متوسط و پائینی احساس کرد که یک استقلالی دارد، باید همه ما دنبال اینها باشیم و این استقلال فکری را حفظ کنیم.

۶۸۴

توصیه به سفرای ایران در حفظ استقلال و عدم خودباختگی در برابر محافل غربی

آقایان حالا- دارند تشریف می برند به ممالک خارج و بیشترش به ممالک غرب است. این جهت در نظرشان باشد که آن خود باختگی ها را که دولت سابق و دولت های سابق داشتند و چشم گو بودند، هر چه آنها می گویند قبول بکنند، آنها دیگر نباید باشند همانطوری که ایشان (اشاره به وزیر امور خارجه) سفیر امریکا را رد کرد و هیچ کاری هم نمی شود بکنند، نمی توانند بکنند، شما هم وقتی که تشریف می برید در سفارتخانه هایتان، در محل کارتتان می بینید یک انسان متحول از آن حاصل می شود و آنطوری که شاه بله قربان گو بود و من این را مکرر گفته ام و از بس متاثرم باز هم پیش شما عرض می کنم که من وقتی عکس شاه را پهلوی جانسون دیدم که جانسون عینکش را برداشته و از این طرف دارد چشم هایش آنطور می کند و نگاه می کند و به او نگاه نمی کند و او آن طرف میز او سر جای خودش بود، او آن طرف میز او ایستاده بود مثل یک بچه مکتبی که ایستاده پیش معلمش چیز می کند، من همچو متاثر شدم که ما در چه حالی هستیم که این شخص اول مملکت ما به اصطلاح هست، در مقابل او اینطوری ایستاده و آن هم اینطور بی اعتنا چشم هایش را آن طرف گذاشته و در روزنامه انداخته بود این عکس را و تحمیل هم گمان می کنم کرده بودند که در روزنامه های ایران منعکس بشود، اینجور نباشد. ما الان یک مملکتی هستیم که مستقیم، کسی در ما دخالت نمی تواند بکند. شما هم الان نماینده هستید از یک مملکتی که مستقل است، احتیاج اصلا ندارید، آنها به ما احتیاج دارند، ما احتیاجی به آنها نداریم، آنجا که می روید با کمال استقلال عمل کنید. اینطور نباشد که آنجا وقتی شما رفتید باز همان

حرفهای سابق باشد و همان چیزهایی که سابق آنها می آمدند . شاه به صراحت بیان گفت که لیست و کلا را می فرستادند پیش دولت ها و آنها لازم بود که همین ها را تعیین بکنند . می گفت (می خواست تایید خودش را بکند ، تکذیب پدرش را می کرد) لیست را تا حالا اینطور می داد . تکذیب چند سال قبل خودش را هم می کرد که خیر حالا دیگر آنطور نیست . حالا هم آن وقت هم آنطور بود لکن خوب ، دستور بود که اینجوری بگوید . اینجور نباشد که هرچه آنها به ما می گویند ، قبول بکنیم . نخیر شما باید مستقل باشید و شجاع باشید ، مملکت شما یک کاری کرد که دنیا را متحیر کرد . الان هم شما رفتید آنجا می بینید که چه جور به شما احترام خواهند گذاشت ، ملت احترام خواهد گذاشت لکن آنها ممکن است بخواهند باز سوء استفاده بکنند ، محکم بایستید در مقابل شان ، مسائل را به طور جدی و به طور اینکه یک ابرقدرت با یک ابرقدرت دارد صحبت می کند ، نه یک ضعیف با یک قوی . ما الان هیچ ضعفی از خودمان نشان نمی توانیم بدهیم و نمی دهیم و ابرقدرت ها هم کنار زده ایم و خودمان هم مستقل داریم کار خودمان را انجام می دهیم . شما هم الان از طرف یک دولتی که ابرقدرت ها را کنار گذاشته و خودش جایش نشسته و خودش در حکومت نشسته و استقلال دارد ، یک حکومت اسلامی است ، به عنوان اسلام مستقل است ، اسلامی که هفتصد سال تقریبا تمام قاره آسیا و اکثر بسیاری از جاهای اروپا را تحت سلطه اش بوده است . ۶۸۵

سفارتخانه را رنگ اسلامی بدهید و از تبلیغات غرب نترسید

در هر صورت و مهمتر از این ، اینکه این جهت اسلامیت را نگه دارید . آنکه این نهضت را پیش برد قدرت اسلام بود ، نه ما بودیم ، نه شما بودید ، نه دولت بود ، نه جبهه ها بودند ، نه نهضت ها بودند ، نه عرض بکنم که احزاب بودند ، هیچ یک از اینها ، نه بازار بود ، همه اینها وقتی آن روح اسلام آمد در آنها ، این کارها انجام گرفت ، آن روحی که الان هم یک قدری فرض کنید دارد سست می شود که مکرر پیش من آمده اند ، جوان ها قسم داده اند به من که شما دعا کنید ما شهید بشویم ، حالا هم دارند می گویند خوب ، حالا که دیگر قضیه میدان جنگ نیست الان هم به من می آیند می گویند که شما دعا کنید ما شهید بشویم این تحول اسباب این شد که ما پیش بردیم . شما این جهت ایمان و اسلام را حفظ کنید ، در سفارتخانه هایتان رنگ اسلامی بدهید ، نترسید از اینکه بگویند اینها - عرض بکنم - عقب افتاده اند . آنها عقب افتاده اند ، آنها که دارند مردم را می کشند به عصر حجر عقب افتاده اند ، نه ما که می خواهیم مردم را بکشیم به تمدن ، به تمدن به معنای واقعی . نترسید از حرف هائی که اینها می زنند . هیچ قدرتی در مقابل اسلام نیست ، همین قدرت است که یک عده کمی غلبه کرد بر یک عده زیادی ، بر قدرت های زیاد . سفارتخانه هایتان را ، اداراتان که در آنجا دارید ، همه را اسلامی کنید . آن جهات غربی اش را اصلاح کنید هر چه جهت اسلامیش بکنید آنها بیشتر از شما حساب می برند ، هر چه طرف غرب بروید آنها از شما بهره می برند ، شما این مطلب را که با آن از یک مملکت اسلامی رفته اید ، با یک حال اسلامی رفته اید و مسائل را اسلامی می خواهید حل بکنید . این مطلب را در همه جا که هستید در نظر داشته باشید ، بعد از یک چند دفعه تجربه کنید ببینید احترام بیشتر خواهد شد . وقتی دیدند شما یک ایده ای دارید که سر آن ایده باقی هستید و پافشاری دارید می کنید ، اینها هم با شما چیز می شوند ، اگر شما یک قدم کنار بروید ، یک قدم عقب بروید آنها جلوتر می آیند . وضع همین است ، یک قدم شما عقب بروید آنها یک قدم جلوتر می آیند ، بیشتر از شما توقع دارند . ۶۸۶

تأکید فراوان بر شروع مطالب با بسم الله الرحمن الرحيم

مجالستان راهم مجالس اسلامی کنید . - عرض بکنم که - سفارتخانه هایتان ، سفارتخانه اسلامی کنید ، همه جهات را چیز بکنید ، اسم خدا را آن بالا- یک جا بنویسید ، بسم الله الرحمن الرحيم را بنویسید ، در کاغذهایتان بسم الله الرحمن الرحيم باشد ، خوف

نکنید از اینکه به ما می گویند چی ، همین تعلیمات آنهاست که ما را غریزده کرده که می ترسیم که بسم الله الرحمن الرحیم را بنویسیم روی کاغذهایمان . من این را به آقایان هم گفتم که این را رسمی اش بکنند که بسم الله الرحمن الرحیم در همه کاغذها باشد . این دولت عراق با اینکه سرانشان اعتقاد به این مسائل اصلش شاید بسیاریشان نداشته باشند لکن در کاغذهایشان بسم الله الرحمن الرحیم همه هست ، همه کاغذها را ، وقتی هم که صحبت می خواهند بکنند ، همان جا که می نشینند بسم الله الرحمن الرحیم می گویند و صحبت می کنند . از بسم الله الرحمن الرحیم نترسید ، شیطان می ترسد ، شما ملک هستید انشاء الله . ۶۸۷

لزوم پرهیز از مجالس طاغوتی و برپائیمحافل ساده اسلامی

در هر صورت آنکه من زیاد به نظرم اهمیت دارد این است که آقایان از غرب نترسید ، اینقدر ما را که ترسانده اند ، در غرب هم خبری نیست ، نترسید - هر وقت خودتان - مستقل و عرض بکنم اسلامی و مطالب اسلامی ، مجالس اسلامی ، آنجور مجالسی که آن طاغوت داشت ، نداشته باشید ، آن مهمانی های کذا را نکنید ، مهمانی اگر کردید ساده باشد ، وقتی ساده باشد - عرض بکنم که - مراسم دینی اش محفوظ باشد و امثال ذلک جهات سیاسی اش هم آقای دکتر و خود شما بهتر اطلاع دارید و من دعا می کنم برای شما ، انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و همه ما را آشنای به وظائف مان بکند که یک مملکتی که حالا دست شما آقایان و ما افتاده است ، بتوانیم آن را درست اداره کنیم ، بعد نگویند که اینها نتوانستند ، حالا که نتوانستند قیم می خواهند و ما قیم شان باید باشیم . اینجور نباشد . ۶۸۸

از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است

من امروز در حضور نمایندگان محترم کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی باید مطلبی را به عرض برسانم . از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) منقول است که اسلام در ابتدا مظلوم بود و بعد هم مظلوم خواهد بود . من می خواهم مظلومیت اسلام را امروز برای شما آقایان عرض کنم . در قرآن شریف هم می بینیم که پیغمبر اکرم شکایت کرده است به خدای تبارک و تعالی که ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا ۶۸۹ از مهجور بودن قرآن در نزد قومش و در امتش شکایت فرموده است . من این مهجوریت و مظلومیت را امروز در حضور شما آقایان محترم عرض می کنم که ببینید چه وضعی اسلام و مسلمین دارند . قرآن و اسلام مهجور و مظلومند برای اینکه مهجوریت قرآن و مهجوریت اسلام به این است که مسائل مهم قرآنی و مسائل مهم اسلامی یا بکلی مهجور است و یا برخلاف آنها بسیاری از دولت های اسلامی قیام کردند . از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است ، با تعبیرهای مختلفی که در قرآن کریم هست ، منع تنازع بین مسلمین و سران مسلمین است که نکته اش را هم فرموده است که لاتنازعوا ففتشوا و تذهب ریحکم ۶۹۰ ما بررسی کنیم به اینکه آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلامی است ، در بین مسلمین چه وضعی دارد ، آیا مسلمین اعتنایی کرده اند به این دو اصل ؟ و آیا تبعیتی کرده اند از این دو اصل مهمی که اگر اطاعت از آن بکنند ، تمام مشکلات مسلمین حل می شود و اگر اطاعت نکنند فشل می شوند و رنگ و بویشان از بین می رود ؟ ۶۹۱

خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است

مسلمین دو طایفه هستند ، یک طایفه ملت های اسلامی است ، توده های مردمی است و یک دسته آنهایی هستند که حکومت بر این توده ها می کنند و سردمدار کشورهای خودشان هستند . ما بررسی کنیم از این سردمداران و این دولت هایی که در اسلام هر کدام در یک کشوری حکومت می کنند و همه هم مدعی اسلام هستند و مدعی تبعیت از کتاب الله ، ببینیم که اینها آیا به این اصل

سیاسی مهم کتاب الله عمل کرده اند یا پشت کردند و مخالفت . از آن طرف باز یک اصل دیگری هست که باز از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند . خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند این اصولی که از امور سیاسی است که قرآن کریم طرح کرده است و مسلمین را به آن دعوت کرده است ، ما الان می بینیم که در کشورهای اسلامی سران کشورهای اسلامی یا با هم در نزاع واقع شده اند و منازعات سیاسی ، منازعات تبلیغاتی می کنند و یا با هم تفاهم و اتحاد ندارند . بین کشورهای اسلامی اتحاد می بینیم که نیست ، تنازع هم هست ، گاهی تنازع مسلحانه و گاهی و بسیاری از اوقات تنازع تبلیغاتی و سیاسی و در اثر این تنازع ها فشل شده اند . ۶۹۲

ما نباید تحت نظارت یک کشور و یا تحت بیرق کفر باشیم

نجات دادن مملکت اسلامی یک تکلیفی است که انسان موظف است انجام بدهد . اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم زن و مرد حرکت کنند . مسأله دفاع اینطور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته ای داشته باشد ، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند . اگر ما در یک هجوم اقتصادی هم واقع شدیم که سبب گردید تا وابسته به کشور دیگری باشیم ، این هم یک وظیفه شرعی را ایجاد می کند که ما باید خودمان را نجات بدهیم ، یک طبقه ننشینند تا یک طبقه دیگر کار کنند ، رعیت ها کم کاری نکنند ، آنهایی که در کارخانه ها کار می کنند کم کاری و سستی نکنند . امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است . زمان ، زمان آرامی نیست که بگوئید خوب ، ما زیاد منفعت نمی خواهیم بیریم . در اینجا دیگر اختیار به مردم نیست اختیاری است که در دست خداست و او امر کرده است که ما نباید تحت نظارت یک کشور و یا تحت بیرق کفر باشیم . این یکی از مسائل مهم اسلام است و باید کوشش کنیم و اقتصاد خود را اداره نمائیم . ۶۹۳

پی نوشت ها

۱ تا ۱۵۹

۱- صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۹۸ . ۲- صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۱۷۶ . ۳- صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۱۷۷ . ۴- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۱۶۵ . ۵- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۱۶۵ . ۶- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۱۶۶ . ۷- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۱۶۷ . ۸- صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۱۷ . ۹- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۱۴۸ . ۱۰- صحیفه نور جلد ۳ صفحه ۱۹۷ . ۱۱- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۱۱۸ . ۱۲- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۱۲۰ . ۱۳- صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۸۱ . ۱۴- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۱۴۷ . ۱۵- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۸۱۰ . ۱۶- صحیفه نور جلد ۹ صفحه ۱۴۹ . ۱۷- صحیفه نور جلد ۱۱ صفحه ۶۵ . ۱۸- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۲۲۴ . ۱۹- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۲۲۵ . ۲۰- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۲۲۵ . ۲۱- سوره فتح ، آیه ۲۹ . ۲۲- سوره فتح ، آیه ۲۹ . ۲۳- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۲۲۶ . ۲۴- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۲۲۶ . ۲۵- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۲۲۷ . ۲۶- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۳۸ . ۲۷- سوره سباء ، آیه ۴۶ . ۲۸- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۳۸ . ۲۹- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۳۹ . ۳۰- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۳۴ . ۳۱- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۷۹ . ۳۲- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۲۸۵ . ۳۳- سوره اسراء ، آیه ۸۱ . ۳۴- صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۴۷ . ۳۵- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۱۲۷ . ۳۶- و ره علق ، آیه ۱ . ۳۷- و ره علق ، آیه ۶ . ۳۸- سوره نازعات ، آیه ۲۴ . ۳۹- سوره علق ، آیه ۶ و ۷ . ۴۰- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۲۵۳ . ۴۱- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۲۵۴ . ۴۲- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۲۵۵ . ۴۳- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۲۵۶ . ۴۴- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۲۲۰ .

۴۵- صحیفه نور جلد ۱۶ صفحه ۲۷۵ . ۴۶- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۲۵۰ . ۴۷- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۲۵۱ . ۴۸- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۲۵۱ . ۴۹- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۲۵۲ . ۵۰- جلد ۱۸ صفحه ۸۵ . ۵۱- صحیفه نور جلد ۴ صفحه ۱۲۴ . ۵۲- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۲۷۱ . ۵۳- صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۱۸ . ۵۴- سوره محمد ، آیه ۱۲ . ۵۵- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۲۴۹ . ۵۶- صحیفه نور جلد ۴ صفحه ۲۵۲ . ۵۷- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۲۶۵ . ۵۸- صحیفه نور جلد ۶ صفحه ۱۷۱ . ۵۹- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۹۶ . ۶۰- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۹۷ . ۶۱- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۹۸ . ۶۲- صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۱۸۸ . ۶۳- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۲۰ . ۶۴- قیق تر ، باریکتر . ۶۵- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۲۲۵ . ۶۶- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۴۸ . ۶۷- صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۱۸۸ . ۶۸- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۱۴۶ . ۶۹- صحیفه نور جلد ۱۶ صفحه ۲۲۰ . ۷۰- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۷ . ۷۱- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۲۳۵ . ۷۲- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۲۴۰ . ۷۳- صحیفه نور جلد ۱۱ صفحه ۲۲۰ . ۷۴- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۲۵۷ . ۷۵- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۱۸۷ . ۷۶- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۲۹ . ۷۷- سوره بقره ، آیه ۱۹۳ . ۷۸- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۳۰ . ۷۹- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۳۱ . ۸۰- سوره بقره ، آیه ۱۵۶ . ۸۱- صحیفه نور جلد ۹ صفحه ۱۴۹ . ۸۲- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۲۱۴ . ۸۳- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۱۹۸ . ۸۴- سوره بقره ، آیه ۲۵۷ . ۸۵- سوره حجرات ، آیه ۱۰ . ۸۶- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۱۲۷ . ۸۷- صحیفه نور جلد ۱۰ صفحه ۱۱۲ . ۸۸- صحیفه نور جلد ۱۰ صفحه ۱۱۳ . ۸۹- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۱۹۰ . ۹۰- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۱۸ . ۹۱- صحیفه نور جلد ۳ صفحه ۶۸ . ۹۲- صحیفه نور جلد ۳ صفحه ۶۹ . ۹۳- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۱۹ . ۹۴- صحیفه نور جلد ۳ صفحه ۱۸۸ . ۹۵- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۱۶۹ . ۹۶- صحیفه نور جلد ۱ صفحه ۱۶۹ . ۹۷- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۱۸۵ . ۹۸- صحیفه نور جلد ۹ صفحه ۱۱۳ . ۹۹- صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۲۴۰ . ۱۰۰- صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۲۳۲ . ۱۰۱- صحیفه نور جلد ۲ صفحه ۲۳۴ . ۱۰۲- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۴۴ . ۱۰۳- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۲۶۲ . ۱۰۴- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۵۷ . ۱۰۵- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۱۳۰ . ۱۰۶- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۸۸ . ۱۰۷- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۱ . ۱۰۸- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۵۰ . ۱۰۹- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۸۸ . ۱۱۰- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۶ . ۱۱۱- صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۱۹۲ . ۱۱۲- صحیفه نور جلد ۵ صفحه ۱۵۰ . ۱۱۳- صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۲۱۰ . ۱۱۴- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۵۰ . ۱۱۵- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۱۲۸ . ۱۱۶- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۶۴ . ۱۱۷- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۱۱۸ . ۱۱۸- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۲۱۶ . ۱۱۹- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۱۴۰ . ۱۲۰- سوره شوری ، آیه ۱۵ . ۱۲۱- و ره هود ، آیه ۱۱۲ . ۱۲۲- صحیفه نور جلد ۱۷ صفحه ۲۵ . ۱۲۳- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۲۴ . ۱۲۴- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۷۴ . ۱۲۵- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۱۹۷ . ۱۲۶- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۲۱۵ . ۱۲۷- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۲۴۰ . ۱۲۸- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۵۲۰ . ۱۲۹- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۲۸۵ . ۱۳۰- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۲۴۸ . ۱۳۱- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۱۹۱ . ۱۳۲- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ . ۱۳۳- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ . ۱۳۴- صحیفه نور جلد ۱۲ صفحه ۲۵۸ . ۱۳۵- صحیفه نور جلد ۲۰ صفحه ۲۳۴ . ۱۳۶- صحیفه نور جلد ۱۶ صفحه ۱۷۳ . ۱۳۷- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۲ . ۱۳۸- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۳ . ۱۳۹- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۳ . ۱۴۰- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۴ . ۱۴۱- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۵ . ۱۴۲- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۶ . ۱۴۳- صحیفه نور جلد ۸ صفحه ۸۷ . ۱۴۴- صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۱۲۰ . ۱۴۵- صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۸۱۰ . ۱۴۶- صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۷۶ . ۱۴۷- صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۸۰ . ۱۴۸- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۲۸۲ . ۱۴۹- صحیفه نور جلد ۱۴ صفحه ۱۵۰ . ۱۵۰- صحیفه نور جلد ۱۰ صفحه ۱۱ . ۱۵۱- صحیفه نور جلد ۱۰ صفحه ۱۲ . ۱۵۲- صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۱۹۴ . ۱۵۳- صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۱۹۹ . ۱۵۴- صحیفه نور جلد ۱۸ صفحه ۱۹۳ . ۱۵۵- و ره آل عمران ، آیه ۱۰۲ . ۱۵۶- لد ۱۸ صفحه ۱۹۳ . ۱۵۷- لد ۱۵ صفحه ۱۹۵ . ۱۵۸- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۴۳ . ۱۵۹- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۸۳

۱۶۰- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۱۶۱ ۸۳- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۱۶۲ ۸۴- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۱۶۳ ۳۲-
 صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۱۶۴ ۳۳- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۱۶۵ ۳۳- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۱۶۶ ۱۹۰- صحیفه
 نور جلد : ۱۷ صفحه : ۱۶۷ ۲۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۱۶۸ ۲۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۱۶۹ ۲۱۸- صحیفه نور
 جلد : ۱۷ صفحه : ۱۷۰ ۲۱۸- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۱۷۱ ۲۱۲- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۱۷۲ ۳- صحیفه نور جلد : ۸
 صفحه : ۱۷۳ ۳- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۱۷۴ ۴- صل دعا چنین است : الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية اميرالمؤ
 منين و الائمه عليهم السلام مفاتيح الجنان اعمال روز عيد غدیر . ۱۷۵- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۱۷۶ ۱۲۷- وره بقره ، آیه ۱۵۶
 . ۱۷۷- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۱۷۸ ۲۶۸- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۱۷۹ ۸۷- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۱۸۰ ۱۴۹-
 صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۱۸۱ ۱۶- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۱۸۲ ۲۱۹- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۱۸۳ ۲۲۰- صحیفه
 نور جلد : ۷ صفحه : ۱۸۴ ۲۲۰- صحیفه نور جلد : ۱ صفحه : ۱۸۵ ۲۷۲- صحیفه نور جلد : ۳ صفحه : ۱۸۶ ۱۱۲- صحیفه نور جلد :
 ۱۷ صفحه : ۱۸۷ ۱۵۲- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۱۸۸ ۱۵۳- صحیفه نور جلد : ۲۱ صفحه : ۱۸۹ ۹۵- صحیفه نور جلد : ۸
 صفحه : ۱۹۰ ۲۵۱- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۱۹۱ ۲۴۱- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۱۹۲ ۲۴۳- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه :
 ۱۹۳ ۱۶۰- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۱۹۴ ۷۸- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۱۹۵ ۹۴- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۱۹۸
 ۱۹۶- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۱۹۷ ۱۲۷- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۱۹۸ ۵- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۱۹۹ ۳۱۰-
 صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۲۰۰ ۲۳۶- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۰۱ ۱۶۹- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۰۲ ۱۶۹- صحیفه
 نور جلد : ۹ صفحه : ۲۰۳ ۲۲۳- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۲۰۴ ۱۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۲۰۵ ۱۱۸- صحیفه نور
 جلد : ۷ صفحه : ۲۰۶ ۲۵۳- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۰۷ ۲۵۳- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۰۸ ۱۹۰- صحیفه نور جلد :
 ۱۳ صفحه : ۲۰۹ ۱۹۰- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۲۱۰ ۱۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۱۱ ۱۹۱- صحیفه نور جلد : ۱۳
 صفحه : ۲۱۲ ۱۹۲- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۱۳ ۶- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۱۴ ۶- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۶
 ۲۱۵- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۱۶ ۹۶- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۱۷ ۹۶- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۱۸ ۱۷۲-
 صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۱۹ ۱۷۳- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۲۲۰ ۳۶- صحیفه نور جلد : ۱ صفحه : ۲۲۱ ۲۱- صحیفه نور
 جلد : ۱۷ صفحه : ۲۲۲ ۴۱- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۲۲۳ ۵۱- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۲۲۴ ۱۶۷- صحیفه نور جلد :
 ۱۹ صفحه : ۲۲۵ ۲۳۹- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۲۶ ۱۸۸- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۲۷ ۱۸۹- صحیفه نور جلد : ۱۳
 صفحه : ۲۲۸ ۱۹۰- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۲۹ ۱۹۱- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۳۰ ۱۹۱- صحیفه نور جلد : ۴ صفحه
 : ۲۳۱ ۲۵۴- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۳۲ ۷۲- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۳۳ ۷۳- سوره حجرات ، آیه ۱۳ . ۲۳۴- صحیفه
 نور جلد : ۱۹ صفحه : ۲۳۵ ۷۶- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۳۶ ۱۲۶- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۳۷ ۱۲۷- صحیفه نور
 جلد : ۱۳ صفحه : ۲۳۸ ۱۸۳- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۲۳۹ ۷۶- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۴۰ ۲۵۶- صحیفه نور جلد : ۷
 صفحه : ۲۴۱ ۲۵۹- صحیفه نور جلد : ۴ صفحه : ۲۴۲ ۲۴۶- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۲۴۳ ۲۲۴- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه :
 ۲۴۴ ۱۹۴- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۲۴۵ ۲۱۵- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۲۴۶ ۲۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۲۴۷
 ۱۴۲- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۲۴۸ ۳- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۲۴۹ ۶۲۰- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۲۵۰ ۱۴۲-
 صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۵۱ ۱۸۷- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۵۲ ۱۲۰- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۵۳ ۱۲۰-
 صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۲۵۴ ۱۲- صحیفه نور جلد : ۲۱ صفحه : ۲۵۵ ۱۸۱- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۵۶ ۱۳۰- صحیفه

نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۵۷ ۲۵۱- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۲۵۸ ۱۲۹- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۱۲۹ ۲۵۹- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۲۶۰ ۱۷۴- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۶۱ ۱۸۵- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۶۲ ۷۶- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۶۳ ۷۷- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۶۴ ۲۷۲- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۶۵ ۲۷۳- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۲۶۶ ۲۷۴- صحیفه نور جلد : ۵ صفحه : ۲۶۷ ۲۲۶- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۲۶۸ ۱۶۶- سئره فتح ، آیه ۲۹ . ۲۶۹- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۲۷۰ ۸۲۰- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۲۷۱ ۱۸۴- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۲۷۲ ۲۴۷- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۷۳ ۱۵۷- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۲۷۴ ۱۵۹- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۲۷۵ ۲۴۵- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۲۷۶ ۲۲- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۲۷۷ ۶۹- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۷۸ ۱۵۳- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۲۷۹ ۱۵۷- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۲۸۰ ۱۷۳- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۲۸۱ ۱۲۰- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۲۸۲ ۱۷۰- شاهرگ گردن ، آیه ۴۴ تا ۴۷ سوره الحاقه . ۲۸۳- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۲۸۴ ۱۷۱- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۲۸۵ ۴۲- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۲۸۶ ۴۲- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۲۸۷ ۲۶- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۸۸ ۱۶۸- صحیفه نور جلد : ۳ صفحه : ۲۸۹ ۱۰- صحیفه نور جلد : ۵ صفحه : ۲۹۰ ۲۹- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۲۹۱ ۱۴۵- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۹۲ ۱۷۴- صحیفه نور جلد : ۳ صفحه : ۲۹۳ ۶۹- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۹۴ ۵۳- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۲۹۵ ۲۹- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۲۹۸

۴۵۴۵۲۹۶

۲۹۶- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۲۹۷ ۲۸۰- مفهوم نشد . ۲۹۸- مفهوم نشد . ۲۹۹- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۳۰۰ ۲۲۰- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۰۱ ۱۹۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۰۲ ۲۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۰۳ ۲۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۰۴ ۲۶۵- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۰۵ ۱۲۸- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۰۶ ۲۱۳- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۰۷ ۲۱۳- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۰۸ ۲۱۳- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۰۹ ۱۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۱۰ ۱۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۱۱ ۱۶۵- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۱۲ ۱۶۵- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۳۱۳ ۱۱۲- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۳۱۴ ۲۳- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۳۱۵ ۲۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۱۶ ۸۱۰- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۱۷ ۹۱۰- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۱۸ ۲۴۵- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۱۹ ۱۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۲۰ ۱۱۸- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۲۱ ۱۱۸- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۲۲ ۲۸۲- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۲۳ ۲۸۲- سوره هود ، آیه ۱۱۲ . ۳۲۴- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۲۵- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۲۶ ۲۲۳- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۲۷ ۲۲۳- صحیفه نور جلد : ۲ صفحه : ۳۲۸ ۲۱۶- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۲۹ ۱۵۵- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۳۳۰ ۲۴۵- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۳۳۱ ۱۵۲- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۳۲ ۱۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۳۳ ۱۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۳۴ ۷۸- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۳۵ ۷۱۰- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۳۳۶ ۹۴- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۳۳۷ ۹۵- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۳۸ ۲۴۹- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۳۹ ۲۱۳- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۳۴۰ ۲۴۰- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۳۴۱ ۲۴۱- صحیفه نور جلد : ۱ صفحه : ۳۴۲ ۱۶۶- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۴۳ ۱۸۷- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۴۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۴۵ ۲۶۵- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۴۶ ۱۶۱- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۴۷ ۲۳۶- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۴۸ ۲۳۷- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۴۹ ۲۳۷- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۰ ۲۵۹- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۱ ۱۴۲- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۲ ۴۰- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۵۳ ۷۸- صحیفه

نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۴ ۹۷ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۵ ۹۷ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۶ ۲۱۶ - صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۳۵۷ ۳۶ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۸ ۱۸ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۵۹ ۱۹ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۶۰ ۱۹ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۶۱ ۲۰ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۶۲ ۲۱ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۶۳ ۲۲ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۶۴ ۲۲ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۶۵ ۲۲ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۶۶ ۷۳ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۶۷ ۱۸۰ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۶۸ ۱۸۱ - صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۳۶۹ ۳۸ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۷۰ ۷۳ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۳۷۱ ۷۳ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۷۲ ۲۳۵ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۷۳ ۱۷۸ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۷۴ ۴۳ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۷۵ ۲۲۲ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۷۶ ۱۵۳ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۳۷۷ ۲۷۵ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۷۸ ۴۳ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۷۹ ۸۸ - صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۸۰ ۱۶۵ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۸۱ ۲۳۹ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۳۸۲ ۳۶ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۸۳ ۱ - صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۸۴ ۲۴۹ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۸۵ ۵۱۰ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۸۶ ۱۳۴ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۸۷ ۱۳۵ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۸۸ ۱۴۷ - صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۳۸۹ ۵۹ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۹۰ ۲۲۰ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۹۱ ۲۲۱ - صحیفه نور جلد : ۲۱ صفحه : ۳۹۲ ۸۱۰ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۳۹۳ ۸۴ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۹۴ ۲۵۴ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۳۹۵ ۱۹۳ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۳۹۶ ۲۱۶ - صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۳۹۷ ۳۷ - صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۳۹۸ ۱۴۸ - صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۳۹۹ ۱۷۱ - صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۴۰۰ ۱۷۲ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۱ ۲۴۵ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۲ ۳۰ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۳ ۳۰ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۴ ۳۱ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۵ ۳۱ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۶ ۳۲ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۷ ۳۲ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۸ ۲۶۳ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۰۹ ۲۶۳ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۰ ۲۶۴ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۱ ۲۶۴ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۲ ۲۶۵ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۳ ۲۶۵ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۴ ۲۶۶ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۵ ۲۶۷ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۶ ۲۶۸ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۷ ۲۶۸ - صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۴۱۸ ۲۶۹ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۴۱۹ ۱۵۶ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۲۰ ۷۵ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۲۱ ۷۵ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۲۲ ۷۶ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۴۲۳ ۱۳۰ - این جمله در صحیفه نور نجعل مخفون آمده است که صحیح آن باید نجی المخفون باشد . ۴۲۴ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۴۲۵ ۱۳۹ - سوره کهف ، آیه ۶ . ۴۲۶ - صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۴۲۷ ۱۳۹ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۴۲۸ ۱۵۵ - صول کافی تکتاب عقل و جهل ، حدیث سوم . ۴۲۹ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۴۳۰ ۱۵۶ - صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۴۳۱ ۳۵ - سوره یوسف ، آیه ۵۳ . ۴۳۲ - صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۴۳۳ ۳۵ - صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۴۳۴ ۱۴ - صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۴۳۵ ۱۴ - صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۴۳۶ ۷۸ - صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۴۳۷ ۷۹ - صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۴۳۸ ۷۹ - صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۴۳۹ ۸۰ - صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۴۴۰ ۸۱ - صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۴۴۱ ۸۲ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۴۴۲ ۱۵۸ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۴۴۳ ۱۵۹ - صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۴۴۴ ۱۶۰ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۴۵ ۷۸ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۴۶ ۷۱ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۴۷ ۷۱ - صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۴۴۸ ۷۲ - صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۴۴۹ ۲۲۵ - صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۴۵۰ ۲۵۷ - صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۴۵۱ ۱۵۵ - صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۴۵۲ ۱۴۵ - صحیفه نور جلد : ۲۱ صفحه : ۴۵۳ ۱۸۸ - سوره بقره ، آیه ۱۵۵ . ۴۵۴ - سوره بقره ، آیه ۱۵۶ .

۴۵۵ تا ۵۹۰

۴۵۵- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۳۵ ۴۵۶- وره بقره، آیه ۱۵۵. ۴۵۷- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۳۵ ۴۵۸- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۳۶ ۴۵۹- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۳۶ ۴۶۰- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۳۶ ۴۶۱- سوره عنکبوت، آیه ۲. ۴۶۲- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۳۷ ۴۶۳- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۱۲ ۴۶۴- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۱۳ ۴۶۵- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۱۳ ۴۶۶- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۱۴ ۴۶۷- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۱۵ ۴۶۸- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۱۶ ۴۶۹- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۲۷۶ ۴۷۰- صحیفه نور جلد: ۱۵ صفحه: ۵۱۰ ۴۷۱- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۲۱۷ ۴۷۲- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۲۱۸ ۴۷۳- سوره یونس، آیه ۹۱. ۴۷۴- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۲۱۹ ۴۷۵- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۳۲ ۴۷۶- سوره نور، آیه ۳۵. ۴۷۷- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۲۷۷ ۴۷۸- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۲۶۳ ۴۷۹- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۸۱۰ ۴۸۰- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۸۱۰ ۴۸۱- صحیفه نور جلد: ۶ صفحه: ۲۳۹ ۴۸۲- صحیفه نور جلد: ۲ صفحه: ۲۸۰ ۴۸۳- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۲۱۴ ۴۸۴- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۲۱۴ ۴۸۵- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۱۹۹ ۴۸۶- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۰۰ ۴۸۷- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۵۸ ۴۸۸- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۵۹ ۴۸۹- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۵۹ ۴۹۰- صحیفه نور جلد: ۱۰ صفحه: ۱۸۶ ۴۹۱- صحیفه نور جلد: ۱۰ صفحه: ۱۹۸ ۴۹۲- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۳ ۴۹۳- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۴ ۴۹۴- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۴ ۴۹۵- سوره بروج، آیه ۲۰. ۴۹۶- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۵ ۴۹۷- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۵ ۴۹۸- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۶ ۴۹۹- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۶ ۵۰۰- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۷ ۵۰۱- سوره بقره، آیه ۲۷۹. ۵۰۲- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۵۸ ۵۰۳- عیب دار کردن، معیوب دانستن. ۵۰۴- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۶۹ ۵۰۵- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۹۷ ۵۰۶- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۹۸ ۵۰۷- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۹۹ ۵۰۸- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۹۹ ۵۰۹- صحیفه نور جلد: ۱۰ صفحه: ۱۹۹ ۵۱۰- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۲۱۴ ۵۱۱- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۲۱۴ ۵۱۲- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۲۱۵ ۵۱۳- سوره نحل، آیه ۹۶. ۵۱۴- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۲۴۲ ۵۱۵- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۲۴۲ ۵۱۶- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۲۴۳ ۵۱۷- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۲۴۴ ۵۱۸- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۶۴ ۵۱۹- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۶۵ ۵۲۰- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۶۶ ۵۲۱- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۶۶ ۵۲۲- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۶۷ ۵۲۳- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۶۴ ۵۲۴- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۱۹ ۵۲۵- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۴۷ ۵۲۶- صحیفه نور جلد: ۸ صفحه: ۴۸ ۵۲۷- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۲۷۴. ۵۲۸- صحیفه نور جلد: ۱۵ صفحه: ۲۲۱ ۵۲۹- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۶۱. ۵۳۰- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۳۵ ۵۳۱- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۳۶ ۵۳۲- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۳۷ ۵۳۳- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۳۷ ۵۳۴- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۳۸ ۵۳۵- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۳۹ ۵۳۶- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۷۲۰ ۵۳۷- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۲۱۰ ۵۳۸- سوره حجرات، آیه ۱۰. ۵۳۹- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۴۸ ۵۴۰- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۴۹ ۵۴۱- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۴۹ ۵۴۲- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۱۵ ۵۴۳- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۶ ۵۴۴- صحیفه نور جلد: ۵ صفحه: ۲۲۷ ۵۴۵- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۲۵۱ ۵۴۶- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۱۶۱ ۵۴۷- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۱۶۱ ۵۴۸- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۸۷ ۵۴۹- صحیفه نور جلد: ۱۰ صفحه: ۴۴. ۵۵۰- صحیفه نور جلد: ۴ صفحه: ۵۸ ۵۵۱- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۲۶۱ ۵۵۲- صحیفه نور جلد: ۱۲ صفحه: ۲۴۹ ۵۵۳- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۳۹ ۵۵۴- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۵۹

۵۵۵- سوره ذاریات ، آیه ۵۵ . ۵۵۶- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۵۵۷ ۴۰- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۵۵۸ ۴۴- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۵۵۹ ۲۸۴- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۵۶۰ ۳۸- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۵۶۱ ۲۷۲- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۵۶۲ ۲۷۳- صحیفه نور جلد : ۶ صفحه : ۵۶۳ ۲۷۴- سوره فتح آیه ۲۹ . ۵۶۴- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۵۶۵ ۱۵- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۵۶۶ ۳۵- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۵۶۷ ۲۴۹- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۵۶۸ ۱۲۳- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۵۶۹ ۱۲۴- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۵۷۰ ۴۱۰- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۵۷۱ ۲۳۹- صحیفه نور جلد : ۴ صفحه : ۵۷۲ ۱۲۲- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۵۷۳ ۱۹۲- صحیفه نور جلد : ۴ صفحه : ۵۷۴ ۵۸- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۵۷۵ ۹۱۰- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۵۷۶ ۵۰- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۵۷۷ ۹۱۰- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۵۷۸ ۲۲۱- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۵۷۹ ۲۱۲- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۵۸۰ ۱۱۳- سوره علق ، آیه ۱ . ۵۸۱- سوره علق ، آیه ۷-۶ . ۵۸۲- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۵۸۳ ۲۵۳- سوره نازعات ، آیه ۲۴ . ۵۸۴- سوره علق ، آیه ۷-۶ . ۵۸۵- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۵۸۶ ۲۵۳- سوره حجرات ، آیه ۱۰ . ۵۸۷- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۵۸۸ ۸۱- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۵۸۹ ۱۲- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۵۹۰ ۴۰- سوره محمد ، آیه ۷ .

۶۹۳ تا ۵۹۱

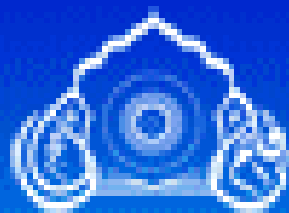
۵۹۱- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۵۹۲ ۹۱۰- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۵۹۳ ۸۴- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۵۹۴ ۲۵۱- سوره زلزله ، آیه ۷ . ۵۹۵- سوره زلزله ، آیه ۸ . ۵۹۶- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۵۹۷ ۹۴- صحیفه نور جلد : ۱۱ صفحه : ۵۹۸- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۵۹۹ ۷۰- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۶۰۰ ۱۲- شمنی اهل جهنم با یکدیگر . ۶۰۱- سوره حجر ، آیه ۴۷ . ۶۰۲- زمین صاف و هموار . ۶۰۳- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۰۴ ۶- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۰۵ ۶- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۰۶ ۷- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۰۷ ۷- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۰۸ ۸- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۶۰۹ ۳۸- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۶۱۰ ۶۶- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۶۱۱ ۱۸۷- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۶۱۲ ۱۱۷- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۶۱۳ ۱۶۰- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۶۱۴ ۱۷۵- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۶۱۵ ۲۱۹- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۶۱۶ ۷۳- صحیفه نور جلد : ۲۰ صفحه : ۶۱۷ ۷۴- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۶۱۸ ۱۳۲- سوره بقره ، آیه ۱۵۶ . ۶۱۹- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۶۲۰ ۱۳۲- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۶۲۱ ۲۱۰- صحیفه نور جلد : ۱۷ صفحه : ۶۲۲ ۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۵ صفحه : ۶۲۳ ۱۸۰- صحیفه نور جلد : ۷ صفحه : ۶۲۴ ۲۵۳- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۶۲۵ ۱۵۸- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۶۲۶ ۱۵۹- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۶۲۷ ۱۱۲- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۲۸ ۶۴- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۶۲۹ ۳۷- صحیفه نور جلد : ۵ صفحه : ۶۳۰ ۱۲۹- صحیفه نور جلد : ۴ صفحه : ۶۳۱ ۱۹۰- صحیفه نور جلد : ۵ صفحه : ۶۳۲ ۳۴- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۶۳۳ ۶۲۰- صحیفه نور جلد : ۱۹ صفحه : ۶۳۴- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۳۵ ۱۴۰- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۳۶ ۳۰- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۳۷ ۳۱- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۳۸ ۳۲- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۳۹ ۳۲- صحیفه نور جلد : ۱۶ صفحه : ۶۴۰ ۳۳- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۴۱ ۲۱۹- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۴۲ ۲۴۴- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۴۳ ۲۴۵- صحیفه نور جلد : ۲۱ صفحه : ۶۴۴ ۱۹۴- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۶۴۵ ۴۷- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۶۴۶ ۲۹۲- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۶۴۷ ۷۷- صحیفه نور جلد : ۱۰ صفحه : ۶۴۸ ۱۶۰- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۶۴۹ ۲۷- صحیفه نور جلد : ۸ صفحه : ۶۵۰ ۶۰- صحیفه نور جلد : ۲۱ صفحه : ۶۵۱ ۱۸۶- صحیفه نور جلد : ۹ صفحه : ۶۵۲ ۱۹۴- صحیفه نور جلد : ۱۳ صفحه : ۶۵۳- صحیفه نور جلد : ۱۸ صفحه : ۶۵۴ ۱۸۰- صحیفه نور جلد : ۱۲ صفحه : ۶۵۵ ۲۰۰- صحیفه نور جلد : ۱۴ صفحه : ۶۵۶ ۲۵۸-

سوره کهف، آیه ۶. ۶۵۷- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۲۶ ۶۵۸- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۲۲۷ ۶۵۹- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۱۵۳ ۶۶۰- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۶۴ ۶۶۱- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۸۲۰ ۶۶۲- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۹۲۰ ۶۶۳- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۰ ۶۶۴- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۰ ۶۶۵- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۲ ۶۶۶- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۲ ۶۶۷- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۲ ۶۶۸- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۲ ۶۶۹- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۳ ۶۷۰- صحیفه نور جلد: ۱۳ صفحه: ۲۶۴ ۶۷۱- سوره حمد، آیه ۶. ۶۷۲- صحیفه نور جلد: ۱۷ صفحه: ۱۲۳ ۶۷۳- صحیفه نور جلد: ۱۷ صفحه: ۱۲۴ ۶۷۴- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۷ ۶۷۵- صحیفه نور جلد: ۱۵ صفحه: ۱۰۵ ۶۷۶- صحیفه نور جلد: ۱۸ صفحه: ۲۵۸ ۶۷۷- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۲۴۱ ۶۷۸- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۲۴۲ ۶۷۹- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۷۳ ۶۸۰- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۷۳ ۶۸۱- سوره محمد، آیه ۷. ۶۸۲- صحیفه نور جلد: ۱۹ صفحه: ۷۴ ۶۸۳- صحیفه نور جلد: ۲۱ صفحه: ۸۱۰ ۶۸۴- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۸۵ ۶۸۵- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۸۶ ۶۸۶- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۸۷ ۶۸۷- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۸۷ ۶۸۸- صحیفه نور جلد: ۷ صفحه: ۸۸ ۶۸۹- سوره فرقان، آیه ۳۰. ۶۹۰- سوره انفال، آیه ۴۶. ۶۹۱- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۳۶ ۶۹۲- صحیفه نور جلد: ۱۶ صفحه: ۳۷ ۶۹۳- صحیفه نور جلد: ۱۱ صفحه: ۱۱۷

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه

www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

